



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

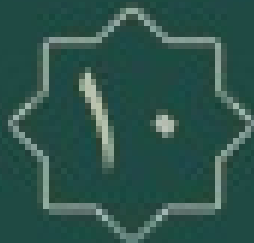
.ir

دانش نامه

قرآن و حدیث

فارسی - عربی

محمدی ری شهری



ترجمه

با همکاری

حمیدرضا شیخی

جمعی از پژوهشگران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی جلد ۱۰
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۸	ادامه عنوان اهل بیت علیهم السلام
۱۸	فصل چهارم : دانش اهل بیت علیهم السلام
۱۸	۱ / ۴ ویژگی های علمی اهل بیت علیهم السلام
۱۸	۱ / ۴ - ۱ گنجوران دانش خداوند
۲۰	۱ / ۴ - ۲ ظرف دانش خداوند
۲۲	۱ / ۴ - ۳ وارثان دانش پیامبران
۲۸	۱ / ۴ - ۴ حدیث آنها، همان حدیث پیامبر خداست
۳۲	۱ / ۴ - ۵ آگاه ترین مردم
۴۲	۱ / ۴ - ۶ راسخان در دانش
۴۴	۱ / ۴ - ۷ معدن دانش
۴۸	۱ / ۴ - ۸ زنده دارندگان علم و دانش
۵۰	۲ / ۴ درهای علوم اهل بیت علیهم السلام
۵۰	۲ / ۴ - ۱ علم کتاب
۵۴	۲ / ۴ - ۲ تأویل قرآن
۶۰	۲ / ۴ - ۳ نام اعظم خدا
۶۲	۲ / ۴ - ۴ آشنایی با همه زبان ها
۷۰	۲ / ۴ - ۵ آشنایی با زبان پرندگان و هر جانور دیگر
۷۲	۲ / ۴ - ۶ آگاهی از آنچه بوده و خواهد بود
۸۱	۲ / ۴ - ۷ آگاهی از مرگ و میرها و بلاها
۸۳	۲ / ۴ - ۸ آگاهی از هر آنچه در زمین و آسمان است

- ۸۵ ۲ / ۴ - ۹ آگاهی از آنچه خداوند، در شب و روز پدید می آورد
- ۸۷ ۳ / ۴ سرچشمه های علوم اهل بیت علیهم السلام
- ۸۷ ۳ / ۴ - ۱ آموزش پیامبر صلی الله علیه وآله
- ۹۱ ۳ / ۴ - ۲ اصول علم
- ۹۳ ۳ / ۴ - ۳ کتاب های پیامبران
- ۹۷ ۳ / ۴ - ۴ کتاب امام علی علیه السلام
- ۱۰۵ ۳ / ۴ - ۵ مُصحف فاطمه علیها السلام
- ۱۰۷ ۳ / ۴ - ۶ جامعه
- ۱۰۷ اشاره
- ۱۰۹ یادداشت
- ۱۱۱ ۳ / ۴ - ۷ جَفْر
- ۱۱۱ اشاره
- ۱۱۳ جَفْر چیست ؟
- ۱۱۵ ۳ / ۴ - ۸ الهام
- ۱۱۹ ۴ / ۴ چگونگی علم اهل بیت علیهم السلام
- ۱۱۹ ۴ / ۴ - ۱ هر گاه که بخواهند، می دانند
- ۱۱۹ ۴ / ۴ - ۲ علم برای اهل بیت علیهم السلام قبض و بسط می یابد
- ۱۲۱ ۴ / ۴ - ۳ علم اهل بیت علیهم السلام فزونی می یابد
- ۱۲۵ فصل پنجم : مکتب اهل بیت علیهم السلام
- ۱۲۵ ۱ / ۵ تفسیر دین در نزد اهل بیت علیهم السلام
- ۱۳۵ ۲ / ۵ ویژگی شیعیان اهل بیت علیهم السلام
- ۱۴۵ فصل ششم : اخلاق اهل بیت علیهم السلام
- ۱۴۵ ۱ / ۶ ایثار اهل بیت علیهم السلام
- ۱۵۳ ۲ / ۶ فروتنی اهل بیت علیهم السلام
- ۱۶۳ ۳ / ۶ گذشت اهل بیت علیهم السلام
- ۱۷۳ ۴ / ۶ شیوه اهل بیت علیهم السلام در عبادت

۱۷۳ ۴ / ۶ - ۱ اخلاص اهل بیت علیهم السلام در عبادت
۱۷۵ ۴ / ۶ - ۲ سختکوشی اهل بیت علیهم السلام در عبادت
۱۹۵ ۴ / ۶ - ۳ نماز اهل بیت علیهم السلام
۲۰۷ ۴ / ۶ - ۴ نماز شب اهل بیت علیهم السلام
۲۱۳ ۴ / ۶ - ۵ روزه اهل بیت علیهم السلام
۲۱۷ ۴ / ۶ - ۶ حج اهل بیت علیهم السلام
۲۲۳ ۵ / ۶ شیوه اهل بیت علیهم السلام در شکیبایی و خرسندی
۲۲۹ ۶ / ۶ شیوه اهل بیت علیهم السلام در طلب معاش
۲۳۷ ۷ / ۶ روش اهل بیت علیهم السلام در بخشش و صلہ
۲۵۱ ۸ / ۶ رفتار اهل بیت علیهم السلام با خدمت گزاران
۲۵۹ ۹ / ۶ کلیات مکارم اخلاقی اهل بیت علیهم السلام
۲۸۱ فصل هفتم : سفارش های اهل بیت علیهم السلام
۲۸۱ ۱ / ۷ سختکوشی در عمل
۲۸۹ ۲ / ۷ حُسن معاشرت
۲۹۳ ۳ / ۷ مسئولیت عالمان
۳۲۲ ۴ / ۷ سفارش های جامع اهل بیت علیهم السلام
۳۵۰ فصل هشتم : حقوق اهل بیت علیهم السلام
۳۵۰ ۱ / ۸ شناخت حقوق اهل بیت علیهم السلام
۳۵۴ ۲ / ۸ تشویق به پاسداشت حقوق اهل بیت علیهم السلام
۳۶۰ ۳ / ۸ عناوین حقوق اهل بیت علیهم السلام
۳۶۰ ۱ - ۳ / ۸ دوستی
۳۷۲ ۲ - ۳ / ۸ تمسک
۳۷۲ اشاره
۳۸۰ یادداشت
۳۸۲ ۳ - ۳ / ۸ ولایت
۳۹۲ ۴ - ۳ / ۸ مقدم داشتن

- ۳۹۶ - ۵ - ۳ / ۸ پیروی
- ۴۰۲ - ۶ - ۳ / ۸ گرامیداشت
- ۴۰۶ - ۷ - ۳ / ۸ خُمس
- ۴۰۸ - ۸ - ۳ / ۸ صلّه دادن
- ۴۱۲ - ۹ - ۳ / ۸ صلوات فرستادن
- ۴۱۴ - ۱۰ - ۳ / ۸ یاد کردن
- ۴۱۸ - ۱۱ - ۳ / ۸ ذکر مصائب
- ۴۲۶ - فصل نهم : دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام
- ۴۲۶ - ۱ / ۹ فضیلت دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام
- ۴۲۶ - ۱ - ۱ / ۹ بنیاد اسلام
- ۴۳۰ - ۲ - ۱ / ۹ دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، دوست داشتن خداست
- ۴۳۰ - ۳ - ۱ / ۹ دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، دوست داشتن پیامبر خداصلی الله علیه وآله است
- ۴۳۲ - ۴ - ۱ / ۹ هدیه ای الهی
- ۴۳۴ - ۵ - ۱ / ۹ برترین عبادت
- ۴۳۶ - ۶ - ۱ / ۹ دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، از جمله باقیات صالحات است
- ۴۳۸ - ۲ / ۹ ویژگی های دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام
- ۴۳۸ - ۱ - ۲ / ۹ نشانه حلال زادگی
- ۴۴۴ - ۲ - ۲ / ۹ نشانه پاکی دل
- ۴۴۶ - ۳ - ۲ / ۹ شرط توحید
- ۴۴۸ - ۴ - ۲ / ۹ نشانه ایمان
- ۴۵۴ - ۵ - ۲ / ۹ نخستین چیزی که در روز قیامت از آن سؤال می شود
- ۴۵۶ - ۳ / ۹ تربیت فرزندان بر دوستی اهل بیت علیهم السلام
- ۴۶۴ - ۴ / ۹ تشویق به ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در دل مردم
- ۴۶۶ - ۵ / ۹ نشانه های دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام
- ۴۶۶ - ۱ - ۵ / ۹ سختکوشی در عمل
- ۴۶۸ - ۲ - ۵ / ۹ دوست داشتن دوستداران اهل بیت علیهم السلام

- ۴۷۰ ۵ / ۹ - ۳ دشمن داشتنی دشمن اهل بیت علیهم السلام
- ۴۷۴ ۵ / ۹ - ۴ آمادگی برای گرفتاری
- ۴۸۲ ۶ / ۹ - آثار دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام
- ۴۸۲ ۶ / ۹ - ۱ پاک شدن گناهان
- ۴۸۴ ۶ / ۹ - ۲ آرامش دل
- ۴۸۶ ۶ / ۹ - ۳ حکمت
- ۴۸۶ ۶ / ۹ - ۴ کامل شدن دین
- ۴۸۸ ۶ / ۹ - ۵ خوش حالی هنگام مرگ
- ۴۸۸ ۶ / ۹ - ۶ شفاعت اهل بیت علیهم السلام
- ۴۹۰ ۶ / ۹ - ۷ روشنایی در روز قیامت
- ۴۹۰ ۶ / ۹ - ۸ ایمنی در روز قیامت
- ۴۹۲ ۶ / ۹ - ۹ استواری بر صراط
- ۴۹۴ ۶ / ۹ - ۱۰ رهایی از آتش دوزخ
- ۴۹۶ ۶ / ۹ - ۱۱ محشور شدن با اهل بیت علیهم السلام
- ۵۰۸ ۶ / ۹ - ۱۲ بهشت
- ۵۱۴ ۶ / ۹ - ۱۳ خیر دنیا و آخرت
- ۵۱۶ ۶ / ۹ - ۱۴ کلیات آثار دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام
- ۵۲۰ فصل دهم : دشمنی با اهل بیت علیهم السلام
- ۵۲۰ ۱ / ۱۰ - بر حذر داشتن از دشمنی با اهل بیت علیهم السلام
- ۵۲۴ ۲ / ۱۰ - آثار دشمنی با اهل بیت علیهم السلام
- ۵۲۴ ۲ / ۱۰ - ۱ ناخشنودی خداوند
- ۵۲۸ ۲ / ۱۰ - ۲ پیوستن به جرگه منافقان
- ۵۳۰ ۲ / ۱۰ - ۳ پیوستن به جرگه کفار
- ۵۳۲ ۲ / ۱۰ - ۴ پیوستن به جرگه یهود و نصارا
- ۵۳۶ ۲ / ۱۰ - ۵ محروم شدن از دیدن پیامبر صلی الله علیه وآله در قیامت
- ۵۳۶ ۲ / ۱۰ - ۶ ابتلا به خوره در روز قیامت

۵۳۸ ----- ۲ / ۱۰ - ۷ محروم شدن از شفاعت -

۵۳۸ ----- ۲ / ۱۰ - ۸ دوزخی شدن -----

۵۴۴ ----- فصل یازدهم : ستم کردن به اهل بیت علیهم السلام ..

۵۴۴ ----- ۱ / ۱۱ هشدار پیامبرصلی الله علیه وآله در باره ستم کردن به اهل بیت علیهم السلام ..

۵۴۸ ----- ۲ / ۱۱ حرام بودن بهشت بر کسی که به اهل بیت علیهم السلام ستم کند ..

۵۵۲ ----- ۳ / ۱۱ عذاب ستم کنندگان به اهل بیت علیهم السلام ..

۵۵۶ ----- ۴ / ۱۱ پیشگویی پیامبرصلی الله علیه وآله در باره ستم بر اهل بیت علیهم السلام ..

۵۷۰ ----- ۵ / ۱۱ ستم های رفته بر اهل بیت علیهم السلام ..

۶۲۷ ----- درباره مرکز ..

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان قراردادی : موسوعه معارف الکتاب و السنه . فارسی

عنوان و نام پدیدآور : دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی / محمدی ری شهری با همکاری جمعی از پژوهشگران ؛ ترجمه حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 13 -

مشخصات ظاهری : ج.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 99 .

شابک : 1500000 ریال: دوره : 0-494-493-964-978 ؛ ج. 4 : 9-587-493-964-978 ؛ ج. 5 : 588-493-964-978-978 ؛ ج. 6 : 9-590-493-964-978-978 ؛ ج. 8 : 6-591-493-964-978-978 ؛ ج. 9 : 3-592-493-964-978-978 ؛ ج. 10 : 978-964-493-964-978-978 ؛ ج. 12 : 4-595-493-964-978-978 ؛ ج. 13 : 1-596-493-964-978-978 ؛ ج. 14 : 493-964-978-978-978 ؛ ج. 15 : 5-598-493-964-978-978 ؛ ج. 16 : 2-599-493-964-978-978

یادداشت : فهرست نویسی بر اساس جلد چهارم .

یادداشت : این کتاب با حمایت و مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است .

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، 1337 -، مترجم

شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی

رده بندی کنگره : 1390 2د34م/BP136/9

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 2747877

الفصل الرابع : علم أهل البيت عليهم السلام 4 / 1 خصائصهم في العلم 4 / 1 - خزنة علم الله عز وجل رسول الله صلى الله عليه وآله عن الله عز وجل - في خصائص أهل البيت عليهم السلام - : وهم خزاني على علمي من بعدك . (1)

الإمام الباقر عليه السلام : وَاللَّهِ إِنَّا لَخُزَّانُ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ ، لَا عَلَى ذَهَبٍ وَلَا عَلَى فِضَّةٍ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ . (2)

عنه عليه السلام : نَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ ، وَنَحْنُ تَرَاجِمَةُ وَحْيِ اللَّهِ . (3)

1- .الكافي : ج 1 ص 193 ح 4 ، و ص 209 ح 4 ، بصائر الدرجات : ص 54 ح 3 كلاهما عن أبي حمزة الشمالي عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 26 ص 107 ح 12 .

2- .الكافي : ج 1 ص 192 ح 2 ، بصائر الدرجات : ص 104 ح 1 ، إعلام الوري : ج 1 ص 509 كلهما عن سورة بن كليب ، بحار الأنوار : ج 26 ص 105 ح 1 .

3- .الكافي : ج 1 ص 192 ح 3 ، بصائر الدرجات : ص 104 ح 6 كلاهما عن سدير ، إعلام الوري : ج 1 ص 535 عن سدير الصيرفي عن الإمام الصادق عليه السلام ، بشارة المصطفى : ص 158 عن جابر بن عبد الله فيه «ورثة» بدل «تراجمة» ، بحار الأنوار : ج 26 ص 105 ح 4 .

ادامه عنوان اهل بیت علیهم السلام

فصل چهارم : دانش اهل بیت علیهم السلام

4 / 1 ویژگی های علمی اهل بیت علیهم السلام

4 / 1 - 1 گنجوران دانش خداوند

فصل چهارم : دانش اهل بیت علیهم السلام 4 / 1 ویژگی های علمی اهل بیت علیهم السلام 4 / 1 - 1 گنجوران دانش خداوند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نقل از خداوند عز و جل، در توصیف ویژگی های اهل بیت علیهم السلام - : و آنها پس از تو، گنجوران علم من اند .

امام باقر علیه السلام: به خدا سوگند ، ما گنجوران خدا در آسمان و زمین هستیم ، نه بر زر و سیم ، که گنجوران علم اویم .

امام باقر علیه السلام: ما ، گنجوران علم خدا و بازگو کنندگان وحی خداییم .

عنه عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى عِلْمًا خَاصًّا وَعِلْمًا عَامًّا ، فَأَمَّا الْعِلْمُ الْخَاصُّ فَالْعِلْمُ الَّذِي لَمْ يُطْلَعْ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيََاءُهُ الْمُرْسَلِينَ ، وَأَمَّا عِلْمُهُ الْعَامُّ فَإِنَّهُ عِلْمُهُ الَّذِي أَطْلَعَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيََاءُهُ الْمُرْسَلِينَ ، وَقَدْ وَقَعَ إِلَيْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: نَحْنُ وَرِثْنَا النَّبِيِّينَ ، وَعِنْدَنَا عَصَا مُوسَى ، وَإِنَّا لَخَزَانُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ ، لَا يَخْرُجُ مِنْهَا ذَهَبٌ وَلَا فِضَّةٌ . (2)

عنه عليه السلام: نَحْنُ شَجَرَةُ الْعِلْمِ ، وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ ، وَفِي دَارِنَا مَهْبُطُ جِبْرِئِيلَ ، وَنَحْنُ خَزَانُ عِلْمِ اللَّهِ ، وَنَحْنُ مَعَادِنُ وَحْيِ اللَّهِ . مَنْ تَبِعَنَا نَجَا ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَلَكَ ، حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ . (3)

4 / 1 _ 2 عَيْبَةُ عِلْمِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلَالُ إِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ ، وَنَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ ، وَنَحْنُ عَيْبَةُ عِلْمِهِ ، وَنَحْنُ تَرَاجِمَةُ وَحْيِهِ ، وَنَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ ، وَنَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ . (4)

1- التوحيد: ص 138 ح 14 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بصائر الدرجات: ص 111 ح 12 عن حنّان الكندي عن أبيه و ص 109 ح 1 عن حنّان بن سدير كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 4 ص 85 ح 19 .

2- تفسير فرات: ص 107 ح 101 عن إبراهيم، تفسير العياشي: ج 2 ص 28 عن أبي حمزة الشمالي وفيه صدره إلى «موسى» نحوه وراجع: شرح الأخبار: ج 3 ص 402 ح 1287، بحار الأنوار: ج 23 ص 299 ح 50 .

3- الأملالي للصدوق: ص 383 ح 490، بشارة المصطفى: ص 54 كلاهما عن أبي بصير، روضة الواعظين: ص 299، بحار الأنوار: ج 26 ص 240 ح 1، وراجع: إعلام الوری: ج 1 ص 508 .

4- معاني الأخبار: ص 35 ح 5 عن أبي حمزة الشمالي، بحار الأنوار: ج 24 ص 12 ح 5 .

4 / 1 - 2 ظرف دانش خداوند

امام باقر علیه السلام: خداوند متعال، علم خاصی دارد و علم عامی. علم خاص او، همان علمی است که [حتی] فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده او، بر آن، آگاهی ندارند و علم عام او، همان علمی است که فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده او، بر آن، آگاهی دارند و از پیامبر خدا به ما رسیده است.

امام صادق علیه السلام: ما از پیامبران ارث می‌بریم. عصای موسی، نزد ماست و ما گنجوران خدا در زمین هستیم، نه گنجوران زر و سیم.

امام صادق علیه السلام: ما شجره علم و اهل بیت پیامبر هستیم. جایگاه فرود جبرئیل، در خانه ماست و ما گنجوران علم خدا و معادن وحی خدا هستیم. هر که از ما پیروی کند، رهایی می‌یابد و هر که از ما باز ماند، نابود می‌گردد و حق خداست که چنین کند.

4 / 1 - 2 ظرف دانش خداوند امام زین العابدین علیه السلام: ما، درهای خداییم. ما راه راستیم. ما ظرف علم اوییم. ما بازگوکننده وحی اوییم. ما پایه های توحید اوییم. ما جایگاه راز اوییم.

الإمام الصادق عليه السلام: نَحْنُ وُلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ، وَخَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ، وَعَيْبَةُ وَحْيِ اللَّهِ. (1)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى انْتَجَبَنَا لِنَفْسِهِ، فَجَعَلَنَا صَفْوَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَأَمْنَاءَهُ عَلَى وَحْيِهِ، وَخَزَانَهُ فِي أَرْضِهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ، وَعَيْبَةَ عِلْمِهِ. (2)

مقتضب الأثر عن وهب بن منبه - في ذكر ما أوحى إلى موسى عليه السلام - : تَمَسَّكَ بِذِكْرِهِمْ [مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ] فَإِنَّهُمْ خَزَنَةُ عِلْمِي، وَعَيْبَةُ حِكْمَتِي، وَمَعْدِنُ نُورِي. (3)

الاحتجاج عن فاطمة الصغرى - لأهل الكوفة بعد وقعة كربلاء وما جرى على أهل البيت - : أَمَا بَعْدُ، يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، يَا أَهْلَ الْمَكْرِ وَالْغَدْرِ وَالْخِيَلَاءِ، إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ ابْتِلَانِ اللَّهِ بِكُمْ، وَابْتِلَاكُمْ بِنَا، فَجَعَلَ بِلَاءَنَا حَسَنًا، وَجَعَلَ عِلْمَهُ عِنْدَنَا وَفَهْمَهُ لَدَيْنَا، فَنَحْنُ عَيْبَةُ عِلْمِهِ، وَوَعَاءُ فَهْمِهِ وَحِكْمَتِهِ، وَحُجَّتُهُ فِي الْأَرْضِ فِي بِلَادِهِ لِعِبَادِهِ، أَكْرَمَنَا اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ، وَفَضَّلَنَا بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ تَفْضِيلًا. (4)

1 / 4 - 3 وَرَزَقَهُ عِلْمَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَوَّلَ وَصِيِّي كَانَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ هِبَةُ اللَّهِ بِنُوحٍ، وَمَا مِنْ نَبِيٍّ مَضَى إِلَّا وَلَهُ وَصِيٌّ، وَكَانَ جَمِيعُ الْأَنْبِيَاءِ مِثَّةً أَلْفِ نَبِيِّ وَعِشْرِينَ أَلْفِ نَبِيٍّ، مِنْهُمْ خَمْسَةٌ أَوْلُو الْعِزْمِ: نُوحٌ، وَإِبْرَاهِيمُ، وَمُوسَى، وَعِيسَى، وَمُحَمَّدٌ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. وَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ كَانَ هِبَةَ اللَّهِ لِمُحَمَّدٍ، وَوَرِثَ عِلْمَ الْأَوْصِيَاءِ وَعِلْمَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، أَمَا إِنَّ مُحَمَّدًا وَرِثَ عِلْمَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. (5)

- 1- الكافي: ج 1 ص 192 ح 1، بصائر الدرجات: ص 61 ح 3 كلاهما عن عبد الرحمن بن كثير، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 206 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 106 ح 9.
- 2- بصائر الدرجات: ص 62 ح 7 عن عباد بن سليمان عن أبيه، بحار الأنوار: ج 26 ص 247 ح 16.
- 3- مقتضب الأثر: ص 76 ح 24، بحار الأنوار: ج 51 ص 149 ح 24.
- 4- الاحتجاج: ج 2 ص 106 ح 169 عن زيد - بن موسى بن جعفر - عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الملهوف: ص 195 عن زيد عن الإمام الكاظم عن الإمام الصادق عليهما السلام، مثير الأحزان: ص 87 نحوه، بحار الأنوار: ج 45 ص 110 ح 1.
- 5- الكافي: ج 1 ص 224 ح 2 عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الباقر عليه السلام، بصائر الدرجات: ص 121 ح 1 عن عبد الرحمن بن بكير الهجري عن الإمام الباقر عليه السلام، أعلام الدين: ص 464 عن عبد الله بن بكير عن الإمام الباقر عليه السلام، وفيهما «مئة ألف نبي وأربعة وعشرين» بدل «مئة ألف نبي وعشرين ألف نبي»، بحار الأنوار: ج 11 ص 41 ح 43.

3 / 1 - 4 وارثان دانش پیامبران

امام صادق علیه السلام: ما، والیان امر الهی و گنجوران دانش خدا و ظرف وحی خداوندیم .

امام صادق علیه السلام: خداوند _ تبارک و تعالی _ ما را برای خود برگزید و سپس ما را برگزیده مردمان و معتمدان بر وحی و گنجوران زمین و جایگاه راز و ظرف علم خود قرار داد .

مقتضب الأثر_ به نقل از وهب بن منبه، در یادکرد آنچه به موسی علیه السلام وحی شد _ به ذکر ایشان (محمد و اوصیای پس از او) متوسل شو؛ چرا که آنها گنجوران علم من و ظرف حکمت من و کان پرتو من اند .

الاحتجاج_ به نقل از فاطمه صغرا که پس از رویداد کربلا و آنچه بر اهل بیت گذشت، به اهل کوفه چنین خطاب کرد _ : اما پس از سپاس خداوند، ای کوفیان! ای اهل نیرنگ و دغل و خودپسندی! ما خاندانی هستیم که خداوند، ما را با شما و شما را با ما آزمود . پس آزمون ما را خوب قرار داد و علم خود را در میان ما گذاشت و فهمش را نزد ما نهاد . ما ظرف دانش و فهم و حکمت اوییم و حجت اوییم در زمین در بلاد او برای بندگانش . خداوند، ما را به سبب کرامت خود، ارجمند داشته و به سبب پیامبرش ما را بر بسیاری از خلایقش برتری داده است .

3 / 1 - 4 وارثان دانش پیامبران امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نخستین جانشینی که بر زمین بود، هبة الله پسر آدم علیه السلام بود و پیامبری رحلت نکرده است، مگر آن که جانشینی داشته است . شمار همه پیامبران، صد و بیست هزار پیامبر بوده که پنج تن از ایشان: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد علیهم السلام، اولو العزم بوده اند . علی بن ابی طالب، به منزله هبة الله برای محمد است و دانش [همه] اوصیا و دانش کسانی را که پیش از او بوده اند، به ارث برده است و محمد، دانش پیامبران و رسولان پیش از خود را به ارث برده است» .

الإمام عليّ عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! عَلَيْكُمْ بِالطَّاعَةِ وَالْمَعْرِفَةِ بِمَنْ لَا تُعَدَّرُونَ بِجَهَالَتِهِ، فَإِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي هَبَطَ بِهِ آدَمُ وَجَمِيعُ مَا فَضَّلَتْ بِهِ (1) النَّبِيُّونَ إِلَى خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، فِي عِتْرَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَيْنَ يُتَاهُ بِكُمْ بَلْ أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟! (2)

الخصال عن ذريح بن محمد المحاربي: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: نَحْنُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ. ثُمَّ قَالَ: جَلَّلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُوبًا، ثُمَّ عَلَّمَهُ أَلْفَ كَلِمَةٍ، كُلُّ كَلِمَةٍ تَفْتَحُ (3) أَلْفَ كَلِمَةٍ. (4)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُرْفَعِ وَالْعِلْمُ يُتَوَارَثُ، وَكَانَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَالِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةَ، وَإِنَّهُ لَمْ يَهْلِكْ مِنَّا عَالِمٌ قَطُّ إِلَّا خَلَفَهُ مِنْ أَهْلِهِ مَنْ عَلِمَ مِثْلَ عِلْمِهِ، أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ. (5)

1- في بعض نسخ المصدر: «فَصَّلَتْ» بدل «فُضِّلَتْ».

2- الإرشاد: ج 1 ص 232 عن إسماعيل بن زياد، كشف اليقين: ص 89 ح 87، الغيبة للنعماني: ص 44 نحوه، تفسير العياشي: ج 1 ص 102 ح 300 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تفسير القمّي: ج 1 ص 367 عن ابن أذينة عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 100 ح 59.

3- في المصدر: «يفتح» والمثبت من بحار الأنوار.

4- الخصال: ص 651 ح 49، بصائر الدرجات: ص 309 ح 4، الاختصاص: ص 285 عن إسماعيل بن جابر، شرح الأخبار: ج 2 ص 286 ح 599 وليس فيهما صدره إلى «رسول الله صلى الله عليه وآله» نحوه، بحار الأنوار: ج 40 ص 133 ح 16؛ كنز العمال: ج 13 ص 165 ح 36500، وراجع: الأصول الستة عشر: ص 262 ح 361.

5- الكافي: ج 1 ص 222 ح 2، بصائر الدرجات: ص 115 ح 4 نحوه وكلاهما عن زرارة وص 116 ح 10 عن الفضيل، علل الشرائع: ص 591 ح 40 عن محمد بن مسلم، كمال الدين: ص 223 ح 14 عن الفضيل بن يسار عن الإمام الصادق والإمام الباقر عليهما السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 39 ح 70، وراجع: المحاسن: ج 1 ص 366 ح 796.

امام علی علیه السلام: ای مردم! به اطاعت و شناخت کسانی رو آورید که عذر «بی اطلاعی از آنان»، پذیرفته نیست. آگاه باشید علمی که آدم، آن را فرود آورد و هر آنچه پیامبران تا خاتم الأنبیاء، بدان فضیلت داده شده اند، در خاندان محمد صلی الله علیه و آله است. پس به کدام کژراهه می روید؟ بلکه به کدام سو روانید؟

الخصال_ به نقل از ذریح بن محمد محاربی _ : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «ما وارثان پیامبرانیم . پیامبر صلی الله علیه و آله بر علی علیه السلام جامه ای پوشاند و سپس هزار کلمه به او آموخت که هر کلمه ، آغازگر هزار کلمه بود» .

امام باقر علیه السلام: علمی که با آدم علیه السلام فرود آمد ، دیگر بالا نرفت و علم، به ارث برده می شود و علی علیه السلام عالم این امت است و هرگز در میان ما عالمی رحلت نکرده ، مگر آن که از خاندان خود، کسی را به جانشینی نهد که علمی همچون او یا آنچه خدا بخواهد را بداند .

عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ شَرَفَهُمُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ، وَأَعَزَّهُمُ بِهِدَاةً، وَاخْتَصَّهُمُ لِدِينِهِ، وَفَضَّلَهُمُ بِعِلْمِهِ، وَاسْتَحَفَّظَهُمْ وَأَوْدَعَهُمْ عِلْمَهُ... فَهُمْ الْأَيْمَةُ الدُّعَاةُ، وَالْقَادَةُ الْهَدَاةُ، وَالْقُضَاةُ الْحُكَّامُ، وَالنُّجُومُ الْأَعْلَامُ، وَالْأَسُوءَةُ الْمُتَخَيَّرَةُ، وَالْعِتْرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، وَالْأُمَّةُ الْوُسطَى، وَالصِّرَاطُ الْأَعْلَمُ، وَالسَّبِيلُ الْأَقْوَمُ، زِينَةُ النَّجَبَاءِ، وَوَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ. (1)

الكافي عن أبي بصير: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: أَنْتُمْ وَرَثَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ، عَلِمَ كُلُّ مَا عَلِمُوا؟ قَالَ لِي: نَعَمْ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ عَالِمًا وَالْعِلْمُ يُتَوَارَثُ، وَلَنْ يَهْلِكَ عَالِمٌ إِلَّا بَقِيَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْلَمُ عِلْمَهُ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ. (3)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُرْفَعْ، وَمَا مَاتَ عَالِمٌ إِلَّا وَقَدْ وَرَثَ عِلْمَهُ، إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَبْقَى بِغَيْرِ عَالِمٍ. (4)

1- تفسير فرات: ص 337 ح 460 عن الفضل بن يوسف القصباني، بشارة المصطفى: ص 161، الدرّ النظيم: ص 769 عن جابر وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 253 ح 27.

2- الكافي: ج 1 ص 470 ح 3، بصائر الدرجات: ص 269 ح 1، دلائل الإمامة: ص 226 ح 153، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 184، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 711 ح 8 كلّها نحوه، بحار الأنوار: ج 46 ص 237 ح 13.

3- الكافي: ج 1 ص 221 ح 1، علل الشرائع: ص 591 ح 40، بصائر الدرجات: ص 118 ح 2، الإمامة والتبصرة: ص 225 ح 75 كلّها عن محمد بن مسلم، كمال الدين: ص 223 ح 13 عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 169 ح 33.

4- الكافي: ج 1 ص 223 ح 8، كمال الدين: ص 224 ح 19، بصائر الدرجات: ص 116 ح 9 كلّها عن الحارث بن المغيرة، بحار الأنوار: ج 23 ص 40 ح 75.

امام باقر علیه السلام: ای مردم! خداوند، خاندان پیامبر شما را به کرامتِ خود، ارجمندی بخشیده و به هدایت خود، عزیز داشته و به دین خود، اختصاص داده و به علم خود، فضیلت بخشیده و دانش خود را بدیشان سپرده و از آنها خواهان پاسداری آن شده است... آنان امامان دعوتگر و جلوداران هدایتگر و داوران حاکم و اخگران راه نما و الگوی نیکو و خاندان پاک و امت میانه و مشخصترین نشانه و راستترین راه و آرایش مردم نژاده و وارثان پیامبران اند.

الکافی_ به نقل از ابوبصیر_: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم. گفتم: شما، وارثان پیامبرِ خدا هستید؟ فرمود: «آری». گفتم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارث پیامبران بود و هر چه آنها می دانستند، می دانست؟ به من فرمود: «آری».

امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام عالم بود و علم، ارث برده می شود و عالم هرگز نمی میرد، مگر این که پس از او کسی بماند که علم او یا آنچه را خدا بخواهد، بداند.

امام صادق علیه السلام: علمی که با آدم علیه السلام فرود آمد، دیگر بالا نرفت (/ ناپود نشد) و عالمی در نگذشت، مگر آن که علمش را به ارث نهاد. زمین، بدون عالم، باقی نمی ماند.

عنه عليه السلام: نَحْنُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ ، وَوَرَثَةُ كِتَابِ اللَّهِ ، وَنَحْنُ صَفْوَتُهُ . (1)

الكافي عن ضريس الكناسي: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ أَبُو بَصِيرٍ ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ دَاوُودَ وَرِثَ عِلْمَ الْأَنْبِيَاءِ ، وَإِنَّ سُلَيْمَانَ وَرِثَ دَاوُودَ ، وَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرِثَ سُلَيْمَانَ ، وَإِنَّا وَرِثْنَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَإِنَّ عِنْدَنَا صَخْفَ إِبْرَاهِيمَ وَالْوَّاحِ مُوسَى . فَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ : إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْعِلْمُ ، فَقَالَ : يَا أَبَا مُحَمَّدٍ ، لَيْسَ هَذَا هُوَ الْعِلْمُ ، إِنَّمَا الْعِلْمُ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، يَوْمًا بِيَوْمٍ ، وَسَاعَةً بِسَاعَةٍ . (2)

الإمام الهادي عليه السلام_ فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ الَّتِي يُزَارُ بِهَا الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ _ : السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى ، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى ، وَأَعْلَامِ الثَّقَلَيْنِ ، وَذَوِي النَّهْيِ ، وَأَوْلِيِ الْحِجْبِ ، وَكَهْفِ الْوَرَى ، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ ، وَالْمَمَلِّ الْأَعْلَى ، وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى ، وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ . (3)

1 / 4 _ 4 حَدِيثُهُمْ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْحَدِيثِ يُرْسَلُهُ وَلَا يُسْنَدُهُ _ : إِذَا حَدَّثْتُ الْحَدِيثَ فَلَمْ أُسْنِدْهُ فَسَدَّ نَدِي فِيهِ أَبِي عَن جَدِّي عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَن جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (4)

1- .مختصر بصائر الدرجات : ص 63 عن عبد الغفار الجازي ، بحار الأنوار : ج 92 ص 100 ح 70 ، وراجع : الهداية الكبرى : ص 243 .

2- .الكافي : ج 1 ص 225 ح 4 ، بصائر الدرجات : ص 135 ح 1 نحوه ، بحار الأنوار : ج 17 ص 132 ح 8 .

3- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 96 ح 177 ، وراجع : ص 217 ح 6495 من كتابنا هذا .

4- .الإرشاد : ج 2 ص 167 ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 893 ، روضة الواعظين : ص 226 ، إعلام الوري : ج 1 ص 509 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 288 ح 11 .

4 / 1 - 4 حدیث آنها، همان حدیث پیامبر خداست

امام صادق علیه السلام: ما، وارثان انبیا و میراث بران کتاب خدا و برگزیدگان اوییم .

الکافی_ به نقل از ضریس کُناسی _ : نزد امام صادق علیه السلام بوم و ابو بصیر نیز در خدمت ایشان بود . امام صادق علیه السلام فرمود : «داوود، علم پیامبران را به ارث برد و سلیمان، علم داوود را و محمّد، علم سلیمان را و ما علم محمّد را به ارث برده ایم . نزد ماست صحف ابراهیم و ده فرمان موسی» . ابو بصیر گفت : این، همان علم است . فرمود : «ای ابو محمّد! این، همان علم نیست . علم، آن است که شب و روز و روز به روز و ساعت به ساعت رخ می دهد» .

امام هادی علیه السلام_ در زیارت جامعه که امامان علیهم السلام را با آن، زیارت می کنند _ : سلام بر امامان هدایت و چراغ های تاریکی و نشانه های تقوا و صاحبان خرد و فرزندگان و پناهگاه مردم و وارثان پیامبران و الگوهای والا و صاحبان دعوت نیکو و حجّت های خدا بر اهل دنیا و آخرت و نخستینیان، و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد!

4 / 1 _ 4 حدیث آنها، همان حدیث پیامبر خداست امام باقر علیه السلام_ وقتی از ایشان پرسیدند که: چرا ایشان حدیث را مرسل می گوید و اسناد نمی دهد؟ _ : هر گاه من حدیثی گفتم و آن را اسناد ندادم، سند من در آن، پدرم است به نقل از جدّم به نقل از پدرش به نقل از جدّش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نقل از جبرئیل به نقل از خداوند عز و جل .

عنه عليه السلام: لَوْ أَنَّا حَدَّثْنَا بِرَأِينَا ضَلَلْنَا كَمَا ضَلَّ مَنْ كَانَ قَبْلَنَا، وَلَكِنَّا حَدَّثْنَا بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّنَا بَيَّنَّهَا لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَبَيَّنَّهَا لَنَا. (1)

الإرشاد عن جابر: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا حَدَّثْتَنِي بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُهُ لِي. فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَكُلُّ مَا أَحَدَّثُكَ بِهِذَا الْإِسْنَادِ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي، وَحَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي، وَحَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ، وَحَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ، وَحَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَحَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَحَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (3)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ وَلَا يَتَنَا، وَأَوْجَبَ مَوَدَّتَنَا. وَاللَّهِ! مَا نَقُولُ بِأَهْوَأِنَا، وَلَا نَعْمَلُ بِأَرَائِنَا، وَلَا نَقُولُ إِلَّا مَا قَالَ رَبُّنَا عَزَّ وَجَلَّ. (4)

الإمام الكاظم عليه السلام: فِي جَوَابِ خَلْفِ بْنِ حَمَّادِ الْكُوفِيِّ لَمَّا سَأَلَهُ عَنِ مَسْأَلَةٍ مُشْكَلَةٍ: وَاللَّهِ! إِنِّي مَا أَخْبِرُكَ إِلَّا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (5)

-
- 1- بصائر الدرجات: ص 299 ح 2، الاختصاص: ص 281 نحوه، إعلام الوری: ج 1 ص 508 كلها عن الفضيل عن الفضيل بن يسار، بحار الأنوار: ج 2 ص 172 ح 2.
 - 2- الأملی للمفيد: ص 42 ح 10، بحار الأنوار: ج 2 ص 178 ح 27.
 - 3- الكافي: ج 1 ص 53 ح 14، منية المرید: ص 373 كلاهما عن حماد بن عثمان، الإرشاد: ج 2 ص 186، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 895، روضة الواعظین: ص 233 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 179 ح 28.
 - 4- الأملی للمفيد: ص 60 ح 4، بصائر الدرجات: ص 300 ح 5، إعلام الوری: ج 1 ص 537 كلاهما نحوه وكلها عن محمد بن شريح، بحار الأنوار: ج 2 ص 102 ح 65.
 - 5- الكافي: ج 3 ص 94 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 21 ح 1093، منتقى الجمال: ج 1 ص 197 كلها عن خلف بن حماد، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 311، بحار الأنوار: ج 4 ص 113 ح 22.

امام باقر علیه السلام: اگر ما بر اساس رأی و نظر خود حدیث بگوییم، گم راه شده ایم، همچون کسانی که پیش از ما بودند؛ لیکن ما از روی بی‌بینه‌ای از سوی خدایمان حدیث می‌گوییم که خداوند، آن را برای پیامبرش و او نیز برای ما تبیین کرده است.

الإرشاد_ به نقل از جابر_ : به امام باقر علیه السلام گفتم: هر گاه حدیثی برای من می‌گویی، سند آن را نیز برای من باز گو. فرمود: «پدرم به نقل از جدّم به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نقل از جبرئیل به نقل از خداوند عز و جله من حدیث کرده است. هر آنچه من به تو حدیث کنم، این گونه اسنادی دارد».

امام صادق علیه السلام: حدیث من حدیث پدرم و حدیث پدرم حدیث نیایم و حدیث نیایم، حدیث حسین و حدیث حسین حدیث حسن و حدیث حسن حدیث امیر مؤمنان و حدیث امیر مؤمنان حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و حدیث پیامبر خدا حدیث خداوند عز و جلاست.

امام صادق علیه السلام: خداوند، ولایت ما و دوستی ما را واجب ساخته است. به خدا سوگند، ما از روی هوس خود، سخن نمی‌گوییم و بر طبق آرای خود، عمل نمی‌کنیم، و نمی‌گوییم مگر آنچه را که خداوند عز و جل فرموده است.

امام کاظم علیه السلام_ در پاسخ خَلَف بن حَمَّاد کوفی که سؤال دشواری از ایشان پرسید_ : به خدا سوگند، من تو را آگاه نمی‌کنم، مگر به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نقل از جبرئیل به نقل از خداوند عز و جل.

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ . (1)

4 / 1 _ 5 أعلمُ النَّاسِ رسولَ الله صلى الله عليه وآله: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنِ أَحَدْتُمَا بِيَهُمَا لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَهْلَ بَيْتِي عِترتي . أَيُّهَا النَّاسُ! إِسْمَعُوا وَقَدْ بَلَغْتُ، إِنَّكُمْ سَتَرِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَاسْأَلْكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ، وَالثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَأَهْلُ بَيْتِي، فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَهْلِكُوا، وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الْأ- إِنَّ أBRَارَ عِترتي وَأَطَائِبَ أرومتي أَحَلَمُ النَّاسِ صِي غَارًا وَأَعْلَمُ النَّاسِ كِبَارًا، فَلَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لَا يُخْرِجُونَكُمْ مِنْ بَابِ هُدًى وَلَا يُدْخِلُونَكُمْ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ . (3)

الإمام علي عليه السلام: وَلَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفِظُونَ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: إِنِّي وَأَهْلُ بَيْتِي مُطَهَّرُونَ، فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا، وَلَا تَتَخَلَّفُوا عَنْهُمْ فَتَزَلُّوا، وَلَا تُخَالِفُوهُمْ فَتَجْهَلُوا، وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، هُمْ أَعْلَمُ النَّاسِ كِبَارًا، وَأَحْلَمُ النَّاسِ صِي غَارًا . (4)

-
- 1- رجال الكشي: ج 2 ص 490 ح 401 عن يونس بن عبد الرحمن، بحار الأنوار: ج 2 ص 250 ح 62 .
 - 2- الكافي: ج 1 ص 294 ح 3 عن عبد الحميد بن أبي الديلم عن الإمام الصادق عليه السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 229، الأمالي للصدوق: ص 616، تحف العقول: ص 426، كلُّها عن الريان بن الصِّدِّيق عن الإمام الرضا عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، تفسير العياشي: ج 1 ص 250 ح 169 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلُّها نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 152 ح 114 .
 - 3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 204 ح 1، الاحتجاج: ج 2 ص 436 ح 308، كلاهما عن علي بن محمَّد بن الجهم عن الإمام الرضا عليه السلام .
 - 4- تفسير القمي: ج 1 ص 4، الغيبة للنعماني: ص 44 وفيه «أعلم الناس صغارا» بدل «أعلم الناس صغارا»، بحار الأنوار: ج 23 ص 130 ح 62 .

4 / 1 - 5 آگاه ترین مردم

امام رضا علیه السلام: ما از سوی خدا و پیامبر او حدیث می گوئیم .

4 / 1 _ 5 آگاه ترین مردم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من دو چیز در میان شما می نهم که اگر به آن دو چنگ زنید، هرگز گم راه نمی شوید: کتاب خداوند عز و جل و اهل بیت که همان عترت من اند. ای مردم! گوش کنید. به من خبر رسیده است که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد خواهید شد و من در باره این که با این دو چیز گران سنگ چه کردید، از شما پرسش خواهم کرد. این دو چیز گران سنگ، کتاب خداوند والایم و اهل بیت من اند. پس، از آنها پیشی نگیرید که نابود می شوید و به آنها نیاموزید که دانایان از شما نیستند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که نیکان خاندان من و پاک ترین های تبار من، در خردسالی، خردمندترین مردم و در بزرگی سالی، دانایان ایشان اند. پس به آنها نیاموزید که دانایان از شما نیستند. آنها شما را از در هدایت بیرون نمی برند و به در گم راهی واردتان نمی سازند.

امام علی علیه السلام: اصحاب سر از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله می دانند که ایشان فرموده است: «من و خاندانم پاک هستیم. پس، از آنها پیشی نگیرید که گم راه می شوید و از آنها عقب نمانید که می لغزید و با آنها به مخالفت بر نخیزید که نادانی می یابید و به آنها نیاموزید که آنها از شما دانایان ترند. آنها دانایان ترین مردم اند در بزرگی سالی و خردمندترین آنها در خردسالی».

كمال الدين عن جابر بن يزيد_ في حديثٍ طویلٍ _ :دَخَلَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَبَيْنَمَا هُوَ يُحَدِّثُهُ إِذْ خَرَجَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ عِنْدِ نِسَائِهِ ، وَعَلَى رَأْسِهِ ذُوَابَةٌ وَهُوَ غُلَامٌ ، فَلَمَّا بَصُرَ بِهِ جَابِرٌ ارْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُ ، وَقَامَتْ كُلُّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ ، وَنَظَرَ إِلَيْهِ مَلِيًّا ، ثُمَّ قَالَ لَهُ : يَا غُلَامُ أَقْبِلْ ، فَأَقْبَلَ . ثُمَّ قَالَ لَهُ : أَدْبِرْ ، فَأَدْبَرَ ، فَقَالَ جَابِرٌ : سَمَانِلُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ ! ثُمَّ قَامَ فَدَنَا مِنْهُ ، فَقَالَ لَهُ : مَا اسْمُكَ يَا غُلَامُ ؟ فَقَالَ : مُحَمَّدٌ ، قَالَ : إِبْنُ مَنْ ؟ قَالَ : إِبْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ . قَالَ : يَا بُنَيَّ فَدَتَكَ نَفْسِي ، فَأَنْتَ إِذَا الْبَاقِرُ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ . ثُمَّ قَالَ : فَأَبْلِغْنِي مَا حَمَلَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ جَابِرٌ : يَا مَوْلَايَ ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَشَّرَنِي بِالْبَقَاءِ إِلَى أَنْ أَلْقَاكَ ، وَقَالَ لِي : إِذَا لَقَيْتَهُ فَأَقْرَبْهُ مِنِّي السَّلَامَ ، فَرَسُولُ اللَّهِ يَا مَوْلَايَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ . فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا جَابِرُ ، عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ مَا قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ ، وَعَلَيْكَ يَا جَابِرُ كَمَا بَلَّغْتَ السَّلَامَ . فَكَانَ جَابِرٌ بَعْدَ ذَلِكَ يَخْتَلِفُ إِلَيْهِ وَيَتَعَلَّمُ مِنْهُ ، فَسَدَّ آلُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ شَيْءٍ ، فَقَالَ لَهُ جَابِرٌ : وَاللَّهِ مَا دَخَلْتُ فِي نَهْيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَدْ أَخْبَرَنِي أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الْهُدَاةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ مِنْ بَعْدِهِ ، أَحَلَّمَ النَّاسِ صِغَارًا ، وَأَعَلَّمَ النَّاسِ كِبَارًا ، وَقَالَ : « لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ » ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : صَدَقَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، إِنِّي لَأَعْلَمُ مِنْكَ بِمَا سَأَلْتُكَ عَنْهُ ، وَلَقَدْ أُوتِيَتْ الْحُكْمَ صَبِيًّا ، كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتِهِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . (1)

1- .كمال الدين : ص 253 ح 3 ، كفاية الأثر : ص 55 ، الكافي : ج 1 ص 469 ح 2 ، الاختصاص : ص 62 كلاهما عن أبان بن تغلب ، روضة الواعظين : ص 227 والثلاثة الأخيرة نحوه ، بحار الأنوار : ج 36 ص 250 ح 67 .

کمال الدین_ در حدیثی طولانی _ : جابر بن عبد الله انصاری بر امام زین العابدین علیه السلام وارد شد. در حالی که امام علیه السلام با جابر بن عبد الله سخن می گفت ، ناگاه محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) از نزد خانواده اش بیرون آمد و زلف امام _ که هنوز جوان بود _ ، به چشم می خورد . هنگامی که جابر او را دید ، پیکرش به لرزه افتاد و موی بر بدنش راست گردید و اندکی بدو نگریست . سپس به او گفت : روبه من کن ، جوان! و او ، روبه جابر کرد . جابر ، سپس به او گفت : بر گرد . او برگشت . جابر گفت : به خدای کعبه سوگند ، شکل و شمایل پیامبر صلی الله علیه و آله را دارد . سپس جابر برخاست و به او نزدیک شد و گفت : نام تو چیست ، ای جوان؟ فرمود : «محمد» . جابر پرسید : پسر که هستی؟ فرمود : «پسر علی بن الحسین» . جابر گفت : فرزندم! جانم فدایت باد! بنا بر این تو باید باقر باشی . پاسخ داد : «آری» . و سپس فرمود : «به من بگو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چه مسئولیتی بر دوش تو نهاده است؟» . جابر گفت : سرورم! پیامبر صلی الله علیه و آله به من بشارت زنده ماندن داد تا تو را ملاقات کنم و به من فرمود : «هرگاه او را دیدی ، سلام مرا به او برسان» . سرورم! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به تو سلام می رساند . امام باقر علیه السلام فرمود : «ای جابر! سلام و درود بر پیامبر خدا ، تا زمانی که آسمان ها و زمین بر قرارند و بر تو _ ای جابر _ سلامی باد ، به گونه ای که ابلاغ کردی!» . جابر از این پس نزد امام علیه السلام می رفت و از ایشان آموزش می گرفت . يك بار امام باقر علیه السلام در باره چیزی از او پرسش کرد . جابر در پاسخ گفت : به خدا سوگند ، من بر خلاف نهی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار نمی کنم . او به من فرموده است که شما ، امامان هدایتگر از خاندانش پس از او هستید که در خردسالی ، خردمندترین مردم و در بزرگ سالی ، داناترین مردم هستید و نیز فرمود : «به آنها چیزی نیاموزید ، که آنها از شما داناترند» . امام باقر علیه السلام فرمود : «جدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله راست گفت . من در آنچه از تو پرسیدم ، آگاه ترم و از کودکی ، حکمت را دریافته ام و همه اینها در پرتو فضل خدا و رحمت او به ما اهل بیت است» .

الطبقات الكبرى عن جبلة بنت المصّفح عن أبيها: قال لي عليّ عليه السلام: يا أبا بني عامرٍ، سَدّ لني عَمَّا قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، فَإِنَّا نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ أَعْلَمُ بِمَا قَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ. (1)

الإمام عليّ عليه السلام_ فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ غَايَةُ كُلِّ مُتَعَمِّقٍ فِي عِلْمِنَا أَنْ يَجْهَلَ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام_ لَسَلَّمَ بِنِ كَهَيْلٍ وَالْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ _ شَرْقًا وَغَرْبًا، فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ حَقٌّ وَلَا صَوَابٌ، وَلَا أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ يَقْضِي بِقَضَاءِ حَقٍّ إِلَّا مَا خَرَجَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. وَإِذَا تَشَعَّبَتْ بِهِمُ الْأُمُورُ كَانَ الْخَطَأُ مِنْهُمْ وَالصَّوَابُ مِنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (4)

الكافي عن زرارة: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَسْأَلُهُ عَنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «سَدِّ لُونِي عَمَّا شِئْتُمْ، فَلَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِهِ». قَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ إِلَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلْيَذْهَبِ النَّاسُ حَيْثُ شَافُوا، فَوَاللَّهِ لَيْسَ الْأَمْرُ إِلَّا مِنْ هَاهُنَا _ وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَيْتِهِ _ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام: كُلُّ مَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ فَهُوَ بَاطِلٌ. (6)

-
- 1- الطبقات الكبرى: ج 6 ص 240.
 - 2- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 307 ح 515.
 - 3- الكافي: ج 1 ص 399 ح 3، بصائر الدرجات: ص 10 ح 4، رجال الكشي: ج 2 ص 469 ح 369 كلّها عن أبي مريم الأنصاري، بحار الأنوار: ج 2 ص 92 ح 20.
 - 4- الكافي: ج 1 ص 399 ح 1، الأمالي للمفيد: صص 96 ح 6، بصائر الدرجات: ص 519 ح 2، المحاسن: ج 1 ص 243 ح 448، مختصر بصائر الدرجات: ص 10 كلّها عن محمّد بن مسلم نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 95 ح 35.
 - 5- الكافي: ج 1 ص 399 ح 2، بصائر الدرجات: ص 12 ح 1 نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 94 ح 34.
 - 6- بصائر الدرجات: ص 511 ح 21، مختصر بصائر الدرجات: ص 62، كلاهما عن فضيل بن يسار، مستدرک الوسائل: ج 17 ص 309 ح 21432 نقلاً عن الاختصاص نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 94 ح 32.

الطبقات الكبرى_ به نقل از جبله دختر مصفح، از پدرش _: علی علیه السلام به من گفت: «ای مرد بنی عامری! در باره آنچه خدا و پیامبرش فرموده اند، از من پرسش کن که ما اهل بیت به آنچه خدا و پیامبرش فرموده اند، آگاه ترینیم» .

امام علی علیه السلام_ در سخنان حکیمانه منسوب به ایشان _: غایت هر ژرف اندیش در دانش ما، آن است که نداند .

امام باقر علیه السلام_ به سلمة بن کُهیل و حکم بن عتّیه _: نه در شرق و نه در غرب، دانش صحیحی را نمی یابید، مگر آن که از نزد ما اهل بیت بیرون آمده باشد .

امام باقر علیه السلام: هیچ يك از مردم، به حق و صوابی دست نیافته و هیچ کس داوری حقی نکرده است، مگر از آنچه از سوی ما اهل بیت صادر شده باشد و هر گاه امور آنها شاخه شاخه گردد، خطا از آن ایشان و صواب، از آن علی علیه السلام خواهد بود .

الکافی_ به نقل از زراره _: نزد امام باقر علیه السلام بودم . مردی از اهل کوفه از ایشان در باره این سخن امیر مؤمنان علیه السلام که: «در باره هر چه می خواهید، از من بپرسید . شما در باره نکته ای از من نخواهید پرسید، مگر آن که شما را از آن آگاه می کنم» پرسش کرد . فرمود: «هیچ کس به علمی دست نیافته است، مگر این که آن علم از سوی امیر مؤمنان علیه السلام صادر شده باشد . مردم هر کجا می خواهند بروند . به خدا سوگند، امر نیست، مگر از این جا» و با دست به خانه اش اشاره کرد .

امام باقر علیه السلام: هر چه از این خانه صادر نشده باشد، باطل است .

الكافي عن عبد الله بن سليمان: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَعِنْدَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ يُقَالُ لَهُ: عُثْمَانُ الْأَعْمَى وَهُوَ يَقُولُ: إِنَّ الْحَسَنَ الْبَصْرِيَّ يَزْعُمُ أَنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْعِلْمَ يُؤْذِي رِيحَ بَطُونِهِمْ أَهْلَ النَّارِ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَهَلْكَ إِذَنْ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ! مَا زَالَ الْعِلْمُ مَكْتُومًا مُنْذُ بَعَثَ اللَّهُ نُوحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلْيَذْهَبِ الْحَسَنُ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَوَاللَّهِ مَا يُوْجَدُ الْعِلْمُ إِلَّا هَاهُنَا. (1)

الكافي عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ سَهَادَةِ وَالدِّ الرَّنَا: تَجُوزُ؟ فَقَالَ: لَا، فَقُلْتُ: إِنَّ الْحَكَمَ بْنَ عَتِيْبَةَ يَزْعُمُ أَنَّهَا تَجُوزُ. فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَا تَغْفِرْ ذَنْبَهُ، مَا قَالَ اللَّهُ لِلْحَكَمِ: «وَإِنَّهُ لَآذِكُرُّ لَكَ وَلِقَوْمِكَ» (2)، فَلْيَذْهَبِ الْحَكَمُ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَوَاللَّهِ لَا يُؤْخَذُ الْعِلْمُ إِلَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَزَلَ عَلَيْهِمْ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام - لِأَبِي بَصِيرٍ -: إِنَّ الْحَكَمَ بْنَ عَتِيْبَةَ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (4)، فَلْيَسْرِقِ الْحَكَمُ وَلْيَغْرَبْ، أَمَا وَاللَّهِ، لَا يُصِيبُ الْعِلْمَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَزَلَ عَلَيْهِمْ جِبْرَائِيلُ (5).

1- الكافي: ج 1 ص 51 ح 15، الاحتجاج: ج 2 ص 193 ح 212 نحوه، بصائر الدرجات: ص 9 ح 1، منية المرید: ص 188، بحار الأنوار: ج 2 ص 65 ح 3.

2- الزخرف: 44.

3- الكافي: ج 1 ص 400 ح 5، بصائر الدرجات: ص 9 ح 3، رجال الكشي: ج 2 ص 469 ح 370، بحار الأنوار: ج 2 ص 91 ح 19.

4- البقرة: 8.

5- بصائر الدرجات: ص 9 ح 2 عن أبي بصير، الكافي: ج 1 ص 399 ح 4 مضمراً، رجال الكشي: ج 2 ص 469 ح 370 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 91 ح 18.

الکافی_ به نقل از عبد الله بن سلیمان _ : مردی از بصریان به نام عثمان اعمی در خدمت امام باقر علیه السلام بود و شنیدم که می گفت : حسن بصری گمان می کند کسانی که دانش خود را پنهان می دارند ، دوزخیان از باد شکم آنها در آزار خواهند بود . امام باقر علیه السلام فرمود : « بنا بر این ، مؤمن خاندان فرعون ، نابود شده است ؛ زیرا از هنگامی که خداوند ، نوح علیه السلام را بر انگیخت ، دانش ، پنهان بوده است . به خدا سوگند ، حَسَن چه به شمال برود چه به جنوب ، دانشی جز در این جا یافت نمی شود» .

الکافی_ به نقل از ابو بصیر _ : از امام باقر علیه السلام در باره شهادت دادن زنزاده پرسش کردم که : آیا جایز است ؟ فرمود : « خیر » . گفتم : حَکَم بن عتیبه می گوید جایز است . فرمود : « خدایا ! از گناه او در مگذر . خداوند به حَکَم نفرموده است : « و این قرآن برای تو و قومت تذگری است » . حَکَم ، چه به راست برود و چه به چپ ، به خدا سوگند ، علم به دست نمی آید ، مگر از اهل بیته که جبرئیل بر آنها نازل شده است » .

امام صادق علیه السلام_ به ابو بصیر _ : حکم بن عتیبه ، از کسانی است که خداوند در باره آنها فرموده است : « برخی از مردم می گویند که به خدا و روز واپسین ایمان آورده ایم ، در حالی که ایمان ندارند » . حَکَم ، چه به شرق برود چه به غرب ، به خدا سوگند ، به علمی دست نمی یابد ، مگر از اهل بیته که جبرئیل بر آنان نازل شده است .

الإمام الصادق عليه السلام: يا يونس، إذا أردت العلم الصحيح فخذ عن أهل البيت، فإننا رويناه، وأوتينا شرح الحكمة وفصل الخطاب، إن الله اصطفانا وآتانا ما لم يؤت أحدا من العالمين. (1)

عنه عليه السلام - وعنده أناس من أهل الكوفة - عجباً للناس، إنهم أخذوا علمهم كله عن رسول الله صلى الله عليه وآله فعملوا به واهتدوا، ويرون أن أهل بيته لم يأخذوا علمه! ونحن أهل بيته وذريته، في منازلنا نزل الوحي، ومن عندنا خرج العلم إليهم، أفيرون أنهم علموا واهتدوا وجهلنا نحن وضللنا؟! إن هذا لمحال. (2)

الإمام الرضا عليه السلام: إن الأنبياء والأئمة - صلوات الله عليهم - يوفقهم الله ويؤتيهم من مخزون علمه وحكمه ما لا يؤتاه غيرهم، فيكون علمهم فوق علم أهل الزمان في قوله تعالى: «أفمن يهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (3) وقوله تبارك وتعالى: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (4) وقوله في طالوت: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (5). (6)

-
- 1- بحار الأنوار: ج 26 ص 158 ح 5 نقلاً عن كتاب المحتضر، مختصر بصائر الدرجات: ص 122، كفاية الأثر: ص 254، الصراط المستقيم: ج 2 ص 157 كلها عن يونس بن ظبيان والثلاثة الأخيرة نحوه.
 - 2- الكافي: ج 1 ص 398 ح 1، الأمالي للمفيد: ص 122 ح 6 نحوه، بصائر الدرجات: ص 12 ح 3 كلها عن يحيى بن عبد الله، بحار الأنوار: ج 2 ص 179 ح 2.
 - 3- يونس: 35.
 - 4- البقرة: 269.
 - 5- البقرة: 247.
 - 6- الكافي: ج 1 ص 202 ح 1، كمال الدين: ص 680 ح 31، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 221 ح 1، تحف العقول: ص 441 نحوه، الاحتجاج: ج 2 ص 445 ح 310 كلها عن عبد العزيز بن مسلم، بحار الأنوار: ج 25 ص 127 ح 4.

امام صادق علیه السلام: ای یونس! هر گاه طالب علم صحیح بودی، آن را از اهل بیت بستان؛ زیرا آن برای ما روایت شده است و به ما شرح حکمت و سخن فصل داده اند. خداوند، ما را برگزیده است و به ما آن داده که به هیچ يك از جهانیان نداده است.

امام صادق علیه السلام در حالی که گروهی از کوفیان در خدمت ایشان بودند _ شگفت از مردمی که همه علم خود را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ستاندند و بدان عمل کردند و ره یافتند و گمان می کنند اهل بیت او علمش را نستانده اند، در حالی که ما، اهل بیت و ذریه او هستیم؛ وحی در خانه های ما فرود آمد و علم از سوی ما بدیشان صادر شد. آیا آنها گمان می کنند که آگاه شده اند و ره یافته اند؛ ولی ما نمی دانیم و گم راه شده ایم؟! این، محال است».

امام رضا علیه السلام: خداوند، پیامبران و امامان را _ که درودهای خداوند بر آنان باد _ توفیق داده است و بدیشان از گنجینه علم و حکمت خود، آن بخشیده که به دیگران نبخشیده است. علم آنها، برتر از علم مردم زمانشان است در این سخن خداوند متعال: «آیا آن که به سوی حق هدایت می کند، برای پیروی، سزاوارتر است یا کسی که هدایت نمی کند، مگر خود هدایت شود؟ پس شما را چه شده؟! چگونه داوری می کنید» و این سخن خدای _ تبارک و تعالی _ : «هر که حکمت داده شده، خیر فراوانی بدو داده شده است» و سخن او در باره طالوت: «خداوند، او را بر شما برگزیده و به دانش و توان او افزوده است و خداوند، مُلک خویش را به هر کس بخواهد، می بخشد و خداوند، گشایشگری دانا است».

4 / 1 _ 6 الراسيخون في العلم لإمام علي عليه السلام: أين الذين زعموا أنهم الراسيخون في العلم دوننا، كذبنا وبغينا علينا أن رفعنا الله ووضعهم، وأعطانا وحرّمهم، وأدخلنا وأخرجهم؟! بنا يستعطي الهدى، ويستجلى العمى . (1)

عنه عليه السلام: فرض على الأمة طاعة ولاة أمره القوام بدينه، كما فرض عليهم طاعة رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: «أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولى الأمر منكم» (2). ثم بين محلّ ولاة أمره من أهل العلم بتأويل كتابه، فقال عز وجل: «ولو ردوه إلى الرسول وإلى أولى الأمر منهم لعلمه الذين يستنبطونه منهم» (3). وعجز كل أحد من الناس عن معرفة تأويل كتابه غيرهم، لأنهم هم الراسيخون في العلم، المأمونون على تأويل التنزيل، قال الله تعالى: «وما يعلم تأويله إلا الله والراسيخون في العلم» (4). (5)

تفسير العياشي عن بريد بن معاوية: قلت لأبي جعفر عليه السلام: قول الله: «وما يعلم تأويله إلا الله والراسيخون في العلم» قال: يعني تأويل القرآن كله إلا الله والراسيخون في العلم، فرسول الله أفضل الراسيخين، قد علمه الله جميع ما أنزل عليه من التنزيل والتأويل، وما كان الله منزلاً عليه شيئاً لم يعلمه تأويله، وأوصياؤه من بعده يعلمونه كله، فقال الذين لا يعلمون: ما نقول إذا لم نعلم تأويله؟ فأجابهم الله: «يقولون آمناً به كل من عند ربنا». والقرآن له خاص وعام، وناسخ ومنسوخ، ومحكم ومتشابه، فالراسيخون في العلم يعلمونه. (6)

- 1- نهج البلاغة: الخطبة 144، غرر الحكم: ج 2 ص 365 ح 2826، عيون الحكم والمواعظ: ص 130 ح 2948، المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 285 كلها بزيادة «وحسدا لنا» بعد «وبغيا علينا»، بحار الأنوار: ج 23 ص 205 ح 53.
- 2- النساء: 59.
- 3- النساء: 83.
- 4- آل عمران: 7.
- 5- بحار الأنوار: ج 69 ص 79 ح 29 وج 93 ص 55 كلاهما نقلاً عن تفسير النعماني.
- 6- تفسير العياشي: ج 1 ص 164 ح 6، الكافي: ج 1 ص 213 ح 2، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 100 ح 3 وليس فيه ذيله من «فقال الذين»، بصائر الدرجات: ص 204 ح 8 كلها عن بريد العجلي عن أحدهما عليهما السلام، تفسير القمي: ج 1 ص 96 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 199 ح 33.

4 / 1 - 6 راسخان در دانش

4 / 1 _ 6 راسخان در دانش امام علی علیه السلام: کجایند کسانی که گمان کرده اند که راسخان در دانش، آنها را نه ما؟ آنان دروغ می گویند و به حق ما تجاوز می کنند. خداوند، ما را بالا برده و آنها را پست کرده است و به ما بخشیده و آنها را محروم ساخته است و ما را داخل کرده و آنها را بیرون برده است. در پرتو وجود ماست که هدایت، اعطا می شود و پرده از نابینایی برگرفته می شود.

امام علی علیه السلام: خداوند، فرمانبری از والیان امر خود را که به دین او می پردازند، واجب ساخته است، چنان که فرمانبری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را بر آنها واجب کرده است. خداوند می فرماید: «خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولو الأمران را اطاعت کنید». سپس خداوند، جایگاه والیان امرش را که به تأویل کتابش علم و آگاهی دارند، روشن کرده و می فرماید: «و اگر آن را به پیامبر و اولو الأمر خود ارجاع دهند، قطعاً از میان آنان، کسانی اند که [حقیقت] آن را در می یابند». همه مردم، جز ایشان از شناخت کتاب او ناتوان اند؛ زیرا آنان راسخان در دانش اند و در تأویل قرآن، [از خطا] ایمن قرار داده شده اند. خداوند می فرماید: «و تأویل آن را هیچ کس نمی داند، مگر خدا و راسخان در دانش».

تفسیر العیاشی - به نقل از برید بن معاویه - از امام باقر علیه السلام مفهوم این سخن خداوند را که: «و تأویل آن را هیچ کس نمی داند، مگر خدا و راسخان در دانش» جو یا شدم. فرمود: «یعنی: تأویل همه قرآن را [نمی داند]، مگر خدا و راسخان در دانش. پس پیامبر خدا، بالاترین راسخان است که خداوند متعال، هر تنزیل و تأویلی را که بر او نازل کرده، بدو آموخته است و خداوند، چیزی بر او نازل نفرموده که تأویل آن را بدو نیاموخته باشد و جانشینان پس از او، همه آن را می دانند. آنها می دانند، گفتند: اینک که تأویل آن را نمی دانیم، چه بگوئیم؟ خداوند به آنها پاسخ داد: «[راسخان در علم] می گویند: ما به آن ایمان آوردیم. همه آن، از جانب پروردگار ماست». قرآن، خاص دارد و عامی و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابهی و راسخان در دانش، آن را می دانند».

الإمام الصادق عليه السلام: نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ، وَنَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ . (1)

عنه عليه السلام: الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ : أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ بَعْدِهِ . (2)

7 / 1 _ 4 مَعْدِنُ الْعِلْمِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا أَهَلَ الْبَيْتِ ، أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ ، وَشَجَرَةُ النَّبُوَّةِ ، وَمَوْضِعُ الرِّسَالَةِ ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ ، وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ . (3)

العمدة عن حميد بن عبد الله بن يزيد المدني: أَنَّهُ ذَكَرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَضَاءٌ قَضَى بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، فَأَعْجَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِيْنَا الْحِكْمَةَ أَهْلَ الْبَيْتِ . (4)

-
- 1- الكافي: ج 1 ص 213 ح 1 ، بصائر الدرجات: ص 204 ح 5 ، تفسير العياشي: ج 1 ص 164 ح 8 ، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 100 ح 2 كلُّها عن أبي بصير ، بحار الأنوار: ج 23 ص 199 ح 31 .
 - 2- الكافي: ج 1 ص 213 ح 3 ، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 421 كلاهما عن عبد الرحمن بن كثير ، الصراط المستقيم: ج 1 ص 292 نحوه ، بحار الأنوار: ج 23 ص 208 ح 12 ، وراجع: تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 100 ح 1 .
 - 3- بصائر الدرجات: ص 56 ح 1 عن الضحَّاك بن مزاحم وص 58 ح 8 عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، الكافي: ج 1 ص 221 ح 2 عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار: ج 26 ص 245 ح 8 ؛ الدرّ المنثور: ج 6 ص 606 عن الضحَّاك بن مزاحم نحوه .
 - 4- العمدة: ص 254 ح 392 ، الصراط المستقيم: ج 2 ص 10 نحوه ، بحار الأنوار: ج 101 ص 412 ح 19 ؛ فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 2 ص 654 ح 1113 ، تفسير ابن أبي حاتم: ج 2 ص 533 ح 2830 كلاهما نحوه ، ذخائر العقبى: ص 154 .

4 / 1 - 7 معدن دانش

امام صادق علیه السلام: ما، راسخان در دانش هستیم و ما تأویل قرآن را می دانیم .

امام صادق علیه السلام: راسخان در دانش ، امیر مؤمنان و امامان پس از او هستند .

4 / 1 _ 7 معدن دانش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ما، اهل بیت رحمت و درخت نبوت و جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و کان دانش هستیم .

العمدة_ به نقل از حمید بن عبد الله بن یزید مدنی _ : نزد پیامبر صلی الله علیه و آله در باره یکی از داوری های علی بن ابی طالب علیه السلام سخن به میان آمد . پیامبر صلی الله علیه و آله به شگفت آمد و فرمود: «ستایش، خدایی را که حکمت را در میان ما اهل بیت نهاد» .

الإمام علي عليه السلام: نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَمَحَطُّ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ، وَيَنَابِيعُ الْحُكْمِ، نَاصِرُونَ وَمُجِبُّونَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ، وَعَدُوْنَا وَمُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ. (1)

عنه عليه السلام_ وَقَدْ خَطَبَ النَّاسَ بِالْمَدِينَةِ _ وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْ اقْتَبَسْتُمْ الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِهِ، وَشَرِبْتُمْ الْمَاءَ بِعَذْوِيَّتِهِ، وَادَّخَرْتُمْ الْخَيْرَ مِنْ مَوْضِعِهِ، وَأَخَذْتُمْ الطَّرِيقَ مِنْ وَاضِحِهِ، وَسَلَكْتُمْ مِنَ الْحَقِّ نَهْجَهُ، لَنَهَجْتُمْ بِكُمْ السُّبُلَ، وَبَدَتْ لَكُمْ الْأَعْلَامُ، وَأَضَاءَ لَكُمْ الْإِسْلَامُ. (2)

الإمام الحسين عليه السلام: مَا نَدْرِي مَا تَقِيْمُ النَّاسُ مِنَّا! إِنَّا لَبَيْتُ الرَّحْمَةَ، وَشَجَرَةَ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ. (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَا يَنْقِمُ النَّاسُ مِنَّا؟! فَتَحْنُ وَاللَّهِ شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ، وَبَيْتُ الرَّحْمَةِ، وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ. (4)

-
- 1- نهج البلاغة: الخطبة 109، الكافي: ج 1 ص 221 ح 2 وفيه صدره إلى «معادن العلم»، غرر الحكم: ج 6 ص 187 ح 10005، عيون الحكم والمواعظ: ص 499 ح 9208، بحار الأنوار: ج 26 ص 265 ح 52.
 - 2- الكافي: ج 8 ص 32 ح 5 عن أبي الهيثم بن التيهان، بحار الأنوار: ج 28 ص 240 ح 27.
 - 3- نزهة الناظر: ص 85 ح 21.
 - 4- الكافي: ج 1 ص 221 ح 1، بصائر الدرجات: ص 56 ح 2 نحوه و ص 58 ح 9 كلَّها عن أبي الجارود، الإرشاد: ج 2 ص 168، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 892 كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام، إعلام الوری: ج 1 ص 508 عن عبد الرحمن بن الحجاج عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام وكلَّها نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 246 ح 10.

امام علی علیه السلام: ما، درخت نبوت و فرودگاه رسالت و مکان آمد و شد فرشتگان و کان های دانش و سرچشمه های حکمتیم . یار و دوستدار ما، رحمت را انتظار می کشد و دشمن و کینه توز ما، یورش را انتظار می برد .

امام علی علیه السلام_ در سخنرانی برای مردم مدینه _ : آگاه باشید! سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید ، اگر دانش را از کانش برگیرید و آب را با گوارایی اش بنوشید و خیر را از جایگاهش بیندوزید و راه روشن را در پیش گیرید و در پیمودن حق ، مسیر آن را بپیمایید ، راه ها بر شما هویدا می شوند و نشانه ها بر شما رخ می نمایند و اسلام برای شما پرتوافشانی می کند .

امام حسین علیه السلام: ما نمی دانیم چرا مردم، کینه ما را می جویند ، در حالی که ما خانه رحمت و درخت نبوت و کان دانش و معرفتیم!

امام زین العابدین علیه السلام: چرا مردم، کینه ما را می جویند ، در حالی که _ به خدا سوگند _ ما درخت نبوت و خانه رحمت و کان دانش و معرفت، و مکان آمد و شد فرشتگانیم .

الإمام الباقر عليه السلام: إنَّ العِلْمَ بِكِتَابِ اللَّهِ عز و جل وسِدِّئَةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيَنْبُتُ فِي قَلْبٍ مَهْدِيْنَا كَمَا يَنْبُتُ الزَّرْعُ عَلَى أَحْسَنِ نَبَاتِهِ، فَمَنْ بَقِيَ مِنْكُمْ حَتَّى يَرَاهُ فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَالتُّبُوَّةِ، وَمَعْدِنَ الْعِلْمِ، وَمَوْضِعَ الرَّسَالَةِ. (1)

عنه عليه السلام: شَجَرَةُ أَصْلُهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَفَرْعُهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَغْصَانُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَتَمَرَاتُهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَإِنَّهَا شَجَرَةُ التُّبُوَّةِ، وَنَبْتُ (2) الرَّحْمَةِ، وَمِفْتَاحُ الْحِكْمَةِ، وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ، وَمَوْضِعُ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَمَوْضِعُ سِرِّ اللَّهِ وَوَدِيعَتِهِ، وَالْأَمَانَةُ الَّتِي عُرِضَتْ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَحَرَمُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ، وَبَيْتُ اللَّهِ الْعَتِيقُ وَحَرَمُهُ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ صَلَّى، وَدَعَا، ثُمَّ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةَ التُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ. (4)

1 / 4 _ 8 عَيْشُ الْعِلْمِ إِيَّامَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ يَذْكُرُ فِيهَا آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ هُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ، وَمَوْتُ الْجَهْلِ، يُخْبِرُكُمْ حِلْمُهُمْ عَنِ عِلْمِهِمْ، وَظَاهِرُهُمْ عَنِ بَاطِنِهِمْ، وَصَمْتُهُمْ عَنِ حُكْمِ مَنْطِقِهِمْ، لَا يُخَالِفُونَ الْحَقَّ وَلَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ. (5)

1- .كمال الدين : ص 653 ح 18 عن جابر ، العدد القويّة : ص 65 ح 90 ، بحار الأنوار : ج 51 ص 36 ح 5 .

2- .في بعض نسخ المصدر : «وبيت الرحمة» .

3- .اليقين : ص 318 ، تفسير فرات : ص 395 ح 527 كلاهما عن زياد بن المنذر نحوه ، بحار الأنوار : ج 23 ص 245 ح 16 .

4- .مصباح المتهجد : ص 361 ح 485 ، المزار الكبير : ص 400 ح 1 عن العباس بن مجاهد نحوه ، جمال الأسبوع : ص 250 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 19 ذيل ح 3 ، وراجع : الكافي : ج 1 ص 221 ح 3 .

5- .نهج البلاغة : الخطبة 239 ، تحف العقول : ص 227 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 514 ح 9359 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 26 ص 266 ح 54 .

4 / 1 - 8 زنده دارندگان علم و دانش

امام باقر علیه السلام: آگاهی از کتاب خداوند عز و جل و سنت پیامبر او در دل مهدی ما می روید، چنان که کشت به بهترین شکل آن می روید. پس اگر کسی از شما ماند تا او را دید، باید هنگام دیدن او بگوید: سلام بر شما، ای اهل خانه رحمت و نبوت و کان دانش و جایگاه رسالت!

امام باقر علیه السلام: درختی که ریشه آن، پیامبر خدا و شاخه آن، امیر مؤمنان علی علیه السلام و نوشاخه های آن، فاطمه دخت محمد صلی الله علیه و آله است و میوه های آن، حسن و حسین اند، درخت نبوت است که روییده رحمت و کلید حکمت و کان معرفت و جایگاه رسالت و مکان آمد و شد فرشتگان و موضع سر و سپرده خداوند و امانتی است که بر آسمان ها و زمین عرضه شده و حرم بزرگ خدا و بیت و حرم قدیم اوست.

امام صادق علیه السلام: چون ظهر می شد، علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام نماز می گزارد و دعا می کرد و پس از آن بر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین درود می فرستاد: «خدایا! درود فرست بر محمد و خاندان محمد که درخت نبوت و جایگاه رسالت و مکان آمد و شد فرشتگان و کان دانش و معرفت و اهل بیت وحی اند».

4 / 1 - 8 زنده دارندگان علم و دانش امام علی علیه السلام در سخنرانی ای در توصیف خاندان محمد صلی الله علیه و آله _ آنان، حیات دانش و مرگ نادانی اند. خردمندی ایشان، خبر از علم آنان می دهد و ظاهرشان حکایت از باطنشان دارد و سکوتشان پرده از حکمت گفتارشان بر می گیرد. آنها مخالف حق نیستند و در آن با یکدیگر اختلاف نمی کنند.

عنه عليه السلام :اعلموا أنكم لن تعرفوا الرشد حتى تعرفوا الذي تركه ، ولن تأخذوا بميثاق الكتاب حتى تعرفوا الذي نقضه ، ولن تمسكوا به حتى تعرفوا الذي نبذته ، فالتمسوا ذلك من عند أهله ، فإنهم عيش العلم وموت الجهل ، هم الذين يخبركم حكمهم عن علمهم ، وصدمتهم عن منطقتهم ، وظاهرهم عن باطنهم ، لا يخالفون الدين ولا يختلِفون فيه ، فهو بينهم شاهد صادق ، وصامت ناطق . (1)

4 / 2 أبواب علومهم 4 / 2 _ 1 علم الكتاب شواهد التنزيل عن أبي سعيد الخدري : سألت رسول الله صلى الله عليه وآله عن قول الله تعالى : «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (2) ، قال : ذاك أخي علي بن أبي طالب . (3)

الأمالي للصدوق عن أبي سعيد الخدري : سألت رسول الله صلى الله عليه وآله عن قول الله جلَّ شأنه : «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» (4) ، قال : ذاك وصي أخي سليمان بن داود . فقلت له : يا رسول الله ، فقول الله عز وجل : «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» ، قال : ذاك أخي علي بن أبي طالب . (5)

1- نهج البلاغة : الخطبة 147 ، الكافي : ج 8 ص 390 ح 586 عن محمد بن الحسين عن أبيه عن جدّه عن أبيه نحوه ، بحار الأنوار : ج 34 ص 233 ح 997 .

2- الرعد : 43 .

3- شواهد التنزيل : ج 1 ص 400 ح 422 ، تفسير الثعلبي : ج 5 ص 303 عن ابن الحنفية من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه ؛ بصائر الدرجات : ص 216 ح 19 عن أبي حمزة الشمالي عن الإمام الباقر عليه السلام ، روضة الواعظين : ص 118 عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 35 ص 430 ح 4 .

4- النمل : 40 .

5- الأمالي للصدوق : ص 659 ح 892 ، روضة الواعظين : ص 125 ، بصائر الدرجات : ص 213 ح 4 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، شرح الأخبار : ج 2 ص 311 ح 637 عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 35 ص 429 ح 1 .

امام علی علیه السلام: بدانید هرگز به راه راست پی نخواهید برد تا کسی را که آن را وا گذاشته، بشناسید و هرگز به پیمان قرآن وفا نمی کنید تا کسی را که نقض پیمان کرده، بشناسید و هرگز به کتاب خدا چنگ نمی زنید تا کسی را که آن را دور انداخته، بشناسید. پس آن (راه راست و وفا به پیمان و چنگ زدن به قرآن) را از اهل آن درخواست نمایید؛ زیرا ایشان حیات دانش و مرگ نادانی اند. آنان کسانی اند که حکمتشان خبر از علمشان می دهد و سکوتشان پرده از گفتارشان بر می گیرد و ظاهرشان حکایت از باطنشان دارد. آنها مخالف حق نیستند و در آن با یکدیگر اختلاف ندارند. پس دین در باره آنان گواهی است راستگو و خاموشی است گویا.

4 / 2 درهای علوم اهل بیت علیهم السلام 4 / 2 - 1 علم کتابشواهد التنزیل_ به نقل از ابو سعید خدری _ : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره سخن خدای متعال : «و آن کس که نزد او علم کتاب است» پرسیدم . فرمود : «مقصود ، برادرم علی بن ابی طالب است» .

الأمالی، صدوق_ به نقل از ابو سعید خدری _ : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خدای عز و جل : «و آن کس که نزد او علم کتاب است» پرسیدم . فرمود : «مقصود، وصی برادرم سلیمان بن داوود است» . گفتم : ای پیامبر خدا! مقصود از این آیه شریف : «بگو : کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد» کیست؟ فرمود : «برادرم علی بن ابی طالب» .

الإمام عليّ عليه السلام في قولِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» _ : أَنَا هُوَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ . (1)

الإمام الحسين عليه السلام: نَحْنُ الَّذِينَ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ وَبَيَانُ مَا فِيهِ ، وَلَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مَا عِنْدَنَا ؛ لِأَنَّا أَهْلُ سِرِّ اللَّهِ . (2)

المناقب لابن المغازلي عن عبد الله بن عطاء: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ جَالِسًا إِذْ مَرَّ عَلَيْهِ ابْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ ، قُلْتُ : جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ ، هَذَا ابْنُ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ ؟ قَالَ : لَا ، وَلَكِنَّهُ صَاحِبُكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي نَزَلَتْ فِيهِ آيَاتٌ مِنَ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» . (3)

الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى : «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» _ : إِيَّانَا عَنِي ، وَعَلِيِّ أَوْلَنَا وَأَفْضَلْنَا وَخَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (4)

الكافي عن عبد الرحمن بن كثير عن الصادق عليه السلام في قوله تعالى : «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (5) ، قَالَ _ : فَفَرَّجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْنَ أَصَابِعِهِ فَوَضَعَهَا فِي صَدْرِهِ ، ثُمَّ قَالَ : وَعِنْدَنَا وَاللَّهِ عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ . (6)

- 1- بصائر الدرجات : ص 216 ح 21 عن سلمان ، بحار الأنوار : ج 35 ص 432 ح 12 .
- 2- المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 52 عن الأصبغ بن نباتة ، بحار الأنوار : ج 31 ص 592 ح 20 .
- 3- المناقب لابن المغازلي : ص 314 ح 358 ، شواهد التنزيل : ج 1 ص 402 ح 425 ، تفسير القرطبي : ج 9 ص 336 ، تفسير الثعلبي : ج 5 ص 303 كلّها نحوه ؛ العمدة : ص 290 ح 476 ، بحار الأنوار : ج 35 ص 199 ح 22 .
- 4- الكافي : ج 1 ص 229 ح 6 ، تفسير العياشي : ج 2 ص 220 ح 76 كلاهما عن بريد بن معاوية ، بصائر الدرجات : ص 214 ح 7 عن عبد الرحمن بن كثير عن الإمام الصادق عليه السلام ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 22 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 400 عن يزيد بن معاوية عن الإمام الصادق عليه السلام .
- 5- النمل : 40 .
- 6- الكافي : ج 1 ص 229 ح 5 و ص 257 ح 3 عن سدیر نحوه ، بصائر الدرجات : ص 212 ح 2 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 108 عن الحسين بن علوان ، عيون المعجزات : ص 88 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 1 ص 239 ح 22 ، بحار الأنوار : ج 26 ص 170 ح 37 .

امام علی علیه السلام در باره این آیه: «بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد» _ من هستم که علم کتاب نزد اوست .

امام حسین علیه السلام: ما همانهایی هستیم که علم کتاب و بیان آنچه در آن است، نزد ماست و آنچه نزد ماست، نزد هیچ يك از خلائق نیست؛ زیرا ما، اهل سرّ خداییم .

المناقب، ابن مغزلی_ به نقل از عبد الله بن عطا _ نزد امام باقر علیه السلام نشسته بودم که پسر عبد الله بن سلام بر ایشان گذشت . گفتم : قربانت گردم! این پسر کسی است که علمی از کتاب نزد اوست؟ فرمود: «خیر؛ بلکه دوست شما، علی بن ابی طالب است که آیاتی از کتاب خدا در حق او نازل شده است: «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» .

امام باقر علیه السلام: مقصود از این سخن خدای متعال: «بگو: کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد»، ما هستیم . علی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، نخستین ما و برترین و بهترین ماست .

الکافی_ به نقل از عبد الرحمان بن کثیر، در باره این آیه: «کسی که نزد او دانشی از کتاب بود، گفت: من آن را پیش از آن که چشم خود را بر هم بزنی، برایت می آورم» _ امام صادق علیه السلام میان انگشتان خود را باز کرد و آنها را روی سینه اش نهاد و سپس فرمود: «به خدا سوگند، همه علم کتاب، نزد ماست» .

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن أبي الحسن محمد بن يحيى الفارسي: نَظَرَ أَبُو نُؤَاسٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ وَقَدْ خَرَجَ مِنْ عِنْدِ الْمَأْمُونِ عَلَى بَغْلَةٍ لَهُ ، فَدَنَا مِنْهُ أَبُو نُؤَاسٍ ، فَسَدَّ لَمَّ عَلَيْهِ وَقَالَ : يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، قَدْ قُلْتُ فِيكَ آيَاتًا فَأَحِبُّ أَنْ تَسْمَعَهَا مِنِّي ، قَالَ : هَاتِ ، فَأَنَسَّ أَيَقُولُ : مُطَهَّرُونَ نَقِيَّاتٌ ثِيَابُهُمْ تَجْرِي الصَّلَاةُ عَلَيْهِمْ أَيْنَمَا ذُكِرُوا مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَوِيًّا حِينَ تَنَسَّدَ بِهِمَا لَهُ مِنْ قَدِيمِ الدَّهْرِ مُفْتَحَرُ فَاللَّهُ لَمَّا بَرَأَ خَلْقًا فَأَتَقَنَهُصَّ فَمَاكُمْ وَأَصْطَفَاكُمْ أَيُّهَا الْبَشَرُ فَأَنْتُمْ الْمَلَأُ الْأَعْلَى وَعِنْدَكُمْ عِلْمُ الْكِتَابِ وَمَا جَاءَتْ بِهِ السُّورُ فَقَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَدْ جِئْنَا بِآيَاتٍ مَا سَبَقَكَ إِلَيْهَا أَحَدٌ . (1)

2 / 4 _ 2 تأويل القرآن شواهد التنزيل عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله : عَلِيُّ يُعَلِّمُ النَّاسَ بَعْدِي مِنْ تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ مَا لَا يَعْلَمُونَ _ أو [قال:] يُخْبِرُهُمْ _ . (2)

-
- 1- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 143 ح 10 ، إعلام الوری : ج 2 ص 65 ، بشارة المصطفى : ص 81 عن ياسر ، كشف الغمّة : ج 3 ص 107 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 366 والثلاثة الأخيرة نحوه ، بحار الأنوار : ج 49 ص 236 ح 5 .
- 2- .شواهد التنزيل : ج 1 ص 39 ح 28 ؛ مئة منقبة : ص 81 ح 31 ، اليقين : ص 179 ح 34 ، التحصين لابن طاووس : ص 555 ح 15 ، المناقب للكوفي : ج 1 ص 394 ح 317 كلّها عن أنس ، بحار الأنوار : ج 32 ص 224 ح 174 ، وراجع : كشف الغمّة : ج 1 ص 343 .

4 / 2 - 2 تأویل قرآن

عیون أخبار الرضا عليه السلام_ به نقل از ابو الحسن محمد بن یحیی فارسی _ : روزی ابو نؤاس به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نگریست، در حالی که امام علیه السلام سوار بر استری از نزد مأمون، خارج می شد . ابو نؤاس به ایشان نزدیک شد و درود فرستاد و گفت : ای پسر پیامبر خدا! ایاتی در باره تو سروده ام که می خواهم آنها را از من بشنوی . امام علیه السلام فرمود : «آنچه سروده ای ، بیاور» . پس او چنین سرود : پاکانی هستند که جامه شان پاکیزه است و هر گاه از ایشان یاد شود ، بر آنها درود فرستاده می شود . هر که به هنگام انتساب، علوی نباشد از روزگار کهن، افتخاری ندارد . خداوند ، آن گاه که خلق را بیافرید و سامانش داد ای جماعت! شما را گزین کرد و برگزید . شما یید گروه برتر و نزد شماست علم کتاب و آنچه سوره های قرآن آورده است . امام رضا علیه السلام فرمود : «ایاتی را آوردی که هیچ کس در سرودن آنها ، از تو پیشی نگرفته است» .

4 / 2 _ 2 تأویل قرآنشواهد التنزیل: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «علی، پس از من ، تأویل آنچه را مردم از قرآن نمی دانند ، به آنها می آموزد» یا فرمود : «به آنها خبر می دهد» .

الإمام علي عليه السلام: سلوني عن كتاب الله؛ فإنه ليس من آية إلا وقد عرفت بليل نزلت أم بنهار، في سهل أم في جبل. (1)

الأمامي للطوسي عن المجاشعي عن الإمام الرضا عليه السلام عن آباءه عليهم السلام: قال علي عليه السلام: سلوني عن كتاب الله عز وجل، فوالله ما نزلت آية منه في ليل أو نهار، ولا مسير ولا مقام، إلا وقد أقرانيها رسول الله صلى الله عليه وآله وعلمني تأويلها. فقال ابن الكواء: يا أمير المؤمنين، فما كان ينزل عليه وأنت غائب عنه؟ قال: كان يحفظ علي رسول الله صلى الله عليه وآله ما كان ينزل عليه من القرآن وأنا عنه غائب، حتى أقدم عليه فيقرئني ويقول لي: يا علي، أنزل الله علي بعدك كذا وكذا وتأويله كذا وكذا، فيعلمني تنزيله وتأويله. (2)

عنه عليه السلام: ما نزلت على رسول الله صلى الله عليه وآله آية من القرآن إلا أقرانيها وأملاها علي فكتبتها بخطي، وعلمني تأويلها وتفسيرها، وناسخها ومنسوخها، ومحكمها ومُشابهها، وخاصها وعامها. (3)

حلية الأولياء عن عبد الله بن مسعود: إن القرآن أنزل على سبعة أحرف، ما منها حرف إلا له ظهر وبطن، وإن علي بن أبي طالب عليه السلام عنده علم الظاهر والباطن. (4)

1- الطبقات الكبرى: ج 2 ص 338، تاريخ الخلفاء: ص 218، تاريخ دمشق: ج 42 ص 397، المناقب للخوارزمي: ص 64 ح 92 كلها عن أبي الطفيل، كنز العمال: ج 2 ص 565 ح 4740؛ تفسير العياشي: ج 2 ص 283 ح 31، وراجع: الأمامي للصدوق: ص 523 ح 1158 والعمدة: ص 264 ح 416 وشواهد التنزيل: ج 1 ص 42 ح 32.

2- الأمامي للطوسي: ص 523 ح 1158، بشارة المصطفى: ص 219، الإحتجاج: ج 1 ص 617 ح 140 عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 10 ص 125 ح 4، وراجع: كتاب سليم بن قيس: ج 2 ص 802 ح 31 وبصائر الدرجات: ص 198 ح 3.

3- الكافي: ج 1 ص 64 ح 1، الخصال: ص 257 ح 131، كمال الدين: ص 284 ح 37، تفسير العياشي: ج 1 ص 253 ح 177 كلها عن سليم بن قيس الهلالي، تحف العقول: ص 196 نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 230 ح 11؛ شواهد التنزيل: ج 1 ص 48 ح 41 عن سليم بن قيس.

4- حلية الأولياء: ج 1 ص 65 الرقم 4، تاريخ دمشق: ج 42 ص 400؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 43، بحار الأنوار: ج 40 ص 157 ح 53.

امام علی علیه السلام: در باره کتاب خدا از من پرسید . آیه ای نازل نشده است ، مگر آن که من می دانم در شب، فرود آمده یا در روز ، در دشت یا در کوهستان .

الأمالی، طوسی_ به نقل از مجاشعی ، از امام رضا علیه السلام ، از پدرانش علیهم السلام _ : امام علی علیه السلام فرمود : «در باره کتاب خداوند عز و جل از من پرسید که به خدا سوگند ، آیه ای از آن در شب یا روز و در طول راه یا جایبازی نازل نشده ، مگر آن که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرائت آن را با تأویلش به من آموخته است» . ابو کوّا گفت : ای امیر مؤمنان! در باره آیاتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و تو حضور نداشتی ، چه می گویی؟ [علی علیه السلام] فرمود : «هنگامی که من حضور نداشتم ، پیامبر صلی الله علیه و آله آیاتی را که بر ایشان نازل می شد ، حفظ می کرد تا آن که خدمتشان می رسیدم و پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت آن را به من می آموخت و می فرمود : ای علی! پس از رفتن تو ، خداوند، این آیات را بر من نازل نمود و تأویل آن، چنین و چنان است و بدین ترتیب، تنزیل و تأویل آن را به من می آموخت» .

امام علی علیه السلام: آیه ای از قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نشده است، مگر این که آن را برایم خوانده و بر من املا نموده است و من آنها را با خطّ خود نوشته ام و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عامّ آن را به من یاد داده است.

حلیة الأولیاء_ به نقل از عبد الله بن مسعود _ : قرآن بر هفت حرف، نازل شده است و حرفی از آن نیست ، مگر آن که ظاهری و باطنی دارد، و علم ظاهر و باطن آن، نزد علی بن ابی طالب علیه السلام است .

الإمام الحسن عليه السلام في مجلس معاوية - أنا ابن خيرة الإمام وسيدة النساء ، غَدَّانا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِعِلْمِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ، فَعَلَّمَنَا تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ ، وَمُشْكِلَاتِ الْأَحْكَامِ ، لَنَا الْعِزَّةَ الْعَلْبَاءَ وَالْكَلِمَةَ الْعَلِيَاءَ ، وَالْفَخْرَ وَالسَّنَاءَ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام: ما يستطيع أحد أن يدعي أن عنده جميع القرآن كله ظاهره وباطنه غير الأوصياء . (2)

عنه عليه السلام: ما ادعى أحد من الناس أنه جمع القرآن كله كما أنزل إلا كذاب ، وما جمعَه وحفظه كما نزلَه اللهُ تعالى إلا عليُّ بنُ أبي طالبٍ عليه السلام والأئمة عليهم السلام من بعده . (3)

تفسير العياشي عن الفضيل بن يسار: سألت أبا جعفر عليه السلام عن هذه الرواية: «ما في القرآن آية إلا ولها ظهر وبطن ، وما فيه حرف إلا وله حد ، ولكل حد مطلع» ، ما يعني بقوله: لها ظهر وبطن؟ قال: ظهره وبطنه تأويله ، منه ما مضى ومنه ما لم يكن بعد ، يجري كما تجري الشمس والقمر ، كلما جاء منه شيء وقع ، قال الله تعالى: «وما يعلم تأويله إلا الله والراسخون في العلم» (4) ، نحن نعلمه . (5)

1- الاحتجاج: ج 2 ص 47 ح 151 ، بحار الأنوار: ج 44 ص 94 ح 8 .

2- الكافي: ج 1 ص 228 ح 2 ، بصائر الدرجات: ص 193 ح 1 كلاهما عن جابر ، بحار الأنوار: ج 92 ص 88 ح 26 .

3- الكافي: ج 1 ص 228 ح 1 ، بصائر الدرجات: ص 193 ح 2 ، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 239 ح 20 كلها عن جابر ، بحار الأنوار: ج 92 ص 88 ح 27 .

4- آل عمران: 7 .

5- تفسير العياشي: ج 1 ص 11 ح 5 ، بصائر الدرجات: ص 203 ح 2 و ص 196 ح 7 ، بحار الأنوار: ج 92 ص 94 ح 47 .

امام حسن علیه السلام در مجلس معاویه _ : من پسر بهترین کنیزان [خدا] و سرور زنانم . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ما را با علم خداوند _ تبارک و تعالی _ تغذیه کرده است و تأویل قرآن و احکام دشوار را به ما آموخته است . سترگ ترین ارجمندی و والاترین کلمه و افتخار و بلندی، از آن ماست .

امام باقر علیه السلام : هیچ کس نمی تواند ادعا کند که همه قرآن اعم از ظاهر و باطن آن را می داند ، مگر اوصیا .

امام باقر علیه السلام : کسی از مردم ادعا نکرده است که همه قرآن را چنان که فرو آمده، گرد آورده است، مگر آن که دروغ می گوید. قرآن را آن گونه که خداوند متعال فرو فرستاده، گرد نیاورده و حفظ نکرده، مگر علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان پس از او.

تفسیر العیاشی _ به نقل از فضیل بن یسار _ : از امام باقر علیه السلام در باره این حدیث : «در قرآن آیه ای نیست، مگر آن که پیدایی دارد و پنهانی و حرفی در آن نیست، مگر آن که نهایی دارد و هر نهایی را آغازی است» پرسیدم که: مفهوم پیدا و پنهان چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «پیدا و پنهان آن، همان تأویل آن است، چه رویدادهایی که گذشته است و چه آنچه هنوز تحقق نیافته است. این تأویل، جریان دارد، همچون جریان خورشید و ماه. هر گاه چیزی از آن بیاید، واقع می گردد . خداوند متعال می فرماید: «و تأویلش را [کسی] جز خدا و ریشه داران در دانش نمی داند» . ما آن را می دانیم» .

الكافي عن أبي الصباح: وَاللَّهِ ، لَقَدْ قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ عَلَّمَ نَبِيَّهُ التَّنْزِيلَ وَالتَّأْوِيلَ ، فَعَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : وَعَلَّمَنَا وَاللَّهِ . (1)

الإمام الهادي عليه السلام في زيارة صاحب الأمر: اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ الْأَيْمَةَ الرَّاشِدِينَ ، وَالْقَادَةَ الْهَادِينَ ، وَالسَّادَةَ الْمَعْصُومِينَ ، الْأَتْقِيَاءَ الْأَبْرَارَ ، مَا أَوْى السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ ، حُزَانَ الْعِلْمِ ، وَمُنْتَهَى الْجَلْمِ وَالْفَخَارِ ، وَسَائِدَةَ الْعِبَادِ ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ ، وَأُدْلِيَّةَ الرَّشَادِ ، الْأَلْبَاءَ الْأَمْجَادِ ، الْعُلَمَاءَ بِشَرِّكَ الزُّهَادِ ، مَصَابِيحَ الظُّلَمِ ، وَينابيعِ الْحِكْمِ ، وَأَوْلِيَاءَ النَّعْمِ ، وَعِصَمَ الْأُمَمِ ، قُرْنَائِ التَّنْزِيلِ وَآيَاتِهِ ، وَأَمْنَاءِ التَّأْوِيلِ وَوُلَاتِهِ ، وَتِرَاجِمَةَ الْوَحْيِ وَدَلَالَاتِهِ . (2)

راجع: ص 30 (أهل البيت عليهم السلام / الفصل الرابع / الراسخون في العلم) .

4 / 2 _ 3 اسمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ لِإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ عَلَى ثَلَاثَةِ وَسَبْعِينَ حَرْفًا ، وَكَانَ عِنْدَ أَصْفَ مِنْهَا حَرْفٌ وَاحِدٌ فَتَكَلَّمَ بِهِ فَخَسَفَ بِالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ سَرِيرِ بَلْقَيْسَ ، حَتَّى تَنَاوَلَ السَّرِيرَ بِيَدِهِ ، ثُمَّ عَادَتِ الْأَرْضُ كَمَا كَانَتْ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ . وَنَحْنُ عِنْدَنَا مِنَ الْإِسْمِ الْأَعْظَمِ اثْنَانِ وَسَبْعُونَ حَرْفًا ، وَحَرْفٌ وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَأْثَرَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (3)

1- الكافي: ج 7 ص 442 ح 15 ، تهذيب الأحكام: ج 8 ص 286 ح 1052 ، تفسير العياشي: ج 1 ص 17 ح 13 ، بصائر الدرجات: ص 295 ح 2 ، بحار الأنوار: ج 92 ص 97 ح 61 .

2- مصباح الزائر: ص 479 ، المزار الكبير: ص 560 ح 1 من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 102 ص 180 .

3- الكافي: ج 1 ص 230 ح 1 ، بصائر الدرجات: ص 208 ح 1 ، كشف الغمّة: ج 2 ص 403 وليس فيه «ولا حول ولا قوة إلا بالله» وكلّها عن جابر ، بحار الأنوار: ج 4 ص 210 ح 4 .

4 / 2 - 3 نام اعظم خدا

الكافی_ به نقل از ابو الصباح _ : به خدا سوگند ، امام صادق علیه السلام به من فرمود : «خداوند، تنزیل و تأویل را به پیامبرش آموخت و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به علی علیه السلام آموخت و او_ به خدا سوگند_ آن را به ما آموخت» .

امام هادی علیه السلام_ در زیارت صاحب الأمر _ : بار الها! بر امامانِ راست رو و جلوداران هدایتگر و سروران معصوم و پرهیزگاران نیک که جایگاه آرامش و وقار و گنجوران علم و پایان بردباری و بالیدن، و گردانندگان بندگان و پایه های بلاد و ره نمایان راست رفتاری و خردمندان بزرگوار و عالمان شریعت تو که تقوایبیشه اند و چراغ های تاریکی و سرچشمه های حکمت و صاحبان نعمت و نگاه دارنده امت ها و همسنگ های قرآن و آیات آن و معتمدان در تأویل و عهده داران آن و بازگو کنندگان وحی و ره نمودهای آن اند، درود فرست.

ر.ك : ص 31 (اهل بیت علیهم السلام / فصل چهارم / راسخان در دانش).

4 / 2 _ 3 نام اعظم خدا امام باقر علیه السلام : نام اعظم خداوند ، هفتاد و سه حرف دارد و آصف، تنها يك حرف از آن را می دانست که آن را به زبان راند و زمین ، آنچه را میان او و تخت بلقیس بود ، فرو برد تا جایی که آصف با دست خود، تخت را بر گرفت و سپس زمین در مدّتی کمتر از يك چشم بر هم زدن به وضع نخست خود باز گشت، و هفتاد و دو حرف از اسم اعظم نزد ماست و يك حرف ، نزد خداوند عز و جل که آن را در علم غیبش به خود اختصاص داده است و نیرو و توانی نیست، مگر از سوی خدای والا و بزرگ .

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُعْطِيَ حَرْفَيْنِ كَانَ يَعْمَلُ بِهِمَا، وَأُعْطِيَ مُوسَى أَرْبَعَةَ أَحْرَافٍ، وَأُعْطِيَ إِبْرَاهِيمَ ثَمَانِيَةَ أَحْرَافٍ، وَأُعْطِيَ نُوحٌ خَمْسَةَ عَشَرَ حَرْفًا، وَأُعْطِيَ آدَمُ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ حَرْفًا، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَإِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمُ ثَلَاثَةٌ وَسَبْعُونَ حَرْفًا، أُعْطِيَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اثْنَيْ وَسَبْعِينَ حَرْفًا وَحُجِبَ عَنْهُ حَرْفٌ وَاحِدٌ. (1)

الإمام الهادي عليه السلام: اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ ثَلَاثَةٌ وَسَبْعُونَ حَرْفًا، كَانَ عِنْدَ أَصْفَ حَرْفٌ فَتَكَلَّمَ بِهِ فَانْحَرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ سَبَأٍ، فَتَنَاولَ عَرْشَ بَلْقَيْسَ حَتَّى صَدَّيْرَهُ إِلَى سُدَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ انْبَسَطَتْ الْأَرْضُ فِي أَقْلٍ مِنْ طَرْقَةِ عَيْنٍ، وَعِنْدَنَا مِنْهُ اثْنَانِ وَسَبْعُونَ حَرْفًا، وَحَرْفٌ عِنْدَ اللَّهِ مُسْتَأْتَرٌ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ. (2)

4 / 2_ 4 جَمِيعُ اللَّغَاتِ الْمُنَاقِبِ لِابْنِ شَهْرَآشُوبٍ فِي أَحْوَالِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - زُرِّي أَنَّهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنَةِ يَزْدَجَرْدَ: مَا اسْمُكَ؟ قَالَتْ: جَهَانَ بَانُوِيَه. فَقَالَ: بَلْ شَهْرَبَانُوِيَه، وَأَجَابَهَا بِالْعَجْمِيَّةِ. (3)

الاختصاص عن سماعة بن مهران عن شيخ من أصحابنا عن أبي جعفر عليه السلام، قال: جِئْنَا نُرِيدُ الدُّخُولَ عَلَيْهِ، فَلَمَّا صِرْنَا فِي الدَّهْلِيْزِ سَمِعْنَا قِرَاءَةَ سُورِيَانِيَّةٍ بِصَوْتٍ حَسَنِ، يَقْرَأُ وَيَبْكِي حَتَّى أَبْكِي بَعْضُنَا. (4)

-
- 1- الكافي: ج 1 ص 230 ح 2، بصائر الدرجات: ص 208 ح 2، مختصر بصائر الدرجات: ص 125 نحوه، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 489 ح 7، بحار الأنوار: ج 17 ص 134 ح 11.
 - 2- الكافي: ج 1 ص 230 ح 3، بصائر الدرجات: ص 211 ح 3، دلائل الإمامة: ص 414 ح 377، إثبات الوصية: ص 254، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 406 كلها عن علي بن محمد النوفلي، بحار الأنوار: ج 14 ص 113 ح 6.
 - 3- المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 56، بحار الأنوار: ج 40 ص 171 ح 54.
 - 4- الاختصاص: ص 291، بصائر الدرجات: ص 340 ح 1، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 195، الخرائج والجرائح: ج 1 ص 286 ح 19، كشف الغمّة: ج 2 ص 357 نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 180 ح 1.

4 / 2 - 4 آشنایی با همه زبان ها

امام صادق علیه السلام: به عیسی بن مریم علیه السلام دو حرف داده شد که به وسیله آن دو، عمل می کرد و به موسی علیه السلام، چهار حرف و به ابراهیم علیه السلام، هشت حرف و به نوح علیه السلام، پانزده حرف و به آدم علیه السلام بیست و پنج حرف. خداوند - تبارک و تعالی - همه اینها را برای محمد صلی الله علیه و آله گرد آورده است و اسم اعظم خداوند، هفتاد و سه حرف است که هفتاد و دو حرف از آن را به محمد داده اند و یک حرف را از او ممنوع داشته اند.

امام هادی علیه السلام: اسم اعظم خداوند، هفتاد و سه حرف دارد که آصف، تنها یک حرف از آن را می دانست و آن را بر زبان جاری ساخت و زمین میان او و سبأ شکافته شد و او تخت بلقیس را بر گرفت و آن را به سلیمان علیه السلام رساند. سپس زمین در مدتی کمتر از یک چشم بر هم زدن، هموار گشت، و هفتاد و دو حرف آن، نزد ماست و خداوند، یک حرف را در علم غیب به خود، اختصاص داده است.

4 / 2 - 4 آشنایی با همه زبان ها المناقب، ابن شهر آشوب - در احوال امام علی علیه السلام - روایت شده است که امام علیه السلام از دختر یزدگرد پرسید: «نامت چیست؟». گفت: جهان بانویه. امام علیه السلام به فارسی فرمود: «بلکه شهر بانویه».

الاختصاص - به نقل از سماعة بن مهران، از یکی از مشایخ شیعه - آمدیم تا خدمت امام باقر علیه السلام برسیم. چون به دالان رسیدیم، خواندنی با صدای خوب و غمگین به زبان سریانی شنیدیم. ایشان چیزی را می خواند و می گریست، تا جایی که برخی از ما نیز گریستند.

المناقب لابن شهر آشوب عن موسى بن أكيل التميمي: جئنا إلى باب دار أبي جعفر عليه السلام نستأذن عليه، فسَمِعنا صوتاً حزيناً يقرأ بالعبرانية، فدَخَلنا عليه وسألنا عن قارئه فقال: ذَكَرْتُ مُنَاجَاةَ إِبِلِيَا فَبَكَيْتُ مِنْ ذَلِكَ. (1)

الخرائج والجرائح عن أحمد بن قابوس عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: دَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ، فَقَالَ _ ابْتِدَاءً قَبْلَ أَنْ يُسْأَلَ _ : مَنْ جَمَعَ مَا لَا يَحْرُسُهُ عَذَابُ اللَّهِ عَلَى مِقْدَارِهِ، فَقَالُوا لَهُ _ بِالْفَارِسِيَّةِ _ : لَا نَفْهَمُ بِالْعَرَبِيَّةِ، فَقَالَ لَهُمْ : «هر که درم اندوزد جزایش دوزخ باشد». (2)

الكافي عن أبي بصير: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، بِمَ يَعْرِفُ الْإِمَامُ ؟ فَقَالَ : بِخِصَالٍ : أَمَّا أَوَّلُهَا فَإِنَّهُ بِشَيْءٍ قَدْ تَقَدَّمَ مِنْ أَبِيهِ فِيهِ بِإِشَارَةٍ إِلَيْهِ لِتَكُونَ عَلَيْهِمْ حُجَّةً ، وَيُسْأَلُ فَيَجِيبُ ، وَإِنْ سَكَتَ عَنْهُ ابْتِدَاءً ، وَيُخْبِرُ بِمَا فِي غَدِ ، وَيُكَلِّمُ النَّاسَ بِكُلِّ لِسَانٍ . ثُمَّ قَالَ لِي : يَا أَبَا مُحَمَّدٍ ، أُعْطِيكَ عَلَامَةً قَبْلَ أَنْ تَقُومَ ، فَلَمْ أَلْبَثْ أَنْ دَخَلَ عَلَيْنَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ ، فَكَلَّمَهُ الْخُرَاسَانِيُّ بِالْعَرَبِيَّةِ ، فَأَجَابَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْفَارِسِيَّةِ ، فَقَالَ لَهُ الْخُرَاسَانِيُّ : وَاللَّهِ ، جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا مَنَعَنِي أَنْ أَكَلِّمَكَ بِالْخُرَاسَانِيَّةِ غَيْرُ أَنِّي ظَنَنْتُ أَنَّكَ لَا تُحْسِنُهَا ! فَقَالَ : سُبْحَانَ اللَّهِ ! إِذَا كُنْتَ لَا أَحْسِنُ أُجِيبُكَ فَمَا فَضَلِي عَلَيْكَ ؟ ! ثُمَّ قَالَ لِي : يَا أَبَا مُحَمَّدٍ ، إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ كَلَامُ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ وَلَا طَيْرٍ وَلَا بَهِيمَةٍ وَلَا شَيْءٍ فِيهِ الرُّوحُ ، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ هَذِهِ الْخِصَالُ فِيهِ فَلَيْسَ هُوَ بِإِمَامٍ . (3)

-
- 1- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 195، بصائر الدرجات: ص 341 ح 3 عن موسى التميمي نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 180 ح 3.
- 2- الخرائج والجرائح: ج 2 ص 753 ح 70، بحار الأنوار: ج 47 ص 119 ح 162.
- 3- الكافي: ج 1 ص 285 ح 7، الإرشاد: ج 2 ص 224، دلائل الإمامة: ص 337 ح 294، قرب الإسناد: ص 339 ح 1244، الخرائج والجرائح: ج 1 ص 333 ح 24 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 48 ص 47 ح 33.

المناقب، ابن شهر آشوب_ به نقل از موسی بن اکیل نُمیری _ : به درِ خانه امام باقر علیه السلام آمدم تا اجازه ورود بگیریم . در این هنگام ، صدای حزینی را شنیدیم که به عبرانی می خواند . پس بر ایشان وارد شدیم و از صاحب این صدا پرسش کردیم . فرمود : «مناجات ایلیا را به یاد آوردم و از آن به گریه افتادم» .

الخرائج و الجرائح_ به نقل از احمد بن قابوس، از پدرش _ : گروهی از مردم خراسان بر امام علیه السلام صادق وارد شدند . پیش از این که آنها چیزی بپرسند ، ایشان فرمود : «هر که مالی جمع کند و آن را نگه دارد ، خداوند به همان مقدار کیفرش می کند» . آنها به فارسی گفتند : ما عربی نمی فهمیم . امام علیه السلام به زبان فارسی فرمود : «هر که درم اندوزد ، جزایش دوزخ باشد» .

الکافی_ به نقل از ابو بصیر _ : به امام کاظم علیه السلام گفتم : فدایت گردم! امام چگونه شناخته می شود؟ فرمود : «با ویژگی هایی . نخستین آنها، این است که پیش تر در موردی، از پدر او اشاره ای به او شده تا همین اشاره بر مردم حجت باشد . از او می پرسند و او پاسخ می دهد و اگر در موردی خاموشی ورزند ، او سخن آغاز می کند (پاسخ سؤالی را که در ذهن دارند ، می دهد) و خبر از فردا می دهد و با مردم با هر زبانی سخن می گوید» . سپس به من فرمود : «ای ابو محمد! پیش از آن که بلند شوی ، نشانه ای را به آگاهی تو می رسانم» . طولی نکشید که مردی از اهالی خراسان بر ما وارد شد . او با امام علیه السلام با زبان عربی سخن گفت و امام علیه السلام به فارسی پاسخ او را داد . مرد خراسانی به امام گفت : قربانت گردم! به خدا سوگند ، آنچه مانع از این شد که با توبه زبان خراسانی سخن بگویم ، این بود که گمان می کردم تو زبان خراسانی را نیکو نمی دانی . امام علیه السلام فرمود : «سبحان الله ! اگر من نمی توانستم به خوبی پاسخ تو را بدهم ، دیگر فضل من بر تو در چه بود؟» . سپس به من فرمود : «ای ابو محمد! سخن هیچ يك از مردم یا پرنده یا چرنده و نه هیچ جاننداری بر امام، پوشیده نیست . هر که این ویژگی ها را نداشته باشد ، امام نیست» .

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن أبي الصّلت الهروي: كان الرّضا عليه السلام يكلّمُ النَّاسَ بِلُغَاتِهِمْ ، وكانَ وَاللّهِ أَفْصَحَ النَّاسِ وَأَعْلَمَهُمْ بِكُلِّ لِسَانٍ وَلُغَةٍ ، فَقُلْتُ لَهُ يَوْمًا : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، إِنِّي لِأَعْجَبُ مِنْ مَعْرِفَتِكَ بِهَذِهِ اللُّغَاتِ عَلَى اخْتِلَافِهَا ! فَقَالَ : يَا أَبَا الصَّلْتِ ، أَنَا حُبَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَتَّخِذَ حُبَّةً عَلَى قَوْمٍ وَهُوَ لَا يَعْرِفُ لُغَاتِهِمْ ، أَوْ مَا بَلَغَكَ قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أُوتِينَا فَصَلَ الْخِطَابِ ؟! فَهَلْ فَصَلَ الْخِطَابِ إِلَّا مَعْرِفَةُ اللُّغَاتِ ؟! (1)

إعلام الوري عن أبي هاشم الجعفري: كُنْتُ بِالْمَدِينَةِ حِينَ مَرَّ بِهَا بُغَاءُ أَيَّامِ الْوَاتِقِ فِي طَلَبِ الْأَعْرَابِ ، فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أُخْرِجُوا بِنَا حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى تَعْبِيَةِ (2) هَذَا التُّرْكِيِّ ، فَخَرَجْنَا فَوْقَنَا ، فَمَرَّتْ بِنَا تَعْبِيَتُهُ ، فَمَرَّ بِنَا تُرْكِيٌّ فَكَلَّمَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالتُّرْكِيَّةِ ، فَتَزَلَّ عَنْ فَرَسِهِ فَقَبَّلَ حَافِرَ دَابَّتِهِ . قَالَ : فَحَلَفْتُ التُّرْكِيَّ وَقُلْتُ لَهُ : مَا قَالَ لَكَ الرَّجُلُ ؟ قَالَ : هَذَا نَبِيٌّ ؟ قُلْتُ : لَيْسَ هَذَا نَبِيٌّ ، قَالَ : دَعَانِي بِاسْمِ سَمِيَّتٍ بِهِ فِي صِغَرِي فِي بِلَادِ التُّرْكِ مَا عَلِمَهُ أَحَدٌ إِلَى السَّاعَةِ ! (3)

-
- 1- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 228 ح 3 ، إعلام الوري : ج 2 ص 70 ، كشف الغمّة : ج 3 ص 119 ، مشارق أنوار اليقين : ص 83 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 333 ، بحار الأنوار : ج 26 ص 190 ح 1 .
 - 2- عبّيت الجيش تعبئةً وتعبئةً وتعبيناً ، إذا هيأته في مواضعه (الصحاح : ج 6 ص 2418 «عبى»).
 - 3- إعلام الوري : ج 2 ص 117 ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 674 ح 4 ، الثاقب في المناقب : ص 538 ح 478 ، كشف الغمّة : ج 3 ص 187 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 408 نحوه ، بحار الأنوار : ج 50 ص 124 ح 1 .

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از ابو صلت هروی _ : امام رضا علیه السلام به زبان های مختلف مردم، سخن می گفت . به خدا سوگند ، در هر زبان و گویشی، فصیح ترین و داناترین مردم بود . روزی به ایشان گفتم : ای پسر پیامبر خدا! من از آشنایی شما با این زبان های گونه گون، تعجب می کنم . امام علیه السلام فرمود : «ای ابو صلت! من حجت خدا بر خلق اویم و خداوند ، حجتی را بر مردم نمی گیرد که زبان های ایشان را نداند . آیا این سخن امیر مؤمنان علیه السلام به تو نرسیده که : به ما سخن انجامین و فصل الخطاب داده شده است ؟ و آیا فصل الخطاب ، چیزی جز دانستن زبان هاست؟!» .

إعلام الوری_ به نقل از ابو هاشم جعفری _ : هنگامی که بُغا (1) در جستجوی بادیه نشینان ، در روزگار واثق از مدینه عبور کرد ، من در مدینه بودم . امام ابو الحسن [هادی] علیه السلام فرمود : «برویم تا آرایش جنگی این تُرک را ببینیم» . پس رفتیم و به نظاره ایستادیم و لشکر او از جلوی ما رژه رفت . در این هنگام ، ترکی از جلوی ما گذشت و ابو الحسن علیه السلام با زبان ترکی با او سخن گفت . او از اسبش فرود آمد و سُم مرکب امام علیه السلام را بوسید . من آن تُرک را سوگند دادم و به او گفتم : این مرد به تو چه گفت؟ او پاسخ داد : آیا این مرد ، پیامبر است؟ گفتم : نه ، او پیامبر نیست . او گفت : این مرد، مرا به اسمی خواند که در کودکی در سرزمین تُرکان (توران) با آن اسم مرا می خواندند و تا این ساعت ، هیچ کس از آن آگاهی نداشت .

1- . از فرماندهان قدرتمند نظامی در عصر عبّاسی که خود و سپاهش از تُرکان آسیای میانه بودند .

بصائر الدرجات عن علي بن مهزيار_ في ذكر الإمام الهادي عليه السلام _ دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَأَبْتَدَأَنِي وَكَلَّمَنِي بِالْفَارِسِيَّةِ . (1)

الاختصاص عن علي بن مهزيار: أرسَلْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَلَامِي _ وَكَانَ صِدْقًا لِيَا _ (2) فَرَجَعَ الْغَلَامُ إِلَيَّ مُتَعَجِّبًا ، فَقُلْتُ لَهُ : مَا لَكَ يَا بُنَيَّ ؟ قَالَ : وَكَيْفَ لَا أَتَعَجَّبُ ؟! مَا زَالَ يُكَلِّمُنِي بِالصَّقْلَابِيَّةِ كَأَنَّهُ وَاحِدٌ مِنَّا ، فَظَنَنْتُ أَنَّهُ إِنَّمَا أَرَادَ بِهَذَا اللَّسَانِ كَيْ لَا يَسْمَعَ بَعْضُ الْغِلْمَانِ مَا دَارَ بَيْنَهُمْ . (3)

الكافي عن أبي حمزة نصير الخادم: سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ [العسكري عليه السلام] غَيْرَ مَرَّةٍ يُكَلِّمُ غِلْمَانَهُ بِلُغَاتِهِمْ : تُرْكٍ وَرُومٍ وَصَقْلَابِيَّةٍ ، فَتَعَجَّبْتُ مِنْ ذَلِكَ وَقُلْتُ : هَذَا وُلِدَ بِالْمَدِينَةِ وَلَمْ يَظْهَرْ لِأَحَدٍ حَتَّى مَضَى أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا رَأَى أَحَدٌ ، فَكَيْفَ هَذَا ؟ أُحَدِّثُ نَفْسِي بِذَلِكَ ، فَأَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَيَّنَّ حُجَّتَهُ مِنْ سَائِرِ خَلْقِهِ بِكُلِّ شَيْءٍ ، وَيُعْطِيهِ اللُّغَاتِ وَمَعْرِفَةَ الْأَنْسَابِ وَالْأَجَالِ وَالْحَوَادِثِ ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحُجَّةِ وَالْمَحْجُوجِ فَرْقٌ . (4)

- 1- بصائر الدرجات : ص 333 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 50 ص 130 ح 10 ، وراجع : بصائر الدرجات : ص 338 ح 2 والخرائج والجرائح : ج 2 ص 760 ح 79 .
- 2- الصقالبية : حَيْثُ لُحْمُ الْأَلْوَانِ ، صَدَّ هَبَ الشُّعُورِ ، يُتَاخَمُونَ الْخَزْرَ وَبَعْضُ جِبَالِ الرُّومِ ، وَقِيلَ لِلرَّجُلِ الْأَحْمَرِ : صِدْقًا لِيَا تَشْبِيهًُا بِهِمْ (لسان العرب : ج 1 ص 526 «صقلب»).
- 3- الاختصاص : ص 289 ، بصائر الدرجات : ص 333 ح 3 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 408 كلاهما نحوه ، كشف الغمّة : ج 3 ص 179 وفيه صدره إلى «كأنه واحد منّا» ، بحار الأنوار : ج 26 ص 191 ح 3 .
- 4- الكافي : ج 1 ص 509 ح 11 ، الإرشاد : ج 2 ص 330 ، روضة الواعظين : ص 273 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 428 نحوه ، كشف الغمّة : ج 3 ص 202 ، بحار الأنوار : ج 50 ص 268 ح 28 .

بصائر الدرجات_ به نقل از علی بن مهزیار، در یادکرد امام هادی علیه السلام_ بر امام علیه السلام وارد شدم و ایشان بدون مقدمه سخن آغاز کرد و به زبان فارسی با من سخن گفت .

الاختصاص_ به نقل از علی بن مهزیار_ غلامم را که از اسلاوها بود ، به سوی امام هادی علیه السلام فرستادم . غلام با تعجب به سوی من باز گشت . به او گفتم : فرزندم! چه شده است؟ گفت : چگونه تعجب نکنم؟! او چنان به اسلاوی با من سخن می گفت که گویی یکی از ماست و من گمان بردم که ایشان با سخن گفتن به این زبان می خواسته است بعضی از غلامان ، گفتگوی آنان را نفهمند .

الکافی_ به نقل از ابو حمزه نصیر، خادم امام عسکری علیه السلام_ بارها شنیدم که امام عسکری علیه السلام با غلام های خود به زبان های ایشان اعم از ترکی ، رومی و اسلاوی سخن می گوید . من شگفت زده شدم و گفتم : این مرد در مدینه زاده شده است و تا رحلت امام هادی علیه السلام خود را ننموده است و هیچ کس او را ندیده است . چگونه چنین چیزی ممکن است؟ با خود، سخن می گفتم که ایشان به سوی من آمد و فرمود : «خداوند _ تبارك و تعالی _ حجت خود را با همه چیز ، از دیگر خلائقش متمایز کرده و آشنایی به زبان های گوناگون و نسب ها و لحظات وفات و رویدادها را بدو بخشیده است و اگر چنین نمی بود ، میان حجت و کسی که حجت برای او تعیین شده است ، تفاوتی نبود» .

2 / 4 _ 5 مَنْطِقُ الطَّيْرِ وَكُلُّ دَابَّةٍ إِلَّا مَامَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ كَمَا عُلِّمَهُ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُودَ ، وَكُلُّ دَابَّةٍ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ . (1)

عنه عليه السلام :عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ ، وَأوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْعَظِيمُ . (2)

بصائر الدرجات عن علي بن أبي حمزة :دَخَلَ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِي أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، أَحِبُّ أَنْ تَتَغَدَّى عِنْدِي ، فَقَامَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى مَضَى مَعَهُ فَدَخَلَ الْبَيْتَ ، فَإِذَا فِي الْبَيْتِ سَرِيرٌ ، فَقَعَدَ عَلَى السَّرِيرِ ، وَتَحَتِ السَّرِيرِ زَوْجُ حَمَامٍ ، فَهَدَرَ الذَّكْرُ عَلَى الْأُنْثَى . وَذَهَبَ الرَّجُلُ لِيَحْمِلَ الطَّعَامَ فَرَجَعَ وَأَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَضْحَكُ ، فَقَالَ : أَضْحَكَ اللَّهُ سِنِّكَ ، مِمَّ ضَحِكْتَ ؟ فَقَالَ : إِنَّ هَذَا الْحَمَامَ هَدَرَ عَلَى هَذِهِ الْحَمَامَةِ فَقَالَ لَهَا : يَا سَكْنِي وَعِرْسِي ، وَاللَّهِ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ ، مَا خَلَا هَذَا الْقَاعِدَ عَلَى السَّرِيرِ ، قَالَ : قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ وَتَفْهَمُ كَلَامَ الطَّيْرِ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ ، وَأوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ . (3)

الثاقب في المناقب عن علي بن أسباط :خَرَجْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ [الْجَوَادِ] عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْكُوفَةِ وَهُوَ رَاكِبٌ عَلَى حِمَارٍ ، فَمَرَّ بِقَطِيعِ غَنَمٍ ، فَتَرَكَتْ شَاةُ الْغَنَمِ وَعَدَّتْ إِلَيْهِ وَهِيَ تَرَعُو ، فَاحْتَبَسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمَرَنِي أَنْ أَدْعُو الرَّاعِيَ إِلَيْهِ ، فَفَعَلْتُ . فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَيُّهَا الرَّاعِي ، إِنَّ هَذِهِ الشَّاةُ تَشْكُوكَ وَتَزْعُمُ أَنَّ لَهَا رَجُلِينَ (4) وَأَنْتَ تَحِيفُ عَلَيْهَا بِالْحَلْبِ ، فَإِذَا رَجَعْتَ إِلَى صَاحِبِهَا بِالْعَشِيِّ لَمْ يَجِدْ مَعَهَا لَبْنَا ، فَإِنْ كَفَفْتَ مِنْ ظُلْمِهَا ، وَإِلَّا دَعَوْتُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَبْتَرَّ عُمْرَكَ . فَقَالَ الرَّاعِي : إِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ، وَأَنْتَ وَصِيَّتُهُ ، أَسْأَلُكَ لَمَّا أَخْبَرْتَنِي مِنْ أَيْنَ عَلِمْتَ هَذَا الشَّانَ ؟ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَحْنُ خُرَّانُ اللَّهِ عَلَى عِلْمِهِ وَغَيْبِهِ وَحِكْمَتِهِ ، وَأَوْصِيَاءُ أَنْبِيَائِهِ ، وَعِبَادٌ مُكْرَمُونَ . (5)

1- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 54 ، بصائر الدرجات : ص 344 ح 12 كلاهما عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 264 ح 10 .

2- .إثبات الوصية : ص 160 ، الاختصاص : ص 293 ، بصائر الدرجات : ص 345 ح 18 كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 835 ح 50 عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 264 ح 12 .

3- .بصائر الدرجات : ص 346 ح 25 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 114 ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 833 ح 49 ، بحار الأنوار : ج 48 ص 56 ح 65 .

4- .الرَّجَلُ : أَنْ يُتْرِكَ الْفَصِيلُ وَالْمُهْرُ وَالْبَهْمَةُ مَعَ أُمِّهِ يَرْضَعُهَا مَتَى شَاءَ . [يقال :] بِهَمَّةٍ رَجُلٌ وَرَجُلٌ (لسان العرب : ج 11 ص 272 «رجل»).

5- .الثاقب في المناقب : ص 522 ح 455 .

4 / 2 - 5 آشنایی با زبان پرندگان و هر جانور دیگر

4 / 2 - 5 آشنایی با زبان پرندگان و هر جانور دیگر امام علی علیه السلام: ما همچون سلیمان بن داوود، با زبان پرندگان و هر جانور خشکی یا دریایی آشنایی یافته ایم.

امام علی علیه السلام: ما با زبان پرندگان آشنایی یافته ایم و از هر چیزی بهره برده ایم که این خود، فضلی بزرگ است.

بصائر الدرجات_ به نقل از علی بن ابی حمزه _ : مردی از وابستگان امام ابو الحسن [کاظم] علیه السلام خدمت ایشان رسید و گفت: فدایت گردم! دوست دارم با من غذا بخوری. امام ابو الحسن علیه السلام با او به راه افتاد تا به خانه رسیدند. در خانه، تختی بود. امام علیه السلام بر تخت نشست. زیر تخت، یک جفت کبوتر بود. کبوتر نر با ماده بغوغو می کرد. آن مرد برای آوردن طعام، بیرون رفت و وقتی باز گشت، امام علیه السلام را دید که می خندد. گفت: خداوند بر لب و دندان خنده بنشانند! برای چه می خندی؟ امام علیه السلام فرمود: «این کبوتر نر برای ماده خود، آواز می خواند و به او می گفت: آرام دلم! عروسم! به خدا سوگند، نزد من هیچ کس در زمین، محبوب تر از تو نیست، مگر آن که بر این تخت نشسته است». گفتم: قربانت گردم! مگر تو سخن پرندگان را می فهمی؟ فرمود: «آری. زبان پرندگان را به ما آموخته اند و از هر چیزی بهره ای داریم».

الثاقب فی المناقب_ به نقل از علی بن اسباط _ : با امام جواد علیه السلام_ در حالی که بر الاغی سوار بود_ از کوفه خارج شدیم. امام علیه السلام به گله گوسفندی رسید. گوسفندی گله را ترک کرد و در حالی که ضجه می زد، به سوی امام علیه السلام دوید. امام علیه السلام او را نگاه داشت و به من دستور داد چوپان را به سوی او بخوانم. من نیز چنین کردم. امام علیه السلام به او فرمود: «ای چوپان! این گوسفند از تو می نالد و ادعا می کند که دو مرد را مأمور [دوشیدن شیر] او کرده ای و در دوشیدن شیر بر او ستم می کنی و وقتی شامگاه به سوی صاحبش می رود، دیگر در او شیر نمی یابد. اگر از ستم بر او دست شستی، چه بهتر، و گرنه، از خدا می خواهم عمر تو را کوتاه کند». چوپان گفت: گواهی می دهم خدای یکتا نیست و محمد، پیامبر خداست و تو جانشین اوئی. از تو می خواهم به من بگویی از کجا این مقام را یافته ای؟ امام جواد علیه السلام فرمود: «ما گنجوران علم و غیب و حکمت خدا و جانشینان پیامبران او و بندگان ارجمندیم».

دلائل الإمامة عن عبد الله بن سعيد: قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عُمَرَ التَّنُوخِيُّ: رَأَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ [الجواد] عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يُكَلِّمُ ثَوْرًا فَحَرَكَ الثَّوْرُ رَأْسَهُ، فَقُلْتُ: لَا، وَلَكِنْ تَأْمُرُ الثَّوْرَ أَنْ يُكَلِّمَكَ. فَقَالَ: وَعَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ، وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ. ثُمَّ قَالَ لِلثَّوْرِ: قُلْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ»، فَقَالَ: ثُمَّ مَسَحَ بِكَفِّهِ عَلَى رَأْسِهِ. (1)

4 / 2_ 6 ما كان وما يكونا لإمام علي عليه السلام: لَوْلَا آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَأَخْبَرْتُكُمْ بِمَا كَانَ وَبِمَا يَكُونُ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَهِيَ هَذِهِ الْآيَةُ: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (2). (3)

-
- 1- دلائل الإمامة: ص 400 ح 356، وراجع: الاختصاص: ص 293 وبصائر الدرجات: ص 341 باب أنهم يعرفون منطق الطير.
 - 2- الرعد: 39.
 - 3- التوحيد: ص 305 ح 1، الأمالي للصدوق: ص 423 ح 560، الاختصاص: ص 235، الاحتجاج: ج 1 ص 610 ح 138، روضة الواعظين: ص 133 كلها عن الأصبغ بن نباتة، بحار الأنوار: ج 4 ص 97 ح 4.

4 / 2 - 6 آگاهی از آنچه بوده و خواهد بود

دلایل الإمامة_ به نقل از عبد الله بن سعید _ : محمد بن علی بن عمر تنوخی به من گفت : امام جواد علیه السلام را دیدم که با گاوی سخن می گفت و آن گاو، سرش را تکان می داد. به ایشان گفتم : نه؛ بلکه [اگر راست می گویی]، دستور بده گاو با تو سخن بگوید . فرمود : «زبان پرندگان را به ما آموخته اند و ما از هر چیزی بهره داریم» . امام علیه السلام سپس به گاو گفت : «بگو : لا إله إلا الله وحده لا شريك له» . گاو ، آن را گفت و سپس امام علیه السلام با دست خود ، سر او را نوازش داد .

4 / 2 _ 6 آگاهی از آنچه بوده و خواهد بود امام علی علیه السلام : اگر يك آیه در کتاب خدا نبود ، من در باره آنچه بوده و هست و تا روز رستاخیز خواهد بود ، آگاهتان می کردم و آن آیه شریف ، این است : «خدا آنچه را بخواهد ، محو یا اثبات می کند و اصل کتاب، نزد اوست» .

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَىٰ وَمَا بَقِيَ، وَجَعَلْنَا وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَتَمَ بِنَا الْأُمَمَ السَّالِفَةَ، وَخَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ . (1)

الكافي عن معاوية بن وهب: اسْتَأْذَنْتُ عَلَىٰ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقِيلَ لِي: ادْخُلْ، فَدَخَلْتُ فَوَجَدْتُهُ فِي مُصَلَاةٍ فِي بَيْتِهِ، فَجَلَسْتُ حَتَّىٰ قَضَىٰ صَلَاتَهُ، فَسَدَّ جِيعَتَهُ وَهُوَ يُنَاجِي رَبَّهُ وَيَقُولُ: يَا مَنْ خَصَّنَا بِالْكَرَامَةِ، وَخَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ، وَوَعَدَنَا الشَّفَاعَةَ، وَأَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَىٰ وَمَا بَقِيَ، وَجَعَلَ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْنَا، إِغْفِرْ لِي وَلَا تُخَوِّنِي وَلِزُورِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (2)

الكافي عن سيف التَّمَار: كُنَّا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمَاعَةً مِنَ الشَّيْعَةِ فِي الْحِجْرِ... فَقَالَ: وَرَبِّ الْكَعْبَةِ، وَرَبِّ النَّبِيَِّّةِ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - لَوْ كُنْتُ بَيْنَ مُوسَىٰ وَالْخِضْرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَأَخْبَرْتُهُمَا أَنِّي أَعْلَمُ مِنْهُمَا، وَلَا نَبَأْتُهُمَا بِمَا لَيْسَ فِي أَيْدِيهِمَا، لِأَنَّ مُوسَىٰ وَالْخِضْرَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أُعْطِيََا عِلْمَ مَا كَانَ وَلَمْ يُعْطِيََا عِلْمَ مَا يَكُونُ وَمَا هُوَ كَائِنٌ حَتَّىٰ تَقُومَ السَّاعَةُ، وَقَدْ وَرِثْنَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرِثَانَةً . (3)

-
- 1- بصائر الدرجات: ص 129 ح 3 عن معاوية بن وهب، بحار الأنوار: ج 26 ص 112 ح 11 .
 - 2- الكافي: ج 4 ص 582 ح 11، ثواب الأعمال: ص 120 ح 44، كامل الزيارات: ص 228 ح 336، بصائر الدرجات: ص 129 ح 2 نحوه، المزار الكبير: ص 334 ح 14، بحار الأنوار: ج 101 ص 8 ح 30 .
 - 3- الكافي: ج 1 ص 260 ح 1، بصائر الدرجات: ص 129 ح 1، وص 230 ح 4 نحوه، دلانل الإمامة: ص 280 ح 218، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 103 ح 8، بحار الأنوار: ج 13 ص 300 ح 20 .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! ای کسی که آگاهی از گذشته و آینده را به ما بخشیده و ما را وارثان پیامبران قرار داده و امت های گذشته را با ما به پایان برده و ما را به جانشینی، اختصاص داده است!

الکافی_ به نقل از معاویه بن وهب _ : برای رسیدن به خدمت امام صادق علیه السلام اجازه ورود خواستم . به من گفته شد وارد شوم . من وارد شدم و امام علیه السلام را در مصلاّی خانه اش دیدم . نشستم تا ایشان نمازش را به جای آورد . شنیدم که ایشان در مناجات با خدای خود ، فرمود : «ای کسی که ما را به کرامت و وصایت، اختصاص داده و شفاعت را به ما وعده کرده و آگاهی از گذشته و آینده را به ما بخشیده و دل هایی از مردم را چنان قرار داده است که به سوی ما جذب شوند ! من و برادرانم و زائران حرم ابا [عبد الله] الحسین علیه السلام را بیامرز» .

الکافی_ به نقل از سیف تمار _ : در حِجر با گروهی از شیعیان ، همراه امام صادق علیه السلام بودیم ... که فرمود : «به پروردگار کعبه و پروردگار خانه خدا سوگند (سه بار) ، اگر میان موسی علیه السلام و خضر علیه السلام بودم ، به آن دو می گفتم که از ایشان دانانترم و آنها را از چیزهایی می آگاهاندم که آنها بدان دسترس نداشتند ؛ چرا که به موسی و خضر، آگاهی از گذشته داده شده بود و آگاهی از وضع موجود و آینده تا روز رستاخیز نیافته بودند ، در حالی که ما آن را به کمال از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ارث برده ایم» .

الكافي عن الحارث بن المغيرة: قال أبو عبد الله عليه السلام: إني لأعلم ما في السماوات وما في الأرض، وأعلم ما في الجنة، وأعلم ما في النار، وأعلم ما كان وما يكون. ثم مكث هنيهة فرأى أن ذلك كبر على من سمعه منه، فقال: علمت ذلك من كتاب الله عز وجل، إن الله عز وجل يقول: فيه تبيان كل شيء (1). (2)

الإمام الصادق عليه السلام: قد ولدني رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا أعلم كتاب الله وفيه بدء الخلق، وما هو كائن إلى يوم القيامة، وفيه خبر السماء وخبر الأرض، وخبر الجنة وخبر النار، وخبر ما كان وخبر ما هو كائن، أعلم ذلك كما أنظر إلى كفي، إن الله يقول: فيه تبيان كل شيء (3).

الإمام الرضا عليه السلام: أوليس الله يقول: «عالم الغيب فلا يظهر على غيبه أحداً * إلا من ارتضى من رسول» (4)؟ فرسول الله عند الله مرتضى، ونحن ورثة ذلك الرسول الذي أطلع الله على ما شاء من غيبه، فعلمنا ما كان وما يكون إلى يوم القيامة (5).

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد الله بن محمد الهاشمي: دخلت على المأمون يوماً، فأجلسني وأخرج من كان عنده، ثم دعا بالطعام فطعمنا، ثم طيبتنا، ثم أمر بسد تارة فضربت، ثم أقبل على بعض من كان في الستارة فقال: بالله لَمَا رثيت لنا من بطوس! فأخذت أقول: سقياً بطوس ومن أضحى بها قطننا (6) من عترة المصطفى أبقى لنا حزنًا قال: ثم بكى، وقال لي: يا عبد الله، أبلومني أهل بيتي وأهل بيتك أن نصبت أبا الحسن الرضا علماً؟! فوالله لأحدثك بحديث تتعجب منه. جئته يوماً فقلت له: جعلت فداك، إن أباك موسى بن جعفر، وجعفر بن محمد، ومحمد بن علي، وعلي بن الحسين عليه السلام كان عندهم علم ما كان وما هو كائن إلى يوم القيامة، وأنت وصي القوم ووارثهم، وعندك علمهم، وقد بدت لي إليك حاجة. قال: هاتها. فقلت: هذه الزاهرية خطنتي (7)، ولا أقدم عليها من جواربي، قد حملت غير مرة وأسقطت، وهي الآن حامل، فدلني على ما تتعالج به فتسلم. فقال: لا تخف من إسقاطها، فإنها تسلم وتلد غلاماً أشبه الناس بأمه، ويكون له خنصر زائدة في يده اليمنى ليست بالمدلاة، وفي رجله اليسرى خنصر زائدة ليست بالمدلاة. فقلت في نفسي: أشهد أن الله على كل شيء قدير. فولدت الزاهرية غلاماً أشبه الناس بأمه، في يده اليمنى خنصر زائدة ليست بالمدلاة، وفي رجله اليسرى خنصر زائدة ليست بالمدلاة، على ما كان وصفه لي الرضا، فمن يلومني على نصبي إياه علماً؟! (8)

1- يشير عليه السلام بالمعنى إلى قوله تعالى: «تبياناً لكل شيء» (النحل: 89).

2- الكافي: ج 1 ص 261 ح 2، بصائر الدرجات: ص 128 ح 5 و 6، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 249 عن العلاء بن سبيبة نحوه، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 103 ح 7، بحار الأنوار: ج 26 ص 111 ح 8، وراجع: تفسير العياشي: ج 2 ص 266 ح 56 وكشف الغمة: ج 2 ص 418.

3- الكافي: ج 1 ص 61 ح 8، بصائر الدرجات: ص 197 ح 2 كلاهما عن عبد الأعلى بن أعين، بحار الأنوار: ج 92 ص 98 ح 68؛ ينابيع المودة: ج 1 ص 80 ح 20 عن عبد الأعلى بن أعين وراجع: تفسير العياشي: ج 2 ص 266 ح 56.

4- الجن: 26 و 27.

5- الخرائج والجرائح: ج 1 ص 343 ح 6، الثاقب في المناقب: ص 189 ح 171 كلاهما عن محمد بن الفضل الهاشمي، بحار الأنوار: ج 49 ص 175 ح 1.

6- .فَطَنَ : أي أقام به وتوطنَ (لسان العرب : ج 13 ص 343 «فطن»).

7- .كذا في عيون أخبار الرضا عليه السلام ، والصحيح «حَطِيئِي» كما في الغيبة للطوسي . يقال : حَطَيْتِ المرأة عند زوجها ... : أي سَعِدتِ وودت من قلبه وأحَبَّها (لسان العرب : ج 14 ص 185 «حظا»).

8- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 223 ح 43 ، الغيبة للطوسي : ص 74 ح 81 عن محمّد بن عبد الله بن الحسن الأفطس ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 333 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 49 ص 29 ح 2 ، وراجع : الشاقب في المناقب : ص 486 ح 415 والدر النظيم : ص 685 .

الکافی_ به نقل از حارث بن مغیره _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «بدون تردید ، من به آنچه در آسمان ها و زمین و بهشت و دوزخ است و آنچه تحقّق یافته و تحقّق خواهد یافت ، آگاهی دارم». ایشان سپس لحظه ای درنگ کرد و چون دید این سخن بر شنوندگان گران آمده ، فرمود : «این را من از کتاب خداوند عز و جل یافته ام؛ چرا که خداوند می فرماید : در آن ، بیان هر چیزی هست» .

امام صادق علیه السلام : من ، فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستم . من از کتاب خدا آگاهی دارم ؛ کتابی که آغاز آفرینش و آنچه تا روز رستاخیز وجود می یابد و خبر آسمان ها و زمین و بهشت و دوزخ و خبر گذشته و حال ، در آن نهفته است . اینها را مانند کف دستم می شناسم . خداوند می فرماید : در آن (قرآن)، بیان هر چیزی هست.

امام رضا علیه السلام : آیا چنین نیست که خداوند می فرماید : «او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی سازد ، مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد» ؟ و پیامبر صلی الله علیه و آله است که خدا از او خشنود است و ما وارثان آن پیامبریم؛ همو که خداوند ، او را بر هر چه از غیبش خواست ، آگاه نمود و او ما را از آنچه بوده و تا روز رستاخیز خواهد بود ، آگاه کرده است .

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از عبد الله بن محمد هاشمی _ : روزی بر مأمون وارد شدم . او مرا نشانید و هر که را نزدش بود ، بیرون کرد . سپس دستور داد خوراک بیاورند و با هم غذایی خوردیم و عطر زدیم . سپس دستور داد پرده ای بیاورند . پرده آویخته شد . او به یکی از کسانی که در این سوی پرده بودند ، روی کرد و گفت : بر آن که در توس خفته ، برای ما مرثیه ای نخواندی! در این هنگام من شروع کردم و چنین خواندم : سیراب باد توس و آن که در آن اقامت دارد و از خاندان مصطفی است و برای ما اندوه گذارده است ! او گریست و به من گفت : ای عبد الله ! آیا خانواده من و خانواده تو ، مرا سرزنش می کنند که ابو الحسن رضا را به ریاست منصوب کردم؟! به خدا سوگند ، به تو حدیثی می گویم که از آن شگفت زده می شوی : روزی خدمت او رسیدم و گفتم : فدایت گردم! پدران تو: موسی بن جعفر و جعفر بن محمد و محمد بن علی و علی بن الحسین ، از آنچه بود و تا روز قیامت خواهد بود ، آگاهی داشتند و تو جانشین و وارث ایشان هستی و علم آنها نزد توست . اینک ، مرا به تو نیازی افتاده است . گفت : «نیازت را بگو» . گفتم : این «زاهریه» دل مرا ربوده است و هیچ یک از کنیزکانم را بر او مقدم نمی دارم . او بارها از من حمله شده است ؛ ولی هر بار جنین را سقط می کند . او هم اینک ، بار دیگر حمله است . مرا به راهی ره نمون کن که او را درمان کند و او سلامت خویش را باز یابد . گفت : «از سقط آن نترس . او سلامت خود را می یابد و کودکی می زاید که شبیه ترین مردم به مادر خود است و در دست راستش انگشت کوچک زائدی دارد که آویزان نیست و در پای چپش انگشت کوچک زائدی دارد که آن هم آویزان نیست» . با خود گفتم : گواهی می دهم که خداوند بر هر چیزی تواناست . زاهریه ، همان گونه که رضا برای من توصیف کرده بود ، فرزندی به دنیا آورد که شبیه ترین مردم به مادر خود بود و در دست راستش انگشت کوچک زائدی بود که آویزان نبود ، چنان که در پای چپش نیز انگشت کوچک زائدی داشت که آویزان نبود . پس چه کسی مرا برای منصوب کردن او به ریاست ، نکوهش می کند؟! .

4 / 2 _ 7 المَنَايا والبَلَايا الإمام عليّ عليه السلام: إنا أهل بيتٍ عَلَّمنا عِلْمَ المَنَايا والبَلَايا وَالأنسابِ . وَاللَّهِ ! لو أَنَّ رَجُلًا مِنّا قامَ عَلَي جِسْرٍ ثُمَّ عُرِضَتْ عَلَيْهِ هَذِهِ الأُمَّةُ لَحَدَّثَهُمْ بِأَسْمائِهِمْ وَأَنسابِهِمْ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام: عِندنا عِلْمُ المَنَايا والبَلَايا ، وفَصَلُ الخِطابِ ، وَأَنسابُ العَرَبِ ، ومَوْلِدُ الإسلامِ . (2)

الكافي عن إسحاق بن عمّار: سَمِعْتُ العَبْدَ الصَّالِحَ يَنعِي إلى رَجُلٍ نَفْسَهُ ، فَقُلْتُ في نَفْسِي : وإِنَّه لَيَعْلَمُ مَتى يَموتُ الرَّجُلُ مِن شِيعَتِهِ؟! فَالْتَمَّتْ إِلَيَّ شِبهَةُ المُغْضَبِ ، فَقَالَ : يا إسحاقُ ، قَدْ كانَ رُشيدُ الهَجْرِيِّ (3) يَعْلَمُ عِلْمَ المَنَايا والبَلَايا ، وَالإمامُ أُولى بِلِعلمِ ذَلِكَ . ثُمَّ قالَ : يا إسحاقُ ، إِصْنَعْ ما أَنْتَ صانِعٌ ، فَإِنَّ عُمْرَكَ قَدْ فَنِيَ ، وَإِنَّكَ تَموتُ إلى سَنَتَيْنِ ، وإِخوتُكَ وأهلُ بَيْتِكَ لا يَلبِثونَ بَعْدَكَ إِلا يَسيرا حَتّى تَتَفَرَّقَ كَلِمَتُهُمْ ، وَيَخونَ بَعْضُهُم بَعْضًا حَتّى يَشَمَتَ بِهِم عَدُوَّهُمْ ، فَكانَ هَذا فينْفِيسِكَ؟ فَقُلْتُ : فَإِتي أَسْتَغْفِرُ اللّهُ بِما عَرَضَ في صَدْرِي . فَلَمَّ يَلْبَثُ إِسحاقُ بَعْدَ هَذا المَجْلِسِ إِلا يَسيرا حَتّى ماتَ ، فَمَأتى عَلَیهِمُ إِلا قَليلٌ حَتّى قامَ بَنو عَمّارٍ بِأَموالِ النَّاسِ فَأَفْلَسوا . (4)

- 1- بصائر الدرجات : ص 268 ح 12 عن الأصبغ بن نباتة ، مختصر بصائر الدرجات : ص 120 ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 866 ح 80 كلاهما عن قتيبة بن الجهم وليس فيهما صدره إلى «والأنساب» ، بحار الأنوار : ج 26 ص 147 ح 28 .
- 2- بصائر الدرجات : ص 266 ح 3 عن عبد الرحمن بن أبي نجران عن الإمام الرضا عليه السلام ، و ص 267 ح 4 عن عمّار بن هارون عن الإمام الباقر عليه السلام ، تفسير فوات : ص 396 ح 527 وفيه «البلايا والقضايا والوصايا» ، اليقين : ص 318 ح 121 كلاهما عن زياد بن المنذر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 26 ص 142 ح 16 .
- 3- قال العلامة المجلسي رحمه الله : كان أمير المؤمنين عليه السلام يسميه رُشيدَ البلايا ، وكان قد أُلقي إليه علم البلايا والمنايا ، وكان في حياته إذا لقي الرجل قال له : فلان يموت بميتة كذا ... إلخ ، فيكون كما يقول رُشيد (مرآة العقول : ج 6 ص 68) .
- 4- الكافي : ج 1 ص 484 ح 7 ، بصائر الدرجات : ص 265 ح 13 ، دلائل الإمامة : ص 325 ح 278 ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 712 ح 9 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 287 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 48 ص 68 ح 91 .

4 / 2 - 7 آگاهی از مرگ و میرها و بلاها

4 / 2 - 7 آگاهی از مرگ و میرها و بلاها یا امام علی علیه السلام: ما خاندانی هستیم که آگاهی از مرگ و میرها و بلاها و نسب ها را به ما آموخته اند . به خدا سوگند ، اگر کسی از ما بر سر پُلی بایستد و این اَمّت، همگی بر او عرضه شوند ، اسم و نسب همه ایشان را به آنها می گوید .

امام زین العابدین علیه السلام: آگاهی از مرگ و میرها و بلاها و سخن انجامین و نسب های عرب و زادگاه اسلام، نزد ماست .

الکافی_ به نقل از اسحاق بن عمّار _ شنیدم که عبد صالح (امام کاظم علیه السلام) خبر مرگ مردی را بدو می دهد . با خود گفتم : او می داند شیعه او کی می میرد؟! ایشان با چهره ای تقریباً خشمگین به من نگریست و فرمود : «ای اسحاق! رُشید هَجَری از مرگ و میرها و بلاها آگاهی داشت. امام که به داشتن این علم، سزاوارتر است!». سپس فرمود : «ای اسحاق! کارهای خود را بکن که عمرت تمام شده است و تا دو سال دیگر خواهی مُرد و طولی نمی کشد که پس از تو برادران و خانواده ات پراکنده می شوند و به یکدیگر خیانت می ورزند، تا جایی که دشمنانشان شاد می شوند . آیا این ، از خاطرت گذر کرده بود؟». گفتم : از آنچه در دلم گذشت ، از خداوند، طلب آمرزش می کنم . پس از این مجلس ، طولی نکشید که اسحاق مُرد و اندکی بعد ، خاندان عمّار ، دست نیاز به سوی اموال مردم بردند و کارشان به ورشکستگی کشید .

الإمام الرضا عليه السلام_ فيما كَتَبَ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ _ :أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ أَمِينًا لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ ، فَلَمَّا قُبِضَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتَهُ ، فَتَحَنُّنُ أَمْنَاءِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلَايَا وَالْمَنَآيَا ، وَأَنْسَابُ الْعَرَبِ ، وَمَوْلِدُ الْإِسْلَامِ . (1)

2 / 4 _ 8 ما فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا يَنْقَلِبُ جَنَاحُ طَائِرٍ فِي الْهَوَاءِ إِلَّا وَعِنْدَنَا فِيهِ عِلْمٌ . (2)

الكافي عن أبي حمزة : سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : لَا وَاللَّهِ ! لَا يَكُونُ عَالِمٌ جَاهِلًا أَبَدًا ، عَالِمًا بِشَيْءٍ جَاهِلًا بِشَيْءٍ . ثُمَّ قَالَ : اللَّهُ أَجَلٌ وَأَعَزُّ وَأَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَقْرِضَ طَاعَةَ عَبْدٍ يَحْجُبُ عَنْهُ عِلْمَ سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ . ثُمَّ قَالَ : لَا يَحْجُبُ ذَلِكَ عَنْهُ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَحْتَجَّ بِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِهِ ثُمَّ يُخْفِي عَنْهُ شَيْئًا مِنْ أَخْبَارِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ . (4)

1- .الكافي : ج 1 ص 223 ح 1 ، تفسير القمي : ج 2 ص 104 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 174 ، بصائر الدرجات : ص 267 ح 5

كلها عن عبد الله بن جندب ، أعلام الدين : ص 463 عن عبد الرحمن بن أبي نجران ، بحار الأنوار : ج 26 ص 249 ح 19 .

2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 32 ح 54 عن أحمد بن عبد الله الشيباني عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن

آبائهم عليهم السلام ، صحيفة الرضا عليه السلام : ص 62 ح 100 عن الإمام الرضا عن آبائهم عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 26 ص 19 ح

4 .

3- .الكافي : ج 1 ص 262 ح 6 ، بصائر الدرجات : ص 124 ح 2 عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 780 ح

103 عن ضريس نحوه ، بحار الأنوار : ج 26 ص 109 ح 2 .

4- .بصائر الدرجات : ص 126 ح 6 عن صفوان ، بحار الأنوار : ج 26 ص 110 ح 4 .

4 / 2 - 8 آگاهی از هر آنچه در زمین و آسمان است

امام رضا علیه السلام در نامه ای به عبد الله بن جندب _ : اما پس از سپاس خداوند ، محمد صلی الله علیه و آله ، امین خدا در میان مردم بود و چون رحلت نمود ، ما اهل بیت ، وارثان او گشتیم و اینک ما ایمان خدا بر زمین ، و آگاهی از مرگ و میرها و بلاها و نَسَب های عرب و زادگاه اسلام ، در میان ماست .

4 / 2 _ 8 آگاهی از هر آنچه در زمین و آسمان است پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله : بال پرده ای در آسمان به هم نمی خورد ، مگر این که ما از آن آگاهیم .

الکافی _ به نقل از ابو حمزه _ : از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود : « نه ! به خدا سوگند ، هرگز نمی شود عالمی جاهل باشد و نسبت به چیزی ، علم و به چیزی دیگر ، جهل داشته باشد » . سپس فرمود : « خداوند ، بزرگ تر و گرامی تر و ارجمندتر از آن است که فرمانبری بنده ای را واجب کند که بر آسمان و زمینش آگاه نباشد » و سپس فرمود که اینها بر او پوشیده نیست .

امام صادق علیه السلام : همانا خداوند ، برتر و بزرگ تر از آن است که بنده ای از بندگانش را حجت قرار دهد و سپس چیزی از اخبار آسمان و زمین را بر او پوشیده بدارد .

عنه عليه السلام: اللَّهُ أَكْرَمُ وَأَرْحَمُ وَأَرَأْفُ بِعِبَادِهِ مِنْ أَنْ يَقْرِيضَ طَاعَةَ عَبْدٍ عَلَى الْعِبَادِ، ثُمَّ يَحْجُبُ عَنْهُ خَيْرَ السَّمَاءِ صَبَاحًا وَمَسَاءً. (1)

4 / 2 _ 9 ما يُحَدِّثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ الْكَافِيَ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ مَحْرُزٍ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ مِنْ عِلْمٍ مَا أُوتِينَا تَقْسِيرَ الْقُرْآنِ وَأَحْكَامَهُ، وَعِلْمٌ تَغْيِيرِ الزَّمَانِ وَحَدَثَانِهِ. إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا أَسْمَعَهُمْ، وَلَوْ أَسْمَعَ مَنْ لَمْ يَسْمَعْ لَوَلَّى مُعْرِضًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْ. ثُمَّ أَمْسَكَ هُنَيْئَةً. ثُمَّ قَالَ: وَلَوْ وَجَدْنَا أَوْعِيَةً أَوْ مُسْتَرَاحًا لَقُلْنَا، وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ. (2)

مختصر بصائر الدرجات عن ضريس: كُنْتُ أَنَا وَأَبُو بَصِيرٍ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: بِمَ يَعْلَمُ عَالِمُكُمْ؟ قَالَ: إِنَّ عَالِمَنَا لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ، وَلَوْ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ لَكَانَ كَبَعْضِنَاكُمْ، وَلَكِنْ يُحَدِّثُ فِي السَّاعَةِ بِمَا يُحَدِّثُ بِاللَّيْلِ، وَفِي السَّاعَةِ بِمَا يُحَدِّثُ بِالنَّهَارِ، الْأَمْرُ بَعْدَ الْأَمْرِ، وَالشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ بِمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (3)

بصائر الدرجات عن حمران بن أعين: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عِنْدَكُمْ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ وَالزَّبُورُ وَمَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى صَدْحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْعِلْمُ الْأَكْبَرُ! قَالَ: يَا حُمْرَانُ، لَوْ لَمْ يَكُنْ غَيْرُ مَا كَانَ، وَلَكِنْ مَا يُحَدِّثُ اللَّهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عِلْمُهُ عِنْدَنَا أَعْظَمُ. (4)

1- الكافي: ج 1 ص 261 ح 3، بصائر الدرجات: ص 125 ح 5، الغيبة للنعمانى: ص 326 ح 4 كلاهما نحوه وكلها عن المفضل بن عمر، بحار الأنوار: ج 26 ص 109 ح 1، وراجع: صحيح البخاري: ج 4 ص 1581 ح 4094 وصحيح مسلم: ج 2 ص 742 ح 144 ومسند ابن حنبل: ج 4 ص 10 ح 11008 وكنز العمال: ج 11 ص 310 ح 31597.

2- الكافي: ج 1 ص 229 ح 3، بصائر الدرجات: ص 194 ح 1 عن عمرو بن مصعب عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 23 ص 194 ح 21.

3- مختصر بصائر الدرجات: ص 113، بصائر الدرجات: ص 325 ح 2 و 3 عن أبي بصير وكلاهما نحوه، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 831 ح 47، بحار الأنوار: ج 26 ص 60 ح 136.

4- بصائر الدرجات: ص 140 ح 5، بحار الأنوار: ج 26 ص 20 ح 7، وراجع: الكافي: ج 1 ص 225 ح 5 وتأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 785 ح 2.

4 / 2 - 9 آگاهی از آنچه خداوند، در شب و روز پدید می آورد

امام صادق علیه السلام: خداوند، کریم تر و مهربان تر و دلسوزتر از آن است که فرمانبری بنده ای از بندگانش را واجب گرداند و صبح و شام، خیر آسمان بر او پوشیده ماند.

4 / 2 - 9 آگاهی از آنچه خداوند، در شب و روز، پدید می آورد الکافی - به نقل از سلمة بن مخرز - : از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «از جمله علموی که به ما داده شده، تفسیر قرآن و احکام آن و علم تغییر زمان و رخدادهای آن است. هر گاه خدا برای قومی اراده خیر کند، آنها را می شنواند و اگر آن را به گوش کسی برساند که نمی شنود، او روی بر می گرداند، چنان که گویی اصلاً نشنیده است». آن گاه امام علیه السلام لحظه ای خاموش ماند و سپس فرمود: «ما اگر رازنگهدار یا فرد مورد اعتمادی را می یافتیم، البته [حقایق را] می گفتیم و خداست که همه از او کمک می خواهند».

مختصر بصائر الدرجات - به نقل از ضریس - : من و ابو بصیر در خدمت امام باقر علیه السلام بودیم. ابو بصیر به ایشان گفت: عالم شما، چگونه شناخته می شود؟ فرمود: «عالم ما، غیب نمی داند و اگر خدا او را به خود وا نهد، همچون یکی از شما خواهد بود؛ لیکن او در هر لحظه، از آنچه در شب یا روز، یکی پس از دیگری رخ می دهد و از هر آنچه تا روز رستاخیز پیش می آید، سخن می گوید».

بصائر الدرجات - به نقل از حمران بن أعین - : به امام صادق علیه السلام گفتم: تورات و انجیل و زبور و آنچه در صحف نخستین (صحف ابراهیم و موسی) است، نزد شماست؟ امام علیه السلام فرمود: «آری». گفتم: این، همان علم بزرگ تر است! فرمود: «ای حمران! اگر به همین منحصر می شد، آری؛ اما علم به آنچه خداوند در شب و روز پدید می آورد، نزد ما بزرگ تر است».

الاختصاص عن محمد بن مسلم: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَامٌ قَدْ سَمِعْتُهُ مِنْ أَبِي الْخَطَّابِ، فَقَالَ: إِعْرِضْهُ عَلَيَّ، فَقُلْتُ: يَقُولُ: إِنَّكُمْ تَعَلَّمُونَ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَفَصَلَ مَا بَيْنَ النَّاسِ. فَسَكَتَ، فَلَمَّا أَرَدْتُ الْقِيَامَ أَخَذَ بِيَدِي فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُحَمَّدُ، كَذَا عَلِمَ الْقُرْآنُ وَالْحَلَالَ وَالْحَرَامَ يَسِيرٌ فِي جَنْبِ الْعِلْمِ الَّذِي يَحْدُثُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: ما من ليلَةٍ تأتي علينا إلا وأخبارُ كُلِّ أرضٍ عندنا، وما يحدثُ فيها، وأخبارُ الجنِّ، وأخبارُ أهلِ الهوى من الملائكة. (2)

3 / 4 مَبَادِي عُلُومِهِمْ 3 / 4 _ 1 تَعْلِيمُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُنْتُ إِذَا سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْطَانِي، وَإِذَا سَكَتُ ابْتَدَأَنِي. (3)

1- الاختصاص: ص 314، بصائر الدرجات: ص 394 ح 11 عن هشام بن سالم، تفسير القمي: ج 1 ص 97 عن يزيد بن معاوية عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 94 ح 27.

2- كامل الزيارات: ص 541 ح 830، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 886 ح 12 كلاهما عن عبد الله بن بكير الأرجاني، بحار الأنوار: ج 25 ص 374 ح 24.

3- سنن الترمذي: ج 5 ص 637 ح 3722 و ص 640 ح 3729، المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 135 ح 4630، أسد الغابة: ج 4 ص 104 الرقم 3789 كلها عن عبد الله بن عمرو بن هند الحُبلي، كنز العمال: ج 13 ص 120 ح 36387؛ الأمالي للصدوق: ص 202 ح 365 عن عبد الله بن عمرو بن هند، بحار الأنوار: ج 40 ص 185 ح 67، وراجع: الكافي: ج 1 ص 64 ح 1 والاحتجاج: ج 1 ص 616 ح 139.

3 / 4 سرچشمه های علوم اهل بیت علیهم السلام

3 / 4 - 1 آموزش پیامبر صلی الله علیه وآله

الاختصاص_ به نقل از محمد بن مسلم_ : به امام صادق علیه السلام گفتم : سخنی از ابو خطاب شنیده ام . فرمود : «آن را بر من عرضه کن» . گفتم : او می گوید : شما حلال و حرام و چگونگی فیصله دادن به آنچه در میان مردم است را می دانید . امام علیه السلام سکوت کرد و چون خواستم برخیزم ، دست مرا گرفت و فرمود : «ای محمد! آگاهی از قرآن و حلال و حرام ، در کنار علمی که در شب و روز پدید می آید ، ناچیز است» .

امام صادق علیه السلام : شبی نیست که بر ما بگذرد و اخبار همه زمین و آنچه در آن رخ می دهد و اخبار جن و فرشتگان شیفته ، نزد ما نباشد .

3 / 4 سرچشمه های علوم اهل بیت علیهم السلام 3 / 4 - 1 آموزش پیامبر صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام : هر گاه از پیامبر صلی الله علیه و آله نکته ای طلب می کردم ، در اختیار من می نهاد و اگر سکوت می کردم ، ایشان سخن آغاز می نمود .

الطبقات الكبرى عن محمد بن عمر بن علي عليه السلام: إِنَّهُ قِيلَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لَكَ أَكْثَرُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَدِيثًا؟ فَقَالَ: إِنِّي كُنْتُ إِذَا سَأَلْتُهُ أَنْبَأَنِي، وَإِذَا سَكَتُ ابْتَدَأَنِي. (1)

المناقب لابن المغازلي عن أم سلمة: كَانَ جَبْرِئِيلُ يُمَلُّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَسُولُ اللَّهِ يُمَلُّ عَلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (2)

الإمام علي عليه السلام: لَيْسَ كَلُّ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ كَانَ يَسْأَلُهُ وَيَسْتَفْهِمُهُ، حَتَّى إِنْ كَانُوا لِيُحِبُّونَ أَنْ يَجِيءَ الْأَعْرَابِيُّ وَالطَّارِئُ فَيَسْأَلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَسْمَعُوا. وَكَانَ لَا يَمُرُّ بِشَيْءٍ إِلَّا سَأَلْتُهُ عَنْهُ وَحَفِظْتُهُ. (3)

عنه عليه السلام لَمَّا قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: لَقَدْ أُعْطِيَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عِلْمَ الْغَيْبِ! فَضَحِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ لِلرَّجُلِ، وَكَانَ كَلْبِيًّا - يَا أَخَا كَلْبٍ، لَيْسَ هُوَ بِعِلْمِ غَيْبٍ، وَإِنَّمَا هُوَ تَعَلُّمٌ مِنْ ذِي عِلْمٍ. وَإِنَّمَا عِلْمُ الْغَيْبِ عِلْمُ السَّاعَةِ، وَمَا عَدَدَةُ اللَّهِ سَبْحَانَهُ بِقَوْلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَآذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ...» (4)، فَيَعْلَمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَا فِي الْأَرْحَامِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى، وَقَبِيحٍ أَوْ جَمِيلٍ، وَسَخِيٍّ أَوْ بَخِيلٍ، وَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ، وَمَنْ يَكُونُ فِي النَّارِ حَطْبًا، أَوْ فِي الْجَنَّةِ لِلنَّبِيِّينَ مُرَافِقًا. فَهَذَا عِلْمُ الْغَيْبِ الَّذِي لَا يَعْلَمُهُ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ، وَمَا سِوَى ذَلِكَ فَعِلْمٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ نَبِيَّهُ فَعَلَّمَنِيهِ، وَدَعَا لِي بِأَنْ يَعِيَهُ صَدْرِي، وَتَضَطَّمَ عَلَيْهِ جَوَانِحِي. (5)

-
- 1- الطبقات الكبرى: ج 2 ص 338، تاريخ دمشق: ج 42 ص 378، الصواعق المحرقة: ص 123، تاريخ الخلفاء: ص 202، كنز العمال: ج 13 ص 128 ح 36405؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 45، بحار الأنوار: ج 40 ص 160 ح 54.
 - 2- المناقب لابن المغازلي: ص 253 ح 302.
 - 3- نهج البلاغة: الخطبة 210، الكافي: ج 1 ص 64 ح 1، الخصال: ص 257 ح 131 كلاهما عن سليمان بن قيس نحوه، الإحتجاج: ج 1 ص 631 ح 146 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 2 ص 230 ح 13؛ المعيار والموازنة: ص 304.
 - 4- لقمان: 34.
 - 5- نهج البلاغة: الخطبة 128، بحار الأنوار: ج 26 ص 103 ح 6، شرح ابن ميثم على المئة كلمة: ص 246.

الطبقات الكبرى_ به نقل از محمد بن عمر بن علی علیه السلام_ : به علی علیه السلام گفته شد : چگونه است که در میان یاران پیامبر صلی الله علیه و آله ، تو بیش از همه حدیث می دانی؟ فرمود : «زیرا هر گاه از او پرسش می کردم ، مرا آگاه می ساخت و هر گاه خاموشی می گزیدم ، او سخن آغاز می کرد» .

المنقب، ابن مغزلی_ به نقل از ام سلمه _ : جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبر صلی الله علیه و آله بر علی علیه السلام املا می کرد .

امام علی علیه السلام : چنین نبود که همه اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از ایشان پرسند و برای فهم آن، کنجکاوی نمایند . حتی دوست داشتند بادیه نشین و غریبی از راه برسد و از ایشان پرسد تا آنان بشنوند ؛ ولی در این باب چیزی بر من نگذشت ، مگر این که از ایشان پرسیدم و آن را حفظ کردم .

امام علی علیه السلام_ در پاسخ یکی از اصحابش از قبیله کلب، که گفت : ای امیر مؤمنان! خداوند به تو علم غیب عطا فرموده است ، پس از آن که خنده ای کرد _ : ای مرد کلبی! آنچه گفتم ، علم غیب نیست ؛ بلکه آموختنی است از صاحب دانش . دانش غیب ، منحصر است به دانستن وقت قیامت و آنچه خداوند سبحان در گفتارش شمرده است : «خداست که می داند قیامت چه وقت می آید . اوست که باران می باراند و از آنچه در رحم هاست ، آگاه است و هیچ کس نمی داند فردا چه چیز به دست خواهد آورد و کسی نمی داند در کدام زمین خواهد مرد...» . پس خداوند سبحان می داند آنچه در رحم هاست، پسر است یا دختر ، زشت است یا نیکو ، بخشنده است یا بخیل ، بدبخت است یا نیک بخت، و می داند چه کسی هیزم آتش دوزخ و چه کسی در بهشت با پیامبران همراه است . پس اینها _ که شمرده شد _ ، علم غیب است که هیچ کس آن را نمی داند، مگر خدا ؛ لیکن جز اینها علمی هست که خداوند به پیامبر خود آموخت و او هم به من یاد داد و دعا نمود که سینه من آن را نگاه دارد و دنده هایم احاطه اش نماید .

عنه عليه السلام_ في صِفَةِ آلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ هُمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ ، وَلَجَأُ أَمْرِهِ ، وَعَيْبَةُ عِلْمِهِ ، وَمَوْتِلُ حُكْمِهِ ، وَكُهْفُ كُتُبِهِ ، وَجِبَالُ دِينِهِ ، بِهِمْ أَقَامَ أَنْجِنَاءَ ظَهْرِهِ ، وَأَذْهَبَ ارْتِعَادَ فَرَائِصِهِ . (1)

عنه عليه السلام: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عُلْمَنَا ، وَبِحُكْمِ اللَّهِ حَكْمَنَا ، وَبِقَوْلِ صَادِقٍ أَخَذْنَا ، فَإِنْ تَتَّبِعُوا آثَارَنَا تَهْتَدُوا بِبَصَائِرِنَا . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عِلْمَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ عِلْمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَعَلِمْنَاهُ نَحْنُ فِيمَا عَلِمْنَاهُ . (3)

3 / 4 _ 2 أصول العلماء الإمام علي عليه السلام: عِنْدَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ مَفَاتِيحُ الْعِلْمِ ، وَأَبْوَابُ الْحِكْمَةِ ، وَضِيَاءُ الْأَمْرِ ، وَفَصْلُ الْخِطَابِ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام: لَوْ كُنَّا نُفْتِيَالَتَّاسٍ بَرَّأِينَا وَهَوَانَا لَكُنَّا مِنَ الْهَالِكِينَ ، وَلَكِنَّا نُفْتِيهِمْ بِآثَارٍ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأُصُولِ عِلْمِ عِنْدَنَا تَتَوَارَثُهَا كَابِرًا (5) عَنْ كَابِرٍ ، نَكْنِزُهَا كَمَا يَكْنِزُ هَوْلَاءٌ ذَهَبَهُمْ وَفَضَّتَهُمْ . (6)

1- نهج البلاغة: الخطبة 2، عيون الحكم والمواعظ: ص 514 ح 9353 نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 117 ح 32.

2- الإرشاد: ج 1 ص 240 عن معمر بن المثنى، الطرائف: ص 417، بصائر الدرجات: ص 514 ح 34 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 2 ص 94 ح 33؛ جواهر المطالب: ج 1 ص 343، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 1 ص 276.

3- الاختصاص: ص 279، بصائر الدرجات: ص 295 ح 1 كلاهما عن أبي يعقوب الأحول، بحار الأنوار: ج 26 ص 173 ح 42.

4- المحاسن: ج 1 ص 316 ح 629، شرح الأخبار: ج 3 ص 9 ح 931 كلاهما عن أبي الطفيل، بصائر الدرجات: ص 364 ح 10 عن أبي المفضل، بحار الأنوار: ج 68 ص 95 ح 40.

5- في المصدر «كابر»، والصحيح ما أثبتناه.

6- بصائر الدرجات: ص 300 ح 4 عن جابر، الاختصاص: ص 280 عن جابر بن يزيد نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 28 ح 30.

4 / 3 - 2 اصول علم

امام علی علیه السلام در توصیف خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله _ : خاندان پیامبر ، جایگاه راز او (خدا) و پناه فرمان او و خزانه دانش او و مرجع حکمت های او و حافظان کتاب های اویند و مانند کوه هایی برای دین او (پیامبر صلی الله علیه و آله) اند . پیامبر صلی الله علیه و آله به کمک آنها پشتش را راست کرد و لرزش بدنش را زایل نمود .

امام علی علیه السلام : ما خاندانی هستیم که از علم خدا آموزش دیده ایم و با حکمت خدا صاحب حکمت شده ایم و سخن راست را گرفته ایم . پس اگر از ما پیروی کنید ، با بصیرت ره می یابید .

امام صادق علیه السلام : علم علی بن ابی طالب علیه السلام ، از علم پیامبر خداست . پس آنچه را می دانیم ، او به ما آموخته است .

4 / 3 _ 2 اصول علم امام علی علیه السلام : کلیدهای دانش و درهای حکمت و روشنی امر و فصل الخطاب، نزد ماست .

امام باقر علیه السلام : اگر ما بر اساس نظر و هوس خود فتوا می دادیم ، بدون تردید نابود می شدیم . ما برای مردم بر اساس اخبار مانده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اصول علمی ای که نزد ماست و آنها را از بزرگی به بزرگ دیگر ، به ارث برده ایم ، فتوا می دهیم . ما آنها (اصول علمی) را می اندوزیم ، همچنان که این جماعت ، زر و سیمشان را می اندوزند .

الإمام الصادق عليه السلام: لولا- أن الله فرض طاعتنا وولايتنا وأمر مودتنا ما أوقفناكم على أبوابنا، ولا أدخلناكم بيوتنا، إنا والله ما نقول بأهوائنا، ولا نقول برأينا، ولا نقول إلا ما قال ربنا، وأصول عندنا نكنزها كما يكنز هؤلاء ذهبهم وفصنتهم . (1)

الاختصاص عن محمد بن مسلم: قال أبو عبد الله عليه السلام: إن رسول الله صلى الله عليه وآله قد أنال في الناس وأنال وأنال - يشير كذا وكذا - وعندنا أهل البيت أصول العلم وعُراه، وضياؤه وأواخيه (2) . (3)

3 / 4 - 3 كُتِبَ الأنبياء عليهم السلام بالإمام الصادق عليه السلام: ألواح موسى عليه السلام عندنا، وعصا موسى عندنا، ونحن ورثة النبيين . (4)

1- بصائر الدرجات: ص 301 ح 10، إعلام الوري: ج 1 ص 537 كلاهما عن محمد بن شريح، بحار الأنوار: ج 2 ص 173 ح 5 .
2- قال المجلسي قدس سره: «قد أنال»: أي أعطى وأفاد في الناس العلوم الكثيرة وفرّقها في الناس يميناً وشمالاً، وفي سائر الجهات لكل من سأله... و«العروة»: ما يتمسك به من الحبل وغيره. و«الأواخي»: جمع الأخيّة - بفتح الهمزة وكسر الخاء وتشديد الياء - وقد يخفف: عود فيالحائط يدفن طرفاه ويبرز وسطه وتشدّ فيه الدابة، أي عندنا ما يشدّ به العلم ويحفظ عن الضياع والتفرّق والتشتت (بحار الأنوار: ج 26 ص 31) .

3- الاختصاص: ص 308، بصائر الدرجات: ص 363 ح 6 كلاهما عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 26 ص 31 ح 44 .
4- الكافي: ج 1 ص 231 ح 2، الإرشاد: ج 2 ص 187، بصائر الدرجات: ص 183 ح 32، إعلام الوري: ج 1 ص 537، كشف الغمّة: ج 2 ص 382 كلّها عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج 26 ص 218 ح 36 .

4 / 3 - کتاب های پیامبران

امام صادق علیه السلام: اگر نبود این که خداوند، فرمانبری از ما و ولایت ما و دوستی ما را واجب کرده است، ما شما را بر درهای خانه مان نمی ایستاندیم و به سرایمان واردتان نمی کردیم. به خدا سوگند، ما از سر هوس، سخن نمی گوئیم، و نظر خود را بیان نمی داریم، و نمی گوئیم، مگر آنچه خدای ما گفته است، و اصولی نزد ماست که آنها را می اندوزیم، چنان که این جماعت، زر و سیم خود را می اندوزند.

الاختصاص_ به نقل از محمد بن مسلم_ : امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علوم را در میان مردم پراکند و پراکند و پراکند» با دست خود، مرتب اشاره می نمود [و در ادامه فرمود: «ولی اصول علم و دستاویزهای آن و پرتو و بندهای آن [که موجب حفظ آن است]، نزد ما اهل بیت است»].

4 / 3_ کتاب های پیامبران امام صادق علیه السلام: ده فرمان موسی و عصای او نزد ماست و ما، وارثان پیامبران هستیم.

الكافي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّمَ يُعْطِي الْأَنْبِيَاءَ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ أَعْطَاهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قَالَ: وَقَدْ أَعْطَى مُحَمَّدًا جَمِيعَ مَا أَعْطَى الْأَنْبِيَاءَ، وَعِنْدَنَا الصُّحُفُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «صِّحْفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى» (1). قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، هِيَ الْأَلْوَاحُ؟ قَالَ: نَعَمْ. (2)

الإمام الكاظم عليه السلام لِمَنْ سَأَلَهُ: أَنَّى لَكُمْ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ وَكُتُبُ الْأَنْبِيَاءِ؟ _ هِيَ عِنْدَنَا وَرِاثَةٌ مِنْ عِنْدِهِمْ، نَقَرُوهَا كَمَا قَرَأُوهَا، وَتَقُولُهَا كَمَا قَالُوا، إِنَّ اللَّهَ لَا يَجْعَلُ حُجَّةً فِي أَرْضِهِ يُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ فَيَقُولُ: لَا أَدْرِي. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلُ يَتِ إِلَيْهِ صِّحْفُ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَفَاتِيحَ عَلِيَّهَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ اتَّيَمَّنَ عَلَيْهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ اتَّيَمَّنَ عَلَيْهَا الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخَاهُ، وَاتَّيَمَّنَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِيًّا بَنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ اتَّيَمَّنَ عَلَيْهَا عَلِيُّ بَنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَاتَّيَمَّنَنِي عَلَيْهَا أَبِي فَكَانَتْ عِنْدِي، وَقَدْ اتَّيَمَّنْتُ ابْنِي هَذَا عَلَيْهَا عَلَيَّ حَدِيثُهُ وَهِيَ عِنْدَهُ. (4)

الكافي عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سَأَلَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ» (5) مَا الزَّبُورُ وَمَا الذِّكْرُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الذِّكْرُ عِنْدَ اللَّهِ (6)، وَالزَّبُورُ الَّذِي أُنزِلَ عَلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَكُلُّ كِتَابٍ نَزَلَ فَهُوَ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ، وَنَحْنُ هُمْ. (7)

1- الأعلی: 19.

2- الكافي: ج 1 ص 225 ح 5، بصائر الدرجات: ص 136 ح 5، بحار الأنوار: ج 26 ص 184 ح 14.

3- الكافي: ج 1 ص 227 ح 1، التوحيد: ص 275 ح 1، بصائر الدرجات: ص 136 ح 4 كلها عن هشام بن الحكم، بحار الأنوار: ج 26 ص 182 ح 7.

4- الغيبة للنعماني: ص 325 ح 2، رجال الكشي: ج 2 ص 643 ح 663 كلاهما عن الفيض بن المختار، بحار الأنوار: ج 47 ص 260 ح 27.

5- الأنبياء: 105.

6- المراد بالذكر المحفوظ عند الله تعالى كما قال سبحانه: «وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (مرآة العقول: ج 3 ص 21).

7- الكافي: ج 1 ص 225 ح 6، بصائر الدرجات: ص 136 ح 6، بحار الأنوار: ج 26 ص 184 ح 15.

الكافی_ به نقل از ابو بصیر _ : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «ای ابو محمد! همانا خداوند عز و جل به پیامبران چیزی نداده است که به محمد صلی الله علیه و آله نداده باشد . خداوند، هر آنچه به پیامبران بخشیده ، به محمد صلی الله علیه و آله نیز بخشیده است و نزد ماست صحفی که خداوند در باره آن می فرماید : «صُحْفُ ابراهیم و موسی» . گفتیم : قربانت گردم! همان لوح ها؟ فرمود : «آری» .

امام کاظم علیه السلام_ در جواب کسی که از ایشان پرسید : تورات ، انجیل و کتب پیامبران از کجا به شما رسیده است ؟ _ : این کتاب ها از ایشان (پیامبران) به ما به ارث رسیده است . ما هم آنها را می خوانیم، چنان که ایشان می خوانده اند ، و به آنها اعتقاد داریم ، چنان که آنها اعتقاد داشته اند . خداوند ، در زمین حجتی قرار نمی دهد که در باره مسئله ای از او پرسش کنند و او بگوید : نمی دانم .

امام صادق علیه السلام :صحف ابراهیم و موسی علیهماالسلام به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید و پیامبر صلی الله علیه و آله ، آنها را نزد علی علیه السلام به امانت نهاد و علی علیه السلام آنها را به حسن علیه السلام و حسن علیه السلام به برادرش حسین علیه السلام و حسین علیه السلام به علی بن الحسین علیه السلام و علی بن الحسین علیه السلام به محمد بن علی علیه السلام و پدرم به من امانت داد و آنها نزد من بود و من آنها را نزد فرزندم که هنوز کودک است ، به امانت نهادم و آنها هم اینک نزد اوست .

الكافی_ به نقل از عبد الله بن سنان _ : از امام صادق علیه السلام در باره آیه شریف : «و پس از ذکر در زیور نوشتیم» و این که «زیور» چیست و «ذکر» چیست ، پرسش کردم . فرمود : «ذکر ، نزد خداست و زیور ، همان کتابی است که بر داوود نازل شد و هر کتابی که نازل شود ، نزد اهل علم است و ما ایم اهل علم» .

3/4_ 4 كِتَابُ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِإِمَامَةِ وَالتَّبَصُّرَةِ عَنْ أُمِّ سَلْمَةَ: أَقْعَدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِهِ، ثُمَّ دَعَا بِجِلْدِ شَاةٍ، فَكَتَبَ فِيهِ حَتَّى أَكَارِعَهُ . (1)

أدب الإملاء والاستملاء للسمعاني عن أم سلمة: دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَدِيمٍ وَعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَهُ، فَلَمْ يَزَلْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُمْلِي وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ، حَتَّى مَلَأَ بَطْنَ الْأَدِيمِ وَظَهْرَهُ وَأَكَارِعَهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَعَا بِدَفْتَرٍ، فَأَمَلَى عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا بَطْنَهُ . (3)

الإمام الحسن عليه السلام: إِنَّ الْعِلْمَ فِينَا، وَنَحْنُ أَهْلُهُ، وَهُوَ عِنْدَنَا مَجْمُوعٌ كُلُّهُ بِحِذَافِيرِهِ، وَإِنَّهُ لَا يَحْدُثُ شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى أُرْسَ الْخَدَشِ إِلَّا وَهُوَ عِنْدَنَا مَكْتُوبٌ بِإِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَطَّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ . (4)

-
- 1- الإمامة والتبصرة: ص 174 ح 28، بصائر الدرجات: ص 163 ح 4 وفيه «حتى ملأ أكارعه»، بحار الأنوار: ج 26 ص 49 ح 94.
 - 2- أدب الإملاء والاستملاء للسمعاني: ص 12.
 - 3- الاختصاص: ص 275 عن حنان بن سدير، بحار الأنوار: ج 39 ص 152 ح 5.
 - 4- الاحتجاج: ج 2 ص 63 ح 155، العدد القويّة: ص 50 ح 61 كلاهما عن ابن عباس، الدرّ النظيم: ص 500، بحار الأنوار: ج 44 ص 100 ح 9.

4 / 3 - 4 کتاب امام علی علیه السلام

4 / 3 - کتاب امام علی علیه السلام امامت و التبصرة - به نقل از ام سلمه - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در خانه اش نشاناد و دستور داد پوست گوسفندی بیاورند و همه آن گوسفند را تا پاچه هایش نوشت .

أدب الإملاء والاستملاء - به نقل از ام سلمه - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستور داد پوستی بیاورند و علی بن ابی طالب علیه السلام نیز حضور داشت . پیامبر علیه السلام همچنان می گفت و علی علیه السلام می نوشت تا شکم و پشت و پاچه های پوست ، پُر از نوشته شد .

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را فرا خواند و دستور داد دفتری بیاورند و آن قدر بر علی املا کرد که شکم آن (پوست) ، پُر شد .

امام حسن علیه السلام : علم در میان ماست و ما اهل آنیم و همه آن ، نزد ماست و تا روز رستاخیز ، حتی دیه خراشی تعلق نخواهد گرفت ، مگر آن که با املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و دست خط علی علیه السلام ، نزد ما نوشته موجود است .

العلل لابن حنبل عن عبد الرحمن بن أبي ليلى: سألت الحسن بن علي عليه السلام عن قول علي في الخيار (1)، فدعا بربعة، فأخرج منها صحيفة صفراء مكتوب فيها قول علي عليه السلام في الخيار (2).

الإمام الباقر عليه السلام: في كتاب علي عليه السلام كل شيء يحتاج إليه؛ حتى الخدش والأرش والهersh (3).

عنه عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لا مبر المؤمنين عليه السلام: أكتب ما أملي عليك، قال: يا نبي الله، أتخاف علي النسيان؟ فقال صلى الله عليه وآله: لست أخاف عليك النسيان، وقد دعوت الله لك أن يحفظك ولا ينسيك، ولكن أكتب لشركائك. قال: قلت: ومن شركائي يا نبي الله؟ قال: الأئمة من ولدك، بهم تسقى أممي الغيث، وبهم يستجاب دعوهم، وبهم يصرف الله عنهم البلاء، وبهم تنزل الرحمة من السماء، وهذا أولهم - وأوماً بيده إلى الحسن عليه السلام -، ثم أوماً بيده إلى الحسين عليه السلام، ثم قال عليه السلام: الأئمة من ولده (4).

رجال النجاشي عن عذافر الصيرفي: كنت مع الحكم بن عتيبة عند أبي جعفر عليه السلام، فجعل يسأله، وكان أبو جعفر عليه السلام له مكرماً، فأختلفا في شيء. فقال أبو جعفر عليه السلام: يا بني، قم فأخرج كتاب علي عليه السلام. فأخرج كتاباً مَدروجا عظيماً، ففتحه وجعل ينظر حتى أخرج المسألة، فقال أبو جعفر عليه السلام: هذا خط علي عليه السلام وإملاء رسول الله صلى الله عليه وآله. وأقبل على الحكم وقال: يا أبا محمد، إذهب أنت وسلمة وأبو المقدم حيث شئتم يمينا وشمالاً، فوالله لا تجدون العلم أوثق منه عند قوم كان ينزل عليهم جبرئيل عليه السلام (5).

- 1- من مباحث البيوع والمعاملات .
- 2- العلل لابن حنبل: ج 1 ص 346 ح 639 .
- 3- بصائر الدرجات: ص 164 ح 5، و ص 148 ح 6 وليس فيه «والهرش» وكلاهما عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام، الكافي: ج 1 ص 239 ح 1 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 50 ح 95 .
- 4- كمال الدين: ص 206 ح 21، علل الشرائع: ص 208 ح 8، الأمالي للطوسي: ص 441 ح 989، الإمامة والتبصرة: ص 183 ح 38 كلها عن أبي الطفيل، بشارة المصطفى: ص 79 نحوه، بحار الأنوار: ج 36 ص 232 ح 14 .
- 5- رجال النجاشي: ج 2 ص 261 ح 967 .

العلل، ابن حنبل_ به نقل از عبد الرحمان بن ابی لیلی _ : از امام حسن علیه السلام در باره نظر پدرش علی علیه السلام در مسئله «خیار (حقّ به هم زدن معامله)» که از مباحث خرید و فروش و معاملات است، پرسش شد. امام صندوقی را خواست و از میان آن، صحیفه زردرنگی بیرون آورد که نظر علی علیه السلام در باره خیار، در آن نوشته شده بود.

امام باقر علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام، هر چه بدان نیاز افتد، حتّی خراش و دیه آن و خراش ناشی از خارش، هست.

امام باقر علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «آنچه را بر تو املا می کنم، بنویس». [پدرم] گفت: ای پیامبر خدا! بیم داری چیزی را فراموش کنم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از فراموشی تو نمی ترسم، که من به درگاه خداوند، دعا کرده ام که حافظه تو را قوی گرداند و از فراموشی بر کنارت دارد! لیکن برای شریک های خود بنویس». علی علیه السلام گفت: شریکان من، چه کسانی هستند، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «آن فرزندان تو که امام اند. به برکت وجود آنهاست که بر امت من باران می بارد و در پرتو وجود آنها دعایشان مستجاب می گردد و خداوند به سبب آنها بلا را از امتم می گرداند و به برکت وجود آنها از آسمان رحمت می بارد و این، نخستین ایشان است» و با دست به حسن علیه السلام اشاره کرد. سپس به حسین علیه السلام اشاره کرد و فرمود: «فرزندان او، امام اند».

رجال النجاشی_ به نقل از عذافر صیرفی _ : به همراه حکم بن عتیبه در خدمت امام باقر علیه السلام بودیم. حکم بن عتیبه از امام علیه السلام_ که برای ایشان جایگاه ارجمندی قائل بود_ سؤال می کرد، تا این که در یک مورد با هم اختلاف کردند. امام باقر علیه السلام فرمود: «فرزندم! برخیز و کتاب علی علیه السلام را بیاور». فرزند امام، کتاب نوشته شده بزرگی را برای ایشان آورد. امام علیه السلام آن را گشود و بدان می نگریست تا مسئله مورد نظر را از آن بیرون آورد. امام باقر علیه السلام سپس فرمود: «این، دست خطّ علی علیه السلام و املائی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است» و به حکم رو کرد و فرمود: «ای ابو محمّد! تو و سلمه و ابو مقدم، به هر کجا که بروید، _ به خدا سوگند _ نزد هیچ قومی علمی استوارتر از علم قومی که جبرئیل بر آنها نازل می شد، نخواهید یافت».

الإمام الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مُنِعَتِ الرَّكَاعَةُ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا. (1)

تهذيب الأحكام عن محمد بن مسلم: أَقْرَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَاحِبَةَ كِتَابِ الْفَرَايِضِ الَّتِي هِيَ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَطَّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ، فَإِذَا فِيهَا: إِنَّ السَّهَامَ لَا تَعُولُ. (2)

الكافي عن أبي الجارود: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا حَضَرَهُ الَّذِي حَضَرَهُ، دَعَا ابْنَتَهُ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَفَعَ إِلَيْهَا كِتَابًا مَلْفُوفًا وَوَصِيَّةً ظَاهِرَةً، وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَبْطُونًا مَعَهُمْ لَا يَرُونَ إِلَّا أَنَّهُ لِمَا بِهِ، فَدَفَعَتْ فَاطِمَةُ الْكِتَابَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ صَارَ وَاللَّهِ ذَلِكَ الْكِتَابُ إِلَيْنَا يَا زِيَادُ. قُلْتُ: مَا فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟ قَالَ: فِيهِ وَاللَّهِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وُلْدُ آدَمَ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ إِلَى أَنْ تَقَنَّى الدُّنْيَا، وَاللَّهِ إِنَّ فِيهِ الْحُدُودَ، حَتَّى إِنَّ فِيهِ أَرْشَ الْخَدَشِ. (3)

-
- 1- الكافي: ج 3 ص 505 ح 17، الأمامي للصدوق: ص 385 ح 493، الأمامي للطوسي: ص 210 ح 363، منتقى الجمان: ج 2 ص 360 كلها عن أبي حمزة، روضة الواعظين: ص 461، بحار الأنوار: ج 77 ص 155 ح 129، وراجع: تحف العقول: ص 51.
 - 2- تهذيب الأحكام: ج 9 ص 247 ح 959، الكافي: ج 7 ص 81 ح 3، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 254 ح 5600، علل الشرائع: ص 568 ح 2 كلاهما عن أبي بصير، عوالي اللآلي: ج 2 ص 152 ح 424 عن الإمام الباقر عن أبيه عليهما السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 104 ص 333 ح 6.
 - 3- الكافي: ج 1 ص 303 ح 1، بصائر الدرجات: ص 148 ح 9، الإمامة والتبصرة: ص 197 ح 51 وفيهما «وصية ظاهرة ووصية باطنة»، إعلام الوري: ج 1 ص 482 نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 35 ح 62.

امام باقر علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام چنین دیده ایم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه از پرداخت زکات خودداری شود، زمین از بیرون دادن برکاتش خودداری می کند».

تهذیب الأحکام_ به نقل از محمد بن مسلم _ : امام باقر علیه السلام کتاب «فرائض» را که به املائی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و دست خط علی علیه السلام بود، برای من قرائت کرد. در آن آمده بود: سهم ارث در میان خویشان، کاهش همگانی نمی یابد.

الکافی_ به نقل از ابو جارود _ : امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که به حسین بن علی علیه السلام، آن رسید که رسید، دختر بزرگش فاطمه بنت الحسین را فرا خواند و به او کتابی سر به مهر و وصیتی سرگشاده سپرد و علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام چنان درد شکمی داشت که گمان می کردند در خواهد گذشت. فاطمه کتاب را به علی بن الحسین علیه السلام سپرد. ای زیاد (1) ! به خدا سوگند، این کتاب به ما منتقل شد». گفتم: قربانت گردم! در این کتاب، چه آمده است؟ فرمود: «به خدا سوگند، آنچه فرزندان آدم از هنگام آفرینش آدم تا پایان دنیا بدان نیاز دارند، در آن است و به خدا سوگند، حدود، حتی دیه خراش، در آن آمده است».

1- اسم ابو جارود است.

الأمامي للطوسي عن يعقوب بن ميثم التمار مولى علي بن الحسين عليه السلام : دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، إِنِّي وَجَدْتُ فِي كُتُبِ أَبِي أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِأَبِي مَيْثَمٍ : ... إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَقُولُ : «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (1) ، ثُمَّ التَّقَتِ إِلَيَّ وَقَالَ : هُمْ وَاللَّهِ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ يَا عَلِيُّ ، وَمِيعَادُكَ وَمِيعَادُهُمُ الْحَوْضُ غَدَا غُرًّا مُحَجَّلِينَ مُكْتَحِلِينَ مُتَّوَجِّحِينَ . فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَكَذَا هُوَ عِيَانًا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنْ عِنْدَنَا مَا لَا نَحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى النَّاسِ ، وَإِنَّ النَّاسَ لَيَحْتَاجُونَ إِلَيْنَا . وَإِنَّ عِنْدَنَا كِتَابًا إِمْلَأْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَطُّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، صَحِيفَةً فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَحَرَامٍ . (3)

عنه عليه السلام : دَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَحِيفَةً مَخْتومةً بِإِثْنَيْ عَشَرَ خَاتَمًا وَقَالَ : فَضُّ الْأَوَّلَ وَاعْمَلْ بِهِ ، وَادْفَعْهَا إِلَى الْحَسَنِ يَفُضُّ الثَّانِي وَيَعْمَلْ بِهِ ، وَيَدْفَعُهَا إِلَى الْحُسَيْنِ يَفُضُّ الثَّالِثَ وَيَعْمَلْ بِمَا فِيهِ ، ثُمَّ إِلَى وَاحِدٍ وَاحِدٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ . (4)

1- .البينة : 7 .

2- .الأمامي للطوسي : ص 405 ح 909 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 2 ص 831 ح 4 نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 220 ح 5 .

3- .الكافي : ج 1 ص 241 ح 6 ، بصائر الدرجات : ص 142 ح 1 نحوه و كلاهما عن بكر بن كرب الصيرفي ، بحار الأنوار : ج 26 ص 21 ح 8 .

4- .الغيبة للنعمانى : ص 54 ح 4 عن يونس بن يعقوب ، بحار الأنوار : ج 36 ص 210 ح 11 .

الأمالی، طوسی_ به نقل از یعقوب بن میثم تمار، وابسته امام زین العابدین علیه السلام_ بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و گفتم: قربانت گردم، ای پسر پیامبر خدا! در کتاب های پدرم دیده ام که علی علیه السلام به پدرم میثم فرموده است: «... از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «همانا کسانی که ایمان آورده اند و عمل شایسته کرده اند، ایشان بهترین مردمان اند». سپس به من رو کرد و فرمود: به خدا سوگند، مقصود از ایشان، تو و شیعیان تو آند_ ای علی_ و وعده تو با آنها فردا بر سر حوض [کوثر] است. شما سپیدرویان دست و پا سفید سر مه کشیده تاجدار خواهید بود». امام باقر علیه السلام فرمود: «این عیناً در کتاب علی علیه السلام آمده است».

امام صادق علیه السلام: نزد ما چیزی است که ما با وجود آن، دیگر نیازی به مردم نداریم و مردم اند که نیازمند مایند. نزد ما کتابی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله املا کرده و علی علیه السلام با خط خود نوشته است؛ کتابی که هر حلال و حرامی در آن، نگاشته شده است.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام کتابی داد که با دوازده مُهر، مهمور بود و فرمود: «اولی را باز کن و بدان عمل کن و آن را به حسن بده تا دومی را باز کند و بدان عمل کند و آن را به حسین دهد تا سومی را باز کند و به آنچه در آن است، عمل کند و همین طور، یک یک به فرزندان حسین برسد».

الكافي عن معلى بن خنيس: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَقْبَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ (1) فَسَدَّ لَمْ ثُمَّ ذَهَبَ ، فَرَقَّ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ ، فَقُلْتُ لَهُ : لَقَدْ رَأَيْتُكَ صَدَّعْتَ بِهِ مَا لَمْ تَكُنْ تَصْنَعُ ! قَالَ : رَفَقْتُ لَهُ لِأَنَّهُ يُنْسَبُ إِلَى أَمْرِ لَيْسَ لَهُ ، لَمْ أَجِدْهُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ خُلَفَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَلَا مِنْ مُلُوكِهَا . (2)

الكافي عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَنَائِزِ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ إِذَا اجْتَمَعَتْ ، فَقَالَ : يُقَدَّمُ الرِّجَالُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (3)

4 / 3 _ 5 مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَا لَكَافِي عَنْ أَبِي بصير: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ عِنْدَنَا لَمُصْحَفَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ، وَمَا يُدْرِيهِمْ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟! قُلْتُ : وَمَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ قَالَ : مُصْحَفٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، وَاللَّهِ مَا فِيهِ مِنْ قُرْآنِكُمْ حَرْفٌ وَاحِدٌ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَا فِيهِ شَيْءٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ، وَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ الْقِيَّ عَلَيْهَا بَعْدَ مَوْتِ أَبِيهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا . (5)

عنه عليه السلام_ لَوْلَيْدُ بْنُ صَبِيحٍ _ : يَا وَلَيْدُ ، إِنِّي نَظَرْتُ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَلَمْ أَجِدْ لِيَنِّي فُلَانٍ فِيهِ إِلَّا كَغُبَارِ النَّعْلِ . (6)

- 1- هو محمد بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن أمير المؤمنين علي عليه السلام .
- 2- الكافي : ج 8 ص 395 ح 594 ، بصائر الدرجات : ص 168 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 26 ص 155 ح 1 .
- 3- الكافي : ج 3 ص 175 ح 6 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 322 ح 1003 ، وراجع : مسند زيد : ص 168 .
- 4- الكافي : ج 1 ص 239 ح 1 ، بصائر الدرجات : ص 152 ح 3 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 1 ص 102 ح 6 ، بحار الأنوار : ج 26 ص 39 ح 70 .
- 5- بصائر الدرجات : ص 159 ح 27 عن أبي حمزة ، بحار الأنوار : ج 26 ص 48 ح 89 .
- 6- بصائر الدرجات : ص 170 ح 7 عن الوليد بن صبيح ، بحار الأنوار : ج 26 ص 48 ح 91 .

4 / 3 - 5 مصحف فاطمه عليها السلام

الكافی_ به نقل از معلی بن خنیس _ : نزد امام صادق علیه السلام بودم که محمد بن عبد الله آمد و سلام کرد و رفت . امام صادق علیه السلام دلش برای او سوخت و اشکش روان شد . گفتم : می بینم برای او کاری را می کنی که پیش تر نمی کردی! فرمود : «دلم برای او می سوزد ؛ زیرا به چیزی منسوب است که برای او نیست . در کتاب علی علیه السلام نام او را نه در شمار جانشینان این امت دیده ام و نه در جرگه حاکمان آن» .

الكافی_ به نقل از عبد الرحمان بن ابی عبد الله _ : از امام صادق علیه السلام در باره حُکم جنازه های زنان و مردانی پرسیدم که در کنار هم نهاده اند . فرمود : «در کتاب علی علیه السلام آمده است که جنازه مردان مقدّم می شود» .

4 / 3 _ 5 مصحف فاطمه علیها السلام مالکافی_ به نقل از ابو بصیر _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «مصحف فاطمه، نزد ماست و آنها چه می دانند مصحف فاطمه چیست!». گفتم : مصحف فاطمه چیست؟ فرمود : «مصحفی است که سه برابر قرآن شما در آن است . به خدا سوگند ، از قرآن شما يك حرف هم در آن نیست» .

امام صادق علیه السلام : در مصحف فاطمه، چیزی از کتاب خدا نیامده است و آن کتابی است که بر فاطمه پس از مرگ پدرش صلی الله علیه و آله القا شده است .

امام صادق علیه السلام_ به ولید بن صبیح _ : ای ولید! من در مصحف فاطمه نگریستم و برای بنی فلان، در حکومت ، بهره ای به اندازه غبار کفش نیافتم .

الكافي عن حماد بن عثمان: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تَظَهَّرَ الزَّنَادِقَةُ فِي سَنَةِ ثَمَانٍ وَعِشْرِينَ وَمِئَةٍ، وَذَلِكَ أَنِّي نَظَرْتُ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ. قُلْتُ: وَمَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا قَبِضَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ حُزْنٍ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَأَرْسَلَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكًا يُسَمِّي غَمَّهَا وَيُحَدِّثُهَا، فَسَكَتَ ذَلِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِذَا أَحْسَسْتَ بِذَلِكَ وَسَمِعْتَ الصَّوْتَ قَوْلِي لِي، فَأَعْلَمْتَهُ بِذَلِكَ فَجَعَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ كُلَّ مَا سَمِعَ حَتَّى أَثْبَتَ مِنْ ذَلِكَ مُصْحَفًا. ثُمَّ قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَلَكِنْ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَكُونُ. (1)

3 / 4 _ 6 الجامع الكافي عن أبي بصير: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، وَإِنَّ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ، وَمَا يُدْرِيهِمْ مَا الْجَامِعَةُ؟ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، وَمَا الْجَامِعَةُ؟ قَالَ: صَحِيفَةٌ طَوَّلُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا بِذِرَاعِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِمْلَائِهِ مِنْ فَلَاقٍ فِيهِ وَخَطٌّ عَلَيَّ بِيَمِينِهِ، فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَحَرَامٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ النَّاسَ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرَشِ فِي الْخَدَشِ. وَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيَّ فَقَالَ: تَأْذَنُ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ؟ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، إِنَّمَا أَنَا لَكَ فَاصِّنَعُ مَا شِئْتَ، فَعَمَزَنِي بِيَدِهِ وَقَالَ: حَتَّى أَرَشِ هَذَا، كَأَنَّهُ مُغْضَبٌ. قُلْتُ: هَذَا وَاللَّهِ الْعِلْمُ، قَالَ: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَلَيْسَ بِذَلِكَ. (2)

1- الكافي: ج 1 ص 240 ح 2، بصائر الدرجات: ص 157 ح 18، بحار الأنوار: ج 26 ص 44 ح 77، وراجع: الكافي: ج 1 ص 238 (باب فيه ذكر الصحيفة والجفر والجامعة ومصحف فاطمة عليها السلام) وبصائر الدرجات: ص 142 (باب 12 في أن الأئمة عندهم الصحيفة الجامعة التي هي إملاء رسول الله صلى الله عليه وآله وخط علي عليه السلام بيده وهي سبعون ذراعاً) و ص 147 (باب 13 باب آخر فيه أمر الكتب) و ص 150 (باب 14 في الأئمة عليهم السلام أنهم أعطوا الجفر والجامعة ومصحف فاطمة عليها السلام) و بحار الأنوار: ج 26 ص 18 (باب 1 جهات علومهم عليهم السلام وما عندهم من الكتب وأنه يُنْقَرُ فِي آذَانِهِمْ وَيُنْكَتُ فِي قُلُوبِهِمْ) وروضة الواعظين: ص 232.

2- الكافي: ج 1 ص 239 ح 1، بصائر الدرجات: ص 152 ح 3 و ص 143 ح 4 وفيه صدره إلى «في الخدش»، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 102 ح 6، بحار الأنوار: ج 26 ص 22 ح 11، وراجع: المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 253.

اشاره

الكافی۔ به نقل از حمّاد بن عثمان۔ از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «زنادقه در سال یکصد و بیست و هشت ظهور خواهند کرد. من این را با نگاه کردن به مصحف فاطمه در یافته ام». گفتم: مصحف فاطمه چیست؟ فرمود: «هنگامی که خداوند متعال، جان محمّد صلی الله علیه و آله را ستاند، فاطمه علیها السلام از رحلت او چنان اندوهگین شد که جز خداوند عز و جل هیچ کس از آن آگاهی نداشت. خداوند، فرشته ای به سوی او فرستاد تا او را تسلّی دهد و با او سخن بگوید. فاطمه علیها السلامین را به امیر مؤمنان علیه السلام باز گفت و علی علیه السلام به او گفت: هر گاه این تماس را احساس کردی و صدای او را شنیدی، به من بگو. فاطمه علیها السلامینز آن را به علی علیه السلام گفت و امیر مؤمنان علیه السلام آنچه را می شنید، می نوشت، تا از اینها مصحفی ثبت کرد». امام علیه السلام سپس فرمود: «در این مصحف، چیزی از حلال و حرام نیامده است و تنها علم [پیشامدهای] آینده در آن است».

3 / 4 - 6 ج - ام - ع - هالکافی۔ به نقل از ابو بصیر۔ امام صادق علیه السلام فرمود: «ای ابو محمّد! جامعه نزد ماست و آنها چه می دانند جامعه چیست؟». گفتم: قربانت گردم! جامعه چیست؟ فرمود: «صحیفه ای است با طول هفتاد ذرع به ذرع پیامبر خدا و املائی ایشان از دهان مبارکش و دست خطّ علی علیه السلام. هر حلال و حرام و هر چیزی که مردم بدان نیاز داشته باشند حتّی دیه خراش های کوچک، در آن آمده است». امام علیه السلام با دستش به من زد و فرمود: «ای ابو محمّد! به من اجازه می دهی؟». گفتم: قربانت گردم! من در اختیار تو هستم. هر چه می خواهی، بکن. امام علیه السلام همچون کسی که خشمگین است، دست مرا نیشگون گرفت و فرمود: «حتّی دیه این». گفتم: به خدا این، علم است. فرمود: «این، علم است؛ ولی نه همه آن».

الكافي عن أبي عبيدة: سأل أبا عبد الله عليه السلام بعض أصحابنا عن الجفر، فقال: هو جلد ثور مملوء علما. قال له: فالجامعة؟ قال: تلك صحيفة طولها سبعون ذراعا في عرض الأديم مثل فخذ الفالج (1)، فيها كل ما يحتاج الناس إليه، وليس من قضية إلا وهي فيها، حتى أرش الخدش. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: ضل علم ابن شبرمة (3) عند الجامعة، إملأ رسول الله صلى الله عليه وآله وخط علي عليه السلام بيده. إن الجامعة لم تدع لأحد كلاما، فيها علم الحلال والحرام. (4)

تعليقان ما ورد في الروايات من مواصفات الجامعة؛ كإملأ رسول الله صلى الله عليه وآله وخط علي عليه السلام، ومقدار طولها، تنطبق بمجمليها على كتاب الإمام علي عليه السلام. وعلى هذا فإن الجامعة - كما قيل - (5) هي نفس كتاب علي عليه السلام على الظاهر، والله العالم.

-
- 1- الأديم: الجلد. والفالج: الجمل الضخم ذو السنامين. (لسان العرب: ج 12 ص 9 و ج 2 ص 346).
 - 2- الكافي: ج 1 ص 241 ح 5، بصائر الدرجات: ص 153 ح 6 و ص 142 ح 2 عن علي بن رباب نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 41 ح 72.
 - 3- هو عبد الله بن شبرمة، كان قاضيا على الكوفة للمنصور، وكان يعمل بالقياس.
 - 4- الكافي: ج 1 ص 57 ح 14، بصائر الدرجات: ص 146 ح 23 و ص 150 ح 16 كلها عن أبي شيبه، بحار الأنوار: ج 43 ص 195 ح 22، وراجع: الكافي: ج 1 ص 238 باب فيه ذكر الصحيفة والجفر والجامعة ومصحف فاطمة عليها السلام، بحار الأنوار: ج 26 ص 18 باب جهات علومهم عليهم السلام وما عندهم من الكتب وأنه يُنقر في آذانهم وينكت في قلوبهم، والاحتجاج: ج 2 ص 63 ح 155 وكمال الدين: ص 352 ح 50 وعلل الشرائع: ص 171 ح 1 و بصائر الدرجات: ص 142 ح 1 و ص 143 ح 5 و ص 144 ح 9 وينايع المودة: ج 3 ص 199.
 - 5- راجع: مكاتيب الرسول: ج 1 ص 89، تدوين السنة: ج 1 ص 62 - 77 وأعيان الشيعة: ج 1 ص 94، والإمامة وأهل البيت للدكتور محمد بيومي مهران: ج 1 ص 265 - 268.

یادداشت

الكافی_ به نقل از ابو عبیده _ یکی از اصحاب ما از امام صادق علیه السلام در باره «جفر» پرسید . امام علیه السلام فرمود : «آن، پوست گاوی است آکنده از علم» . پرسید : «جامعه» چیست؟ امام علیه السلام فرمود : «آن صحیفه ای است به طول هفتاد ذرع و با عرضِ پوستی مثل پوست ران يك شتر سترگ . در آن، هر چه مردم بدان نیاز دارند ، یافت می شود و رویدادی نیست ، مگر آن که در آن آمده است ، حتی دیه خراشی» .

امام صادق علیه السلام : دانش ابن شُبْرُمَه (1) در برابر «جامعه» _ که به املاي پیامبر صلی الله علیه و آله و دست خط علی علیه السلام است _ گم است . جامعه، برای هیچ کس جای سخنی باقی نگذاشته و در آن ، علم حلال و حرام است .

یادداشت‌مَشَخَّصَاتِي که برای «جامعه» در احادیث آمده ، همچون : املاي پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، خط امام علی علیه السلام و بزرگی آن ، نوعاً با مشخصات «کتاب امام علی علیه السلام» تطبیق می کند . بنا بر این ظاهراً مقصود از جامعه ، همان کتاب امام علی علیه السلام است . و الله العالم .

1- . او عبد الله بن شُبْرُمَه است که از طرف منصور، قاضی کوفه بود و به «قیاس» عمل می کرد.

4 / 3 _ 7 الجفـ الكافي عن أبي بصير: قال أبو عبد الله عليه السلام: إنَّ عندنا الجفـ، وما يُدريهم ما الجفـ؟ قلتُ: وما الجفـ؟ قال: وعاءٌ من آدمٍ فيه علمُ النَّبِيِّينَ وَالْوَصِيِّينَ، وعلمُ العُلَمَاءِ الَّذِينَ مَضَوْا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ. قلتُ: إنَّ هذا هو العِلْمُ. قال: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَلَيْسَ بِذَلِكَ. (1)

الكافي عن الحسين بن أبي العلاء: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ عِنْدِي الْجَفْرَ الْأَبْيَضَ. قلتُ: فَأَيُّ شَيْءٍ فِيهِ؟ قَالَ: زَبُورُ دَاوُدَ، وَتَوْرَةُ مُوسَى، وَإِنْجِيلُ عِيسَى، وَصَدْحُفُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَالْحَلَالُ وَالْحَرَامُ، وَمُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ. مَا أَزْعُمُ أَنْ فِيهِ قُرْآنًا، وَفِيهِ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْنَا وَلَا نَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ، حَتَّى فِيهِ الْجِلْدَةُ وَنِصْفُ الْجِلْدَةِ وَرُبْعُ الْجِلْدَةِ وَأَرْشُ الْخَدَشِ. (2)

الإمام الرضا عليه السلام في بيان علامات الإمام: يَكُونُ عِنْدَهُ الْجَفْرُ الْأَكْبَرُ وَالْأَصْغَرُ إِهَابٌ مَاعِزٌ وَإِهَابٌ كَبِشٌ فِيهِمَا جَمِيعُ الْعُلُومِ حَتَّى أَرْشُ الْخَدَشِ، وَحَتَّى الْجِلْدَةُ وَنِصْفُ الْجِلْدَةِ وَثُلُثُ الْجِلْدَةِ. وَيَكُونُ عِنْدَهُ مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ. (3)

1- الكافي: ج 1 ص 239 ح 1، بصائر الدرجات: ص 152 ح 3، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 102 ح 6 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 39 ح 70.

2- الكافي: ج 1 ص 240 ح 3، بصائر الدرجات: ص 150 ح 1، بحار الأنوار: ج 26 ص 37 ح 68.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 419 ح 5914، الخصال: ص 528 ح 1، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 213 ح 1، الاحتجاج: ج 2 ص 449 ح 311 كلها عن الحسن بن علي بن فضال، كشف الغمّة: ج 3 ص 80، بحار الأنوار: ج 25 ص 117 ح 1.

اشاره

3 / 4 _ 7 جَفْر الكافی_ به نقل از ابو بصیر _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «جَفْر، نزد ماست و آنها چه می دانند جفر چیست!؟» .
گفتم : جفر چیست؟ فرمود : «ظرفی از چرم که علم انبیا و اوصیا و علمای درگذشته بنی اسرائیل در آن است» . گفتم : این ، همان علم
است . فرمود : «البته این، علم است ؛ ولی همه آن نیست» .

الكافی_ به نقل از حسین بن ابی علاء _ : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود : «جفر سفید، نزد من است» . گفتم : در آن
چیست؟ فرمود : «زبور داوود و تورات موسی و انجیل عیسی و صحف ابراهیم علیهم السلام و حلال و حرام و مصحف فاطمه
علیها السلام . نمی گویم در آن، چیزی از قرآن هست ؛ [بلکه] در آن اموری هست که مردم را نیازمند ما می کند و ما به کسی نیازی
نداریم . در آن، حتی [مجازات] يك تازیانه و نیم تازیانه و يك چهارم تازیانه و ديه خراش وجود دارد» .

امام رضا علیه السلام_ در بیان نشانه های امام _ : جفر اکبر و اصغر (پوست بز و پوست قوچ) نزد اوست، که در این دو، همه علوم ، حتی
ديه خراش و يك تازیانه و نیم تازیانه و يك سوم تازیانه وجود دارد و مصحف فاطمه علیها السلام نزد اوست .

جفر چیست؟

جفر چیست؟ در باره این که جفر چیست، آرای گوناگونی هست که پرداختن به آنها در این جا ضرورتی ندارد (1). آنچه از جمع بندی احادیث مختلف _ در باره آن به عنوان یکی از مبادی علوم اوصیای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ به دست می آید، این است که: «جفر» اشاره به دو صندوق پوستی است که کتب مختلف پیامبران گذشته و کتبی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی و فاطمه علیهما السلام به اهل بیت علیهم السلام به ارث رسیده و نیز سلاح پیامبر خدا، در آنها نگهداری می شده است و به دیگر سخن، «جفر» و نیز «جفر سفید» و «جفر سرخ» (2) اشاره به کتاب خانه و موزه سیّار اهل بیت است که نزد ائمه علیهم السلام دست به دست می گشته و هم اکنون نزد امام زمان علیه السلام است.

-
- 1- ر.ك: أعيان الشيعة: ج 1 ص 95 _ 96، تدوين السنّة الشريفة، جلالی حسینی: ج 1 ص 62 _ 77، مكاتیب الرسول صلی الله علیه و آله، احمدی میانجی: ج 1 ص 89، الإمامة و أهل البيت، محمد بیومی مهران: ج 1 ص 265 _ 268.
- 2- ر.ك: ص 99 ح 543، الكافی: ج 1 ص 240 ح 3، بحار الأنوار: ج 26 ص 18 ح 1 و ص 37 ح 68 و ج 47 ص 26 ح 26 و ج 52 ص 313 ح 7.

4 / 3 _ الإلهام للإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لِذَلِكَ ، وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ ، وَالْهَمَمَةَ الْعِلْمِ الْإِهَامَا ، فَلَمْ يَعْجِ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ ، وَلَا يَحِيرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ ، فَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ ، مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ ، قَدْ أَمِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَالَ وَالْعِثَارَ ، يَخُصُّهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ ، وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ ، وَ «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (1) . (2)

الكافي عن الحارث بن المغيرة عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : قُلْتُ [لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ] : أَخْبِرْنِي عَنْ عِلْمِ عَالِمِكُمْ . قَالَ : وَرِائِدَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمِنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . قُلْتُ : إِنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّهُ يُعْذَفُ فِي قُلُوبِكُمْ وَيُنَكَّتُ فِي آذَانِكُمْ ! قَالَ : أَوْ ذَاكَ . (3)

الأمالي للطوسي عن الحارث التّصريّ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الَّذِي يُسَأَلُ عَنْهُ الْإِمَامُ وَلَيْسَ عِنْدَهُ فِيهِ شَيْءٌ ، مِنْ أَيْنَ يَعْلَمُهُ؟ قَالَ : يُنَكَّتُ فِي الْقَلْبِ نَكْتًا ، أَوْ يُتَقَرُّ فِي الْأُذُنِ تَقْرًا . (4)

الأمالي للطوسي عن أبي بصير: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُحَدَّثًا ، وَكَانَ سَلْمَانُ مُحَدَّثًا . قُلْتُ : فَمَا آيَةُ الْمُحَدَّثِ؟ قَالَ : يَأْتِيهِ مَلَكٌ ، فَيُنَكَّتُ فِي قَلْبِهِ كَيْتَ وَكَيْتَ . (5)

1- الجمعة: 4 ، الحديد: 21 .

2- الكافي: ج 1 ص 202 ح 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 221 ح 1 ، معاني الأخبار: ص 101 ح 2 ، كمال الدين: ص 680 ح 31 ، الاحتجاج: ج 2 ص 446 ح 310 كلّها عن عبد العزيز بن مسلم ، بحار الأنوار: ج 25 ص 127 ح 4 .

3- الكافي: ج 1 ص 264 ح 2 ، بصائر الدرجات: ص 326 ح 3 وفيه «قلوبهم وينكت في آذانهم» بدل «قلوبكم وينكت في آذانكم» و ص 327 ح 5 ، بحار الأنوار: ج 2 ص 174 ح 10 .

4- الأمالي للطوسي: ص 408 ح 916 ، بصائر الدرجات: ص 316 ح 1 عن أبي بصير وص 317 ح 7 نحوه ، بحار الأنوار: ج 26 ص 19 ح 2 .

5- الأمالي للطوسي: ص 407 ح 914 ، رجال الكشي: ج 1 ص 64 ح 36 نحوه ، مختصر بصائر الدرجات: ص 113 ، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 830 ح 46 وليس فيهما «وكان سلمان محدثًا» ، بصائر الدرجات: ص 322 ح 4 ، بحار الأنوار: ج 22 ص 327 ح 31 .

4 / 3 - 8 الهام

4 / 3_ 8 الهام امام رضا علیه السلام: هر گاه خداوند، بنده ای را برای امور بندگان برگزیند، برای این کار، سینه اش را گشاده می گرداند و چشمه های حکمت را به دل او می سپارد و علم را به کمال، بر او الهام می نماید و از این پس، او دیگر در پاسخی درمانده نمی گردد و در [تشخیص] صواب سرگشته نمی شود. او معصوم است و تأیید شده [از جانب خدا] و توفیق یافته و ره نمون گشته و از خطا و لغزش و افتادن، در امان است. خداوند، او را به این امور اختصاص داده تا حجتش بر بندگان و گواهِش بر خلقتش باشد و «این، فضل خداست که به هر کس بخواهد، می دهد و خدا صاحب فضل بزرگ است».

الکافی_ به نقل از حارث بن مغیره _ : [به امام صادق علیه السلام] گفتم: مرا از علم عالِمَتان آگاه گردان. فرمود: «ارثی است از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام». گفتم: ما می گوئیم که آن به دل شما الهام و در گویان نجوا می شود. فرمود: «این هم هست».

الأمالی، طوسی_ به نقل از حارث نصری _ : به امام صادق علیه السلام گفتم: اگر نکته ای از امام پیرسند و او نداند، از کجا بدان آگاهی می یابد؟ فرمود: «به دلش الهام می گردد یا در گوشش نجوا می شود».

الأمالی، طوسی_ به نقل از ابو بصیر _ : امام صادق علیه السلام فرمود: «علی علیه السلام، محدث بود و سلمان هم محدث بود». گفتم: نشانه محدث چیست؟ فرمود: «فرشته ای نزد او می آید و به دلش چنین و چنان الهام می کند».

الاختصاص عن بريد العجلي: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّسُولِ وَالنَّبِيِّ وَالْمُحَدَّثِ ، فَقَالَ : الرَّسُولُ : الَّذِي تَأْتِيهِ الْمَلَائِكَةُ وَيُعَايِنُهُمْ وَتُبَلِّغُهُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى . وَالنَّبِيُّ : الَّذِي يَرَى فِي مَنَامِهِ ، فَمَا رَأَى فَهُوَ كَمَا رَأَى . وَالْمُحَدَّثُ : الَّذِي يَسْمَعُ الْكَلَامَ _ كَلَامَ الْمَلَائِكَةِ _ وَيُنْقَرُ فِي أُذُنَيْهِ ، وَيُنَكَّتُ فِي قَلْبِهِ . (1)

الاختصاص عن الحارث بن المغيرة: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا عِلْمُ عَالِمِكُمْ ، أَجْمَلَةً يُقَدِّفُ فِي قَلْبِهِ أَوْ يُنَكَّتُ فِي أُذُنِهِ ؟ فَقَالَ : وَحْيٌ كَوَحْيِ أُمِّ مُوسَى . (2)

الإمام الكاظم عليه السلام: مَبْلَغُ عِلْمِنَا عَلَى ثَلَاثَةِ وُجُوهِ : مَاضٍ وَغَابِرٍ وَحَادِثٍ ، فَأَمَّا الْمَاضِي فَمُفَسَّرٌ ، وَأَمَّا الْغَابِرُ فَمَزْبُورٌ ، وَأَمَّا الْحَادِثُ فَقَدِّفٌ فِي الْقُلُوبِ ، وَتَقَرُّ فِي الْأَسْمَاعِ ، وَهُوَ أَفْضَلُ عِلْمِنَا ، وَلَا نَبِيَّ بَعْدَ نَبِيِّنَا . (3)

الكافي عن المفضل بن عمر: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رُؤِينَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : إِنَّ عِلْمَنَا غَابِرٌ وَمَزْبُورٌ وَنَكَّتٌ فِي الْقُلُوبِ وَتَقَرُّ فِي الْأَسْمَاعِ . فَقَالَ : أَمَّا الْغَابِرُ فَمَا تَقَدَّمَ مِنْ عِلْمِنَا ، وَأَمَّا الْمَزْبُورُ فَمَا يَأْتِينَا ، وَأَمَّا النَّكَّتُ فِي الْقُلُوبِ فَالِهَامُ ، وَأَمَّا النَّقْرُ فِي الْأَسْمَاعِ فَأَمْرُ الْمَلِكِ . (4)

1- الاختصاص : ص 328 ، الكافي : ج 1 ص 176 ح 3 عن الأحول ، مختصر بصائر الدرجات : ص 114 ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 832 ذيل ح 47 كلُّها نحوه ، بصائر الدرجات : ص 368 ح 1 عن بريد العجلي عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 26 ص 74 ح 25 .

2- الاختصاص : ص 286 ، بصائر الدرجات : ص 317 ح 10 ، بحار الأنوار : ج 26 ص 58 ح 128 .

3- الكافي : ج 1 ص 264 ح 1 عن علي السائي ، و ج 8 ص 125 ح 95 عن علي بن سويد ، بصائر الدرجات : ص 319 ح 3 عن علي السائي ، و ص 318 ح 1 عن علي السائي عن الإمام الصادق عليه السلام ، دلائل الإمامة : ص 524 ح 495 عن علي بن محمد السمرري عن الإمام المهدي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 26 ص 59 ح 132 .

4- الكافي : ج 1 ص 264 ح 3 ، الإرشاد : ج 2 ص 186 ، الاحتجاج : ج 2 ص 294 ح 246 ، روضة الواعظين : ص 232 كلُّها عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بصائر الدرجات : ص 318 ح 2 عن محمد بن الفضيل ، بحار الأنوار : ج 26 ص 18 ح 1 .

الاختصاص_ به نقل از بُرید عجلی_ : از امام باقر علیه السلام در باره «رسول» و «نبی» و «محدّث» پرسش کردم . فرمود : «رسول ، کسی است که فرشتگان نزد او می آیند و او آنها را می بیند و آنها پیام خدای متعال را به او ابلاغ می کنند و نبی، کسی است که در خواب می بیند و هر آنچه در خواب دیده ، در بیداری برای او محقّق می شود و محدّث، کسی است که سخن فرشتگان را می شنود و در گوشش نجوا و به دلش الهام می شود» .

الاختصاص_ به نقل از حارث بن مغیره_ : به امام صادق علیه السلام گفتم : علم عالم شما چگونه است؟ آیا جمله ای است که در قلبش افکنده می شود یا در گوشش الهام می شود؟ فرمود : «وحیی است همچون وحی مادر موسی» .

امام کاظم علیه السلام : دانش ما به سه گونه : گذشته ، آینده و پدید شونده است . گذشته ، که تفسیر شده است و آینده ، که در «جامعه» و «مصحف» نوشته شده است و پدید شونده ، که از راه الهام به دل و تأثیر در گوش است و این، بهترین دانش ماست و پس از پیامبر ما، دیگر پیامبری نیست .

الکافی_ به نقل از مفصّل بن عمر_ : به امام کاظم علیه السلام گفتم : به ما گفته اند که امام صادق علیه السلام فرموده : «علم ما ، یا به گذشته است ، یا نوشته شده است و یا به الهام به دل و یا نجوای در گوش است» . فرمود : «گذشته ، همان علم آشکار شده ماست و نوشته شده ، آن است که می آید و الهام ، که به دل می نشیند و نجوای در گوش ، که دستور فرشتگان است» .

4 / 4 صِفَةُ عُلُومِهِمْ 4 / 4 - 1 يَعْلَمُونَ إِذَا شَاءُوا وَالْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمًا . (1)

الكافي عن عمّار السَّاباطي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْإِمَامِ يَعْلَمُ الْغَيْبَ؟ فَقَالَ: لَا، وَلَكِنْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ الشَّيْءَ أَعْلَمَهُ اللَّهُ ذَلِكَ . (2)

الإمام الهادي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُظْهِرْ عَلَيَّ غَيْبَهُ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ، فَكُلُّ مَا كَانَ عِنْدَ الرَّسُولِ كَانَ عِنْدَ الْعَالِمِ، وَكُلُّ مَا أَطَّلَعَ عَلَيْهِ الرَّسُولُ فَقَدْ أَطَّلَعَ أَوْصِيَاؤُهُ عَلَيْهِ، لَيْثًا تَخَلَّوْا أَرْضَهُ مِنْ حُجَّةٍ، يَكُونُ مَعَهُ عِلْمٌ يَدُلُّ عَلَى صِدْقِ مَقَالَتِهِ وَجَوَازِ عَدَالَتِهِ . (3)

4 / 4 - 2 يُبْسَطُ لَهُمُ الْعِلْمُ وَيُقْبَضُ عَنْهُمَا لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُبْسَطُ لَنَا فَنَعْلَمُ، وَيُقْبَضُ عَنَّا فَلَا نَعْلَمُ، وَالْإِمَامُ يُولَدُ وَيُولَدُ وَيَصِحُّ وَيَمْرُضُ، وَيَأْكُلُ وَيَشْرَبُ، وَيَبُولُ وَيَتَغَوَّطُ، وَيَفْرَحُ وَيَحْزَنُ، وَيَضْحَكُ وَيَبْكِي، وَيَمُوتُ وَيُقْبَرُ، وَيُزَادُ فَيَعْلَمُ. وَدَلَالَتُهُ فِي خَصَلَتَيْنِ: فِي الْعِلْمِ، وَاسْتِجَابَةِ الدَّعْوَةِ. وَكُلُّ مَا أَخْبَرَ بِهِ مِنَ الْحَوَادِثِ الَّتِي تَحْدُثُ قَبْلَ كَوْنِهَا كَذَلِكَ، بَعْدَ مَعْهُودِ إِلَيْهِ مِنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَوَارَتْهُ مِنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . (4)

- 1- الكافي: ج 1 ص 258 ح 1 و ح 2 وفيه «أعلم» بدل «علم»، بصائر الدرجات: ص 315 ح 3 كلَّها عن أبي الربيع، و ح 2 عن يزيد بن فرقد النهدي، بحار الأنوار: ج 26 ص 56 ح 117 .
- 2- الكافي: ج 1 ص 257 ح 4، بصائر الدرجات: ص 315 ح 4، الاختصاص: ص 286، بحار الأنوار: ج 26 ص 57 ح 119 .
- 3- كشف الغمّة: ج 3 ص 177 عن فتح بن يزيد الجرجاني، بحار الأنوار: ج 50 ص 179 ح 56 .
- 4- النخصال: ص 528 ح 3، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 214 ح 2، كشف الغمّة: ج 3 ص 81 كلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 25 ص 117 ح 2 .

4 / 4 چگونگی علم اهل بیت علیهم السلام

4 / 4 - 1 هر گاه که بخواهند، می دانند

4 / 4 - 2 علم برای اهل بیت علیهم السلام قبض و بسط می یابد

4 / 4 چگونگی علم اهل بیت علیهم السلام 4 / 4 - 1 هر گاه که بخواهند، می دانند امام صادق علیه السلام: امام هر گاه بخواهد که بداند، می داند.

الکافی_ به نقل از عمّار سبابی_ از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا امام، علم غیب می داند؟ فرمود: «نه؛ لیکن هر گاه بخواهد بر چیزی آگاهی یابد، خداوند، او را بدان آگاه می گرداند».

امام هادی علیه السلام: خداوند، غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی سازد، مگر رسولی (فرستاده ای) که [خود] برگزیند. هر آنچه نزد رسول است، نزد عالم نیز هست و هر چه رسول بر آن آگاهی دارد، جانشینانش نیز بر آن آگاهی دارند تا زمین از حجت، تهی نماند، و علمی با او همراه است که گواه درستی گفتار او و نافذ بودن عدالت اوست.

4 / 4 - 2 علم برای اهل بیت علیهم السلام قبض و بسط می یابد امام صادق علیه السلام: علم برای ما گشایش می یابد و ما آگاهی می یابیم و گرفتگی می یابد و ما آگاهی نمی یابیم. امام، زاده می شود و از او زاده می شود و تن درستی می یابد و بیمار می شود و می خورد و می آشامد و بول و غائط می کند و شاد می شود و محزون می گردد و می خندد و می گیرد و می میرد و به خاک سپرده می شود و رشد می کند و آگاهی می یابد و نشانه او، برخورداری از دو ویژگی است: برخورداری از علم و استجاب دعا. هر رویدادی که او پیش تر، از آن خبر دهد، همان می شود و این در پرتو عهدی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او سپرده و او آن را از پدرانش به ارث برده است.

الكافي عن معمر بن خلاد: سأل أبا الحسن رجلاً من أهل فارس، فقال له: أتعلمون الغيب؟ فقال: قال أبو جعفر عليه السلام: يُسْطُ لَنَا الْعِلْمُ فَنَعْلَمُ، وَيُقْبَضُ عَنَّا فَلَا نَعْلَمُ. وقال: سِرُّ اللَّهِ عز و جل أَسْرَةٌ إِلَى جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَسْرَةٌ جِبْرِئِيلُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَسْرَةٌ مُحَمَّدٌ إِلَى مَنْ شَاءَ اللَّهُ. (1)

4 / 4_ 3 يزاد علمهما الكافي عن زرارة: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْلَا أَنَا نَزَدًا لَأَنْفَدْنَا. قُلْتُ: تَزْدَادُونَ شَيْئًا لَا يَعْلَمُهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ: أَمَا إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ عُرِضَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ عَلَى الْأَيِّمَةِ ثُمَّ انْتَهَى الْأَمْرُ إِلَيْنَا. (2)

الأمالي للطوسي عن أبي بصير: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْلَا أَنَا نَزَدًا لَأَنْفَدْنَا، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، تَزْدَادُونَ شَيْئًا لَيْسَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ: إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ أُتِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأُخْبِرَ ثُمَّ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ إِلَى وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. (3)

1- الكافي: ج 1 ص 256 ح 1، مختصر بصائر الدرجات: ص 63، بصائر الدرجات: ص 513 ح 32 وليس فيهما ذيله من «وقال: سرّ الله عز و جل»، بحار الأنوار: ج 26 ص 96 ح 35.

2- الكافي: ج 1 ص 255 ح 3، الاختصاص: ص 312، بصائر الدرجات: ص 394 ح 8، بحار الأنوار: ج 17 ص 136 ح 16.

3- الأمالي للطوسي: ص 409 ح 920، الاختصاص: ص 313، بصائر الدرجات: ص 392 ح 3، بحار الأنوار: ج 26 ص 86 ح 2.

4 / 4 - 3 علم اهل بیت علیهم السلام فزونی می یابد

الکافی_ به نقل از معمر بن خلّاد _ : مردی ایرانی از امام کاظم علیه السلام پرسید : آیا شما غیب می دانید؟ فرمود : «امام باقر علیه السلام فرموده است : علم برای ما گشایش می یابد و ما آگاهی می یابیم و گرفتگی می یابد و دیگر آگاهی نمی یابیم . خدا سرّ الهی را به جبرئیل می سپارد و جبرئیل به محمّد صلی الله علیه و آله می سپارد و محمّد به هر که خدا بخواهد» .

4 / 4 - 3 علم اهل بیت علیهم السلام فزونی می یابد الکافی_ به نقل از زرارهِ _ : از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود : «اگر علم ما فزونی نمی یافت ، پایان می پذیرفت» . گفتم : چیزی بر شما افزوده می شود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را نمی دانست؟ فرمود : «هر گاه چنین (بنای افزایش علم) باشد ، نخست بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سپس بر امامان عرضه می شود تا به ما می رسد» .

الأمالی، طوسی_ به نقل از ابو بصیر _ : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود : «اگر علم ما فزونی نمی یافت ، هر آینه پایان می پذیرفت» . گفتم : قربانت گردم! چیزی بر شما افزوده می شود که نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیست؟ فرمود : «اگر چنین باشد ، نخست به پیامبر صلی الله علیه و آله می رسد و او آگاه می گردد و سپس به علی علیه السلام می رسد و به همین ترتیب تا به صاحب الأمر برسد .

الأمالي للطوسي عن عبد الله بن بكير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبَرَنِي أَبُو بَصِيرٍ أَنَّهُ سَمِعَكَ تَقُولُ: «لَوْلَا أَنَا تَزَادُ لَأَنْفَدْنَا»! قَالَ: نَعَمْ . قُلْتُ: تَزَادُونَ شَيْئًا لَيْسَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَقَالَ: لَا، إِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحْيًا وَإِلَيْنَا حَدِيثًا. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ يَخْرُجُ شَيْءٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يُبَدَأَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ بِوَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ؛ لِكَيْ لَا يَكُونَ آخِرُنَا أَعْلَمَ مِنْ أَوَّلِنَا. (2)

الاختصاص عن سليمان الديلمي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: سَمِعْتُكَ وَأَنْتَ تَقُولُ غَيْرَ مَرَّةٍ: «لَوْلَا أَنَا تَزَادُ لَأَنْفَدْنَا»! فَقَالَ: أَمَّا الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ فَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَمَالِهِ، وَمَا يُزَادُ الْإِمَامُ فِي حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ. قُلْتُ لَهُ: فَمَا هَذِهِ الزِّيَادَةُ؟ فَقَالَ: فِي سَائِرِ الْأَشْيَاءِ سِوَى الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ. قُلْتُ: تَزَادُونَ شَيْئًا يَخْفَى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا يَعْلَمُهُ؟ فَقَالَ: لَا، إِنَّمَا يَخْرُجُ الْعِلْمُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَيَأْتِي بِهِ الْمَلَكُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ، رَبُّكَ يَا مُرَّكَ بِكَذَا وَكَذَا، فَيَقُولُ: انْطَلِقْ بِهِ إِلَى عَلِيِّ، فَيَأْتِي بِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ: انْطَلِقْ بِهِ إِلَى الْحَسَنِ، فَلَا يَزَالُ هَكَذَا يَنْطَلِقُ بِهِ إِلَى وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ، حَتَّى يَخْرُجَ إِلَيْنَا، وَمُحَالٌّ أَنْ يَعْلَمَ الْإِمَامُ شَيْئًا لَمْ يَعْلَمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْإِمَامُ مِنْ قَبْلِهِ. (3)

1- الأمالي للطوسي: ص 409 ح 919، بحار الأنوار: ج 26 ص 86 ح 1.

2- الكافي: ج 1 ص 255 ح 4، الاختصاص: ص 313، بصائر الدرجات: ص 392 ح 2، بحار الأنوار: ج 26 ص 92 ح 20.

3- الاختصاص: ص 313، بصائر الدرجات: ص 393 ح 5 نحوه، بحار الأنوار: ج 22 ص 552 ح 8.

الأمالی، طوسی_ به نقل از عبد الله بن بکیر_ : به امام صادق علیه السلام گفتم : ابو بصیر به من گفته که از شما شنیده است که فرموده ای : «اگر علم ما فزونی نمی یافت ، هر آینه پایان می پذیرفت» . امام علیه السلام فرمود : «آری» . من گفتم : چیزی بر شما افزوده می شود که نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نبوده است؟ فرمود : «خیر . اگر چنین (افزایش علم) باشد، [ابتدا] بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وحی و برای ما باز گفته می شود» .

امام صادق علیه السلام : چیزی از درگاه خداوند عز و جل صادر نمی شود ، مگر آن که نخست از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آغاز شود و سپس به امیر مؤمنان علیه السلام برسد و همین طور ، یکی پس از دیگری، تا آخرین ما از نخستین ما اعلم نباشد .

الاختصاص_ به نقل از سلیمان دیلمی_ : به امام صادق علیه السلام گفتم : شنیده ام که بارها فرموده ای : «اگر به علم ما افزوده نمی شد ، هر آینه پایان می پذیرفت» . فرمود : «اما علم به حلال و حرام را خداوند به کمال برای پیامبرش صلی الله علیه و آله فرو می فرستد و در حلال و حرام ، بر امام ، چیزی افزوده نمی گردد» . به ایشان گفتم : پس این افزایش چیست؟ فرمود : «در امور دیگری جز حلال و حرام است» . گفتم : چیزی بر شما افزوده می شود که بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پوشیده ماند و آن را نداند؟ فرمود : «نه . علم از سوی خداوند می آید و جبرئیل آن را به پیامبر خدا می رساند و می گوید : ای محمد! خداوند به تو چنین و چنان دستور می دهد و می فرماید : آن را نزد علی ببر و او آن را نزد علی می برد و می فرماید : آن را به حسن بسپار و به همین ترتیب به یکی پس از دیگری تحویل داده می شود تا به ما می رسد و محال است امام ، چیزی را بداند که پیامبر و امام پیش از او آن را ندانسته باشند» .

الفصل الخامس : مذهب أهل البيت عليهم السلام 5 / 1 تفسير الدين عندهما الكافي عن أبي الجارود: قُلتُ لأبي جعفرٍ عليه السلام: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، هَلْ تَعْرِفُ مَوَدَّتِي لَكُمْ وَاقْطَاعِي إِلَيْكُمْ، وَمُؤَالَاتِي إِيَّاكُمْ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. فَقُلتُ: فَإِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةً تُجِيبُنِي فِيهَا، فَإِنِّي مَكْفُوفُ الْبَصَرِ قَلِيلُ الْمَشْيِ، وَلَا أَسْتَطِيعُ زِيَارَتَكُمْ كُلَّ حِينٍ. قَالَ: هَاتِ حَاجَتَكَ. قُلتُ: أَخْبِرْنِي بِدِينِكَ الَّذِي تَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ أَنْتَ وَأَهْلُ بَيْتِكَ لِأَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ. قَالَ: إِنْ كُنْتَ أَقْصَرْتَ الْخُطْبَةَ فَقَدْ أَعْظَمْتَ الْمَسْأَلَةَ، وَاللَّهُ لَأَعْطِيَنَّكَ دِينِي وَدِينَ آبَائِي الَّذِي نَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، وَالْوَلَايَةُ لَوْلِيِّنَا، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا، وَالتَّيَاطُرُ قَائِمِنَا، وَالْإِجْتِهَادُ وَالْوَرَعُ. (1)

الكافي عن أبي بصير: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ سَلَامٌ: إِنَّ خَيْمَةَ بَنِ أَبِي خَيْمَةَ يُحَدِّثُنَا عَنْكَ أَنَّهُ سَأَلَكَ عَنِ الْإِسْلَامِ، فَقُلتَ لَهُ: إِنَّ الْإِسْلَامَ مِنْ اسْتَقْبَلْ قِبَلَتَنَا، وَشَدَّ هَدْيَ شَهَادَتِنَا، وَنَسَكَ نُسُكَنَا، وَوَالَى وَلِيَّنَا، وَعَادَى عَدُوِّنَا، فَهُوَ مُسْلِمٌ. فَقَالَ: صَدَقَ خَيْمَةُ. قُلتُ: وَسَأَلْتُكَ عَنِ الْإِيمَانِ، فَقُلتَ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَالتَّصَدِيقُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَأَنْ لَا يَعْصِيَ اللَّهَ. فَقَالَ: صَدَقَ خَيْمَةُ. (2)

1- الكافي: ج 2 ص 21 ح 10، بحار الأنوار: ج 69 ص 14 ح 5.

2- الكافي: ج 2 ص 38 ح 5، المحاسن: ج 1 ص 443 ح 1026 وفيه «وَأَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضَ فِي اللَّهِ» بدل «وَأَنْ لَا يَعْصِيَ اللَّهَ» ، بحار الأنوار: ج 68 ص 296 ح 54، وراجع: الجعفریات: ص 77 والنوادر للراوندي: ص 140 ح 188.

فصل پنجم : مکتب اهل بیت علیهم السلام

5 / 1 تفسیر دین در نزد اهل بیت علیهم السلام

فصل پنجم : مکتب اهل بیت علیهم السلام 5 / 1 تفسیر دین در نزد اهل بیت علیهم السلام کافی_ به نقل از ابو جارود _ : به امام باقر علیه السلام گفتم : ای فرزند پیامبر خدا! آیا می دانی که من شما را دوست دارم و خود را وقف شما کرده ام و از شما طرفداری می کنم؟ فرمود : «آری» . گفتم : اینک پرسشی دارم که می خواهم پاسخ مرا بدهی . من نابینا هستم و کم راه می روم و نمی توانم همیشه به دیدار شما بیایم . فرمود : «اینک نیازت چیست؟» . گفتم : مرا از دینی که خود و خاندانت خدای را بدان می پرستید ، آگاه کن تا من هم با آن ، خداوند عز و جل را بپرستم . فرمود : «اگر چه کوتاه سخن گفتمی ، اما مسئله مهمی را مطرح کردی . به خدا سوگند ، دین خود و پدرانم را که با آن ، خدای عز و جل را می پرستیم، به تو عرضه می کنم : گواهی دادن به این که معبودی جز خدای یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و اعتراف به آنچه پیامبر ، از نزد خدا آورده است و دوست داشتن ولیّ ما و بیزاری از دشمن ما و تسلیم در برابر امر ما و انتظار قائم ما و سختکوشی و پاک دامنی» .

الکافی_ به نقل از ابو بصیر _ : در خدمت امام باقر علیه السلام بودم . سلام به ایشان گفتم : خیمه بن ابی خیمه از طرف شما برای ما حدیثی نقل کرده که در باره اسلام از شما پرسش کرده است و شما در پاسخ به او گفته اید : «مسلمان، کسی است که رو به سوی قبله ما آورد و شهادت ما را بر زبان جاری سازد و عبادت ما را در پیش گیرد و دوستدار ما را دوست بدارد و دشمن ما را دشمن بشمارد. در این صورت است که مسلمان تلقی می شود» . امام علیه السلام فرمود : «خیمه راست گفته است» . گفتم : و در باره ایمان از شما پرسیده و شما پاسخ داده اید : «ایمان حقیقی، یعنی : ایمان به خدا و اعتقاد به کتاب خدا و نافرمانی نکردن از خدا» . امام علیه السلام فرمود : «خیمه راست گفته است» .

الكافي عن علي بن حمزة عن أبي بصير ، قال : سَمِعْتُهُ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، أَخْبِرْنِي عَنِ الدِّينِ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ ، مَا لَا يَسَعُهُمْ جَهْلُهُ وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُمْ غَيْرُهُ مَا هُوَ ؟ فَقَالَ : أَعِدْ عَلَيَّ ، فَأَعَادَ عَلَيْهِ ، فَقَالَ : شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ ، وَحُجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ ، ثُمَّ سَكَتَ قَلِيلًا ، ثُمَّ قَالَ : وَالْوَلَايَةُ - مَرَّتَيْنِ - . (1)

الكافي عن عمرو بن حريث : دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ فِي مَنْزِلِ أَخِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، فَقُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، مَا حَوَّلَكَ إِلَى هَذَا الْمَنْزِلِ ؟ قَالَ : طَلَبُ النَّزَاهَةِ ، فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، أَلَا أَقْضُ عَلَيْكَ دِينِي ؟ فَقَالَ : بَلَى . قُلْتُ : أَدِينُ اللَّهُ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا ، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ ، وَحُجُّ الْبَيْتِ ، وَالْوَلَايَةَ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَالْوَلَايَةَ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، وَالْوَلَايَةَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَالْوَلَايَةَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَلَكَ مِنْ بَعْدِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَأَنْتُمْ أَنْمَتِي ، عَلَيْهِمْ أَحْيَا وَعَلَيْهِمْ أَمُوتُ وَأَدِينُ اللَّهُ بِهِ . فَقَالَ : يَا عَمْرُو ، هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ وَدِينُ آبَائِي الَّذِي أَدِينُ اللَّهُ بِهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ . (2)

1- الكافي : ج 2 ص 22 ح 11 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 15 ح 16 .

2- الكافي : ج 2 ص 23 ح 14 ، رجال الكشي : ج 2 ص 717 ح 792 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 5 ح 7 ، وراجع : المحاسن : ج 2 ص 461 ح 2595 .

الکافی_ به نقل از علی بن حمزه _ : شنیدم که ابو بصیر از امام صادق علیه السلام پرسید : قربانت گردم! به من بگو آن کدام دین است که خداوند عز و جل بر بندگان، فرض کرده است و ندانستن آن را بر نمی تابد و جز آن را از ایشان نمی پذیرد؟ امام علیه السلام فرمود : «سختت را تکرار کن» . او سخنش را باز گفت . امام علیه السلام فرمود : «گواهی به این که معبودی جز خدای یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست. نیز بر پا کردن نماز و پرداخت زکات و حجّ خانه خدا _ برای کسی که توانایی آن را دارد _ و روزه ماه رمضان» . امام علیه السلام اندکی سکوت کرد و سپس دو بار _ فرمود : «و ولایت» .

الکافی_ به نقل از عمرو بن حُرَیث _ : بر امام صادق علیه السلام وارد شدم ، در حالی که ایشان در خانه برادرش عبد الله بن محمد بود . به ایشان گفتم : قربانت گردم! چگونه شده که به این سرای آمده اید؟ فرمود : «برای آن که گوشه تنهایی بر گزینم» . گفتم : قربانت گردم! آیا دین خود را به تو باز گویم؟ فرمود : «آری» . گفتم : من خدا را می پرستم با گواهی دادن به این که معبودی جز خدای یکتا نیست و تنها اوست و انبازی ندارد و محمد ، بنده و فرستاده اوست و رستاخیز خواهد آمد و تردیدی در آن نیست و خداوند ، هر آن که را در گور آرمیده ، بر خواهد انگیخت . نیز با بر پا داشتن نماز و پرداخت زکات و روزه ماه رمضان و حجّ خانه خدا و ولایت امیر مؤمنان پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ولایت حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و تو پس از او _ که دروهای خدا بر همه آنان باد _ و این که شما امامان من هستید. بر این آیین، زندگی می کنم و می میرم و خدا را بدان می پرستم . امام علیه السلام فرمود : «ای عمرو! به خدا سوگند ، این، دین خدا و دین پدران من است که خدا را در پنهان و پیدا بدان اطاعت می کنم» .

المحاسن عن معاذ بن مسلم: أدخلت عمراً أخي على أبي عبد الله عليه السلام فقلت له: هذا عمر أخي، وهو يريد أن يسمع منك شيئاً، فقال له: سل عما شئت. فقال: سألتك عن الذي لا يقبل الله من العباد غيره ولا يعذرهم على جهله. فقال: شهادة أن لا إله إلا الله، وأن محمداً رسول الله صلى الله عليه وآله، والصلوات الخمس، وصيام شهر رمضان، والغسل من الجنابة، وحج البيت، والإقرار بما جاء من عند الله جملةً، والائتمام بأئمة الحق من آل محمد صلى الله عليه وآله. فقال عمر: سمهم لي أصلحك الله. فقال: علي أمير المؤمنين، والحسن، والحسين، وعلي بن الحسين، ومحمد بن علي عليهم السلام، والخير يعطيه الله من يشاء. فقال له: فأنت جعلت فداك؟ قال: هذا الأمر يجري لإخينا كما يجري لإخواننا. (1)

تحف العقول: زوي أن المأمون بعث الفضل بن سهل ذا الرياستين إلى الرضا عليه السلام، فقال له: إني أحب أن تجمع لي من الحلال والحرام والفرائض والسنة، فإنك حجة الله على خلقه ومعدن العلم. فدعا الرضا عليه السلام بدواة وقرطاس، وقال عليه السلام للفضل: أكتب: بسم الله الرحمن الرحيم حسبنا شهادة أن لا إله إلا الله، أحدا صمداً، لم يتخذ صاحبةً ولا ولداً، قيوماً، سميعاً بصيراً، قوياً قائماً، باقياً نوراً، عالماً لا يجهل، قادراً لا يعجز، غنياً لا يحتاج، عدلاً لا يجور، خلق كل شيء، ليس كمثله شيء، لا شبه له ولا ضد ولا ند ولا كفور. وأن محمداً عبده ورسوله وأمينه وصده فوته من خلقه، سيد المرسلين وخاتم النبيين، وأفضل العالمين، لا نبي بعده، ولا تبدل لملكته ولا تغيير. وأن جميع ما جاء به محمد صلى الله عليه وآله أنه هو الحق المبين، نصدق به وجميع من مضى قبله من رسل الله وأنبيائه وحججه. ونصدق بكتابه الصادق «لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد». (2) وأنه كتابه المهيم على الكتب كلها، وأنه حق من فاتحته إلى خاتمته، نؤمن بمحكمه ومتشابهه، وخاصه وعامه، ووعدته ووعدته، وناسخه ومنسوخه وأخباره، لا يقدر واحد من المخلوقين أن يأتي بمثله. وأن الدليل والحجة من بعده على المؤمنين والقائم بأمر المسلمين، والناطق عن القرآن والعالم بأحكامه، أخوه وخليفته ووصيه، والذي كان منه بمنزلة هارون من موسى: علي بن أبي طالب عليه السلام، أمير المؤمنين، وإمام المؤمنين، وقائد الغر المحجلين، يعسوب المؤمنين، وأفضل الوصيين بعد النبيين، وبعده الحسن والحسين عليهما السلام، واحداً بعد واحد إلى يومنا هذا، عترة الرسول، وأعلمهم بالكتاب والسنة، وأعدلهم بالقضية، وأولاهم بالإمامة في كل عصر وزمان، وأنهم العروة الوثقى، وأئمة الهدى، والحجة على أهل الدنيا، حتى يرث الله الأرض ومن عليها وهو خير الوارثين. وأن كل من خالفهم ضال مضل، تارك للحق والهدى. وأنهم المعبرون عن القرآن، الناطقون عن الرسول بالبيان، من مات لا يعرفهم ولا يتولاهم بأسمائهم وأسماء آبائهم مات ميتة جاهليّة. (3)

1- المحاسن: ج 1 ص 450 ح 1037، شرح الأخبار: ج 1 ص 224 ح 209 نحوه، بحار الأنوار: ج 69 ص 4 ح 5.

2- فضلت: 42.

3- تحف العقول: ص 415، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 121 ح 1 نحوه، بحار الأنوار: ج 10 ص 360 ح 2.

المحاسن_ به نقل از معاذ بن مسلم _ :برادرم عمر را خدمت امام صادق علیه السلام بردم و گفتم : این برادر من ، عمر است . او می خواهد از شما چیزی بشنود . امام علیه السلام به او فرمود : «در باره هر چه می خواهی ، پرس» . عمر گفت : از شما در باره چیزی پرسش دارم که خداوند ، جز با آن ، عمل بندگان را نمی پذیرد و عذر ندانستن آن را از هیچ کس قبول نمی کند . امام علیه السلام فرمود : «گواهی به این که معبودی جز خدای یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و نیز پرداختن به نمازهای پنجگانه و روزه ماه رمضان و غسل جنابت و حجّ خانه خدا و اعتراف به هر آنچه از نزد خدا آمده است و پیشوا قرار دادن امامان حق از خاندان محمد صلی الله علیه و آله » . عمر گفت : آنها را برای من نام ببرید . امام علیه السلام فرمود : «علی امیر مؤمنان ، حسن ، حسین ، علی بن الحسین و محمد بن علی و خداوند ، خیر را به هر کس بخواهد ، می دهد» . او گفت : قربانت گردم! شما چه؟ امام علیه السلام فرمود : «این امر برای آخرین ما ، همچون نخستین ما جریان دارد» .

تحف العقول :روایت شده است که مأمون ، فضل بن سهل (ذو الریاستین) را به سوی امام رضا علیه السلام فرستاد . او به امام علیه السلام گفت : دوست دارم حلال و حرام و فریضه ها و سنن را یک جا برای من گرد آوری ؛ چرا که تو حجّت خدا بر مردم و کان دانشی . امام رضا علیه السلام دوات و کاغذی طلبید و به فضل فرمود : «بنویس : به نام خداوند بخشاینده مهربان . ما را همین بس که گواهی دهیم معبودی جز خدای یکتا نیست و اوست یکتا و بی نیاز . نه همسری دارد و نه فرزندی . قائم به ذات است و شنوا و بینا ، نیرومند و برپا و پاینده و نور است . دانایی است که نادان نمی شود . توانایی است که ناتوان نمی گردد . توانگری است که نیاز نمی یابد . دادگری است که ستم نمی کند . همه چیز را او آفریده است . همچون او و شبیه او چیزی نیست . نه ضدّی دارد و نه مانند و نه همسنگی . و [گواهی دهیم به] این که محمد ، بنده و فرستاده او و امین و برگزیده او در میان بندگان است و سرور رسولان و خاتم پیامبران است . او برترین جهانیان است که پیامبری پس از او نخواهد آمد . آیین او تحوّل و دگرگونی نمی پذیرد و هر آنچه محمد صلی الله علیه و آله به ارمان آورده ، حقّ آشکار است . ما هر آنچه را محمد صلی الله علیه و آله آورده ، و [نیز] رسولان الهی و پیامبران پیشین و حجّت های خدا را تصدیق می کنیم و کتاب صادق او را که «نه از پیش روی و نه از پس آن ، باطل بدان راه نمی یابد از جانب خداوندی حکیم و ستودنی نازل شده است» تصدیق می کنیم . و این که قرآن ، پاسدار همه کتاب های آسمانی دیگر است و از آغاز تا انجام آن ، حقّ خالص است . به محکم و متشابه و خاص و عام و وعده و وعید و ناسخ و منسوخ و اخبار آن ایمان داریم و کسی از آفریده ها نمی تواند مانند آن را بیاورد . و این که راه نما و حجّت پس از او برای مؤمنان و عهده دار امور مسلمانان و قرآن گویا و دانا به احکام آن ، برادر و جانشین و وصیّ او ، و همان کسی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله ، همچون هارون نسبت به موسی بود ، علی بن ابی طالب است؛ امیر مؤمنان و امام پرهیزگاران و جلودار سپیدرویان دست و پا سفید و راهبر مؤمنان و برترین جانشینان پس از هر پیامبری، و پس از او حسن و حسین علیهما السلام ، یکی پس از دیگری تا امروز، که همه از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله اند و به کتاب و سنّت از همه آگاه تر و در داوری از همه دادگتر و در هر عصر و زمانی از همگان به امامت، شایسته ترند . آنها استوارترین دستاویز و امامان هدایت و حجّت اهل دنیاند تا آن گاه که خداوند ، زمین و هر آنچه را بر آن است ، به ارث برّد که او بهترین ارث برنده است . و این که هر کس با ایشان (اهل بیت علیهم السلام) به مخالفت برخیزد ، گم راه گم راه کننده است و حق و هدایت را کنار نهاده است . تنها ایشان بیان کننده قرآن و گویندگان بیان نبوی هستند . هر کس بمیرد و آنها را نشناسد و مشخصاً با نام آنها و پدرانشان ، بدیشان محبت نرزد ، به مرگی جاهلی مرده است» .

الأمامي للصدوق عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، فَلَمَّا بَصُرَ بِي قَالَ لِي : مَرَحَبًا بِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ ، أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا . قَالَ : فَقُلْتُ لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُعْرِضَ عَلَيْكَ دِينِي ، فَإِنْ كَانَ مَرْضِيًّا تَبَّتْ عَلَيْهِ حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ . فَقَالَ : هَاتِ يَا أَبَا الْقَاسِمِ . فَقُلْتُ : إِنِّي أَقُولُ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَاحِدٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، خَارِجٌ مِنَ الْحَدِيثِ ، حَدُّ الْإِبْطَالِ وَحَدُّ التَّشْبِيهِ ، وَإِنَّهُ لَيْسَ بِجَسْمٍ وَلَا صُورَةٍ وَلَا عَرَضٍ وَلَا جَوْهَرٍ ، بَلْ هُوَ مُجَسَّمُ الْأَجْسَامِ وَمُصَوَّرُ الصُّوَرِ ، وَخَالِقُ الْأَعْرَاضِ وَالْجَوَاهِرِ ، وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَالِكُهُ وَخَالِقُهُ وَجَاعِلُهُ وَمُحَدِّثُهُ . وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ ، فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَأَنَّ شَرِيعَتَهُ خَاتِمَةُ الشَّرَائِعِ فَلَا شَرِيعَةَ بَعْدَهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . وَأَقُولُ : إِنَّ الْإِمَامَ وَالْخَلِيفَةَ وَوَلِيَّ الْأَمْرِ بَعْدَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، ثُمَّ الْحَسَنُ ، ثُمَّ الْحُسَيْنُ ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ، ثُمَّ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ، ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ، ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ، ثُمَّ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ . فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَمَنْ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي ، فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ ؟ قَالَ : فَقُلْتُ : وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا مَوْلَايَ ؟ قَالَ : لِأَنَّهُ لَا يُرَى شَخْصُهُ ، وَلَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ ، حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا . قَالَ : فَقُلْتُ : أَقْرَبْتُ . وَأَقُولُ : إِنَّ وَلِيَّهُمْ وَلِيُّ اللَّهِ ، وَعَدُوَّهُمْ عَدُوُّ اللَّهِ ، وَطَاعَتُهُمْ طَاعَةُ اللَّهِ ، وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَةُ اللَّهِ . وَأَقُولُ : إِنَّ الْمِعْرَاجَ حَقٌّ ، وَالْمُسَاءَلَةَ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ ، وَإِنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ ، وَالنَّارَ حَقٌّ ، وَالصِّرَاطَ حَقٌّ ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ ، وَإِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا ، وَإِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ . وَأَقُولُ : إِنَّ الْفَرَائِضَ الْوَاجِبَةَ بَعْدَ الْوَلَايَةِ : الصَّلَاةُ ، وَالزَّكَاةُ ، وَالصَّوْمُ ، وَالْحَجُّ ، وَالْجِهَادُ ، وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ . فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا أَبَا الْقَاسِمِ ، هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ ، فَاتَّبِعْ عَلَيْهِ تَبَتَّكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ . (1)

1- . الأمامي للصدوق : ص 419 ح 557 ، كمال الدين : ص 379 ح 1 ، التوحيد : ص 81 ح 37 ، كفاية الأثر : ص 282 ، روضة الواعظين : ص 39 ، بحار الأنوار : ج 36 ص 412 ح 2 .

الأمالی، صدوق_ به نقل از عبد العظیم بن عبد اللہ حسنی _ : بر سرورم [امام هادی] علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام وارد شدم . چون مرا دید ، فرمود : «ای ابو القاسم! خوش آمدی . توبه راستی، دوستدار مایی» . گفتم : ای فرزند پیامبر خدا! می خواهم دینم را بر شما عرضه کنم تا اگر پسندیده است ، تا هنگام دیدار خداوند عز و جل بر آن پایداری ورزم . امام علیه السلام فرمود : «عرضه کن ، ای ابو القاسم!» . گفتم : من اعتقاد دارم که خداوند متعال، یکی است و چیزی مانند او وجود ندارد و از دو حدّ ابطال و تشبیه، بیرون است . نه جسمی دارد و نه صورتی و نه عرضی و نه جوهری ؛ بلکه اوست که به اجسام ، جسمیت و به صورت ها تصویر می بخشد و عرض ها و جوهرها را می آفریند و پروردگار و مالک و آفریننده و پدید آورنده هر پدیده ای است ، و این که محمد ، بنده و فرستاده او ، خاتم پیامبران است و تا روز رستاخیز ، پیامبری پس از او نخواهد بود و آیین او، آیین پایانی است که تا روز قیامت ، آیینی پس از آن نخواهد بود . من معتقدم امام و جانشین و ولیّ امر پس از او، امیر مؤمنان ، علی بن ابی طالب، سپس حسن، سپس حسین سپس علی بن الحسین، سپس محمد بن علی، سپس جعفر بن محمد، سپس موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی، سپس محمد بن علی علیهم السلام و سپس تویی ، ای سرورم! امام هادی علیه السلام فرمود : «و پس از من، فرزندم حسن، جانشین من خواهد بود ؛ ولی جانشین او در میان مردم چگونه خواهد بود؟» . گفتم : چگونه خواهد بود، سرورم؟ فرمود : «شخص او دیده نمی شود و روا نیست نامش برده شود تا خروج کند و زمین را همان گونه که از ظلم و ستم آکنده شده ، از داد و عدل بیاکند» . گفتم : بدان اقرار می کنم . من معتقدم که دوستدار آنها، دوستدار خدا و دشمن آنها، دشمن خداست . فرمانبری از آنها، فرمانبری از خدا و سرکشی از آنها، سرکشی از خداست . اعتقاد دارم که معراج، حق است و سؤال و جواب در قبر، حق است و بهشت، حق است و دوزخ، حق است و رستاخیز، حق است و تردیدی در آن نیست و خداوند، هر آن که را در گور خفته ، بر خواهد انگیخت . اعتقاد دارم که فرایض واجب پس از ولایت، نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکرند . امام هادی علیه السلام فرمود : «ای ابو القاسم! به خدا سوگند ، این، همان دینی است که خداوند برای بندگانش برگزیده است . بر آن، پایدار باش . خداوند ، تو را در دنیا و آخرت بر این عقیده استوار، پایدار بدارد!» .

5 / 2 صفةُ شيعتهما لإمام علي عليه السلام: شيعتنا المتبازلون في ولايتنا، المتحابون في مودتنا، المتزاورون في إحياء أمرنا، الذين إن غضبوا لم يظلموا، وإن رضوا لم يسرفوا، بركة على من جاؤوا، سلم لمن خالطوا. (1)

1- الكافي: ج 2 ص 236 ح 24 عن أبي المقدم عن الإمام الباقر عليه السلام، الخصال: ص 397 ح 104 عن عمرو بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عليه السلام، صفات الشيعة: ص 91 ح 23، تحف العقول: ص 300، مشكاة الأنوار: ص 123 ح 290 والثلاثة الأخيرة عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 68 ص 190 ح 46؛ مطالب السؤول: ص 224.

5 / 2 ویژگی شیعیان اهل بیت علیهم السلام

5 / 2 ویژگی شیعیان اهل بیت علیهم السلام: شیعیان ما در راه دوستی ما، به یکدیگر بخشش می کنند و در پرتو محبت ما، یکدیگر را دوست می دارند و برای زنده نگاه داشتن یاد ما، به دیدار یکدیگر می شتابند. آنها کسانی هستند که هر گاه خشمگین می شوند، ستم روا نمی دارند و هر گاه خشنود شوند، زیاده روی نمی کنند. برای همسایگان خود، مایه برکت اند و با هر که آمیزش یابند، راه آشتی در پیش می گیرند.

عنه عليه السلام: شيعتنا هم العارفون بالله، العاملون بأمر الله، أهل الفضائل، والناتقون بالصواب، مأكولهم القوت، وملبسهم الإقتصاد، ومشيهم التواضع... تحسبهم مرضى وقد خولطوا وما هم بذلك، بل خامرهم من عظمة ربهم وشدة سلطانهم ما طاشت له قلوبهم وذهلت منه عقولهم، فإذا استقاموا من ذلك بادروا إلى الله بالأعمال الزاكية، لا يرضون له بالقليل، ولا يستكثرون الجزيل. (1)

الأمامي للطوسي عن نوف بن عبد الله البكالي: قال لي علي عليه السلام: يا نوف، خلقنا من طينة طيبة، وخلق شيعتنا من طينتنا، فإذا كان يوم القيامة ألقوا بنا. فقلت: صف لي شيعتك يا أمير المؤمنين. فبكى لذكر شيعته، ثم قال: يا نوف، شيعتي والله الحلماء العلماء بالله ودينه، العاملون بطاعته وأمره، المهتدون بحبه، أنضاء عبادة، أحلاس زهادة (2)، صفر الوجوه من التهجيد، عمس العيون من البكاء، ذبل الشفاه من الذكر، خمص البطون من الطوى، تعرف الربانية في وجوههم، والرهانية في سماتهم. مصابيح كل ظلمة، وريحان كل قبيل (3)، لا يشنون من المسلمين سلفا، ولا يقفون لهم خلفا. شروطهم مكنوزة، وقلوبهم محزونة، وأنفسهم عافية، وحوائجهم خفيفة، أنفسهم منهم في عناء، والناس منهم في راحة، فهم الكاسة الألباء، والخالصة الثجباء، وهم الرواغون فرارا بدينهم. إن شهدوا لم يعرفوا، وإن غابوا لم يفتقدوا. أولئك شيعتي الأطيبون، وإخواني الأكرمون، ألا هاه شوقا إليهم! (4)

- 1- مطالب السؤل: ج 1 ص 227 عن نوف البكالي، الصواعق المحرقة: ص 154؛ بحار الأنوار: ج 78 ص 29 ح 96.
- 2- قال المجلسي قدس سره: «أحلاس زهاده»: أي ملازمون للزهد، أو ملازمون للبيوت لزهدهم (بحار الأنوار: ج 68 ص 177).
- 3- قال المجلسي قدس سره: «ريحان كل قبيل»: أي الشيعة عزيز كريم بين كل قبيلة بمنزلة الريحان (بحار الأنوار: ج 68 ص 177).
- 4- الأمامي للطوسي: ص 576 ح 1189، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 70، أعلام الدين: ص 144 و 209، إرشاد القلوب: ص 144. كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 68 ص 177 ح 34.

امام علی علیه السلام: شیعیان ما خداشناس اند و به امر خداوند، عمل می کنند. آنها اهل فضیلت اند و سخن به درستی می گویند. خوراکشان اندک است و پوشاکشان میانه روی و رفتارشان به فروتنی است... آنها را بیمار می انگاری و می پنداری که دیوانه اند، در حالی که چنین نیست و عظمت خدایشان آنها را به بیماری افکنده و شدت هیبت پروردگار، دل های آنها را بی پروا و عقل هایشان را پریشان کرده است و هر گاه از اینها فارغ آیند، با انجام اعمال نیکو، به درگاه الهی می شتابند. آنها نه به [عمل] کم، راضی اند و نه اعمال زیاد را فراوان می شمارند.

الأمالی، طوسی_ به نقل از نوف بن عبد الله بکالی_ : امام علی علیه السلام به من فرمود: «ای نوف! ما از سرشتی پاک، آفریده شده ایم و شیعیان ما، از سرشت ما آفریده شده اند. پس هر گاه روز رستاخیز فرا رسد، آنها به ما می پیوندند». گفتم: ای امیر مؤمنان! شیعه خودت را برای من توصیف کن. امام علیه السلام از این که من نام شیعه او را آوردم، گریست و سپس فرمود: «ای نوف! به خدا سوگند، شیعه من شکیبیا و به خدا و دین، آگاه اند و به طاعت و امر او مشغول اند و در پرتو محبت او، ره می یابند. فرسودگان عبادت و ملازمان زهدند و به خاطر شب زنده داری، چهره هایی نزار دارند. چشمانشان از گریه فرو رفته و لب هایشان از ذکر، به خشکی گراییده است. شکم هایشان از گرسنگی تورفته و رنگ خدایی در چهره شان هویدا و پارسایی در سیمای آنها پیدا است. چراغ های هر تاریکی و گل هر قبيله و گروهی هستند. نه مسلمانان پیشین را می ستایند و نه در پی پسینیان به راه می افتند. شر آنها پنهان است و دل هاشان غمگین و دامنشان پاک و نیاز هایشان اندک و جانشان از دست آنها در زحمت و مردم از آنها در آسایش اند. آنها با ذکاوت و خردمند و پاک و شریف اند و هنگام رهایی دادن دینشان بسیار زیرک اند. اگر در جایی حاضر شوند، شناخته نمی شوند و اگر حضور نداشته باشند، از غیبتشان پرسش نمی شود. اینها پاک ترین شیعیان من و ارجمندترین برادران من اند. آه که چه قدر مشتاقم آنها را ببینم!».

صفات الشيعة عن محمد بن الحنفية: لَمَّا قَدِمَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَصْرَةَ بَعَدَ قِتَالَ أَهْلِ الْجَمَلِ ، دَعَاهُ الْأَحْنَفُ بْنُ قَيْسٍ وَاتَّخَذَ لَهُ طَعَامًا ، فَبَعَثَ إِلَيْهِ صَدْلَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِلَى أَصْحَابِهِ ، فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ : يَا أَحْنَفُ ، أَدْعُ لِي أَصْحَابِي ، فَدَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مُتَخَشِّعُونَ كَانَتْهُمْ شَيْنَانٌ بَوَالِي . فَقَالَ الْأَحْنَفُ بْنُ قَيْسٍ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، مَا هَذَا الَّذِي نَزَلَ بِهِمْ ؟ أَمِنْ قِلَّةِ الطَّعَامِ ، أَوْ مِنْ هَوْلِ الْحَرْبِ ؟! فَقَالَ صَدْلَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ : لَا يَا أَحْنَفُ ، إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ أَحَبَّ أَقْوَامًا تَسَّكَوُا لَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا تَسَّكُ مَنْ هَجَمَ عَلَى مَا عَلِمَ مِنْ قُرْبِهِمْ مِنْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُشَاهِدُوهَا ، فَحَمَلُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى مَجْهُودِهَا . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِمْتَحِنُوا شَيْعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ : عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافَظَتُهُمْ عَلَيْهَا ، وَعِنْدَ أَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ (2) عَدُوِّنَا ، وَإِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَاسَاتَتِهِمْ لِأَخْوَانِهِمْ فِيهَا . (3)

عنه عليه السلام: إِنَّمَا شِيعَةُ جَعْفَرٍ مَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَفَرَجُهُ ، وَاشْتَدَّ جِهَادُهُ ، وَعَمِلَ لِإِخْلَاقِهِ ، وَرَجَا ثَوَابَهُ ، وَخَافَ عِقَابَهُ . فَإِذَا رَأَيْتَ أَوْلِيكَ فَأَوْلِيكَ شِيعَةَ جَعْفَرٍ . (4)

1- صفات الشيعة: ص 118 ح 63 ، بحار الأنوار: ج 7 ص 219 ح 132 .

2- في سائر المصادر: «عن» بدل «عند» .

3- الخصال: ص 103 ح 62 عن الليثي، قرب الإسناد: ص 78 ح 253 عن مسعدة بن صدقة، مشكاة الأنوار: ص 150 ح 361 ، أعلام الدين: ص 130 ، روضة الواعظين: ص 321 ، بحار الأنوار: ج 83 ص 22 ح 40 .

4- صفات الشيعة: ص 89 ح 21 ، الخصال: ص 296 ح 63 ، الكافي: ج 2 ص 233 ح 9 كلها عن المفضل بن عمر ، مشكاة الأنوار : ص 119 ح 277 وفيهما «إنما شيعة علي» بدل «إنما شيعة جعفر» ، بحار الأنوار: ج 68 ص 187 ح 42 ، وراجع: تحف العقول: ص 515 .

صفات الشيعة_ به نقل از محمد بن حنيفه _ : هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام پس از جنگ با اهل جمل به بصره آمد ، احنف بن قیس ، ایشان را دعوت کرد و خوراکی برای ایشان فراهم آورد . امام علیه السلام کسی را در پی احنف و اصحابش فرستاد . احنف ، حاضر شد . امام علیه السلام به او فرمود : «ای احنف! اصحاب مرا هم فراخوان» . پس جماعتی فروتن به مجلس آمدند که چونان مشک خشکیده بودند . احنف بن قیس گفت : ای امیر مؤمنان! این چه وضعیتی است که اینها دارند ؟ آیا این وضع ، از کمی خوراك است ، یا هراس از جنگ ؟ امام علیه السلام فرمود : «چنین نیست ، ای احنف! خداوند سبحان ، دوست دارد مردمی را که در دنیا عبادت او را چنان در پیش می گیرند که گویی پیش از دیدن روز رستاخیز ، آن را به غایت ، نزدیک می شمارند و خود را برای آن به سختی می افکنند» .

امام صادق علیه السلام : شیعیان ما را در سه هنگام بیازمایید : هنگام نماز که چگونه آن را پاس می دارند و در اسرار که چگونه آن را در نزد دشمنان ما پنهان می دارند و در دارایی هاشان که چگونه برادرانشان را در آن سهیم می کنند .

امام صادق علیه السلام : شیعه جعفری ، کسی است که شکم و شهوت خویش را نگاه دارد و سختکوش باشد و برای آفریدگارش کار کند و پاداش او را امید برد و از کیفر او بهراسد . هر گاه چنین کسانی را دیدی ، [بدان که] ایشان شیعیان جعفری اند .

عنه عليه السلام: شيعتنا من قدام ما استحسن، وأمسك ما استقبح، وأظهر الجميل، وسارع بالأمر الجليل رغبة إلى رحمة الجليل، فذاك منا وإلينا ومعنا حيث ما كنا. (1)

عنه عليه السلام: شيعتنا أهل الورع والاجتهاد، وأهل الوفاء والأمانة، وأهل الزهد والعبادة، أصحاب إحدى وخمسين ركعة في اليوم والليل، القائمون بالليل، الصائمون بالنهار، يزكون أموالهم، ويحجون البيت، ويحجّون كل محرم. (2)

عنه عليه السلام: إنما شيعتنا يعرفون بخصال شتى: بالسخاء، والبذل للإخوان، وبأن يصلوا الخمسين ليلاً ونهاراً. (3)

عنه عليه السلام: الشيعة ثلاث: محبب وأد فهو منا، ومترين بنا ونحن زين لمن تزين بنا، ومستأكل بنا الناس؛ ومن استأكل بنا افتقر. (4)

عنه عليه السلام: افترق الناس فينا على ثلاث فرق: فرقة أحبونا انتظار قائمنا ليصيبوا من ديانا، فقالوا وحفظوا كلامنا وقصروا عن فعلنا، فسبحشدهم الله إلى النار. وفرقة أحبونا وسامعوا كلامنا ولم يقصروا عن فعلنا، ليستأكلوا الناس بنا، فيملا الله بطونهم ناراً، يسلط عليهم الجوع والعطش. وفرقة أحبونا وحفظوا قولنا وأطاعوا أمرنا ولم يخالفوا فعلنا، فأولئك منا ونحن منهم. (5)

1- صفات الشيعة: ص 95 ح 32 عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج 68 ص 169 ح 29.

2- صفات الشيعة: ص 81 ح 1 عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 68 ص 167 ح 23.

3- تحف العقول: ص 303، العقد النضيد: ص 46 ح 33 عن المفضل بن عمر نحوه، بحار الأنوار: ج 78 ص 281 ح 1.

4- النخصال: ص 103 ح 61، أعلام الدين: ص 130 كلاهما عن معاوية بن وهب، روضة الواعظين: ص 321، مشكاة الأنوار: ص 150 ح 360، بحار الأنوار: ج 68 ص 153 ح 8.

5- تحف العقول: ص 514 عن المفضل، بحار الأنوار: ج 78 ص 382 ح 1.

امام صادق علیه السلام: شیعه ما، کسی است که آنچه را نیکو می دارد، پیش می اندازد و از آنچه زشت می شمارد، دست نگه می دارد و زیبایی را آشکار می سازد و به امید رحمت نیکوی الهی، به انجام امر نیکو می شتابد. چنین کسی با ماست و به سوی ماست، هر کجا که باشیم.

امام صادق علیه السلام: شیعیان ما، اهل پاک دامنی و سختکوشی و وفاداری و امانتداری و زهد و عبادت اند و در شب و روز، پنجاه و یک رکعت نماز می گزارند و شب را به عبادت می ایستند و روز را روزه می گیرند و زکات مالشان را می پردازند و به حج خانه خدا می روند و از هر حرامی کناره می گیرند.

امام صادق علیه السلام: شیعیان ما با ویژگی های گوناگونی شناخته می شوند: سخاوت، فداکاری در برابر برادران و گزاردن پنجاه رکعت نماز در شبانه روز.

امام صادق علیه السلام: شیعیان سه گروه اند: آن که دوستدار ماست و به ما مهر می ورزد. چنین کسی از ماست؛ آن که با ما خود را می آراید و ما موجب زیبایی کسی هستیم که خود را با ما بیاراید؛ و آن که با نام ما مال و مردم را می ستاند و هر که با نام ما مال مردم بستاند، تهی دست می گردد.

امام صادق علیه السلام: مردم در باره ما، سه گروه شده اند: گروهی که به انتظار قائم ما دوستان دارند تا از دنیای ما بهره بگیرند. آنها سخن ما را می گویند و حفظ می کنند؛ ولی از کردار ما کوتاهی می ورزند. خداوند، این گروه را به آتش در می اندازد. گروهی که ما را دوست دارند و سخن ما را می شنوند و از کردار ما کوتاهی نمی ورزند تا با نام ما اموال مردم را بستانند. خداوند، شکم آنان را از آتش می آکند و گرسنگی و تشنگی بر ایشان حاکم می کند. گروهی که ما را دوست دارند و سخن ما را حفظ می کنند و فرمان ما می برند و با رفتار ما مخالفت نمی ورزند. آنها از ما آیند و ما از ایشان هستیم.

تحف العقول: دَخَلَ عَلَيْهِ [الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَام] رَجُلٌ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: مِمَّنِ الرَّجُلُ؟ فَقَالَ: مِنْ مُحِبِّيكُمْ وَمُؤَالِيكُمْ، فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُحِبُّ اللَّهُ عَبْدٌ حَتَّى يَتَوَلَّاهُ، وَلَا يَتَوَلَّاهُ حَتَّى يُوَجِّبَ لَهُ الْجَنَّةَ. ثُمَّ قَالَ لَهُ: مِنْ أَيِّ مُحِبِّينَا أَنْتَ؟ فَسَكَتَ الرَّجُلُ، فَسَأَلَهُ سَدِيدٌ (1): وَكَمْ مُحِبِّوَكُمْ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ فَقَالَ: عَلَى ثَلَاثِ طَبَقَاتٍ: طَبَقَةٌ أَحَبُّونَا فِي الْعَلَانِيَةِ وَلَمْ يُحِبُّونَا فِي السِّرِّ، وَطَبَقَةٌ يُحِبُّونَا فِي السِّرِّ وَلَمْ يُحِبُّونَا فِي الْعَلَانِيَةِ وَسَارُوا بِسِيرَةِ الْمُملُوكِ، فَالَسْتَنَّهُمْ مَعَنَا وَسَيُوفُهُمْ عَلَيْنَا. وَالطَّبَقَةُ الثَّلَاثَةُ النَّمَطُ الْأَوْسَطُ، أَحَبُّونَا فِي السِّرِّ وَلَمْ يُحِبُّونَا فِي الْعَلَانِيَةِ. وَلَعَمْرِي لَئِنْ كَانُوا أَحَبُّونَا فِي السِّرِّ دُونَ الْعَلَانِيَةِ فَهُمُ الصَّوَامُونَ بِالنَّهَارِ الْقَوَامُونَ بِاللَّيْلِ تَرَى أَثَرَ الرَّهْبَانِيَّةِ فِي وُجُوهِهِمْ، أَهْلُ سِلْمٍ وَانْقِيَادٍ. قَالَ الرَّجُلُ: فَأَنَا مِنْ مُحِبِّيكُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ. قَالَ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِمُحِبِّينَا فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ عِلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا. قَالَ الرَّجُلُ: وَمَا تِلْكَ الْعِلَامَاتُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تِلْكَ خِلَالٌ أَوَّلُهَا أَنَّهُمْ عَرَفُوا التَّوْحِيدَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَأَحْكَمُوا عِلْمَ تَوْحِيدِهِ. (2)

1- سديد بن حكيم بن صهيب الصيرفي، من أصحاب السجّاد والباقر والصادق عليهم السلام (راجع: رجال الطوسي: ص 91 و 125 و 217).

2- تحف العقول: 325، بحار الأنوار: ج 68 ص 275 ح 31.

تحف العقول: مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. امام به او فرمود: «از کدام طایفه ای؟». گفت: از دوستان و علاقه مندان به شما هستم. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «هیچ بنده ای خدا را دوست نمی دارد، مگر این که خداوند، او را به ولایت خود در می آورد و هر که خدا او را تحت ولایت خود در آورد، بهشت را برایش قطعی می کند». آن گاه به او فرمود: «تو از کدام دوستان ما هستی؟». آن مرد، خاموش ماند. سدید پرسید: ای فرزند پیامبر خدا! دوستان شما چند گروه هستند؟ امام علیه السلام فرمود: «آنها سه گروه اند: گروهی که ما را در ظاهر، دوست دارند و در خفا دوستان ندارند و گروهی که ما را در خفا دوست دارند و در ظاهر، دوست ندارند و گروهی که هم در ظاهر و هم در خفا ما را دوست دارند. اینان، طبقه والا هستند... گروه دوم، پایین ترین طبقه هستند که فقط در ظاهر، ما را دوست دارند و شیوه سلاطین را در پیش می گیرند؛ یعنی زبانشان با ما و شمشیرهایشان بر ماست. گروه سوم، طبقه میانی هستند که ما را در پنهان دوست می دارند و در آشکار دوستان نمی دارند. به جان خودم سوگند، آنها که ما را در پنهان، دوست می دارند و نه در ظاهر، همانهایی هستند که روزها روزه دار و شب ها به عبادت می ایستند و رنگ خدایی را در رخسارشان می بینی و اهل سازگاری و فرمان برداری اند». آن مرد گفت: من از آنهایی هستم که در ظاهر و خفا شما را دوست می دارم. امام صادق علیه السلام فرمود: «کسانی که ما را در ظاهر و باطن دوست دارند، نشانه هایی دارند که بدان شناخته می شوند». آن مرد گفت: این نشانه ها کدام اند؟ امام علیه السلام فرمود: «صفات است که نخستین آنها، این است که توحید را چنان که باید، شناخته اند و علم توحید را استوار ساخته اند».

الفصل السادس : خلق أهل البيت عليهم السلام 6 / 1 إثنا زهما الكتاب «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» . (1)

«وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» . (2)

الحديث الكشاف عن ابن عباس - في بيان سبب نزول سورة الإنسان - : إنَّ الحَسَنَ والحُسَيْنَ مَرِيضًا ، فعَادَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي نَاسٍ مَعَهُ ، فَقَالُوا : يَا أَبَا الحَسَنِ ، لَوْ نَدَرْتَ عَلَيَّ وَلَدِيكَ . فَندَرَ عَلَيَّ وَفَاطِمَةَ وَفَضَّةً - جَارِيَةً لَهُمَا - إِنْ بَرْنَا مِمَّا بِهِمَا أَنْ يَصُومُوا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ، فَشَفِيَا وَمَا مَعَهُمْ شَيْءٌ ، فَاسْتَقْرَضَ عَلَيَّ مِنْ شَمْعُونَ الخَيْبَرِيِّ اليَهُودِيَّ ثَلَاثَ أَصْوَعٍ مِنْ شَعِيرٍ ، فَطَحَنَتْ فَاطِمَةُ صَاعًا وَاخْتَبَرَتْ خَمْسَةَ أَقْرَاصٍ عَلَى عَدَدِهِمْ ، فَوَضَّعُوها بَيْنَ أَيْدِيهِمْ لِيُفِطَرُوا ، فَوَقَفَ عَلَيْهِمْ سَائِلٌ فَقَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ، مَسْكِينٌ مِنْ مَسَاكِينِ المُسْلِمِينَ ، أَطْعَمُونِي أَطْعَمَكُمُ اللَّهُ مِنْ مَوَائِدِ الجَنَّةِ ، فَأَثَرُوهُ ، وَبَاتُوا لَمْ يَذُوقُوا إِلَّا المَاءَ ، وَأَصْبَحُوا صِيَامًا . فَلَمَّا أَمْسَوْا وَوَضَّعُوا الطَّعَامَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَقَفَ عَلَيْهِمْ يَتِيمٌ ، فَأَثَرُوهُ . وَوَقَفَ عَلَيْهِمْ أُسَيْرٌ فِي الثَّالِثَةِ ، فَفَعَلُوا مِثْلَ ذَلِكَ . فَلَمَّا أَصْبَحُوا أَخَذَ عَلَيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامَ بِيَدِ الحَسَنِ والحُسَيْنِ وَأَقْبَلُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَلَمَّا أَبْصَرَهُمْ وَهُمْ يَرْتَعِشُونَ كَالْفِرَاحِ مِنْ شِدَّةِ الجُوعِ قَالَ : مَا أَشَدَّ مَا يَسُوؤُنِي مَا أَرَى بِكُمْ ! وَقَامَ فَانطَلَقَ مَعَهُمْ فَرَأَى فَاطِمَةَ فِي مُحْرَابِهَا قَدْ التَّصَّقَ ظَهْرُهَا بِبَطْنِهَا وَغَارَتْ عَيْنَاهَا ، فَسَاءَ ذَلِكَ ، فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ وَقَالَ : خُذْهَا يَا مُحَمَّدُ هُنَاكَ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِكَ ، فَأَقْرَأَهُ السُّورَةَ (3) . (4)

1- الإنسان : 8 و 9 .

2- الحشر : 9 .

3- يعني سورة الإنسان .

4- الكشاف : ج 4 ص 169 ، البداية والنهاية : ج 5 ص 329 نحوه ؛ سعد السعود : ص 141 ، كشف الغمة : ج 1 ص 302 ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 539 ح 15 والثلاثة الأخيرة نحوه ، بحار الأنوار : ج 35 ص 243 ح 4 .

فصل ششم : اخلاق اهل بیت علیهم السلام

6 / 1 ایثار اهل بیت علیهم السلام

فصل ششم : اخلاق اهل بیت علیهم السلام 1 / 6 ایثار اهل بیت علیهم السلام «و خوراک را با وجود دوست داشتنش به بینوا و یتیم و اسیر اطعام می کنند [و در دل می گویند]: ما فقط برای خشنودی خداوند، شما را اطعام می کنیم. از شما نه پاداشی می خواهیم و نه سپاسی» .

«و هر چند خود، نیازمندی داشته باشند، [دیگران را] بر خود ترجیح می دهند، و کسانی که از آزمندی نفس خویش در امان مانند، آنان اند که رستگاران اند».

حدیثالکشاف_ به نقل از ابن عباس، در بیان سبب نزول سوره انسان _ : حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه گروهی به عیادت آن دو رفت . آنها [به علی علیه السلام] گفتند : ای ابو الحسن! خوب است که برای فرزندان نذری کنی . علی و فاطمه و فضه (کنیز آنها) نذر کردند که اگر حسن و حسین از بیماری خود بهبود یابند ، سه روز روزه بدارند . حسن و حسین علیهما السلام از بیماری شفا یافتند ، در حالی که خانواده چیزی نداشت . علی علیه السلام از شمعون خیبری یهودی، سه صاع جو قرض گرفت و فاطمه یک صاع آن را آرد کرد و از آن ، پنج گرده نان به شمار اعضای خانواده پخت . آنها نان ها را در پیش روی خود نهادند تا افطار کنند ، که ناگهان فقیری بر در ایستاد و گفت : سلام بر شما، ای اهل بیت نبوت! من مسکینی از مساکین مسلمانم . مرا اطعام کنید تا خدا شما را از مانده های بهشت اطعام کند . آنها او را بر خود ترجیح دادند و شب را به صبح رساندند ، در حالی که تنها آب آشامیده بودند و همچنان در حال روزه ، بام را شام کردند . چون هنگام اذان مغرب رسید و آنها نان را در پیش روی خود نهادند تا افطار کنند ، یتیمی سر رسید و آنها او را نیز بر خود ترجیح دادند و در روز سوم نیز اسیری آمد و با او نیز چنین کردند و نان خود را بدو دادند . چون صبح رسید ، علی علیه السلام دست حسن و حسین را گرفت و به سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به راه افتاد . هنگامی که چشم پیامبر به آنها افتاد _ که از شدت گرسنگی همچون جوجه به خود می لرزند _ فرمود : «چه قدر بر من ناگوار است آنچه را در شما می بینم!» . پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه آنها حرکت کرد تا نزد فاطمه علیها السلام آمد و او را در محرابش یافت که شکمش به پشتش چسبیده بود و دو چشمش فرو رفته بود . پیامبر صلی الله علیه و آله از این منظره ناراحت شد . پس جبرئیل نازل شد و گفت : ای محمد! سوره [انسان] را بگیر . خداوند، چنین خاندانی را به تو تبریک می گوید . آن گاه، سوره [انسان] را برای او خواند .

الإمام الصادق عليه السلام في بيان سبب نزول قوله تعالى: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا...» _ كان عند فاطمة عليها السلام مشعيرٌ فجعلوه عصيدةً، فلما أنضجوها ووضعوها بين أيديهم، جاء مسكينٌ، فقال المسكين: رَحِمَكُمُ اللَّهُ، أطعمونا مما رَزَقَكُمُ اللَّهُ، فقام عليُّ عليه السلام فأعطاه ثلثها. فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ يَتِيمٌ، فَقَالَ الْيَتِيمُ: رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَطْعَمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ، فقام عليُّ عليه السلام فأعطاه ثلثها الثاني، فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ أُسِيرٌ، فَقَالَ الْأُسِيرُ: يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ، أَطْعَمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ، فقام عليُّ عليه السلام فأعطاه الثلث الباقي وما ذاقوها، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ إِلَى قَوْلِهِ: «وَكَانَ سَعْيِكُمْ مَشْكُورًا». (1)

1- تفسير القمي: ج 2 ص 398، مجمع البيان: ج 10 ص 612 نحوه وكلاهما عن عبد الله بن ميمون القداح، بحار الأنوار: ج 35 ص 243 ح 3.

امام صادق علیه السلام_ در توضیح سبب نزول این سخن خداوند متعال : «و خوراك را با وجود دوست داشتنش به بینوا و یتیم و اسیر اطعام می کنند» _ :فاطمه علیها السلاممقداری جو داشت که از آن کاجی فراهم آوردند . چون آن را پختند و برای خوردن در پیش روی خود نهادند ، مسکینی بیامد و گفت : خداوند به شما رحم کند! از آنچه خداوند، روزی تان کرده ، به ما غذا بدهید . علی علیه السلام برخاست و يك سوم خوراك را بدو داد . طولی نکشید که یتیمی آمد و گفت : خداوند به شما رحم کند! از آنچه خداوند، روزی تان کرده ، به ما غذا بدهید . علی علیه السلام برخاست و يك سوم خوراك را بدو داد و سپس اسیری بیامد و گفت : خداوند بر شما رحم کند! از آنچه خداوند، روزی تان کرده ، به ما غذا بدهید . علی علیه السلام برخاست و يك سوم باقی مانده خوراك را بدو داد و هیچ کدام، آن خوراك را نچشیدند . پس خداوند سبحان در حق آنها این آیه را نازل فرمود ، تا «و کوشش شما مقبول افتاده است» .

الإمام الباقر عليه السلام: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ» يَقُولُ: عَلَى شَهْوَتِهِمْ لِلطَّعَامِ وَإِيثَارِهِمْ لَهُ، «مَسْكِينًا» مِنْ مَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ، وَ «يَتِيمًا» مِنْ يَتَامَى الْمُسْلِمِينَ، «وَأَسِيرًا» مِنْ أُسَارَى الْمُشْرِكِينَ، وَيَقُولُونَ إِذَا أُطْعِمُوهُمْ: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِرُوحِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا». قَالَ: وَاللَّهِ مَا قَالُوا هَذَا لَهُمْ، وَلَكِنَّهُمْ أَضْمَرُوهُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَأَخْبَرَ اللَّهُ بِأَضْمَارِهِمْ، يَقُولُونَ: لَا نُرِيدُ جَزَاءً تُكَافِئُونَا بِهِ وَلَا شُكْرًا تُثْنُونَ عَلَيْنَا بِهِ، وَلَكِنَّا إِنَّمَا أُطْعِمْنَاكُمْ لِرُوحِ اللَّهِ وَطَلَبِ ثَوَابِهِ. (1)

مجمع البيان عن ابن عباس: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَجْرَ نَفْسِهِ لَيْسَتْ بِشَيْءٍ مِنْ شَعِيرٍ لَيْلَةً حَتَّى أَصْبَحَ. فَلَمَّا أَصْبَحَ وَقَبِضَ الشَّعِيرَ طَحَنَ ثَلَاثَةً فَجَعَلُوا مِنْهُ شَيْئًا لِيَأْكُلُوهُ يُقَالُ لَهُ الْحَرِيرَةُ (2)، فَلَمَّا تَمَّ إِنْضَاجُهُ أَتَى مَسْكِينًا فَأَخْرَجُوا إِلَيْهِ الطَّعَامَ، ثُمَّ عَمِلَ الثُّلُثَ الثَّانِي، فَلَمَّا تَمَّ إِنْضَاجُهُ أَتَى يَتِيمًا فَسَأَلَ فَأَطْعَمُوهُ، ثُمَّ عَمِلَ الثُّلُثَ الثَّلَاثَ، فَلَمَّا تَمَّ إِنْضَاجُهُ أَتَى أُسِيرًا مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَسَأَلَ فَأَطْعَمُوهُ، وَطَوَّأَ يَوْمَهُمْ ذَلِكَ. (3)

شواهد التنزيل عن ابن عباس - في قولِ اللَّهِ: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» - نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (4)

الأمامي للطوسي عن أبي هريرة: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَشَكَا إِلَيْهِ الْجُوعَ، فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى بُيُوتِ أَزْوَاجِهِ، فَقُلْنَ: مَا عِنْدَنَا إِلَّا الْمَاءُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ لِهَذَا الرَّجُلِ اللَّيْلَةَ؟ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. وَأَتَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ: مَا عِنْدَكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ؟ فَقَالَتْ: مَا عِنْدَنَا إِلَّا قُوتُ الصَّبِيَّةِ لَكِنَّا نُؤْتِرُ صَدِيقَنَا، فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ، نَوْمِي الصَّبِيَّةَ وَأَطْفِئِي الْمِصْبَاحَ، فَلَمَّا أَصْبَحَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَدَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخْبَرَهُ الْخَبَرَ، فَلَمْ يَبْرَحْ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (5)

- 1- الأمامي للصدوق: ص 333 ح 390 عن سلمة بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام، العمدة: ص 348 ذيل ح 668 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 35 ص 240 ح 1؛ تفسير الثعلبي: ج 10 ص 102 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه.
- 2- الحريرة: الحساء من الدسم والدقيق (لسان العرب: ج 4 ص 184 «حر»).
- 3- مجمع البيان: ج 10 ص 612، كشف الغمّة: ج 1 ص 169 نحوه، بحار الأنوار: ج 35 ص 244 ح 5؛ أسباب النزول: ص 470 ح 844، مطالب السؤول: ج 1 ص 146 وكلاهما نحوه، شواهد التنزيل: ج 2 ص 405 ح 1056.
- 4- شواهد التنزيل: ج 2 ص 332 ح 973؛ إرشاد القلوب: ص 136 نحوه.
- 5- الأمامي للطوسي: ص 185 ح 309، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 678 ح 4، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 74 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 36 ص 59 ح 1؛ شواهد التنزيل: ج 2 ص 331 ح 972 نحوه.

امام باقر علیه السلام: «و خوراك را با وجود دوست داشتش اطعام می کنند»، یعنی: با در نظر گرفتن اشتهايشان به آن غذا و گذشتن از آن و بخشیدنش به آنان. «بینوا»، بینوایی از مسلمانان بود. «یتیم»، یتیمی از مسلمانان بود و «اسیر»، اسیری از مشرکان بود. هر گاه علی علیه السلام آنها را اطعام می کرد، می فرمود: «ما فقط برای خشنودی خداوند، شما را اطعام می کنیم. از شما نه پاداشی می خواهیم و نه سپاسی». به خدا سوگند، این را برای آنها نگفتند و در دلشان پنهان داشتند و خداوند از نهفته های دل آنها خبر داده است که آنها می گفتند: ما از شما پاداشی نمی خواهیم تا با آن، هزینه ما را بپردازید و نه سپاسی که با آن ما را بستانید؛ بلکه ما شما را به خاطر خدا و گرفتن پاداش او، اطعام می کنیم.

مجمع البیان_ به نقل از ابن عباس _: علی بن ابی طالب علیه السلام کار آب دادن شب تا صبح نخلستانی را پذیرفت تا در برابر آن، قدری جو بگیرد. چون صبح شد و جورا گرفت، يك سوم آن را آرد کرد و از آن حریره ای فراهم آوردند تا بخورند. چون پختن آن تمام شد، مسکینی آمد و آنها طعام را به او دادند و يك سوم دوم را پختند و چون پختن آن تمام شد، یتیمی آمد و غذا خواست و او را اطعام کردند و سپس يك سوم آخر را پختند و چون پختن آن تمام شد، اسیری از مشرکان آمد و غذا خواست و این بار، او را اطعام کردند و روزشان را به گرسنگی سپری نمودند.

شواهد التنزیل_ به نقل از ابن عباس، در باره آیه شریف: «و هر چند خود، نیازمندی داشته باشند، [دیگران را] بر خود ترجیح می دهند»_ این آیه در حقّ علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.

الأمالی، طوسی_ به نقل از ابو هریره _: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از گرسنگی نالید. پیامبر صلی الله علیه و آله، کسی را به خانه های همسرانش فرستاد و آنها در پاسخ گفتند: جز آب، در خانه یافت نمی شود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چه کسی این مرد را امشب مهمان می کند؟». علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: من، ای پیامبر خدا! علی علیه السلام نزد فاطمه علیها السلام آمد و گفت: «ای دختر پیامبر خدا! در خانه چه داری؟». فاطمه گفت: جز غذای کودکان، خوراکی نداریم و همان را به میهمانان می دهیم. علی علیه السلام فرمود: «ای دختر محمد! کودکان را بخوابان و چراغ را خاموش کن». چون صبح شد، علی علیه السلام به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و ایشان را از ماجرا آگاه کرد و طولی نکشید که خداوند، این آیه: «و هر چند خود، نیازمندی داشته باشند، [دیگران را] بر خود ترجیح می دهند، و کسانی که از آزمندی نفس خویش در امان مانند، آنان اند که رستگاران اند» را نازل نمود.

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ ذَاتَ يَوْمٍ وَأَصْحَابُهُ جُلُوسٌ حَوْلَهُ، فَجَاءَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَيْهِ سَمَلٌ (1) ثَوْبٌ مُنْخَرِقٌ عَنِ بَعْضِ جَسَدِهِ، فَجَلَسَ قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَنَظَرَ إِلَيْهِ سَاعَةً ثُمَّ قَرَأَ: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا إِنَّكَ رَأْسُ الَّذِينَ نَزَلَتْ فِيهِمْ هَذِهِ الْآيَةُ وَسَدِّدُهُمْ وَإِمَامُهُمْ. ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيْنَ حُلَّتِكَ الَّتِي كَسَوْتُكَهَا يَا عَلِيُّ؟ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِكَ أَتَانِي يَشْكُو عُرْيَهُ وَعُرْيَ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَرَحِمْتُهُ وَأَثَرْتُهُ بِهَا عَلَىٰ نَفْسِي، وَعَرَفْتُ أَنَّ اللَّهَ سَيَكْسُونِي خَيْرًا مِنْهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صَدَقْتَ، أَمَا إِنَّ جِبْرَائِيلَ قَدْ أَتَانِي يُحَدِّثُنِي أَنَّ اللَّهَ (قَدْ) اتَّخَذَ لَكَ مَكَانَهَا فِي الْجَنَّةِ حُلَّةً خَضِرَاءَ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ، وَصِنْفَتُهَا (2) مِنْ ياقوتٍ وَزَبَرَجِدٍ، فَنِعْمَ الْجَوَازُ جَوَازُ رَبِّكَ بِسَخَاوَةِ نَفْسِكَ، وَصَبْرِكَ عَلَىٰ سَدِّ مَلَتِكَ هَذِهِ الْمُنْخَرِقَةَ، فَأَبَشِّرْ يَا عَلِيُّ. فَانصَرَفَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرِحًا مُسْتَبَشِّرًا بِمَا أَخْبَرَهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (3)

- 1- السمل: الخلق من الثياب (النهاية: ج 2 ص 403 «سمل»).
- 2- الصنفة: الطرف والزاوية من الثوب وغيره (لسان العرب: ج 9 ص 198 «صنف»).
- 3- تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 680 ص 7 عن جابر بن يزيد، بحار الأنوار: ج 36 ص 60 ح 4.

امام باقر علیه السلام: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود و اصحاب ایشان در محضر ایشان نشسته بودند. در این هنگام، علی علیه السلام با جامه ای پوشیده که نقاطی از بدن ایشان را می نمود، آمد و در نزدیکی پیامبر صلی الله علیه و آله نشست. پیامبر صلی الله علیه و آله لحظاتی به او نگریست و سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و هر چند خود، نیازمندی داشته باشند، [دیگران را] بر خود ترجیح می دهند، و کسانی که از آزمندی نفس خویش در امان مانند، آنان اند که رستگاران اند». سپس به علی علیه السلام فرمود: «آگاه باش که تو سر و سرور و پیشوای کسانی هستی که این آیه در باره آنها نازل شده است». سپس فرمود: «کجاست جامه ای که بر تن تو کردم، ای علی؟». علی علیه السلام گفت: ای پیامبر خدا! یکی از اصحاب شما نزد من آمد، در حالی که از برهنگی خود و خانواده اش می نالید. دلم رحم آمد و ترجیح دادم آن را بدو دهم و می دانم که خداوند، مرا با جامه ای بهتر از آن خواهد پوشاند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «راست گفתי. جبرئیل برای من خبر آورد که خداوند به جای آن برای تو در بهشت، جامه ای سبز از استبرق، برگزیده که حاشیه های آن از یاقوت و زبرجد است. بهترین پاداش، پاداش پروردگارت است در برابر بخشش و شکیبایی تو بر همین جامه پوشیده. پس مژده باد تو را، ای علی!». علی علیه السلام شاد و خوش حال از خبری که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدو داده بود، باز گشت.

تفسير الثعلبي: رَأَيْتُ فِي الْكُتُبِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَرَادَ الْهَجْرَةَ خَلَّفَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَكَّةَ لِقَضَاءِ ذِيوَنِهِ وَرَدَّ الْوُدَائِعِ الَّتِي كَانَتْ عِنْدَهُ، فَأَمَرَهُ لَيْلَةَ خَرَجَ إِلَى الْغَارِ - وَقَدْ أَحَاطَ الْمُشْرِكُونَ بِالْدَّارِ - أَنْ يَنَامَ عَلَى فِرَاشِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَالَ لَهُ: اتَّشِحْ بِبُرْدِي الْحَضْرَمِيِّ الْأَخْضَرِ وَنَمْ عَلَى فِرَاشِي، فَإِنَّهُ لَا يَخْلُصُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مَكْرُوهٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَفَعَلَ ذَلِكَ عَلِيٌّ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى جَبْرَيْلَ وَمِيكَائِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِيَّيْ قَدْ آخَيْتُ بَيْنَكُمَا، وَجَعَلْتُ عُمَرَ أَحَدِكُمَا أَطْوَلَ مِنْ عُمَرِ الْآخِرِ، فَأَيُّكُمَا يُؤَثِّرُ صَاحِبَهُ بِالْبَقَاءِ وَالْحَيَاةِ؟ فَاخْتَارَ كِلَاهُمَا الْحَيَاةَ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمَا: أَفَلَا كُنْتُمَا مِثْلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؟! آخَيْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ، فَبَاتَ عَلِيٌّ عَلَى فِرَاشِهِ يَقْدِيهِ نَفْسَهُ وَيُؤَثِّرُهُ بِالْحَيَاةِ؟! إِهْبِطَا إِلَى الْأَرْضِ فَاحْفَظَا مِنْ عَدُوِّهِ. فَنَزَلَا، فَكَانَ جَبْرَيْلُ عِنْدَ رَأْسِ عَلِيٍّ، وَمِيكَائِيلُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ، وَجَبْرَيْلُ يُنَادِي: بَخِ بَخِ! مَنْ مِثْلُكَ يَا بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَنَادَى (1) اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَمَلَايَكَةَ؟! وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ مُتَوَجِّهٌُ إِلَى الْمَدِينَةِ - فِي شَأْنِ عَلِيٍّ - : «وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءً مَرْضَاتِ اللَّهِ» (2). (3)

6 / 2 تَوَاصَّ عُهُمَالُ الْمَعْجَمِ الْكَبِيرِ عَنْ ابْنِ عَمْرِو بْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَقَدْ هَبَطَ عَلِيٌّ مَلَكٌ مِنَ السَّمَاءِ مَا هَبَطَ عَلَى نَبِيِّ قَبْلِي، وَلَا يَهْبِطُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ بَعْدِي، وَهُوَ إِسْرَافِيلُ وَعِنْدَهُ جِبْرِيْلُ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ، ثُمَّ قَالَ: أَنَا رَسُولُ رَبِّكَ إِلَيْكَ، أَمَرَنِي أَنْ أُخْبِرَكَ (4) إِنْ شِئْتَ نَبِيًّا عَبْدًا، وَإِنْ شِئْتَ نَبِيًّا مَلِكًا؟ فَتَنَظَّرْتُ إِلَى جِبْرِيْلَ، فَأَوْمَأَ جِبْرِيْلُ إِلَيَّ أَنْ تَوَاصَّعَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ ذَلِكَ: نَبِيًّا عَبْدًا. (5)

1- كذا، والظاهر أنها تصحيف من النسخ أو خطأ مطبعي، وفي سائر المصادر: «يباهي».

2- البقرة: 207.

3- تفسير الثعلبي: ج 2 ص 125 ح 103، أسد الغابة: ج 4 ص 98 الرقم 3789، شواهد التنزيل: ج 1 ص 123 ح 133 عن أبي سعيد الخدري وكلاهما نحوه؛ العمدة: ص 239 ح 367، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 173، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 89 ح 76 والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج 19 ص 86 ح 37.

4- كذا في المتن، والظاهر أن الصواب: «أخبرك».

5- المعجم الكبير: ج 12 ص 267 ح 13309، حلية الأولياء: ج 3 ص 256 الرقم 246، سبل الهدى والرشاد: ج 7 ص 76، إمتاع الأسماع: ج 2 ص 222، كنز العمال: ج 11 ص 431 ح 32027.

6 / 2 فروتنی اهل بیت علیهم السلام

تفسیر الثعلبی: در کتاب‌ها دیده‌ام که چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آهنگ هجرت کرد، علی بن ابی طالب علیه السلام را در مکه به جانشینی خود نهاد تا قرض‌های ایشان را ادا کند و امانت‌هایی را که نزد او بود، به صاحبانشان بازگرداند. پیامبر صلی الله علیه و آله شبی که به غار رفت _ در حالی که خانه را محاصره کرده بودند _، به علی علیه السلام دستور داد در بستر او بیارمد و به او فرمود: «بُردِ حُضرمی سبز مرا بر دوش افکن و به جای من بخواب، که به خواست خداوند متعال، آسیبی از ایشان به تو نمی‌رسد». علی علیه السلام نیز چنین کرد. پس خداوند متعال به جبرئیل و میکائیل وحی کرد که: «من میان شما دو نفر، برادری بر قرار کردم و عمر یکی از شما را بیش از دیگری قرار دادم. کدام یک از شما زندگی را بر می‌گزیند؟». هر دو زندگی را برگزیدند. خداوند متعال به آن دو، وحی کرد که: «آیا شما همچون علی بن ابی طالب نیستید؟! من میان او و محمد، برادری بر قرار کردم و علی در بستر محمد آرمد و خود را فدای او کرد و زندگی او را بر خود ترجیح داد؟! به زمین فرود آید و او را از دشمنش حفظ کنید». آن دو، فرود آمدند و جبرئیل، در کنار سر پیامبر و میکائیل، در کنار دو پای ایشان ایستاد. جبرئیل ندا می‌داد: «خوشا، خوشا، ای علی بن ابی طالب! چه کسی همچون توست که خداوند عز و جل [با او] به فرشتگان مباحث کند؟!» و خداوند به پیامبرش که در راه مدینه بود، این آیه را در شأن علی علیه السلام نازل فرمود: «و از میان مردم، کسی است که برای طلب خشنودی خدا جان خویش را فدا می‌فروشد».

6 / 2 فروتنی اهل بیت علیهم السلام المعجم الکبیر _ به نقل از عبد الله بن عمر _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فرشته‌ای از آسمان بر من نازل شد که نه پیش از من بر پیامبری نازل شده بود و نه پس از من بر کسی نازل خواهد شد. او اسرافیل بود که جبرئیل را همراه خود داشت. گفت: درود بر تو، ای محمد! و سپس ادامه داد: من فرستاده پروردگارت به سوی تو هستم. او به من دستور داده که تو را اگر می‌خواهی، به عنوان پیامبری بنده، و اگر مایلی، به عنوان پیامبری پادشاه برگزینم. من به جبرئیل نگریستم. جبرئیل به من اشاره کرد که فروتنی کن». این جا بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ترجیح می‌دهم پیامبری بنده باشم».

الإمام الباقر عليه السلام_ في ذكر فضائل رسول الله صلى الله عليه وآله _ ولقد أتاه جبرئيل عليه السلام بمفاتيح خزائن الأرض ثلاث مرّات يُخَيِّرُهُ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِمَّا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَيْئًا، فَيَخْتَارُ التَّوَاضُّعَ لِرَبِّهِ جَلًّا وَعَزًّا. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَخَيَّرَهُ، وَأَشَارَ عَلَيْهِ بِالتَّوَاضُّعِ، وَكَانَ لَهُ نَاصِحًا، فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ إِكْلَةَ الْعَبْدِ، وَيَجْلِسُ جَلِيسَةَ الْعَبْدِ، تَوَاضُّعًا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. (2)

الطبقات الكبرى عن حمزة بن عبد الله بن عتبة: كَانَتْ فِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خِصَالٌ لَيْسَتْ فِي الْجَبَّارِينَ، كَانَ لَا يَدْعُوهُ أَحْمَرٌ وَلَا أَسْوَدٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا أَجَابَهُ، وَكَانَ رُبَّمَا وَجَدَ تَمْرَةً مُلْقَاةً فَيَأْخُذُهَا فَيَهْوِي بِهَا إِلَى فِيهِ، وَإِنَّهُ لَيَخْشَى أَنْ تَكُونَ مِنَ الصَّدَقَةِ، وَكَانَ يَرْكَبُ الْجِمَارَ عُرْيًا لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ. (3)

-
- 1- الكافي: ج 8 ص 130 ح 100، الأمالي للطوسي: ص 692 ح 1470 كلاهما عن محمد بن مسلم، دلائل الإمامة: ص 225 ح 151 عن جابر، مشكاة الأنوار: ص 397 ح 1307 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 16 ص 277 ح 116.
 - 2- الكافي: ج 8 ص 131 ح 101 عن علي بن المغيرة، وج 6 ص 270 ح 1، المحاسن: ج 2 ص 245 ح 1762 كلاهما عن زيد الشحام نحوه، بحار الأنوار: ج 16 ص 278 ح 117، وراجع: مجمع البيان: ج 9 ص 133.
 - 3- الطبقات الكبرى: ج 1 ص 370، تاريخ دمشق: ج 4 ص 80 عن أبي هريرة، سبل الهدى والرشاد: ج 7 ص 31 كلاهما نحوه.

امام باقر علیه السلام_ در یادکرد فضیلت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ : جبرئیل ، سه بار کلیدهای خزانه های زمین را برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد ، بی آن که خداوند _ تبارک و تعالی _ از آنچه برای او در روز رستاخیز آماده کرده است ، چیزی بکاهد و پیامبر ، در برابر خداوند عز و جل ، فروتنی را برگزید .

امام صادق علیه السلام : جبرئیل ، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و او را مخیر ساخت و به او اشاره کرد تا فروتنی را برگزیند . جبرئیل ، خیرخواه پیامبر بود . پیامبر صلی الله علیه و آله برای فروتنی در برابر خداوند متعال ، همچون بندگان ، غذا می خورد و همچون بندگان می نشست .

الطبقات الكبرى_ به نقل از حمزة بن عبد الله بن عتبة _ : پیامبر صلی الله علیه و آله صفاتی داشت که در زورگویان نبود . اگر سرخ و سیاهی او را دعوت می کرد ، می پذیرفت و گاه که خرمای به کنار افتاده ای می یافت ، آن را در دهان می نهاد و تنها از این می ترسید که صدقه باشد . او بر الاغ کاملاً برهنه سوار می شد .

الطبقات الكبرى عن يزيد بن عبد الله بن قسيط: كَانَ أَهْلُ الصُّفَّةِ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا مَنَازِلَ لَهُمْ ، فَكَانُوا يَنَامُونَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَسْجِدِ وَيَطَّلُونَ فِيهِ مَا لَهُمْ مَأْوَى غَيْرُهُ ، فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ بِاللَّيْلِ إِذَا تَعَشَّى فَيُفَرِّقُهُمْ عَلَى أَصْحَابِهِ ، وَتَتَعَشَّى طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، حَتَّى جَاءَ اللَّهُ تَعَالَى بِالْغِنَى . (1)

سنن أبي داود عن أبي ذر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْلِسُ بَيْنَ ظَهْرِي (2) أَصْحَابِهِ ، فَيَجِيءُ الْغَرِيبُ فَلَا يَدْرِي أَيُّهُمْ هُوَ حَتَّى يَسْأَلَ . فَطَلَبْنَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ نَجْعَلَ لَهُ مَجْلِسًا يَعْرِفُهُ الْغَرِيبُ إِذَا أَتَاهُ ، فَبَيْنَا لَهُ دُكَّانًا مِنْ طِينٍ ، كَانَ فَجَلَسَ عَلَيْهِ . (3)

سنن ابن ماجه عن أبي مسعود: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ فَكَلَّمَهُ ، فَجَعَلَ تَرَعْدُ فَرَانِصُهُ ، فَقَالَ لَهُ : هَوِّنْ عَلَيْكَ فَإِنِّي لَسْتُ بِمَمْلُوكٍ ، إِنَّمَا أَنَا ابْنُ امْرَأَةٍ تَأْكُلُ الْقَدِيدَ (4) . (5)

سنن أبي داود عن مطرف عن أبيه: انْطَلَقْتُ فِي وَفْدِ بَنِي عَامِرٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقُلْنَا : أَنْتَ سَيِّدُنَا ، فَقَالَ : السَّيِّدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى . قُلْنَا : وَأَفْضَلُنَا فَضْلًا ، وَأَعْظَمُنَا طَوْلًا ، فَقَالَ : قُولُوا بِقَوْلِكُمْ أَوْ بَعْضِ قَوْلِكُمْ وَلَا يَسْتَجْرِبَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ . (6)

1- الطبقات الكبرى : ج 1 ص 255 ، وراجع : فتح الباري : ج 11 ص 286 ذيل ح 6460 .

2- هكذا في المصدر ، وفي سائر المصادر : «ظَهْرَانِي» بدل «ظَهْرِي» .

3- سنن أبي داود : ج 4 ص 225 ح 4698 ، سنن النسائي : ج 8 ص 101 ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 209 ح 165 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 48 ح 8 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 229 ح 35 .

4- القديد : اللحم المملوح المجفف في الشمس (لسان العرب : ج 3 ص 344 «قدد») .

5- سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1101 ح 3312 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 506 ح 3733 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 64 ح 1260 كلاهما عن جرير بن عبد الله نحوه ، كنز العمال : ج 6 ص 88 ح 14965 ؛ مكارم الأخلاق : ج 1 ص 48 ح 7 نحوه ، بحار الأنوار : ج 16 ص 229 ح 35 .

6- سنن أبي داود : ج 4 ص 254 ح 4806 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 70 ح 10075 ، الأدب المفرد : ص 72 ح 211 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 499 ح 16311 ، الطبقات الكبرى : ج 7 ص 34 كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج 3 ص 651 ح 8334 .

الطبقات الكبرى_ به نقل از یزید بن عبد الله بن قسیط _ : اهل صَفَه (سکونشینان)، جماعتی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که خانه ای نداشتند و در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد می خوابیدند و چون مأوایی نداشتند، در آن جا به سر می بردند. پیامبر خدا هنگام شام، آنها را فرا می خواند و در میان اصحابش تقسیمشان می کرد و گروهی از آنها نیز با پیامبر صلی الله علیه و آله شام می خوردند، تا وقتی که خداوند، توانگری را به ارمغان آورد.

سنن اُبی داوود_ به نقل از ابو ذر_ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در میان یارانش می نشست و هر گاه بیگانه ای می آمد، نمی فهمید کدام پیامبر است تا این که می پرسید. از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستیم که جایگاهی برایش درست کنیم تا اگر بیگانه ای آمد، او را بشناسد. بدین ترتیب، سگویی از گِل برای او ساختیم، که بر آن نشست.

مسند ابن ماجه_ به نقل از ابو مسعود_ : مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و هنگام صحبت با ایشان بدنش می لرزید. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «آرام باش. من که پادشاه نیستم؛ بلکه پسرِ زنی هستم که گوشت نمک سود می خورد».

سنن اُبی داوود_ به نقل از مطرف، از پدرش _ : با هیئت نمایندگی بنی عامر، خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسیدیم. گفتیم: تو سرور مایی. فرمود: «سرور، خداوند _ تبارک و تعالی _ است». گفتیم: تو کاملاً از ما برتر و از ما بخشنده تری. فرمود: «هر چه می خواهید، بگوئید؛ ولی مواظب باشید که شیطان، شما را نماینده خود قرار ندهد [و مدح و ستایش مبالغه آمیز نکنید]».

الإمام الصادق عليه السلام: ما أكل نبيُّ الله صلى الله عليه وآله وهو مُتَكَيِّئٌ مُنْذُ بَعَثَهُ اللَّهُ عز و جل ، وكان يكره أن يتشبهَ بالملوك . ونَحْنُ لا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَفْعَلَ . (1)

فضائل الصحابة لابن حنبل عن زاذان: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يُمْسِكُ الشُّسُوعَ بِيَدِهِ ، يَمُرُّ فِي الْأَسْوَاقِ فَيَنَاقِلُ الرَّجُلَ الشُّسُوعَ ، وَيُرْشِدُ الصَّالِّ وَيُعِينُ الْحَمَّالَ عَلَى الْحُمُولَةِ ، وَهُوَ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ : « تِلْكَ الدَّارُ الْأَخْرَجَةُ نَجَعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ » (2) . ثُمَّ يَقُولُ : هَذِهِ الْآيَةُ أَنْزَلَتْ فِي الْوَلَاةِ وَذَوِي الْقُدْرَةِ مِنَ النَّاسِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ رَاكِبٌ ، فَمَشَوْا مَعَهُ فَقَالَ : أَلَكُمُ حَاجَةٌ ؟ قَالُوا : لا ، وَلَكِنَّا نُحِبُّ أَنْ نَمَشِيَ مَعَكَ ، فَقَالَ لَهُمْ : انصبرفوا ؛ فَإِنَّ مَشِيَ الْمَاشِي مَعَ الرَّاَكِبِ مَفْسَدَةٌ لِلرَّاكِبِ وَمَذَلَّةٌ لِلْمَاشِي . (4)

تفسير الطبري: إن الحسن بن علي عليه السلام كان يجلس إلى المساكين ، ثُمَّ يَقُولُ : « إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ » (5) . (6)

1- الكافي : ج 6 ص 272 ح 8 المحاسن : ج 2 ص 247 ح 1768 كلاهما عن المعلّى بن خنيس ، بحار الأنوار : ج 16 ص 262 ح 54 .

2- القصص : 83 .

3- فضائل الصحابة لابن حنبل : ج 2 ص 621 ح 1064 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 489 ، تفسير الآلوسي : ج 20 ص 125 كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج 13 ص 180 ح 36538 ؛ مجمع البيان : ج 7 ص 420 نحوه ، العمدة : ص 308 ح 511 .

4- الكافي : ج 6 ص 540 ح 16 ، المحاسن : ج 2 ص 470 ح 2632 ، مشكاة الأنوار : ص 364 ح 1189 من دون إسنادٍ إليه عليه السلام وكلها عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : ج 41 ص 55 ح 2 ، وراجع : تحف العقول : ص 209 .

5- النحل : 23 .

6- تفسير الطبري : ج 8 جزء 14 ص 94 ، الدر المنثور : ج 5 ص 120 نقلاً عن عبد الله بن أحمد وعبد بن حميد وابن أبي حاتم ؛ العمدة : ص 400 ح 812 .

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از هنگامی که خداوند عز و جل او را به پیامبری برانگیخت، هرگز تکیه کرده خوراکی نخورد و کراحت داشت به سلاطین مانند شود و ما توان چنین کاری نداریم.

فضائل الصحابة، ابن حنبل۔ به نقل از زادن۔: علی بن ابی طالب علیه السلام را دیدم که بند کفش را با دست خود می گرفت و از بازار می گذشت تا بند کفش را به دست صاحبش می داد و ره گم کرده را ره می نمود و در برداشتن بار به بارکش کمک می کرد و این آیه را تلاوت می نمود: «این، سرای آخرت را از آن کسانی قرار دادیم که در این جهان، نه خواهان برتری جویی و نه خواهان فسادند، و فرجام نیک، از آن پرهیزگاران است». سپس می فرمود: «این آیه در حقّ والیان و مردمان قدرتمند، نازل شده است».

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام، سواره از خانه خارج شد و گروهی پیاده همراه او راه افتادند. فرمود: «آیا کاری دارید؟» گفتند: نه؛ لیکن دوست داریم با شما همراهی کنیم. به آنها فرمود: «باز گردید. پیاده رفتن به همراه سواره، موجب تباهی سواره و خواری پیاده است».

تفسیر الطبری: حسن بن علی علیه السلام در کنار مساکین می نشست و سپس این آیه: «خداوند، مستکبران را دوست ندارد» را تلاوت می کرد.

المناقب لابن شهر آشوب: رُوِيَ أَنَّهُ مَرَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى فُقَرَاءٍ وَقَدِ وَصَّ عَمَّا كَسَدَ بِيَرَاتِ عَلَى الْأَرْضِ وَهُمْ قُعُودٌ يَلْتَقِطُونَهَا وَيَأْكُلُونَهَا، فَقَالُوا لَهُ: هَلُمَّ يَا بَنَ بْنَتِ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى الْغَدَاءِ. قَالَ: فَنَزَلَ وَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ»، وَجَعَلَ يَأْكُلُ مَعَهُمْ حَتَّى اكْتَفَوْا وَالزَّادُ عَلَى حَالِهِ بِبَرَكَتِهِ. ثُمَّ دَعَاهُمْ إِلَى ضِيَافَتِهِ وَأَطْعَمَهُمْ وَكَسَاهُمْ. (1)

تاريخ دمشق عن محمد بن عمرو بن حزم: مَرَّ الْحَسَنُ بْنُ بِمَسَاكِينَ يَأْكُلُونَ فِي الصَّفَّةِ (2) فَقَالُوا: الْغَدَاءُ، فَنَزَلَ وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ، فَتَعَدَّى مَعَهُمْ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: قَدْ أَجَبْتُكُمْ فَأَجِيبُونِي. قَالُوا: نَعَمْ. فَمَضَى بِهِمْ إِلَى مَنْزِلِهِ، فَقَالَ لِلرَّبَابِ: أَخْرِجِي مَا كُنْتَ تَدْخِرِينَ. (3)

الكافي عن أبي بصير: دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَمَّامَ، فَقَالَ لَهُ صَاحِبُ الْحَمَّامِ: أَخْلِيهِ لَكَ؟ فَقَالَ: لَا حَاجَةَ لِي فِي ذَلِكَ، الْمُؤْمِنُ أَخْفُ مِنْ ذَلِكَ. (4)

المناقب لابن شهر آشوب: دَخَلَ [الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ] الْحَمَّامَ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ النَّاسِ: دَلَّكُنِي يَا رَجُلُ، فَجَعَلَ يُدَلِّكُهُ، فَعَرَفُوهُ، فَجَعَلَ الرَّجُلُ يَسْتَعِذِرُ مِنْهُ، وَهُوَ يُطِيبُ قَلْبَهُ وَيُدَلِّكُهُ. (5)

1- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 23، بحار الأنوار: ج 43 ص 352 ح 28.

2- أهل الصَّفَّة: هم فقراء المهاجرين، ومن لم يكن له منزل يسكنه، فكانوا يأوون إلى موضع مُظَلَّل في مسجد المدينة يسكنونه (النهاية: ج 3 ص 37 «صف»).

3- تاريخ دمشق: ج 14 ص 181؛ تفسير العياشي: ج 2 ص 257 ح 15 عن مسعدة بن صدقة نحوه، بحار الأنوار: ج 44 ص 189 ح 1.

4- الكافي: ج 6 ص 503 ح 37، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 117 ح 249 نحوه، بحار الأنوار: ج 47 ص 47 ح 69.

5- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 362، بحار الأنوار: ج 49 ص 99 ح 16.

المناقب، ابن شهر آشوب: حسن بن علی علیه السلام بر گروهی از فقرا گذشت که تگّه های نان را بر زمین نهاده و گرد یکدیگر نشسته بودند و از آن بر می داشتند و می خوردند. این جماعت به امام علیه السلام گفتند: ای پسر دختر پیامبر خدا! بفرماید. امام علیه السلام فرود آمد و فرمود: «خداوند، مستکبران را دوست ندارد» و همراه آنان به خوردن نشست تا از خوردن دست کشیدند. این، در حالی بود که به برکت وجود امام علیه السلام چیزی از نان ها کم نشده بود. سپس امام علیه السلام آنها را به مهمانی دعوت کرد و اطعامشان نمود و به آنان جامه بخشید.

تاریخ دمشق_ به نقل از محمد بن عمرو بن حزم_ : امام حسین علیه السلام بر گروهی از مساکین گذشت که بر سگوی [مسجد] غذا می خوردند. آنها به امام علیه السلام، غذا تعارف کردند. ایشان فرود آمد و فرمود: «خداوند، متکبران را دوست ندارد». پس با آنها غذا خورد. سپس به آنها فرمود: «من دعوت شما را پذیرفتم؛ شما هم دعوت مرا بپذیرید». گفتند: باشد. امام علیه السلام آنها را با خود به منزلش برد و به رباب فرمود: «آنچه را ذخیره کرده ای، بیرون بیاور».

الکافی_ به نقل از ابو بصیر_ : امام صادق علیه السلام به حمّام رفت. صاحب حمّام به ایشان گفت: آیا حمّام را قُرق کنم؟ امام علیه السلام فرمود: «نیازی به این کار نیست. کار مؤمن، ساده تر از این امور است».

المناقب، ابن شهر آشوب: روایت شده است که امام رضا علیه السلام به حمّام رفت. فردی به ایشان گفت: ای مرد! مرا کیسه بکش. امام علیه السلام او را کیسه کشید. مردم، امام علیه السلام را به آن مرد معرفی کردند. او از امام علیه السلام پوزش طلبید؛ ولی ایشان علیه السلام دل آن مرد را آرام می کرد و همچنان کیسه اش می کشید.

3/6 عفوه رسول الله صلى الله عليه وآله: مُرِئْتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا، وَإِعْطَاءُ مَنْ حَرَمْنَا. (1)

سنن الترمذي عن أبي عبد الله الجدلي: سَأَلْتُ عَائِشَةَ عَنْ خُلُقِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ: لَمْ يَكُنْ فَاحِشًا وَلَا مُتَفَحِّشًا وَلَا صَخَابًا (2) فِي الْأَسْوَاقِ، وَلَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ، وَلَكِنْ يَعْفُو وَيَصْفَحُ. (3)

صحيح البخاري عن عبد الله: كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَحْكِي نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، صَدْرِيَهُ قَوْمُهُ فَأَدْمُوهُ، وَهُوَ يَمَسُّحُ الدَّمَ عَنْ وَجْهِهِ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. (4)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُتِيَ بِالْيَهُودِيَّةِ الَّتِي سَمَّيْتُ الشَّاةَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ لَهَا: مَا حَمَلَكِ عَلَى مَا صَدَّعْتِ؟ فَقَالَتْ: قُلْتُ: إِنْ كَانَ نَبِيًّا لَمْ يَصُدَّرْهُ وَإِنْ كَانَ مَلِكًا أَرَحْتُ النَّاسَ مِنْهُ، قَالَ: فَعَفَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْهَا. (5)

1- تحف العقول: ص 38، الخصال: ص 10 ح 33، الأمالي للصدوق: ص 364 ح 450 كلاهما عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 141 ح 27.

2- الصخب والسخب: الضجّة واضطراب الأصوات للخصام (النهاية: ج 3 ص 14 «صخب»).

3- سنن الترمذي: ج 4 ص 369 ح 2016، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 532 ح 25472 و ج 10 ص 75 ح 26049، السنن الكبرى: ج 7 ص 72 ح 13301، كنز العمال: ج 7 ص 222 ح 18717؛ شرح الأخبار: ج 2 ص 368 ح 730، المناقب للكوفي: ج 1 ص 144 ح 80 كلاهما عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 15 ص 213 ذيل ح 26، وراجع: صحيح البخاري: ج 4 ص 1831 ح 4558.

4- صحيح البخاري: ج 3 ص 1282 ح 3290 و ج 6 ص 2539 ح 6530، صحيح مسلم: ج 3 ص 1417 ح 1792، سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1335 ح 4025، كنز العمال: ج 12 ص 473 ح 35563؛ مجمع البيان: ج 2 ص 831، بحار الأنوار: ج 20 ص 20.

5- الكافي: ج 2 ص 108 ح 9 عن زرارة، مشكاة الأنوار: ص 404 ح 1337، بحار الأنوار: ج 16 ص 265 ح 62؛ سنن أبي داود: ج 4 ص 174 ح 4510، سنن الدارمي: ج 1 ص 36 ح 68 كلاهما عن جابر نحوه، وراجع: الأمالي للصدوق: ص 294 ح 328.

6 / 3 گذشت اهل بیت علیهم السلام

6 / 3 گذشت اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردانگی ما اهل بیت ، گذشت است از کسی که به ما ستم کرده و عطاست به کسی که از ما دریغ ورزیده است .

سنن الترمذی_ به نقل از ابو عبد الله جدلی _ : در باره اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله از عایشه پرسیدم . گفت : نه زشتکار بود ، نه زشتگوی و نه در بازار ، اهل جنجال و سر و صدا بود . بدی را با بدی پاسخ نمی داد و از آن، در می گذشت و چشم می پوشید .

صحیح البخاری_ به نقل از عبد الله _ : گویی به پیامبر صلی الله علیه و آله می نگرم که همچون پیامبری از پیامبران بود که قومش او را زدند و خونین اش کردند و او _ در حالی که خون از چهره اش می زدود _ می گفت : خدایا! از قوم من در گذر، که آنها نمی دانند .

امام باقر علیه السلام : آن زن یهودی را که گوسفندی برای پیامبر صلی الله علیه و آله مسموم کرده بود ، نزد ایشان آوردند . پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود : «چه چیز، تو را به این کار وا داشت؟» . آن زن گفت : به خود گفتم : اگر او پیامبر است ، این کار به او زیانی نمی رساند و اگر سلطان است ، مردم را از شر او آسوده گردانیده ام . پس پیامبر صلی الله علیه و آله از گناه او در گذشت .

الجمال عن معاذ بن عبد الله التميمي: وَاللَّهِ، لَقَدْ رَأَيْتُ أَصْحَابَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ وَصَّ لَمُوا إِلَى الْجَمَلِ، وَصَاحَ مِنْهُمْ صَائِحٌ: اِعْقِرُوهُ، فَعَقَرُوهُ فَوْقَ، فَنادى عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ طَرَحَ السَّلَاحَ فَهُوَ آمِنٌ، وَمَنْ دَخَلَ بَيْتَهُ فَهُوَ آمِنٌ، فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ أَكْرَمَ عَفْوًا مِنْهُ. (1)

أنساب الأشراف: قام عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ ظَهَرَ وَظَفَرَ خَطِيْبًا فَقَالَ: يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ، قَدْ عَفَوْتُ عَنْكُمْ، فَإِيَّاكُمْ وَالْفِتْنَةَ، فَإِنَّكُمْ أَوَّلَ الرَّعِيَّةِ نَكثَ الْبَيْعَةَ وَشَقَّ عَصَا الْأُمَّةِ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام من كلامه بالبصرة حين ظهر على القوم، بعد حمد الله والثناء عليه _ :أما بعد، فإن الله ذو رحمة واسعة، ومغفرة دائمة، وعفو جَمٍّ، وعقابٍ أليمٍ، قضى أن رحمته ومغفرته وعفوه لأهل طاعته من خلقه، وبرحمته اهتدى المهتدون، وقضى أن نعمته وسطواته وعقابه على أهل معصيته من خلقه، وبعد الهدى والبيئات ما ضلّ الصّالون. فما ظنكم _ يا أهل البصرة _ وقد نكثتم بيعتي وظاهرتم عليّ عدوي؟ فقام إليه رجلٌ فقال: نطنٌ خيرا، وراك قد ظفرت وقدرت، فإن عاقبت فقد اجترنا ذلك، وإن عفوت فالعفو أحبُّ إلى الله. فقال: قد عفوت عنكم، وإيّاكم والفتنة، فإنكم أولُ الرعية نكث البيعة وشق عصا هذه الأمة. ثم جلس للناس فبايعوه. (3)

-
- 1- الجمال: ص 365، الأمالي للمفيد: ص 59 ح 3 عن حذيفة بن اليمان، تاريخ يعقوبي: ج 2 ص 183 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 10 ص 387 ح 1 نقلاً عن تحف العقول نحوه؛ الأخبار الطوال: ص 151 نحوه وراجع: السنن الكبرى: ج 8 ص 314 ح 16748 والمصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 710 ح 22.
 - 2- أنساب الأشراف: ج 3 ص 58.
 - 3- الإرشاد: ج 1 ص 257، الجمال: ص 407 عن الحارث بن سريع نحوه، بحار الأنوار: ج 32 ص 230 ح 182.

الجمل_ به نقل از معاذ بن عبد الله تمیمی _ : به خدا سوگند ، اصحاب علی علیه السلام را دیدم که [در جنگ جمل] به شتر، رسیده بودند و کسی فریاد زد : شتر را پی کنید و آنها شتر را پی کردند و آن بر زمین افتاد و علی علیه السلام ندا در داد : «هر که سلاح بر زمین افکند ، در امان خواهد بود و هر که به خانه خود برود ، در امان خواهد بود» . به خدا سوگند! با گذشت تر از علی ندیده ام .

أنساب الأشراف: هنگامی که علی علیه السلام [بر اصحاب جمل] چیرگی یافت ، برخاست و چنین خطبه خواند : «ای اهل بصره! از شما در گذشتم؛ لیکن از فتنه کناره بگیریید، که شما ، نخستین مردمانی هستید که بیعت شکستید و اجتماع امت را پراکندید» .

الإرشاد_ در بیان سخنان امام علی علیه السلام در بصره ، هنگام چیرگی بر آنان _ : پس از سپاس و ستایش خداوند، فرمود : «اما بعد ، همانا خداوند ، رحمتی گسترده و آمرزشی پیوسته و گذشتی فراوان و کیفری دردناک دارد و حکم کرده است که رحمت و آمرزش و گذشتش برای اهل اطاعت از خلق او باشد _ و ره یافتگان، در پرتو رحمت او ره یافته اند _ و حکم کرده است که انتقام و هیبت و کیفرش بر اهل سرکشی از خلق او باشد و دیگر پس از هدایت و دلایل آشکار ، گم راهان، گم راه نمی شوند. ای اهل بصره! اینک ، گمان شما چیست که بیعت مرا شکستید و دشمنم را یاری رسانیدید؟» . مردی برخاست و گفت : گمان خیر داریم و تو را می بینیم که چیرگی و توانایی یافته ای . اگر ما را به کیفر رسانی ، آن ، مقتضای جرم ما خواهد بود و اگر در گذری ، پس در نزد خدا، گذشت، محبوب تر است . علی علیه السلام فرمود : «از شما در گذشتم ؛ لیکن از فتنه بر کنار باشید که شما نخستین مردمانی هستید که بیعت شکستید و اجتماع امت را پراکندید» . آن گاه امام علی علیه السلام در برابر مردم نشست و آنها با او بیعت کردند .

الإمام زين العابدين عليه السلام: دَخَلْتُ عَلَى مَرَوَانَ بْنِ الْحَكَمِ فَقَالَ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَكْرَمَ غَلَبَةً مِنْ أَيْبِكَ، مَا هُوَ إِلَّا أَنْ وَلَيْنَا يَوْمَ الْجَمَلِ، فَنادى مُناديهِ: لَا يُقْتَلُ مُدِيرٌ، وَلَا يُدْفَقُ (1) عَلَى جَرِيحٍ. (2)

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد_ في صِفَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ وَأَمَّا الْجِلْمُ وَالصَّفْحُ فَكَانَ أَحْلَمَ النَّاسِ عَنِ ذَنْبٍ، وَأَصْفَحَهُمْ عَنِ مُسِيءٍ. وَقَدْ ظَهَرَ صِدْقُهُ مَا قُلْنَاهُ يَوْمَ الْجَمَلِ، حَيْثُ ظَفِرَ بِمَرَوَانَ بْنِ الْحَكَمِ _ وَكَانَ أَعْدَى النَّاسِ لَهُ، وَأَشَدَّهُمْ بَغْضًا _ فَصَفَحَ عَنْهُ. وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزُّبَيْرِ يَشْتُمُهُ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، وَخَطَبَ يَوْمَ الْبَصْرَةِ فَقَالَ: قَدْ أَتَاكُمْ الْوَعْدُ اللَّئِيمُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا زَالَ الزُّبَيْرُ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ حَتَّى شَبَّ عَبْدُ اللَّهِ. فَظَفِرَ بِهِ يَوْمَ الْجَمَلِ، فَأَخَذَهُ أُسِيرًا، فَصَدَفَحَ عَنْهُ، وَقَالَ: «إِذْهَبْ فَلَا أُرِيَّتَكَ»، لَمْ يَزِدْهُ عَلَى ذَلِكَ. وَظَفِرَ بِسَعِيدِ بْنِ الْعَاصِ بَعْدَ وَقْعَةِ الْجَمَلِ بِمَكَّةَ _ وَكَانَ لَهُ عَدُوًّا _ فَأَعْرَضَ عَنْهُ، وَلَمْ يَقُلْ لَهُ شَيْئًا. وَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا كَانَ مِنْ عَائِشَةَ فِي أَمْرِهِ، فَلَمَّا ظَفِرَ بِهَا أَكْرَمَهَا، وَبَعَثَ مَعَهَا إِلَى الْمَدِينَةِ عَشْرِينَ امْرَأَةً مِنْ نِسَاءِ عَبْدِ الْقَيْسِ عَمَمَهُنَّ بِالْعَمَائِمِ وَقَلَدَهُنَّ بِالسُّيُوفِ، فَلَمَّا كَانَتْ بِبَعْضِ الطَّرِيقِ ذَكَرَتْهُ بِمَا لَا يَجُوزُ أَنْ يُذَكَّرَ بِهِ، وَتَأَفَّفَتْ وَقَالَتْ: هَتَكَ سِتْرِي بِرِجَالِهِ وَجُنْدِهِ الَّذِينَ وَكَّلَهُمْ بِي. فَلَمَّا وَصَلَتْ الْمَدِينَةَ أَلْقَى النِّسَاءَ عَمَائِمَهُنَّ، وَقُلْنَ لَهَا: إِنَّمَا نَحْنُ نِسْوَةٌ. وَحَارَبَهُ أَهْلُ الْبَصْرَةِ، وَصَدَّ رُبُوبًا وَجَهَهُ وَوَجَّهَهُ أَوْلَادِهِ بِالسُّيُوفِ، وَشَدَّ تَمُوهَ وَلَعَنُوهُ، فَلَمَّا ظَفِرَ بِهِمْ رَفَعَ السَّيْفَ عَنْهُمْ، وَنَادَى مُنَادِيهِ فِي أَقْطَارِ الْعَسْكَرِ: أَلَا لَا يُتَّبَعُ مُوَلٌّ، وَلَا يُجْهَزُ عَلَى جَرِيحٍ، وَلَا يُقْتَلُ مُسْتَأْسَرٌ، وَمَنْ أَلْقَى سِلَاحَهُ فَهُوَ آمِنٌ، وَمَنْ تَحَيَّرَ إِلَى عَسْكَرِ الْإِمَامِ فَهُوَ آمِنٌ. وَلَمْ يَأْخُذْ أَثْقَالَهُمْ، وَلَا سَبَى ذُرَارِيَهُمْ، وَلَا غَنِمَ شَيْئًا مِنْ أَمْوَالِهِمْ، وَلَوْ شَاءَ أَنْ يَفْعَلَ كُلَّ ذَلِكَ لَفَعَلَ، وَلَكِنَّهُ أَمَرَهُ إِلَّا الصَّفْحَ وَالْعَفْوَ، وَتَقَبَّلَ سُنَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ، فَإِنَّهُ عَفَا وَالْأَحْقَادُ لَمْ تَبْرُدْ، وَالْإِسَاءَةُ لَمْ تُنَسَّ. (3)

1- الدَّفُّ: الإجهاز على الجريح، وكذلك الذفاف. وقد دَفَّتْ على الجريح تذييفا: إذا أسرعْتَ في قتله (الصحاح: ج 4 ص 1362 «دفف»).

2- السنن الكبرى: ج 8 ص 314 ح 16746 عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، معرفة السنن: ج 6 ص 282 ح 5000 عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهما السلام، فتح الباري: ج 13 ص 57 ذيل ح 7105؛ المبسوط للطوسي: ج 7 ص 264 عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام وفيه «يدنف» بدل «يدفف».

3- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 1 ص 22؛ بحار الأنوار: ج 41 ص 144 ذيل ح 45، وراجع: الصراط المستقيم: ج 1 ص 162.

امام زین العابدین علیه السلام: بر مروان بن حکم وارد شدم. او گفت: به هنگام چیرگی، کسی را از پدر تو کریم تر نیافتم. او همان کسی بود که در جنگ جمل، ما را تعقیب می کرد و منادی اش ندا در می داد که: هیچ گریزنده ای کشته نخواهد شد و هیچ زخم خورده ای از پای در نخواهد آمد.

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید_ در توصیف امام علی علیه السلام_ در بردباری و گذشت از جرم، بردبارترین مردم، و نسبت به بدکار، با گذشت ترین ایشان بود. درستی سخن ما، در جنگ جمل آشکار شده است، آن گاه که به مروان بن حکم_ که دشمن ترین و کینه توزترین دشمن او بود_ دست یافت و از او در گذشت. عبد الله بن زبیر، او را در برابر همه دشنام داد و در هنگام اشغال بصره سخنرانی کرد و گفت: فرومایه دون پایه، علی بن ابی طالب، به سوی شما آمده است، در حالی که علی علیه السلام می گفت: «زبیر، همچنان از ما اهل بیت بود، تا آن که عبد الله، جوان گشت». [علی علیه السلام] در جنگ جمل بر او چیره شد و او را به اسارت گرفت و از او در گذشت و به او فرمود: «برو تا دیگر تو را نبینم» و بر این، سخنی نیفزود. علی علیه السلام پس از جنگ جمل، در مکه به سعید بن عاص_ که دشمن ایشان بود_ دست یافت و از او روی بر تافت و سخنی بدو نگفت. از رفتار عایشه در کار علی علیه السلام آگاهی دارید؛ اما چون بر او چیرگی یافت، گرمی اش داشت و به همراه بیست زن از زنان عبد القیس_ که [چون مردان] بر سر آنان عمامه نهاده و شمشیر به میانشان بسته بود_، راهی مدینه اش کرد. چون بخشی از راه را پیمودند، عایشه سخنانی را بر زبان آورد که نباید و آه و ناله سر داد و گفت: پرده مرا با مردان و سربازانی که بر من گماشت، درید. چون به مدینه رسیدند، زنان، عمامه از سر انداختند و به او گفتند: ما زن هستیم. اهل بصره با علی علیه السلام به جنگ برخاستند و با شمشیر به صورت او و فرزندانش نواختند و دشنامش دادند و نفرینش کردند؛ ولی چون حضرت علی علیه السلام بر آنان چیرگی یافت، شمشیر از آنان بر گرفت و منادی او در همه اردوگاه ندا در داد که: هان! هیچ گریزنده ای پیگرد نمی شود و هیچ زخم خورده ای از پای در نخواهد آمد و جان هیچ تسلیم شده ای ستانده نمی شود. هر که سلاح بر زمین نهد، در امان است و هر که به اردوی امام بگراید، در امان است و بارش گرفته نمی شود و فرزندانش اسیر نمی شوند و چیزی از اموال آنها به غنیمت گرفته نمی شود. در حالی که اگر می خواست، می توانست همه آنها را انجام دهد؛ لیکن جز گذشت و عفو را نپسندید. او به سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه همانندی جست؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی گذشت کرد که هنوز کینه ها سرد و بدرفتاری فراموش نشده بود.

الإمام الحسن عليه السلام: أَخَذَ ابْنُ مُلْجَمٍ فَأَدْخَلَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ، فَقَالَ : أَطِيبُوا طَعَامَهُ وَالْبِنَا فِرَاشَهُ ، فَإِنْ أَعِشَ فَأَنَا وَلِيُّ دَمِي ؛ عَفْوٌ أَوْ قِصَاصٌ ، وَإِنْ مِتُّ فَأَلْحِقُوهُ بِي أَخَاصِمُهُ عِنْدَ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (1)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي ابْنِ مُلْجَمٍ بَعْدَ مَا ضَرَبَهُ : أَطْعِمُوهُ وَأَسْقُوهُ ، أَحْسِنُوا إِسَارَهُ ، فَإِنْ عِشْتُ فَأَنَا وَلِيُّ دَمِي ، أَعْفُو إِنْ شِئْتُ وَإِنْ شِئْتُ اسْتَفَدْتُ ، وَإِنْ مِتُّ فَتَقَاتِلْتُمُوهُ فَلَا تَمَثَّلُوا . (2)

1- .أسد الغابة : ج 4 ص 113 الرقم 3789 ، الطبقات الكبرى : ج 3 ص 37 ، أنساب الأشراف : ج 3 ص 256 كلاهما نحوه ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 559 ؛ تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 212 نحوه .

2- .السنن الكبرى : ج 8 ص 317 ح 16759 عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام ، تاريخ الإسلام للذهبي : ج 3 ص 649 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 557 عن أنس عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام وليس فيه ذيله من «وإن مت» ، كنز العمال : ج 13 ص 197 ح 36488 ؛ قرب الإسناد : ص 143 ح 515 عن أبي البخترى عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، الجعفریات : ص 53 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وليس فيه ذيله من «وإن مت» وكلاهما نحوه .

امام حسن علیه السلام: ابن ملجم، دستگیر و به حضور علی علیه السلام برده شد. فرمود: «خوراکش را نیکو و بسترش را نرم گردانید. اگر زنده ماندم، که صاحبِ خون، خودم هستم؛ بخوادم در می گذرم یا قصاص می کنم، و اگر مُردم، او را به من مُلحق کنید که نزد خداوندِ جهانیان از او دادخواهی می کنم».

امام باقر علیه السلام: علی علیه السلام پس از ضربت خوردن به دست ابن ملجم، در حقّ وی فرمود: «به او خوراک دهید و سیرایش گردانید و در اسارتش نیکو رفتار کنید. اگر زنده ماندم، که صاحب خون، خودم هستم؛ اگر خواستم از او در می گذرم و اگر خواستم قصاص می کنم، و اگر مُردم و او را کشتید، اندامش را مُثله نکنید».

كشفت الغمّة_ في ذكر شَيْءٍ مِنْ فَضَائِلِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ : جَنَى لَهُ غَلَامٌ جِنَايَةً تَوْجِبُ الْعِقَابَ عَلَيْهِ ، فَأَمَرَ بِهِ أَنْ يُضْرَبَ ، فَقَالَ : يَا مَوْلَايَ «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» ، قَالَ : أَخْلَوْا عَنْهُ . فَقَالَ : يَا مَوْلَايَ «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» ، قَالَ : قَدْ عَفَوْتُ عَنْكَ . قَالَ : يَا مَوْلَايَ «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (1) ، قَالَ : أَنْتَ حُرٌّ لَوَجْهِ اللَّهِ ، وَلَكَ ضِعْفٌ مَا كُنْتُ أُعْطِيكَ . (2)

تاريخ الطبري عن عدّي بن حرمله_ في حَبْرِ التَّحَاقِ الْحُرِّ بْنِ يَزِيدَ الرَّيَّاحِيِّ بِرُكْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ _ : ثُمَّ ضَرَبَ فَرَسَهُ فَلَحِقَ بِحُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ : جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، أَنَا صَاحِبُكَ الَّذِي حَبَسْتُكَ عَنِ الرَّجُوعِ ، وَسَايَرْتُكَ فِي الطَّرِيقِ ، وَجَعَجَعْتُ بِكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ . وَاللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّ الْقَوْمَ يَرُدُّونَ عَلَيْكَ مَا عَرَضْتَ عَلَيْهِمْ أَبَدًا ... وَإِنِّي قَدْ جِئْتُكَ تَائِبًا مِمَّا كَانَ مِنِّي إِلَى رَبِّي ، وَمُوَاسِيًا لَكَ بِنَفْسِي حَتَّى أَمُوتَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، أَفْتَرَى ذَلِكَ لِي تَوْبَةً؟ قَالَ : نَعَمْ ، يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْكَ ، وَيَغْفِرُ لَكَ ، مَا اسْمُكَ؟ قَالَ : أَنَا الْحُرُّ بْنُ يَزِيدَ . قَالَ : أَنْتَ الْحُرُّ كَمَا سَمَّيْتَهُ أُمَّكَ ، أَنْتَ الْحُرُّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، أَنْزَلَ . قَالَ : أَنَا لَكَ فَارِسًا خَيْرٌ مِنِّي رَاجِلًا ، أَقَاتِلُهُمْ عَلَى فَرَسِي سَاعَةً ، وَإِلَى التُّزُولِ مَا يَصِيرُ آخِرُ أَمْرِي . قَالَ الْحُسَيْنُ : فَاصْنَعْ يَرْحَمَكَ اللَّهُ مَا بَدَأَ لَكَ . (3)

الإرشاد عن عبد الرزاق: سَمِعْتُ عَبْدَ الرَّزَّاقِ يَقُولُ : جَعَلَتْ جَارِيَةٌ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ تَسْكُبُ عَلَيْهِ الْمَاءَ لِيَتَهَيَّأَ لِلصَّلَاةِ ، فَتَعَسَّتْ فَسَقَطَ الْإِبْرِيْقُ مِنْ يَدِ الْجَارِيَةِ فَشَجَّهُ ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيْهَا ، فَقَالَتْ لَهُ الْجَارِيَةُ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ : «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» ، قَالَ : قَدْ كَظَمْتُ غَيْظِي . قَالَتْ : «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» ، قَالَ لَهَا : عَفَا اللَّهُ عَنْكَ . قَالَتْ : «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» . قَالَ : إِذْهَبِي فَأَنْتِ حُرَّةٌ . (4)

1- آل عمران : 134 .

2- كشف الغمّة : ج 2 ص 243 ، بحار الأنوار : ج 43 ص 352 ح 29 نقلاً عن بعض الكتب المعتبرة في فضل الإمام الحسن عليه السلام ، الفصول المهمة : ص 175 نحوه .

3- تاريخ الطبري : ج 5 ص 427 ، الكامل في التاريخ : ج 2 ص 563 وليس فيه ذيله من «ما اسمك؟» ؛ الإرشاد : ج 2 ص 99 ، إعلام الوری : ج 1 ص 460 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 45 ص 11 .

4- الإرشاد : ج 2 ص 146 ، الأمالي للصدوق : ص 168 ح 294 نحوه ، مجمع البيان : ج 2 ص 838 ، إعلام الوری : ج 1 ص 491 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 67 ح 36 ؛ البداية والنهاية : ج 9 ص 107 ، تاريخ دمشق : ج 41 ص 387 كلاهما نحوه .

کشف الغمّة_ در یاد کرد برخی از فضایل امام حسین علیه السلام_ یکی از غلامان ایشان مرتکب جرمی شد که کیفر داشت . امام علیه السلام دستور داد او را بزنند . او گفت : سَرورم! «و آنان که خشم خویش را فرو می خورند» . امام علیه السلام فرمود : «از او دست بردارید» . او گفت : سَرورم! «و از خطای مردم در می گذرند» . امام علیه السلام فرمود : «از تو در گذشتم» . او گفت : سَرورم! «و خدا نیکوکاران را دوست می دارد» . امام علیه السلام فرمود : «تو در راه خدا آزادی و از آن تو باد دو برابر آنچه به تو می دادم» .

تاریخ الطبری_ به نقل از عدی بن حرمه ، در یادکرد پیوستن حرّ بن یزید ریاحی به کاروان امام حسین علیه السلام در روز عاشورا_ آن گاه اسبش را هی کرد و به حسین علیه السلام پیوست و به ایشان گفت: خداوند ، مرا فدای تو کند ، ای فرزند پیامبر خدا! منم آن همراه تو که جلوی بازگشت تو را گرفتم و در راه، گام به گام تو آمدم و در این مکان ، تو را باز داشتم . به خدایی که جز او معبودی نیست، سوگند که هرگز گمان نمی کردم این جماعت، پیشنهاد تو را رد کنند... من در حالی به سوی تو آمدم که از آنچه از من سرزد ، به خدایم توبه می کنم و با جانم به تو یاری می رسانم تا آن که در برابرت جان دهم . آیا این عمل مرا توبه می بینی؟ امام علیه السلام فرمود : «آری . خداوند بر تو می بخشد و تو را می آمرزد . نامت چیست؟» . گفت : حرّ بن یزید . فرمود : «تو حر (آزاده) هستی ، همان گونه که مادرت نامیدت . تو به خواست خدا در این سرا و آن سرا آزادی . پیاده شو» . او گفت : ای امام! اگر سواره باشم ، برای تو بهتر از آنم که پیاده باشم . ساعتی با اسبم با آنها پیکار خواهم کرد و فرود آمدن من ، پایان کار من خواهد بود . امام علیه السلام فرمود : «رحمت خدا بر تو باد! هر چه می خواهی ، بکن» .

الإرشاد_ به نقل از عبد الرزّاق_ : کنیز زین العابدین علیه السلام بر ایشان آب می ریخت تا ایشان برای نماز آماده شود . ناگهان آبریز از دست کنیز بیفتاد و ایشان را مجروح کرد . امام زین العابدین علیه السلام سرش را به طرف آن کنیز بلند کرد . کنیزك گفت : خداوند عز و جلمی فرماید : «آنان که خشم خود را فرو می خورند» . امام علیه السلام به او فرمود : «خشمم را فرو خوردم» . کنیزك گفت : «و از خطای مردم در می گذرند» . امام علیه السلام فرمود : «خداوند از تو در گذرد!» . او گفت : «و خدا نیکوکاران را دوست دارد» . امام علیه السلام فرمود : «برو که آزادی» .

6 / 4 سِيرَتُهُمْ فِي الْعِبَادَةِ 6 / 4 _ 1 إخلاصَهُمْ فِي الْعِبَادَةِ الإمام عليّ عليه السلام: ما عَبَدْتُكَ طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ ، ولا خَوْفًا مِنْ نَارِكَ ، وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ . (1)

عنه عليه السلام: إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ: قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزْ وَجَلَّ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزْ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ . (3)

-
- 1- .عوالي اللآلي: ج 1 ص 404 ح 63 وج 2 ص 11 ح 18 وفيه «شوبا» بدل «طمعا»، بحار الأنوار: ج 72 ص 278 .
 - 2- .نهج البلاغة: الحكمة 237، تحف العقول: ص 246 عن الإمام الحسين عليه السلام بزيادة «وهي أفضل العبادات» في آخره، نزهة الناظر: ص 156 ح 300 عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 41 ص 14 ح 4؛ البداية والنهاية: ج 9 ص 105 عن الإمام زين العابدين عليه السلام، حلية الأولياء: ج 3 ص 135 عن إبراهيم العلوي عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام وكلاهما نحوه .
 - 3- .الكافي: ج 2 ص 84 ح 5 عن هارون بن خارجة، بحار الأنوار: ج 70 ص 255 ح 12 .

6 / 4 شیوه اهل بیت علیهم السلام در عبادت

6 / 4 - 1 اخلاص اهل بیت علیهم السلام در عبادت

6 / 4 شیوه اهل بیت علیهم السلام در عبادت 6 / 4 - 1 اخلاص اهل بیت علیهم السلام در عبادت تمام علی علیه السلام: خدایا! تو را نه به آز بهشت پرستیدم و نه از هراسِ دوزخت؛ لیکن تو را شایسته پرستش یافتم و پرستیدمت .

امام علی علیه السلام: جماعتی خدا را از سر امید پرستیدند، که این، پرستش بازرگانان است و جماعتی از سر ترس، که این، پرستش بردگان است و جماعتی او را از سر سپاس پرستیدند، که این، پرستش آزادگان است .

امام صادق علیه السلام: بندگان، سه گروه اند: گروهی خدا را از سر هراس می پرستند، که این، پرستش بردگان است و گروهی در جستجوی پادشاه، که این، پرستش مزدوران است و گروهی خداوند را به سبب محبت به او می پرستند، که این، پرستش آزادگان و برترین پرستش است .

تنبيه الخواطر: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي لَأَكْرَهُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ لَا غَرَضَ لِي إِلَّا ثَوَابَهُ، فَأَكُونُ كَالْعَبْدِ الطَّمَعِ الْمُطْمَعِ، إِنْ طَمَعَ عَمَلٍ وَإِلَّا لَمْ يَعْمَلْ. وَأَكْرَهُ أَنْ أَعْبُدَهُ إِلَّا لِخَوْفِ عِقَابِهِ، فَأَكُونُ كَالْعَبْدِ السَّوِّءِ إِنْ لَمْ يَخَفْ لَمْ يَعْمَلْ. قِيلَ: فَلِمَ تَعْبُدُهُ؟ قَالَ: لِمَا هُوَ أَهْلُهُ؛ بِأَيْدِيهِ عَلِيٍّ وَإِنْعَامِهِ. (1)

4 / 6 _ 2 إجتهادهم في العبادة الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَ تُتَعَبُ نَفْسَكَ وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟ فَقَالَ: يَا عَائِشَةُ، أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟! قَالَ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُومُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: «طه * مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى». (2)

صحيح البخاري عن عروة عن عائشة: أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ حَتَّى تَتَفَطَّرَ قَدَمَاهُ، فَقَالَتْ عَائِشَةُ: لِمَ تَصْنَعُ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟ قَالَ: أَفَلَا أَحِبُّ أَنْ أَكُونَ عَبْدًا شَكُورًا؟! (3)

1- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 108، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 328 ح 180 بزيادة «لا غرض لي» بعد «أن أعبد»، بحار الأنوار: ج 70 ص 198.

2- الكافي: ج 2 ص 95 ح 6، تفسير القمي: ج 2 ص 58 وفيه ذيله من «وكان رسول الله صلى الله عليه وآله يقوم» وكلاهما عن أبي بصير، الاحتجاج: ج 1 ص 520 ح 127 عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 16 ص 264 ح 59؛ فتح الباري: ج 8 ص 432، تفسير القرطبي: ج 11 ص 167 كلاهما عن أنس وفيهما ذيله من «وكان رسول الله صلى الله عليه وآله يقوم» نحوه.

3- صحيح البخاري: ج 4 ص 1830 ح 4557، صحيح مسلم: ج 4 ص 2172 ح 81، سنن الترمذي: ج 2 ص 269 ح 412، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 456 ح 1420 عن أبي هريرة وكلها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 180 ح 18581؛ الأمالي للطوسي: ص 637 ح 1314 عن عمرو بن عبد الله بن هند عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 16 ص 287 ح 143.

6 / 4 - 2 سختکوشی اهل بیت علیهم السلام در عبادت

تنبيه الخواطر: امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «من خوش نمی دارم خدا را چنان پرستم که مقصودی جز پاداش نداشته باشم تا چونان برده ای باشم آزمند و تسلیم که اگر طمع ورزد، می کوشد و گر نه، نه، و خوش نمی دارم خدا را چنان پرستم که [مقصودی] جز هراس از کیفر او در سر نداشته باشم تا چونان برده بدکاری باشم که اگر نهراسد، گامی بر نمی دارد». به امام علیه السلام گفته شد: پس چرا خدا را می پرستی؟ فرمود: «چون او با نواختن و نعمت دادن به من، شایسته عبادت است».

6 / 4 - 2 سختکوشی اهل بیت علیهم السلام در عبادت امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شبی که باید نزد عایشه می بود، در کنار او بود. عایشه گفت: ای پیامبر خدا! چرا خود را خسته می کنی، در حالی که خداوند، گناهان گذشته و آینده تو را آمرزیده است؟ فرمود: «ای عایشه! آیا نباید بنده ای شکرگزار باشم؟!». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر سر انگشتان پایش می ایستاد که خداوند پاک والا، این آیه را نازل فرمود: «طه! ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا در رنج افتی».

صحیح البخاری_ به نقل از عروه، از عایشه _ پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر شب زنده داری نمود تا دو پایش ورم کرد. به ایشان گفت [م]: ای پیامبر خدا! چرا چنین می کنی، در حالی که خداوند، گناهان گذشته و آینده تو را آمرزیده است؟ فرمود: «آیا دوست نداشته باشم که بنده ای شکرگزار گردم؟!».

الأمامي للطوسي عن بكر بن عبد الله: إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ مَوْقُودٌ - أَوْ قَالَ: مَحْمُومٌ - فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَشَدَّ وَعَكَكَ! فَقَالَ: مَا مَنَعَنِي ذَلِكَ أَنْ قَرَأْتُ اللَّيْلَةَ ثَلَاثِينَ سُورَةَ فِيهِنَّ السَّبْعُ الطُّوَالُ. فَقَالَ عُمَرُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَنْتَ تَجْهَدُ هَذَا الْإِجْتِهَادَ؟! فَقَالَ: يَا عُمَرُ، أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟! (1)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ. (2)

صحيح مسلم عن عائشة: كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يُصَلِّي لَيْلًا طَوِيلًا قَائِمًا، وَلَيْلًا طَوِيلًا قَاعِدًا. (3)

السنن الكبرى للنسائي عن عائشة: قُلَّ مَا كَانَ يَنَامُ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] مِنَ اللَّيْلِ لَمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ: «قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا» (4). (5)

-
- 1- الأمامي للطوسي: ص 403 ح 903، بحار الأنوار: ج 16 ص 222 ح 20؛ الطبقات الكبرى: ج 2 ص 208 نحوه.
 - 2- الكافي: ج 3 ص 443 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 4 ح 3، منتقى الجمان: ج 1 ص 384، عوالي اللآلي: ج 3 ص 65 ح 7 كلها عن الفضيل بن يسار والفضل بن عبد الملك وبكير بن أعين.
 - 3- صحيح مسلم: ج 1 ص 504 ح 105، سنن أبي داود: ج 1 ص 251 ح 955، سنن الترمذي: ج 2 ص 213 ح 375، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 388 ح 1228، سنن النسائي: ج 3 ص 219، كنز العمال: ج 8 ص 388 ح 23382.
 - 4- المزمّل: 2.
 - 5- السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 501 ح 11628، مسند أبي يعلى: ج 4 ص 466 ح 4918، الدرر المنتثر: ج 8 ص 312 نقلًا عن عبد الله بن أحمد في زوائد الزهد.

الأمالی، طوسی_ به نقل از بکر بن عبد الله _: عمر بن خطاب بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد ، در حالی که ایشان آسیب دیده بود _ یا گفت : تبار بود _ . عمر گفت : ای پیامبر خدا! چه بیماری سختی داری! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «این مانع نشد که در شب ، سی سوره از قرآن که در آن هفت سوره طوال بود، قرائت نکنم» . عمر گفت : ای پیامبر خدا! خداوند ، گناهان گذشته و آینده تو را آمرزیده است و تو چنین خود را به سختی می افکنی؟! فرمود : «ای عمر! آیا نباید بنده ای شکرگزار باشم؟!» .

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو برابر نماز واجب ، نماز نافله می گزارد .

صحیح مسلم_ به نقل از عایشه _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شبی طولانی را ایستاده و شبی طولانی را نشسته نماز می گزارد .

السنن الکبری، نسایی_ به نقل از عایشه _ : از هنگامی که خداوند عز و جل فرمود : «شب را زنده بدار، مگر اندکی را» ، پیامبر صلی الله علیه و آله شب ها کم می خوابید .

صحيح البخاري عن عائشة: كان النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَذْكُرُ اللهُ عَلَى كُلِّ أَحْيَانِهِ . (1)

الإمام علي عليه السلام: إن فاطمة عليها السلام أتت النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَسْأَلُهُ خَادِمًا ، فَقَالَ : أَلَا أُخْبِرُكَ مَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ مِنْهُ ؟ تُسَبِّحِينَ اللهُ عِنْدَ مَنَامِكَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ ، وَتَحْمَدِينَ اللهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ ، وَتُكَبِّرِينَ اللهُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ . فَمَا تَرَكْتَهَا بَعْدُ ، قِيلَ : وَلَا لَيْلَةَ صِفِّينَ ؟ قَالَ : وَلَا لَيْلَةَ صِفِّينَ . (2)

الأمالي للصدوق عن عروة بن الزبير: كُنَّا جُلُوسًا فِي مَجْلِسٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَتَذَاكِرْنَا أَعْمَالَ أَهْلِ بَدْرِ وَيَعَى الرَّضْوَانِ ، فَقَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ : يَا قَوْمَ ، أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَقْلِّ الْقَوْمِ مَالًا وَأَكْثَرِهِمْ وَرَعًا وَأَشَدَّهُمْ اجْتِهَادًا فِي الْعِبَادَةِ ؟ قَالُوا : مَنْ ؟ قَالَ : عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (3)

فلاح السائل عن أبي المقدم عن حبة العرنبي: بَيْنَا أَنَا وَنُوفٌ نَائِمِينَ فِي رُحْبَةِ الْمَسْجِدِ ، إِذْ نَحْنُ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَقِيَّةٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاضِدًا مَا يَدُهُ عَلَى الْحَائِطِ شَبَهَ الْوَالِهِ ، وَهُوَ يَقُولُ : «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...» (4) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ . قَالَ : ثُمَّ جَعَلَ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَاتِ وَيَمُرُّ شَبَهَ الطَّائِرِ عَقْلُهُ ، فَقَالَ : أَرَأَيْتَ يَا حَبَّةُ أَمْ رَامِقٌ ؟ قَالَ : قُلْتُ : رَامِقٌ ، هَذَا أَنْتَ تَعْمَلُ هَذَا الْعَمَلَ فَكَيْفَ نَحْنُ ؟! قَالَ : فَأَرَخَى عَيْنَيْهِ فَبَكَى ، ثُمَّ قَالَ لِي : يَا حَبَّةُ ، إِنَّ لِلَّهِ مَوْقِفًا ، وَلَنَا بَيْنَ يَدَيْهِ مَوْقِفٌ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ أَعْمَالِنَا . يَا حَبَّةُ ، إِنَّ لِلَّهِ أَقْرَبَ إِلَيَّ وَإِلَيْكَ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ . يَا حَبَّةُ ، إِنَّهُ لَنْ يَحْجُبَنِي وَلَا يُبَايِعَ عَنِ اللهِ شَيْءٌ . قَالَ : ثُمَّ قَالَ : أَرَأَيْتَ أَنْتَ يَا نُوفُ ؟ قَالَ : قَالَ : لَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، مَا أَنَا بِرَأَقِدٍ وَلَقَدْ أَطَلْتُ بِكَائِي هَذِهِ اللَّيْلَةَ . فَقَالَ : يَا نُوفُ ، إِنْ طَالَ بُكَؤُوكَ فِي هَذَا اللَّيْلِ مَخَافَةً مِنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّتْ عَيْنَاكَ عَدَا بَيْنَ يَدَيْ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ . يَا نُوفُ ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ قَطْرَةٍ قَطَرَتْ مِنْ عَيْنِ رَجُلٍ مِنْ خَشْيَةِ اللهِ إِلَّا أَطْفَأَتْ بِحَارًا مِنَ النَّارِ . يَا نُوفُ ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ رَجُلٍ أَعْظَمَ مَنَزَلَةً عِنْدَ اللهِ مِنْ رَجُلٍ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَأَحَبَّ فِي اللهِ وَأَبْغَضَ فِي اللهِ . يَا نُوفُ ، مَنْ أَحَبَّ فِي اللهِ لَمْ يَسْتَأْثِرْ عَلَى مَحَبَّتِهِ ، وَمَنْ أَبْغَضَ فِي اللهِ لَمْ يُنَلِّ مُبْغِضِيهِ خَيْرًا ، عِنْدَ ذَلِكَ اسْتَكْمَلْتُمْ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ . ثُمَّ وَعَظَهُمَا وَذَكَرَهُمَا ، وَقَالَ فِي آخِرِهِ : فَكُونُوا مِنَ اللهِ عَلَى حَذَرٍ ، فَقَدْ أَنْذَرْتُكُمَا . ثُمَّ جَعَلَ يَمُرُّ وَهُوَ يَقُولُ : لَيْتَ شِعْرِي فِي غَفَلَاتِي أَمُعِرُضُ أَنْتَ عَنِّي أَمْ نَاطِرٌ إِلَيَّ ؟ ! وَلَيْتَ شِعْرِي فِي طَوْلِ مَنَامِي وَقَلَّةِ شُكْرِي فِي نِعْمِكَ عَلَيَّ مَا حَالِي ؟ قَالَ : فَوَاللهِ مَا زَالَ فِي هَذَا الْحَالِ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ . (5)

1- صحيح البخاري: ج 1 ص 227 ذيل ح 607، صحيح مسلم: ج 1 ص 282 ح 117، سنن أبي داود: ج 1 ص 5 ح 18، سنن الترمذي: ج 5 ص 463 ح 3384، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 110 ح 302، كنز العمال: ج 7 ص 65 ح 17980.

2- صحيح البخاري: ج 5 ص 2051 ح 5047، صحيح مسلم: ج 4 ص 2091 ح 80، مسند الحميدي: ج 1 ص 24 ح 43، تاريخ بغداد: ج 3 ص 24 الرقم 945 كلها عن عبدالرحمن بن أبي ليلى، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 322 ح 1312 عن ابن أعبد وكلها نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 505 ح 41982؛ الغارات: ج 2 ص 739 عن السائب نحوه.

3- الأمالي للصدوق: ص 137 ح 136، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 156، روضة الواعظين: ص 125، بحار الأنوار: ج 41 ص 11 ح 1، وراجع: المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 124.

4- آل عمران: 190.

5- فلاح السائل: ص 466 ح 315، بحار الأنوار: ج 41 ص 22 ح 13.

صحیح البخاری_ به نقل از عایشه _ : پیامبر صلی الله علیه و آله در هر حال به یاد خدا بود .

امام علی علیه السلام : فاطمه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت تا از او خدمتکاری بخواهد . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « آیا آنچه را برای تو بهتر است ، به آگاهی تو برسانم ؟ هنگام خوابیدن ، سی و سه بار سبحان الله بگو و سی و سه بار الحمد لله بگو و سی و چهار بار الله اکبر بگو . من هنوز آن را ترك نکرده ام » . پرسیدند : حتی در شب صغین . فرمود : « حتی در شب صغین » .

الأمالی ، صدوق_ به نقل از عروة بن زبیر _ : در مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم و در باره کارهای اهل بدر و بیعت رضوان سخن می گفتیم . ابو دردا گفت : ای جماعت! آیا کسی را به شما معرفی بکنم که دارایی اش از همه کمتر و پاک دامنی اش از همه بیشتر و در عبادت از همه سختکوش تر است ؟ گفتند : او کیست ؟ گفت : علی بن ابی طالب .

فلاح السائل_ به نقل از ابو المقدم ، از حبه عرنی _ : در حالی که من و نوف در آستانه مسجد خوابیده بودیم ، در باقی مانده شب ، امیر مؤمنان علیه السلام را دیدیم که چون شیدایی دستش را بر دیوار نهاده بود و می فرمود : « همانا در آفرینش آسمان ها و زمین » تا پایان آیه . امام علیه السلام این آیات را چنان تلاوت می کرد و می گذشت که گویی هوش از سرش پریده است . آن گاه فرمود : « ای حبه ! خوابی یا بیدار ؟ » . گفتم : بیدار . تو که چنین می کنی ، دیگر ما باید چه کنیم ؟! امام علیه السلام دیده بر هم نهاد و گریست و سپس فرمود : « ای حبه ! خداوند ، جایگاهی دارد و ما در برابر او جایگاهی داریم که چیزی از اعمال ما بر او پنهان نمی ماند . ای حبه ! خداوند از رگ گردن به من و تو نزدیک تر است . ای حبه ! هرگز چیزی من و تو را در برابر خدا پنهان نمی کند » . سپس فرمود : « ای نوف ! تو خواب هستی ؟ » . گفت : خیر ، ای امیر مؤمنان ! من خواب نیستم و امشب فراوان گریسته ام . امام علیه السلام فرمود : « ای نوف ! اگر امشب از هراس خدا گریسته باشی ، فردا روز ، چشمت در برابر خداوند عز و جل روشن خواهد بود . ای نوف ! قطره ای اشک از ترس خدا از دیده کسی فرو نمی غلتد ، مگر آن که در یاهایی از آتش را فرو می نشاند . ای نوف ! منزلت هیچ کس نزد خدا از کسی که از هراس خدا بگرید و برای خدا دوست بدارد و در راه خدا کینه ورزد ، بیشتر نیست . ای نوف ! هر کس در راه خدا محبت ورزد ، چیزی را بر محبت او ترجیح نمی دهد و هر کس در راه خدا کینه ورزد ، خیری به کینه توزان او نمی رسد . در این هنگام است که حقایق ایمان را به کمال رسانده اید » . سپس امام علیه السلام آن دو را پند و اندرز داد و در پایان سخن فرمود : « از خدا ترسان باشید که شما را بیم دادم » . سپس در حالی که می گذشت ، فرمود : « ای کاش می دانستم که در غفلت های خویش ، تو از من روی بر تافته ای یا بر من می نگری ! و ای کاش در خواب طولانی و کمی سپاس گزاری ام به خاطر نعمت های تو بر خود ، می دانستم که چه وضعی دارم ! » . به خدا سوگند ، امام علیه السلام همچنان در این حال بود تا سپیده دمید .

حلية الأولياء عن أبي صالح: دَخَلَ ضِرَارُ بْنُ صَدْرَةَ الْكِنَانِيُّ عَلَى مُعَاوِيَةَ، فَقَالَ لَهُ: صِفْ لِي عَلِيًّا، فَقَالَ: أَوْ تُعْفِينِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: لَا أَعْفِيكَ. قَالَ: أَمَا إِذْ لَا بَدَّ... فَأَشْهَدُ بِاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُهُ فِي بَعْضِ مَوَاقِفِهِ وَقَدْ أَرَحَى اللَّيْلُ سُدُولَهُ، وَغَارَتْ نُجُومُهُ، يَمِيلُ فِي مِحْرَابِهِ قَابِضًا عَلَى لِحْيَتِهِ، يَتَمَلَّمُ لِي تَمَلَّمًا لِسَلِيمٍ، وَيَبْكِي بِكَاءِ الْحَزِينِ، فَكَأَنِّي أَسْمَعُهُ الْآنَ وَهُوَ يَقُولُ: يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا - يَنْصَدِرُ إِلَيْهِ - ثُمَّ يَقُولُ لِلدُّنْيَا: إِلَيَّ تَغَرَّرْتَ؟! إِلَيَّ تَشَوَّفَتْ؟! هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ، غُرِّي غَيْرِي، قَدْ بَتَّتْكَ ثَلَاثًا، فَعُمُرُكَ قَصِيرٌ، وَمَجْلِسُكَ حَقِيرٌ، وَخَطْرُكَ يَسِيرٌ، آه آه مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ، وَبُعْدِ السَّفَرِ، وَوَحْشَةِ الطَّرِيقِ. فَوَكَّفَتْ دُمُوعُ مُعَاوِيَةَ عَلَى لِحْيَتِهِ مَا يَمْلِكُهَا، وَجَعَلَ يُشْفِئُهَا بِكُمِّهِ وَقَدْ اخْتَنَقَ الْقَوْمُ بِالْبُكَاءِ، فَقَالَ: كَذَا كَانَ أَبُو الْحَسَنِ؛ كَيْفَ وَجَدُكَ عَلَيْهِ يَا ضِرَارُ؟ قَالَ: وَجَدُ مَنْ ذُبِحَ وَاجِدُهَا فِي حِجْرِهَا، لَا تَرْقَأُ دَمْعَتُهَا وَلَا يَسْكُنُ حُزْنُهَا. ثُمَّ قَامَ فَخَرَجَ. (1)

1- حلية الأولياء: ج 1 ص 84 و 85 الرقم 4، الاستيعاب: ج 3 ص 209 الرقم 1875، مروج الذهب: ج 2 ص 433 كلاهما نحوه؛ نهج البلاغة: الحكمة 77، الأمالي للصدوق: ص 724 ح 990 عن الأصمغ بن نباتة وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 33 ص 250 ح 524.

حلیة الأولیاء_ به نقل از ابو صالح _ ضرار بن ضمیره کنانی بر معاویه وارد شد . معاویه به او گفت : علی را برای من توصیف کن . او گفت : ای امیر مؤمنان! آیا مرا معذور نمی داری؟ گفت : نه ، معذورت نمی دارم . ضرار گفت : اگر گریزی نیست... ، خدا را گواه می گیرم در برخی حالات ، در حالی که شب ، پرده خود را فکنده بود و ستارگان آن فرو رفته بودند ، در محرابش و در حالی که ریشش را به دست گرفته بود ، از این سو به آن سو می رفت و چونان مار گزیده ای به خود می پیچید و مانند غم زدگان می گریست و گویی هم اینک صدای او را می شنوم که می گوید : «بار الها! بار الها!» . به درگاه او زاری می کرد و سپس خطاب به دنیا می فرمود : «مرا می فریبی، یا چشم به راه من هستی؟ دور است ، دور! دیگری را بفریب . سه باره تو را طلاق داده ام . عمر تو کوتاه و محفلت ناچیز است و خطرت به آسانی می رسد . آه! آه! از کمی توشه و دوری سفر و وحشت راه» . اشک معاویه بی اختیار بر ریشش فروریخت و با آستینش آنها را خشک می کرد و گریه، جماعت را گلوگیر کرده بود . معاویه گفت : آری ، ابو الحسن چنین بود . ای ضرار! شور و عشقت نسبت بدو چگونه است؟ ضرار گفت : شور و عشق زنی که تنها فرزندش را در دامانش سر ببرند، که اشک از دیده اش بند نمی آید و غمش آرام نمی گیرد . سپس برخاست و بیرون رفت .

الإمام الحسن عليه السلام: رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةَ جُمُعَتِهَا ، فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ ، وَسَجَّعَتْهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَتَسْتَمِيهِمْ وَتُكثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَلَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ ، فَقُلْتُ لَهَا : يَا أُمَّاهُ ، لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ ؟ فَقَالَتْ : يَا بَنِيَّ ، الْجَارَ ثُمَّ الدَّارَ . (1)

المناقب لابن شهر آشوب عن الحسن البصري: ما كان في هذه الأمة أعبد من فاطمة ، كانت تقوم حتى تورمت قدمها . (2)

-
- 1- .علل الشرائع : ص 182 ح 1 عن عبادة الكليني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، دلائل الإمامة : ص 152 ح 65 عن عبادة الكلبي عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، كشف الغمّة : ج 2 ص 94 ، بحار الأنوار : ج 89 ص 313 ح 19 نقلاً عن مصباح الأنوار وكلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام وفيها «ليلة الجمعة» بدل «ليلة جمعتهما» .
- 2- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 341 ، بحار الأنوار : ج 43 ص 76 ح 62 ؛ ربيع الأبرار : ج 2 ص 104 .

امام حسن علیه السلام: مادرم فاطمه علیها السلام را در شب جمعه در محراب دیدم که به عبادت ایستاده بود. او همچنان در رکوع بود تا روشنی بامداد بر آمد. شنیدم که او به مردان و زنان مؤمن دعا می کرد و آنها را نام می بُرد و برای آنها فراوان دعا می کرد، در حالی که برای خود دعایی نمی کرد. به ایشان گفتم: مادر! چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنی، برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود: «فرزندم! نخست همسایه و سپس [اهل] خانه».

المناقب، ابن شهر آشوب_ به نقل از حسن بصری_: در میان این ائمت، عابدتر از فاطمه نبوده است. او آن قدر [برای عبادت] می ایستاد که دو پایش ورم می کرد.

تاريخ الطبري عن عبد الله بن الزبير - لَمَّا سَمِعَ بِمَقْتَلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ قَتَلُوهُ! طَوِيلًا بِاللَّيْلِ قِيَامُهُ، كَثِيرًا فِي النَّهَارِ صِيَامُهُ. (1)

تاريخ يعقوبي: قِيلَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَقَلَّ وُلْدَ أَبِيكَ! قَالَ: الْعَجَبُ كَيْفَ وُلِدْتُ لَهُ، إِنَّهُ كَانَ يَصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكْعَةٍ، فَمَتَى كَانَ يَفْرُغُ لِلنِّسَاءِ؟! (2)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَدِيدَ الْاجْتِهَادِ فِي الْعِبَادَةِ؛ نَهَارَهُ صَائِمٌ، وَلَيْلَهُ قَائِمٌ، فَأَضْرَّ ذَلِكَ بِجِسْمِهِ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبُهِ (3)، كَمْ هَذَا الدُّوْبُ (4)؟! فَقَالَ: أَتَحَبَّبُ إِلَى رَبِّي لَعَلَّهُ يُزَلِّفَنِي. (5)

عنه عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَخَذَ كِتَابَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَظَرَ فِيهِ قَالَ: مَنْ يُطِيقُ هَذَا؟ مَنْ يُطِيقُ ذَا؟ قَالَ: ثُمَّ يَعْمَلُ بِهِ. وَكَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ حَتَّى يُعْرَفَ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ، وَمَا أَطَاقَ أَحَدٌ عَمَلَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ بَعْدِهِ إِلَّا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (6)

الأمامي للطوسي عن عمرو بن عبد الله بن هند الجملي عن الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَّا نَظَرَتْ إِلَى مَا يَفْعَلُ ابْنُ أُخِيهَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِنَفْسِهِ مِنَ الدَّابِّ فِي الْعِبَادَةِ أَتَتْ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ حِزَامِ الْأَنْصَارِيِّ فَقَالَتْ لَهُ: يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّ لَنَا عَلَيْكُمْ حُقُوقًا، وَمِنْ حَقِّنَا عَلَيْكُمْ أَنْ إِذَا رَأَيْتُمْ أَحَدَنَا يُهْلِكُ نَفْسَهُ اجْتِهَادًا أَنْ تُذَكِّرُوهُ اللَّهَ وَتَدْعُوهُ إِلَى الْبُقْيَا عَلَى نَفْسِهِ، وَهَذَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ بَقِيَّةِ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ قَدِ انْحَرَمَ أَنْفُهُ وَثَقِنَتْ جَبْهَتُهُ وَرُكِبَتَاهُ وَرَاحَتَاهُ، ذَابَا مِنْهُ لِنَفْسِهِ فِي الْعِبَادَةِ. فَآتَى جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بَابَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَبِالْبَابِ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُغْيَلِمَةٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ قَدِ اجْتَمَعُوا هُنَاكَ، فَنَظَرَ جَابِرٌ إِلَيْهِ مُقْبِلًا فَقَالَ: هَذِهِ مِشِيَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَجِيَّتُهُ، فَمَنْ أَنْتَ يَا غُلَامٌ؟ فَقَالَ: أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، فَبَكَى جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، ثُمَّ قَالَ: أَنْتَ وَاللَّهِ الْبَاقِرُ عَنِ الْعِلْمِ حَقًّا، أَدُنُّ مِنِّْي بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، فَدَنَا مِنْهُ فَحَلَّ جَابِرُ إِزَارَهُ وَوَضَعَ يَدَهُ فِي صَدْرِهِ فَقَبَّلَهُ وَجَعَلَ عَلَيْهِ خَدَّهُ وَوَجْهَهُ وَقَالَ لَهُ: أَفَرَيْتُكَ عَنْ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامِ، وَقَدْ أَمَرَنِي أَنْ أَفْعَلَ بِكَ مَا فَعَلْتُ، وَقَالَ لِي: يَوْشِكُ أَنْ تَعِيشَ وَتَبْقَى حَتَّى تَلْقَى مِنْ وُلْدِي مَنْ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ يَبْقُرُ الْعِلْمَ بِقَرَا، وَقَالَ لِي: إِنَّكَ تَبْقَى حَتَّى تَعْمَى ثُمَّ يَكْشِفُ لَكَ عَنْ بَصَرِكَ. ثُمَّ قَالَ لِي: إِبْذَنْ لِي عَلَى أَبِيكَ. فَدَخَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَى أَبِيهِ فَأَخْبَرَهُ الْخَبَرَ وَقَالَ: إِنَّ شَيْخًا بِالْبَابِ وَقَدْ فَعَلَ بِي كَيْتَ وَكَيْتَ، فَقَالَ: يَا بُنَيَّ، ذَلِكَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ: أَمِنْ بَيْنِ وِلْدَانِ أَهْلِكَ قَالَ لَكَ مَا قَالَ وَفَعَلَ بِكَ مَا فَعَلَ؟ قَالَ: نَعَمْ، [قَالَ: (7) إِنَّا لِلَّهِ، إِنَّهُ لَمْ يَقْصِدْكَ فِيهِ بِسُوءٍ وَلَقَدْ أَشَاطَ بِدَمِكَ. (8) ثُمَّ أَدْنَى لِحَابِرٍ فَدَخَلَ عَلَيْهِ، فَوَجَدَهُ فِي مِحْرَابِهِ قَدْ أَنْصَتَهُ الْعِبَادَةُ، فَنَهَضَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلَهُ عَنْ حَالِهِ سُؤْلًا حَفِيًّا ثُمَّ أَجْلَسَهُ بِجَنْبِهِ، فَأَقْبَلَ جَابِرٌ عَلَيْهِ يَقُولُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِتْمَا خَلَقَ الْجَنَّةَ لَكُمْ وَلِمَنْ أَحَبَّكُمْ وَخَلَقَ النَّارَ لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ وَعَادَاكُمْ، فَمَا هَذَا الْجَهْدُ الَّذِي كَلَّفْتَهُ نَفْسَكَ؟ قَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ فَلَمْ يَدْعِ الْاجْتِهَادَ لَهُ، وَتَعَبَّدَ - بِأَبِي هُوَ وَأُمِّي - حَتَّى انْتَفَحَ السَّاقُ وَوَرِمَ الْقَدَمُ، وَقِيلَ لَهُ: أَتَفْعَلُ هَذَا وَقَدْ غَفَرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟ قَالَ: أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا سَكُورًا؟! فَلَمَّا نَظَرَ جَابِرٌ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَلَيْسَ يُغْنِي فِيهِ مِنْ قَوْلٍ يَسْتَمِيلُهُ مِنَ الْجَهْدِ وَالتَّعَبِّ إِلَى الْقَصْدِ قَالَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، الْبُقْيَا عَلَى نَفْسِكَ، فَإِنَّكَ لَمِنْ أَسْرَةٍ بِهِمْ يُسْتَدْفَعُ الْبَلَاءُ وَتُسْتَكْشَفُ الْأَوَاءُ (9) وَبِهِمْ تُسْتَمَطَّرُ السَّمَاءُ. فَقَالَ: يَا جَابِرُ، لَا أَرَأَى عَلَى مِثْلِ الْأَنْبِيَاءِ مِثْلَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِلَّا يَوْسُفَ بْنَ يَعْقُوبَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. وَاللَّهِ لَأُذَرِّيَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامَ أَفْضَلَ مِنْ دُرِّيَّةِ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ، إِنَّ مِنْهُمْ لَمَنْ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ

- 1- تاريخ الطبري : ج 5 ص 475 ، الكامل في التاريخ : ج 2 ص 585 ، البداية والنهاية : ج 8 ص 195 نحوه .
- 2- تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 247 ، فلاح السائل : ص 470 ح 319 ، الملهوف : ص 154 (الهامش عن نسخة من المصدر) ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 201 وفيه «قيل لمحمد بن علي بن الحسين عليهم السلام» ، بحار الأنوار : ج 82 ص 311 ح 17 ؛ العقد الفريد : ج 2 ص 343 .
- 3- مضى علي بن الحسين عليه السلام في عام خمسة و تسعين من الهجرة ، وكان مولد جعفر بن محمد عليه السلام سنة ثلاث وثمانين من الهجرة ، فكان مقامه مع جدّه اثنتي عشرة سنة (راجع : تاريخ أهل بيت عليهم السلام : ص 77 و 81 ؟؟؟؟) .
- 4- دأب في العمل : إذا جدّ وتعب (النهاية : ج 2 ص 95 «دأب»).
- 5- المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 155 عن معتب ، بحار الأنوار : ج 46 ص 91 ح 78 .
- 6- الكافي : ج 8 ص 163 ح 172 عن سلمة بن يساف السابريّ وحفص بن البختري عبد الرحمن بن الحجاج ، وسائل الشيعة : ج 1 ص 63 ح 200 ، وراجع : المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 20 .
- 7- إضافة من عندنا يقتضيها السياق .
- 8- أي عمل في هلاكك (أنظر : لسان العرب : ج 7 ص 338 «شيط»).
- 9- اللأواء : المشقة والشدة (لسان العرب : ج 15 ص 238 «لأي»).
- 10- الأماشي للطوسي : ص 636 ح 1314 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 148 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، بشارة المصطفى : ص 66 عن عمر بن عبد الله بن هند الجمليّ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 46 ص 60 ح 18 .

تاریخ الطبری_ به نقل از عبد الله بن زبیر ، چون خبر شهادت امام حسین علیه السلام را شنید _ :هان! به خدا سوگند ، او را کشتند ؛ کسی را که در شب ، زمانی دراز به عبادت می ایستاد و در روز ، فراوان روزه می گرفت!

تاریخ یعقوبی :به علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام گفته شد : فرزندان پدر تو، چه اندک اند! فرمود : «شگفت از آن که خود من، چگونه برای او زاده شدم! او در شبانه روز ، هزار رکعت نماز می گزارد . پس کی به زنان می رسید؟!» .

امام صادق علیه السلام :علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام در عبادت ، سختکوش بود ، روزش را روزه می داشت و شش را به عبادت می ایستاد . پس این کار به پیکر او آسیب رساند . به او گفتم : ای پدر! این همه تلاش برای چه؟ فرمود : «به درگاه خدایم اظهار محبت می کنم . شاید مرا به خود، نزدیک کند» .

امام صادق علیه السلام :علی بن الحسین علیه السلام هنگامی که کتاب علی علیه السلام را ستاند ، در آن نگریست و فرمود : «چه کسی چنین توانی دارد؟ چه کسی چنین توانی دارد؟» . علی بن الحسین علیه السلام از آن پس پیدان عمل می کرد و هر گاه برای نماز بر می خاست ، رنگش دگرگون می شد تا آن جا که در چهره اش نمایان می گشت و هیچ کس در میان فرزندان علی علیه السلام ، جز علی بن الحسین علیه السلام توان عمل او را نداشت .

الأمالی، طوسی_ به نقل از عمرو بن عبد الله بن هند جملی، در باره امام باقر علیه السلام _ :چون فاطمه دختر علی بن ابی طالب علیه السلام ، سختکوشی پسر برادرش علی بن الحسین علیه السلام را در عبادت دید ، نزد جابر بن عبد الله بن عمرو بن حزام انصاری آمد و به او گفت : ای صحابی پیامبر خدا! ما بر شما حقوقی داریم و از حق ما بر شما این است که هر گاه شما یکی از ما را دیدید که با سختکوشی ، خود را نابود می کند ، خدا را به او یاد آورید و از او بخواهید جانش را حفظ کند . این ، علی بن الحسین است که از سختکوشی در عبادت ، بینی اش ترک برداشته و پیشانی و زانوان و دو کف دستش پینه بسته است . جابر بن عبد الله به در خانه علی بن الحسین علیه السلام رفت و بر کنار در ، امام باقر را در میان جمعی نوجوان از بنی هاشم دید که در آن جا گرد آمده بودند . جابر در حالی که به آن سو می رفت ، بدو نگریست و گفت : این راه رفتن و خوی پیامبر خداست . ای نوجوان! تو کیستی؟ فرمود : «من محمد بن علی بن الحسین هستم» . جابر بن عبد الله گریست و آن گاه گفت : به خدا ، تو به حق ، شکافنده علم هستی . نزدیک من آی ، پدرم و مادرم فدای تو باد! امام علیه السلام نزدیک او رفت . جابر جامه اش را گشود و دست ایشان را بر سینه اش گذاشت و آن را بوسید و چهره اش را بر دست و چهره امام علیه السلام نهاد و به ایشان گفت : سلام نیایت ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به تو می رسانم . او به من دستور داده است که سلامش را به تو برسانم . پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : «باشد که تو آن قدر زندگی کنی و باقی باشی تا فرزندی از فرزندان مرا دیدار کنی که نامش محمد است و علم را به کمال می شکافد» . پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : «تو آن قدر زنده خواهی ماند که کور شوی و سپس نور به دیدگانت باز گردد» . امام باقر علیه السلام فرمود : «او به من گفت : از پدرت اجازه بگیر تا به دیدارش روم» . امام باقر علیه السلام بر پدرش وارد شد و او را آگاه کرد و فرمود : پیرمردی بر در خانه است که با من چنین و چنان کرد . امام [زین العابدین] علیه السلام فرمود : «فرزندم! او جابر بن عبد الله است» و سپس فرمود : «آیا او از میان کودکان خویشانت، تنها به تو چنین گفت و با تو چنین کرد؟» . امام باقر علیه السلام فرمود : «آری» . [امام زین العابدین علیه السلام فرمود :] «ما از آن خداییم . او قصد سویی به تو نکرده است ؛ اما [به سبب شناساندن ارج تو] در خون تو کوشیده است» . امام زین العابدین علیه السلام به جابر اجازه داد. او وارد شد و امام علیه السلام را در محرابش دید که عبادت ، او را فرسوده است . امام علیه السلام برخاست و با گرمی از حال او پرسش کرد و او را در کنار

خود نشانند . جابر به ایشان روی کرد و گفت : ای فرزند پیامبر خدا! آیا نمی دانید که خداوند ، بهشت را برای شما و دوستداران شما آفریده و آتش را برای بدخواهان و دشمنان شما خلق کرده است؟! پس این همه تلاش که خود را بدان ملزم کرده ای ، چیست؟ امام زین العابدین علیه السلام به او فرمود : «ای صحابی پیامبر خدا! آیا نمی دانی که خداوند، گناهان گذشته و آینده نیای مرا بخشوده بود ؛ ولی پیامبر صلی الله علیه و آله ، سختکوشی در راه خدا را کنار نهاد و همچنان عبادتش می کرد _ پدر و مادرم فدای او باد _ تا آن که ساق و کف پاهایش ورم کرد؟ به ایشان صلی الله علیه و آله گفته شد : آیا چنین می کنی و حال آن که خداوند ، گناهان گذشته و آینده ات را بخشوده است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ فرمود : آیا بنده ای شکرگزار نباشم؟! ». چون جابر به امام زین العابدین علیه السلام نگریست و دید که سخن او در منصرف کردن امام از سختکوشی و اعمال طاقت فرسا و راضی کردن ایشان به میانه روی سودی ندارد ، به ایشان گفت : ای فرزند پیامبر خدا! خود را حفظ کن که تو از خاندانی هستی که در پرتو وجود آنها بلا دفع می شود و سختی [و مشقت] برطرف می گردد و آسمان از برای ایشان باران می بارد . امام علیه السلام فرمود : «ای جابر! من همچنان بر شیوه پدر و نیای خود خواهم بود و آن دو _ که دروذهای خدا بر آن دو باد _ را الگوی خود می دانم تا دیدارشان کنم». جابر ، روی به حاضران کرد و گفت : به خدا سوگند ، من در میان فرزندان پیامبران ، همچون علی بن الحسین (زین العابدین) ندیده ام ، مگر یوسف بن یعقوب علیه السلام . به خدا سوگند ، ذریه علی بن الحسین علیه السلام از ذریه یوسف بن یعقوب برترند . از آنهاست کسی که زمین را از داد می آکند ، آن گونه که از ستم آکنده شده است .

الإمام الصادق عليه السلام: كان أبي رضى الله عنه يُصَلِّي في جَوْفِ اللَّيْلِ ، فَيَسْجُدُ السَّجْدَةَ فَيُطِيلُ حَتَّى نَقُولُ : إِنَّهُ رَاقِدٌ . (1)

1- .قرب الإسناد : ص 5 ح 15 عن مسعدة بن صدقة ، بحار الأنوار : ج 87 ص 197 ح 4 .

امام صادق علیه السلام: پدرم در دل شب، نماز می گزارد و آن قدر، سجده را طولانی می گرداند که ما گمان می کردیم خوابیده است .

عنه عليه السلام: إِنِّي كُنْتُ أُمَهِّدُ لِأَبِي فِرَاشَهُ فَآنْتَظِرُهُ حَتَّى يَأْتِي ، فَإِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ وَنَامَ قُمْتُ إِلَى فِرَاشِي . وَإِنَّهُ أَبْطَأَ عَلَيَّ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَأَتَيْتُ الْمَسْجِدَ فِي طَلَبِهِ ، وَذَلِكَ بَعْدَ مَا هَدَى النَّاسُ ، فَإِذَا هُوَ فِي الْمَسْجِدِ سَاجِدٌ وَلَيْسَ فِي الْمَسْجِدِ غَيْرُهُ ، فَسَمِعْتُ حَنِينَهُ وَهُوَ يَقُولُ : سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ! أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا ، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعْبُدًا وَرِقًّا ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي ، اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ ، وَتُبِّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ . (1)

عنه عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرَ الذِّكْرِ ، لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ ، وَأَكُلُ مَعَهُ الطَّعَامَ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ ، وَلَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَمَا يَشْغَلُهُ ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ، وَكُنْتُ أَرَى لِسَانَهُ لَا زِقًا بِحَنِكَهٍ يَقُولُ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ، وَكَانَ يَجْمَعُنَا فَيَأْمُرُنَا بِالذِّكْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ، وَيَأْمُرُ بِالْقِرَاءَةِ مَنْ كَانَ يَقْرَأُ مِتًّا ، وَمَنْ كَانَ لَا يَقْرَأُ مِتًّا أَمَرَهُ بِالذِّكْرِ . (2)

تهذيب الكمال عن يحيى بن الحسن العلوي: كَانَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُدْعَى الْعَبْدَ الصَّالِحَ مِنْ عِبَادَتِهِ وَاجْتِهَادِهِ . رَوَى أَصْحَابُنَا أَنَّهُ دَخَلَ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَجَدَ سَجْدَةً فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ ، فَسَمِعَ وَهُوَ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ : «عَظَمَ الذَّنْبُ عِنْدِي فَلِيحْسُنِ الْعَفْوِ مِنْ عِنْدِكَ ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ» ، فَجَعَلَ يَرُدُّدُهَا حَتَّى أَصْبَحَ . (3)

الكافي عن حفص: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشَدَّ خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا أَرْجَى النَّاسِ مِنْهُ ، وَكَانَتْ قِرَاءَتُهُ حُزْنًا ، فَإِذَا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ يُخَاطِبُ إِنْسَانًا . (4)

1- الكافي: ج 3 ص 323 ح 9 عن إسحاق بن عمار، بحار الأنوار: ج 46 ص 301 ح 45 .

2- الكافي: ج 2 ص 499 ح 1 ، عدّة الداعي: ص 233 كلاهما عن ابن القدّاح، بحار الأنوار: ج 46 ص 297 ح 29 .

3- تهذيب الكمال: ج 29 ص 44 الرقم 6247 ، تاريخ بغداد: ج 13 ص 27 الرقم 6987 ، سير أعلام النبلاء: ج 6 ص 271 الرقم 118 ؛ دلائل الإمامة: ص 310 ذيل ح 260 وفيه «الذنب من عبدك» بدل «الذنب عندي» وراجع: المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 318 .

4- الكافي: ج 2 ص 606 ح 10 ، بحار الأنوار: ج 48 ص 111 ح 18 .

امام صادق علیه السلام: من بستر پدرم را می گستردم و منتظر آمدنش می ماندم . پس هر گاه در بسترش جای می گرفت و می خوابید ، من نیز به بستر خود می رفتم . شبی او دیر کرد و من در جستجوی او به مسجد رفتم و این، در حالی بود که مردم خوابیده بودند . ناگاه او را در مسجد یافتم که به سجده رفته و در مسجد کسی جز او نبود . ناله او را شنیدم که می گفت : «پاك هستی بار الها! بی شك و تردید ، تو خدای پاك منی . خدایا! در برابر تو از سرِ تعبّد و بندگی، به سجده افتاده ام . خدایا! عمل من، ناچیز است . پس آن را برای من دو چندان کن! خدایا! مرا از عذابِ روزی که بندگان را بر می انگیزی ، حفظ کن ، و توبه ام را بپذیر که تو توبه پذیر و مهرورزی» .

امام صادق علیه السلام: پدرم فراوان ذکر می گفت . من با او راه می رفتم ، در حالی که او ذکر خدا بر لب داشت و با او غذا می خوردم ، در حالی که او خدا را یاد می آورد . او با مردم سخن می گفت و این هم ، او را از ذکر خدا، باز نمی داشت . زبان او را می دیدم که از ذکر «لا إله إلا الله» ، به سقف دهانش چسبیده بود . او ما را گرد می آورد و از ما می خواست تا بر آمدن آفتاب، ذکر بگوییم . هر که را از ما [که می توانست] قرائت کند ، دستور قرائت قرآن می داد و به هر که قرائت نمی کرد ، دستور ذکر می داد .

تهذیب الکمال_ به نقل از یحیی بن حسن علوی _ : امام کاظم علیه السلام به سبب عبادت و سختکوشی ، «عبد صالح» نامیده می شد . اصحاب ما روایت کرده اند که ایشان داخل مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شد و در آغاز شب ، سجده ای کرد و شنیده می شد که در سجده اش می فرمود : «گناه من، بزرگ گشته است . پس گذشت تو باید نیکو گردد ، ای اهل تقوا و ای اهل گذشت!» . ایشان این جمله را آن قدر تکرار کرد تا صبح شد .

الکافی_ به نقل از حفص _ : من هیچ کس را ندیدم که از امام کاظم علیه السلام بر خویش هراسان تر باشد و در میان مردم از او امیدوارتر هم ندیدم . تلاوت قرآن او، با اندوه همراه بود و هر گاه قرآن تلاوت می کرد ، گویی با انسانی سخن می گفت .

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن الثوباني: كانت لأبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام، بضع عشرة سنة، كل يوم سجدة بعد انقضاء الشمس إلى وقت الزوال، فكان هارون رُبما صعد سطحاً يشرف منه على الحبس الذي حبس فيه أبا الحسن عليه السلام، فكان يرى أبا الحسن عليه السلام ساجداً، فقال للربيع: يا ربيع، ما ذاك الثوب الذي أراه كل يوم في ذلك الموضع؟ فقال: يا أمير المؤمنين، ما ذاك بثوب وإنما هو موسى بن جعفر، له كل يوم سجدة بعد طلوع الشمس إلى وقت الزوال. قال الربيع: فقال لي هارون: أما إن هذا من زهبان بني هاشم. قلت: فما لك قد ضيقت عليه في الحبس؟! قال: هيئات، لا بد من ذلك! (1)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد السلام بن صالح الهروي: حثت إلى باب الدار التي حبس فيها الرضا عليه السلام بسرخس وقد قيّد عليه السلام، فاستأذنت عليه السجان فقال: لا سبيل لك إليه، قلت: ولم؟ قال: لأنه رُبما صلى في يومه وليلته ألف ركعة، وإنما يفتل من صلاته ساعة في صدر النهار وقبل الزوال وعند اصفرار الشمس، فهو في هذه الأوقات قاعد في مُصلاةٍ ويُناجي ربه. (2)

4 / 6 _ 3 صلاتهم رسول الله صلى الله عليه وآله: جعل قرّة عيني في الصلاة. (3)

-
- 1- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 95 ح 14، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 318 عن اليوناني وفيه صدره إلى «بعد انقضاء الشمس إلى وقت الزوال»، بحار الأنوار: ج 48 ص 220 ح 24.
 - 2- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 183 ح 6، بحار الأنوار: ج 49 ص 91 ح 5.
 - 3- الكافي: ج 5 ص 321 ح 7 عن بكار بن كردم عن الإمام الصادق عليه السلام وح 9 عن عمر بن يزيد عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الخصال: ص 165 ح 217 و 218 عن أنس، بحار الأنوار: ج 82 ص 193؛ سنن النسائي: ج 7 ص 62 وفيه «جعلت» بدل «جعل»، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 256 ح 12295، كنز العمال: ج 7 ص 287 ح 18912 نقلاً عن الطبراني والثلاثة الأخيرة عن أنس.

6 / 4 - 3 نماز اهل بیت علیهم السلام

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از ثوبانی_ : امام کاظم علیه السلام بیش از ده سال بود که هر روز ، پس از طلوع خورشید تا وقت زوال به سجده می افتاد . گاهی هارون الرشید به بام می رفت و از آن جا به محبسی مشرف می شد که امام کاظم علیه السلام را در آن زندانی کرده بود و او را در حال سجده می دید . روزی به ربیع گفت : ای ربیع! این جامه ای که همه روزه در آن جا می بینم ، چیست؟ ربیع گفت : یا امیر المؤمنین! این جامه نیست ؛ موسی بن جعفر است که همه روزه پس از طلوع خورشید تا هنگام زوال ، به سجده می افتد . ربیع گفت : هارون به من گفت : این مرد، از راهبان بنی هاشم است . گفتم : پس چرا در زندان ، بر او تنگ می گیری؟ گفت : هیئات! گزیری از این کار نیست .

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از عبد السلام بن صالح هروی _ : در سرخس به در خانه ای رفتم که امام رضا علیه السلام را در آن محبوس کرده و به بندش کشیده بودند . از زندانبان اجازه ورود خواستم . او گفت : نمی توانی او را دیدار کنی . گفتم : چرا؟ گفت : زیرا او گاه ، در شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد . فقط در اول روز و قبل از زوال ظهر و هنگام زردی آفتاب ، ساعتی از نماز دست می کشد و در این هنگام ، در مصلاّی خود نشسته است و با خدایش مناجات می کند .

6 / 4 - 3 نماز اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روشنی دیده من ، در نماز، نهاده شده است .

تاريخ بغداد عن عبد الله بن مسعود: كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يكون ذاكرين إلا كان معهم ، ولا مُصلين (1) إلا كان أكثرهم صلاةً . (2)

المعجم الكبير عن فضالة بن عبيد: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا نزل منزلاً في سفرٍ أو دخل بيته لم يجلس حتى يركع ركعتين . (3)

عدّة الداعي عن عائشة: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يُحدّثنا ونحدّثه ، فإذا حضرت الصلاة فكأنه لم يعرفنا ولم نعرفه . (4)

سنن النسائي عن مطرف عن أبيه: أتيت النبي صلى الله عليه وآله وهو يُصلي ولجوفه أزيزٌ (5) كأزيز المِرْجَلِ . (6)

فلاح السائل عن جعفر بن عليّ القميّ - في كتاب زهد النبي صلى الله عليه وآله - : إنّ النبي صلى الله عليه وآله كان إذا قام إلى الصلاة كأنه ثوبٌ مُلقى . (7)

- 1- في حلية الأولياء : «ذاكرون ... مصلّون» وفي كنز العمال : «في المصلّين ... في الذاكرين» بدل : «ذاكرين ... مصلّين» .
- 2- تاريخ بغداد : ج 10 ص 94 الرقم 5213 ، حلية الأولياء : ج 7 ص 112 الرقم 395 ، تاريخ دمشق : ج 4 ص 153 ، كنز العمال : ج 7 ص 56 ح 17931 .
- 3- المعجم الكبير : ج 18 ص 300 ح 770 ، مسند الشاميين : ج 3 ص 243 ح 2176 ، حلية الأولياء : ج 5 ص 148 الرقم 314 ، سبل الهدى والرشاد : ج 7 ص 423 ، كنز العمال : ج 7 ص 100 ح 18156 .
- 4- عدّة الداعي : ص 139 ، عوالي اللآلي : ج 1 ص 324 ح 61 ، بحار الأنوار : ج 70 ص 400 ح 72 ؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 10 ص 206 عن أم سلمة .
- 5- أزيزٌ : أي خنين من الخوف ، وهو صوت البكاء . وقيل : هو أن يجيش جوفه ويغلي بالبكاء (النهاية : ج 1 ص 45 «أزز») .
- 6- سنن النسائي : ج 3 ص 13 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 500 ح 16317 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 396 ح 971 كلاهما نحوه ؛ الخصال : ص 282 ذيل ح 27 ، الاحتجاج : ج 1 ص 519 عن الإمام عليّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 17 ص 257 ح 4 .
- 7- فلاح السائل : ص 289 ح 183 ، مستدرک الوسائل : ج 4 ص 93 ح 4216 نقلاً عن جعفر بن أحمد القميّ في كتاب زهد النبي صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 84 ص 248 ح 39 وراجع : المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 265 ح 3303 .

تاریخ بغداد_ به نقل از عبد الله بن مسعود _ ذکر گویانی نبودند ، مگر آن که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم همراه آنها بود و نمازگزارانی نبودند ، مگر آن که پیامبر صلی الله علیه و آله در میان آنان بیش از همه نماز می گزارد .

المعجم الكبير_ به نقل از فضالة بن عبید _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه در سفر به سرایی در می آمد یا به خانه خود وارد می شد ، نمی نشست ، مگر آن که دو رکعت نماز می گزارد .

عدّة الداعی_ به نقل از عایشه _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با ما سخن می گفت و ما نیز با او سخن می گفتیم ؛ ولی همین که هنگام نماز می رسید ، دیگر گویی نه او ما را می شناخت و نه ما او را می شناختیم . (1)

سنن النسائی_ به نقل از مطرف، از پدرش _ خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم ، در حالی که مشغول نماز بود و درونش چونان دیگی در جوش بود .

فلاح السائل_ به نقل از جعفر بن علی قمی، در کتاب زهد النبی صلی الله علیه و آله _ پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه برای نماز بر می خاست ، گویی جامه ای بود که در گوشه ای افکنده بودند .

1- در عوالی اللالی ، در پایان حدیث آمده است : از همه چیز بریده بود و تنها به خدا مشغول بود .

الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله: كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يؤخر الصلاة لطعام ولا لغيره. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يؤثر على صلاة المغرب شيئاً إذا غربت الشمس حتى يصلّيها (2). (3)

مسند ابن حنبل عن مطرف بن عبد الله بن الشخير: صدّ لئيت أنا وعمران بن حصّين بالكوفة خلف علي بن أبي طالب، فكبر بنا هذا التكبير حين يركع وحين يسجد، فكبره كلّه، فلما انصرفتنا قال لي عمران: ما صدّ لئيت منذ حين - أوقال: منذ كذا وكذا - أشبه بصلاة رسول الله صلى الله عليه وآله من هذه الصلاة؛ يعني صلاة علي عليه السلام. (4)

كشف اليقين: كان [الإمام علي عليه السلام] يوماً في حربٍ صيفينٍ مُشتغلاً بالحربِ والقتالِ، وكان مع ذلك بين الصّفين يراقبُ الشمسَ، فقال له ابنُ عباسٍ: يا أمير المؤمنين، ما هذا الفعل؟ فقال أنظر إلى الرّوالِ حتّى نصّ لي، فقال له ابنُ عباسٍ: هل هذا وقتُ (ال) صلاة؟! إنَّ عندنا لشغلاً بالقتالِ عن الصلاة! فقال له عليه السلام: فعلى ما نُقاتلهم؟! إنّما نُقاتلهم على الصلاة. (5)

- 1- السنن الكبرى: ج 3 ص 105 ح 5043، سنن أبي داود: ج 3 ص 345 ح 3758 وفيه «قال ... لا تؤخر» بدل «كان ... يؤخر»، سنن الدار قطني: ج 1 ص 260 ح 12، تهذيب الكمال: ج 26 ص 543 الرقم 5650 كلّها عن محمد بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن جابر، سبل الهدى والرشاد: ج 8 ص 76، كنز العمال: ج 7 ص 521 ح 20056.
- 2- في المصدر «يصلّيها»، والصحيح ما أثبتناه.
- 3- علل الشرائع: ص 350 ح 5 عن ليث، بحار الأنوار: ج 83 ص 66 ح 31، وراجع: تنبيه الخواطر: ج 2 ص 78.
- 4- مسند ابن حنبل: ج 7 ص 200 ح 19881، المعجم الكبير: ج 18 ص 117 ح 230 نحوه، المصنّف لعبد الرزاق: ج 2 ص 63 ح 2498، فتح الباري: ج 2 ص 271 ح 786، عمدة القاري: ج 6 ص 59 كلاهما نحوه.
- 5- كشف اليقين: ص 144 ح 140، منهاج الكرامة: ص 161، نهج الحق: ص 247 كلاهما نحوه، إرشاد القلوب: ص 217، بحار الأنوار: ج 83 ص 23 ح 43.

امام باقر علیه السلام_ به نقل از جابر بن عبد الله _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز را نه برای غذا و نه برای چیز دیگری به تأخیر نمی انداخت .

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که خورشید غروب می کرد ، هیچ چیز را بر نماز مغرب ترجیح نمی داد تا آن که آن را به جای می آورد .

مسند ابن حنبل_ به نقل از مطرف بن عبد الله بن شحیر _ : من و عمران بن حصین ، پشت سر علی بن ابی طالب علیه السلام در کوفه نماز گزاردیم . ایشان هنگام رکوع و سجود و همواره در طول نماز ، چنان تکبیرهایی می گفت که چون باز گشتیم ، عمران گفت : از مدت ها پیش _ یا گفت : از فلان وقت _ نمازی نخوانده بودم که از این نماز _ یعنی نماز علی علیه السلام _ به نماز پیامبر صلی الله علیه و آله ، شبیه تر باشد .

کشف الیقین : [امام علی علیه السلام] در جنگ صفین که به جنگ و نبرد مشغول بود ، در میانه جنگ ، خورشید را زیر نظر داشت . ابن عباس به او گفت : یا امیر مؤمنان! چه می کنی؟ فرمود : «می نگرم که چه هنگام ، زوال ظهر می شود تا نماز بگذاریم» . ابن عباس به ایشان گفت : آیا حالا_ وقت نماز است؟! جنگ ، ما را از نماز باز داشته است . فرمود : «ما چرا با آنها می جنگیم؟! ستیز ما با آنها بر سر نماز است» .

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْكَعُ فَيَسِيلُ عَرْقَهُ حَتَّى يَطَأَ فِي عَرْقِهِ مِنْ طَوْلِ قِيَامِهِ . (1)

المناقب لابن شهر آشوب: روي أَنَّهُ كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَضَرَهُ وَقْتُ الصَّلَاةِ تَلَوْنَ وَتَزَلَزَلَ ، فَقِيلَ لَهُ : مَا لَكَ ؟ فَيَقُولُ : جَاءَ وَقْتُ أَمَانَةِ عَرَضَهَا اللَّهُ تَعَالَى عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَـأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ، فِي ضَعْفِي ، فَلَا أُدْرِي أَحْسِنُ إِذَا مَا حَمَلْتُ أَمْ لَا . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ ... مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ ، زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ ، وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ : يَا مَلَائِكَتِي ، أَنْظِرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي قَائِمَةَ بَيْنَ يَدَيَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِضَهَا مِنْ خِيفَتِي ، وَقَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي . (3)

عدّة الدّاعي: كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنْهَجُ فِي الصَّلَاةِ مِنْ خِيفَةِ اللَّهِ تَعَالَى . (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ ، وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ مَاشِيًا ، وَرُبَّمَا مَشَى حَافِيًا ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ الْبَعْثَ وَالنُّشُورَ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى ، وَإِذَا ذَكَرَ الْعَرَضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ شَدَّ هَقَّ شَدَّ هَقَّةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا ، وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَي رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ ، وَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ . وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا» إِلَّا قَالَ : «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» ، وَلَمْ يُرَفِ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْوَالِهِ إِلَّا ذَاكِرًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ . (5)

- 1- فلاح السائل: ص 213 ح 123 ، مستدرک الوسائل: ج 4 ص 440 ح 5114 نقلًا عن أبي جعفر بن بابويه في كتاب «زهد مولانا علي بن أبي طالب عليه السلام» وكلاهما عن أبي الصباح ، بحار الأنوار: ج 85 ص 110 ح 20 .
- 2- المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 124 ، عوالي اللآلي: ج 1 ص 324 ح 62 نحوه وليس فيه ذيله من «وحملها الإنسان» ، بحار الأنوار: ج 41 ص 17 ح 10 .
- 3- الأُمالي للصدوق: ص 175 ح 178 ، الفضائل: ص 9 ، بشارة المصطفى: ص 198 كلاهما نحوه وكلّها عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار: ج 28 ص 38 ح 1 .
- 4- عدّة الدّاعي: ص 139 ، أعلام الدين: ص 247 ، بحار الأنوار: ج 70 ص 400 ح 72 .
- 5- الأُمالي للصدوق: ص 244 ح 262 ، فلاح السائل: ص 469 ح 318 ، عدّة الدّاعي: ص 139 وليس فيه ذيله من «وكان عليه السلام لا يقرأ» وكلّها عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار: ج 43 ص 331 ح 1 .

امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام آن قدر رکوع خود را ادامه می داد که عرقش روان می شد، تا جایی که در عرق خود، گام می نهاد.

المناقب، ابن شهر آشوب: روایت شده است: هنگامی که وقت نماز می رسید، رنگ علی علیه السلام دگرگون می شد و به لرزه می افتاد. به ایشان گفته شد: تو را چه می شود؟ فرمود: «هنگام [ادای] امانتی رسیده است که خداوند متعال، آن را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کرد و آنها از به دوش کشیدنش ابا ورزیدند و آدمی، آن را به دوش کشید و من با ناتوانی ام نمی دانم که آیا می توانم این بار را به خوبی حمل کنم یا نه».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اما دخترم فاطمه... آن گاه که در محرابش در برابر خداوند جلیل خود می ایستد، نور او برای فرشتگان آسمان، چنان پیدا بود که درخشش اختران برای زمینیان پیداست و خداوند، به فرشتگانش می فرماید: ای فرشتگان من! به کنیزم فاطمه، سرور کنیزان من، بنگرید که چگونه در برابر من ایستاده، شانه هایش از بیم من، به لرزه افتاده و از صمیم دل، به عبادت من روی آورده است.

عدّة الداعی: فاطمه علیها السلام در نماز، از ترس خدای متعال، نفس نفس می زد.

امام زین العابدین علیه السلام: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان خود، از همه عابدتر، زاهدتر و بافضلیت تر بود و هر گاه حج می رفت، پیاده و چه بسا پابرهنه می رفت و هر گاه مرگ و گور را به خاطر می آورد، می گریست و هر گاه رستاخیز و زنده شدن را از نظر می گذراند، اشک از دیده می ریخت و هر گاه گذر از صراط را در اندیشه می آورد، گریان می شد و هر گاه عرضه [اعمال] را به خدای متعال به یاد می آورد، فریادی می کشید که از آن، بیهوش می شد و هر گاه به نماز بر می خاست، شانه هایش در برابر خداوند عز و جل، به لرزه می افتاد و هر گاه بهشت و دوزخ را به یاد می آورد، چونان ماژ گزیده، بی تابی می کرد و از خداوند متعال، بهشت را طلب می کرد و از آتش دوزخ به او پناه می بُرد. او هر گاه عبارت: «ای کسانی که ایمان آورده اید!» را از قرآن می خواند، می گفت: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» و در هیچ حالی دیده نشد، مگر آن که خداوند سبحان را ذکر می گفت.

عنه عليه السلام: كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي ، فَمَرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ رَجُلٌ فَنَهَاهُ بَعْضُ جُلَسَائِهِ ، فَلَمَّا انصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ قَالَ لَهُ : لِمَ نَهَيْتَ الرَّجُلَ ؟ قَالَ : يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، حَظَرَ (1) فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْمُحْرَابِ ، فَقَالَ : وَيْحَكَ ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يَحْظَرَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ أَحَدٌ . (2)

جامع الأخبار: كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَضَّأَ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ وَارْتَعَدَتِ مَفَاصِلُهُ ، فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ ، فَقَالَ : حَقٌّ لِمَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ أَنْ يَصْفَرَ لَوْنُهُ وَتَرْتَعَدَ مَفَاصِلُهُ . (3)

1- الحَظْرُ: المنع (مجمع البحرين: ج 1 ص 424 «حظر»).

2- التوحيد: ص 184 ح 22 عن منيف عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 3 ص 329 ح 30.

3- جامع الأخبار: ص 166 ح 397، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 14، مستدرک الوسائل: ج 1 ص 354 ح 830 نقلاً عن ابن طاووس في كتاب فلاح السائل وفيهما «الحسن بن علي عليه السلام» بدل «الحسين بن علي عليه السلام»، بحار الأنوار: ج 43 ص 339 ح 13.

امام زین العابدین علیه السلام: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام نماز می گزارد که مردی از برابر ایشان گذشت . یکی از هم نشینانش او را از این کار نهی کرد . چون امام علیه السلام از نمازش فارغ شد ، به آن مرد فرمود : «چرا او را باز داشتی؟». گفت : ای پسر پیامبر خدا! او میان شما و محراب حایل شد . امام علیه السلام فرمود : «وای بر تو! خداوند عز و جل به من نزدیک تر از آن است که کسی بتواند میان من و او حایل شود» .

جامع الأخبار: حسین بن علی علیه السلام هر گاه وضو می گرفت ، رنگش تغییر می کرد و بندهای بدنش به لرزه می افتاد . سبب را از ایشان جویا شدند . فرمود : «حق است بر کسی که در برابر خداوند جبار می ایستد ، رنگش زرد شود و بندهایش به لرزه افتند» .

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلِيٍّ بِنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ بِشَعْرَتِ جِلْدِهِ، وَيَصْفَرُّ لَوْنُهُ، وَتَرْتَعِدُ فَرَائِصُهُ (1)، وَيَقِفُ شَعْرَهُ، وَيَقُولُ وَدُمُوعُهُ تَجْرِي عَلَى خَدَّيْهِ: لَوْ عَلِمَ الْعَبْدُ مَنْ يُنَاجِي مَا انْفَتَلَ (2). (3)

الإرشاد عن عبد الله بن محمد القرشي: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَضَّأَ اصْفَرَ لَوْنُهُ، فَيَقُولُ لَهُ أَهْلُهُ: مَا هَذَا الَّذِي يَعْشَاكَ؟ فَيَقُولُ: أَتَدْرِي لِمَنْ أَتَاهَبُ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ؟! (4)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ سَاقُ شَجَرَةٍ، لَا يَتَحَرَّكُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا حَرَّكَهُ الرِّيحُ مِنْهُ. (5)

علل الشرائع عن أبان بن تغلب: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ غَشِيَ لَوْنُهُ لَوْنٌ آخَرَ! فَقَالَ لِي: وَاللَّهِ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَانَ يَعْرِفُ الَّذِي يَقُومُ بَيْنَ يَدَيْهِ. (6)

1- الفريضة: لحمة عند نغض الكتف في وسط الجنب عند منبض القلب، وهما فريستان ترتعدان عند الفزع (لسان العرب: ج 7 ص 64 «فرص»).

2- انفتل فلان عن صلاته: أي انصرف، ولفت فلاناً عن رأيه وقتله أي صرفه ولواه، وقتله عن وجهه فانفتل: أي صرفه فانصرف (لسان العرب: ج 11 ص 514 «فتل»).

3- مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي: ج 2 ص 124 عن سدير؛ فلاح السائل: ص 203 ح 117 عن عبد الله بن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه ذيله من «ويقف شعره»، بحار الأنوار: ج 46 ص 55 ح 4.

4- الإرشاد: ج 2 ص 142، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 97 ح 2277، إعلام الوری: ج 1 ص 488، بحار الأنوار: ج 46 ص 74 ح 61؛ تهذيب الكمال: ج 20 ص 390 الرقم 4050 عن عبد الرحمن بن حفص القرشي، تاريخ دمشق: ج 41 ص 378 عن عبد الرحمن بن جعفر الهاشمي.

5- الكافي: ج 3 ص 300 ح 4، فلاح السائل: ص 290 ح 185 كلاهما عن جهم بن حميد، بحار الأنوار: ج 46 ص 64 ح 22.

6- علل الشرائع: ص 231 ح 7، بحار الأنوار: ج 46 ص 66 ح 30، وراجع: الخصال: ص 517 ح 4.

امام باقر علیه السلام: پدرم علی بن الحسین علیه السلام به هنگام نماز، پوست بدنش می ترنجید و رنگش زرد می شد و شانه هایش به لرزه می افتاد و موی بر تنش راست می شد و در حالی که اشکش بر گونه روان بود، می فرمود: «اگر بنده می دانست با که مناجات می کند، از نماز دست نمی کشید» .

الإرشاد_ به نقل از عبد الله بن محمد قرشی _ : امام زین العابدین علیه السلام هر گاه وضو می گرفت، رنگش زرد می گشت . خانواده اش به ایشان می گفتند : این، چه حالی است که شما را در بر می گیرد؟ می فرمود : «آیا می دانی آماده ایستادن در برابر چه کسی می گردم؟» .

امام صادق علیه السلام: پدرم علیه السلام می فرمود: هر گاه علی بن الحسین _ که دروذهای خدا بر آن دو باد _ به نماز بر می خاست، گویی ساقه درختی بود؛ چیزی از آن حرکت نمی کرد، مگر آنچه باد آن را به حرکت در می آورد» .

علل الشرائع_ به نقل از ابان بن تغلب _ : به امام صادق علیه السلام گفتم: علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام را دیدم که هنگام ایستادن به نماز، رنگش دگرگون می گشت . امام صادق علیه السلام به من فرمود: «به خدا سوگند، علی بن الحسین علیه السلام می دانست در برابر چه کسی ایستاده است» .

فلاح السائل عن أبي أيوب: كان أبو جعفر وأبو عبد الله عليهما السلام إذا قاما إلى الصلاة تغيرت ألوانهما حمرةً ومرةً صفرةً، وكانما يناجيان شيئاً يريانه. (1)

الأصول الستة عشر عن جابر الجعفي عن الإمام الصادق عليه السلام: لقد صلى أبو جعفر عليه السلام ذات يوم فوق على رأسه شيء، فلم ينزعه من رأسه حتى قام إليه جعفر فنزعه (2) من رأسه، تعظيماً لله وإقبالاً على صلواته، وهو قول الله: «أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (3). (4)

فلاح السائل: زوي أن مولانا جعفر بن محمد الصادق عليه السلام كان يتلو القرآن في صلاته فغشي عليه، فلما أفاق سئل: ما الذي أوجب ما انتهت حالك إليه؟ فقال ما معناه: ما زلت أكرّر آيات القرآن حتى بلغت إلى حالٍ كائني سمعتها مشافهةً ممن أنزلها على المكاشفة والعيان، فلم تقم القوة البشرية بمكاشفة الجلالة الإلهية. (5)

4 / 6_ 4صلاَتُهُمْ بِاللَّيْلِ إِمَامُ الْبَاقِرِ وَالْإِمَامُ الْصَادِقُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ_ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ» (6)_ : إِنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، فَيَنْظُرُ فِي آفَاقِ السَّمَاءِ وَيَقْرَأُ الْخَمْسَ مِنْ آلِ عِمْرَانَ ، الَّتِي آخَرُهَا : «إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (7) ، ثُمَّ يَفْتَتِحُ صَلَاةَ اللَّيْلِ . (8)

1- فلاح السائل: ص 290 ح 186 ، دعائم الإسلام: ج 1 ص 159 ، بحار الأنوار: ج 84 ص 248 ح 39 .

2- كذا في المتن والصحيح: «حتى قُمتُ إليه فنزعه» .

3- يونس: 105 .

4- الأصول الستة عشر: ص 231 ح 263 ، بحار الأنوار: ج 84 ص 253 ح 48 .

5- فلاح السائل: ص 210 ح 121 ، بحار الأنوار: ج 47 ص 58 ح 108 .

6- الطور: 49 .

7- آل عمران: 194 .

8- مجمع البيان: ج 9 ص 257 عن زرارة وحرمان ومحمد بن مسلم ، عوالي اللآلي: ج 2 ص 26 ح 62 ، بحار الأنوار: ج 82 ص

6 / 4 - 4 نماز شب اهل بیت علیهم السلام

فلاح السائل_ به نقل از ابو ایوب _ : امام باقر و امام صادق علیهما السلام هر گاه به نماز می ایستادند ، رنگشان گاهی سرخ می شد و گاهی زرد و گویی با چیزی گفتگو می کنند که آن را می بینند .

الأصول الستة عشر_ به نقل از جابر جعفی ، از امام صادق علیه السلام _ : روزی [پدرم] باقر علیه السلام نماز می گزارد که چیزی روی سرش افتاد . ایشان آن را از سرش برداشت ، تا آن که رفت _ [م] و آن را از سر مبارك ایشان برداشت _ [م] . این (آرامش و بی توجهی به اطراف) ، برای بزرگداشت مقام خداوند و توجه به نمازش بود و این ، همان سخن پروردگار است : «به این دین ، با گرایش تمام به حق ، روی آور» .

فلاح السائل : روایت شده است که سرور ما امام جعفر صادق علیه السلام در نماز خود ، قرآن تلاوت می کرد که بیهوش شد و چون به هوش آمد ، از ایشان پرسیده شد : چه چیز ، حال شما را چنین کرد؟ ایشان سخنی فرمود که مفهومی چنین بود : «همچنان آیات قرآن را تکرار می کردم که به حالی رسیدم که گویی به مکاشفه و بالعیان ، آن را از زبان کسی می شنیدم که نازلش کرده است . پس قدرت بشری ، توان تحمّل مکاشفه هیبت الهی را نداشت» .

4 / 6 - 4 نماز شب اهل بیت علیهم السلام امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام_ در باره این سخن خداوند متعال : «و در پاره ای از شب و به هنگام ناپدید شدن ستارگان ، تسبیح گوی» _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شبانه سه بار بر می خاست و در افق های آسمان می نگریست و پنج آیه از سوره آل عمران تلاوت می کرد که پایان آن ، «به راستی که تو خلف وعده نمی کنی» است و سپس نماز شب را آغاز می کرد .

صحيح مسلم عن عائشة: كان [رسول الله صلى الله عليه وآله] ينام أول الليل ويحيي آخره. (1)

سنن أبي داود عن عائشة: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان لا يدعه [قيام الليل] وكان إذا مرض أو كسل صلى قاعدا. (2)

تفسير الطبري عن مجاهد: ذكر رسول الله صلى الله عليه وآله قيام الليل ففاضت عيناه حتى تحادرت دموعه، فقال: «تتجافي جنوبهم عن المضاجع» (3). (4)

سنن أبي داود عن عبد الله بن عباس: بث ليلة عند النبي صلى الله عليه وآله، فلما استيقظ من منامه أتى طهوره فأخذ سواكه فاستاك، ثم تلا هذه الآيات: «(إن في خلق السموات والأرض واختلاف الليل والنهار لآيات لأولي الأبصار)» (5) حتى قارب أن يختم السورة أو ختمها، ثم توضأ فأتى مصلاة فصلى ركعتين، ثم رجع إلى فراشه فنام ما شاء الله، ثم استيقظ ففعل مثل ذلك، ثم رجع إلى فراشه فنام، ثم استيقظ ففعل مثل ذلك، ثم رجع إلى فراشه فنام، ثم استيقظ ففعل مثل ذلك، كل ذلك يستاك ويصلي ركعتين، ثم أوتر. (6)

الإمام الصادق عليه السلام - وذكر صلاة النبي صلى الله عليه وآله - كان يؤتى بطهور فيخمر عند رأسه، ويضع سواكه تحت فراشه، ثم ينام ما شاء الله، فإذا استيقظ جلس، ثم قلب بصره في السماء، ثم تلا الآيات من آل عمران: «(إن في خلق السموات والأرض واختلاف الليل والنهار...)»، ثم يستن ويتطهر، ثم يقوم إلى المسجد فيركع أربع ركعات، على قدر قراءته ركوعه، وسجوده على قدر ركوعه، يركع حتى يقال: متى يرفع رأسه؟! ويسجد حتى يقال: متى يرفع رأسه؟! ثم يعود إلى فراشه فينام ما شاء الله، ثم يستيقظ فيجلس، فيتلو الآيات من آل عمران، ويقلب بصره في السماء، ثم يستن ويتطهر، ويقوم إلى المسجد فيصلي أربع ركعات كما ركع قبل ذلك، ثم يعود إلى فراشه فينام ما شاء الله، ثم يستيقظ فيجلس فيتلو الآيات من آل عمران ويقلب بصره في السماء، ثم يستن ويتطهر، ويقوم إلى المسجد فيوتر ويصلي الركعتين ثم يخرج إلى الصلاة. (7)

- 1- صحيح مسلم: ج 1 ص 510 ح 129، سنن النسائي: ج 3 ص 218، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 434 ح 1365، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 400 ح 24762، كنز العمال: ج 7 ص 181 ح 18586؛ منتهى المطلب: ج 4 ص 97.
- 2- سنن أبي داود: ج 2 ص 32 ح 1307، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 98 ح 26174، الأدب المفرد: ص 238 ح 800، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 452 ح 1158 وفيهما «لا يذره» بدل «لا يدعه»، السنن الكبرى: ج 3 ص 22 ح 4722، كنز العمال: ج 7 ص 67 ح 17990.
- 3- السجدة: 16.
- 4- تفسير الطبري: ج 11 الجزء 21 ص 103، حلية الأولياء: ج 5 ص 87 الرقم 302 عن ابن عباس.
- 5- آل عمران: 190.
- 6- سنن أبي داود: ج 1 ص 15 ح 58 و ج 2 ص 44 ح 1353، المعجم الكبير: ج 18 ص 297 ح 761 كلاهما نحوه وراجع: مسند ابن حنبل: ج 1 ص 798 ح 3541.
- 7- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 334 ح 1377، مجمع البيان: ج 2 ص 908، منتقى الجمان: ج 2 ص 248 كلها عن معاوية بن وهب، بحار الأنوار: ج 16 ص 276 ح 115.

صحیح مسلم_ به نقل از عایشه _ : [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله] در آغاز شب می خوابید و پایان آن را شب زنده داری می کرد .

سنن ابی داوود_ به نقل از عایشه _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [را عبادتِ شبانه] رها نمی کرد و هر گاه بیمار یا سنگین می شد ، نشسته نماز می گزارد .

تفسیر الطبری_ به نقل از مجاهد _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عبادت شبانه را یاد کرد و دو چشمش پر از اشک شد تا جایی که اشکش جاری شد و فرمود : «پهلوهایشان از خوابگاه جدا می گردد» .

سنن ابی داوود_ به نقل از عبد الله بن عباس _ : شبی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ماندم . پس چون از خواب بیدار شد ، ظرف آبش را آورده ، مسواکش را برداشت و مسواک کرد و این آیه را تلاوت فرمود : «همانا در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و شدِ شب و روز ، بی گمان، نشانه هایی برای خردمندان است» تا تقریباً یا کاملاً سوره را به پایان بُرد . سپس وضو ساخت و به مصلاًئی خود آمد و دو رکعت نماز گزارد. آن گاه به بسترش باز گشت و آن قدر که خدا خواست ، آرمید . سپس از خواب بیدار شد و همچون گذشته همان کرد . آن گاه به بسترش باز گشت و خوابید . سپس بیدار شد و باز همان کارها را کرد . آن گاه به بسترش باز گشت و خوابید و در پی آن، بیدار شد و همان کرد که پیش تر کرده بود . او هر بار مسواک می کرد و دو رکعت نماز می گزارد و سپس [در پایان] ، وتر به جای می آورد .

امام صادق علیه السلام_ در ذکر نماز پیامبر صلی الله علیه و آله _ : برای پیامبر صلی الله علیه و آله ظرف آبی می آوردند . پس روی آن را می پوشاند و بالای سر خود می گذاشت و مسواکش را زیر بسترش می نهاد و قدری می آرمید . سپس بیدار می شد و می نشست و در پی آن، دیده در آسمان می گرداند و این آیات را از [سوره] آل عمران، تلاوت می نمود : «همانا در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و شدِ شب و روز، بی گمان، نشانه هایی برای خردمندان است...» . آن گاه دندان هایش را مسواک می زد و وضو می گرفت و به مسجد می رفت و چهار رکعت نماز می گزارد که هر رکوعش به قدر قیامش بود و هر سجودش به قدر رکوعش . رکوع او، آن قدر طول می کشید که گفته می شد : کی قامت راست می کند؟ و سجده اش آن قدر طولانی می گشت که گفته می شد : کی سر از سجده بر می دارد؟ او سپس به بسترش باز می گشت و قدری می آرمید . آن گاه بیدار می شد و می نشست و آیاتی از سوره آل عمران را قرائت می کرد و دیده در آسمان می گرداند . سپس مسواک می زد و وضو می گرفت و به مسجد می رفت و همانند دفعه قبل ، چهار رکعت نماز می گزارد . آن گاه به بستر بر می گشت و هر مقدار که خواست خدا بود ، می خوابید . سپس بیدار می شد و می نشست و آیات [سوره] آل عمران را تلاوت می کرد و به اطراف آسمان می نگریست . سپس مسواک می زد و وضو می گرفت و به مسجد می رفت و وتر به جای می آورد و دو رکعت نماز می گزارد و آن گاه برای نماز [صبح] بیرون می رفت .

المناقب لابن شهر آشوب عن الإمام علي عليه السلام_ أنه قال _ : ما تَرَكَتُ صَلَاةَ اللَّيْلِ مُنْذُ سَمِعْتُ قَوْلَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «صَلَاةُ اللَّيْلِ نُورٌ» . فَقَالَ ابْنُ الْكَوَّاءِ : وَلَا لَيْلَةَ الْهَرِيرِ ؟ قَالَ : وَلَا لَيْلَةَ الْهَرِيرِ . (1)

كتاب من لا يحضره الفقيه : كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ يَقُولُ : «الْعَفْوُ الْعَفْوُ» ثَلَاثِمِئَةَ مَرَّةٍ فِي الْوَتْرِ فِي السَّحْرِ . (2)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن إبراهيم بن العباس : كَانَ [الرِّضَا] عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ ، كَثِيرَ السَّهْرِ . (3)

1- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 123 ، إرشاد القلوب : ص 217 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 41 ص 17 ح 10 .

2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 489 ح 1408 ، بحار الأنوار : ج 87 ص 277 ح 69 .

3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 184 ح 7 ، إعلام الوری : ج 2 ص 63 ، بحار الأنوار : ج 49 ص 91 ح 4 .

المناقب، ابن شهر آشوب: امام علی علیه السلام فرمود: «از هنگامی که این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله: نماز شب، نور است را شنیدم، دیگر آن را ترك نکردم». ابن کَوّاء گفت: حتّی در شب هریر؟ امام علیه السلام فرمود: «حتّی در شب هریر».

کتاب من لا یحضره الفقیه: زین العابدین علیه السلام سرور عابدان، در نماز و تر، سحرگاهان، سیصد بار می فرمود: «العفو! العفو!».

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از ابراهیم بن عبّاس _: امام رضا علیه السلام شب، کم می خوابید و بیشتر بیدار بود.

الخرائج والجرائح: روي أَنَّ الإمامَ الهاديَ عليه السلامَ كانَ بِاللَّيْلِ مُقْبِلًا عَلَى الْقِبْلَةِ لَا يَقْتَرُ سَاعَةً، عَلَيْهِ جُبَّةٌ صُوفٍ، وَسَجَّادَتُهُ عَلَى حَصِيرٍ .
(1)

4 / 6 _ 5 صَوْمُهُمَا الكافي عن حمّاد بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَمِعْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: صَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى قِيلَ: مَا يُفْطِرُ، ثُمَّ أَفْطَرَ حَتَّى قِيلَ: مَا يَصُومُ، ثُمَّ صَامَ صَوْمَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ يَوْمًا وَيَوْمًا لَا (2)، ثُمَّ قُبِضَ عَلَى صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ، قَالَ: إِنَّهُمْ يَعْدِلْنَ صَوْمَ الشَّهْرِ وَيَذْهَبْنَ بِوَحْرِ الصَّدْرِ وَالْوَحْرُ: الْوَسْوَسَةُ. قَالَ حَمَّادٌ: فَقُلْتُ: وَأَيُّ الْأَيَّامِ هِيَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ خَمِيسٍ فِي الشَّهْرِ، وَأَوَّلُ أَرْبَعَاءَ بَعْدَ الْعَشْرِ مِنْهُ، وَأَخِرُ خَمِيسٍ فِيهِ. فَقُلْتُ: كَيْفَ صَارَتْ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي تُصَامُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ مَنْ قَبَلْنَا مِنَ الْأَمَمِ كَانَ إِذَا نَزَلَ عَلَى أَحَدِهِمُ الْعَذَابُ نَزَلَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ، فَصَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذِهِ الْأَيَّامَ الْمَخُوفَةَ. (3)

صحيح مسلم عن عائشة - حينَ سُدَّتْ عَنْ صَوْمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - : كَانَ يَصُومُ حَتَّى يَقُولَ: قَدْ صَامَ، وَيُفْطِرُ حَتَّى يَقُولَ: قَدْ أَفْطَرَ، وَلَمْ أَرَهُ صَائِمًا مِنْ شَهْرٍ قَطُّ أَكْثَرَ مِنْ صِيَامِهِ مِنْ شَعْبَانَ؛ كَانَ يَصُومُ شَعْبَانَ كُلَّهُ، كَانَ يَصُومُ شَعْبَانَ إِلَّا قَلِيلًا. (4)

-
- 1- الخرائج والجرائح: ج 2 ص 901.
 - 2- أي يومًا يصوم ويومًا لا يصوم (مرآة العقول: ج 16 ص 252).
 - 3- الكافي: ج 4 ص 89 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 82 ح 1786 تهذيب الأحكام: ج 4 ص 302 ح 913 وفيه «صوم الدهر» بدل «صوم الشهر»، ثواب الأعمال: ص 104 ح 1 نحوه عن محمد بن مروان، الدرر الوقاية: ص 55، بحار الأنوار: ج 97 ص 101 ح 27.
 - 4- صحيح مسلم: ج 2 ص 811 ح 176، سنن النسائي: ج 4 ص 200، الموطأ: ج 1 ص 309 ح 56 وليس فيهما ذيله من «كان يصوم شعبان كلّه»، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 474 ح 25155، صحيح ابن حبان: ج 8 ص 399 ح 3637 كلّها نحوه وراجع: فضائل الأشهر الثلاثة: ص 66 ح 50.

6 / 4 - 5 روزه اهل بیت علیهم السلام

الخرائج و الجرائح: روایت شده که امام هادی علیه السلام شب، رو به قبله می نشست و ساعتی نمی آرמיד. بر او جبّه ای از پشم بود و سجّاده اش بر حصیر قرار داشت.

4 / 6 - 5 روزه اهل بیت علیهم السلام مالکافی_ به نقل از حمّاد بن عثمان _ : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن قدر روزه گرفت که گفته شد دیگر روزه را ترك نمی کند. سپس آن قدر روزه [ی مستحبی] نگرفت که گفته شد دیگر روزه نمی گیرد. سپس همچون داوود يك روز در میان روزه گرفت؛ ولی بعد از آن تا آخر عمر، سه روز از هر ماه را روزه می گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: این سه روز، همسنگ روزه يك ماه است و وسوسه های نفسانی را دور می کند». به امام صادق علیه السلام گفتم: این، کدام سه روز بود؟ فرمود: «پنجشنبه آغازین هر ماه و چهارشنبه نخست پس از دهم ماه و آخرین پنجشنبه هر ماه». گفتم: چرا در این روزها باید روزه گرفت؟ فرمود: «زیرا هر گاه بر یکی از ائمت های پیشین، عذابی نازل می شد، در یکی از این روزها اتفاق می افتاد و پیامبر صلی الله علیه و آله در این روزهای هراسناك، روزه می گرفت».

صحیح مسلم_ به نقل از عایشه، هنگامی که از وی پرسیده شد: پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه روزه می گرفت _ : پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر روزه می گرفت که ما می گفتیم: دیگر روزه را ترك نخواهد کرد، و آن قدر روزه نمی گرفت که می گفتیم: دیگر روزه نخواهد گرفت. ندیدم در ماهی بیش از ماه شعبان روزه بگیرد. او همه ماه شعبان، جز چند روزی از آن، و بلکه همه شعبان را روزه می گرفت.

الإمام علي عليه السلام: حُبَّ إِلَيَّ الصَّوْمُ بِالصَّيْفِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْخُلُ إِلَى أَهْلِهِ وَيَقُولُ: عِنْدَكُمْ شَيْءٌ وَإِلَّا صُمْتُ؟ فَإِنْ كَانَ عِنْدَهُمْ شَيْءٌ أَتَوْهُ بِهِ وَإِلَّا صَامَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ الْيَوْمَ الَّذِي يَصُومُ فِيهِ أَمَرَ بِشَاةٍ فَتُدْبِحُ وَتُقَطَّعُ أَعْضَاءُ وَتُطَبِّخُ، فَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْمَسَاءِ أَكَبَّ عَلَى الْقَدُورِ حَتَّى يَجِدَ رِيحَ الْمَرْقِ وَهُوَ صَائِمٌ، ثُمَّ يَقُولُ: هَاتُوا الْقِصَاعَ، إِغْرِفُوا لَيْلَ فُلَانٍ، وَاغْرِفُوا لَيْلَ فُلَانٍ، ثُمَّ يُؤْتَى بِخُبْزٍ وَتَمَرٍ فَيَكُونُ ذَلِكَ عَشَاءَهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ . (3)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن إبراهيم بن العباس: كَانَ [الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ] كَثِيرَ الصِّيَامِ فَلَا يَقْوَتُهُ صِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ، وَيَقُولُ: ذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام_ فِي ذِكْرِ فَضَائِلِ أَبِيهِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ_ وَلَقَدْ سُئِلَتْ عَنْهُ مَوْلَاةٌ لَهُ، فَقَالَتْ: أَطْنِبُ أَوْ أَخْتَصِرُ؟ فَقِيلَ لَهَا: بَلِ اخْتَصِرِي، فَقَالَتْ: مَا أَتَيْتُهُ بِطَعَامٍ نَهَارًا قَطُّ، وَمَا فَرَشْتُ لَهُ فِرَاشًا بَلِيلٍ قَطُّ . (5)

1- . مستدرک الوسائل : ج 7 ص 505 ح 8758 نقلاً عن لبّ اللباب للراوندي .

2- . تهذيب الأحكام : ج 4 ص 188 ح 531 ، منتقى الجمان : ج 2 ص 554 ، عوالي اللآلي : ج 3 ص 135 ح 15 كلّها عن هشام بن سالم .

3- . الكافي : ج 4 ص 68 ح 3 ، المحاسن : ج 2 ص 158 ح 1432 كلاهما عن حمزة بن حمران ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 134 ح 1955 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 297 ح 930 كلاهما من دون إسناد إلى الإمام الصادق عليه السلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 155 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 72 ح 53 .

4- . عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 184 ح 7 ، كشف الغمّة : ج 3 ص 106 ، إعلام الوری : ج 2 ص 63 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 96 ح 14 .

5- . الخصال : ص 518 ح 4 عن حمران بن أعين ، علل الشرائع : ص 232 ح 9 عن علي بن حمزة من دون إسناد إلى الإمام الباقر عليه السلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 155 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 350 ح 587 ؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 2 ص 274 وج 5 ص 80 كلاهما من دون إسناد إلى الإمام الباقر عليه السلام والقضية فيهما منسوبة إلى الإمام علي عليه السلام .

امام علی علیه السلام: روزه گرفتن در تابستان، نزد من محبوب است.

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام به خانه می آمد و می فرمود: «آیا چیزی نزد شما هست، و گرنه، روزه بگیرم». اگر نزد آنها چیزی یافت می شد، نزد امام علیه السلام می آوردند و در غیر این صورت، روزه می گرفت.

امام صادق علیه السلام: علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام در آن روزی که روزه می گرفت، دستور می داد گوسفندی را سر ببرند و تکه تکه کنند و بپزند. چون هنگام افطار می رسید، به دیگ ها سر می کشید تا در حالی که روزه است، بوی آب گوشت را به مشام رساند. سپس می فرمود: «کاسه ها را بیاورید و برای خانواده فلانی و فلانی غذا بکشید». سپس نان و خرمایی آورده می شد و امام علیه السلام افطار می کرد. درود خدا بر او و پدرانش باد!

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از ابراهیم بن عباس_ : امام رضا علیه السلام فراوان روزه می گرفت و روزه سه روز در ماه را ترك نمی کرد و می فرمود: «این، روزه روزگار است».

امام باقر علیه السلام_ در یادکرد فضیلت های پدرش امام زین العابدین علیه السلام_ : وقتی که از کنیز ایشان در باره ایشان پرسیده شد، گفت: به تفصیل یا به اختصار؟ به وی گفته شد: به اختصار. گفت: هرگز در روز، برای او خوراکی نیاوردم و در شب برای او بستری نگستردم.

6 / 4_ 6 حَجُّهُمَا الْمَسْتَدْرِكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ بَنِ عَمِيرٍ: لَقَدْ حَجَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسًا وَعِشْرِينَ حَجَّةً مَاشِيًا، وَإِنَّ النَّجَائِبَ لَتُقَادُ مَعَهُ. (1)

المعجم الكبير عن مصعب بن عبد الله: حَجَّ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَمْسًا وَعِشْرِينَ حَجَّةً مَاشِيًا. (2)

ربيع الأبرار: رُئِيَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ، ثُمَّ صَارَ إِلَى الْمَقَامِ فَصَلَّى، ثُمَّ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَى الْمَقَامِ فَجَعَلَ يَبْكِي وَيَقُولُ: «عَبِيدُكَ بِبَابِكَ... سَائِلُكَ بِبَابِكَ، مَسْكِينُكَ بِبَابِكَ»، يُرَدُّ ذَلِكَ مِرَارًا. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَتْ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاقَةٌ حَجَّ عَلَيْهَا اثْنَتَيْنِ وَعِشْرِينَ حَجَّةً مَا قَرَعَهَا قَرَعَةً قَطُّ. قَالَ: فَجَاءَتْ بَعْدَ مَوْتِهِ وَمَا شَدَّ عُرْنَا بِهَا إِلَّا وَقَدْ جَاءَنِي بَعْضُ خَدْمِنَا أَوْ بَعْضُ الْمَوَالِي، فَقَالَ: إِنَّ النَّاقَةَ قَدْ خَرَجَتْ فَأَتَتْ قَبْرَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَانْبَرَكَتْ عَلَيْهِ فَدَلَّكَتْ بِجِرَانِهَا الْقَبْرَ وَهِيَ تَرْغُو، فَقُلْتُ: أَدْرِكُوهَا وَجِيئُونِي بِهَا قَبْلَ أَنْ يَعْلَمُوا بِهَا أَوْ يَرَوْهَا. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا كَانَتْ رَأَتْ الْقَبْرَ قَطُّ. (4)

- 1- المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 185 ح 4788، السنن الكبرى: ج 4 ص 542 ح 8645، سير أعلام النبلاء: ج 3 ص 260 كلاهما عن ابن عباس، تهذيب الكمال: ج 6 ص 233 الرقم 1248 عن علي بن زيد بن جدعان، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 14 عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 43 ص 339 ح 13.
- 2- المعجم الكبير: ج 3 ص 115 ح 2844، تهذيب الكمال: ج 6 ص 406 الرقم 1323، سير أعلام النبلاء: ج 3 ص 287 الرقم 48، أسد الغابة: ج 2 ص 27 الرقم 1173، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 69، بحار الأنوار: ج 44 ص 193 ح 5.
- 3- ربيع الأبرار: ج 2 ص 149 وراجع: تاريخ دمشق: ج 41 ص 380.
- 4- الكافي: ج 1 ص 467 ح 2، الاختصاص: ص 300، بصائر الدرجات: ص 353 ح 15 كلها عن زرارة، بحار الأنوار: ج 27 ص 270 ح 22، وراجع: العدد القويّة: ص 62 ح 81.

6 / 4 - 6 حجّ اهل بیت علیهم السلام

6 / 4 - 6 حجّ اهل بیت علیهم السلام المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از عبد الله بن عبید بن عمیر _ : حسن بن علی علیه السلام ، بیست و پنج بار پیاده به حج رفت ، در حالی که اسبان اصیل ، همراه او بود .

المعجم الكبير_ به نقل از مصعب بن عبد الله _ : حسین علیه السلام بیست و پنج بار ، پیاده به حج رفت .

ربیع الأبرار : حسین بن علی علیه السلام را دیدند که خانه خدا را طواف می کند و سپس به مقام می رود و نماز می گزارد و آن گاه گونه اش را بر مقام می نهد و می گیرد و می گوید : «بندۀ ناچیز تو به درگاہت آمده است... . گدای تو به درگاہت آمده است . مسکین تو به درگاہت آمده است» و این سخن را بارها تکرار می کرد .

امام باقر علیه السلام : [پدرم] علی بن الحسین علیه السلام شتری داشت که با آن ، بیست و دو بار به حج رفته بود و هرگز آن را شلاق نزد . پس از رحلت [پدرم] علی بن الحسین علیه السلام آن شتر ، بی آن که ما بفهمیم ، خارج شد . یکی از خادمان یا غلامان ما خبر آورد که شتر بر سر قبر علی بن الحسین علیه السلام رفته و گردن خود را به خاک می مالد و می نالد . من گفتم : «آن را در یابید و پیش از آن که آن را بشناسند و ببینند ، نزد من بیاورید» . این شتر ، هرگز قبر را ندیده بود .

تهذيب الكمال عن سفيان بن عيينة: حَجَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَلَمَّا أَحْرَمَ وَاسْتَوَتْ بِهِ رَاحِلَتُهُ اصْفَرَ لَوْنُهُ وَانْتَفَضَ وَوَقَعَ عَلَيْهِ الرَّعْدَةُ وَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُلَبِّيَ ، فَقِيلَ لَهُ : مَا لَكَ لَا تُلَبِّيَ ؟ فَقَالَ : أَخْشَى أَنْ أَقُولَ : لَبَّيْكَ فَيَقُولُ لِي : لَا لَبَّيْكَ . فَقِيلَ لَهُ : لَا بُدَّ مِنْ هَذَا . فَلَمَّا لَبَّى غُشِيَ عَلَيْهِ وَسَقَطَ مِنْ رَاحِلَتِهِ ، فَلَمْ يَزَلْ يَعْتَرِيهِ ذَلِكَ حَتَّى قَضَى حَجَّهُ . (1)

صفة الصفوة عن أفلح مولى الإمام الباقر عليه السلام : خَرَجْتُ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَاجًّا ، فَلَمَّا دَخَلَ الْمَسْجِدَ نَظَرَ إِلَى الْبَيْتِ فَبَكَى حَتَّى عَالَ- صَوْتُهُ ، فَقُلْتُ : يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي ، إِنَّ النَّاسَ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ فَلَوْ رَفَقْتَ بِصَوْتِكَ قَلِيلًا ! قَالَ : وَيْحَكَ يَا أَفْلَحُ ! وَلِمَ لَا أَبْكِي ؟ ! لَعَلَّ اللَّهَ يَنْظُرَ إِلَيَّ مِنْهُ بِرَحْمَةٍ ، فَأَفُورَ بِهَا عِنْدَهُ غَدًا . قَالَ : ثُمَّ طَافَ بِالْبَيْتِ ، ثُمَّ جَاءَ حَتَّى رَكَعَ عِنْدَ الْمَقَامِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ ، فَإِذَا مَوْضِعُ سُجُودِهِ مُبْتَلًى مِنْ دُمُوعِ عَيْنَيْهِ . (2)

الإقبال عن القاسم بن حسين النيسابوري: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَمَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مَدَّ يَدَيْهِ جَمِيعًا ، فَمَا زَالَتَا مَمْدُودَتَيْنِ إِلَى أَنْ أَفَاضَ ، فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَقْدَرَ عَلَى ذَلِكَ مِنْهُ . (3)

-
- 1- تهذيب الكمال : ج 20 ص 390 الرقم 405 ، تهذيب التهذيب : ج 4 ص 185 الرقم 5516 ، سير أعلام النبلاء : ج 4 ص 392 الرقم 157 ، تاريخ الإسلام للذهبي : ج 6 ص 435 ؛ عوالي اللآلي : ج 4 ص 35 ح 121 .
 - 2- صفة الصفوة : ج 2 ص 110 الرقم 171 ، تاريخ دمشق : ج 54 ص 280 ، تذكرة الخواص : ص 339 كلاهما نحوه ، مطالب السؤل : ج 2 ص 104 ؛ كشف الغمّة : ج 2 ص 329 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 290 ح 14 .
 - 3- الإقبال : ج 2 ص 73 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 215 ح 3 .

تهذيب الكمال_ به نقل از سفیان بن عیینہ _ : امام زین العابدین علیه السلام حج گزارد و چون احرام بست و مرکبش آماده گشت ، رنگش زرد شد و لرزه بر اندامش افتاد و نتوانست لبیک بگوید . گفته شد : چرا لبیک نمی گویی؟ فرمود : «می ترسم بگویم: لبیک و خداوند بفرماید : لا لبیک» . گفته شد : ولی باید لبیک بگویی . چون لبیک گفت ، بیهوش شد و از مرکب به زیر افتاد و پیوسته همین حال را داشت تا حجش را گزارد .

صفة الصفوة_ به نقل از افلح ، غلام امام باقر علیه السلام _ : با امام باقر علیه السلام به حج رفتیم . چون امام علیه السلام به مسجد الحرام وارد شد و به خانه خدا نگریست ، گریست تا صدای گریه اش بلند شد . گفتم : پدر و مادرم فدای تو باد! اگر ممکن است ، صدای خود را پایین بیاور که مردم به تو می نگرند . فرمود : «ای افلح ، وای بر تو! چرا گریه نکنم؟ شاید که خدا با رحمت خود به من بنگرد و نزد او رستگاری یابم» . سپس خانه خدا را طواف کرد و نزد مقام نماز خواند و هنگامی که سر از سجده برداشت ، جایگاهش از اشک ، خیس شده بود .

الإقبال_ به نقل از قاسم بن حسین نیشابوری _ : امام باقر علیه السلام را دیدم که هنگام ایستادن در موقف ، دو دستش را دراز کرد و همچنان دو دست او دراز بود تا از بیب موقف بیرون آمد . من هیچ کس را در این کار ، از او تواناتر ندیدم .

الخصال عن مالك بن أنس: كُنْتُ أَدْخُلُ عَلَيَّ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقْدِمُ لِي مَخْدَةً وَيَعْرِفُ لِي قَدْرًا وَيَقُولُ: يَا مَالِكُ، إِنِّي أَحْبَبْتُكَ، فَكُنْتُ أُسَرُّ بِذَلِكَ وَأَحْمَدُ اللَّهَ عَلَيْهِ. وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَخْلُو مِنْ إِحْدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِمَّا صَائِمًا وَإِمَّا قَائِمًا وَإِمَّا ذَاكِرًا، وَكَانَ مِنْ عَظَمَاءِ الْعِبَادِ وَأَكْبَارِ الزُّهَادِ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَانَ كَثِيرَ الْحَدِيثِ، طَيِّبَ الْمَجَالِسَةِ، كَثِيرَ الْفَوَائِدِ، فَإِذَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اخْصِرْ مَرَّةً وَاصْفِرْ أُخْرَى حَتَّى يُنْكِرَهُ مَنْ يَعْرِفُهُ. وَلَقَدْ حَجَّجْتُ مَعَهُ سَنَةً، فَلَمَّا اسْتَوَتْ بِهِ رَاحِلَتُهُ عِنْدَ الْإِحْرَامِ كَانَ كَلِمًا هَمَّ بِالتَّلْيِيَةِ انْقَطَعَ الصَّوْتُ فِي حَلْقِهِ وَكَادَ يَخْرُ مِنْ رَاحِلَتِهِ، فَقُلْتُ: قُلْ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَلَا بُدَّ لَكَ مِنْ أَنْ تَقُولَ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ أَبِي عَامِرٍ، كَيْفَ أَجْسُرُ أَنْ أَقُولَ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ»، وَأَخْشَى أَنْ يَقُولَ عَزَّ وَجَلَّ (لِي): لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيكَ؟! (1)

الكافي عن علي بن مهزيار: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَنَةِ مِئَتَيْنِ وَخَمْسٍ وَعِشْرِينَ (2) وَدَعَا الْبَيْتَ بَعْدَ ارْتِفَاعِ الشَّمْسِ، وَطَافَ بِالْبَيْتِ يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ فِي كُلِّ شَوْطٍ، فَلَمَّا كَانَ فِي الشَّوْطِ السَّابِعِ اسْتَلَمَهُ وَاسْتَلَمَ الْحَجَرَ وَمَسَّحَ بِيَدِهِ ثُمَّ مَسَّحَ وَجْهَهُ بِيَدِهِ، ثُمَّ أَتَى الْمَقَامَ فَصَلَّى خَلْفَهُ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَى دُبْرِ الْكَعْبَةِ إِلَى الْمُلتَزِمِ فَالْتَزَمَ الْبَيْتَ وَكَشَفَ الثَّوْبَ عَنْ بَطْنِهِ، ثُمَّ وَقَفَ عَلَيْهِ طَوِيلًا يَدْعُو، ثُمَّ خَرَجَ مِنْ بَابِ الْحَنَاطِينِ وَتَوَجَّهَ. قَالَ: فَرَأَيْتُهُ فِي سَنَةِ سَبْعِ عَشْرَةَ وَمِئَتَيْنِ وَدَعَا الْبَيْتَ لَيْلًا، يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ وَالْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فِي كُلِّ شَوْطٍ، فَلَمَّا كَانَ فِي الشَّوْطِ السَّابِعِ التَّزَمَ الْبَيْتَ فِي دُبْرِ الْكَعْبَةِ قَرِيبًا مِنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيَّ وَفَوْقَ الْحَجْرِ الْمُسْتَطِيلِ، وَكَشَفَ الثَّوْبَ عَنْ بَطْنِهِ، ثُمَّ أَتَى الْحَجَرَ فَقَبَّلَهُ وَمَسَّحَهُ، وَخَرَجَ إِلَى الْمَقَامِ فَصَلَّى خَلْفَهُ، ثُمَّ مَضَى وَلَمْ يُعِدْ إِلَى الْبَيْتِ، وَكَانَ وَقُوفُهُ عَلَيَّ الْمُلتَزِمِ بِقَدْرِ مَا طَافَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَبَعْضُهُمْ ثَمَانِيَةً. (3)

- 1- الخصال: ص 167 ح 219، علل الشرائع: ص 235 ح 4، العدد القويّة: ص 155 ح 86 وليس فيه صدره إلى «واحمد الله عليه» وذيله من «ولقد حججت»، روضة الواعظين: ص 233، فلاح السائل: ص 470 ح 320، بحار الأنوار: ج 47 ص 16 ح 1.
- 2- روى الشيخ في التهذيب هذا الخبر من الكافي، وفي أكثر نسخه سنة خمس عشرة ومئتين، وفي بعضها كما هنا، وفي تلك النسخ زيادة بعد نقل الخبر، وهي هذه: قال محمد بن الحسن مصنف هذا الكتاب: هذا غلط لأنّ أبا جعفر عليه السلام مات سنة عشرين ومئتين والصحيح أن يقول: خمس عشرة. انتهى (مرآة العقول: ج 18 ص 229).
- 3- الكافي: ج 4 ص 532 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 281 ح 959 وفيه «تسع عشرة» بدل «سبع عشرة»، منتقى الجمال: ج 3 ص 455.

الخصال_ به نقل از مالك بن انس _ : من بر امام صادق ، جعفر بن محمد عليه السلام ، وارد می شدم و ایشان برای من پشتی می آورد و به من زیاد احترام می نمود و می فرمود : «ای مالك! من تو را دوست دارم» . من شاد می شدم و خدای را بر آن ، سپاس می گزاردم . امام عليه السلام از یکی از این سه حالت بیرون نبود : یا روزه بود ، یا به عبادت ایستاده بود و یا ذکر می گفت . ایشان از بزرگ ترین عابدان و زاهدانی بود که از خداوند عز و جلمی هراسند . او فراوان حدیث می گفت و خوش مجلس و پر فایده بود . هر گاه می فرمود : «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود» ، رنگ پوستش يك بار ، سبز و بار دیگر چنان زرد می شد که هر که او را می شناخت ، دیگر چهره اش را به جا نمی آورد . سالی در خدمت ایشان حج گزاردم . هنگام احرام چون بر مرکبش سوار شد ، هر گاه که آهنگ گفتن لبیک می کرد ، صدا از حلقومش بیرون نمی آمد و نزدیک بود از مرکب به زیر افتد . گفتم : بگو ، ای فرزند پیامبر خدا! تو ناگزیر ، باید لبیک بگویی . امام عليه السلام فرمود : «ای فرزند ابی عامر! من چگونه جسارت کنم و بگویم : لبیک ، اللهم لبیک (چشم! خدایا چشم) ، در حالی که می هراسم خداوند بفرماید : لا لبیک و لا سعدیک (نه چشم گفتنت را می خواهم و نه خدمتت را)» .

الكافی_ به نقل از علی بن مهزیار _ : امام جواد عليه السلام را در سال دویست و پانزده (1) دیدم که پس از بالا آمدن آفتاب ، از خانه خدا وداع کرد و به طواف خانه خدا پرداخت و در هر دور ، رکن یمانی و حجر الأسود را استلام می کرد و چون دور هفتم رسید ، آن را با حَجَر الأسود استلام کرد و با دستش آن را لمس نمود و آن گاه دستش را به صورتش کشید . سپس به مقام رفت و در پشت آن ، دو رکعت نماز گزارد . آن گاه به ملتزم ، در پشت کعبه رفت و به کعبه چسبید و شکم خود را برهنه کرد و در همین حال ، مدتی طولانی به دعا پرداخت . سپس از در حنّاطین بیرون آمد و رفت . در سال دویست و هفده ، امام عليه السلام را دیدم که شبانه بیت الله را وداع می کند و در هر شوط ، رکن یمانی و حجر الأسود را استلام می کند و چون به شوط هفتم رسید ، در پشت کعبه ، نزدیک رکن یمانی و بالای سنگ مستطیل ، ملتزم بیت شد و شکمش را برهنه کرد . سپس به سوی سنگ آمد و آن را بوسید و مسح کرد و به سوی مقام رفت و در پشت آن ، نماز گزارد . آن گاه رفت و دیگر به بیت باز نگشت . ایستادن او در ملتزم ، به قدر هفت شوط طواف برخی از اصحاب ما و یا هشت شوط بعضی دیگر بود .

1- . در متن ، سال دویست و بیست و پنج آمده است؛ اما چون بیشتر نسخه ها دویست و پانزده دارند و امام جواد عليه السلام نیز در سال دویست و بیست به شهادت رسیده است ، تاریخ درست را آوردیم .

كتاب من لا يحضره الفقيه عن محمد بن عثمان العمري: وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ، فَيَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ، وَيَرُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ. (1)

5 / 6 سِيرَتُهُمْ فِي الصَّبْرِ وَالرِّضَا لِلْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - مِنْ خُطْبَتِهِ لَمَّا عَزَمَ عَلَى الْخُرُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ - : الْحَمْدُ لِلَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَسَلَّم، خُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخْطَ الْقِلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ، وَمَا أَوْلَهَنِي إِلَى أَسْلَافِي اشْتِيَاقِي كَأَشْتِيَاقِي يَعْقُوبَ إِلَى يَوْسُفَ، وَخَيْرَ لِي مَصْرَعًا أَنَا لِأَقِيهِ، كَأَنِّي بِأَوْصَالِي تَتَقَطَّعُهَا عَسَلًا لَأَنَّ الْفَلَوَاتِ بَيْنَ النَّوَاسِ وَكَرْبَلَاءَ، فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي أَكْرَاشًا جَوْفًا وَأَجْرِبَةً سُدَّ غَبَا، لَا مَحِيصَ عَن يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ، رِضَا اللَّهِ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصَبِ عَلَى بَلَائِهِ وَيُؤَفِّقُنَا أَجْوَرَ الصَّابِرِينَ، لَنْ تَشُدَّ عَن رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِحَمَّتُهُ، هِيَ مَجْمُوعَةٌ لَهُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ تَقَرُّ بِهِمْ عَيْنُهُ، وَيُنَجِّزُ لَهُمْ وَعْدَهُ. مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهَجَّتَهُ، وَمُوطَّنًا عَلَى لِقَائِنَا نَفْسَهُ، فَلْيَرْحَلْ، فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (2)

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 520 ح 3115، كمال الدين: ص 440 ح 8، الغيبة للطوسي: ص 363 ح 329، الخرائج والجرائح: ج 3 ص 1174 ح 68 عن أحمد بن إسحاق عن الإمام العسكري عليه السلام وليس فيه ذيله من «فيرى الناس»، بحار الأنوار: ج 51 ص 350 ح 3.

2- .نثر الدر: ج 1 ص 333، الملهوف: ص 126، مثير الأ-حزان: ص 41، كشف الغمّة: ج 2 ص 241، بحار الأنوار: ج 44 ص 366.

6 / 5 شیوه اهل بیت علیهم السلام در شکیبایی و خرسندی

کتاب من لا یحضره الفقیه_ به نقل از محمد بن عثمان عَمَری _ :به خدا، صاحب این امر (ولیّ عصر علیه السلام) هر ساله در موسم [حج] حضور می یابد و مردم را می بیند و آنها را می شناسد و مردم هم او را می بینند؛ ولی نمی شناسندش .

6 / 5 شیوه اهل بیت علیهم السلام در شکیبایی و خرسندی امام حسین علیه السلام_ در خطبه خود، هنگام آهنگ خروج به سوی عراق _ :سپاس، خدای را و همان خواهد شد که خدا می خواهد و نیرو و توانی نیست، مگر از سوی خدا . درود و سلام خدا بر پیامبر او باد! بر فرزندان آدم، مرگ، چونان گردنبد بر گردن دخترکان، نقش بسته است . چه قدر شیفته دیدار گذشتگان خود هستم ! و شیفتگی من، چونان اشتیاق یعقوب به یوسف است . برای من قتلگاهی اختیار شده که آن را خواهم دید . گویی می بینم که گرگ های بیابان ، بندهای پیکرم را میان نواویس و کربلا پاره پاره می کنند و از تن من ، شکم هایی گرسنه و خالی پُر می شود . از روزی که با قلم [قضای الهی] نگاشته شده ، گریزی نیست . خشنودی خدا ، خشنودی ما اهل بیت است . ما بر آزمون او شکیب می ورزیم و او پاداش شکیبایان را به کمال، به ما می پردازد . پاره های تن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از او دور نمی شوند و اینان در فردوس برین ، بر ایشان صلی الله علیه و آله گرد آمده اند و پیامبر صلی الله علیه و آله دیدگانش از دیدن آنها آرام می گیرد و وعده اش را برای آنها بر می آورد . هر که در او ما خون می دهد و برای دیدار ما (/ دیدار خدا) آماده است ، پس کوچ کند که من به خواست خدا صبح کوچنده ام .

الإمام زين العابدين عليه السلام: لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَظَرَ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فَإِذَا هُوَ بِخِلَافِهِمْ؛ لِأَنَّهُمْ كَلَّمَا اشْتَدَّ الْأَمْرُ تَغَيَّرَتْ أَلْوَانُهُمْ وَارْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُمْ وَوَجِبَتْ (1) قُلُوبُهُمْ. وَكَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تُشْرِقُ أَلْوَانُهُمْ وَتَهْدَأُ جَوَارِحُهُمْ وَتَسْكُنُ نُفُوسُهُمْ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: أَنْظُرُوا، لَا يُبَالِي بِالْمَوْتِ! فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ، فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَطْرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ، فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِدْرِ جَنَّةٍ إِلَى قَصْرِ؟! وَمَا هُوَ لِأَعْدَائِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ إِلَى سِدْرٍ وَعَذَابٍ. إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ الدُّنْيَا سِدْرٌ جَنَّةٍ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لِأَعْدَائِكُمْ إِلَى جَنَاتِهِمْ وَجِسْرٌ هُوَ لِأَوْلِيَاءِكُمْ إِلَى جَنَاتِهِمْ، مَا كَذَبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ. (2)

ينابيع المودة عن أبي مخنف: بَقِيَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ مُلْطَخًا بِدَمِهِ رَامِقًا بِطَرْفِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَيُنَادِي: «يَا إِلَهِي، صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ، وَلَا مَعْبُودَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ». فَتَبَادَرَ إِلَيْهِ أَرْبَعُونَ فَارِسًا يُرِيدُونَ حَزَّ رَأْسِهِ الشَّرِيفِ الْمُكْرَمِ الْمُبَارَكِ الْمُقَدَّسِ الْمُنَوَّرِ، وَيَقُولُ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ: وَيَلِكُمْ! عَجَلُوا بِقَتْلِهِ. (3)

1- .وجب القلب وجيبًا : إذا خَفَقَ (النهاية : ج 5 ص 154 «وجب»).

2- .معاني الأخبار : ص 288 ح 3 ، الاعتقادات للصدوق : ص 52 من دون إسناد إلى الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 6 ص 154 ح 9 .

3- .ينابيع المودة : ج 3 ص 82 .

امام زین العابدین علیه السلام: چون کار بر حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام دشوار شد، همراهیان او بدو نگریستند و او را بر خلاف خود یافتند؛ چرا که هر گاه کار دشوار می شد، رنگ آنها تغییر می یافت و گوشت تششان به لرزه و دل هاشان به تپش می افتاد، در حالی که حسین علیه السلام و برخی از نزدیکان او رنگشان می درخشید و تن و جانشان آرام می گرفت. آنها به یکدیگر می گفتند: ببینید، از مرگ هیچ هراسی ندارد، و حسین علیه السلام بدیشان می فرمود: «شکیبایی، ای بزرگ زادگان! مرگ نیست، مگر پُلی که شما را از بینوایی و سختی به بهشت های فراخ و نعمت های جاودان می رساند. کدام يك از شما خوش نمی دارد که از زندان به قصر وارد شود؟! چنان که مرگ برای دشمنان شما نیست، مگر در آمدن از کاخ به زندان و شکنجه. پدرم به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دنیا زندان مؤمن و فردوس کافر است و مرگ، پُل این جماعت است که آنها را به بهشتشان و اینها را به دوزخشان می رساند. من نه دروغ می گویم و نه به من دروغ گفته شده است».

ینابیع المودّة_ به نقل از ابو مخنف: _حسین علیه السلام، سه ساعت از روز را خون آلوده با گوشه چشم به آسمان می نگریست و چنین نجوا می کرد: «خدایا! بر قضای تو شکیبایی می ورزم و معبودی جز تو نیست. ای فریادرس فریادخواهان!». پس چهل سوار، به سوی او شتافتند تا سَر شریف ارجمند مبارک و مقدّس و منوّر او را از تن جدا کنند و عمر بن سعد فریاد می زد: وای بر شما! در کشتش شتاب کنید.

تاريخ الطبري عن حميد بن مسلم: لَمَّا دُخِلَ بِرَأْسِ حُسَيْنٍ وَصِيبَانِهِ وَأَخَوَاتِهِ وَنِسَائِهِ عَلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ ... فَقَالَ لَهَا [زَيْنَبُ عَلَيْهَا السَّلَامُ] [عُبَيْدُ اللَّهِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَ حَكْمَكُمْ وَقَتْلَكُمْ، وَأَكْذَبَ أَحَدَ وَتَتَكَّمُ! فَقَالَتْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَطَهَّرَنَا تَطْهِيرًا، لَا كَمَا تَقُولُ أَنْتَ، إِنَّمَا يُفْتَضِّحُ الْفَاسِقُ وَيُكْذِبُ الْفَاجِرُ. قَالَ: فَكَيْفَ رَأَيْتِ صُنْعَ اللَّهِ بِأَهْلِ بَيْتِكَ؟! قَالَتْ: كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ، وَسَيَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فَتُحَاجُّونَ إِلَيْهِ. (1)

مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي عن الشافعي: مات ابنٌ للحسين عليه السلام فلم ير به كآبةً، فعوتب على ذلك فقال: إنا أهل بيت نسال الله عز وجل فنعطينا، فإذا أراد ما نكره فيما يحب رضينا. (2)

تهذيب الكمال عن إبراهيم بن سعد: سَمِعَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاعِيَةً فِي بَيْتِهِ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ، فَنَهَضَ إِلَى مَنْزِلِهِ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مَجْلِسِهِ، فَقِيلَ لَهُ: أَمْرٌ حَدَثَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَعَزَّوهُ وَتَعَجَّبُوا مِنْ صَبْرِهِ، فَقَالَ: إنا أهل بيت نُطِيعُ اللَّهَ فِيمَا نُحِبُّ، وَنُحَمِّدُهُ فِيمَا نَكْرَهُ. (3)

-
- 1- تاريخ الطبري: ج 5 ص 457، الكامل في التاريخ: ج 2 ص 574، البداية والنهاية: ج 8 ص 193، جواهر المطالب: ج 2 ص 292 نحوه؛ الإرشاد: ج 2 ص 115 نحوه، بحار الأنوار: ج 45 ص 117 ح 1 نقلاً عن كتاب الملهوف على أهل الطفوف.
 - 2- مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي: ج 1 ص 147؛ الدعوات للراوندي: ص 286 ح 16 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 82 ص 133 ح 16.
 - 3- تهذيب الكمال: ج 20 ص 393 الرقم 4050، البداية والنهاية: ج 9 ص 114، تاريخ دمشق: ج 41 ص 386؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 165، كشف الغمّة: ج 2 ص 314، بحار الأنوار: ج 46 ص 95 ح 84.

تاریخ الطبری_ به نقل از حمید بن مسلم _ وقتی سر حسین علیه السلام و نیز فرزندان و خواهران و زن های او را بر عبید الله بن زیاد وارد کردند ... ، عبید الله [به زینب علیها السلام] گفت : سپاس ، خدایی را که شما را رسوا کرد و نابودتان ساخت و پرده از دروغ بودن سخن شما برداشت . زینب گفت : سپاس ، خدایی را که ما را به برکت وجود محمد صلی الله علیه و آله ، گرامی داشت و به کمال ، پاکمان گرداند ؛ نه چونان که تو می گویی . تبهکار رسوا می شود و پرده از دروغ بدکار برداشته می شود . ابن زیاد گفت : دیدی خدا با خاندان تو چه کرد ؟ زینب علیها السلام گفت : خداوند ، کشته شدن را بر آنها رقم زد و آنها در قتلگاه خود ، حاضر شدند و خداوند ، تو و ایشان را گرد خواهد آورد و نزد او دادرسی می شوید .

مقتل الحسین علیه السلام ، خوارزمی_ به نقل از شافعی _ : حسین علیه السلام فرزندش مرد و غمی در چهره اش دیده نمی شد ، و به این جهت ، مورد نکوهش قرار گرفت . فرمود : «ما خاندانی هستیم که از خداوند عز و جل می خواهیم و او به ما عطا می کند . پس هر گاه برای ما چیزی را بخواهد که خوش نمی داریم ولی او دوست می دارد ، ما نیز خشنود خواهیم بود» .

تهذیب الکمال_ به نقل از ابراهیم بن سعد _ : امام زین العابدین علیه السلام _ در حالی که جماعتی نزد او بودند _ صدای عزاداری از خانه خود شنید . به منزل خود رفت و سپس به مجلس باز گشت . به ایشان گفته شد : اتّفاقی افتاده است ؟ فرمود : «آری» . حاضران ، او را تسلیت دادند و از شکیبایی او شگفت زده شدند . امام علیه السلام فرمود : «ما خاندانی هستیم که در آنچه دوست می داریم ، از خدا فرمان می بریم و در آنچه ناخوش می داریم ، سپاسش می گوئیم» .

الإمام الباقر عليه السلام: نَدَعُو اللَّهَ فِيمَا نُحِبُّ ، فَإِذَا وَقَعَ مَا نَكْرَهُ لَمْ نُخَالِفِ اللَّهَ عِزَّ وَجَلْفِيمَا أَحَبَّ . (1)

الكافي عن علاء بن كامل: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَرَخَتْ صَارِخَةً مِنَ الدَّارِ ، فَقَامَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ جَلَسَ فَاسْتَرْجَعَ وَعَادَ فِي حَدِيثِهِ حَتَّى فَرَّغَ مِنْهُ . ثُمَّ قَالَ : إِنَّا لَنُحِبُّ أَنْ نُعَافِيَ فِي أَنْفُسِنَا وَأَوْلَادِنَا وَأَمْوَالِنَا ، فَإِذَا وَقَعَ الْقَضَاءُ فَلَيْسَ لَنَا أَنْ نُحِبَّ مَا لَمْ يُحِبَّ اللَّهُ لَنَا . (2)

الكافي عن قتيبة الأعشى: أَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعُوذُ بِإِنَا لَهُ ، فَوَجَدْتُهُ عَلَى الْبَابِ فَإِذَا هُوَ مُهْتَمٌّ حَزِينٌ ، فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، كَيْفَ الصَّبِيِّ؟ فَقَالَ : وَاللَّهِ إِنَّهُ لِمَا بِهِ ، ثُمَّ دَخَلَ فَمَكَتْ سَاعَةٌ ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَيْنَا وَقَدْ أَسْفَرَ (3) وَجْهَهُ وَذَهَبَ التَّعْيِيرُ وَالْحُزْنُ . قَالَ : فَطَمَعْتُ أَنْ يَكُونَ قَدْ صَدَّ لِحَ الصَّبِيِّ ، فَقُلْتُ : كَيْفَ الصَّبِيِّ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ فَقَالَ : وَقَدْ مَضَى لِسَبِيلِهِ ، فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، لَقَدْ كُنْتُ وَهُوَ حَيٌّ مُهْتَمًّا حَزِينًا ، وَقَدْ رَأَيْتُ حَالَكِ السَّاعَةَ وَقَدْ مَاتَ ، غَيْرَ تِلْكَ الْحَالِ ، فَكَيْفَ هَذَا؟! فَقَالَ : إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا نَجْرَعُ قَبْلَ الْمُصِيبَةِ ، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُ اللَّهِ رَضِينَا بِقَضَائِهِ وَسَلَّمْنَا لِأَمْرِهِ . (4)

6 / 6 سيرتهم في طلب المعاشاة الإمام الصادق عليه السلام: لا تكسلوا في طلب معاشكم؛ فإن آباءنا كانوا يركضون فيها ويطلبونها. (5)

- 1- سير أعلام النبلاء: ج 4 ص 407 الرقم 158 ، تاريخ دمشق: ج 54 ص 294 كلاهما عن سفيان الثوري ، حلية الأولياء: ج 3 ص 187 عن عمرو بن دينار الرقم 241 ؛ كشف الغمة: ج 2 ص 363 .
- 2- الكافي: ج 3 ص 226 ح 13 ، بحار الأنوار: ج 47 ص 49 ح 78 .
- 3- أسفر: أي أضاء وأشرق (لسان العرب: ج 4 ص 369 «سفر»).
- 4- الكافي: ج 3 ص 225 ح 11 ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 187 ح 567 وفيه ذيله من «إنا أهل بيت»، بحار الأنوار: ج 47 ص 49 ح 76 .
- 5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 157 ح 3576 عن حماد اللحام .

6 / 6 شیوه اهل بیت علیهم السلام در طلب معاش

امام باقر علیه السلام: خدا را در آنچه می خواهیم، می خوانیم و اگر آن بر ما افتد که خوش نمی داریم، در آنچه خداوند عز و جل خواسته است، به مخالفت بر نمی خیزیم.

الکافی_ به نقل از علاء بن کامل_: در خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که زنی از خانه ایشان فریاد زد. امام علیه السلام برخاست و سپس نشست و استرجاع گفت و به سخن خود بازگشت تا آن را به پایان بُرد. سپس فرمود: «ما سلامت را در جان و مال و فرزند دوست داریم؛ اما آن گاه که قضا واقع شود، دیگر آنچه را خداوند برای ما دوست ندارد، دوست نخواهیم داشت».

الکافی_ به نقل از قتیبه اعشی_: نزد امام صادق علیه السلام رفتم تا پسرش را عیادت کنم. ایشان را بر درِ خانه غمگین و حزنالود دیدم. گفتم: فدایت گردم! پسرک چگونه است؟ فرمود: «به خدا، حالش خوب نیست». آن گاه به درون خانه رفت و ساعتی درنگ کرد و سپس بیرون آمد، در حالی که چهره ای گشاده داشت و رنگ پریدگی و حزن، از سیمای او رخت بر بسته بود. خیال کردم کودکش بهبود یافته است. گفتم: قربانت گردم! کودک چگونه است؟ فرمود: «در گذشت». گفتم: قربانت گردم! چگونه است؟ آن گاه که او زنده بود، غمگین و گرفته بودی و در این لحظه که او مرده است، جز آن وضع را در تو می بینم؟! امام علیه السلام فرمود: «ما اهل بیت، پیش از رسیدن مصیبت، ناله می کنیم و هر گاه امر خدا واقع شد، به قضای او خشنود و در برابر امرش تسلیمیم».

6 / 6 شیوه اهل بیت علیهم السلام در طلب معاش امام صادق علیه السلام: در طلب معاش خود، کاهلی نکنید که پدران ما برای آن می دویدند و آن را جستجو می کردند.

صحيح البخاري عن جابر بن عبد الله: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَرِّ الظَّهْرَانِ (1) نَجْنِي الكَبَاثَ (2). فَقَالَ: عَلَيكُمْ بِالْأَسْوَدِ مِنْهُ فَإِنَّهُ أَيُّطَبُ (3)، فَقِيلَ: أَكُنْتَ تَرَعَى الغَنَمَ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَهَلْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا رَعَاهَا؟ (4)

السنن الكبرى للنسائي عن ابن حزن: افتخر أهل الإبل والشاة. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بُعِثَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ رَاعِي غَنَمٍ، وَبُعِثَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ رَاعِي غَنَمٍ، وَبُعِثْتُ أَنَا أَرَعَى غَنَمًا لِأَهْلِي بِأَهْلِي (5) بِأَجْيَادٍ. (6)

الإمام الصادق عليه السلام: قَسَمَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْفَيْءَ، فَأَصَابَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْضًا، فَاحْتَفَرَ فِيهَا عَيْنًا فَخَرَجَ مَاءٌ يَنْبُعُ فِي السَّمَاءِ كَهَيْئَةِ عُنُقِ البَعِيرِ فَسَمَّاهَا يَنْبَعُ، فَجَاءَ البَشِيرُ يُبَشِّرُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَشِّرِ الْوَارِثَ، هِيَ صَدَقَةٌ بَتَّةً بَتْلًا فِي حَجِيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَعَابِرِي سَبِيلِ اللَّهِ، لَا تُبَاعُ وَلَا تُوَهَّبُ وَلَا تَوَرَّثُ، فَمَنْ بَاعَهَا أَوْ وَهَبَهَا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَدْرًا وَلَا عَدْلًا. (7)

- 1- الظهران: وإد قرب مكة وعنده قرية يقال لها: «مر» تضاف إلى هذا الوادي، فيقال: مرّ الظهران (معجم البلدان: ج 4 ص 63).
- 2- الكَبَاث: هو النضيج من ثمر الأراك (النهاية: ج 4 ص 139 «كَبَاث»).
- 3- مقلوب «أطيب»، وهو في معناه.
- 4- صحيح البخاري: ج 5 ص 2077 ح 5138، صحيح مسلم: ج 3 ص 1621 ح 163، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 169 ح 6734، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 75 ح 14504، كنز العمال: ج 12 ص 343 ح 35326؛ قصص الأنبياء للراوندي: ص 284 ح 349 وفيه «يرعى الكباش» بدل «نجني الكباش»، بحار الأنوار: ج 16 ص 224 ح 24.
- 5- لا توجد كلمة: «بأهلي» في سائر المصادر، ولعلها نسخة بدل أو زيادة من التّساخ.
- 6- السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 396 ح 11324، الأدب المفرد: ص 175 ح 577 عن عبدة بن حزم، الطبقات الكبرى: ج 1 ص 126، مسند الطيالسي: ص 185 ح 1311، فتح الباري: ج 4 ص 441 ذيل ح 2262 عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 11 ص 494 ح 32326.
- 7- الكافي: ج 7 ص 54 ح 9، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 148 ح 609 كلاهما عن أيوب بن عطية الحدّاء، دعائم الإسلام: ج 2 ص 341 ح 1283، بحار الأنوار: ج 41 ص 39 ح 18.

صحیح البخاری_ به نقل از جابر بن عبد الله _ در مَرَّ الظَّهْرَانِ (1) با پیامبر صلی الله علیه و آله میوه های رسیده چوج (2) را می چیدیم . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «سیاهش را بچینید که گوارتر است» . گفته شد : آیا تو گوسفند می چراندی؟ فرمود : «آری . پیامبری هم هست که گوسفند نچرانده باشد؟!» .

السنن الکبری، نسایی_ به نقل از ابنحزن_ شترداران و گوسفندداران می نازیدند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «موسی علیه السلام برانگیخته شد، در حالی که گوسفندچران بود . داوود علیه السلام برانگیخته شد، در حالی که چوپان گوسفند بود و من نیز در حالی برانگیخته شدم که برای خانواده ام در اجیاد ، گوسفند می چراندم» .

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله غنایم را تقسیم کرد و به علی علیه السلام قطعه زمینی رسید . امام علیه السلام در آن، چاهی حفر کرد و از آن ، آبی به قُطْرِ گردن شتر به آسمان جهید . امام علیه السلام آن را «يَنْبَع» نامید . پس مردی آمد و آن را بشارت داد . امام علیه السلام فرمود : «به وارث من بشارت ده که آن را صدقه ای حتمی و قطعی قرار دادم برای حاجیان بیت الله و عابران راه خدا . نه فروخته می شود و نه بخشیده می گردد و نه به ارث می رسد . هر که آن را بفروشد یا هبه کند ، لعنت خدا ، فرشتگان و همه مردم بر او باد که خداوند ، نه بازگشت و توبه اش را بپذیرد و نه عوض و فدیة اش را!» .

1- .روستایی نزدیک مکه .

2- .درخت مسواك، که آن را در بندر عبّاس «چوج» می نامند و میوه اش «کَبَاث» نام دارد.

الإمام علي عليه السلام: جُعْتُ مَرَّةً بِالْمَدِينَةِ جَوْعًا شَدِيدًا، فَخَرَجْتُ أَطْلُبُ الْعَمَلَ فِي عَوَالِي الْمَدِينَةِ، فَإِذَا أَنَا بِامْرَأَةٍ قَدْ جَمَعَتْ مَدْرًا، فَظَنَنْتُهَا تُرِيدُ بَلَّهُ، فَأَتَيْتُهَا فَقَاطَعْتُهَا كُلَّ ذَنْبٍ (1) عَلَى تَمْرَةٍ، فَمَدَدْتُ سِتَّةَ عَشَرَ ذَنْبًا، حَتَّى مَجَلَّتْ يَدَايَ (2)، ثُمَّ أَتَيْتُ الْمَاءَ فَأَصَبْتُ مِنْهُ، ثُمَّ أَتَيْتُهَا فَقُلْتُ بِكَفِّي هَكَذَا بَيْنَ يَدَيْهَا فَعَدَّتْ لِي سِتَّ عَشْرَةَ تَمْرَةً، فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخْبَرْتُهُ، فَأَكَلَ مَعِيَ مِنْهَا. (3)

كتاب من لا يحضره الفقيه: كان أمير المؤمنين عليه السلام يخرج في الهاجرة في الحاجة قد كفيها، يريد أن يراه الله يتعب نفسه في طلب الحلال. (4)

الإمام الصادق عليه السلام عند ذكر علي عليه السلام: وَاللَّهِ، لَقَدْ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ لَوَجْهِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِمْ يَدَاهُ. (5)

1- الذنوب: الدلو المأوى ماء (الصحاح: ج 1 ص 129 «ذنب»).

2- مجلت يده: إذا ثخن جلدها، وظهر فيها ما يشبه البشر من العمل بالأشياء الصلبة الخشنة (النهاية: ج 4 ص 300 «مجل»).

3- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 286 ح 1135، فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 2 ص 717 ح 1229، صفة الصفوة: ج 1 ص 320 كلها عن مجاهد، ذخائر العقبى: ص 185، كنز العمال: ج 13 ص 179 ح 36532؛ كشف الغمّة: ج 1 ص 175 عن مجاهد، بحار الأنوار: ج 41 ص 33 ح 4.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 163 ح 3596، عوالي اللآلي: ج 3 ص 200 ح 24.

5- الكافي: ج 8 ص 165 ح 175 عن معاوية بن وهب، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 326 ح 895، المحاسن: ج 2 ص 464 ح 2608 كلاهما عن زيد الشحام وفيهما «من كد يده» بدل «دبرت فيهم يده»، الأمالي للصدوق: ص 356 ح 437، مجمع البيان: ج 9 ص 133 كلاهما عن محمد بن قيس عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 41 ص 130 ح 41.

امام علی علیه السلام: يك بار ، در مدینه به شدت گرسنه شدم . برای پیدا کردن کاری ، به بخش های بالای مدینه رفتم . ناگاه زنی را دیدم که کلوخ جمع کرده است. فهمیدم که می خواهد آنها را خیس کند . نزد آن زن رفتم و با او توافق کردم که برای آوردن هر دلو آب ، يك خرما بگیرم . شانزده دلو پُر ، آب آوردم تا دستانم تاول زد . آن گاه آبی آوردم و بر دستم ریختم و نزد آن زن رفتم و گفتم : «[بین] کف دستانم چنین شد» و زن ، برای من شانزده خرما شمرد . نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و او را آگاه گردانیدم و پیامبر صلی الله علیه و آله هم از آن خرما با من خورد .

کتاب من لا یحضره الفقیه : امام علی علیه السلام در گرمای روز برای بر آوردن نیازی، از خانه بیرون می رفت که برآورده شده بود . امام علیه السلام می خواست خدا ، او را در حالی ببیند که در طلب روزی حلال ، خود را به زحمت می اندازد .

امام صادق علیه السلام_ در یادکرد از امام علی علیه السلام _ : به خدا سوگند ، او هزار برده را در راه خداوند عز و جل آزاد کرد . دستان ایشان به خاطر آزاد کردن این برده ها زخم شده بود .

الغارات عن عبد الله بن الحسن (بن الحسن) بن علي بن أبي طالب عليه السلام: أعتق عليّ عليه السلام ألف أهل بيتٍ بما مجلت يدها وعرق جبينه. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْمُنْكَدِرِ كَانَ يَقُولُ: مَا كُنْتُ أَرَى أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْعُ خَلْفًا أَفْضَلَ مِنْهُ حَتَّى رَأَيْتُ ابْنَهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَزِدْتُ أَنْ أَعْطُهُ فَوَعظني، فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: يَا عَلِيُّ شَيْءٌ وَعَظُكَ؟ قَالَ: خَرَجْتُ إِلَى بَعْضِ نَوَاجِي الْمَدِينَةِ فِي سَاعَةِ حَارَّةٍ، فَلَقَيْتَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَكَانَ رَجُلًا بَادِنًا ثَقِيلًا - وَهُوَ مُتَكِيٌّ عَلَى غُلَامَيْنِ أَسْوَدَيْنِ أَوْ مَوْلِيَيْنِ، فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: سُبْحَانَ اللَّهِ! شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا! أَمَا لَأَعْظَنَّهُ، فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ بِنَهْرٍ (2) وَهُوَ يَنْصَابُ عَرَقًا، فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا! أَرَأَيْتَ لَوْ جَاءَ أَجْلُكَ وَأَنْتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَا كُنْتَ تَصْنَعُ؟ فَقَالَ: لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَأَنَا عَلَى هَذِهِ الْحَالِ، جَاءَنِي وَأَنَا فِي (طَاعَةٍ مِنْ) طَاعَةِ اللَّهِ، أَكْفُ بِهَا نَفْسِي وَعِيَالِي عَنْكَ وَعَنِ النَّاسِ، وَإِنَّمَا كُنْتُ أَخَافُ أَنْ لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَأَنَا عَلَى مَعْصِيَةٍ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ. فَقُلْتُ: صَدَقْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ، أَزِدْتُ أَنْ أَعْظُكَ فَوَعظتني. (3)

1- الغارات: ج 1 ص 92، بحار الأنوار: ج 34 ص 354 ح 1175؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 2 ص 202 نحوه.

2- النَّهْرُ: الرَّجْرُ، يُقَالُ: نَهَرَهُ وَانْتَهَرَهُ (المصباح المنير: ص 628 «نهر»).

3- الكافي: ج 5 ص 73 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 325 ح 894، الإرشاد: ج 2 ص 161 كَلَّمَهَا عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ، شرح الأخبار: ج 3 ص 282 ح 1192، بحار الأنوار: ج 46 ص 287 ح 5؛ الفصول المهمة لابن الصبَّاح: ص 210، وراجع: تهذيب التهذيب: ج 5 ص 211 الرقم 7274.

الغارات_ به نقل از عبد الله بن الحسن [بن الحسن] بن علی بن ابی طالب علیه السلام_ :علی علیه السلام هزار خانوار را با در آمدی که با پینه دست و عرق جبین ، به دست آورده بود ، آزاد کرد .

امام صادق علیه السلام :محمّد بن منکدر می گفت : من گمان نمی کردم امام زین العابدین علیه السلام جانشینی برتر از خود بنهد، تا آن که پسرش امام باقر علیه السلام را دیدم و خواستم بدو پند دهم ؛ ولی او مرا پند داد . دوستانش به منکدر گفتند : امام علیه السلام به چه چیزی تو را پند داد؟ گفت : در ساعات گرم روز به یکی از مناطق مدینه رفتم . امام باقر_ که مردی تنومند و سنگین بود_ مرا دید . او به دو غلام سیاه یا دو برده تکیه کرده بود . با خود گفتم : سبحان الله ! در این ساعت ، بزرگی از بزرگان قریش ، در طلب دنیا است! خوب است او را اندرز دهم . به او نزدیک شدم و سلام کردم . او در حالی که عرق می ریخت ، به تندی جواب سلام مرا داد . گفتم : خدا حالت را نیکو گرداند! بزرگی از بزرگان قریش ، در این ساعت در طلب دنیا است!؟ هیچ می دانی اگر در این وضع ، مرگ تو فرارسد ، چه می کنی؟ فرمود : «اگر مرگم در این وضع فرارسد ، در حالی فرارسیده است که من در حال فرمانبری از خدا هستم و با این فرمانبری و اطاعت ، خود و خانواده ام را از نیاز به تو و مردم باز می دارم . من از این می هراسم که اگر مرگم ، در حال معصیت خدا رسد ، چه کنم» . گفتم : خدا بر تو رحمت آورد! راست می گویی . من خواستم به تو پند دهم ؛ لیکن تو به من پند دادی .

الكافي عن أبي عمرو الشيباني: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِيَدِهِ مِسْحَاةٌ وَعَلَيْهِ إِزَارٌ غَلِيظٌ يَعْمَلُ فِي حَائِطٍ لَهُ وَالْعَرَقُ يَتَصَابُ عَنْ ظَهْرِهِ ، فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، أَعْطَيْتَنِي أَكْفِكَ . فَقَالَ لِي : إِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَتَأَذَّى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ . (1)

الكافي عن عبد الأعلى مولى آل سام: اسْتَقْبَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ شَدِيدِ الْحَرِّ ، فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، حَالُكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلُوقَرَابَتِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْتَ تَجْهَدُ لِنَفْسِكَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ؟! فَقَالَ : يَا عَبْدَ الْأَعْلَى ، خَرَجْتُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ لِأَسْتَعِينِي عَنْ مِثْلِكَ . (2)

الكافي عن أبي حمزة: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْمَلُ فِي أَرْضٍ لَهُ قَدْ اسْتَنْقَعَتْ قَدَمَاهُ فِي الْعَرَقِ ، فَقُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ، أَيْنَ الرَّجَالُ؟ فَقَالَ : يَا عَلِيُّ ، قَدْ عَمِلَ بِالْيَدِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي فِي أَرْضِهِ وَمِنْ أَبِي ، فَقُلْتُ لَهُ : وَمَنْ هُوَ؟ فَقَالَ : رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ، وَأَبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كُلُّهُمْ كَانُوا قَدْ عَمَلُوا بِأَيْدِيهِمْ ، وَهُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ . (3)

7 / 6 سيرتهم في العطاء والصلوة رسول الله صلى الله عليه وآله: إنا لنعطي غير المستحق حذرا من رد المستحق . (4)

- 1- الكافي: ج 5 ص 76 ح 13 ، بحار الأنوار: ج 47 ص 57 ح 101 ، وراجع: كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 163 ح 3595 .
- 2- الكافي: ج 5 ص 74 ح 3 ، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 325 ح 893 ، بحار الأنوار: ج 47 ص 55 ح 96 .
- 3- الكافي: ج 5 ص 75 ح 10 ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 162 ح 3593 ، عوالي اللآلي: ج 3 ص 200 ح 22 ، بحار الأنوار: ج 48 ص 115 ح 27 .
- 4- عدة الداعي: ص 91 ، بحار الأنوار: ج 96 ص 159 ح 37 .

6 / 7 روش اهل بیت علیهم السلام در بخشش و صلہ

الکافی_ به نقل از ابو عمرو و شیبانی _ : امام صادق علیه السلام را دیدم که بیلی در دست و جامه ای زبر بر تن دارد و در باغ خود، مشغول کار است و عرق از پشتش می ریزد . گفتم : قربانت گردم! اجازه بده من این کار را برایت انجام دهم . فرمود : «من دوست دارم انسان ، در طلب معاش ، خود را در گرمای آفتاب به رنج اندازد» .

الکافی_ به نقل از عبد الأعلى ، وابسته خاندان سام _ : در روزی از روزهای بسیار گرم تابستان ، با امام صادق علیه السلام رو به رو شدم . گفتم : قربانت گردم! وضع تو در درگاه خداوندی و خویشاوندی ات با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین است ؛ ولی با این حال ، در چنین روزی، خود را به سختی می افکنی؟! امام علیه السلام فرمود : «ای عبد الأعلى! در طلب روزی بیرون آمده ام تا از امثال تویی نیاز باشم» .

الکافی_ به نقل از ابو حمزه _ : امام کاظم علیه السلام را دیدم که در زمینش کار می کرد و دو پایش خیس عرق شده بود . گفتم : قربانت گردم! مردانت کجا هستند؟ فرمود : «ای علی! کسانی با دستشان در زمین خود کار کرده اند که از من و پدرم بهتر بودند» . گفتم : آنها چه کسانی بودند؟ فرمود : «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، امیر مؤمنان علیه السلام و پدرانم، همگی با دست خویش کار می کرده اند . این ، کار پیامبران و فرستادگان و جانشینان و نیکان است» .

6 / 7 روش اهل بیت علیهم السلام در بخشش و صلہ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ما از بیم آن که مستحق را رد نکرده باشیم ، به غیر مستحق هم می بخشیم .

ربيع الأبرار عن محمد بن الحنفية: كان أبي يدعوقنبراً بالليل فيحمله دقيقا وتمرا فيمضي إلى أبيات قد عرّفها ولا يطلع عليه أحد. فقلت له: يا أبت، ما يمنحك أن يدفع إليهم نهاراً؟ قال: يا بني، صدقة السرّ تطفئ غضب الربّ عز وجل. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إن الحسن بن عليّ عليه السلام قاسم ربه ثلاث مرّات، نعلًا ونعلًا، وثوبًا وثوبًا، ودينارًا ودينارًا. (2)

مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي عن الحسن البصري: كان الحسين بن عليّ عليه السلام سيّدًا زاهدًا ورعًا صالحًا ناصحًا حسن الخلق، فذهب ذات يوم مع أصحابه إلى بستانه، وكان في ذلك البستان غلام له اسمه «صافي»، فلما قرب من البستان رأى الغلام قاعدا يأكل خبزًا، فنظر الحسين عليه السلام إليه وجلس عند نخله مستترًا لا يراه، فكان يرفع الرغيف فيرمي بنصفه إلى الكلب ويأكل النصف الآخر. فتعجب الحسين عليه السلام من فعل الغلام، فلما فرغ من أكله قال: الحمد لله رب العالمين، اللهم اغفر لي، واغفر لسيدي، وبارك له كما باركت على أبيه، برحمتك يا أرحم الراحمين. فقام الحسين عليه السلام وقال: يا صافي! فقام الغلام فرعا وقال: يا سيدي وسيدي المؤمنين، إني ما رأيتك، فاعف عني. فقال الحسين عليه السلام: اجعلني في حل يا صافي، لأنني دخلت بستانك بغير إذنك. فقال صافي: بفضلك يا سيدي وكرمك وسؤدك تقول هذا. فقال الحسين عليه السلام: رأيتك ترمي بنصف الرغيف للكلب وتأكل النصف الآخر، فما معنى ذلك؟ فقال الغلام: إن هذا الكلب ينظر إليّ حين أكل، فأستحي منه يا سيدي لنظره إليّ، وهذا كلبك يحرس بستانك من الأعداء، فأنا عبدك، وهذا كلبك، فأكلنا رزقك معا. فبكى الحسين وقال: أنت عتيق لله، وقد وهبت لك ألفي دينار بطيبة من قلبي. فقال الغلام: إن اعتقتني فأنا أريد القيام ببستانك. فقال الحسين: إن الرجل إذا تكلم بكلام فينبغي أن يصدّقه بالفعل، فأنا قد قلت: دخلت بستانك بغير إذنك، فصدقت قولي، ووهبت البستان وما فيه لك، غير أن أصحابي هؤلاء جاؤوا لأكل الثمار والرطب فاجعلهم أضيافا لك وأكرمهم من أجلي، أكرمك الله يوم القيامة وبارك لك في حسن خلقك وأدبك. فقال الغلام: إن وهبت لي بستانك فأنا قد سبّلته لأصحابك وشيعتك. قال الحسن [البصري]: فينبغي للمؤمن أن يكون كنافلة رسول الله صلى الله عليه وآله. (3)

1- ربيع الأبرار: ج 2 ص 148؛ المناقب للكوفي: ج 2 ص 69 ح 552، وراجع: الكافي: ج 4 ص 7 ح 1 و تهذيب الأحكام: ج 4 ص 105 ح 299.

2- تهذيب الأحكام: ج 5 ص 11 ح 29 عن الحلبي، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 14 عن القاسم بن عبد الرحمن عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 43 ص 339 ح 13؛ السنن الكبرى: ج 4 ص 542 ح 8645، سير أعلام النبلاء: ج 3 ص 260 الرقم 47 كلاهما عن ابن عباس، تاريخ دمشق: ج 13 ص 243 عن علي بن زيد بن جدعان وكلها نحوه.

3- مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي: ج 1 ص 153؛ مستدرک الوسائل: ج 7 ص 192 ح 8006 نقلًا عن السيّد وليّ الله الرضوي في مجمع البحرين في مناقب السبطين.

ربیع الأبرار_ به نقل از محمد بن حنفیه _ پدرم ، شبانه قنبر را می خواند و آرد و خرما بر دوش او می گذاشت و بی آن که کسی آگاهی یابد ، به خانه هایی که می شناخت ، می رساند . به او گفتم : پدر جان! چرا آن را در روز بدیشان نمی بخشی؟ فرمود : «فرزندم! صدقه پنهانی ، آتش خشم خداوند عز و جل را خاموش می کند» .

امام صادق علیه السلام : حسن بن علی علیه السلام سه بار ، هر آنچه از کفش و جامه و دینار داشت ، با خدا تقسیم کرد .

مقتل الحسین علیه السلام ، خوارزمی _ به نقل از حسن بصری _ : حسین بن علی علیه السلام ، سروری زاهد ، پارسا ، شایسته ، خیرخواه و خوش اخلاق بود . ایشان روزی با اطرافیانش به باغ خود رفت . در این باغ ، غلامی کار می کرد که نامش «صافی» بود . چون امام علیه السلام به باغ نزدیک شد ، غلام را دید که نشسته و نان می خورد . امام حسین علیه السلام بدو نگریست و زیر درخت خرمایی نشست که ایشان را می پوشانید و غلام نمی توانست ایشان را ببیند . غلام ، یک گرده نان را بر می داشت و نصف آن را به طرف سگش می انداخت و نیم دیگر را خودش می خورد . حسین علیه السلام از این کار غلام در شگفت شد . چون غلام از خوردن آسوده گشت ، گفت : سپاس ، خداوند جهانیان را . خدا! مرا بیامرز و سرورم را بیامرز و به او برکت بده ، چنان که به پدر و مادر او برکت دادی ، به رحمت خودت ، ای مهربان ترین مهربانان! در این هنگام ، حسین علیه السلام برخاست و فرمود : «ای صافی!» . غلام ، وحشت زده برخاست و گفت : سرورم و سرور همه مؤمنان! من شما را ندیدم . مرا ببخش . حسین علیه السلام فرمود : «مرا حلال کن ، ای صافی ؛ زیرا من ، بدون اجازه تو به باغت وارد شدم» . صافی گفت : به سبب فضیلت و کرم و سروری خودت چنین سخنی را می گویی ، سرورم! حسین علیه السلام فرمود : «دیدم که نیمی از گرده نان را به سگت می دهی و نیم دیگر آن را خود می خوری . این کار چه معنا دارد؟» . غلام گفت : سرورم! هنگامی که من نان می خوردم ، این سگ به من می نگریست . من از نگاه او شرم کردم . آخر ، این هم سگِ توست که باغت را در برابر دشمنان حفظ می کند . من برده تو ام و این ، سگ توست و هر دو با هم ، روزی از تو رسیده را خوردیم . حسین علیه السلام گریست و فرمود : «تو در راه خدا آزادی و با طیب خاطر ، دو هزار دینار به تو می بخشم» . غلام گفت : اگر مرا آزاد می کنی ، من باز هم می خواهم عهده دار باغت تو باشم . حسین علیه السلام فرمود : «مرد ، هر گاه سخنی بر زبان می آورد ، شایسته است که آن را با عمل خود تأیید کند . من گفتم : بدون اجازه تو به باغت وارد شدم و سخن خود را تأیید کردم و باغت را با هر آنچه در آن است ، به تو بخشیدم ؛ ولی این گروه از اطرافیان من آمده اند تا میوه و خرما بخورند . آنها را به خاطر من ، میهمان خود بدار و ارجشان نه . خداوند در روز رستاخیز ، بر تو ارج نهد و به سبب خوش اخلاقی و ادب ، به تو برکت دهد!» . غلام گفت : اگر تو باغت را به من بخشیدی ، من هم آن را وقف اطرافیان و شیعیان تو می کنم . بر مؤمن شایسته است که همچون نوه پیامبر خدا باشد .

علل الشرائع عن أبي حمزة الثمالي: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِمَوْلَاةٍ لَهُ: لَا يَعْْبُرُ عَلَيَّ بَابِي سَائِلٌ إِلَّا أَطَعْتُمُوهُ، فَإِنَّ الْيَوْمَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ. قُلْتُ لَهُ: لَيْسَ كُلُّ مَنْ يَسْأَلُ مُسْتَحِقًّا! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخَافُ أَنْ يَكُونَ بَعْضُ مَنْ يَسْأَلُنَا مُجِحًّا فَلَا نُطْعِمُهُ وَنَزِدُّهُ، فَيَنْزِلَ بِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا نَزَلَ بِعِيقُوبٍ. (1)

1- .علل الشرائع: ص 45 ح 1، قصص الأنبياء للراوندي: ص 126 ح 127 نحوه، بحار الأنوار: ج 12 ص 271 ح 48.

علل الشرائع_ به نقل از ابو حمزه ثمالی _ : شنیدم امام زین العابدین علیه السلام به کنیز خود می فرماید : «بر درِ خانه من ، فقیری گذر نکند ، مگر آن که او را اطعام کنید» . آن روز ، جمعه بود . به امام علیه السلام گفتم : هر که چیزی می خواهد که مستحق نیست . امام علیه السلام فرمود : «می ترسم یکی از کسانی که گدایی می کند ، مستحق باشد و ما او را اطعام نکنیم و بازش گردانیم و آن گاه بر ما اهل بیت ، آن نازل شود که بر یعقوب نازل شد» .

الإمام الباقر عليه السلام: إنا أهل البيت نصل من قطعنا ونحسن إلى من أساء إلينا، فنرى واللّه في ذلك العاقبة الحسنّة. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: كان أبي عليه السلام أقل أهل بيته مالا وأعظمهم مؤونةً، وكان يتصدق كل جمعة بدينارٍ، وكان يقول: الصدقة يوم الجمعة تضاعف؛ لفضل يوم الجمعة على غيره من الأيام. (2)

مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا عن سلمى مولاة أبي جعفر عليه السلام: كان يدخل عليه إخوانه فلا يخرجون من عنده حتى يطعمهم الطيب ويكسوهم الثياب الحسنّة ويهب لهم الدراهم، قالت: فأقول له: بعض ما تصنع! قال: فيقول: يا سلمى، ما تؤمل في الدنيا بعد المعارف والإخوان؟! (3)

الإرشاد عن الحسن بن كثير: شكوت إلى أبي جعفر محمد بن عليّ عليه السلام الحاجة وجفاء الإخوان، فقال: بس الأخ أخ يرعاك غيبًا ويقطعك فقيرا. ثم أمر غلامه فأخرج كيسا فيه سبعمئة درهم، وقال: استنق هذه فإذا نفذت فأعلمني. (4)

الكافي عن هشام بن سالم: كان أبو عبد الله عليه السلام إذا أعتم (5) وذهب من الليل شطره أخذ جرابا فيه خبز ولحم والدراهم فحمله على عنقه، ثم ذهب به إلى أهل الحاجة من أهل المدينة فقسّمه فيهم ولا يعرفونه، فلما مضى أبو عبد الله عليه السلام فقدوا ذلك فعلموا أنه كان أبا عبد الله عليه السلام. (6)

- 1- الكافي: ج 2 ص 488 ح 1 عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام، قرب الإسناد: ص 386 ح 1358، بحار الأنوار: ج 93 ص 367 ح 1.
- 2- ثواب الأعمال: ص 220 ح 1 عن أبي محمد الوابشي وعبدالله بن بكير، بحار الأنوار: ج 46 ص 294 ح 23.
- 3- مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا: ص 212 ح 312، الإخوان: ص 214 ح 177، مطالب السؤول: ج 2 ص 105، الفصول المهمة لابن الصبّاغ: ص 212 وفي الأخيرين «ما حسنة الدنيا إلا صلة الإخوان والمعارف» بدل «ما تؤمل في الدنيا...»؛ كشف الغمة: ج 2 ص 330، بحار الأنوار: ج 46 ص 290 ح 15.
- 4- الإرشاد: ج 2 ص 166، روضة الواعظين: ص 225، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 207، بحار الأنوار: ج 46 ص 287 ح 6؛ الإخوان: ص 215 ح 179، مطالب السؤول: ج 2 ص 105.
- 5- عتم الليل وأعتم: إذا مرّ قطعة من الليل، والعتمة: ثلث الليل الأول بعد غيبوبة الشفق، وقيل: وقت صلاة العشاء الأخيرة، وأعتم الرجل: صار في ذلك الوقت (أنظر: لسان العرب: ج 12 ص 381 «عتم»).
- 6- الكافي: ج 4 ص 8 ح 1، بحار الأنوار: ج 47 ص 38 ح 40.

امام باقر علیه السلام: ما اهل بیت، به هر که از ما بگلسد، می پیوندیم و به کسی که به ما بدی کند، نیکی می کنیم. به خدا سوگن اقا فرجام نیک را در این می بینیم.

امام صادق علیه السلام: پدر من در میان اهل بیتش، مالش از همه کمتر و مخارجش از همه بیشتر بود. او هر جمعه، یک دینار صدقه می داد و می فرمود: «صدقه در روز جمعه، به سبب فضیلت روز جمعه بر دیگر روزها دو چندان می شود».

مکارم الأخلاق، ابن ابی الدنیا_ به نقل از سلمی، کنیز امام باقر علیه السلام_ برادران امام علیه السلام بر ایشان وارد می شدند و از پیش ایشان نمی رفتند، مگر آن که امام علیه السلام آنان را خوراک نیکو می داد و جامه فاخر بر تنشان می کرد و چند درهم بدیشان صله می داد. من به ایشان عرض می کردم: کارها می کنی! امام علیه السلام می فرمود: «ای سلمی! ما در دنیا چیزی جز بخشش و احسان به برادران، آرزویی نداریم».

الإرشاد_ به نقل از حسن بن کثیر_ نزد امام باقر علیه السلام از فقر و جفای برادران، شکوه کردم. فرمود: «بدترین برادر، برادری است که تو را به وقت توانگری در نظر داشته باشد و هنگام فقر، از تو بُرد». سپس به غلامش دستور داد همیانی بیاورد که در آن هفتصد درهم بود. و فرمود: «این را خرج کن و هر گاه تمام شد، مرا آگاه کن».

الکافی_ به نقل از هشام بن سالم_ امام صادق علیه السلام هر گاه تاریک می شد و نیمی از شب سپری می گشت، کیسه ای پوستین بر می گرفت که در آن، نان و گوشت و درهم بود. آن را بر گردن می افکند و برای نیازمندان مدینه می بُرد و در حالی که او را نمی شناختند، میانشان تقسیم می کرد. چون امام علیه السلام رحلت کرد و آنها این کمک ها را از دست دادند، دانستند که آن شخص، امام صادق علیه السلام بوده است.

الكافي عن معلّى بن خنيس: خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةٍ قَدْ رَشَتْ وَهُوَ يُرِيدُ ظِلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ، فَاتَّبَعْتُهُ فَإِذَا هُوَ قَدْ سَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ، فَقَالَ: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ رُدِّ عَلَيْنَا، فَاتَيْتُهُ فَسَدَّ لَمْتُ عَلَيْهِ، فَقَالَ: مُعَلَّى؟ قُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ لِي: ائْتِمَسْ بِيَدِكَ، فَمَا وَجَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَادْفَعْهُ إِلَيَّ. قَالَ: فَإِذَا أَنَا بِخُبْزٍ مُنْتَشِرٍ كَثِيرٍ، فَجَعَلْتُ أَدْفَعُ إِلَيْهِ مَا وَجَدْتُ، فَإِذَا أَنَا بِجِرَابٍ أَعْجَزُ عَنْ حَمَلِهِ مِنْ خُبْزٍ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَحْمِلْهُ عَلَيَّ رَأْسِي؟ فَقَالَ: لَا، أَدَا أَوْلَى بِهِ مِنْكَ وَلَكِنْ امْضِ مَعِيَ. قَالَ: فَاتَيْنَا ظِلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ، فَإِذَا نَحْنُ بِقَوْمٍ نِيَامُ فَجَعَلَ يَدُسُّ الرِّغِيفَ وَالرِّغِيفِينَ حَتَّى أَتَى عَلَيَّ آخِرِهِمْ ثُمَّ انْصَرَفْنَا، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، يَعْرِفُ هَؤُلَاءِ الْحَقَّ؟ فَقَالَ: لَوْ عَرَفُوا لَوَاسَيْنَاهُمْ بِالذُّقَّةِ. (1)

الأمالى للطوسى عن أبى جعفر الخثعمى: أعطانى أبو عبد الله عليه السلام خمسين دينارا فى صرّة، فقال لى: ادفعا لى رجل من بنى هاشم ولا تعلمه أنى أعطيتك شيئا. فأتيتهُ فقال: من أين هذه؟ جزاء الله خيرا، فما يزال كل حين يبعث بها فنكون مما نعيش فيه إلى قابل، ولكن لا يصلنى جعفر بدرهم فى كثرة ماله! (2)

-
- 1- الكافي: ج 4 ص 8 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 105 ح 300، ثواب الأعمال: ص 173 ح 2، بحار الأنوار: ج 47 ص 21 ح 17، وراجع: المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 75.
- 2- الأمالى للطوسى: ص 677 ح 1433، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 273 نحوه، بحار الأنوار: ج 47 ص 23 ح 26.

الكافی_ به نقل از معلی بن خنیس _ : امام صادق علیه السلام در شبی که نم نم باران می آمد ، آهنگ سقیفه بنی ساعده کرد . من هم او را تعقیب کردم . ناگهان چیزی از او افتاد . امام علیه السلام فرمود : «بسم الله ، خدایا! آن را به ما باز گردان» . به خدمتش رسیدم و سلام کردم . فرمود : «معلی! تو هستی؟» . گفتم : بله ، قربانت گردم! فرمود : «با دستت زمین را لمس کن و هر چه یافتی ، به من بده» . ناگهان دیدم مقدار زیادی نان ریخته است . آنچه را می یافتم ، به ایشان می دادم و این چنین ، کیسه ای چرمی از نان پر شد که من نمی توانستم آن را حمل کنم . گفتم : قربانت گردم! آن را بر سر خود حمل بکنم؟ فرمود : «نه . من به این کار از تو شایسته ترم ؛ ولی همراه من بیا» . به سقیفه بنی ساعده رسیدیم و به جماعتی برخوردیم که خواب بودند . امام علیه السلام يك يا دو گرده نان ، زیر سر هر يك می نهاد تا به آخرین آنها رسید و آن گاه باز گشتیم . گفتم : قربانت گردم! اینها حق را می شناسند (شیعه هستند)؟ فرمود : «اگر حق را می شناختند ، از دل و جان بدیشان یاری می رساندیم» .

الأمالی ، طوسی_ به نقل از ابو جعفر خثعمی _ : امام صادق علیه السلام پنجاه دینار را در همیانی به من داد و فرمود : «آن را به مردی از بنی هاشم بده و به او نگو که من چیزی به تو داده ام» . نزد آن مرد رفتم . او گفت : این از کجاست؟ خدا به او جزای خیر دهد! او هر بار که این مال را می فرستد ، ما با آن تا دفعه بعد زندگی می کنیم ؛ ولی جعفر [صادق] با آن فراوانی مال ، يك درهم هم برای ما نمی فرستد!

العدد القويّة: كان جَعْفَرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُطْعِمُ حَتَّى لَا يَبْقَى لِعِيَالِهِ شَيْءٌ . (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: نَحْنُ فِي الْعِلْمِ وَالشَّجَاعَةِ سَوَاءٌ، وَفِي الْعَطَايَا عَلَيَّ قَدْرٌ مَا نُؤْمَرُ . (2)

الكافي عن اليسع بن حمزة: كُنْتُ فِي مَجْلِسِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَدُهُ، وَقَدْ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ يَسْأَلُونَهُ عَنِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ طَوَالَ آدَمَ (3) فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، رَجُلٌ مِنْ مُجِيبِكَ وَمُجِيبِي آبَائِكَ وَأَجْدَادِكَ، مَصْدَرِي مِنَ الْحَرَجِّ، وَقَدْ افْتَقَدْتُ نَفْقَتِي وَمَا مَعِيَ مَا أَبْلُغُ مَرَحَلَةً، فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُنْهَضَ نِي إِلَى بَلَدِي وَلِلَّهِ عَلَيَّ نِعْمَةٌ، فَإِذَا بَلَغْتُ بَلَدِي تَصَدَّقْتُ بِالَّذِي تَوَلَّيْتَنِي عَنْكَ فَلَسْتُ مَوْضِعَ صَدَقَةٍ، فَقَالَ لَهُ: اجْلِسْ رَحِمَكَ اللَّهُ. وَأَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ يُحَدِّثُهُمْ حَتَّى تَفَرَّقُوا، وَبَقِيَ هُوَ وَسَيِّدُ لَيْمَانَ الْجَعْفَرِيُّ وَخَيْثَمَةُ وَأَنَا، فَقَالَ: أَتَأْذَنُونَ لِي فِي الدُّخُولِ؟ فَقَالَ لَهُ سَيِّدُ لَيْمَانَ: قَدَّمَ اللَّهُ أَمْرَكَ. فَقَامَ فَدَخَلَ الْحُجْرَةَ وَبَقِيَ سَاعَةً، ثُمَّ خَرَجَ وَرَدَّ الْبَابَ وَأَخْرَجَ يَدَهُ مِنْ أَعْلَى الْبَابِ وَقَالَ: أَيْنَ الْخُرَاسَانِيُّ؟ فَقَالَ: هَا أَنَا ذَا، فَقَالَ: خُذْ هَذِهِ الْمِائَتِي دِينَارٍ وَاسْتَعِنْ بِهَا فِي مَوْتِكَ وَنَفَقَتِكَ، وَتَبَرَّكْ بِهَا وَلَا تَصَدَّقْ بِهَا عَنِّي، وَأَخْرُجْ فَلَا أُرَاكَ وَلَا تَرَانِي. ثُمَّ خَرَجَ، فَقَالَ لَهُ سَيِّدُ لَيْمَانَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، لَقَدْ أَجْرَلْتِ وَرَحِمْتَ فَلِمَاذَا سَتَرْتَ وَجْهَكَ عَنْهُ؟ فَقَالَ: مَخَافَةٌ أَنْ أَرَى ذُلَّ السُّؤَالِ فِي وَجْهِهِ لِقَضَائِي حَاجَتَهُ، أَمَا سَمِعْتَ حَدِيثَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُسْتَبْرُ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حَجَّةً، وَالْمُذْبِعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَالْمُسْتَبْرُ بِهَا مَغْفُورٌ لَهُ؟ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْأَوَّلِ (4): مَتَى آتَيْتَهُ يَوْمًا لِأَطْلُبَ حَاجَةً رَجَعْتُ إِلَى أَهْلِي وَوَجَّهِي بِمَانِهِ

(5)

- 1- العدد القويّة: ص 152 ح 77 عن الهيثاج بن بسطام، بحار الأنوار: ج 47 ص 33 ح 30؛ تهذيب الكمال: ج 5 ص 87 الرقم 950، حلية الأولياء: ح 3 ص 194 الرقم 242، سير أعلام النبلاء: ج 6 ص 262 الرقم 117، مطالب السؤول: ج 2 ص 112 كلّها عن الهيثاج بن بسطام.
- 2- الكافي: ج 1 ص 275 ح 2، مسائل علي بن جعفر: ص 327 ح 814، بصائر الدرجات: ص 480 ح 3 كلّها عن علي بن جعفر، بحار الأنوار: ج 25 ص 357 ح 7.
- 3- الأدم من الناس: الأسمر (لسان العرب: ج 12 ص 11 «أدم»).
- 4- أي القدماء الذين تقدّم عهدهم (كما في الوافي).
- 5- الكافي: ج 4 ص 23 ح 3، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 360 نحوه، بحار الأنوار: ج 49 ص 101 ح 19.

العدد القویة_ به نقل از هیاج بن بسطام _ : امام صادق علیه السلام آن قدر اطعام می کرد که دیگر برای خانواده اش چیزی باقی نمی ماند .

امام کاظم علیه السلام : ما همه در علم و شجاعت ، يك سانیم؛ ولی در بخشش ، به اندازه ای هستیم که مأموریم .

الکافی_ به نقل از یسع بن حمزه _ : در خدمت امام رضا علیه السلام بودم و با ایشان سخن می گفتم . گروه فراوانی در خدمت ایشان بودند و از ایشان در باره حلال و حرام می پرسیدند که مردی بلندقامت و گندمگون وارد شد و گفت : سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا! مردی از دوستداران تو و دوستداران پدران و نیاکان تو ام . از حج باز می گردم . خرجی خود را گم کرده ام و چیزی ندارم تا خود را با آن به جایی برسانم . اگر صلاح می دانی ، مرا به شهرم برسان . از فضل خدا توانگر هستم و هر گاه به شهر خود رسیدم ، آن مقدار که به من داده ای ، به عوض تو صدقه می دهم ؛ چرا که به من صدقه تعلق نمی گیرد . امام علیه السلام فرمود : «بنشین . رحمت خدا بر تو باد!» و به مردم رو کرد و با آنها سخن گفت تا همه پراکنده شدند و آن مرد ماند به همراه سلیمان جعفری و خیمه و من . امام علیه السلام فرمود : «آیا به من اجازه می دهید به اندرونی بروم؟» . سلیمان گفت : خداوند ، کار شما را پیش ببرد ! امام علیه السلام برخاست و داخل اتاق شد و اندکی باقی ماند و بیرون آمد و در را بست و دستش را از بالای در بیرون آورد و فرمود : «آن خراسانی کجاست؟» . گفت : این جا هستم . امام علیه السلام فرمود : «این دو بست دینار را بگیر و آن را کمک خرج خود کن و با آن ، برکت بجوی و از سوی من صدقه نده و برو تا نه من تو را ببینم و نه تو مرا ببینی» . آن مرد رفت . سلیمان به امام علیه السلام گفت : قربانت گردم! با نظر بلندی بخشیدی و رحم آوردی ؛ اما چرا چهره ات را از او پوشاندی؟ امام علیه السلام فرمود : «از ترس این که خواری خواهش را به سبب این که آن را بر آوردم ، در چهره اش ببینم . آیا این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را نشنیده ای که : نیکویی کردن پنهانی ، همسنگ هفتاد حج است و آن که پرده از بدی بر دارد ، بی یار و نهاده می شود و آن که بدی را پوشاند ، خدا او را می آمرزد؟ . آیا این سخن پیشینیان را نشنیده ای که : هر گاه من برای طلب نیازی نزد او آیم به سوی خانواده ام باز می گردم ، در حالی که آبرویم باقی است» .

تفسير العياشي عن محمد بن عيسى بن زياد: كُنتُ في ديوانِ ابنِ عَبَّادٍ فرَأيتُ كِتَابًا يُنْسَخُ ، سَأَلْتُ (1) عَنْهُ فَقَالُوا : كِتَابُ الرِّضَا إِلَى ابْنِهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مِنْ خُرَاسَانَ ، فَسَأَلْتُهُمْ أَنْ يَدْفَعُوهُ إِلَيَّ فَدَفَعُوهُ إِلَيَّ ، فَإِذَا فِيهِ : بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، أَبْقَاكَ اللّهُ طَوِيلًا وَأَعَاذَكَ مِنْ عَدُوِّكَ يَا وَلَدِي فِدَاكَ أَبُوكَ ، قَدْ فَسَّرْتُ لَكَ مَا لِي وَأَنَا حَيٌّ سَوِيٌّ رَجَاءٌ أَنْ يَمُنَّكَ اللّهُ بِالصَّلَةِ لِقَرَابَتِكَ وَلِمَوَالِي مُوسَى وَجَعْفَرَ رَضِيَ اللّهُ عَنْهُمَا ... ، قَالَ اللّهُ : «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (2) وَقَالَ : «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللّهُ» (3) وَقَدْ أَوْسَعَ اللّهُ عَلَيْكَ كَثِيرًا ... (4)

الكافي عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي: قَرَأْتُ كِتَابَ أَبِي الحَسَنِ الرِّضَا إِلَى أَبِي جَعْفَرَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : يَا أَبَا جَعْفَرَ ، بَلَّغْنِي أَنَّ المَوَالِي إِذَا رَكِبَتْ أَخْرَجُوكَ مِنَ البَابِ الصَّغِيرِ ، فَإِنَّمَا ذَلِكَ مِنْ بُخْلِ مِنْهُمْ لِئَلَّا يَنَالَ مِنْكَ أَحَدٌ خَيْرًا ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ لَا يَكُنْ مَدْخَلَكَ وَمَخْرَجُكَ إِلَّا مِنَ البَابِ الكَبِيرِ ، فَإِذَا رَكِبْتَ فَلْيَكُنْ مَعَكَ ذَهَبٌ وَفِصَّةٌ ، ثُمَّ لَا يَسْأَلُكَ أَحَدٌ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ ، وَمَنْ سَأَلَكَ مِنْ عُمُومَتِكَ أَنْ تَبْرَهُ فَلَا تُعْطِهِ أَقَلَّ مِنْ خَمْسِينَ دِينَارًا وَالكَثِيرُ إِلَيْكَ ، وَمَنْ سَأَلَكَ مِنْ عَمَّاتِكَ فَلَا تُعْطِهَا أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ دِينَارًا وَالكَثِيرُ إِلَيْكَ ، إِنِّي إِنَّمَا أُرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ يَرْفَعَكَ اللّهُ ، فَأَنْفِقْ وَلَا تَخْشَ مِنْ ذِي العَرْشِ إِقْتَارًا . (5)

1- كذا في المصدر ، وفي البرهان «فسألت» وهو الأصح .

2- البقرة : 245 .

3- الطلاق : 7 .

4- تفسير العياشي : ج 1 ص 131 ح 436 ، بحار الأنوار : ج 50 ص 103 ح 18 .

5- الكافي : ج 4 ص 43 ح 5 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 8 ح 20 ، مشكاة الأنوار : ص 409 ح 1369 ، الدرّ النظيم :

ص 692 ، منتقى الجمان : ج 2 ص 452 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 50 ص 102 ح 16 .

تفسیر العیاشی_ به نقل از محمد بن عیسی بن زیاد_ در دیوان ابن عَبَّاد بودم و دیدم که از نامه ای نسخه بر می دارند . در باره آن پرسش کردم . گفتند : نامه امام رضاست از خراسان به پسرش . از آنها خواستم آن را به من بدهند . آنها نامه را به من دادند . در آن، چنین آمده بود : «به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند ، عُمَر تو را دراز گرداند و از دشمنت پناهت دهد! فرزندم! پدرت فدایت باد! آنچه را لازم می دانستم ، برای تو بیان کردم ، در حالی که زنده و تن درستم، به امید آن که خداوند ، با صله دادنِ تو به نزدیکانت و وابستگان موسی و جعفر _ که خداوند از آن دو، خشنود باد _ بر تو مَت نهد... . خداوند می فرماید : «کیست آن کس که به [بندگان] خدا وامی نیکو دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که [در معیشت بندگان،] تنگنا و گشایش پدید می آورد و به سوی او باز گردانده می شوید» و نیز می فرماید : «بر توانگر است که از دارایی خود، انفاق کند و هر که روزی اش تنگ شده است ، [در همان حد] از آنچه خداوند به او داده است ، انفاق کند» و خداوند ، به تو گشایش فراوان [در روزی] داده است...» .

الکافی_ به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنی _ : نامه امام رضا علیه السلام به امام جواد علیه السلام را خواندم . در آن، چنین آمده بود : «ای ابو جعفر! به من خبر رسیده است که هر گاه [برای خروج] بر مرکب خود سوار می شوی ، اطرافیان ، تو را از در پستی بیرون می برند . این از تنگ نظری آنهاست تا مبادا کسی از تو به خیر رسد . به حَقِّم بر تو ، می خواهم که رفت و آمدت ، از درِ اصلی باشد و هر گاه [برای خروج] بر مرکب سوار می شوی، با خود ، طلا و نقره داشته باشی و کسی از تو چیزی نخواهد ، مگر آن که بدو عطا کنی، و اگر یکی از عموهایت خواهان نیکیِ تو بدو شد ، کمتر از پنجاه دینار به او نده و بیشتر از این مبلغ را خود دانی و اگر یکی از عمّه هایت خواهان نیکیِ تو بدو شد ، کمتر از بیست و پنج دینار به او نده . من می خواهم با این کار ، خداوند، تو را رفعت بخشد . انفاق کن و از پروردگار ، بیم فقر نداشته باش» .

كشفت الغمّة عن عليّ بن عيسى: أتاها [أي الإمام الجواد] عليه السلام رجلٌ فقال له: أعطني على قدر مُرؤوتك، فقال: لا يسّ عني. فقال: على قدري، قال: أما ذافنعم، يا غلام أعطيه مئة دينار. (1)

6 / 8 سيرتُهُم مع الخدمِ صحيح البخاري عن أنس: قدِمَ رسولُ الله صلى الله عليه وآله المدينةَ ليس له خادمٌ، فأخذَ أبو طلحةَ بيدي، فانطلقَ بي إلى رسولِ الله صلى الله عليه وآله فقال: يا رسولَ الله، إن أنسا غلامٌ كَيْسٌ فليخدمك. قال: فخدمتهُ في السفرِ والحضرِ، ما قال لي لشيءٍ صنعتهُ: لِمَ صنعتَ هذا هكذا؟ ولا لشيءٍ لم أصنعهُ: لِمَ لم تصنعَ هذا هكذا؟ (2)

سنن الترمذي عن أنس: خَدَمْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَشْرَ سِنِينَ... وما قال لشيءٍ صنعتهُ: لِمَ صنعتهُ؟ ولا لشيءٍ تركتهُ: لِمَ تركتهُ؟ (3)

1- .كشفت الغمّة: ج 3 ص 158، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 360 عن يعقوب ابن إسحاق النوبختي نحوه، بحار الأنوار: ج 49 ص 100 ح 16.

2- .صحيح البخاري: ج 3 ص 1018 ح 2616، صحيح مسلم: ج 4 ص 1804 ح 52، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 204 ح 11988، الأدب المفرد: ص 60 ح 164، الطبقات الكبرى: ج 7 ص 19.

3- .سنن الترمذي: ج 4 ص 368 ح 2015، الشرائع المحمدية: ص 171 ح 339، المعجم الكبير: ج 20 ص 330 ح 783، أسد الغابة: ج 5 ص 266 ح 5137، البداية والنهاية: ج 5 ص 339 والثلاثة الأخيرة عن مهاجر مولى أم سلمة.

6 / 8 رفتار اهل بیت علیهم السلام با خدمت گزاران

کشف الغمّة_ به نقل از علی بن عیسی _ :مردی خدمت امام جواد علیه السلام رسید و گفت : به قدر مروّت خود به من بخششی کن . فرمود : «توان آن را ندارم» . آن مرد گفت : پس به قدر مروّت من ، بخشش کن . فرمود : «این شدنی است . ای غلام! صد دینار بدو بده» .

6 / 8 رفتار اهل بیت علیهم السلام با خدمت گزارانصحیح البخاری_ به نقل از انس _ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بی هیچ خدمت گزاری به مدینه آمد . ابو طلحه دست مرا گرفت و نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برد و گفت : ای پیامبر خدا! انس ، غلامی زیرک است که مأمور خدمت توست . در سفر و حضر ، خدمت پیامبر خدا کردم و هیچ گاه برای کاری که کردم ، نفرمود : «چرا چنین کردی؟» ، یا اگر کاری را انجام ندادم ، نفرمود : «چرا آن را انجام ندادی؟» .

سنن الترمذی_ به نقل از انس _ :ده سال به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خدمت کردم و هیچ گاه برای کاری که کردم ، نفرمود : «چرا چنین کردی؟» ، و برای کاری که انجام ندادم ، نفرمود : «چرا آن را انجام ندادی؟» .

صحيح مسلم عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ خُلُقًا، فَأَرَسَ لَنِي يَوْمًا لِحَاجَةٍ، فَقُلْتُ: وَاللَّهِ لَا أَذْهَبُ، وَفِي نَفْسِي أَنْ أَذْهَبَ لِمَا أَمَرَنِي بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَخَرَجْتُ حَتَّى أَمُرَّ عَلَى صَبِيَّانٍ وَهُمْ يَلْعَبُونَ فِي السُّوقِ، فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ قَبِضَ بِقَفَايَ مِنْ وَرَائِي. قَالَ: فَتَظَرْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَضْحَكُ، فَقَالَ: يَا أُنَيْسُ، أَذْهَبْتَ حَيْثُ أَمَرْتُكَ؟ قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ، أَنَا أَذْهَبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. (1)

مسند ابن حنبل عن زياد بن أبي زياد عن خادم للنبي صلى الله عليه وآله: كَانَ [النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] مِمَّا يَقُولُ لِلْخَادِمِ: أَلَيْكَ حَاجَةٌ؟ (2)

فضائل الصحابة لابن حنبل عن أبي التَّوَارِيقِ الكرابيس: أَتَانِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ غُلَامٌ لَهُ، فَاشْتَرَى مِنِّي قَمِيصَ كَرَابِيسَ، قَالَ لِغُلَامِهِ: إِخْتَرِ أَيُّهُمَا شِئْتُمْ، فَأَخَذَ أَحَدَهُمَا وَأَخَذَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْآخَرَ فَلَبَسَهُ، ثُمَّ مَدَّ يَدَهُ فَقَالَ: إِقْطَعْ الَّذِي يَفْضَلُ مِنْ قَدْرِ يَدِي، فَتَقَطَّعَهُ وَكَفَّهُ (3) فَلَبَسَهُ وَذَهَبَ. (4)

الغارات عن مختار التَّمَارِ عن أبي مطر: أَتَى [عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ] سَوْقَ الْكَرَابِيسِ، فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ وَسِيمٍ، فَقَالَ: يَا هَذَا، عِنْدَكَ ثَوْبَانِ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ؟ فَوَثَبَ الرَّجُلُ فَقَالَ: نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَلَمَّا عَرَفَهُ مَضَى عَنْهُ وَتَرَكَهُ، فَوَقَّفَ عَلِيٌّ غُلَامًا فَقَالَ لَهُ: يَا غُلَامُ، عِنْدَكَ ثَوْبَانِ بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ؟ قَالَ: نَعَمْ عِنْدِي ثَوْبَانِ، أَحَدُهُمَا أَحْيَرُ مِنَ الْآخَرِ، وَاحِدٌ بِثَلَاثَةِ وَالْآخَرُ بِدَرَاهِمَيْنِ. قَالَ: هَلْمَهُمَا. فَقَالَ: يَا قَنْبَرُ، خُذِ الَّذِي بِثَلَاثَةٍ، قَالَ: أَنْتَ أَوْلَى بِهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، تَصَعَّدُ الْمَنْبَرُ وَتَخْطُبُ النَّاسَ. فَقَالَ: يَا قَنْبَرُ، أَنْتَ شَابٌّ وَلَكَ شِرَّةُ الشَّبَابِ وَأَنَا أُسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أَنْفَضَلَ عَلَيْكَ، لِأَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَلْبَسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ وَأَطْعِمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ. ثُمَّ لَبَسَ الْقَمِيصَ وَمَدَّ يَدَهُ فِي رُذْنِهِ فَإِذَا هُوَ يَفْضَلُ عَنْ أَصَابِعِهِ، فَقَالَ: يَا غُلَامُ، إِقْطَعْ هَذَا الْفَضْلَ، فَتَقَطَّعَهُ، فَقَالَ الْغُلَامُ: هَلُمَّهُ أَكْفُهُ يَا شَيْخُ، فَقَالَ: دَعَهُ كَمَا هُوَ فَإِنَّ الْأَمْرَ أَسْرَعُ مِنْ ذَلِكَ. (5)

- 1- صحيح مسلم: ج 4 ص 1805 ح 54، سنن أبي داود: ج 4 ص 246 ح 4773، البداية والنهاية: ج 6 ص 37، إمتاع الأسماع: ج 2 ص 195، سبل الهدى والرشاد: ج 7 ص 7.
- 2- مسند ابن حنبل: ج 5 ص 439 ح 16076، كنز العمال: ج 7 ص 138 ح 18385.
- 3- كَفَّ الثَّوْبَ: تَرَكَه بِلَا هَدَبٍ، كَفَفَتِ الثَّوْبَ أَي خَطَّتْ حَاشِيَتَهُ، وَهِيَ الْخِيَاطَةُ الثَّانِيَةُ بَعْدَ الشَّلِّ، كَفَافُ الثَّوْبِ: نَوَاحِيهِ (لسان العرب: ج 9 ص 304 «كفف»).
- 4- فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 1 ص 544 ح 911، أسد الغابة: ج 4 ص 97 الرقم 3789، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 9 ص 235 نحوه؛ عوالي اللآلي: ج 1 ص 278 ح 109 نحوه، بحار الأنوار: ج 41 ص 161 ح 56.
- 5- الغارات: ج 1 ص 106، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 225 ح 659 وليس فيه «عن أبي مطر»، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 97 عن الإمام الباقر عليه السلام، روضة الواعظين: ص 121 والثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار: ج 40 ص 324 ح 6.

صحیح مسلم_ به نقل از انس _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خوش اخلاق ترین مردم بود . روزی ، مرا برای کار فرستاد . گفتم : به خدا نمی روم . ولی در نظر داشتیم برای اجرای دستور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله راهی شوم . بیرون آمدم ، تا به کودکانی برخوردیم که در بازار ، بازی می کردند . ناگهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، مرا از پشت گرفت . پس به او نگریستم . دیدم می خندد . آن گاه فرمود : «انس کوچک! به آن جا که گفتم، رفتی؟» . گفتم : آری ، می روم، ای پیامبر خدا!

مسند ابن حنبل_ به نقل از زیاد بن ابی زیاد، از خادم پیامبر صلی الله علیه و آله _ : از جمله هایی که [پیامبر صلی الله علیه و آله] به خدمت گزار خود می فرمود ، این بود : «آیا نیازی داری؟» .

فضائل الصحابة، ابن حنبل_ به نقل از ابو نوار کرباس فروش _ : علی بن ابی طالب علیه السلام با غلامش نزد من آمد و پیراهن کرباسی خرید و به غلامش گفت : «هر کدام را که می خواهی ، انتخاب کن» . او یکی از آن دو را برداشت و علی علیه السلام دیگری را برداشت و پوشید و سپس دستش را دراز کرد و فرمود : «آن مقدار از آستین را که از دستم بلندتر است ، بپوش» . آن را برید [م] و پس دوزی اش کرد [م] و علی علیه السلام همان را پوشید و رفت .

الغارت_ به نقل از مختار تمار، از ابو مَظَر بصری _ : [علی بن ابی طالب علیه السلام] به بازار کرباس فروش ها آمد و به مردی خوب رو برخورد کرد و فرمود : «فلائی! آیا دو پیراهن به قیمت پنج درهم داری؟» . مرد از جای خود پرید و گفت : آری، ای امیر مؤمنان! چون او امام علیه السلام را شناخت ، امام علیه السلام او را ترك کرد و رفت و نزد جوانی ایستاد و به او فرمود : «ای جوان! آیا دو پیراهن به قیمت پنج درهم داری؟» . او گفت : آری ، دارم . یکی از آن دو، بهتر از دیگری است . قیمت یکی سه درهم و دیگری دو درهم است . امام علیه السلام فرمود : «هر دو را بیاور» . سپس فرمود : «ای قنبر! تو پیراهن سه درهمی را بردار» . قنبر گفت : ای امیر مؤمنان! شما بدان سزاوارتری ؛ شما به منبر می روی و برای مردم خطبه می خوانی . امام علیه السلام فرمود : «ای قنبر! تو جوانی و شور جوانی داری و من از خدای خود شرم دارم که بر تو برتری یابم ؛ چرا که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود : آنها را از آنچه خود می پوشید ، بپوشانید و از آنچه خود می خورید ، بخورانید » . امام علیه السلام آن گاه پیراهن را پوشید و دستش را که در آستین بود ، دراز کرد و آستین از انگشتان او افزون بود . امام علیه السلام به جوان فروشنده گفت : «این اضافه را قطع کن» و او قطع کرد . جوان گفت : بگذار آن را پس دوزی کنم ، ای شیخ! امام علیه السلام فرمود : «بگذار همان طور باشد که روزگار، بسی شتابان تر می گذرد» .

المناقب للكوفي عن بكر بن عبد الله المزني: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا غُلَامًا لَهُ فَلَمْ يُجِبْهُ، فَخَرَجَ فَإِذَا هُوَ بِبَابِ الْبَيْتِ، فَقَالَ: مَا مَنَعَكَ مِنْ إِجَابَتِي؟ أَمَا سَمِعْتَ دُعَائِي؟ قَالَ: بَلَى، وَلَكِنِّي كَسِدْتُ عَنْ إِجَابَتِكَ وَأَمِنْتُ عُقُوبَتَكَ، فَقَالَ [عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ]: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يَأْمَنُهُ خَلْقُهُ، إِذْهَبْ فَأَنْتَ حُرٌّ لِرُجُوعِهِ إِلَيَّ. (1)

نثر الدرّ عن أنس: كُنْتُ عِنْدَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَتْ عَلَيْهِ جَارِيَةٌ بِيَدِهَا طَاقَةٌ رِيحَانٍ، فَحَيَّتُهُ بِهَا فَقَالَ لَهَا: أَنْتِ حُرَّةٌ لِرُجُوعِهِ إِلَيَّ تَعَالَى. فَقُلْتُ: تُحَيِّيكَ بِطَاقَةِ رِيحَانٍ لَا خَطَرَ لَهَا فَتَعْتَقُهَا؟! قَالَ: كَذَا أَدَبْنَا اللَّهُ تَعَالَى، قَالَ: «وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» (2) فَكَانَ أَحْسَنُ مِنْهَا عِتْقُهَا. (3)

-
- 1- المناقب للكوفي: ج 2 ص 86 ح 572، الأُمالي للسيد المرتضى: ج 2 ص 162 نحوه، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 113، تنبيه الخواطر: ص 100 نحوه، بحار الأنوار: ج 41 ص 48 ح 1.
 - 2- النساء: 86.
 - 3- نثر الدرّ: ج 1 ص 335، نزهة الناظر: ص 130 ح 236، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 18، كشف الغمّة: ج 2 ص 243، بحار الأنوار: ج 44 ص 195 ح 8؛ الفصول المهمّة لابن الصبّاغ: ص 175.

المناقب، کوفی_ به نقل از بکر بن عبد الله مزنی _ :علی علیه السلام غلامش را صدا کرد و او پاسخ ایشان را نداد . امام علیه السلام بیرون آمد و ناگهان او را کنار در یافت . به او فرمود : «چه چیز موجب شد پاسخ مرا ندهی ؟ مگر صدای مرا نشنیدی ؟» . گفت : چرا، شنیدم ؛ ولی سستی کردم و خود را از کیفر تو در امان می دیدم . فرمود : «سپاس، خدای را که مرا از کسانی قرار داد که خلقتش از او در امان اند . برو که در راه خدا آزادی» .

نثر الدر_ به نقل از انس _ :نزد حسین علیه السلام بودم که کنیزکی با دسته گلی در دست وارد شد و با آن به امام علیه السلام درود فرستاد . امام علیه السلام به او فرمود : «تو در راه خدا آزادی» . من گفتم : او با يك دسته گل که هیچ اهمیتی ندارد ، به تو درود می فرستد و تو او را آزاد می کنی؟! فرمود : «خداوند ، ما را چنین تربیت کرده و فرموده است : «چون شما را به درودی نواختند ، به درودی بهتر از آن یا همانند آن، پاسخ گویند» و بهتر از آن دسته گل ، آزاد کردن او بود» .

الإمام الصادق عليه السلام: في كتاب رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا استعملتم ما ملكت أيما نكمت في شيء يشق عليهم فاعملوا معهم فيه . قال : وكان أبي يأمرهم فيقول : كما أنتم ، فيأتي فينظر فإن كان ثقيلًا قال : «بِسْمِ اللَّهِ» ، ثُمَّ عَمِلَ مَعَهُمْ ، وَإِنْ كَانَ خَفِيفًا تَنَحَّى عَنْهُمْ .

(1)

الكافي عن حفص بن أبي عائشة : بعث أبو عبد الله عليه السلام غلاماً له في حاجة فأبطأ ، فخرج أبو عبد الله عليه السلام على أثره لما أبطأ فوجدته نائماً ، فجلس عند رأسه يروحه حتى انتبه ، فلما تنبه قال له أبو عبد الله عليه السلام : يا فلان ، والله ما ذلك لك ، تنام الليل والنهار ! لك الليل ولنا منك النهار . (2)

العدد القويّة : روي أنه دخل سفيان الثوري على الصادق عليه السلام فرآه متغيّر اللون ، فسأله عن ذلك ، فقال : كنت نهيت أن يصعدوا فوق البيت ، فدخلت فإذا جارية من جواربي ممن تربى بعض ولدي قد صعدت في سلم والصبي معها ، فلما بصرت بي ارتعدت وتحيرت وسقط الصبي إلى الأرض فمات ، فما تغير لوني لموت الصبي وإنما تغير لوني لما أدخلت عليها من الرعب . وقال لها : أنت حرّة لوجه الله ، لا بأس عليك - مرّتين - . (3)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن ياسر الخادم : كان الرضا عليه السلام إذا كان خلا جمع حشمه عنده ؛ الصغير والكبير ، فيحدّثهم ويأنس بهم ويؤنسهم . وكان عليه السلام إذا جلس على المائدة لا يدع صغيراً ولا كبيراً - حتى السائس (4) والحجام - إلا أفعده معه على مائدته .

(5)

1- الزهد للحسين بن سعيد : ص 111 ح 2 عن داود بن فرقد ، بحار الأنوار : ج 46 ص 303 ح 51 .

2- الكافي : ج 2 ص 112 ح 7 وج 8 ص 87 ح 50 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 274 عن جعفر بن أبي عائشة ، بحار الأنوار : ج 47 ص 56 ح 97 .

3- العدد القويّة ع ص 155 ح 85 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 274 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 24 ح 26 .

4- السائس : هو يسوس الدواب إذا قام عليها وراضها (لسان العرب : ج 6 ص 108 «سوس»).

5- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 159 ح 24 ، بحار الأنوار : ج 49 ص 164 ح 5 .

امام صادق علیه السلام: در نامه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «هر گاه خدمت گزارانتان را به کاری گماردید که بر آنها دشوار است، شما هم با آنها در آن کار، شرکت جوید». پدرم هر گاه به آنان دستوری می داد، به آنها می فرمود: «همچنان استوار باشید». پس می آمد و بدیشان می نگریست و اگر کاز سنگین بود، می فرمود: «بسم الله» و همراه آنان کار می کرد و اگر کار سبک بود، آنها را به حال خود می گذاشت.

الکافی_ به نقل از حفص بن ابی عایشه _: امام صادق علیه السلام غلامش را برای انجام کاری فرستاد و غلام دیر کرد. امام علیه السلام چون تأخیر او را دید، در پی او رفت و او را خوابیده یافت. امام علیه السلام نزدیک سر او نشست و او را باد زد تا غلام بیدار شد. امام علیه السلام به او فرمود: «فلانی! به خدا سوگند، تو را نرسد که شب و روز بخوابی. شب، از آن توست و روز تو، از آن ما».

العدد القویة: روایت شده است که سفیان ثوری بر امام صادق علیه السلام وارد شد و رخسار ایشان را دگرگونه یافت. دلیل آن را جویا شد. امام فرمود: «آنها را از این که بالای بام بروند، نهی کرده بودم؛ ولی هنگام ورود دیدم کنیزی از کنیزکان من که یکی از فرزندان مرا پرورش می دهد، از نردبان بالا می رود، در حالی که کودک را هم در آغوش دارد. همین که مرا دید، به لرزه افتاد و سر در گم شد و کودک به زمین افتاد و مُرد. دگرگونی رخسارم نه به سبب مرگ کودک، بلکه به سبب رعبی است که آن کنیز را فرا گرفت». امام علیه السلام پیش از آن، دو بار به آن کنیز فرموده بود: «تو در راه خدا آزادی و هیچ باکی بر تو نیست».

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از یاسر خادم _: امام رضا علیه السلام هر گاه تنها می شد، اطرافیان و خدمتکاران خُرد و کلان خود را گرد می آورد و با آنها سخن می گفت و همدمشان می شد و سرگرمشان می کرد و هر گاه بر سر سفره می نشست، هیچ کوچک و بزرگی، حتی مهتر اسبان و رگزن را فروگذار نمی کرد و او را بر سر سفره می نشاند.

الكافي عن نادر الخادم: كان أبو الحسن عليه السلام إذا أكل أحدنا لا يستخدمه حتى يفرغ من طعامه . (1)

الكافي عن ياسر الخادم ونادر جميعاً قالوا: قال لنا أبو الحسن عليه السلام: إن قمت على رؤوسكم وأنتم تأكلون فلا تقوموا حتى تفرغوا .
ولربما دعا بعضنا فيقال له: هم يأكلون، فيقول: دعهم حتى يفرغوا . (2)

الكافي عن عبد الله بن الصّلت عن رجل من أهل بلخ: كنت مع الرضا عليه السلام في سفره إلى خراسان، فدعا يوماً بمائدة له، فجمع عليها مواليه من السودان وغيرهم . فقلت: جعلت فيداك، لو عزلت لهؤلاء مائدة، فقال: مه! إن الرب تبارك وتعالى واحد، والأمم واحدة، والأب واحد، والجزاء بالأعمال . (3)

9 / 6 جوامع مكارم أخلاقهم للإمام علي عليه السلام - في صفة النبي صلى الله عليه وآله - : أجود الناس كفاً، وأشرحهم صدراً، وأصدق الناس لهجةً، وأليئهم عريكةً، وأكرمهم عشرةً . من رآه بديهة هابه، ومن خالطه معرفةً أحبّه . (4)

1- الكافي: ج 6 ص 298 ح 11، بحار الأنوار: ج 49 ص 102 ح 22 .

2- الكافي: ج 6 ص 298 ح 10، المحاسن: ج 2 ص 199 ح 1583، بحار الأنوار: ج 49 ص 102 ح 22 .

3- الكافي: ج 8 ص 230 ح 296، بحار الأنوار: ج 49 ص 101 ح 18 .

4- سنن الترمذي: ج 5 ص 599 ح 3638، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 445 ح 167، الطبقات الكبرى: ج 1 ص 412 كلاهما نحوه وكلها عن إبراهيم بن محمد بن محمد من ولد الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج 7 ص 176 ح 18568؛ مكارم الأخلاق: ج 1 ص 51 ح 20، الغارات: ج 1 ص 167 عن إبراهيم بن محمد من ولد الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 16 ص 194 ح 33 .

6 / 9 کلیات مکارم اخلاقی اهل بیت علیهم السلام

الکافی_ به نقل از نادر خادم_ هر گاه یکی از ما [خدمت گزاران] مشغول خوردن غذا بود ، امام رضا علیه السلام او را به کاری نمی خواند تا از خوردن، آسوده گردد .

الکافی_ به نقل از یاسر خادم و نادر، هر دو_ : امام رضا علیه السلام به ما فرمود : «هر گاه من ، در حالی که مشغول خوردن هستید ، بالای سر شما آمدم ، بر نخیزید تا از خوردن، فارغ شوید» ، و چه بسا جمعی از ما را احضار می کرد و به ایشان گفته می شد که آنان مشغول خوردن هستند و امام علیه السلام می فرمود : «رهایشان کن تا از خوردن، فارغ گردند» .

الکافی_ به نقل از عبد الله بن صلت، از مردی بلخی_ : در سفر امام رضا علیه السلام به خراسان ، همراه ایشان بودم . روزی دستور داد برایش سفره بگسترانند و همه غلامان خود را از سیاه گرفته تا دیگران ، بر سفره گرد آورد . گفتم : قربانت گردم! کاش ، سفره ایشان را جدا می کردی! فرمود : « دست بردار . خداوند _ تبارک و تعالی _ یکی است و پدر هم یکی و مادر هم یکی و پاداش ، به اعمال است» .

6 / 9 کلیات مکارم اخلاقی اهل بیت علیهم السلام_ در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله _ : پیامبر صلی الله علیه و آله بخشنده ترین ، با ظرافت ترین ، راستگوترین ، نرم خوترین و خوش مشرب ترین مردم بود . هر کس در آغاز او را می دید ، از او می هراسید و چون با او حشر و نشر می یافت ، محبت او در دلش رسوخ می کرد .

الإمام الحسن عليه السلام: سألت خالي هند بن أبي هالة التميمي - وكان وصافا - عن حليّة النبي صلى الله عليه وآله... قلت: صف لي منطقه. قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله متواصل الأحران، دائم الفكرة، ليست له راحة، لا يتكلم في غير حاجة، طويل السكته، يفتح الكلام ويختمه بأشداقه (1)، ويتكلم بجوامع الكلم، فصل لا فضول ولا تقصير، دمت (2) ليس بالجافي ولا المهين، يعظم النعمة وإن دقت، لا يذم منها شيئا، لا يذم ذواقا ولا يمدح، لا يقوم لغضب به إذا تعرض الحق شيء حتى ينتصر له، لا يغضب لنفسه ولا ينتصر لها. إذا أشار أشار بكفه كلها، وإذا تعجب قلبها، وإذا تحدت اتصل بها، يضرب براحتة اليمنى باطن إبهامه اليسرى، وإذا غضب أعرض وأشاح (3)، وإذا فرح غص طرفه. جل ضحكته التبس، ويفتر عن مثل حب الغمام (4). (5)

الإمام الحسين عليه السلام: سألت أبي عليه السلام عن... مجلسه [أي رسول الله صلى الله عليه وآله] فقال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يجلس ولا يقوم إلا على ذكر، ولا يوطن الأماكن، وينهى عن إيطانها، وإذا انتهى إلى قوم جلس حيث ينتهي به المجلس ويأمر بذلك، يعطي كل جلسائه نصيبه، لا يحسب جلسائه أن أحدا أكرم عليه (منه)، من جلسه أو قاومه في حاجة صابرة حتى يكون هو المنصرف، ومن سأله حاجة لم يرده إلا بها أو بميسور من القول، قد وسع الناس منه بسطه وخلقه، فصار لهم أبا وصاروا عنده في الحق سواء، مجلسه مجلس حلم وحياء وصبر وأمانة، لا ترفع فيه الأصوات، ولا تؤبن فيه الحرم (6)، ولا تنشى فلتاته (7)، متعادلين يتفاضلون فيه بالتقوى، متواضعين، يوقرون فيه الكبير، ويرحمون فيه الصغير، ويؤثرون ذا الحاجة، ويحفظون الغريب. قلت: كيف كان سيرته في جلسائه؟ فقال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله دائم البشر، سهل الخلق، لين الجانب، ليس بفظ ولا غليظ، ولا سخاب ولا فحاش ولا عياب ولا مزاح، يتغافل عما لا يشتهي، ولا يؤيس منه ولا يحبب فيه، قد ترك نفسه من ثلاث: المرء، والإكثار، وما لا يعنيه، وترك الناس من ثلاث: كان لا يذم أحدا ولا يعيره، ولا يطلب عورته، ولا يتكلم إلا فيما رجا ثوابه. إذا تكلم أطرق جلساؤه كأنما على رؤوسهم الطير، فإذا سكت تكلموا ولا يتنازعون عنده، من تكلم أنصتوا له حتى يعرغ. حديثهم عنده حديث أولهم، يضحك مما يضحكون منه، ويتعجب مما يتعجبون منه، ويصبر للغريب على الجفوة فيمنطقه ومسألته حتى إذا كان أصحابه ليستجلبونهم، ويقول: إذا رأيتم طالب الحاجة يطلبها فأرقدوه. ولا يقبل الشاة إلا من مكافئ (8)، ولا يقطع على أحد حديثه حتى يجوز فيقطعه بنهي أو قيام (9).

- 1- الأشداق: جوانب الفم (لسان العرب: ج 10 ص 173 «شداق»)، والمراد أنه لا يفتح فاه كله.
- 2- الدمائه: سهولة الخلق (لسان العرب: ج 2 ص 149 «دمت»).
- 3- أشاح: جد في الإعراض (لسان العرب: ج 2 ص 501 «شبح»).
- 4- حب الغمام: البرد، شبه به ثغره صلى الله عليه وآله في بياضه وصفائه ويرده (لسان العرب: ج 1 ص 293 «حب»).
- 5- دلائل النبوة للبيهقي: ج 1 ص 286، الشمائل المحمدية: ص 109 ح 226، المعجم الكبير: ج 22 ص 155 و 156 ح 414 كلاهما نحوه وكلها عن ابن لابن أبي هالة التميمي، كنز العمال: ج 7 ص 164 ح 18535؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 317 ح 1، معاني الأخبار: ص 81 ح 1 كلاهما عن إسماعيل بن محمد بن إسحاق عن الإمام الرضا عن آبائه عنه عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 16 ص 149 ح 4.
- 6- لا تؤبن فيه الحرم: أي لا يذكرن بقبیح، كان يسان مجلسه عن رفث القول (النهاية: ج 1 ص 17 «أبن»).
- 7- لا تنشى فلتاته: أي لا تشاع ولا تذاع، ولا يتحدث بتلك الفلتات (لسان العرب: ج 15 ص 304 «نشا»).

8- .معناه : مَنْ صحَّ عنده إسلامه حَسُنَ موقعُ ثنائه عليه عنده ، ومن استشعر منه نفاقاً وضعفًا في ديانته ألقى ثناءه عليه ولم يَحْفِلْ به (معاني الأخبار : ص 89) .

9- .دلائل النبوة للبيهقي : ج 1 ص 290 ، وراجع : نفس المصادر في الحديث السابق .

امام حسن علیه السلام: از دایی خود، هند بن ابی هاله تمیمی _ که توصیفگر آراستگی های پیامبر صلی الله علیه و آله بود _ پرسیدم و گفتم: سخن گفتن او را برای من توصیف کن. گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله پیوسته غمگین بود و همواره در اندیشه. آسودگی نداشت و بدون نیاز، سخن نمی گفت. سکوتش طولانی بود. از آغاز تا پایان سخن، دهانش را کاملاً باز نمی کرد و سخنانی فراگیر می فرمود. کلامش فصل بود که در آن، نه فزونی دیده می شد و نه کاستی. نرم خوب بود و از خشکی و جسارت، برکنار. نعمت را هر چند ناچیز، بزرگ می داشت و چیزی از آن را نمی نکوهید. تغییر ذائقه دهندگان مدام را نه می نکوهید و نه می ستود. دنیا و آنچه در آن است، او را به خشم نمی آورد. چون چیزی مانع حق می گشت، سر از پا نمی شناخت. هیچ چیز، یارای خشم او را نداشت تا آن که حق را یاری کند. او برای خود، خشمگین نمی شد و برای خود، چیرگی نمی خواست. هر گاه اشاره می کرد، با تمام کفش اشاره می کرد و هر گاه شگفت زده می شد، دست خود را می گرداند و هر گاه سخن می گفت، دست خود را به یکدیگر می پیوست و شست دست چپش را به گودی کف دست راستش می زد و هر گاه خشمگین می شد، رویش را بر می گرداند و چهره اش را بر می تافت و هر گاه شاد می شد، دیدگان خود را بر هم می گذاشت. بیشتر خنده او لبخند بود و هر گاه لبخند می زد، دندان هایش چونان دانه های تگرگ خودنمایی می کرد.

امام حسین علیه السلام: از پدرم علیه السلام در باره نشستن او (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله) پرسش کردم. پس فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نمی نشست و بر نمی خاست، مگر آن که ذکر بر لب داشت و جایی را به خود اختصاص نمی داد و از این کار نهی می داشت و هر گاه نزد جماعتی می رفت، در پایین مجلس می نشست و به این کار فرمان می داد. بهره هر يك از هم نشینانش را ادا می کرد، تا آن جا که هم نشین او فکر نمی کرد کسی نزد پیامبر خدا از او ارجمندتر است. هر که با او هم نشین می شد یا پی کاری را با هم می گرفتند، پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر شکیبایی می ورزید تا این که او خود می رفت. کسی که از ایشان [بر آوردن] حاجتی می طلبید، ایشان یا نیازش را بر می آورد و یا کلامی خوش به او می گفت. گشاده رویی و اخلاص همه مردم را در بر می گرفت و [دیگر] پدر آنها گشته بود و آنها در [دادن و گرفتن] حق، نزد او يك سان بودند. مجلس ایشان، مجلس بردباری، شرم، شکیبایی و امانتداری بود و در آن، نه صدایی بلند می گردید و نه سخن زشتی بر زبان رانده می شد و نه خطاهای آن مجلس، فاش می شد. همه [در مجلس او] برابر بودند و با تقوا بر یکدیگر برتری داده می شدند و فروتن بودند و بزرگ را احترام می کردند و بر کوچک، رحم می آوردند و نیازمند را بر خود ترجیح می دادند و بیگانه را پاس می داشتند». [به پدرم] گفتم: شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله با هم نشینانش چگونه بود؟ فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گشاده رو و خوش اخلاق و نرم خو بود و نه خشن و زمخت. نه فریاد می کشید و ناسزا می گفت و نه عیبجویی می کرد و نه بسیار شوخی می نمود. در باره آنچه دوست نمی داشت، خود را به غفلت می زد و دیگران را نه از آن نومید می ساخت و نه بدان ترغیب می کرد. سه چیز را از خود، دور کرده بود: لجاجت، پرگویی و آنچه به او مربوط نبود، و سه چیز را از مردم، کنار نهاده بود: هیچ کس را نه می نکوهید و نه عیب می کرد و در پی جستن زشتی های او نبود. سخنی نمی گفت، مگر در آنچه امید ثوابش را می بُرد. هر گاه سخن می گفت، هم نشینانش خاموشی می گزیدند، تا آن جا که گویی پرنده بر سر ایشان نشسته است و هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله سکوت می کرد، آنها سخن می گفتند و در خدمت ایشان کشمکش نمی کردند و اگر کسی سخن می گفت، به او گوش می دادند تا از سخن گفتن فارغ شود. سخن آنها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله، همان سخن نخستین نفر مجلس بود. از آنچه می خندیدند، او هم می خندید و از آنچه تعجب می کردند، او هم تعجب می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله بر خشک و زمخت سخن گفتن غریبه و تقاضای او شکیبایی می کرد تا آن که اصحابش آنها را گرد می آوردند و می فرمود: هر گاه کسی را دیدید که حاجتی می طلبد، او را یاری رسانید. پیامبر صلی الله علیه و آله، ستایش را از کسی جز مسلمان حقیقی نمی پذیرفت و سخن کسی را قطع نمی کرد، مگر آن که از حد می گذراند. پس با نهی یا برخاستن، کلام او را قطع می کرد».

الإمام الصادق عليه السلام: ما أَكَل رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُتَكِنًا مُنذُ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى أَنْ قَبِضَهُ تَوَاضَعًا لَللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَمَأْرَى رُكْبَتَيْهِ أَمَامَ جَلِيسِهِ فِي مَجْلِسٍ قَطُّ ، وَلَا صَافِحَ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا قَطُّ فَفَزَعَ يَدَيْهِ مِنْ يَدَيْهِ حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ هُوَ الَّذِي يَنْزِعُ يَدَهُ ، وَلَا كَافَأَ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّئَةً قَطُّ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ : «ادْفَعْ بِالنَّيِّ هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ» (1) فَفَعَلَ ، وَمَا مَنَعَ سَائِلًا قَطُّ ، إِنْ كَانَ عِنْدَهُ أُعْطِيَ وَإِلَّا قَالَ : يَأْتِي اللَّهُ بِهِ . وَلَا أُعْطِيَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِزٌّ وَجَلِيسًا قَطُّ إِلَّا أَجَارَهُ اللَّهُ ، إِنْ كَانَ لِيُعْطِيَ الْجَنَّةَ فَيَجِيزُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ . (2)

السنن الكبرى للبيهقي عن زيد بن ثابت - وقد قيلَ لَهُ : حَدَّثْنَا عَنْ بَعْضِ أَخْلَاقِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ - : كُنْتُ جَارَهُ ، فَكَانَ إِذَا نَزَلَ الْوَحْيُ بَعَثَ إِلَيَّ فَأَتَيْتُهُ فَأَكْتُبُ الْوَحْيَ . وَكُنَّا إِذَا ذَكَرْنَا الدُّنْيَا ذَكَرَهَا مَعَنَا ، وَإِذَا ذَكَرْنَا الْآخِرَةَ ذَكَرَهَا مَعَنَا ، وَإِذَا ذَكَرْنَا الطَّعَامَ ذَكَرَهُ مَعَنَا ، أَوْكَلُّ هَذَا نَحْدُثُكُمْ عَنْهُ ؟ (3)

المغني عن حمل الأسفار - في آداب رَسولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - : كَانَ لَا يَجْلِسُ إِلَيْهِ أَحَدٌ وَهُوَ يُصَلِّي إِلَّا خَفَّفَ صَلَاتَهُ وَأَقْبَلَ عَلَيْهِ ، فَقَالَ : أَلَا حَاجَةٌ ؟ فَإِذَا فَرَّغَ مِنْ حَاجَتِهِ عَادَ إِلَى صَلَاتِهِ . (4)

1- المؤمنون : 96 .

2- الكافي : ج 8 ص 164 ح 175 عن معاوية بن وهب ، بحار الأنوار : ج 41 ص 130 ح 41 ، وراجع : الطبقات الكبرى : ج 1 ص 378 .

3- السنن الكبرى : ج 7 ص 83 ح 13340 ، الشرائع المحمّدية : ص 169 ح 337 ، المعجم الكبير : ج 5 ص 140 ح 4882 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 301 ح 8697 ، تاريخ دمشق : ج 3 ص 369 والثلاثة الأخرى نحوه ، كنز العمال : ج 13 ص 394 ح 37054 .

4- المغني عن حمل الأسفار : ج 1 ص 629 ح 2369 ، إحياء العلوم : ج 2 ص 527 ، الشفا : ج 1 ص 122 ، عيون الأثر : ج 2 ص 424 كلاهما نحوه ؛ المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 147 وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج 16 ص 228 ح 34 .

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آن هنگام که خداوند عز و جل او را به پیامبری برانگیخت تا آن هنگام که او را به سوی خود بر گرفت، برای فروتنی در پیشگاه خدا، هرگز لمیده چیزی نخورد و در هیچ مجلسی، دوزانوی خود را در برابر هم نشینش نشان نداد، و هیچ گاه با مردی دست نداد که دستش را از دست او بکشد، مگر آن که آن مرد، دست خود را [عقب] کشد و هرگز کار کسی را با بدی جبران نکرد. خداوند - تبارک و تعالی - به او فرموده است: «سخن بد آنان را به هرچه نیکوتر می آید، پاسخ گوی» و او نیز چنین کرد و هرگز گدایی را پس نزد. اگر چیزی نزدش بود، می بخشید و گرنه می فرمود: «خدا بدو بدهد!». پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز به حساب خداوند عز و جل چیزی را نبخشید، مگر آنکه خداوند، آن را اجازه داد و اگر بهشت را هم [به حساب خدا به کسی می بخشید]، خداوند عز و جل آن را اجازه می داد.

السنن الکبری، بیهقی - به نقل از زید بن ثابت، وقتی به وی گفته شد: برای ما در باره بخشی از اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله سخن بگو - من همسایه او بودم. هر گاه وحی نازل می شد، به دنبال من می فرستاد و من نزد او می آمدم و وحی را می نگاشتم. هر گاه یاد دنیا در میان بود، او هم با ما یاد دنیا می کرد و هر گاه یاد آخرت در میان بود، او هم با ما یاد آخرت می کرد و هرگاه از خوراک، سخن به میان می آوردیم، او هم با ما سخن از آن به میان می آورد. آیا می خواهید همه آنها را برایتان بگویم؟

المغنی عن حمل الأسفار - در باره آداب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - نمی شد که در حال نماز، کسی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بنشیند، مگر این که ایشان نمازش را کوتاه می ساخت و به او روی می کرد و می فرمود: «آیا نیازی داری؟». وقتی از تأمین نیاز او فارغ می شد، به نمازش باز می گشت.

سنن أبي داود عن جابر بن عبد الله: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يتخلف في المسير، فيرجي الضعيف ويردف ويدعو لهم . (1)

السنن الكبرى للبيهقي عن أبي امامة عن بعض أصحاب النبي صلى الله عليه وآله: إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يعود مرضى مساكين المسلمين وضد عقائهم، ويتبع جنازهم، ولا يصلي عليهم أحد غيره، وإن امرأة مسكينة من أهل العوالي طال سقمها فكان رسول الله صلى الله عليه وآله يسأل عنها من حضرها من جيرانها، وأمرهم أن لا يدفنها إن حدثت بها حدث فيصدمي عليها، فتوفيت تلك المرأة ليلاً واحتملوها فأتوا بها مع الجنائز - أو قال: موضع الجنائز - عند مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله ليصلي عليها رسول الله صلى الله عليه وآله كما أمرهم، فوجدوه قد نام بعد صلاة العشاء فكروه أن يهجدوا (2) رسول الله صلى الله عليه وآله من نومه، فصلوا عليها ثم انطلقوا بها، فلما أصبح رسول الله صلى الله عليه وآله سأل عنها من حضرها من جيرانها، فأخبروه خبرها وأنها كرهوا أن يهجدوا رسول الله صلى الله عليه وآله لها. فقال لهم رسول الله صلى الله عليه وآله: ولم فعلتم؟ انطلقوا، فانطلقوا مع رسول الله صلى الله عليه وآله حتى قاموا على قبرها، فصعدوا وراء رسول الله صلى الله عليه وآله كما يصف للصلاة على الجنائز، فصلى عليها رسول الله صلى الله عليه وآله . (3)

حلية الأولياء عن أنس: كان رسول الله صلى الله عليه وآله من أشد الناس لطفًا بالناس، فوالله ما كان يمتنع في غداة باردة من عبء ولا أمة ولا صبي أن يأتيه بالماء فيغسل وجهه وذراعيه، وما سأله سائل قط إلا أصغى إليه، فلم ينصرف حتى يكون هو الذي ينصرف عنه، وما تناول أحد بيده قط إلا ناولها إياه، فلم ينزع حتى يكون هو الذي ينزعها منه . (4)

- 1- سنن أبي داود: ج 3 ص 44 ح 2639، المستدرک على الصحيحین: ج 2 ص 126 ح 2541، السنن الكبرى: ج 5 ص 422 ح 10352، رياض الصالحين: ص 395، إمتاع الأسماع: ج 8 ص 162، كنز العمال: ج 7 ص 101 ح 18162 .
- 2- هجد: أيقظ (لسان العرب: ج 3 ص 432 «هجد»).
- 3- السنن الكبرى: ج 4 ص 79 ح 7019، وراجع: أسد الغابة: ج 6 ص 398 الرقم 6562 .
- 4- حلية الأولياء: ج 3 ص 26 الرقم 206، المطالب العالية: ج 4 ص 24 ح 3859 نحوه وراجع: تاريخ دمشق: ج 26 ص 334 .

سنن أبی داوود_ به نقل از جابر بن عبد الله _ : پیامبر صلی الله علیه و آله در راه ، پشت سر همه حرکت می کرد و ناتوان را یاری می رساند و پشت سر خود، سوار می کرد و برای او دعا می نمود .

السنن الکبری ، بیهقی_ به نقل از ابو امامه، از یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان مسکین و ضعیف را که بیمار بودند ، عیادت می نمود و جنازه شان را تشییع می کرد و هیچ کس جز او بر آنها نماز نمی خواند . زنی در مانده از اهالی عوالی ، (1) بیماری اش طولانی شد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از همسایگانی که به دیدار او می رفتند ، حال آن زن را جویا می شد و به آنان فرمان داد اگر آن زن از دنیا رفت ، به خاکش نسپرند تا این که ایشان بر او نماز بگذارد . شبی این زن در گذشت و او را با جنازه ها _ یا گفت : به مکان جنازه ها _ به مسجد پیامبر خدا آوردند تا پیامبر صلی الله علیه و آله ، آن گونه که از آنان خواسته بود _ بر او نماز بگذارد ؛ اما دیدند پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نماز عشا خوابیده است و خوش نداشتند پیامبر صلی الله علیه و آله را از خواب بیدار کنند . از این رو، خود بر او نماز گزارند و او را بردند . چون صبح شد ، پیامبر صلی الله علیه و آله از همسایگان آن زن که نزد ایشان بودند ، حال آن زن را جویا شد و آنها خبر مرگ او را به پیامبر صلی الله علیه و آله دادند و گفتند که نخواستند پیامبر صلی الله علیه و آله را برای او بیدار کنند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آنها فرمود : «چرا چنین کردید؟ راه بیفتید» . آنها با پیامبر صلی الله علیه و آله به راه افتادند تا به گور او رسیدند و چنان که برای نماز میت می ایستند ، پشت سر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به صف ایستادند و پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن زن، نماز گزارد .

حلیة الأولیاء_ به نقل از انس _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مهربان ترین فرد با مردم بود . به خدا سوگند ، ایابی نداشت که در بامدادی سرد ، برای برده ای یا کنیزی یا کودکی آب بیاورد تا او دست و رویش را بشوید، و هیچ درخواست کننده ای از ایشان چیزی درخواست نکرد ، مگر این که به سخنان او گوش می داد و از نزد وی نمی رفت، تا آن که او ایشان را ترک کند و هیچ کس دست به طرف پیامبر صلی الله علیه و آله دراز نمی کرد ، مگر آن که ایشان آن را می گرفت و دستش را از دست او نمی کشید تا وقتی که وی دستش را [عقب] بکشد .

1- .عوالی ، به روستاهای اطراف مدینه از دو میلی تا هشت میلی گفته می شود .

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ حَلِيمٌ عَظِيمٌ رَحِيمٌ، دَلَّنَا عَلَىٰ أَخْلَاقِهِ وَأَمَرَنَا بِالْأَخْذِ بِهَا وَحَمَلَ النَّاسَ عَلَيْهَا، فَقَدْ أَدْبَانَا غَيْرَ مُتَخَلِّفِينَ، وَأَرْسَلَنَا غَيْرَ مُنَافِقِينَ، وَصَدَّقَنَا غَيْرَ مُكَذِّبِينَ، وَقَبَلَنَا غَيْرَ مُرْتَابِينَ. (1)

عنه عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُكْفَرًا لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُهُ (2)، وَلَقَدْ كَانَ مَعْرُوفُهُ عَلَى الْقُرَشِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْعَجَمِيِّ. وَمَنْ كَانَ أَعْظَمَ مَعْرُوفًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ؟! وَكَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ مُكْفَرُونَ لَا يَشْكُرُونَنَا، وَخِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكْفَرُونَ لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُهُمْ. (3)

عنه عليه السلام: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ أَمْرِنَا أَنْ نُطْعِمَ الطَّعَامَ، وَنُؤَدِّيَ فِي النَّاسِ الْبَائِنَةَ، وَنُصَلِّيَ إِذَا نَامَ النَّاسُ. (4)

الإمام الحسن عليه السلام: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ إِذَا عَلِمْنَا الْحَقَّ تَمَسَّكْنَا بِهِ. (5)

1- تحف العقول: ص 175، بشارة المصطفى: ص 29 عن كميل نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 416 ح 38.

2- في المصدر «معروف»، والصحيح ما في المتن.

3- علل الشرائع: ص 560 ح 3 عن الحسين بن موسى عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 16 ص 223 ح 21.

4- الكافي: ج 4 ص 50 ح 4، المحاسن: ج 2 ص 142 ح 1368 وفيه «النائبة» بدل «البائنة» وكلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 74 ص 149 ح 4.

5- مقاتل الطالبين: ص 76 عن سفيان بن الليل، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 16 ص 44 عن سفيان بن أبي ليلى؛ بحار الأنوار: ج 44 ص 60.

امام علی علیه السلام: خداوند، کریم و شکیبا و بزرگ و مهربان است و ما را به اخلاق خود، هدایت کرده و دستور داده آنها را فرا ستانیم و مردم را به [ستاندن] آن وا داشته است. ما بدون کوتاهی و کاستی، آنها را ادا کرده ایم و بی هیچ نفاقى آنها را جاری ساخته ایم و بدون دروغگویی، آنها را تصدیق کرده ایم و بی هیچ تردیدی آنها را پذیرفته ایم.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ناسپاسی می شد و از کار نیکش سپاس گزاری نمی شد. احسان ایشان، هم قریشی را فرا می گرفت و هم عرب و هم عجم را، و چه کسی کار نیک و احسانش برای این مردم، بیش از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود؟! ما اهل بیت نیز ناسپاسی می شویم و از ما سپاس گزاری نمی کنند، و مؤمنان برگزیده هم ناسپاسی می شوند و احسانشان سپاس گزاری نمی شود.

امام علی علیه السلام: ما خاندانی هستیم که فرمان یافته ایم خوراک اطعام کنیم و به مردم عطایا و صله دهیم و هنگامی که مردم خواب اند، نماز بگزاریم.

امام حسن علیه السلام: ما خاندانی هستیم که هر گاه حق را شناختیم، بدان چنگ در می زنیم.

الإحتجاج عن مصعب بن عبد الله: لَمَّا اسْتَكْفَى (1) النَّاسُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَكِبَ فَرَسَهُ وَاسْتَنْصَتَ النَّاسَ ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ : ... أَلَا- وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ تَرَكَنِي بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ ، وَهَيْهَاتَ لَهُ ذَلِكَ مِنِّي ، هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ ، أَيْ اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَهَّرَتْ وَجُدُودٌ طَابَتْ أَنْ تُؤَثِّرَ طَاعَةَ اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ أَعْطَانَا الْجِلْمَ وَالْعِلْمَ وَالشَّجَاعَةَ وَالسَّخَاءَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ . (3)

علل الشرائع عن أبي بصير: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنَ الْبُخْلِ؟ فَقَالَ : نَعَمْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ ، وَنَحْنُ نَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الْبُخْلِ ، يَقُولُ اللَّهُ : « وَ مَنْ يُوقِ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ » . (4) . (5)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ إِذَا عَلِمْنَا مِنْ أَحَدٍ خَيْرًا لَمْ تَزَلْ ذَلِكَ عَنْهُ مِنَّا أَقْوِيلَ الرَّجَالِ . (6)

الأمامي للصدوق عن حريز بن عبد الله أو غيره: نَزَلَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْمٌ مِنْ جُهَيْدَةَ فَأَضَافَهُمْ ، فَلَمَّا أَرَادُوا الرَّحْلَةَ زَوَّدَهُمْ وَوَصَلَّهُمْ وَأَعْطَاهُمْ ، ثُمَّ قَالَ لِغِلْمَانِهِ : تَنَحَّوْا لَا تُعِينُوهُمْ ، فَلَمَّا فَرَّغُوا جَاؤُوا لِيُودِّعُوهُ ، فَقَالُوا لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، لَقَدْ أَضَفْتَ فَأَحْسَنْتَ الضِّيَافَةَ وَأَعْطَيْتَ فَأَجَزَلْتَ الْعَطِيَّةَ ! ثُمَّ أَمَرْتَ غِلْمَانَكَ أَنْ لَا يُعِينُونَا عَلَى الرَّحْلَةِ ! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُعِينُ أَضْيَافَنَا عَلَى الرَّحْلَةِ مِنْ عِنْدِنَا . (7)

1- استكف به الناس : إذا أحذقوا به ، واستكفوا حوله : ينظرون إليه (النهاية : ج 4 ص 190 «كف»).

2- الإحتجاج : ج 2 ص 97 _ 99 ح 167 ، تحف العقول : ص 241 ، الملهوف : ص 156 ، مثير الأحران : ص 55 كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج 45 ص 83 ح 10 ؛ تاريخ دمشق : ج 14 ص 219 عن أبي بكر بن دريد نحوه .

3- كامل البهائي : ج 2 ص 269 ، تفسير فوات : ص 178 ح 230 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام نحوه ، وراجع : ص 212 ح 6473 من كتابنا هذا .

4- الحشر : 9 .

5- علل الشرائع : ص 548 ح 4 ، قصص الأنبياء للراوندي : ص 118 ح 118 نحوه ، بحار الأنوار : ج 12 ص 147 ح 1 .

6- بصائر الدرجات : ص 362 ح 3 عن داود بن فرقد ، بحار الأنوار : ج 36 ص 130 ح 36 .

7- الأمامي للصدوق : ص 638 ح 859 ، روضة الواعظين : ص 233 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 451 ح 5 .

الاحتجاج_ به نقل از مصعب بن عبد الله _ : آن گاه که مردم ، حسین علیه السلام را احاطه کردند ، امام علیه السلام بر اسبش سوار شد و از مردم خواست بدو گوش فرا دهند . او خدا را حمد و ثنا کرد و سپس فرمود : «هان! این حرام زاده فرزند حرام زاده، مرا میان درگیری و خواری، مخیر کرده است. هیهات از من که چنین کنم و هیهات از ما که تن به خواری بسپاریم! خدا و پیامبر او و مؤمنان و مادران و پدران پاکمان ابا دارند از این که ما فرمانبری از پستان را بر مرگی بزرگوارانه ترجیح دهیم» .

امام زین العابدین علیه السلام : خداوند متعال به ما بردباری و دانش و دلیری و سخاوت و مهر در دل مؤمنان را ارمغان داده است .

علل الشرائع_ به نقل از ابو بصیر _ : به امام باقر علیه السلام گفتم : آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از تنگ چشمی ، [به خدا] پناه می بُرد؟ فرمود : «آری ، ای ابو محمد! هر بام و شام . ما نیز از تنگ چشمی به خدا پناه می بریم . خداوند می فرماید : «و هر که از بخل خویش در امان مانده باشد ، آنان اند که رستگاران اند» . «

امام صادق علیه السلام : ما خاندانی هستیم که هر گاه خیری در کسی سراغ داشته باشیم ، گفته های مردم ، این خیر را از نظر ما نمی برد .

الأمالی، صدوق_ به نقل از حریر بن عبد الله یا دیگری _ : جماعتی از جُهینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدند. امام علیه السلام از آنها پذیرایی کرد و چون آهنگ رفتن کردند ، ایشان برای آنها توشه گذارد و صله و عطایشان داد و به غلامان خود فرمود : «از آنها کناره بگیرد و یاری شان نرسانید» . چون میهمانان از کارشان آسوده شدند ، برای خداحافظی خدمت امام علیه السلام رسیدند و به ایشان گفتند : ای فرزند پیامبر خدا! پذیرایی کردی و نیکو میهمان نواختی و بخشش فراوان کردی . آن گاه به غلامانت دستور دادی ما را در [آمادگی برای] رفتن ، یاری نرسانند؟! فرمود : «ما خاندانی هستیم که میهمانانمان را در رفتن از نزد خود ، یاری نمی رسانیم» .

مصباح الشريعة_ فيما نسب به إلى الإمام الصادق عليه السلام_ : لَيْسَ فِي الْجُمْلَةِ مِنْ أَخْلَاقِ الصَّالِحِينَ وَلَا مِنْ شِعَارِ الْمُتَّقِينَ التَّكَلُّفُ ! مِنْ أَيِّ بَابٍ كَانَ . قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ : «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (1) . وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَمَنَاءِ وَالْأَتْقِيَاءِ بُرَاءٌ مِنَ التَّكَلُّفِ . (2)

الكافي عن حماد بن عثمان : أَصَابَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ غَلَاءٌ وَقَحْطٌ ، حَتَّى أَقْبَلَ الرَّجُلُ الْمَوْسِرُ يَخْلِطُ الْحِنْطَةَ بِالشَّعِيرِ وَيَأْكُلُهُ وَيَشْتَرِي بِبَعْضِ الطَّعَامِ . وَكَانَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَعَامٌ جَيِّدٌ قَدْ اشْتَرَاهُ أَوَّلَ السَّنَةِ ، فَقَالَ لِبَعْضِ مَوَالِيهِ : اشْتَرِ لَنَا شَيْئًا عَيْرًا فَاخْلِطْ بِهَذَا الطَّعَامِ أَوْ بَعْضَهُ ، فَإِنَّا نَكْرَهُ أَنْ نَأْكُلَ جَيِّدًا وَيَأْكُلَ النَّاسُ رَدِيًّا . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام : لَمَّا طَلَبَ مِنْهُ السَّنْدِيُّ بْنُ شَاهَكَ أَنْ يُكَفِّنَهُ _ : إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ حَجِّ صَرُورَتِنَا وَمُهَوَّرِ نِسَانِنَا وَأَكْفَانَتِنَا مِنْ طَهْوَرِ أَمْوَالِنَا (4) .

1- ص: 86 .

2- مصباح الشريعة : ص 208 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 394 ح 1 .

3- الكافي : ج 5 ص 166 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 160 ح 709 نحوه .

4- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 189 ح 577 ، الإرشاد : ج 2 ص 243 ، الغيبة للطوسي : ص 30 ح 6 عن محمد النوفلي ، فلاح السائل : ص 152 ح 71 كلها نحوه ، تحف العقول : ص 412 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 324 ح 28 .

مصباح الشریعة_ در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است _ به طور کلی، تکلف [ورنج پذیری بیهوده]، از اخلاق صالحان و شعار پرهیزگاران نیست، هر گونه که باشد. خداوند به پیامبرش فرمود: «بگو: من از شما مزدی نمی طلبم و من از متکلفان نیستم». پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «ما، پیامبران و امانتداران و پرهیزگاران، از تکلف بیزاریم».

الکافی_ به نقل از حماد بن عثمان _ مردم مدینه به گرانی و قحطی گرفتار آمدند، تا جایی که ثروتمندان نیز گندم را با جو در می آمیختند و می خوردند و [تنها] پاره ای از مواد خوراکی را می خریدند. امام صادق علیه السلام گندم خوبی داشت که آن را در آغاز سال خریده بود. ایشان به یکی از غلامان خود فرمود: «برای ما قدری جو بخر و با این گندم در هم آمیز یا آن را بفروش؛ زیرا ما خوش نداریم که خوراک نیکو بخوریم و مردم، خوراک نامرغوب بخورند».

امام کاظم علیه السلام_ به سندی بن شاهک که خواستار به عهده گرفتن تکفین ایشان بود _ ما خاندانی هستیم که [هزینه] نخستین حج و کابین زنان و [هزینه] کفنمان، از پاک ترین اموال ماست.

الإمام الرضا عليه السلام: **إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ وَرَثَتِنَا الْعَفْوِ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ، وَوَرَثَتْنَا الشُّكْرَ مِنْ آلِ دَاوُدَ . (1)**

عنه عليه السلام في كتابه لِلْفَضْلِ بْنِ سَهْلٍ - : **إِنَّ مِنْ دِينِهِمْ [أَيِ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ] الْوَرَعَ وَالْعِفَّةَ، وَالصَّدَقَ وَالصَّلَاحَ وَالْإِجْتِهَادَ، وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ، وَطَوْلَ السُّجُودِ، وَالْقِيَامَ بِاللَّيْلِ، وَاجْتِنَابَ الْمَحَارِمِ، وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ، وَحُسْنَ الصُّحْبَةِ، وَحُسْنَ الْجَوَارِ، وَبَدَلَ الْمَعْرُوفِ، وَكَفَّ الْأَذَى، وَبَسَطَ الْوَجْهَ، وَالنَّصِيحَةَ، وَالرَّحْمَةَ لِلْمُؤْمِنِينَ . (2)**

عنه عليه السلام: **إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَرَى وَعَدْنَا عَلَيْنَا دِينًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (3)**

عنه عليه السلام: **لَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ عِنْدَ نَوْمِنَا عَشْرُ خِصَالٍ (4): الطَّهَارَةُ، وَتَوَسُّدُ الْيَمِينِ، وَتَسْبِيحُ اللَّهِ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً، وَتَحْمِيدُهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَتَكْبِيرُهُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، وَنَسْتَقْبَلُ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِنَا، وَنَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ، وَشَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَى آخِرِهَا، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ أَخَذَ بِحَظِّهِ مِنْ لَيْلَتِهِ . (5)**

1- الكافي: ج 8 ص 308 ح 480 عن محمد بن الحسين بن يزيد . وقال علي بن أسباط بعد ذكر الحديث عن محمد بن الحسين: زعم أنه كان كلمة أخرى ونسبها محمد، فقلت له: لعله قال: «وورثنا الصبر من آل أيوب»! فقال: ينبغي .

2- تحف العقول: ص 416، الخصال: ص 479 ح 46، كمال الدين: ص 337 ح 9، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 55 ح 20 كلها عن عبد الله بن أبي الهذيل من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام و ج 2 ص 122 ح 1 عن الفضل بن شاذان وليس فيها ذيله من «وبذل المعروف»، بحار الأنوار: ج 10 ص 361 ح 2 .

3- تحف العقول: ص 446، مشكاة الأنوار: ص 301 ح 928 وفيه «ما وعدنا» بدل «وعدنا»، بحار الأنوار: ج 75 ص 97 ح 20 .

4- قال علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن محمد الطاووس: هكذا وجدت هذا الحديث، فإن الراوي ذكر عشر خصال ثم عدت تسع خصال، فلهذا سها في الجملة أو التفصيل، والظاهر أنه في التفصيل لأن خصالهم عند النوم أكثر من تسع كما رويناها. ولعله قد وقع السهو عن ذكر قراءة «قل هو الله أحد» أو قراءة «إنا أنزلناه» (بحار الأنوار: ج 76 ص 210) .

5- فلاح السائل: ص 485 ح 331 عن الحسن بن علي العلوي، بحار الأنوار: ج 76 ص 210 .

امام رضا علیه السلام: ما خاندانی هستیم که گذشت را از خاندان یعقوب علیه السلام و سپاس گزاری را از خاندان داوود علیه السلام به ارث برده ایم .

امام رضا علیه السلام_ در نامه اش به فضل بن سهل _ : جزو دین ایشان (امامان علیهم السلام) است پارسایی و خویشتنداری ، راستی و صلاح و سختکوشی ، بازگرداندن امانت به نیکوکار و تبهکار ، سجده طولانی ، عبادت شبانه ، دوری از حرام ، انتظار گشایش با شکیبایی ، هم نشینی شایسته ، همسایگی شایسته ، نیکی کردن ، دست از آزار شستن ، گشاده رویی ، خیرخواهی و گذشت از مؤمنان .

امام رضا علیه السلام: ما خاندانی هستیم که چونان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیمان خود را بدهی خویش می دانیم .

امام رضا علیه السلام: ما اهل بیت ، هنگام خواب، ده خوی داریم : داشتن طهارت ، خوابیدن به طرف راست ، سی و سه بار تسبیح خدا گفتن ، سی و سه بار حمد خدا گفتن ، سی و چهار بار تکبیر گفتن ، رو به قبله بودن چهره ، خواندن سوره حمد و آیه الکرسی و آیه : «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» تا پایان آن . هر که چنین کند ، بهره خود را از شَبَسْ برده است .

الكافي عن عبيد بن أبي عبد الله البغدادي عمن أخيره: نَزَلَ بِأَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَيْفٌ ، وَكَانَ جَالِسًا عِنْدَهُ يُحَدِّثُهُ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ ، فَتَغَيَّرَ السَّرَّاجُ ، فَمَدَّ الرَّجُلُ يَدَهُ لِيُصْلِحَهُ ، فَزَبَرَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، ثُمَّ بَادَرَهُ بِنَفْسِهِ فَأُصْلِحَهُ ، ثُمَّ قَالَ لَهُ : إِنْ أَقَوْمٌ لَا نَسْتَحْدِمُ أُضْيَافَنَا .

(1)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن إبراهيم بن العباس: مَا رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ جَفَا أَحَدًا بِكَلِمَةٍ قَطُّ ، وَلَا رَأَيْتُهُ قَطَعَ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَقْرَعُ مِنْهُ ، وَمَا رَدَّ أَحَدًا عَنْ حَاجَةٍ يَقْدِرُ عَلَيْهَا ، وَلَا مَدَّ رِجْلَهُ بَيْنَ يَدَيِ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ ، وَلَا اتَّكَأَ بَيْنَ يَدَيِ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ ، وَلَا رَأَيْتُهُ شَتَمَ أَحَدًا مِنْ مَوَالِيهِ وَمَمَالِيكِهِ قَطُّ ، وَلَا رَأَيْتُهُ تَقَلَّ ، وَلَا رَأَيْتُهُ يَقَهْفُهُ فِي ضِدِّ حَكِّهِ قَطُّ ، بَلْ كَانَ ضِدِّ حَكِّهِ التَّبَسُّمَ . وَكَانَ إِذَا خَلَا وَنَصَبَ مَائِدَتَهُ أَجْلَسَ مَعَهُ عَلَى مَائِدَتِهِ مَمَالِيكَهُ وَمَوَالِيَهُ حَتَّى الْبَوَابِ [و] (2) السَّائِسِ . وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ السَّهْرِ ، يُحِبُّ أَكْثَرَ لِيَالِيهِ مِنْ أَوَّلِهَا إِلَى الصُّبْحِ ، وَكَانَ كَثِيرَ الصِّيَامِ ، فَلَا يَقُونُهُ صِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ ، وَيَقُولُ : ذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ . وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ وَالصَّدَقَةِ فِي السَّرِّ ، وَأَكْثَرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيَالِي الْمُظْلِمَةِ ، فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ رَأَى مِثْلَهُ فِي فَضْلِهِ فَلَا تُصَدِّقْ . (3)

الإمام الهادي عليه السلام في الزيادة الجامعة التي يُزَارُ بِهَا الْأَيُّمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - : كَلَامُكُمْ نُورٌ ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ ، وَوَصِيَّتُكُمْ تَقْوَى ، وَفِعْلُكُمْ خَيْرٌ ، وَعَادَتُكُمْ إِحْسَانٌ ، وَسَجِيَّتُكُمْ كَرَمٌ ، وَشَأْنُكُمْ حَقٌّ وَالصَّدَقُ وَالرَّفْقُ . (4)

1- الكافي: ج 6 ص 283 ح 2، بحار الأنوار: ج 49 ص 102 ح 20 .

2- سقطت الواو من المصدر وأثبتناها من بحار الأنوار .

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 184 ح 7، إعلام الوري: ج 2 ص 63، كشف الغمّة: ج 3 ص 109 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 49 ص 90 ح 4 .

4- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 100 ح 177، وراجع: ص 217 ح 6495 من كتابنا هذا .

الكافی_ به نقل از عبید بن ابی عبد اللہ بغدادی، از کسی که به او خبر داد _ میهمانی بر امام رضا علیه السلام وارد شد . شب ، نزد امام علیه السلام نشسته بود و امام علیه السلام با او سخن می گفت که چراغ دگرگون شد و مُرد ، دست خود را دراز کرد تا آن را درست کند . امام علیه السلام مانع او شد و خود ، در درست کردن آن، پیش دستی کرد و سپس به او فرمود : «ما جماعتی هستیم که از مهمانانمان کار نمی کشیم» .

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از ابراهیم بن عباس _ :هرگز ندیدم که امام رضا علیه السلام با سخنی بر کسی درشتی کند و ندیدم که سخن کسی را قطع کند تا وقتی که گوینده از کلام، فارغ گردد و هیچ کس را در نیازی که توان بر آوردنش را داشت ، پس نمی زد و هرگز در حضور کسی، پای خود را دراز نمی کرد و در برابر هم نشینش تکیه نمی داد و ندیدم که به یکی از وابستگان یا غلامانش دشنام دهد و ندیدم که آب دهان بیندازد و هرگز ندیدم که در خنده خود، قهقهه کند و خنده اش لبخندی بیش نبود . هر گاه تنها می شد و سفره گسترده می گشت ، وابستگان و غلامان ، حتی دربان و مهترِ اسبان را نیز بر سر سفره می نشاند . در شب ، کم خواب و بیداری اش فراوان بود . بیشتر شب ها را تا صبح ، زنده می داشت و فراوان روزه می گرفت و در سه روز از ماه ، روزه را از دست نمی داد و می فرمود : «این، روزه روزگار است» . فراوان احسان می کرد و پنهانی صدقه می داد و بیشتر آن در شب های تاریک بود . هر که گمان کرد نظیر ایشان را در فضیلت دیده است ، باور مکن .

امام هادی علیه السلام- در زیارت جامعه که امامان علیهم السلام را با آن زیارت می کنند _ :سخن شما نور و فرمان شما هدایت و سفارش شما تقوا و کار شما خیر و عادت شما احسان و سرشت شما بخشنده و شأن شما حق و راستی و نرم خویی است .

الفصل السابع : وصايا أهل البيت (1) / 7 / 1 الاجتهاد في العمل للإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام_ من حُطِبَ لَهُ حُطْبَةٌ فِي الْبَصْرَةِ_ :مَعَاشِرَ شِيعَتِي ، إِصْبِرُوا عَلَى عَمَلٍ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْ ثَوَابِهِ ، وَاصْبِرُوا عَنْ عَمَلٍ لَا صَبْرَ لَكُمْ عَلَى عِقَابِهِ ، إِنَّا وَجَدْنَا الصَّبْرَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ أَهْوَنَ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى عَذَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . اِعْلَمُوا أَنَّكُمْ فِي أَجَلٍ مَحْدُودٍ وَأَمَلٍ مَمْدُودٍ وَنَفْسٍ مَعْدُودٍ ، وَلَا بُدَّ لِلْأَجَلِ أَنْ يَتَنَاهَى وَلَا لِأَمَلٍ أَنْ يُطَوِّى وَلِلنَّفْسِ أَنْ يُحْصَى . ثُمَّ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ وَقَرَأَ : «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ * كِرَامًا كَاتِبِينَ * يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» (2) . (3)

1- . لا بدّ أن نشير إلى أنّ وصايا أهل البيت عليهم السلام لا تقتصر على ما جاء هنا ، بل ينبغي لمن أراد جمع وصاياهم في شتى المواضيع أن يُفرد لذلك كتاباً خاصاً . وسوف نلاحظ في هذا الفصل أبرز مواعظ أهل البيت عليهم السلام _ الخلقية منها والسياسية والاجتماعية _ للأمة الإسلامية وبخاصة أتباعهم والعلماء ، ومع أخذ الظروف الحاكمة في العالم الإسلامي بعين الاعتبار .

2- . الانقطاع : 10 _ 12 .

3- . الأماشي للصدوق : ص 170 ح 169 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، روضة الواعظين : ص 535 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 380 ح 4 ؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 281 ح 223 وفيه ذيله من «اعلموا أنّكم» نحوه ، وراجع : عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1354 .

فصل هفتم : سفارش های اهل بیت علیهم السلام

1 / 7 سختکوشی در عمل

فصل هفتم : سفارش های اهل بیت (1) / 7 / 1 سختکوشی در عمل امام صادق علیه السلام_ به نقل از پدرانش علیهم السلام ، در یادکرد سخنان امام علی علیه السلام در بصره _ فرمود : «ای گروه شیعیان من! بر کاری که از پاداش آن بی نیاز نیستید ، شکیبا باشید و در ترك کاری که تاب کيفرش را ندارید هم شکیبایی کنید ؛ [زیرا] ما شکیبایی بر طاعت خدا را آسان تر از شکیبایی بر عذاب خدای عز و جل یافته ایم . بدانید که شما عمری محدود و آرزویی دراز و نَفَسی شماره شده دارید و لاجرم ، عمر به سر می آید و بساط آرزو در هم پیچیده می شود و نَفَس ها به شماره می افتند» . سپس اشک ریخت و این آیه را خواند : «همانا بر شما نگهبانانی گماشته شده اند ، [فرشتگانی] بزرگوار که نویسندگان [اعمال شما] هستند . آنچه را می کنید ، می دانند» .

1- . توجه به این نکته را ضروری می دانیم که سفارش های اهل بیت علیهم السلام به آنچه در این جا آمده ، منحصر نیست و شایسته است هر که خواستار مطالعه همه سفارش های آنان در زمینه های مختلف است ، برای آنها کتاب ویژه ای را در نظر بگیرد . آنچه در این بخش ملاحظه می کنیم ، برجسته ترین ره نمودهای اخلاقی ، سیاسی و اجتماعی اهل بیت علیهم السلام به امت مسلمان ، بویژه پیروان خود و دانشمندان، با توجه به شرایط حاکم بر جهان اسلام است .

الإمام زين العابدين عليه السلام - لَجَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ - :مَعَاشِرَ أَصْحَابِي ، أَوْصِيكُمْ بِالْآخِرَةِ وَلَسْتُ أَوْصِيكُمْ بِالدُّنْيَا ، فَإِنَّكُمْ بِهَا مُسْتَوْصُونَ وَعَلَيْهَا حَرِيصُونَ وَبِهَا مُسْتَمْسِكُونَ . مَعَاشِرَ أَصْحَابِي ، إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍّ وَالْآخِرَةُ دَارُ مَقَرٍّ ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَمَرِّكُمْ ، وَلَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَسْرَارُكُمْ ، وَأَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ . (1)

مشكاة الأنوار عن عمرو بن سعيد بن هلال :دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ فَقَالَ : كُونُوا الـنُّمْرُقَةَ الْوُسْطَى يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ الْغَالِي ، وَيَلْحَقُ بِكُمْ التَّالِي ، وَاعْمَلُوا يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاللَّهِ مَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ مِنْ قَرَابَةٍ وَلَا لَنَا عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ ، وَلَا يُتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ ، مَنْ كَانَ مُطِيعًا نَفَعْتَهُ وَلَا يُتْنَا ، وَمَنْ كَانَ عَاصِدًا لَمْ تَنْفَعُهُ وَلَا يُتْنَا . قَالَ : ثُمَّ التَّمَّتْ إِلَيْنَا وَقَالَ : لَا تَعْتَرُوا وَلَا تَقْتَرُوا ، قُلْتُ : وَمَا الـنُّمْرُقَةُ الْوُسْطَى ؟ قَالَ : أَلَا تَرَوْنَ أَهْلًا تَأْتُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلنَّمَطِ الْأَوْسَطِ فَضْلَهُ . (2)

الكافي عن جابر ، عن الإمام الباقر عليه السلام ، قال :قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي : يَا جَابِرُ ، أَيَكْتَفِي مَنْ يَنْتَحِلُ (3) الشَّيْخَ أَنْ يَقُولَ بِحُبِّنا أَهْلَ الْبَيْتِ ؟! فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ ، وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ ، يَا جَابِرُ ، إِلَّا بِالِتَّوَاضُعِ وَالتَّخَشُّعِ ، وَالْأَمَادَةِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ ، وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ ، وَالْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ ، وَالتَّعَاهُدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَأَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَالْغَارِمِينَ وَالْأَيْتَامِ ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ، وَكَفِّ الْأَلْسُنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ ، وَكَانُوا أَمْنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ . قَالَ جَابِرٌ : فَقُلْتُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، مَا نَعْرِفُ الْيَوْمَ أَحَدًا بِهَذِهِ الصِّفَةِ . فَقَالَ : يَا جَابِرُ ، لَا تَدَهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ ، حَسْبُ الرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ : أَحِبُّ عَلِيًّا وَأَتَوَلَّاهُ ثُمَّ لَا يَكُونُ مَعَ ذَلِكَ فَعَالًا ؟! فَلَوْ قَالَ : إِنِّي أَحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُ سِيرَتَهُ وَلَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ إِيَّاهُ شَيْئًا ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ ، لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ ، أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (وَأَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِ) أَنْقَاهُمْ وَأَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ . يَا جَابِرُ ، وَاللَّهِ مَا يُتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَّا بِالطَّاعَةِ ، وَمَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَلَا عَلَى اللَّهِ لِأَحَدٍ مِنْ حُجَّةٍ ، مَنْ كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا فَهُوَ لَنَا وَلِيِّ ، وَمَنْ كَانَ لِلَّهِ عَاصِدًا فَهُوَ لَنَا عَدُوٌّ ، وَمَا تُنَالُ وَلَا يُتْنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ . (4)

- 1- .الأمالِي لِلصَّدُوقِ : ص 289 ح 321 عن طاووس اليماني ، بحار الأنوار : ج 78 ص 147 ح 7 .
- 2- .مشكاة الأنوار : ص 121 ح 285 ، الكافي : ج 2 ص 75 ح 6 عن عمرو بن خالد ، شرح الأخبار : ج 3 ص 502 ح 1440 ، كشف الغمّة : ج 2 ص 360 ، نزهة الناظر : ص 160 ح 316 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 178 ح 36 ، وراجع : نهج البلاغة : الحكمة 109 .
- 3- .يَنْتَحِلُ : إِذَا ادَّعَاهُ لِنَفْسِهِ ، أَوْ إِذَا انْتَسَبَ إِلَيْهِ (الصَّحاح : ج 5 ص 1826 «نحل»).
- 4- .الكافي : ج 2 ص 74 ح 3 ، صفات الشيعة : ص 90 ح 22 ، الأمالِي لِلطُّوسِي : ص 735 ح 1535 ، الأمالِي لِلصَّدُوقِ : ص 725 ح 991 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 185 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 97 ح 4 .

امام زین العابدین علیه السلام به شماری از یارانش _ ای گروه اصحاب من! شما را به آخرت سفارش می کنم و به دنیا سفارستان نمی کنم؛ زیرا خود بدان سفارش شده اید و بدان آزمندید و به دامن آن، چنگ افکنده اید. ای گروه اصحاب من! دنیا سرای گذر است و آخرت، سرای ماندن. پس، از گذرگاه خود برای قرارگاهتان توشه بر گیرید و پرده های خود را در پیشگاه کسی که رازهایتان بر او پوشیده نیست، مَدَرید و دل های خود را از دنیا بیرون کنید، پیش از آن که کالبدهایتان از آن بیرون رود.

مشكاة الأنوار_ به نقل از عمرو بن سعید بن هلال _ من و گروهی به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدیم. ایشان فرمود: «شما نمونه میانه باشید، که تدرونده، به سوی شما بر می گردد و واپس مانده، به شما می پیوندد. ای شیعه خاندان محمّد! عمل کنید (1) که به خدا سوگند، میان ما و خدا هیچ خویشاوندی و ما را بر خداوند، حجتی نیست و جز با طاعت، به خداوند، نزدیک نتوان شد. کسی که فرمان بردار [خدا] باشد، ولایت ما او را سود می بخشد و کسی که نافرمان باشد، ولایت ما او را سودی نمی بخشد». ایشان سپس رو به ما کرد و فرمود: «مغرور نشوید و [در کار و عمل]، سستی مورزید». من گفتم: نمونه میانه چیست؟ فرمود: «نمی بینید که وقتی وارد بر خانواده ای می شوید، به طرف وسط جایگاه می روید و آن را ترجیح می دهید».

الکافی_ به نقل از جابر _ امام باقر علیه السلام به من فرمود: «ای جابر! آیا کسی را که ادّعی تشیع می کند، همین کافی است که دم از محبّت ما خاندان زَنَد؟! به خدا سوگند، شیعه ما نیست، مگر آن کسی که از خدا پروا کند و او را فرمان برد. ای جابر! اینان شناخته نمی شوند، مگر با فروتنی و خشوع و امانتداری و بسیار به یاد خدا بودن و روزه داری و گزاردن نماز و نیکی به پدر و مادر و رسیدگی به همسایگان تهی دست و مستمند و بدهکاران و یتیمان، و راستگویی و تلاوت قرآن و در باره مردم چیزی جز خوبی نگفتن و این که در همه چیز، امانتدارِ معاشران خود باشند». گفتم: ای پسر پیامبر خدا! امروزه ما هیچ کس را با این صفات سراغ نداریم. فرمود: «ای جابر! زنهار که عقاید [باطل] گوناگون، تو را به بیراهه بکشاند! آیا همین بس است که فردی بگوید: من علی را دوست دارم و او را ولیّ خود می دانم؛ اما با این حال، در کار [آخرت] کوشا نباشد؟! اگر بگوید: من پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دوست دارم _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که بهتر از علی علیه السلام است _؛ اما از روش او پیروی نکند و به سنت وی رفتار ننماید، محبّش به پیامبر، او را هیچ سودی نمی رساند. پس، از [کیفر] خدا بترسید و برای [رسیدن به آنچه نزد خداست، کار کنید. خدا با هیچ کس خویشاوندی ندارد. محبوب ترین بندگان نزد خدای عز و جل [و گرامی ترین آنان در پیشگاه او] پرهیزگارترین و فرمان بردارترین آنان است. ای جابر! به خدا سوگند که جز با طاعت، به خدای _ تبارک و تعالی _ نزدیک نتوان شد و ما بَرَاتِ آزادی [از دوزخ، برای کسی] نداریم و هیچ کس را بر خداوند، حجتی نیست. هر که فرمان بردار خدا باشد، همو دوست ماست و هر که نافرمانی خدا کند، همو دشمن ماست و ولایت و دوستی ما، جز با عمل و پارسایی به دست نمی آید».

الإمام الباقر عليه السلام: أعينونا بالورع، فإنه من لقي الله عز وجل منكم بالورع كان له عند الله فرج، وإن الله عز وجل يقول: «ومن يطع الله والرسول فأولئك مع الذين أنعم الله عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك رفيقاً» (1) فمننا النبي ومننا الصديق والشهداء والصالحون. (2)

عنه عليه السلام لفضيل _ بلغ من لقيت من مؤالينا عتاً السلام، وقُل لهم: إني أقول: إني لا أغني عنكم من الله شيئاً إلا بورع، فاحفظوا ألسنتكم وكفوا أيديكم، وعليكم بالصبر والصلاة، إن الله مع الصابرين. (3)

1- النساء: 69 .

2- الكافي: ج 2 ص 78 ح 12 عن أبي الصباح الكناني، بحار الأنوار: ج 70 ص 301 ح 11 .

3- تفسير العياشي: ج 1 ص 68 ح 123، مستطرفات السرائر: ص 74 ح 17، مشكاة الأنوار: ص 94 ح 203 و ص 97 ح 217 كلاهما عن الفضيل عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، دعائم الإسلام: ج 1 ص 133 بزيادة «واجتهاد» بعد «بورع»، بحار الأنوار: ج 82 ص 232 ح 57 .

امام باقر علیه السلام: ما را با پارسایی [خود]، یاری رسانید؛ زیرا هر کس از شما خدای عز و جل را با پارسایی دیدار کند، او را نزد خداوند، گشایش است و خدای عز و جلمی فرماید: «و آنها که از خدا و پیامبر فرمان برند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته است، [یعنی] با پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان اند و آنان چه نیکو همدمان اند!». پیامبر صلی الله علیه و آله از ماست و صدیق و شهیدان و شایستگان [نیز] از مایند.

امام باقر علیه السلام_ به فضیل _ : دوستان ما را که دیدی، از جانب ما سلام برسان و به ایشان بگو: من می گویم: در نزد خدا از دست من برای شما کاری ساخته نیست، جز این که پارسایی پیشه کنید. پس زبان های خود را حفظ کنید و دست هایتان را باز دارید و بر شما باد شکیبایی و نماز که خداوند، با شکیبایان است.

الإمام الصادق عليه السلام من وصيَّته لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ - يَابْنَ جُنْدَبٍ ، بَلَّغْ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا وَقُلْ لَهُمْ : لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ ، فَوَاللَّهِ لَا تُنَالُ وَلَا يُتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا ، وَمُوَاسَاةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ ، وَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَظْلِمُ النَّاسَ . (1)

عنه عليه السلام : عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ ، وَكُونُوا دُعَاءً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ ، وَكُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا ، وَعَلَيْكُمْ بِطَوْلِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ ، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَطَالَ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ هَتَفَ إبْلِيسُ مِنْ خَلْفِهِ وَقَالَ : يَا وَيْلَهُ ! أَطَاعَ وَعَصَيْتُ ، وَسَجَدَ وَأَبَيْتُ . (2)

عنه عليه السلام : مَعَاشِرِ الشَّيْعَةِ ، كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا ، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا ، وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوهُمَا عَنِ الْفُضُولِ وَقَبِيحِ الْقَوْلِ . (3)

عنه عليه السلام : كُونُوا دُعَاءً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ ، لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ ، فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ . (4)

عنه عليه السلام - لِلْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ - : أَيُّ مَفْضَلٌ ، قُلْ لِشِيعَتِنَا : كُونُوا دُعَاءً إِلَيْنَا بِالْكَفِّ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَاجْتِنَابِ مَعَاصِيهِ وَأَتْبَاعِ رِضْوَانِ اللَّهِ ، فَإِنَّهُمْ إِذَا كَانُوا كَذَلِكَ كَانَ النَّاسُ إِلَيْنَا مُسَارِعِينَ . (5)

-
- 1- تحف العقول : ص 303 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 281 ح 1 ، وراجع : الكافي : ج 2 ص 73 ح 1 .
 - 2- الكافي : ج 2 ص 77 ح 9 ، المحاسن : ج 1 ص 83 ح 50 كلاهما عن أبي أسامة ، بحار الأنوار : ج 70 ص 299 ح 9 .
 - 3- الأُمالي للصدوق : ص 484 ح 657 ، الأُمالي للطوسي : ص 440 ح 987 ، بشارة المصطفى : ص 170 كلُّها عن سليمان بن مهران ، مشكاة الأنوار : ص 162 ح 417 ، روضة الوعظين : ص 513 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 151 ح 6 .
 - 4- الكافي : ج 2 ص 78 ح 14 و ص 105 ح 10 ، مشكاة الأنوار : ص 96 ح 215 كلُّها عن ابن أبي يعفور و ص 300 ح 926 كلُّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 70 ص 303 ح 13 .
 - 5- دعائم الإسلام : ج 1 ص 58 ، شرح الأخبار : ج 3 ص 506 ح 1453 .

امام صادق علیه السلام در توصیه اش به عبد الله بن جندب _ : ای پسر جندب! به گروه شیعیان ما [پیام] برسان و به آنان بگو: مبادا راه های گوناگون، شما را به بیراهه بکشاند؛ زیرا به خدا سوگند که ولایت و دوستی ما، جز با پارسایی و سختکوشی در دنیا و همیاری و همدردی با برادران دینی به دست نمی آید و کسی که به مردم ستم کند، شیعه ما نیست.

امام صادق علیه السلام: بر تو باد پروا داشتن از خدا و پارسایی و سختکوشی [در کار و عمل] و راستگویی و امانتداری و خوش خویی و حُسن همسایگی. مردم را [عملاً و] با غیر زبان، به [مذهب] خود، دعوت کنید و زیور ما باشید و مایه ننگ [و زشتی] ما نباشید. بر شما باد طول دادن رکوع و سجود؛ زیرا هر گاه فردی از شما رکوع و سجود را به درازا کشاند، شیطان از پشت سر او فریاد بر می آورد و می گوید: «ای وای! او فرمان بُرد و من نافرمانی کردم. او سجده کرد و من سرپیچی کردم».

امام صادق علیه السلام: ای گروه شیعیان! زیور ما باشید و مایه ننگ [و زشتی] ما نباشید. با مردم، نیکو سخن بگوئید. زبان هایتان را نگه دارید و آنها را از زیاده گویی و زشتگویی باز دارید.

امام صادق علیه السلام: مردم را با غیر زبان خود [به مذهب خویش] دعوت کنید تا پارسایی و سختکوشی [در عمل و عبادت] و نماز و خوبی را از شما ببینند؛ زیرا اینها خود، [بهترین] مبلغ اند.

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر _ : ای مفضل! به شیعیان ما بگو: با خویشتنداری از حرام های خدا و دوری از گناهان و در پی [جلب] خشنودی خدا بودن، دعوتگر [مردم] به سوی ما باشید؛ زیرا اگر چنین باشند، مردم، خود به جانب ما می شتابند.

عنه عليه السلام: إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَا بِهِ، فَإِنَّ وُلْدَ السَّوِّءِ يُعَيِّرُونَ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ، كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْمْ إِلَيْهِ زِينَا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شِينًا. (1)

2/7 حُسْنُ الْعِشْرَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَحْسِنِ مُصَاحَبَةَ مَنْ صَاحَبَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا. (2)

الإمام عليّ عليه السلام: فِي وَصِيَّتِهِ لِبَنِيهِ عِنْدَ احْتِضَارِهِ: يَا بَنِيَّ، عَاشِرُوا النَّاسَ عِشْرَةً إِنْ غِبْتُمْ حَتَّىٰ إِلَيْكُمْ، وَإِنْ فُقِدْتُمْ بَكَوْا عَلَيْكُمْ. (3)

عنه عليه السلام: إِذِلْ لِأَخِيكَ دَمَكَ وَمَالَكَ، وَلِعَدُوِّكَ عَدْلَكَ وَإِنصَافَكَ، وَلِلْعَامَّةِ بِشْرَكَ وَإِحْسَانَكَ. (4)

عنه عليه السلام: إِذِلْ لِصَدِيقِكَ نُصْحَكَ، وَلِمَعَارِفِكَ مَعُونَتَكَ، وَلِكَافَّةِ النَّاسِ بِشْرَكَ. (5)

-
- 1- الكافي: ج 2 ص 219 ح 11 عن هشام الكندي، بحار الأنوار: ج 75 ص 431 ح 91.
 - 2- الأُمالي للمفيد: ص 350 ح 1، الأُمالي للصدوق: ص 269 ح 295، الأُمالي للطوسي: ص 120 ح 187، المناقب للكوفي: ج 2 ص 276 ح 744 كلّها عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 69 ص 368 ح 4؛ مسند الشهاب: ج 1 ص 372 ح 642 عن أبي هريرة وفيه «مؤمنًا» بدل «مسلمًا».
 - 3- الأُمالي للطوسي: ص 595 ح 1232 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، أعلام الدين: ص 215، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 75، بحار الأنوار: ج 42 ص 247 ح 50.
 - 4- تحف العقول: ص 212، الخصال: ص 147 ح 178 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 78 ص 50 ح 76؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 312 ح 586 نحوه.
 - 5- غرر الحكم: ج 2 ص 235 ح 2466، عيون الحكم والمواعظ: ص 80 ح 1946 نحوه وليس فيه ذيله.

2 / 7 حُسن معاشرت

امام صادق علیه السلام: مبادا کاری کنید که به سبب آن، ما را سرزنش کنند؛ زیرا به سبب کردار فرزند بد، پدر او سرزنش می شود. برای کسی که به او دل سپرده اید (امام خود)، مایه آراستگی باشید و باعث ننگ [وزشتی اش] نباشید.

2/7 حُسن معاشرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با آن کس که هم نشین توست، نیکو هم نشینی کن تا مسلمان باشی.

امام علی علیه السلام: در سفارش به فرزندان خود، هنگام احتضار: فرزندان من! با مردم چنان معاشرت کنید که هر گاه غایب شدید، مشتاق دیدار شما باشند و هر گاه از دست رفتید، بر شما بگریند.

امام علی علیه السلام: جان و مالت را به برادرت، دادگری و انصافت را به دشمنت و خوش رویی و احسانت را به عموم مردم، نثار کن.

امام علی علیه السلام: خیرخواهی [و اخلاص] خود را به دوستت، یاری ات را به آشنایانت و خوش رویی ات را به همه مردم ارزانی دار.

الإمام الصادق عليه السلام: صانع المنافق بلسانك ، وأخلص وذك للمؤمن ، وإن جالسك يهودي فأحسن مجالسته . (1)

دعائم الإسلام: زوينا عن أبي عبد الله جعفر بن محمد صلوات الله عليه أن نقرأ آتوه من الكوفة من شيعته ... فلما حصدهم الإنصاف وودعوه قال له بعضهم: أوصنا يا بن رسول الله، فقال: أوصيكم بتقوى الله، والعمل بطاعته، واجتناب معاصيه، وأداء الأمانة لمن ائتمنكم، وحسن الصحابة لمن صحبتموه، وأن تكونوا لنا دعاة صامتين. فقالوا: يا بن رسول الله، وكيف ندعوا إليكم ونحن صدموت؟ قال: تعملون ما أمرناكم به من العمل بطاعة الله، وتتأهون عما نهيناكم عنه من ارتكاب محارم الله، وتعاملون الناس بالصدق والعدل، وتؤدون الأمانة، وتأمرون بالمعروف، وتنهون عن المنكر، ولا يطلع الناس منكم إلا على خير، فإذا رأوا ما أنتم عليه قالوا: هؤلاء الفلانية، رحم الله فلانا، ما كان أحسن ما يؤدب أصحابه، وعلموا فضل ما كان عندنا، فسارعوا إليه. أشهد على أبي محمد بن علي رضوان الله عليه ورحمته وبركاته، لقد سمعته يقول: كان أولياؤنا وشيعتنا فيما مضى خير من كانوا فيه، إن كان إمام مسجد في الحي كان منهم، وإن كان مؤذن في القبيلة كان منهم، وإن كان صاحب وديعة كان منهم، وإن كان صاحب أمانة كان منهم، وإن كان عالم من الناس يقصده دونه لدينهم ومصالح أمورهم كان منهم، فكونوا أنتم كذلك، حببونا إلى الناس، ولا تبغضونا إليهم. (2)

1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 404 ح 5872، الأمالي للمفيد: ص 185 ح 10، الزهد للحسين بن سعيد: ص 83 ح 10 كلاهما عن سعد بن طريف عن الإمام الباقر عليه السلام، الأمالي للصدوق: ص 727 ح 996، تحف العقول: ص 292 عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 74 ص 152 ح 11.

2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 56، صفات الشيعة: ص 103 ح 39، مشكاة الأنوار: ص 255 ح 753 كلاهما عن عبد الله بن زياد نحوه، بحار الأنوار: ج 74 ص 162 ح 25، وراجع: الكافي: ج 2 ص 636 ح 5 ومصنفات الشيخ المفيد (الحكايات): ص 93 ح 2 وأعلام الدين: ص 143.

امام صادق علیه السلام: با منافق، به زبانت سازگاری کن و دوستی ات را برای مؤمن، خالص گردان و اگر یهودی ای با تو هم نشین شد، با او نیکو هم نشینی کن.

دعائم الإسلام: در باره امام جعفر صادق _ که دروهای خدا بر او باد _ برای ما روایت شده که تعدادی از شیعیان کوفه ... خدمت ایشان رسیدند. وقتی زمان خداحافظی فرا رسید، کسانی از میان آنان گفتند: ای پسر پیامبر خدا! به ما سفارشی کن. فرمود: «شما را سفارش می کنم به پروا داشتن از خدا و به کار بستن فرمان او و دوری از نافرمانی اش و باز گرداندن امانت به کسی که به شما امانتی سپرده است و حُسن معاشرت با کسی که با او هم نشینی می کنید و این که برای ما دعوتگرانی خاموش باشید». گفتند: ای پسر پیامبر خدا! چگونه با خاموشی به سوی شما دعوت کنیم؟ فرمود: «این که به طاعت خدا _ که شما را بدان فرمان داده ایم _ عمل کنید و از ارتکاب حرام های خدا _ که شما را از آن باز داشته ایم _ باز ایستید و با مردم به راستی و دادگری رفتار کنید و امانت را ادا کنید و به خوبی ها فرا خوانید و از زشتی ها باز دارید و مردم، جز خوبی چیزی از شما نبینند؛ زیرا هر گاه این صفات را در شما بیابند، می گویند: اینان فلانی ها هستند. خدا رحمت کند فلان را! چه نیکو، یاران خود را تربیت کرده است! و به ارزش آنچه ما داریم، پی می برند و در نتیجه به سوی ما می شتابند. گواهی می دهم که شنیدم پدرم محمد بن علی _ که رضوان و رحمت و برکات خداوند بر او باد _ می فرمود: در گذشته دوستان و شیعیان ما، بهترین افراد جامعه خود بودند. اگر در میان تیره ای، پیش نماز مسجدی بود، از آنها بود. اگر در قبیله ای مؤذنی بود، از آنان بود. اگر کسی بود که به او ودیعه ای می سپرد، از آنان بود. اگر امانتداری بود، از آنان بود. اگر عالمی بود که مردم، در مسائل دینی و مصلحت امور خود به او مراجعه می کردند، از آنان بود. پس شما نیز چنین باشید. ما را محبوب مردم گردانید و ما را نزد آنان منفور نگردانید.»

الإمام العسكري عليه السلام - لشيئته - : أوصيكم بتقوى الله ، والورع في دينكم ، والاجتهاد لله ، وصدق الحديث ، وأداء الأمانة إلى من ائتمنكم من بر أو فاجر ، وطول السجود ، وحسن الجوار ، فهذا جاء محمد صلى الله عليه وآله . صدقوا في عشايرهم ، واشهدوا جنائزهم ، وعودوا مرضاهم ، وأدوا حقوقهم ، فإن الرجل منكم إذا ورع في دينه وصدق في حديثه وأدى الأمانة وحسن خلفه مع الناس قيل : هذا شيعي ، فيسّرني ذلك . إتقوا الله وكونوا زينا ولا تكونوا شينا ، جزوا إلينا كل مودة وادفعوا عنا كل قبيح ، فإنه ما قيل فينا من حسن فنحن أهله ، وما قيل فينا من سوء فما نحن كذلك . لنا حق في كتاب الله وقرآنه من رسول الله وتطهير من الله ، لا يدعيه أحد غيرنا إلا كذاب . أكثروا ذكر الله وذكروا الموت وتلاوة القرآن والصلاة على النبي صلى الله عليه وآله ، فإن الصلاة على رسول الله عشر حسنات . احفظوا ما وصيتمكم به ، وأستودعكم الله ، وأقرأ عليكم السلام . (1)

3 / 7 مسؤولية العلماء الإمام علي عليه السلام : أما والذي فلق الحبة وبرأ النسمة ، لولا حضور الحاضر وقيام الحجة بوجود الناصر وما أخذ الله على العلماء أن لا يقاروا على كظة ظالم ولا سغب مظلوم لألقيت حبلها على غاربها ، ولست قيت آخرها بكأس أولها ، ولألفيتم دنياكم هذه أزهده عندي من عفتة عنز . (2)

1- . تحف العقول : ص 487 ، مشكاة الأنوار : ص 132 ح 301 عن أبي أسامة عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 372 ح 12 ، وراجع : الكافي : ج 2 ص 219 ح 11 .

2- . نهج البلاغة : الخطبة 3 ، معاني الأخبار : ص 362 ح 1 ، علل الشرائع : ص 151 ح 12 ، الإحتجاج : ج 1 ص 458 ح 105 والثلاثة الأخيرة عن ابن عباس ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 205 ، بحار الأنوار : ج 29 ص 499 ح 1 .

7 / 3 مسئولیت عالمان

امام عسکری علیه السلام به شیعیان خود _ شما را سفارش می‌کنم به پروا داشتن از خدا و پارسایی در دینتان و کوشش برای خدا و راستگویی و ادای امانت به کسی که امانتی به شما سپرده است، نیکوکار باشد یا تبه‌کار، و سجده طولانی و نیکو همسایه داری؛ زیرا محمد صلی الله علیه و آله برای این امور آمده است. در میان عشیره هایشان نماز بخوانید، در تشییع جنازه هایشان شرکت ورزید، از بیمارانشان عیادت کنید و حقوق آنان را بگزارید؛ زیرا هر گاه فردی از شما در دینش پارسا و در گفتارش راستگو باشد و امانت را ادا کند و با مردم خوش خوئی کند، گفته می‌شود: «این، شیعه است» و این، مرا شاد می‌سازد. از خدا پروا کنید و مایه آراستگی ما باشید، نه مایه ننگ [و زشتی]. هر گونه دوستی را برای ما جلب کنید و هر گونه زشتی را از ما دور سازید؛ زیرا هر خوبی که در حق ما گفته شود، ما اهل آن هستیم و هر بدی که در باره ما گفته آید، نه چنانیم. ما را در کتاب خدا حقی است و با پیامبر خدا خویشاوندیم و خداوند، ما را پاک شمرده است و جز ما، هر کس چنین ادعایی کند، دروغگوست. خدا و مرگ را فراوان یاد کنید و بسیار قرآن بخوانید و فراوان بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستید؛ زیرا صلوات بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ده ثواب دارد. آنچه را به شما سفارش کردم، پاس دارید. شما را به خدا می‌سپارم و بدرودتان می‌گویم.

7 / 3 مسئولیت عالمان امام علی علیه السلام: هان! سوگند به آن کسی که دانه را شکافت و خلائق را آفرید، اگر حضور مردم نبود و این که با وجود یار و یاور، حجت، تمام است و اگر خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگر و گرسنگی ستم دیده آرام نگیرند، بی گمان، افسار آن [اشتر خلافت] را بر گردنش می‌انداختم [ورهایش می‌ساختم] و در پایان، آن را با همان جامی آب می‌دادم که در آغاز، آب دادم و هر آینه می‌دیدید که این دنیای شما در نظر من از باد معده (/ آب بینی) بزی هم پست تر است.

عنه عليه السلام في بيان صفات المُتَّقِينَ وصفات المُسَاقِ ، وَالتَّشْبِيهِ إِلَى مَكَانِ الْعِتْرَةِ الطَّيِّبَةِ وَالظَّنِّ الْخَاطِئِ لِبَعْضِ النَّاسِ _ عِبَادَ اللَّهِ ! إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ ، فَاسْتَشَعَرَ الْحُزْنَ وَتَجَلَّبَبَ الْخَوْفَ ، فَزَهَرَ مِصْبَاحُ الْهُدَى فِي قَلْبِهِ ، وَأَعَدَّ الْقِرَى لِيَوْمِهِ النَّازِلِ بِهِ ... فَهُوَ مِنْ مَعَادِنِ دِينِهِ وَأُوتَادِ أَرْضِهِ . قَدْ أَلْزَمَ نَفْسَهُ الْعَدَلَ ، فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ ، يَصِفُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، لَا يَدْعُ لِلْخَيْرِ غَايَةً إِلَّا أُمَّهَا ، وَلَا مَظْلَمَةً إِلَّا قَصَدَهَا ، قَدْ أَمَكَنَ الْكِتَابَ مِنْ زِمَامِهِ ، فَهُوَ قَائِدُهُ وَإِمَامُهُ ، يَحُلُّ حَيْثُ حَلَّ ثِقْلُهُ ، وَيَنْزِلُ حَيْثُ كَانَ مَنْزِلُهُ . وَآخِرُ قَدْ تَسَمَّى عَالِمًا وَلَيْسَ بِهِ ، فَاقْتَبَسَ جَهَائِلَ مِنْ جُهَالٍ ، وَأَضَالِيلَ مِنْ ضَلَالٍ ، وَنَصَبَ لِلنَّاسِ أَشْرَاكَ مِنْ حَبَائِلِ غُرُورٍ ، وَقَوْلِ زُورٍ ، قَدْ حَمَلَ الْكِتَابَ عَلَى آرَائِهِ ، وَعَطَفَ الْحَقَّ عَلَى أَهْوَائِهِ ، يُؤْمِنُ النَّاسَ مِنَ الْعِظَائِمِ ، وَيُهَوِّنُ كَبِيرَ الْجَرَائِمِ ، يَقُولُ : أَقْفُ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَفِيهَا وَقَعُ ، وَيَقُولُ : أَعْتَرَلُ الْبِدْعَ وَبَيْنَهَا اضْطَجَعَ ، فَالصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ ، وَالْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانٍ ، لَا يَعْرِفُ بَابَ الْهُدَى فَيَتَّبِعُهُ ، وَلَا بَابَ الْعَمَى فَيَصُدُّ عَنْهُ ، وَذَلِكَ مِثُّ الْأَحْيَاءِ . فَأَيْنَ تَذَهَبُونَ ؟! وَأَيُّ تُوْفِكُونَ ؟! وَالْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ ، وَالْآيَاتُ وَاضِحَةٌ ، وَالْمَنَارُ مَنْصُوبَةٌ ، فَأَيْنَ يُنَاهِ بِكُمْ ؟! وَكَيْفَ تَعْمَهُونَ وَبَيْنَكُمْ عِتْرَةُ نَبِيِّكُمْ وَهُمْ أَرْمَاءُ الْحَقِّ ، وَأَعْلَامُ الدِّينِ ، وَالسِّيَرَةُ الصِّدْقِ ؟! فَأَنْزِلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ ، وَرِدِّوهُمْ وَرُودَ الْهَيْمِ الْعِطَاشِ . أَيُّهَا النَّاسُ ! خُذُوا عَنْ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّهُ يَمُوتُ مَنْ مَاتَ مِنْهَا وَلَيْسَ بِمَيِّتٍ ، وَيَبْلَى مَنْ بَلِيَ مِنْهَا وَلَيْسَ بِبَالٍ ، فَلَا تَقُولُوا بِمَا لَا تَعْرِفُونَ ، فَإِنَّ أَكْثَرَ الْحَقِّ فِيمَا تُنْكِرُونَ ، وَاعْدِرُوا مَنْ لَا حُجَّةَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَهُوَ أَنَا . أَلَمْ أَعْمَلْ فَيْكُمْ بِالثَّقَلِ الْأَكْبَرِ وَأَتْرُكُ فَيْكُمْ الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ ؟! قَدْ رَكَزْتُ فَيْكُمْ رَايَةَ الْإِيمَانِ ، وَوَقَفْتُكُمْ عَلَى حُدُودِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ ، وَأَلْبَسْتُكُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَدْلِي ، وَفَرَشْتُكُمْ الْمَعْرُوفَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي ، وَأَرَيْتُكُمْ كَرَامَةَ الْأَخْلَاقِ مِنْ نَفْسِي ، فَلَا تَسْتَعْمِلُوا الرَّأْيَ فِيمَا لَا يَدْرِكُ قَعْرَةَ الْبَصَرِ ، وَلَا تَتَغَلَّغُوا إِلَيْهِ الْفِكْرَ . (1)

امام علی علیه السلام_ در شرح ویژگی های پرهیزگاران، صفات نابه کاران، توجّه دادن به منزلت اهل بیت پاك و گمان نادرست برخی مردم _: بندگان خدا! همانا یکی از محبوب ترین بندگان خدا نزد او، بنده ای است که خداوند، او را در برابر نفسش یاری رسانده است و از این رو، اندوه را جامه زیرین خود و ترس [از خدا و معاد] را بالاپوش خویش ساخته است. چراغ هدایت در دلش فروزان است و برای روز مرگ خود، توشه ای فراهم ساخته است... او یکی از کان های دین خدا و کوه های زمین اوست. خود را وادار به عدالت کرده و آغاز عدالت او، دور ساختن هوای نفس خویش است. حق می گوید و بدان عمل می کند. هیچ کار نیکی نمی یابد، مگر این که قصد آن می کند و در هر چیزی سودی بیابد، آهنگ آن می نماید. عنان خویش را به کتاب خدا سپرده و آن، جلودار و پیشوای اوست. هر کجا بار اندازد، او نیز بار می اندازد و هر جا منزل کند، او نیز منزل می کند. دیگری، بنده ای است که خود را دانشمند می نامد، در حالی که چنین نیست؛ بلکه مُشتی نادانی و گم راهی از عدّه ای نادان و گم راه به چنگ آورده و دام هایی از فریب و سخن دروغین، بر سر راه مردم گسترانیده است. کتاب خدا را بر حسب اندیشه های خود، توجیه می کند و حق (حقیقت) را به هوس های خویش متمایل می گرداند، مردم را از خطرهای [ای قیامت]، آسوده خاطر می گرداند و گناهان بزرگ را کوچک جلوه می دهد. می گوید: «به هنگام رو به رو شدن با شبهات درنگ می کنم»، حال آن که در دام آنها گرفتار آمده است و می گوید: «از بدعت ها کناره می گیرم»، در حالی که میان آنها غنوده است. چهره [اش] چهره انسان است؛ اما دلش، دل حیوان است. نه راه راست را می شناسد تا آن را بپویید و نه بیراهه را تا از آن، باز دارد. این است آن مرده در میان زندگان. پس به کجا می روید؟! و به کدام سو از حق منحرف می شوید؟! علامت ها برپایند و نشانه ها آشکار و مناره ها برافراشته اند. پس این سرگردانی تا چند؟! چرا سرگشته اید، با آن که خاندان پیامبران _ که زمامداران حق [و حقیقت] اند و نشانه های دین و زبان های راستی اند _، در میان شمایند؟! پس آنان را همچون قرآن، حرمت نهید و فرمان برید و بر [چشمه فیض] ایشان در آید، چونان اشتران تشنه ای که بر گرد آب، هجوم می برند. ای مردم! این سخن را از خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله فرا گیرید که فرمود: «آن که از ما می میرد، به ظاهر مرده است و [در حقیقت] نمرده است، و آن که از ما پوسیده شود، به ظاهر پوسیده است و [در حقیقت] نپوسیده است. پس چیزی را که نمی دانید، نگوئید؛ زیرا بیشتر حق (حقیقت) در چیزی است که انکار می کنید. و معذور دارید کسی که شما را بر او حجّتی نیست و آن کس، منم. آیا من در میان شما ثقل اکبر (قرآن) را به کار نبستم؟! و [همانند پیامبر صلی الله علیه و آله] و آله [ثقل اصغر (عترت) را در میان شما باقی گذاشتم من پرچم ایمان را در میان شما بر زمین فرو کردم و شما را با مرزهای حلال و حرام آشنا ساختم و از عدالت خویش، جامه عافیت بر قامت شما پوشاندم و بساط معروف را با گفتار و کردارم در میان شما گسترانیدم و خوبیهای والا را با رفتار و منش خویش به شما نمایاندم. پس در آنچه که بصیرت به ژرفایش نمی رسد و اندیشه را بدان راه نیست، رأی و اندیشه خود را به کار نزنید».

الإمام الحسين عليه السلام في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر _ :اعتبروا أيها الناس بما وعظ الله به أوليائه من سوء ثنائه على الأحزاب إذ يقول: «لولا ينهاهم الرباؤون والأخبار عن قولهم الأئمة» (1) وقال: «لعن الذين كفروا من بني إسرائيل _ إلى قوله: _ لبئس ما كانوا يفعلون» (2). وإنما عاب الله ذلك عليهم لأنهم كانوا يرون من الظلمة الذين بين أظهرهم المنكر والفساد فلا ينهاهم عن ذلك؛ رغبة فيما كانوا ينالون منهم، ورهبة مما يحذرون، والله يقول: «فلا تخشوا الناس واخشون» (3). وقال: «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر» (4)، فبدأ الله بالأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة منه؛ ليعلمه بأنها إذا أدت وأقيمت استقامت الفرائض كلها هيئها وصعبها، وذلك أن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر دعاء إلى الإسلام، مع رد المظالم ومخالفة الظالم وقسمة الفيء والغنائم وأخذ الصدقات من مواضعها ووضعها في حقها. ثم أنتم آيتها العصابة عصابة بالعلم مشهورة، وبالخير مذكورة، وبالنصيحة معروفة، وباللذات في أنفس الناس مهابة، يهابكم الشريف، ويكرهكم الضعيف، ويؤثركم من لا فضل لكم عليه ولا يد لكم عنده، تشفعون في الحوائج إذا امتنعت من طلبها، وتمشون في الطريق بهيئة (/ بهيئة) الملوك وكرامة الأكبر، أليس كل ذلك إنما نلتموه بما يرجى عندكم من القيام بحق الله وإن كنتم عن أكثر حقه تقتصرون؟! فاستخففتكم بحق الأئمة، فأما حق الضعفاء فضيعتهم، وأما حقكم بزعمكم فظلمتكم، فلا -ملا- بدلتموه، ولا -نفسا- خاطرتكم بها للذي خلقها، ولا عشيبة عاديتموها في ذات الله، أنتم تتمنون على الله جنته ومجاورة رسوله وأمانه من عذابه. لقد خشيت عليكم أيها المتمنون على الله أن تحل بكم نعمة من نعماته؛ لأنكم بلغت من كرامة الله منزلة فضلتكم بها، ومن يعرف بالله لا تكرمون وأنتم بالله في عباده تكرمون، وقد ترون عهد الله منقوصة فلا تقزعون، وأنتم لبعض ذمم آبائكم تقزعون، وذمة رسول الله صلى الله عليه وآله محقورة (/ محقورة)، والعمي والبكم والزمنى (5) في المدائن مهملة، لا ترحمون، ولا في منزلتكم تعملون، ولا -من عمل- فيها تعينون، وبالإدهان والمصانعة عند الظلمة تأمنون، كل ذلك مما أمركم الله به من النهي والتناهي وأنتم عنه غافلون. وأنتم أعظم الناس مضيبة لما غلبتم عليه من منازل العلماء لو كنتم تشعرون (/ تعنون). ذلك بأن مجاري الأمور والأحكام على أيدي العلماء بالله الأمانة على حلاله وحرامه، فأنتم المسلوبون تلك المنزلة، وما سلبتكم ذلك إلا بتفركم عن الحق واختلافكم في السنة بعد البيعة الواضحة. ولو صبرتم على الأذى وتحملت المؤمنة في ذات الله كانت أمور الله عليكم ترد وعنكم تصدروا وإيكم ترجع، ولكنتم مكنتم الظلمة من منزلتكم، وأسلمتم (6) أمور الله في أيديهم، يعملون بالشبهات ويسرون في الشهوات، سلطهم على ذلك فرازكم من الموت وإعجابكم بالحياة التي هي مفارقتكم، فأسلمتم الضعفاء في أيديهم، فمن بين مستعبد مقهور وبين مستضعف على معيشته مغلوب، يتقلبون في الملك بأرائهم (/ بأرائكم) ويستشعرون الخزي بأهوائهم، اقتداء بالأشرار وجراً على الجبار. في كل بلد منهم على منبره خطيب يصقع، فالأرض لهم شاعرة، وأيديهم فيها مبسوطة، والناس لهم حول (7)، لا يدفعون يد لا مس، فمن بين جبار عبيد وذو سطوة على الضعفة شديد، مطاع لا يعرف المبدئ المعيد. فإعجاباً! وما لي [لا] أعجب والأرض من غاش غشوم، ومتصدق ظلوم، وعامل على المؤمنين بهم غير رحيم، فالله الحاكم فيما فيه تنازعنا، والقاضي بحكمه فيما شر بيننا. اللهم إنك تعلم أنه لم يكن ما كان منا تنافساً في سلطان ولا التماساً من فضول الحطام، ولكن لئري المعالم من دينك، ونظهر الإصلاح في بلادك، ويأمن المظلومون من عبادك، ويعمل بقرائضك وسنتك وأحكامك، فإن لم تنصرونا وتنتصرونا فوي الظلمة عليكم وعميلوا في إطفاء نور نبيكم. وحسبنا الله، وعليه توكلنا وإليه أنبنا وإليه المصير. (8)

- 3- المائدة : 44 .
- 4- التوبة : 71 .
- 5- الزَّمنى: جمع زَمِنَ : جنس للبلايا التي يصابون بها ويدخلون فيها وهم لها كارهون (لسان العرب : ج 13 ص 199 «زمن»).
- 6- في الطبعة المعتمدة «واستسلمتم» ، والصواب ما أثبتناه كما في طبعة النجف سنة 1380 هـ : ص 169 .
- 7- الخَوْلُ : الخدم والحشم (المصباح المنير : ص 184 «خال»).
- 8- تحف العقول : ص 237 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 79 ح 37 ؛ المعيار والموازنة : ص 274 نحوه .

امام حسین علیه السلام در باره امر به معروف و نهی از منکر: ای مردم! از بدگویی خداوند نسبت به مَلاَیانِ یهود پند گیرید که خداوند، بدین وسیله دوستان خویش را اندرز داده است، آن جا که می فرماید: «چرا عالمان ربّانی و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه آلودشان نهی نمی کنند؟» و فرمود: «کافران بنی اسرائیل لعنت شدند» تا آن جا که فرماید: «چه بد بود آنچه انجام می دادند!». خداوند، آنان را از این رو نکوهش کرده است که ایشان از ستمگرانی که در میانشان بودند، زشتکاری و تباهی می دیدند؛ اما به طمع بهره ای که از آن ستمگران می بردند و به سبب هراس از آنچه از آن می ترسیدند، آنان را از کردارهایشان باز نمی داشتند، در حالی که خداوند می فرماید: «از مردم نترسید و از من بترسید». و فرمود: «مردان و زنان مؤمن، دوستان یکدیگرند، به نیکی فرمان می دهند و از زشتکاری باز می دارند». خداوند از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه ای از جانب خود، آغاز کرده است؛ چون می دانسته که هر گاه این فریضه ادا گردد و بر پای داشته شود، تمام فرایض دیگر از آسان و دشوار بر پای داشته خواهند شد؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام، همراه با ردّ مظالم و مخالفت با ستمکار و تقسیم بیت المال و غنایم و گرفتن به جای صدقات (زکات) و هزینه کردن به جای آنهاست. باری، شما - ای جماعت - گروهی هستید که به دانش شهره اید و به نیکی نامور و به خیرخواهی معروف و به لطف خداوند، در دل های مردمان، شکوه و هیبت دارید. بزرگان [و قدرتمندان] از شما پروا می کنند و ناتوانان گرامی تان می دارند و آن کسی هم که شما را بر او مزیتی نیست و وامدار احسانتان نیست، شما را بر خویشتن ترجیح می دهد. نیازمندان، هر گاه از رسیدن به نیاز خود در مانند، شما را واسطه قرار می دهند و در کوچه و خیابان با شوکت شهریان و کرامت بزرگان، گام بر می دارید. آیا این همه، از آن رو نیست که شما به منزلتی رسیده اید که از شما انتظار می رود به بر پا داشتن حقّ خدا قیام کنید، هر چند در بر پای داشتن بیشتر حقّ او کوتاهی می ورزید؟! شما حقّ امامان را خوار شمردید و حقّ ناتوانان را تباه ساختید؛ ولی آنچه را حقّ خود می پنداشتید، طلب کردید. نه مالی را بخشیدید و نه جانی را در راه جان آفرین به خطر افکندید و نه به خاطر خدا با عشیره ای دشمنی ورزیدید و با این حال از خداوند، تمّای بهشت او و هم جواری با رسولانش و ایمنی از عذابش را دارید! ای کسانی که از خداوند، این گونه آرزوها دارید! بیم آن دارم که کيفری از کيفرهای او بر شما فرود آید؛ چرا که شما از کرامت الهی به چنان پایگاهی رسیدید که به واسطه آن بر دیگران برتری یافتید. شما کسانی را که به خداشناسی معروف اند، گرامی نمی دارید، حال آن که شما به خاطر خدا در میان بندگان او گرامی داشته می شوید. شما پیمان های خدا را شکسته شده می بینید؛ اما به هراس نمی افتید، در حالی که برای شکسته شدن برخی از پیمان های پدرانتان به وحشت می افتید و نگران می شوید. عهد و زنهار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را تحقیر شده و نابینایان و لالان و زمینگیران را در شهرها [ای جهان اسلام] وانهاده می بینید؛ اما نه دل می سوزانید و نه در مقام و منزلتی که دارید، کاری می کنید و نه بدان کس که در این باره کاری می کند، یاری می رسانید و با تملّق و چاپلوسی پیش ستمگران، خود را ایمن [و آسوده خاطر] می سازید. همه اینها از آن مواردی است که خداوند به شما فرمان داده است تا هم خود از آن کناره گیرید و هم یکدیگر را از آن باز دارید؛ اما شما از آن [مأموریت] غفلت می ورزید. اگر شعور داشتید، [در می یافتید که] مصیبت شما از همه مردم، بزرگ تر است؛ چرا که مقام و منزلت عالمان، از شما ستانده شده است، و این از آن روست که مجاری امور و احکام، به دست کسانی است که خدا را می شناسند و بر حلال و حرام او امین اند؛ اما این منزلت از شما گرفته شده است و این از شما سلب نگشت، مگر به سبب پراکنده شدن شما از پیرامون حق و اختلافتان در سنّت [پیامبر صلی الله علیه و آله] که آشکار و روشن بود. اگر بر آزارها شکبیا بودید و در راه خدا رنج تحمّل می کردید، در کارهای خداوند، مرجع همگان می شدید؛ لیکن شما خود، ستمگران را بر منزلت خویش مسلط ساختید و زمام امور خدا را به دست آنان سپردید؛ آنان که به شبهات عمل می کنند و در راه خواهش های نفسانی گام بر می دارند. گریز شما از مرگ و علاقه تان به این زندگی که به هر حال از شما جدا خواهد شد، آنان را بر این مقام، تسلط بخشیده است. شما ناتوانان را به چنگال آنان سپردید که برخی بنده و مقهور و برخی دیگر در تأمین معاش خود، در مانده و مغلوب گشته اند. در کار کشورداری، خودسرانه عمل می کنند و جامه رسوایی هوسرانی هایشان را [بی]

محابا [به تن کرده اند؛ چرا که تبهکاران را الگوی خویش ساخته اند و بر خداوند جبار، گستاخ شده اند. در هر يك از شهرهایشان خطیبی زبان آور بر منبر دارند. پس میدان برایشان خالی گشته و دست هایشان در آن، باز است و مردم، چاکران و غلامان آنها گشته اند و دست تعرضی را از خود دور نتوانند کرد. برخی زورگوی و سرسخت اند و بر ناتوانان می تازند و سخت می گیرند و برخی فرمان روایانی هستند که آفریننده باز گرداننده را نمی شناسند. شگفتا! و چرا در شگفت نباشم، در حالی که زمین در اختیار دغلكاری غاصب و سرکش و باجگیری ستم پیشه و حاکمی است که به مؤمنان رحم نمی کند؟! در کشمکشی که ما داریم و در مشاجره ای که میان ماست، خداوند، تنها حکم و داور است. بار خدایا! تو خود می دانی که آنچه از ما سر زده، نه از روی رقابت در قدرت بود و نه برای به دست آوردن حطام دنیایی؛ بلکه به خاطر آن بود که نشانه های دین تو را نمایان سازیم و صلاح [و آبادانی] را در سرزمینت آشکار گردانیم و بندگان ستم دیده ات آسایش و امنیت یابند و فرایض و سنّت ها و احکامات به کار بسته شود. پس اگر شما (مردم)، ما را یاری نرسانید و به ما حق ندهید، ستمگران بر شما زور می شوند و در راه خاموش ساختن نور پیامبران می کوشند. خداوند، ما را بس است. به او توکل می کنیم و به او روی می آوریم و بازگشت، به سوی اوست.

الإمام زين العابدين عليه السلام في كتابه إلى مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ الزُّهْرِيِّ يَعْظُهُ _ كَفَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ مِنَ الْفِتَنِ وَرَحِمَكَ مِنَ النَّارِ، فَقَدْ أَصْبَحَتْ بِحَالٍ يَبْنَعِي لِمَنْ عَرَفَكَ بِهَا أَنْ يَرَحِمَكَ، فَقَدْ أَثْقَلَتْكَ نِعْمَ اللَّهِ بِمَا أَصَحَّ مِنْ بَدَنِكَ وَأَطَالَ مِنْ عُمرِكَ، وَقَامَتْ عَلَيْكَ حُجَجُ اللَّهِ بِمَا حَمَلَكَ مِنْ كِتَابِهِ، وَقَفَّهَكَ فِيهِ مِنْ دِينِهِ، وَعَرَفَكَ مِنْ سُنَّةِ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَرَضِي لَكَ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَيْكَ، وَفِي كُلِّ حُجَّةٍ احْتَجَّ بِهَا عَلَيْكَ الْفَرَضُ بِمَا قَضَى، فَمَا قَضَى إِلَّا ابْتَلَى شُكْرَكَ فِي ذَلِكَ وَأَبْدَى فِيهِ فَضْلَهُ عَلَيْكَ، فَقَالَ: «لَيْنَ شَ كَرْتُمْ لِأَزِيدَتْكُمْ وَلَيْنَ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ». (1) فَاَنْظُرْ أَيَّ رَجُلٍ تَكُونُ غَدًا إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَسَأَلَكَ عَنْ نِعْمِهِ عَلَيْكَ كَيْفَ رَعَيْتَهَا؟ وَعَنْ حُجَجِهِ عَلَيْكَ كَيْفَ قَضَيْتَهَا؟ وَلَا تَحَسَبَنَّ اللَّهُ قَابِلًا مِنْكَ بِالْتَّعْذِيرِ وَلَا رَاضِيًا مِنْكَ بِالْتَّقْصِيرِ، هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ! لَيْسَ كَذَلِكَ، أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ فِي كِتَابِهِ إِذْ قَالَ: «لَتَبْتِيئَنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ». (2) وَاعْلَمْ أَنَّ أَدْنَى مَا كَتَمْتَ وَأَخَفَّ مَا احْتَمَلْتَ أَنْ آنَسْتَ وَحَشَّةَ الظَّالِمِ وَسَهَلَتْ لَهُ طَرِيقَ الْغِيِّ بِدُنُوكَ مِنْهُ حِينَ دَنَوْتَ وَإِجَابَتِكَ لَهُ حِينَ دُعِيتَ، فَمَا أَخَوْفِي أَنْ تَكُونَ تَبَوُّءَ بِإِثْمِكَ غَدًا مَعَ الْخَوْفَةِ، وَأَنْ تُسَأَلَ عَمَّا أَخَذْتَ بِإِعَانَتِكَ عَلَى ظُلْمِ الظَّالِمَةِ، إِنَّكَ أَخَذْتَ مَا لَيْسَ لَكَ مِنْ أَعْطَاكَ، وَدَنَوْتَ مِنْ مَنْ لَمْ يَرُدَّ عَلَى أَحَدٍ حَقًّا وَلَمْ تَرُدَّ بَاطِلًا حِينَ أَنْدَاكَ، وَأَحْبَبْتَ (/ وَأَحْبَبْتَ) مَنْ حَادَّ اللَّهُ. أَوْلَيْسَ بِدُعَائِهِ إِيَّاكَ حِينَ دَعَاكَ جَعَلُوكَ قُطْبًا أَدَارُوا بِكَ رَحَى مَظَالِمِهِمْ، وَحَسِرَا يَعْبُرُونَ عَلَيْكَ إِلَى بِلَايَاهُمْ، وَسَلَّمَا إِلَى ضَلَالَتِهِمْ؟! دَاعِيَا إِلَى غِيِّهِمْ، سَالِكَا سَبِيلِهِمْ، يُدْخِلُونَ بِكَ الشُّكَّ عَلَى الْعُلَمَاءِ، وَيَقْتَادُونَ بِكَ قُلُوبَ الْجُهَالِ إِلَيْهِمْ، فَلَمْ يَبْلُغْ أَحْصَى وَزُرَائِهِمْ وَلَا أَقْوَى أَعْوَانِهِمْ إِلَّا دُونَ مَا بَلَغْتَ مِنْ إِصْلَاحِ فَسَادِهِمْ وَاخْتِلَافِ الْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ إِلَيْهِمْ، فَمَا أَقَلَّ مَا أَعْطُوكَ فِي قَدْرِ مَا أَخَذُوا مِنْكَ؟! وَمَا أَيْسَرَ مَا عَمَرُوا لَكَ فَكَيْفَ مَا خَرَّبُوا عَلَيْكَ؟! فَاَنْظُرْ لِنَفْسِكَ فَإِنَّهُ لَا يَنْظُرُ لَهَا غَيْرَكَ، وَحَاسِبِ بِهَا حِسَابَ رَجُلٍ مَسْئُولٍ. وَانظُرْ كَيْفَ شُكْرَكَ لِمَنْ غَدَاكَ بِنِعْمِهِ صَغِيرًا وَكَبِيرًا؟ فَمَا أَخَوْفِي أَنْ تَكُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأُذُنَى وَيَقُولُونَ سَدِّ يُغْفَرُ لَنَا» (3). إِنَّكَ لَسْتَ فِي دَارٍ مُقَامٍ، أَنْتَ فِي دَارٍ قَدْ أَذْنَتْ بِرَحِيلٍ، فَمَا بَقَاءَ الْمَرْءِ بَعْدَ قُرْنَائِهِ؟! طُوبَى لِمَنْ كَانَ فِي الدُّنْيَا عَلَى وَجَلٍ، يَا بُوَسَّ لِمَنْ يَمُوتُ وَتَبَقِيَ ذُنُوبُهُ مِنْ بَعْدِهِ! إِحْدَرُ فَقَدْ نُتِبْتَ، وَبَادِرُ فَقَدْ أُجِلْتَ، إِنَّكَ تُعَامِلُ مَنْ لَا يَجْهَلُ، وَإِنَّ الَّذِي يَحْفَظُ عَلَيْكَ لَا يَعْفُلُ، تَجَهَّزْ فَقَدْ دَنَا مِنْكَ سَفَرٌ بَعِيدٌ، وَدَاوِ ذَنْبَكَ فَقَدْ دَخَلَهُ سَقَمٌ شَدِيدٌ. وَلَا تَحَسَبْ أَنِّي أَرَدْتُ تَوْبِيحَكَ وَتَعْنِيفَكَ وَتَعْيِيرَكَ، لَكِنِّي أَرَدْتُ أَنْ يَنْعَشَ اللَّهُ مَا [قَدْ] فَاتَ مِنْ رَأْيِكَ وَيُرَدِّدَ إِلَيْكَ مَا عَزَبَ مِنْ دِينِكَ، وَذَكَرْتُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ». (4) أَغْفَلْتَ ذِكْرَ مَنْ مَضَى مِنْ أَسْنَانِكَ وَأَقْرَانِكَ، وَبَقِيَتْ بَعْدَهُمْ كَفْرٌ أَعْصَبَ. اَنْظُرْ هَلِ ابْتَلَوْا بِمِثْلِ مَا ابْتَلَيْتَ؟ أَمْ هَلِ وَقَعُوا فِي مِثْلِ مَا وَقَعْتَ فِيهِ؟ أَمْ هَلِ تَرَاهُمْ ذَكَرْتَ خَيْرًا أَهْمَلُوهُ وَعَلِمْتَ شَيْئًا جَهَلُوهُ؟ بَلْ حَظَيْتَ بِمَا حَلَّ مِنْ حَالِكَ فِي صُدُورِ الْعَامَّةِ وَكَلَفِهِمْ (5) بِكَ، إِذْ صَارُوا يَقْتَدُونَ بِرَأْيِكَ وَيَعْمَلُونَ بِأَمْرِكَ؛ إِنْ أَحَلَلْتَ أَحَلُّوا وَإِنْ حَرَّمْتَ حَرَّمُوا، وَلَيْسَ ذَلِكَ عِنْدَكَ، وَلَكِنْ أَظْهَرَهُمْ عَلَيْكَ رَغْبَتَهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ، [و] (6) ذَهَابَ عُلَمَانِهِمْ، وَغَلَبَةُ الْجَهْلِ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ وَطَلَبُ الدُّنْيَا مِنْكَ وَمِنْهُمْ. أَمَا تَرَى مَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الْجَهْلِ وَالْغَرَّةِ وَمَا النَّاسُ فِيهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَالْفِتْنَةِ؟! قَدْ ابْتَلَيْتَهُمْ وَفَتَنْتَهُمْ بِالشُّغْلِ عَنِ مَكَاسِدِهِمْ مِمَّا رَأَوْا، فَتَأَقَّتْ نُفُوسُهُمْ إِلَى أَنْ يَبْلُغُوا مِنَ الْعِلْمِ مَا بَلَغْتَ، أَوْ يَدْرِكُوا بِهِ مِثْلَ الَّذِي أَدْرَكَتَ، فَوَقَعُوا مِنْكَ فِي بَحْرِ لَا يَدْرِكُ عَمْقُهُ، وَفِي بَلَاءٍ لَا يَقْدَرُ قَدْرُهُ، فَاللَّهُ لَنَا وَلَكَ وَهُوَ الْمُسْتَعَانُ. أَمَا بَعْدُ، فَأَعْرِضْ عَن كُلِّ مَا أَنْتَ فِيهِ حَتَّى تَلْحَقَ بِالصَّالِحِينَ، الَّذِينَ دُفِنُوا فِي أَسْمَالِهِمْ، لِاصِقَةً بِطُونُهُمْ بِظُهُورِهِمْ، لَيْسَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ، وَلَا تَفْتِنُهُمُ الدُّنْيَا وَلَا يَقْتَنُونَ بِهَا، رَغِبُوا فَطَلَبُوا فَمَا لَبِثُوا أَنْ لَحِقُوا. فَإِذَا كَانَتِ الدُّنْيَا تَبْلُغُ مِنْ مِثْلِكَ هَذَا الْمَبْلَغَ _ مَعَ كِبَرِ سِنِّكَ وَرُسُوخِ عِلْمِكَ وَحُضُورِ أَجَلِكَ _ فَكَيْفَ يَسْلَمُ الْحَادِثُ فِي سِنِّهِ، الْجَاهِلُ فِي عِلْمِهِ، الْمَأْفُونُ فِي رَأْيِهِ، الْمَدْخُولُ فِي عَقْلِهِ؟! إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. عَلَى مَنْ الْمُعْوَلُ؟ وَعِنْدَ مَنْ الْمُسْتَعْتَبُ؟ نَشْكُو إِلَى اللَّهِ بَيْنًا وَمَا نَرَى فِيكَ، وَنَحْسَبُ عِنْدَ اللَّهِ مُصِيبَتَنَا بِكَ. فَاَنْظُرْ كَيْفَ شُكْرَكَ لِمَنْ غَدَاكَ بِنِعْمِهِ صَغِيرًا وَكَبِيرًا؟ وَكَيْفَ إِعْظَامُكَ لِمَنْ جَعَلَكَ بِدِينِهِ فِي النَّاسِ جَمِيلًا؟ وَكَيْفَ صِبَانَتُكَ لِكِسُوفَةِ مَنْ جَعَلَكَ بِكِسُوفَتِهِ فِي النَّاسِ سَتِيرًا؟ وَكَيْفَ قُرْبُكَ أَوْ بَعْدُكَ مِنْ مَنْ أَمَرَكَ أَنْ تَكُونَ مِنْهُ قَرِيبًا ذَلِيلًا؟ مَا لَكَ لَا تَتَّبِعُهُ مِنْ نَعْسَتِكَ وَتَسْتَقِيلُ مِنْ عَثْرَتِكَ؟! فَتَقُولُ: وَاللَّهِ مَا قُمْتُ لِلَّهِ مَقَامًا وَاحِدًا أَحْبَبْتُ بِهِ لَهُ دِينًا أَوْ أُمَّتٌ لَهُ فِيهِ بَاطِلًا، فَهَذَا شُكْرُكَ مَنْ اسْتَحْمَلَكَ (/ اسْتَحْمَلَكَ)! مَا أَخَوْفِي أَنْ تَكُونَ كَمَنْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: «أَصَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا» (7) اسْتَحْمَلَكَ كِتَابَهُ وَاسْتَوَدَعَكَ عِلْمَهُ فَأُضْعَفْتُهَا، فَنَحْمَدُ اللَّهَ الَّذِي عَافَانَا مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ، وَالسَّلَامُ. (8)

- 1- إبراهيم : 7 .
- 2- آل عمران : 187 .
- 3- الأعراف : 169 .
- 4- الذاريات : 55 .
- 5- كَلِفَ بالشيءِ كَلْفًا وكُلْفَةً فهو كَلِفٌ ومكَلَّفٌ : لهج به ، كَلِفَ بها أشدَّ الكَلْفِ أي أَحَبَّها . الكَلْفُ : الولوع بالشيء مع شغل قلب ومشقة (لسان العرب : ج 9 ص 307 «كلف»).
- 6- ما بين المعقوفين إضافة منّا يقتضيها السياق ، ولعلّها سقطت من النسخ .
- 7- مريم : 59 .
- 8- تحف العقول : ص 274 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 132 ح 2 ؛ تاريخ دمشق : ج 22 ص 41 نحوه .

امام زین العابدین علیه السلام در اندرزنامه اش به محمد بن مسلم زهری _ : خداوند ، ما و تو را از فتنه ها ننگه دارد و بر تو از آتش [دوزخ] رحم کند . تو اینک به حالی در افتاده ای که هر کس تو را بدین حال ببیند ، سزد که بر تو رحم آورد ؛ که نعمت های خداوند ، تو را سنگین بار ساخته که تنی سالم و عمری دراز ارزانی ات داشته است . حجت های او بر تو تمام گشته است ، بدان سبب که بار کتابش را بر دوش تو نهاده [و قرآن را می شناسی] و تو را در دینش فقیه [و آگاه] ساخته و سنت پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را به تو شناسانده است . در هر نعمتی که به تو ارزانی داشته و در هر حجتی که بدان وسیله برایت حجت آورده ، فریضه ای بر تو واجب گردانیده است و مُرادش جز این نیست که سپاس گزاری تو را در آن بیازماید و تفضلی را که به تو نموده ، آشکار گرداند و فرموده است : «اگر سپاس بگزارید ، بی گمان ، [نعمت] شما را افزون می گردانم و اگر ناسپاسی کنید ، به راستی که عذاب من سخت است» . پس بنگر که فردای قیامت ، چگونه مردی خواهی بود ، آن گاه که در پیشگاه خداوند بایستی و او از نعمت هایش بر تو پیرسد که: آنها را چگونه پاس داشتی؟ و از حجت هایش بر تو بازخواست کند که: آنها را چگونه به جای آوردی؟ هرگز مپندار که خداوند ، از تو عذر و بهانه ای خواهد پذیرفت و یا به کوتاهی کردن های تو رضایت خواهد داد . هیهات ، هیهات! نه چنین است . او در کتاب خویش از علما پیمان گرفته ، آن جا که فرموده است : «باید آن [حقایق کتاب] را برای مردم بیان کنید و آن را کتمان نکنید» . بدان که کمترین حقیقتی را که کتمان کرده ای و سبک ترین باری را که بر دوش داری ، این است که با نزدیک شدنت به ستمگر و پذیرش دعوت او _ آن گاه که تو را دعوت کرد _ مونس تنهایی ستمگر شدی و راه گم راهی را برایش سهل و هموار ساختی . وه! چه می ترسم که فردا [ای قیامت] همراه خیانتکاران به کیفر گناهت گرفتار آیی و از آنچه در برابر یاری رساندنت به ستم ستمگران گرفته ای ، بازخواست شوی . تو چیزی را از کسی که به تو بخشیده است ، گرفته ای که از آن تو نیست و به کسی نزدیک شده ای که حق هیچ کس را نپرداخته است و تو نیز از زمانی که به او نزدیک گشته ای ، از باطلی جلوگیری نکرده ای . تو کسی را به دوستی گرفته ای [و دعوتش را اجابت کرده ای] که با خدا به دشمنی برخاسته است . آیا نه این است که با دعوت او از تو _ آن گاه که تو را [به همکاری] دعوت کرد _ تو را محوری برای به چرخش در آوردن آسیاب ستمگری هایشان و پلی برای عبور به سوی بلا آفرینی هایشان و نردبانی برای ضلالتشان و مبلّغ گم راهی شان و پوینده راهشان قرار دادند؟! به واسطه تو کاری کرده اند که مسلمانان به علما [ای راستین] نیز به دیده شک و بدگمانی بنگرند و به وسیله تو ، دل های نادانان را به دنبال خود می کشانند . [حتی] مقرب ترین وزیران و نیرومندترین یاران آنها هم در درست جلوه دادن تباہکاری های آنان و کشاندن مردم از خاص و عام به سوی آنان به پای تو نرسیدند . چه اندک است آنچه به تو دادند در مقایسه با آنچه از تو گرفتند و چه ناچیز است آنچه [از دنیا] برایت آباد ساختند و چه عظیم است آنچه از تو (خانه ایمان و آخرت را) ویران ساختند! پس مراقب نفس خود باش که کسی جز تو آن را نیاید و چونان مردی مسئول ، به حساب نفست رسیدگی کن . بنگر که چگونه از کسی که تو را در خُردی و بزرگی ات با نعمت هایش پرورانده ، سپاس می گزاری؟ وه! چه می ترسم که تو آن گونه باشی که خداوند در کتابش فرموده است : «پس بعد از آنان ، جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست را می گیرند و می گویند : بخشیده خواهیم شد» . تو در سرای ماندگاری نیستی . تو در سرایی هستی که بانگ رحیل سر داده است . مگر انسان پس از همگنانش [که رفته اند] ، چه اندازه می زید؟! خوشا به حال کسی که در دنیا هراسناک به سر برد و بدا به حال آن کسی که بمیرد و پس از او گناهانش بماند! بر حذر باش ؛ زیرا خبردار شده ای و بشتاب ؛ زیرا مهلت محدود است . تو با کسی معامله می کنی که نادان نیست و آن که مراقب توست ، [لحظه ای] غافل نمی شود . آماده شو ؛ زیرا سفری دور و دراز به تو نزدیک شده است و [درد] گناهت را درمان کن ؛ زیرا مرضی سخت به جانت راه یافته است . گمان مبر که قصدم توبیخ و سرزنش و نکوهش کردن توست ؛ بلکه می خواهم خداوند ، اندیشه از دست رفته ات را جان دهد و دین از کف رفته ات را به تو باز گرداند و این سخن خدای متعال در کتابش را یادآور شوم که فرموده است : «یادآوری کن که یادآوری ، مؤمنان را سود می بخشد» . تو یاد آن عده از همسالان و همگنان را که رفته اند ، به دست غفلت سپرده ای و پس از آنان ، چونان تک شاخ کوچی هستی که شاخ دیگرش شکسته است [و تنها و بی یاور مانده ای] . بنگر که آیا آنان

نیز به همان بلایی گرفتار شدند که تو شده ای یا آنها هم در همان مهلکه ای افتادند که تو افتاده ای؟ و یا آیا فکر می کنی خیری را یادآور شده ای که آنان فرو گذاشتند و چیزی را می دانی که آنان نمی دانستند؟ [نه چنین است؛] بلکه تو از مقام [و منزلتی] بهره مند گشته ای که سبب شده است تا در دل های توده مردم جای گیری و به تو عشق ورزند . پس، از اندیشه ات پیروی می کنند و فرمان تو را به کار می بندند . اگر تو چیزی را روا شماری ، آنان نیز روایش می شمارند و اگر چیزی را ناروا دانی ، آنها نیز آن را ناروا می دانند ، حال آن که تو از این شایستگی برخوردار نیستی ؛ اما علاقه آنان به آنچه تو داری (علم) و از دست رفتن علمایشان و چیره آمدن نادانی بر تو و بر ایشان و ریاست طلبی و دنیاخواهی تو و آنان، موجب شده است تا از تو پشتیبانی و پیروی کنند . آیا نمی بینی که تو خود، گرفتار چه جهل و غفلتی شده ای و مردم دچار چه بلا و فتنه ای گشته اند؟! بی گمان، تو آنان را گرفتار کرده ای و به فتنه در افکنده ای و از کار و زندگی بازمان داشته ای ؛ زیرا همه مشتاق آن اند که در دانش، به پایه تو برسند یا به مانند آنچه تو دست یافته ای ، دست یابند . از این رو ، به واسطه تو به دریایی که ژرفایش ناپیداست و به بلایی که اندازه اش نامعلوم است ، در افتادند . خدا به داد ما و تو برسد و اوست که دست مدد به سویش دراز می شود ! پس اینک از این وضعی که داری ، روی بگردان تا بدان شایستگی بیوندی که در جامه های ژنده و فرسوده خویش مدفون گشته اند و شکم هایشان [از شدت گرسنگی و روزه داری] به پشت هایشان چسبیده است . میان آنان و خداوند، حجابی نیست ، دنیا فریبتان نمی دهد و آنها نیز فریفته دنیا نمی شوند . خواستند و طلبیدند و دیری نپایید که [به خواسته اخروی خود] رسیدند . وقتی دنیا با چون تویی که سال خورده و دانشمند و دم مرگ هستی ، چنین کند ، پس جوان نورسته ای که از دانش، بی بهره است و اندیشه ای ناپخته و خردی ناقص دارد ، چگونه ایمن می ماند؟! اِنَّا لِلّٰهِ و اِنَّا اِلَيْهِ راجعون . به که باید تکیه کرد و از چه کسی باید عذر خواست؟ از اندوه خود و وضعی که در تو می بینیم ، به خدا شکوه می کنیم و مصیبتی را که به واسطه تو بر ما وارد شده است ، به حساب خدا می گذاریم . پس بنگر که سپاس گزاری تو از کسی که در خُردی و بزرگی ات تو را با نعمت هایش پرورده ، چگونه است و کسی را که به واسطه دینش تو را در میان مردم، خوش نام کرده است ، چگونه بزرگ می داری و از خلعت کسی که با پوشاندن آن بر قامت تو ، تو را در میان مردم پوشیده [و آبرومند] داشته است ، چگونه نگهداری می کنی و نزدیکی یا دوری تو از کسی که به تو فرمان داده است که خود را به او نزدیک کنی و در برابرش خوار [و فروتن] باشی ، تا چه حد است ؟ تو را چه شده که از خواب [غفلت] خود، بیدار نمی شوی و از لغزشت توبه نمی کنی که بگویی : به خدا سوگند که من حتّٰی یک بار هم برای خدا به زنده کردن [حکمی از احکام] دین او و میراندن باطلی اقدام نکردم ؛ زیرا همین خود ، سپاس گزاری تو از کسی است که این بار [دانش] را بر دوش تو نهاده [و به کارت گرفته] است! وه چه قدر می ترسم که تو از آنانی باشی که خداوند متعال ، در کتابش فرموده است : «نماز را تباه ساختند و از خواهش های نفسانی پیروی نمودند . پس زودا که کیفر گم راهی را بیابند!» . خداوند ، کتابش را بر دوش تو نهاد و عملش را به امانت ، نزد تو سپرد ؛ اما تو آن را تباه کردی . خدای را سپاس و ستایش می گوئیم که ما را از آنچه تو را بدان گرفتار ساخت ، به سلامت داشت . والسلام .

الكافي عن يزيد بن عبد الله عمّن حدّثه: كَتَبَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى سَعْدِ الْخَيْرِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَا بَعْدُ، فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ فِيهَا السَّلَامَةَ مِنَ التَّلَفِ وَالْغَنِيمَةَ فِي الْمُنْقَلَبِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْقِي بِالتَّقْوَى عَنِ الْعَبْدِ مَا عَزَبَ عَنْهُ عَقْلُهُ (1)، وَيَجْلِي بِالتَّقْوَى عَنْهُ عَمَاءُ وَجَهْلُهُ، وَيَدْتَقْوَى نَجَا نَوْحٍ وَمَنْ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ وَصَالِحٌ وَمَنْ مَعَهُ مِنَ الصَّاعِقَةِ، وَبِالتَّقْوَى فَازَ الصَّابِرُونَ وَنَجَتْ تِلْكَ الْعُصْبُ (2) مِنَ الْمَهَالِكِ، وَلَهُمْ إِخْوَانٌ عَلَى تِلْكَ الطَّرِيقَةِ يَلْتَمِسُونَ تِلْكَ الْفَضِيلَةَ، نَبَذُوا طُغْيَانَهُمْ مِنَ الْإِيرَادِ بِالشَّهَوَاتِ لِمَا بَلَغَهُمْ فِي الْكِتَابِ مِنَ الْمَثَلَاتِ، حَمِدُوا رَبَّهُمْ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ وَهُوَ أَهْلُ الْحَمْدِ، وَذَمُّوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى مَا فَرَّطُوا وَهُمْ أَهْلُ الذَّمِّ، وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَلِيمَ الْعَلِيمَ، إِنَّمَا غَضَبُهُ عَلَى مَنْ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ رِضَا، وَإِنَّمَا يَمْنَعُ مَنْ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ عَطَا، وَإِنَّمَا يُضِلُّ مَنْ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ هُدَاةً. ثُمَّ أَمَكَّنَ أَهْلَ السَّيِّئَاتِ مِنَ التَّوْبَةِ بِتَبْدِيلِ الْحَسَنَاتِ، دَعَا عِبَادَهُ فِي الْكِتَابِ إِلَى ذَلِكَ بِصَوْتٍ رَفِيعٍ لَمْ يَنْقَطِعْ وَلَمْ يَمْنَعْ دُعَاءَ عِبَادِهِ، فَلَعَنَ اللَّهُ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ، وَكَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ فَسَبَقَتْ قَبْلَ الْغَضَبِ، فَتَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا. فَلَيْسَ يَتَدَيُّ الْعِبَادَ بِالْغَضَبِ قَبْلَ أَنْ يُغْضِبُوهُ، وَذَلِكَ مِنْ عِلْمِ الْيَقِينِ وَعِلْمِ التَّقْوَى. وَكُلُّ أُمَّةٍ قَدْ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ عِلْمَ الْكِتَابِ حِينَ نَبَذُوهُ وَوَلَّاهُمْ عَدُوَّهُمْ حِينَ تَوَلَّوهُ. وَكَانَ مِنْ نَبَذِهِمُ الْكِتَابِ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحَرَفُوا حُدُودَهُ، فَهُمْ يَرُونَهُ وَلَا يَرَعُونَهُ، وَالْجُهَالُ يُعْجِبُهُمْ حِفْظُهُمْ لِلرَّوَايَةِ، وَالْعُلَمَاءُ يَحْزَنُهُمْ تَرْكُهُمْ لِلرَّعَايَةِ. وَكَانَ مِنْ نَبَذِهِمُ الْكِتَابِ أَنْ وَلَّوهُ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (3)، فَأَوْرَدُوهُمْ الْهَوَى، وَأَصْدَرُوهُمْ إِلَى الرَّدَى، وَغَيَّرُوا عُرَى الدِّينِ، ثُمَّ وَرَثُوهُ فِي السَّفَهِ وَالصَّبَا (4)، فَلَأَمَّةٌ يَصْدُرُونَ عَنْ أَمْرِ النَّاسِ بَعْدَ أَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَعَلَيْهِ يَرُدُّونَ، فَيَسَّ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا وَوَلَايَةَ النَّاسِ (5) بَعْدَ وَوَلَايَةِ اللَّهِ، وَثَوَابُ النَّاسِ بَعْدَ ثَوَابِ اللَّهِ، وَرِضَا النَّاسِ بَعْدَ رِضَا اللَّهِ، فَأَصْبَحَتِ الْأُمَّةُ كَذَلِكَ وَفِيهِمْ الْمُجْتَهِدُونَ فِي الْعِبَادَةِ عَلَى تِلْكَ الصَّلَاةِ، مُعْجَبُونَ مَفْتُونُونَ، فَعِبَادَتُهُمْ فِتْنَةٌ لَهُمْ وَلِمَنْ اقْتَدَى بِهِمْ. وَقَدْ كَانَ فِي الرُّسُلِ ذِكْرُ لِلْعَابِدِينَ، إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ كَانَ يَسْتَكْمِلُ الطَّاعَةَ، ثُمَّ يَعْصِي اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي الْبَابِ الْوَاحِدِ، فَخَرَجَ بِهِ مِنَ الْجَنَّةِ (6). وَ (7) يُنْبَذُ بِهِ فِي بَطْنِ الْحَوْتِ، ثُمَّ لَا يُنْجِيهِ إِلَّا الْإِعْتِرَافُ وَالتَّوْبَةُ. فَأَعْرِفَ أَشْبَاهَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ الَّذِينَ سَارُوا بِكِتْمَانِ الْكِتَابِ وَتَحْرِيفِهِ، فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ. ثُمَّ أَعْرِفَ أَشْبَاهَهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِينَ أَقَامُوا حُرُوفَ الْكِتَابِ وَحَرَفُوا حُدُودَهُ (8)، فَهُمْ مَعَ السَّادَةِ وَالْكِبَرَةِ (/ وَالكَثْرَةِ)، فَإِذَا تَفَرَّقَتْ قَادَةُ الْأَهْوَاءِ كَانُوا مَعَ أَكْثَرِهِمْ دُنْيَا، وَذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ (9). لَا يَزَالُونَ كَذَلِكَ فِي طَبَعِ (10) وَطَمَعِ، لَا يَزَالُ يُسْمَعُ صَوْتُ إِبْلِيسَ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ بِبَاطِلٍ كَثِيرٍ. يَصْبِرُ مِنْهُمْ الْعُلَمَاءُ عَلَى الْأَذَى وَالتَّعْنِيفِ، وَيَعْبُونَ عَلَى الْعُلَمَاءِ بِالتَّكْلِيفِ (11). وَالْعُلَمَاءُ فِي أَنْفُسِهِمْ خَادَّةٌ إِنْ كَتَمُوا النَّصِيحَةَ، إِنْ رَأَوْا تَأْثِيرَهَا ضَالًّا لَا يَهْدُونَهُ أَوْ مَيَّنَا لَا يُحْيُونَهُ، فَيَسَّ مَا يَصْنَعُونَ! لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ فِي الْكِتَابِ أَنْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَنْ يَتَعَاضُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا يَتَعَاضُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، فَالْعُلَمَاءُ مِنَ الْجُهَالِ فِي جِهَدِهِ وَجِهَادِهِ؛ إِنْ وَعَظَتْ قَالُوا: نَافَقَتْ، وَإِنْ عَلِمُوا (/ عَمِلُوا) الْحَقَّ الَّذِي تَرَكَوا قَالُوا: خَالَفَتْ، وَإِنْ اعْتَرَلُوهُمْ قَالُوا: فَارَقَتْ، وَإِنْ قَالُوا: هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ عَلَى مَا تُحَدِّثُونَ قَالُوا: نَافَقَتْ، وَإِنْ أَطَاعُوهُمْ قَالُوا: عَصَيْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، فَهَلْكَ جُهَالٌ فِيمَا لَا يَعْلَمُونَ، أَمْثُونَ فِيمَا يَتَلَوْنَ، يُصَدِّقُونَ بِالْكِتَابِ عِنْدَ التَّعْرِيفِ وَيُكَذِّبُونَ بِهِ عِنْدَ التَّحْرِيفِ، فَلَا يُنْكِرُونَ. أَوْلِيكَ أَشْبَاهَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ، قَادَةُ فِي الْهَوَى، سَادَةُ فِي الرَّدَى. وَآخَرُونَ مِنْهُمْ جُلُوسٌ بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالْهُدَى، لَا يَعْرِفُونَ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ مِنَ الْآخَرَى، يَقُولُونَ مَا كَانَ النَّاسُ يَعْرِفُونَ هَذَا وَلَا يَدْرُونَ مَا هُوَ، وَصَدَقُوا، تَرَكَهُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى الْبَيْضَاءِ (12) لَيْلَهَا مِنْ نَهَارِهَا، لَمْ يَظْهَرْ فِيهِمْ بَدْعَةٌ وَلَمْ يُبَدَّلْ فِيهِمْ سُنَّةٌ، لَا خِلَافَ عِنْدَهُمْ وَلَا اخْتِلَافَ، فَلَمَّا غَشِيَ النَّاسَ ظُلْمَةٌ خَطَايَاهُمْ صَارُوا إِمَامِينَ: دَاعٍ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَدَاعٍ إِلَى النَّارِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ نَطَقَ الشَّيْطَانُ، فَعَلَا صَوْتُهُ عَلَى لِسَانِ أَوْلِيَانِهِ، وَكَثُرَ خَيْلُهُ وَرَجَلُهُ (13)، وَشَارَكَ فِي الْمَالِ وَالْوَلَدِ مَنْ أَشْرَكَهُ، فَعَمِلَ بِالْبِدْعَةِ وَتَرَكَ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ. وَنَطَقَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ بِالْحُجَّةِ وَأَخَذُوا بِالْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ، فَتَفَرَّقَ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ أَهْلُ الْحَقِّ وَأَهْلُ الْبَاطِلِ، وَتَخَادَلَ (14) وَتَهَادَنَ أَهْلُ الْهُدَى، وَتَعَاضُوا أَهْلَ الصَّلَاةِ، حَتَّى كَانَتْ الْجَمَاعَةُ مَعَ فُلَانٍ وَأَشْبَاهِهِ، فَأَعْرِفَ هَذَا الصَّنْفَ. وَصِنْفٌ آخَرٌ، فَأَبْصِرْ رَأْيَ الْعَيْنِ نُبْجَاءَ (15)، وَالزَّمَهُمْ حَتَّى تَرِدَ أَهْلَكَ، فَ «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (16). (17)

- 1- عزب : أي بَعُد (النهاية : ج 3 ص 226 «عزب»)، وفي بعض النسخ «نفى بالتقوى عن العبد ماعزب عنه عقله» (كما في هامش الكافي).
- 2- العصب : جمع العصبية ، وهي الجماعة من الناس من العشرة إلى الأربعين (النهاية : ج 3 ص 243 «عصب»).
- 3- أي جعلوا وليّ الكتاب والقيّم عليه والحاكم به الذين لا يعلمونه ، وجعلوهم رؤساء على أنفسهم يتبعونهم في الفتاوى وغيرها (مرآة العقول : ج 25 ص 115).
- 4- أي جعلوه ميراثًا يرثه كلّ سفیه جاهل أو صبيّ غير عاقل . وقوله الآتي : «بعد أمر الله» أي صدوره أو الاطلاع عليه أو تركه ، والورود والصدور كناية عن الإتيان للسؤال والأخذ والرجوع بالقبول (مرآة العقول : ج 25 ص 116).
- 5- ولاية الناس : هو المخصوص بالذم (مرآة العقول : ج 25 ص 116).
- 6- أشار به إلى آدم عليه السلام ، والمراد بالعصيان هنا ترك الأولى .
- 7- الواو هنا بمعنى «أو» ، أشار به إلى يونس عليه السلام .
- 8- إنّما شبّه هؤلاء العباد وعلماء العوام المفتونين بالحطام بالأخبار والرهبان لشرائهم الدنيا بالآخرة بكتمانهم العلم ، وتحريفهم الكلم عن مواضعه وأكلهم أموال الناس بالباطل ، وصدّهم عن سبيل الله ، كما أنّهم كانوا كذلك على ما وصفهم الله في القرآن في عدّة مواضع ، والمراد بالسادة والكبرة : السلاطين والحكّام وأعوانهم الظلمة (الوافي : ج 26 ص 93).
- 9- إشارة إلى الآية 31 من سورة النجم .
- 10- الطبع _ بالتحريك _ : الرين ، و _ بالسكون _ : الختم (كما في هامش الكافي).
- 11- «منهم» أي من أشباه الأخبار والرهبان «العلماء» يعني العلماء بالله الرّبّانيين . «بالتكليف» يعني تكليفهم بالحقّ (الوافي : ج 26 ص 94).
- 12- يعني الشريعة ، الواضح مجهولها عن معلومها ، وعالمها عن جاهلها (الوافي : ج 26 ص 94).
- 13- خيله ورجله : أي فرسانه ورجّاته ، قوله تعالى : «وَ أَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَ رَجِلِكَ» أي بفرسانك ورجّالتك (مجمع البحرين : ج 2 ص 681 «رجل»).
- 14- أي تركوا نصره الحقّ . وفي بعض النسخ «تخادن» من الخِذْن وهو الصديق . وتهادن من المهادنة بمعنى المصالحة ، وفي بعض النسخ «تهاون» أي عن نصره الحقّ ، وهذا أنسب للتخاذل ، كما أنّ التهادن أنسب للتخادن (مرآة العقول : ج 25 ص 121).
- 15- بالنون والجيم والباء الموحّدة ، وفي بعض النسخ «تحيا» من الحياة (الوافي : ج 26 ص 94).
- 16- الزمر : 15 .
- 17- الكافي : ج 8 ص 52 ح 16 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 359 ح 2 .

الكافی_ به نقل از یزید بن عبد الله، از شخصی که برایش حدیث کرد _ : امام باقر علیه السلام به سعد الخیر نوشت : «به نام خداوند بخشاینده مهربان . اما پس از سپاس پروردگار، من تو را به پروا داشتن از خدا سفارش می کنم ؛ زیرا تقوا سبب ایمن ماندن از تباهی دنیا و سود بردن در فرجامین جایگاه است . خداوند عز و جل به واسطه تقوا بنده را از چیزهایی (خطرات و مهلکه هایی) حفظ می کند که از دسترس اندیشه و خرد او به دورند و به واسطه تقوا، کوری و نادانی او را می زداید . به واسطه تقوا بود که نوح و آنها که در کشتی با او بودند ، [از مهلکه طوفان] و صالح و پیروانش از [بلای] صاعقه رستند . به واسطه تقوا بود که شکیبایان به رستگاری رسیدند و آن جماعت برگزیده و شریف (نوح و صالح و پیروان آنها و شکیبایان امت های پیشین)، از مهلکه ها نجات یافتند . اینان را [هم اینک] برادرانی است که همان راه را می پویند و همان فضیلت را می جویند . به سبب [شنیدن] کفرهایی که از طریق کتاب خدا [در باره گنهکاران و جنایتکاران و شهوت پرستان] به آنان ابلاغ شده ، جلوی طغیان شهوات خود را گرفته اند و خداوند را برای آنچه روزی شان فرموده ، ستوده اند _ که اوست شایسته ستایش _ و خویشتن را به خاطر کوتاهی کردن هایشان [در طاعت و عبادت] نکوهیده اند، که اینان، خود را [به سبب کوتاهی در طاعت و عبادت خدا] همواره شایسته نکوهش می دانند ، و دانستند که خداوند _ تبارک و تعالی _ که بردبار و داناست ، در حقیقت، بر کسی خشم می گیرد که خشنودی او را پذیرا نگشته باشد و [رحمت و نعمت خود را] از کسی دریغ می دارد که عطای او را نپذیرفته باشد و کسی را گم راه می سازد که هدایت او را قبول نکرده باشد . سپس به گنهکاران، این امکان را داده تا با جایگزین کردن خوبی ها به جای بدی هایشان توبه کنند و در قرآن با صدایی بلند و پیوسته بندگانش را به این کار فرا خوانده و مانع دعای بندگانش نشده است . پس لعنت خدا بر کسانی که آنچه را خدا فرو فرستاده است ، کتمان می کنند! خداوند، رحمت را بر خویشتن فرض نمود . پس رحمت او بر خشمش پیشی گرفت و بدین سان، راستی و عدل [او] تحقق یافت . بنا بر این ، پیش از آن که بندگان ، او را به خشم آورند ، او به آنان خشم آغاز نمی کند و این [علم که خداوند بر کسی خشم می گیرد که خشنودی او را پذیرا نگشته باشد و ...]، برخاسته از دانش یقین و شناخت تقواست . خداوند ، علم کتاب را زمانی از امتی گرفت که خود ، آن را دور افکندند و دشمنِ آنان را زمانی بر آنها حاکم نمود که خود ، او را به حاکمیت پذیرفتند . یکی از نشانه های به دور افکندن کتاب، این است که حروف [و کلمات و اعراب و] آن را پاس داشتند ؛ اما حدود [و احکام و قوانین] آن را تحریف و باژگونه ساختند . پس، آن را روایت می کنند ؛ لیکن به کارش نمی بندند. نادانان از این که آن را برای روایت حفظ کنند ، دل شادند و علما و دانایان از این که آن را به کار نیندند ، اندوهگین اند . دیگر از نشانه های به دور افکندن کتاب ، این است که مثنی نادان را متولی کتاب [خدا] کردند (1) و آنها هم ، ایشان را به آبشخور هوس بردند و از آن جا به سوی هلاکت و نابودی در آوردند و دستگیره های دین را تغییر دادند و سپس آن را در میان کم خردان و کودکان نادان، به ارث گذاشتند . (2) در نتیجه، امت با وجود فرمان خدای _ تبارک و تعالی _ به فرمان انسان ها مراجعه می کنند و از آنها دستور می گیرند . بداهه حال ستمگران که ولایت انسان ها را جایگزین ولایت خدا کردند و پاداش آدمیان را جای گزین پاداش خداوند نمودند و خشنودی مردم را جایگزین خشنودی خدا ساختند و امت به چنین حال و روزی گرفتار آمدند که در میان آنان، کسانی هستند که در کار عبادت کوشایند ؛ اما در آن گم راهی . [به عبادت خود] دل شادند و فریفته [شیطان] . عبادتشان ، هم برای خود آنان مایه فتنه [و گم راهی] است و هم برای کسی که بدانها اقتدا کند . برای عابدان ، در میان فرستادگان الهی، پندهاست . پیامبری از پیامبران (آدم علیه السلام)، کار طاعت را به سر حد کمال می رساند و سپس تنها در يك مورد، خدای _ تبارک و تعالی _ را نافرمانی می کند و خداوند ، او را از بهشت بیرون می راند و یا [پیامبری دیگر (یونس علیه السلام) را] در دل نهنگ می افکند و چیزی جز اعتراف و توبه ، او را رهایی نمی بخشد . پس تو [ای سعد] ، این عالم نمایان و ترسانماها را بشناس ؛ همانان که کتاب [خدا] را کتمان و تحریف کردند و این سوداگری شان سودی به بار نیاورد و مردمانی ره یافته نبودند . آن گاه امثال آنها را در میان این امت بشناس ؛ همانان که حروف و کلمات قرآن را پاس داشتند ؛ اما حدود آن را تحریف و باژگونه ساختند . (3) اینان بر گرد بزرگان و سران [اکثریت] می چرخند و هر گاه [این] رهبران هوس ، دچار تفرقه و چند دستگی شوند ،

آنان در کنار آن يك قرار می گیرند که از دنیای بیشتری برخوردار باشد . نهایتِ دانش آنان، همین است . (4) اینان پیوسته در کوردلی و طمعکاری، دست و پا می زنند و همواره صدای ابلیس از زبان آنان شنیده می شود، که سخن باطل ، فراوان می گویند . علما [ی راستین و ربّانی] در برابر آزارسانی ها و درشتی ها و سرکوفت زدن های آنان، شکیبایی می ورزند و از این که علما آنان را به ادای تکلیف الهی فرا می خوانند ، بر آنها خرده می گیرند ، در حالی که علما از این که خیرخواهی و ارشاد را فرو گذارند ، یا سرگشته گم راهی را ببینند و راه نمایی اش نکنند ، یا مرده ای را ببینند و بدو زندگی نبخشند ، خود را خیانتکار می شمارند . پس چه بد می کنند؛ زیرا خدای _ تبارك و تعالی _ در قرآن از آنان پیمان گرفته است که به معروف و به آنچه بدان فرمان داده شده اند ، فرا خوانند و از آنچه از آن باز داشته شده اند ، نهی کنند و در راه نیکی و پرهیزگاری، همکاری نمایند و در کار گناه و تجاوز ، به یکدیگر کمک نرسانند ! علما از دست این نادانان، به ستوه آمده اند ؛ [چرا که] اگر اندرز دهند ، [آن نادانان] می گویند : یاغی شده است اگر حق را _ که رهایش کرده اند _ تعلیم دهد [و به آن عمل کند] ، می گویند : [یا حق] به مخالفت برخاسته است ؛ چرا که فقط عقاید خودشان را بر حق می دانند و سخنان علمای راستین را باطل می شمارند [و اگر گوشه گیری اختیار کنند ، می گویند : راه جدایی [از امت] را در پیش گرفته اند ، و اگر بگویند : برای سخنان خود، برهان بیاورید ، می گویند : منافق شده اند ، و اگر از آنها اطاعت کنند ، می گویند : از خداوند، نافرمانی کرده اند . نبودند این نادانان؛ چرا که نمی دانند و ناآگاهان از آنچه [از کتاب خدا] تلاوت می کنند ، به سبب این که به زبان ، کتاب خدا را تصدیق می کنند ؛ اما با تحریف آن ، آن را تکذیب می کنند و این عمل خود را زشت هم نمی دانند . اینان، شبیه همان احبار و راهبان اند ، پیشاهنگان در هوس اند و مهتران وادی هلاکت . گروه دیگری از آنان نیز هستند که بر سر دو راهی گم راهی و هدایت نشسته اند و ره یافتگان را از گم راهان باز نمی شناسند . می گویند : مردم [در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله] با چنین چیزی (اختلاف و چند دستگی امت در امر دین) آشنایی نداشتند و نمی دانستند [اختلاف] یعنی چه . راست هم می گویند ؛ [چون] زمانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آنان (امت عصر خود) را ترك کرد و رفت ، شریعتی آشکار برایشان باقی گذاشت که شب و روزش از هم متمایز بود؛ [چرا که] نه بدعتی در میان ایشان آشکار شده بود و نه سنتی در بینشان تغییر یافته بود و نه با هم مخالفتی داشتند و نه اختلافی ؛ اما هنگامی که ظلمت گناهان مردم ، آنان را فرو پوشاند ، دو امام [ورهبان] به وجود آمد : یکی دعوتگر به سوی خدای _ تبارك و تعالی _ و دیگر ، دعوتگر به سوی آتش دوزخ . در این هنگام، شیطان به سخن آمد و صدایش را از زبان دوستان خود، بلند کرد و شمار سواران و پیادگانش فزونی گرفت و در مال و فرزند هر کس که او را شريك خود ساخت ، شريك گشت و از این رو [آن کس] بدعت ها را به کار گرفت و کتاب و سنت را فرو گذاشت . [از طرف دیگر ،] دوستان خدا زبان به حجت و برهان گشودند و به کتاب و حکمت (عقل) چنگ در زدند . از همان روز ، پیروان حق و پیروان باطل از هم جدا شدند و ره یافتگان از همیاری دست شستند و در مدد رساندن به حق سستی ورزیدند ؛ اما گم راهان به یاری یکدیگر برخاستند، تا جایی که جماعت ، با فلانی و امثال او شد . بنا بر این ، این گروه را نيك بشناس . گروه دیگری هم هستند که مردمانی نجیب و بزرگوارند . آنها را با دیده خرد بنگر و از آنان جدا مشو تا این که به اهل خود (بهشتیان و سعادت‌مندان) پیبندی ؛ زیرا «زیانکاران، در حقیقت، کسانی هستند که به خود و کسانشان در روز قیامت، زیان رساندند . بدانید این ، همان زیان آشکار است» .

1- . یعنی ولی و کارگزار کتاب و مسئول آن را کسانی قرار دادند که از آن آگاهی ندارند . آنان را سردمدار خودشان انتخاب کردند و در فتوا و امور دیگر از آنها پیروی می کنند .

2- . یعنی آن را به گونه ای به ارث گذاشتند که هر سفیه نادان یا بچه کم خردی ، صاحب آن می شود .

3- . دلیل تشبیه اینان و عالمان عوام فریب خورده با مال ناچیز دنیا ، به احبار و رهبان ، معاوضه آخرت با دنیاست با کتمان علم و تحریف کتاب و خوردن مال مردم به باطل ، و جلوگیری از راه خدا، همان گونه که واقعا چنین اند ، بنا به توصیفی که خداوند در چند جای قرآن از

آنها نموده است . منظور از «السادة و الكبرة» در متن عربی، پادشاهان و حاکمان ظالم و دستیاران آنهاست .
4- . اشاره به آیه 31 از سوره نجم است .

4/7 جوامع وصاياهما لكافي عن عبد الرحمن بن الحجاج: بعث إليّ أبو الحسن موسى عليه السلام بوصية أمير المؤمنين عليه السلام وهي: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هذا ما أوصى به عليّ بن أبي طالب، أوصى أنّه يشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأنّ محمدا عبده ورسوله، أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون، صلى الله عليه وآله، ثمّ إن صلّاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك أمرت وأنا من المسلمين. ثمّ إني أوصيك يا حسن وجميع أهل بيتي وولدي ومن بلغه كتابي بتقوى الله ربكم، ولا تموتنّ إلا وأنتم مسلمون، واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا، فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: صلاح ذات البين أفضل من عامة الصلاة والصيام، وإنّ المبيّة (1) الحالقة (2) للدين فساد ذات البين، ولا قوة إلا بالله العليّ العظيم، أنظروا ذوي أرحامكم فصي لموهم يهون الله عليكم الحساب. الله الله في الأيتام، فلا تعبوا أفواههم ولا يضيعوا بحضرتكم، فقد سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: من عال يتيما حتى يستغني أوجب الله عز وجل له بذلك الجنة، كما أوجب لكل مال اليتيم التار. الله الله في القرآن، فلا يسبقكم إلى العمل به أحد غيركم. الله الله في جيرانكم، فإنّ النبي صلى الله عليه وآله أوصى بهم، وما زال رسول الله صلى الله عليه وآله يوصي بهم حتى ظننا أنّه سدّ بؤرهم. الله الله في بيت ربكم، فلا يخل منكم ما بقيتم، فإنّه إن ترككم تناظروا، وأدنى ما يرجع به من أمه أن يغفر له ما سلف. الله الله في الصلاة، فإنّها خير العمل، إنّها عمود دينكم. الله الله في الزكاة، فإنّها تطفئ غضب ربكم. الله الله في شهر رمضان، فإنّ صيامه جنة من النار. الله الله في الفقراء والمساكين، فشاركوهم في معاشكم. الله الله في الجهاد بأموالكم وأنفسكم وألسنتكم، فإنما يجاهد رجالان: إمام هدى، أو مطيع له مقتد بهداه. الله الله في ذرية نبيكم، فلا يظلمنّ بحضرتكم وبين ظهرانيكم وأنتم تقدرون على الدفع عنهم. الله الله في أصحاب نبيكم الذين لم يحدثوا حديثا ولم يؤوا حديثا، فإنّ رسول الله صلى الله عليه وآله أوصى بهم، ولعن المحدث منهم ومن غيرهم والمؤوي للمحدث. الله الله في النساء وفيما ملكت أيمانكم، فإنّ آخر ما تكلم به نبيكم عليه السلام أن قال: أوصيكم بالضعيفين: النساء وما ملكت أيمانكم. الصلاة الصلاة الصلاة، لا تخافوا في الله لومة لائم، يكفكم الله من آذائكم وبعي عليكم، قولوا للناس حسنا كما أمركم الله عز وجل، ولا تتركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فيؤلي الله أمركم شراركم، ثمّ تدعون فلا يستجاب لكم عليهم. وعليكم يا بني بالتواصل والتبادل والتبار، وإياكم والتقاطع والتدابر والتفرق، وتعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الإثم والعدوان، واتقوا الله إنّ الله شديد العقاب، حفظكم الله من أهل بيت، وحفظ فيكم نبيكم، أستودعكم الله وأقرأ عليكم السلام ورحمة الله وبركاته. (3)

1- مبيّة: مهلكة (لسان العرب: ج 4 ص 86 «بور»).

2- الحالقة: الخصلة التي من شأنها أن تحلق، أي تهلك وتستأصل الدين كما يستأصل الموس الشعر، وقيل: هي قطعة الرحم والتنظام (النهاية: ج 1 ص 428 «حلق»).

3- الكافي: ج 7 ص 51 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 176 ح 714 عن سليم بن قيس، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 191 ح 5433 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 42 ص 248 ح 51؛ المعجم الكبير: ج 1 ص 101 ح 168 عن اسماعيل بن راشد، مقاتل الطالبين: ص 51 عن عمر بن تميم وكلاهما نحوه.

7 / 4 سفارش های جامع اهل بیت علیهم السلام

4 / 7 سفارش های جامع اهل بیت علیهم السلام کافی - به نقل از عبد الرحمان بن حجاج - : امام کاظم علیه السلام وصیت امیر مؤمنان علیه السلام را برای من فرستاد و آن، بدین شرح است : «به نام خداوند بخشنده مهربان . این است آنچه علی بن ابی طالب بدان سفارش می کند : گواهی می دهد که معبودی جز خدای یگانه بی انباز نیست و محمد ، بنده و فرستاده اوست . او را «با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه ادیان، چیره اش گرداند ، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند» . درود خدا بر او و خاندانش باد! سپس نماز و عبادت و زندگی و مرگم همه برای خداوند است که پروردگار جهانیان است و او انبازی ندارد. بدین کار، فرمان یافته ام و من از تسلیم شدگان [در برابر فرمان او] هستم . اما بعد ، من تو را - ای حسن - و همه اعضای خانواده ام و فرزندانم را و هر کسی را که نوشته ام به او می رسد ، به پروا داشتن از پروردگارتان ، الله ، سفارش می کنم و به این که جز در حالت مسلمانی [و تسلیم فرمان خدا بودن] از دنیا نروید و همگی به ریسمان خدا چنگ در زنید و پراکنده نشوید ؛ زیرا شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : آشتی [و سازگاری] ، از بیشتر نمازها و روزه ها برتر است . و راستی که آنچه دین را نابود و ریشه کن می کند ، همان اختلاف [و ناسازگاری] است و نیرویی جز از سوی خداوند والا و بزرگ نیست . به خویشاوندان خود، توجه کنید و به آنان رسیدگی نمایید تا خداوند در کار حسابرسی ، بر شما آسان گیرد . خدا را ، خدا را در حق یتیمان ! مبادا خوراك آنان را دیر به دیر رسانید و در برابر دیدگان شما تباه شوند ؛ زیرا شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا این که بی نیاز شود ، خداوند عز و جل به سبب این کار ، بهشت را بر او واجب می سازد ، همان گونه که برای خوردن مال یتیم ، دوزخ را واجب فرموده است . خدا را ، خدا را در باره قرآن ! مبادا در عمل به آن، دیگران بر شما سبقت جویند . خدا را ، خدا را در حق همسایگانتان ؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله در باره آنان سفارش کرده است ! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیوسته در حق آنها سفارش می کرد، تا جایی که گمان بردیم برای آنان میراث قرار می دهد . خدا را ، خدا را در باره خانه پروردگارتان ! تا زنده اید، آن را از وجود خود، خالی مگذارید ؛ زیرا اگر رها شود ، مهلت داده نخواهید شد [و به زودی، انتقام و عذاب الهی بر شما فرود خواهد آمد] و کمترین دستاورد کسی که آهنگ زیارت آن می کند ، این است که گناهان گذشته او آمرزیده می شوند . خدا را ، خدا را در باره نماز ؛ زیرا بهترین عمل است و ستون دین شماست . خدا را ، خدا را در باره زکات ؛ زیرا خشم پروردگارتان را فرو می نشاند . خدا را ، خدا را در باره ماه رمضان ؛ زیرا روزه ، آن محافظی در برابر آتش است . خدا را ، خدا را در باره حق درویشان و مستمندان ! پس آنان را در زندگی خود شریک گردانید . خدا را ، خدا را در باره جهاد کردن با مال و جان و زبان خود ؛ زیرا در حقیقت ، دو کس جهاد می کنند : پیشوای هدایت یا کسی که از او فرمان برد و از رهبری او پیروی کند . خدا را ، خدا را در باره فرزندان پیامبرتان ! مبادا با حضور شما و در میان شما ستمی ببینند ، در حالی که می توانید از آنان دفاع کنید . خدا را ، خدا را در باره آن دسته از یاران پیامبرتان که بدعتی نهادند و بدعت گذاری را پناه ندادند ؛ زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حق آنان سفارش فرمود و بدعت گذار از آنها و جز آنها را و نیز پناه دهنده بدعت گذار را لعنت کرد . خدا را ، خدا را در باره زنان و مملوکاتان ؛ زیرا آخرین سخن پیامبرتان این بود که فرمود : شما را در حق دو موجود ناتوان، سفارش می کنم : زنان و مملوکاتان . نماز ، نماز ، نماز ! در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری مهراستید تا [در نتیجه] خداوند ، شما را از شر هر آن که آزارتان می دهد و بر شما ستم می کند ، ننگ دارد . با مردم، همان گونه که خداوند عز و جل فرمانتان داده است ، نیکو سخن بگویید و امر به معروف و نهی از منکر را فرو مگذارید که [اگر چنین کنید] ، خداوند، بدان شما را زمامدار امور شما می گرداند و آن گاه هر چه در حق آنان نفرین کنید ، مستجاب نمی شود . ای فرزندان من ! بر شما باد که به یکدیگر ببینید و به یکدیگر بذل و بخشش کنید و نسبت به هم نیکی روا دارید و از قطع رابطه و پشت کردن به همدیگر و پراکندگی پرهیزید . در راه نیکی و پرهیزگاری، همیاری کنید و در کار گناه و ستم، همکاری نکنید . از خدا بترسید، که کیفر خدا سخت است . خداوند ، شما خانواده را

حفظ کند و [حرمت] پیامبرتان را در میان شما نگه دارد! شما را به خدا می سپارم و بدرود می گویم و رحمت و برکات خدا را برایتان خواهانم». .

الإمام الباقر عليه السلام_ في وصيته لجابر بن يزيد الجعفي _ :إعلم بأنك لا تكون لنا ولياً حتى لو اجتمع عليك أهل مصرِكَ وقالوا : «إنك رجلٌ سوء» لم يحزنك ذلك ، ولو قالوا : «إنك رجلٌ صالح» لم يسرك ذلك ، ولكن اعرض نفسك على كتابِ الله ، فإن كنت سالِكاً سبيلهُ ، زاهداً في تزييده ، راغباً في ترغيبه ، خانفاً من تخوفه فائت وأبشر ، فإنه لا يضرك ما قيل فيك ، وإن كنت مبائناً للقرآن فماذا الذي يعرك من نفسك؟! (1)

عنه عليه السلام_ في وصيته لبعض شيعته _ :يا معشرَ شيعتنا ؛ اسمعوا وافهموا وصايانا وعهدنا إلى أوليائنا ، اصدقوا في قولكم ، وبروا في إيمانكم لأوليائكم وأعدائكم ، وتواسوا بأموالكم ، وتحابوا بقلوبكم ، وتصددقوا على فقرائكم ، واجتمعوا على أمركم ، ولا تدخلوا غشاً ولا خيابةً على أحدٍ ، ولا تشكوا بعد اليقين ، ولا ترجعوا بعد الإقدام جُبنا ، ولا يؤلُّ أحدٌ منكم أهلَ مودته قفاً ، ولا تكوننَّ شهوتكم في مودة غيركم ، ولا- مودتكم فيما سواكم ، ولا- عملكم لغير ربكم ، ولا إيمانكم وقصدكم لغير نبيكم ، واستعينوا بالله وأصبروا ، «إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين» (2) ، وإن الأرض لله يورثها عباده الصالحين . _ ثم قال عليه السلام _ : إن أولياء الله وأولياء رسوله من شيعتنا : من إذا قال صدق ، وإذا وعد وفى ، وإذا اتهم أذى ، وإذا حمل في الحق احتمل ، وإذا سئل الواجب أعطى ، وإذا أمر بالحق فعل . شيعتنا من لا يعدو علمه سمعه (3) ، شيعتنا من لا يمدح لنا معيباً ، ولا يواصل لنا مبغضاً ، ولا يجالس لنا قالياً ، إن لقي مؤمناً أكرمهُ ، وإن لقي جاهلاً هجرهُ . شيعتنا من لا يهرُّ هريز الكلب ، ولا يطمع طمع الغراب ، ولا يسأل أحداً إلا من إخوانه وإن مات جوعاً . شيعتنا من قال بقولنا وفارق أحبته فينا ، وأدنى البعداء في حُبنا ، وأبعد القرباء في بُغضنا . (4)

1- .تحف العقول : ص 284 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 162 ح 1 .

2- .الأعراف : 128 .

3- .كذا في المصدر وفي صفات الشيعة : ص 92 «صوته سمعه» .

4- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 64 .

امام باقر علیه السلام در سفارش خود به جابر بن یزید جعفی _ : بدان که تو دوستدار ما نخواهی بود ، مگر آن گاه که اگر همه همشهریانت علیه تو هم داستان شوند و [يك زبان] بگویند : «تو آدم بدی هستی» ، این اندوهگینت نسازد و اگر بگویند : «تو آدم خوبی هستی» ، این [نیز] شادمانت نکند ؛ بلکه خود را با کتاب خدا بسنج . اگر دیدی پوینده راه آنان هستی و از آنچه قرآن به اعراض از آن فرا خوانده ، روی گردانی و به آنچه ترغیب کرده ، راغبی و از آنچه بیم داده است ، بیمناکی ، پس ثابت قدم باش و مژده ات باد که آنچه در باره تو گفته می شود ، زیانت نمی رساند ؛ اما اگر دیدی از قرآن جدایی ، پس چرا باید خود را بفریبی !؟

امام باقر علیه السلام در سفارش به برخی شیعیان خود _ : ای گروه شیعیان ما! توصیه ها و سفارش ما به دوستانمان را بشنوید و نیک در یابید : راست گفتار باشید ، به سوگندتان با دوستان و دشمنانتان وفادار باشید ، با اموالتان به مدد یکدیگر بشتابید ، قلباً یکدیگر را دوست بدارید ، به درویشانان صدقه دهید ، در کار خود ، متحد باشید ، به هیچ کس ، دغل و خیانتی روا مدارید ، بعد از یقین [در عقیده به حَقانیت ما] ، دچار شك و تردید نشوید ، پس از پیشروی ، از ترس ، گام وا پس ننهید ، هیچ يك از شما به دوستدار خود پشت نکند ، زنهار که به دوستی با غیر خود ، میل کنید و ، به اغیار ، دست مودت ندهید و کارتان جز برای پروردگارتان نباشد و ایمان و عقیده تان به کسی جز پیامبران نباشد و از خدا یاری طلبید و شکبیا باشید که «زمین ، از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد ، به ارث می دهد و فرجام [نیک] ، از آن پرهیزگاران است» . زمین ، از آن خداوند است و او آن را به بندگان شایسته اش به ارث می دهد . از شیعیان ما ، آن کسی دوستدار خدا و دوستدار پیامبر اوست که هر گاه سخن گوید ، راست گوید و هر گاه وعده ای دهد ، بدان وفا کند و هر گاه امانتی بدو سپرده شود ، آن را برگرداند و هر گاه در راه حق باری بر دوش او نهند ، آن را به دوش کشد و هر گاه حق واجبی از او خواسته شود ، عطا کند و هر گاه به کار حقّی فرمان داده شود ، انجامش دهد . شیعه ما ، کسی است که علم او از گوشش فراتر نرود (اسرار ما را که می شنود ، حفظ کند) . شیعه ما ، کسی است که عیبجوی ما را مدح نمی گوید و با کسی که به ما بغض می ورزد ، پیوند برقرار نمی سازد و با کینه جوی ما هم نشینی نمی کند ، و اگر به مؤمنی برسد ، به او احترام می گذارد و اگر به نادانی برخورد ، از او دوری می کند . شیعه ما ، کسی است که [از سختی ها و گرفتاری ها] چونان سگ زوزه نمی کشد و مانند کلاغ ، طمّاع نیست و به سوی هیچ کس جز برادران خود ، دست نیاز ، دراز نمی کند ، حتّی اگر از گرسنگی بمیرد . شیعه ما ، کسی است که به عقیده ما معتقد است و به خاطر ما دوستان خود را ترك می گوید و کسانی را که با او بیگانه اند ، اما دوستدار مایند ، به خود نزدیک می کند و نزدیکان خود را که با ما دشمن اند ، از خود دور می گرداند .

الكافي عن عبد الله بن بكير عن رجلٍ عن أبي جعفرٍ عليه السلام قال: دَخَلْنَا عَلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمَاعَةً، فَقُلْنَا: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّا نُرِيدُ الْعِرَاقَ فَأَوْصِنَا. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِيَقْوُوا شَدِيدَكُمْ صَدْعِيكُمْ، وَلِيَعُدَّ غَنِيَّتُكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ، وَلَا تَبْثُثُوا سِرَّانَا وَلَا تُذِيعُوا أَمْرَنَا، وَإِذَا جَاءَكُمْ عَنَّا حَدِيثٌ فَوَجَدْتُمْ عَلَيْهِ شَاهِدًا أَوْ شَاهِدَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَإِلَّا فَفَقُوا عِنْدَهُ، ثُمَّ رَدُّوهُ إِلَيْنَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ... (1)

المحاسن عن الخطّاب الكوفي ومصعب بن عبد الله الكوفي: دَخَلَ سَدِيرُ الصَّيْرَفِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَقَالَ لَهُ: يَا سَدِيرُ، لَا تَزَالُ شِيعَتُنَا مَرَعِيَيْنَ مَحْفُوظِينَ مَسْتَوْرِينَ مَعْصُومِينَ مَا أَحْسَنُوا النَّظَرَ لِأَنْفُسِهِمْ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ خَالِقِهِمْ، وَصَحَّتْ نِيَاتُهُمْ لِأَيْمَتِهِمْ، وَبَرَّوْا إِخْوَانَهُمْ، فَعَطَفُوا عَلَى ضَعْفِهِمْ، وَتَصَدَّقُوا عَلَى ذَوِي الْفَاقَةِ مِنْهُمْ، إِنَّا لَا نَأْمُرُ بِظُلْمٍ، وَلَكِنَّا نَأْمُرُكَ بِالْوَرَعِ الْوَرَعِ، وَالْمُؤَاسَاةِ الْمُؤَاسَاةِ لِإِخْوَانِكُمْ، فَإِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَمْ يَزَالُوا مُسْتَضْعَفِينَ قَلِيلِينَ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام في رسالة كتبتها إلى أصحابه وأمرهم بمدارستها والنظر فيها وتعاهدتها والعمل بها، فكانوا يضعونها في مساجد بيوتهم، فإذا فرغوا من الصلاة نظروا فيها: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَا بَعْدُ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ الْعَافِيَةَ، وَعَلَيْكُمْ بِالذِّعَةِ وَالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَيْكُمْ بِالْحَيَاءِ وَالنُّزْهِ عَمَّا تَنَزَّهَ عَنْهُ الصَّالِحُونَ قَبْلَكُمْ... وَإِيَّاكُمْ أَنْ تَرْتَقُوا أَلْسِنَةً بِقَوْلِ الزُّورِ وَالْبُهْتَانِ وَالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، فَإِنَّكُمْ إِنْ كَفَفْتُمْ أَلْسِنَتَكُمْ عَمَّا يَكْرَهُهُ اللَّهُ مِمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ كَانَ خَيْرًا لَكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ مِنْ أَنْ تَرْتَقُوا أَلْسِنَةً بِقَوْلِ النَّاسِ فِي مَا يَكْرَهُهُ اللَّهُ وَمَا (ي) نَهَى عَنْهُ مَرَدَّةً لِلْعَبْدِ عِنْدَ اللَّهِ وَمَقْتٌ مِنَ اللَّهِ وَصَمٌّ وَعَمَى وَبِكُمْ يَوْمَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَتَصِيرُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ: «صُمُّ بَعْضُكُمْ عَلَى فِئَةٍ لَا يَرْجِعُونَ» (3) يعني لا يتنبهون «وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ» (4). وَإِيَّاكُمْ وَمَا نَهَاكُمْ اللَّهُ عَنْهُ أَنْ تَرْكَبُوهُ، وَعَلَيْكُمْ بِالصِّمْتِ إِلَّا فِيمَا يَنْفَعُكُمْ اللَّهُ بِهِ مِنْ أَمْرِ آخَرَتِكُمْ وَيَأْجُرُّكُمْ عَلَيْهِ. وَكَثُرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّسْبِيحِ وَالتَّسْبِيحِ وَالتَّسْبِيحِ عَلَيْهِ، وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْهِ، وَالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَهُ مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي لَا يَقْدِرُ قَدْرُهُ وَلَا يَبْلُغُ كُنْهَهُ أَحَدٌ، فَاشْغَلُوا أَلْسِنَتَكُمْ بِذَلِكَ عَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ مِنْ أَقْوَالِ الْبَاطِلِ الَّتِي تُعَقِّبُ أَهْلَهَا خُلُودًا فِي النَّارِ، مَنْ مَاتَ عَلَيْهَا وَلَمْ يَتَّبِعْ إِلَى اللَّهِ وَلَمْ يَنْزِعْ عَنْهَا. وَعَلَيْكُمْ بِالذِّعَةِ فَإِنَّ الْمُسْلِمِينَ لَمْ يُدْرِكُوا نَجَاحَ الْحَوَائِجِ عِنْدَ رَبِّهِمْ بِأَفْضَلِ مِنَ الدُّعَاءِ وَالرَّغْبَةِ إِلَيْهِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ وَالْمَسْأَلَةِ لَهُ، فَارْغَبُوا فِيمَا رَغِبَ اللَّهُ فِيهِ، وَأَجِيبُوا اللَّهَ إِلَى مَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ لِيُفْلِحُوا وَتَنْجُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ، وَإِيَّاكُمْ أَنْ تَشْرَهَ أَنْفُسَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ، فَإِنَّهُ مَنْ انْتَهَكَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ هَانَا فِي الدُّنْيَا حَالَ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ وَنَعِيمِهَا وَلَذَّتْهَا وَكَرَامَتِهَا الْقَائِمَةِ الدَّائِمَةِ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَبَدَ الْآبِدِينَ. وَعَلِمُوا أَنَّهُ بَسَّ الْحِطُّ الْخَطْرُ لِمَنْ خَاطَرَ اللَّهَ بِتَرْكِ طَاعَةِ اللَّهِ وَرُكُوبِ مَعْصِيَتِهِ، فَاخْتَارَ أَنْ يَنْتَهَكَ مَحَارِمَ اللَّهِ فِي لَذَاتِ دُنْيَا مُنْقَطِعَةٍ زَائِلَةٍ عَنْ أَهْلِهَا، عَلَى خُلُودِ نَعِيمٍ فِي الْجَنَّةِ وَلَذَّتْهَا وَكَرَامَةِ أَهْلِهَا، وَيَلُ لَأَوْلَيْكَ! مَا أُخِيبَ حَظُّهُمْ وَأُخْسِرَ كَرَّتَهُمْ وَأَسْوَأَ حَالَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ! اسْتَجِيرُوا اللَّهَ أَنْ يُجِيرَكُمْ فِي مِثَالِهِمْ أَبَدًا وَأَنْ يَبْتَلِيَكُمْ بِمَا ابْتَلَاهُمْ بِهِ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا وَلَكُمْ إِلَّا بِهِ... أَكْثَرُوا مِنْ أَنْ تَدْعُوا اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَدْعُوهُ، وَقَدْ وَعَدَ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالِاسْتِجَابَةِ، وَاللَّهُ مُصِيرٌ دُعَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ عَمَلًا يَزِيدُهُمْ بِهِ فِي الْجَنَّةِ، فَأَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ لَهُ، وَاللَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَذْكُرْ أَحَدًا مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا ذَكَرَهُ بِخَيْرٍ، فَأَعْطُوا اللَّهَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ الْجَهْدَ فِي طَاعَتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُدْرِكُ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ عِنْدَهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ وَاجْتِنَابِ مَحَارِمِهِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ فِي ظَاهِرِ الْقُرْآنِ وَبَاطِنِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ فِي كِتَابِهِ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ: «وَذَرُوا ظَاهِرَ الْأَعْيُنِ وَبَاطِنَهُ» (5). وَعَلِمُوا أَنَّ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ تَجْتَنِبُوهُ فَقَدْ حَرَّمَهُ. وَاتَّبِعُوا آثَارَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتَهُ فَخُذُوا بِهَا، وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَكُمْ وَآرَاءَكُمْ فَضَلُّوا، فَإِنَّ أَضَلَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَرَأْيَهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ. وَأَحْسِنُوا إِلَى أَنْفُسِكُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَ «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (6)... أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْحَافِظَةُ اللَّهُ لَهُمْ أَمْرُهُمْ عَلَيْكُمْ بِآثَارِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ وَآثَارِ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَسُنَّتِهِمْ، فَإِنَّهُ مَنْ أَخَذَ بِذَلِكَ فَقَدْ اهْتَدَى وَمَنْ تَرَكَ ذَلِكَ وَرَغِبَ عَنْهُ ضَلَّ، لِأَنََّّهُمْ هُمُ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ، وَقَدْ قَالَ أَبُو نَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

المُداوِمَةُ عَلَى الْعَمَلِ فِي اتِّبَاعِ الْآثَارِ وَالسُّنَنِ وَإِنْ قَلَّ أَرْضَى لِلَّهِ وَأَنْفَعُ عِنْدَهُ فِي الْعَاقِبَةِ مِنَ الْإِجْتِهَادِ فِي الْبِدْعِ وَاتِّبَاعِ الْأَهْوَاءِ . أَلَا إِنَّ اتِّبَاعَ الْأَهْوَاءِ وَاتِّبَاعَ الْبِدْعِ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ ضَلَالٌ ، وَكُلُّ ضَلَالَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ فِي النَّارِ . وَلَنْ يُنَالَ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ وَالصَّبْرِ وَالرِّضَا ؛ لِأَنَّ الصَّبْرَ وَالرِّضَا مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ . وَعَلِمُوا أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِهِ حَتَّى يَرْضَى عَنِ اللَّهِ فِيمَا صَدَّقَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَصَدَّقَ بِهِ ، عَلَى مَا أَحَبَّ وَكَرِهَ . وَلَنْ يَصْنَعَ اللَّهُ بِمَنْ صَبَرَ وَرَضِيَ عَنِ اللَّهِ إِلَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ مِمَّا أَحَبَّ وَكَرِهَ . وَعَلَيْكُمْ بِالْمَحَافَظَةِ عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى ، وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ فِي كِتَابِهِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ . وَعَلَيْكُمْ بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ ، فَإِنَّهُ مَنْ حَقَّرَهُمْ وَتَكَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ زَلَّ عَنِ دِينِ اللَّهِ ، وَاللَّهُ لَهُ حَاقِرٌ مَاقِتٌ ، وَقَدْ قَالَ أَبُوْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَمَرَنِي رَبِّي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ مِنْهُمْ . وَعَلِمُوا أَنَّ مَنْ حَقَّرَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَلْقَى اللَّهُ عَلَيْهِ الْمَقْتَّ مِنْهُ وَالْمَحَقَّرَةَ حَتَّى يَمَقُتَهُ النَّاسُ وَاللَّهُ لَهُ أَشَدُّ مَقْتًا . فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي إِخْوَانِكُمْ الْمُسْلِمِينَ الْمَسَاكِينِ ، فَإِنَّ لَهُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا أَنْ تُحِبُّوهُمْ ، فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِحُبِّهِمْ ، فَمَنْ لَمْ يُحِبَّ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِحُبِّهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ ، وَمَنْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَاتَ عَلَى ذَلِكَ مَاتَ وَهُوَ مِنَ الْغَاوِينَ . وَإِيَّاكُمْ وَالْعِظْمَةَ وَالْكَبِيرَ ؛ فَإِنَّ الْكَبِيرَ رِذَاءُ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ ، فَمَنْ نَارَعَ اللَّهَ رِذَاءَهُ فَصَدَمَهُ اللَّهُ وَأَذَلَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . وَإِيَّاكُمْ أَنْ يَبْغِيَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ ، فَإِنَّهَا لَيْسَتْ مِنْ خِصَالِ الصَّالِحِينَ ، فَإِنَّهُ مَنْ بَغَى صَيَّرَ اللَّهُ بَغْيَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَصَارَتْ نُصْرَةُ اللَّهِ لِمَنْ بَغَى عَلَيْهِ ، وَمَنْ نَصَرَ رَأَى اللَّهُ غَلَبَ وَأَصَابَ الظَّفَرَ مِنَ اللَّهِ . وَإِيَّاكُمْ أَنْ يَحْسِدَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ؛ فَإِنَّ الْكُفْرَ أَصْلُهُ الْحَسَدُ . وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُعِينُوا عَلَى مُسْلِمٍ مَظْلُومٍ فَيَدْعُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ وَيُسْتَجَابَ لَهُ فِيكُمْ ، فَإِنَّ أَبَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ : إِنْ مَعُونَةَ الْمُسْلِمِ كَانَ يَقُولُ : إِنْ دَعَا الْمُسْلِمَ الْمَظْلُومَ مُسْتَجَابَةً . وَلِيَعْنِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ، فَإِنَّ أَبَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ : إِنْ مَعُونَةَ الْمُسْلِمِ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَعِتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ . وَإِيَّاكُمْ وَإِعْسَارَ أَحَدٍ مِنَ إِخْوَانِكُمْ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تُعْسِرُوهُ بِالشَّيْءِ يَكُونُ لَكُمْ قِبَلَهُ وَهُوَ مُعْسِرٌ ، فَإِنَّ أَبَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ : لَيْسَ لِمُسْلِمٍ أَنْ يُعْسِرَ مُسْلِمًا ، وَمَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَظَلَّهُ اللَّهُ بِظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ ... وَعَلِمُوا أَنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ ، وَالتَّسْلِيمُ هُوَ الْإِسْلَامُ ، فَمَنْ سَلَّمَ فَقَدْ أَسْلَمَ ، وَمَنْ لَمْ يُسَلِّمْ فَلَا إِسْلَامَ لَهُ ، وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْلَغَ إِلَى نَفْسِهِ فِي الْإِحْسَانِ فَلْيُطِيعِ اللَّهَ ، فَإِنَّهُ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ أْبْلَغَ إِلَى نَفْسِهِ فِي الْإِحْسَانِ . وَإِيَّاكُمْ وَمَعَاصِي اللَّهِ أَنْ تَرْكَبُوهَا ، فَإِنَّهُ مَنْ انْتَهَكَ مَعَاصِي اللَّهِ فَكَرَبَهَا فَقَدْ أْبْلَغَ فِي الْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِهِ . وَلَيْسَ بَيْنَ الْإِحْسَانِ وَالْإِسَاءَةِ مَنَزِلَةٌ ، فَلِأَهْلِ الْإِحْسَانِ عِنْدَ رَبِّهِمْ الْجَنَّةُ ، وَلِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عِنْدَ رَبِّهِمْ النَّارُ ، فَاعْمَلُوا بِطَاعَةِ اللَّهِ وَاجْتَنِبُوا مَعَاصِيَهُ . وَعَلِمُوا أَنَّهُ لَيْسَ يُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ شَيْئًا ، لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا مَنْ دُونَ ذَلِكَ ، فَمَنْ سَرَّهُ أَنْ تَنْفَعَهُ شَيْءٌ فَاعَاةُ الشَّافِعِينَ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَطْلُبْ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَى عَنْهُ . وَعَلِمُوا أَنَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِ اللَّهِ لَمْ يُصِبْ رِضًا مِنَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ وَطَاعَةِ رَسُولِهِ وَطَاعَةِ وُلَاةِ أَمْرِهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ، وَمَعَاصِيَهُمْ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ ، وَلَمْ يُنْكَرْ لَهُمْ فَضْلًا عَظِيمًا أَوْ صَغِيرًا ... سَلُّوا اللَّهَ الْعَاقِبَةَ وَاطْلُبُوهَا إِلَيْهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . صَبِّرُوا النَّفْسَ عَلَى الْبَلَاءِ فِي الدُّنْيَا ، فَإِنَّ تَتَابَعِ الْبَلَاءِ فِيهَا وَالشَّدَّةُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَوَلَايَتِهِ وَوَلَايَةِ مَنْ أَمَرَ بِوَلَايَتِهِ خَيْرٌ عَاقِبَةً عِنْدَ اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ مِنْ مُلْكِ الدُّنْيَا وَإِنْ طَالَ تَتَابَعِ نَعِيمِهَا وَزَهْرَتِهَا وَغَضَارَةُ عَيْشِهَا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَوَلَايَةِ مَنْ نَهَى اللَّهُ عَنِ وِلَايَتِهِ وَطَاعَتِهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِوَلَايَةِ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ سَمَّاهُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فِي قَوْلِهِ : « وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا » (7) وَهُمْ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِوَلَايَتِهِمْ وَطَاعَتِهِمْ ... وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ، فَإِذَا أَعْطَاهُ ذَلِكَ أَنْطَقَ لِسَانَهُ بِالْحَقِّ وَعَقَدَ قَلْبَهُ عَلَيْهِ فَعَمِلَ بِهِ ، فَإِذَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ تَمَّ لَهُ إِسْلَامُهُ وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ - إِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ الْحَالِ - مِنَ الْمُسْلِمِينَ حَقًّا ، وَإِذَا لَمْ يُرِدِ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا وَكَلَّهُ إِلَى نَفْسِهِ وَكَانَ صَدْرُهُ ضَيِّقًا حَرَجًا ، فَإِنْ جَرَى عَلَى لِسَانِهِ حَقٌّ لَمْ يَعْقِدْ قَلْبَهُ عَلَيْهِ ، وَإِذَا لَمْ يَعْقِدْ قَلْبَهُ عَلَيْهِ لَمْ يُعْطِهِ اللَّهُ الْعَمَلَ بِهِ ، فَإِذَا اجْتَمَعَ ذَلِكَ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُوتَ وَهُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمُنَافِقِينَ ، وَصَارَ مَا جَرَى عَلَى لِسَانِهِ - مِنَ الْحَقِّ الَّذِي لَمْ يُعْطِهِ اللَّهُ أَنْ يَعْقِدْ قَلْبَهُ عَلَيْهِ وَلَمْ يُعْطِهِ الْعَمَلَ بِهِ - حُجَّةً عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلِّمُوا أَنْ يَشْرَحَ صُدُورَكُمْ لِلْإِسْلَامِ ، وَأَنْ يَجْعَلَ أَلْسِنَتَكُمْ تَنْطِقُ بِالْحَقِّ حَتَّى يَتَوَقَّأَكُمْ وَأَنْتُمْ عَلَى ذَلِكَ ، وَأَنْ يَجْعَلَ مُنْقَلِبَكُمْ مُنْقَلَبَ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ فَلْيَعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَلِيَتَّبِعْنَا ، أَلَمْ يَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلَلَنِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : « قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ » (8) ؟ وَاللَّهُ ! لَا يُطِيعُ اللَّهَ عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَدْخَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي طَاعَتِهِ اتِّبَاعَنَا ، وَلَا وَاللَّهِ ! لَا يُتَّبِعُنَا عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَحَبَّهُ اللَّهُ ، وَلَا وَاللَّهِ ! لَا يَدْعُ أَحَدٌ اتِّبَاعَنَا أَبَدًا إِلَّا ابْغَضُنَا ، وَلَا وَاللَّهِ ! لَا يُبْغِضُنَا أَحَدٌ أَبَدًا إِلَّا عَصَى اللَّهَ ، وَمَنْ مَاتَ عَاصِيًا

لِلّهِ أَخْزَاةٌ لِلّهِ وَأَكْبَبَةٌ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . (9)

-
- 1- .الكافي : ج 2 ص 222 ح 4 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 73 ح 21 .
 - 2- .المحاسن : ج 1 ص 258 ح 492 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 154 ح 10 .
 - 3- .البقرة : 18 .
 - 4- .المرسلات : 36 .
 - 5- .الأنعام : 120 .
 - 6- .الإسراء : 7 .
 - 7- .الأنبياء : 73 .
 - 8- .آل عمران : 31 .
 - 9- .الكافي : ج 8 ص 2 ح 1 عن حفص المؤدّن وإسماعيل بن جابر ، تحف العقول : ص 313 نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 210 ح 93 .

الكافی_ به نقل از عبد الله بن بكير، از مردی _ : ما دسته جمعی به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدیم و گفتیم : ای پسر پیامبر خدا! ما عازم عراق هستیم . به سفارشی بفرما . امام باقر علیه السلام فرمود : «توانای شما به ناتوانان یاری رساند و توانگر شما به تهی دستتان کمک کند . راز ما را فاش نکنید و امر [امامت] ما را بر ملا نسازید و هر گاه حدیثی از ما به شما رسید ، اگر يك یا دو گواه از کتاب خدا برایش پیدا کردید ، آن را بپذیرید، و گرنه نسبت به آن درنگ کنید و بعداً آن را به ما ارجاع دهید تا [حقیقت] برایتان روشن شود» .

المحاسن_ به نقل از خطّاب کوفی و مصعب بن عبد الله کوفی _ : سدیر صیرفی خدمت امام صادق علیه السلام رسید ، در حالی که گروهی از یاران ایشان در محضر ایشان بودند . امام علیه السلام به سدیر فرمود : «ای سدیر! شیعیان ما همواره [از جانب خداوند]، تحت مراقبت ، محفوظ ، در پناه و مصون خواهند بود ، به شرط آن که کاملاً مراقب رابطه خود با آفریدگارشان باشند ، نیتشان در باره امامانشان درست باشد ، به برادرانشان نیکی کنند ، با ناتوانان خود، مهربان باشند و به نیازمندانشان کمک رسانند . ما هرگز به ستم کردن دستور نمی دهیم ؛ بلکه ما شما را به پارسایی، فرمان می دهیم ، پارسایی ، پارسایی و [نیز] به همدردی ، همدردی با برادرانتان ؛ زیرا از زمانی که خداوند، آدم علیه السلام را آفرید ، دوستان خدا پیوسته ضعیف نگه داشته شده و در اقلیت به سر برده اند» .

امام صادق علیه السلام_ در نامه ای که به یاران خود نوشت و به آنان دستور داد که پیوسته آن را مطالعه کنند و در آن بیندیشند و از آن مراقبت به عمل آورند و به کارش بندند و آنها نیز این نامه را در نمازخانه منازل خود می گذاشتند و بعد از نماز ، در آن تدبّر می کردند _ : به نام خداوند بخشنده مهربان. اما پس از سپاس پروردگار ، از پروردگارتان عافیت بطلبید و آرام و باوقار و سنگین باشید . حیا را از دست ندهید و از آنچه صدمهای پیش از شما دوری کرده اند ، دوری کنید... مبادا زبان های خود را به دروغ و بهتان و گناه و تجاوز بیالایید ، که اگر زبان های خود را از آنچه خداوند، ناخوش می دارد و شما را از آن نهی کرده است ، نگه دارید ، برای شما نزد پروردگارتان بهتر است از این که زبان هایتان را به آنها بیالایید ؛ زیرا آلودن زبان به آنچه خداوند، آن را ناخوش می دارد و از آن نهی فرموده است ، موجب هلاکت بنده نزد خدا و خشم خدا می گردد و در روز قیامت ، خداوند، او را کر و کور و لال می گرداند و در نتیجه مصداق این سخن خداوند می گردید که : «کرنند ، لال اند ، کورند . پس به راه نمی آیند» ، یعنی : سخن نمی گویند «و به آنان رخصت داده نمی شود تا عذر [و بهانه] آورند» . مبادا مرتکب چیزهایی شوید که خداوند ، شما را از آنها نهی فرموده است . بر شما باد خاموشی ، مگر در آنچه به آخرتتان مربوط می شود و خداوند به واسطه آنها به شما سود می رساند و اجر و پاداشتان می دهد . تا می توانید، تهلیل (لا إله إلا الله) و تقدیس و تسبیح و ثنای خدا بگویید و به درگاه او زاری کنید و به خوبی هایی که در نزد اوست و هیچ کس نمی تواند اندازه و کنه آنها را معلوم سازد ، رغبت نشان دهید و با مشغول ساختن زبان خود به این امور ، آن را از سخنان باطل _ که خداوند از آنها نهی فرموده است و برای گویندگانش ، اگر با چنین سخنانی از دنیا بروند و به درگاه خدا توبه نکنند و از آنها دست بر ندارند ، جاودانگی در آتش خواهد بود _ ، باز دارید. بر شما باد دعا کردن ؛ زیرا مسلمانان با وسیله ای بهتر از دعا و التماس و زاری به درگاه خدا و خواهش از او، به خواست های خود از خداوند، دست نیافته اند . به آنچه خداوند، شما را بدانها ترغیب کرده است ، رغبت نشان دهید و به دعوت خدا در آنچه شما را بدان فرا خوانده است ، پاسخ دهید تا رستگار شوید و از عذاب خدا برهید . زندهای که نفس های شما آزمند چیزهایی گردد که خداوند، آنها را بر شما حرام کرده است ؛ چرا که هر کس آنچه را خداوند در این دنیا بر او حرام ساخته است ، زیر پا نهد ، خداوند، او را از بهشت و نعمت ها و خوشی ها و کرامت های آن _ که تا ابد الدهر برای بهشتیان پایدار است _ ، محروم می گرداند . بدانید که بد بهره ای است بهره کسی که با فرو گذاشتن طاعت خدا و ارتکاب معصیت او ، در برابر خدا خطر می کند و به خاطر لذت های دنیای ناپایدار و گذرا ، هتک حرمت های خدا را بر نعمت های جاویدان بهشت و لذت های آن و کرامت بهشتیان، ترجیح دهد! وای بر اینان! وه که چه ناکام اند و چه بازگشت

زیانباری دارند و در روز رستاخیز، چه حال بدی نزد پروردگارشان دارند! به خدا پناه برید از این که شما را به حال و روز اینان در آورد و به بلایی گرفتارتان کند که آنها را گرفتار کرده است، که ما و شما را نیرویی جز از سوی خدا نیست... . خدا را بسیار بخوانید؛ زیرا خداوند، دعای بندگان مؤمن خود را دوست می دارد و به بندگان مؤمنش وعده اجابت داده است. خداوند، دعای مؤمنان را در روز قیامت به عملی تبدیل می کند که به سبب آن در بهشت بر نعمت هایشان می افزاید. تا می توانید در هر ساعت از ساعات شب و روز، خدا را فراوان یاد کنید؛ زیرا خداوند دستور داده است که او را بسیار یاد کنند و خدا به یاد مؤمنی است که او را یاد می کند. بدانید که هیچ یک از بندگان مؤمن خدا او را یاد نکرد، مگر این که خداوند از او به نیکی یاد کرد. پس در طاعت خدا کوشا باشید؛ زیرا به کمترین چیز از خیر و خوبی هایی که نزد خداست، نتوان رسید، مگر با طاعت او و دوری کردن از حرام هایش که خداوند در ظاهر و باطن قرآن، آنها را حرام ساخته است. خداوند _ تبارک و تعالی _ در کتاب خود، فرموده و سخن او حق است که: «گناه آشکار و پنهان را رها کنید». بدانید که هر آنچه خداوند به اجتناب از آن فرمان داده، بی گمان، آن را حرام کرده است. از شیوه و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیروی کنید و آن را فراعنجه دارید و از خواهش دل و آرای خود، پیروی نکنید، که گم راه می شوید؛ زیرا گم راه ترین مردم از نظر خدا، کسی است که از دلخواه و رأی خویش پیروی کند، بی آن که ره نمودی از جانب خدا داشته باشد. تا می توانید به خودتان خوبی کنید؛ چرا که «اگر نیکی کنید، به خویشتن نیکی کرده اید و اگر بدی کنید، به زیان خود کرده اید»... . ای جماعتی که خداوند، نگهبان امور شماست! بر شما باد پیروی از آثار و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و پیروی از آثار و سنت پیشوایان هدایتگر از خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ زیرا هر کس به آنها تمسک جوید، بی گمان، قدم در راه راست نهاده است و هر کس آنها را فرو گذارد و روی از آنها برتابد، گمراه می شود؛ چرا که اینان، همان کسانی هستند که خداوند به اطاعت و ولایتشان فرمان داده است. پدرمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «مداومت بر عمل، همراه با پیروی از آثار و سنت ها، گرچه اندک باشد، خدا را خشنودتر می سازد و در آخرت، سودمندتر است تا کوشش در عبادتی که توأم با بدعت ها و پیروی از هوس ها باشد». بدانید که پیروی از هوس ها و تبعیت از بدعت ها و نداشتن ره نمودی از جانب خدا گم راهی است و هر گم راهی ای، بدعت است و هر بدعتی، در آتش جای دارد. هرگز به چیزی از خوبی هایی که نزد خداست، نتوان رسید، مگر به واسطه طاعت او و شکیبایی و خرسندی؛ زیرا شکیبایی و خرسندی [نیز] در زمره طاعت از خداست. بدانید که هرگز بنده ای از بندگان او (خدا) ایمان نیاورده است، مگر این که در آنچه خدا با او می کند، چه خوشایند او باشد یا ناخوشایندش، از خدا خرسند باشد، و خداوند برای کسی که شکیبیا و از او خرسند باشد، کاری خوشایند یا ناخوشایند پیش نمی آورد، مگر آنچه را که شایسته و خیر و صلاح اوست. بر شما باد مواظبت بر نمازها و [بویژه] نماز میانه (1) و خاضعانه برای خدا به پا خیزید که خداوند در کتاب خود، مؤمنان پیش از شما و شما را به این، فرمان داده است. مسلمانان مستمند را دوست بدارید؛ زیرا هر کس آنان را تحقیر کند و بر ایشان بزرگی فروشد، بی گمان، از دین خدا منحرف شده است و خداوند، او را تحقیر می کند و او را منفور می دارد. پدرمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «پروردگرم مرا به دوست داشتن مسلمانان مستمند، فرمان داده است. بدانید که هر کس یکی از مسلمانان را حقیر شمارد، خداوند، نفرت و تحقیر خود را بر او می افکند تا این که مردم از او کینه و نفرت به دل گیرند و البته کینه و نفرت خدا سخت تر است. در باره برادران مسلمان مستمند خود، از خدا بترسید؛ زیرا آنان این حق را بر گردن شما دارند که دوستشان بدارید». خداوند، پیامبر خود را به دوست داشتن ایشان فرمان داده است. بنا بر این، هر کس کسی را که خداوند به دوست داشتن او فرمان داده است، دوست ندارد، بی گمان، خدا و پیامبر او را نافرمانی کرده است و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند و با این نافرمانی از دنیا برود، در زمره گم راهان است. از غرور و کبر بپرهیزید؛ زیرا کبر، ردای خداوند عز و جل است و هر که بر سر این ردا با خدا کشمکش کند، خداوند، او را در هم می شکند و روز قیامت، خوارش می گرداند. زنهار از زورگویی و تعدی به یکدیگر، که این خصلت از خصلت های مردمان صالح نیست. هر که تعدی کند، خداوند، زورگویی او را به خودش بر می گرداند و یاری خدا نصیب کسی می شود که به او زورگویی شده است و هر که خدا یاری اش رساند، چیره می گردد و از جانب خدا به پیروزی دست می یابد. زنهار

از حسد ورزیدن به یکدیگر، که کفر، ریشه اش حسادت است! زنه از یاری رساندن بر ضدّ مسلمانان ستم دیده که اگر نفرینتان کند، نفرینش در حقّ شما مستجاب می شود! پدرمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: «دعای مسلمان ستمدیده مستجاب می شود» . به یکدیگر یاری رسانید؛ زیرا پدرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: «یاری رساندن به مسلمان، از يك ماه روزه گرفتن همراه با اعتکاف در مسجد الحرام، بهتر و اجرش بیشتر است». مبادا بر هیچ کس از برادران مسلمان تنگ دست خود، در خصوص طلبی که از او دارید و از عهده پرداختش بر نمی آید، فشار آورید؛ زیرا پدرمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: «مسلمان نباید بر [در ستاندن طلب خود] مسلمان بدهکار تنگ دست سختگیری کند و هر کس بدهکار تنگ دستی را مهلت دهد، خداوند، او را در آن روزی که سایه ای جز سایه او نیست، در سایه اش پناه می دهد...». بدانید که اسلام، همان تسلیم [در برابر خدا و پیامبر او و اولو الأمر و اطاعت از فرامین آنها] و تسلیم، همان اسلام است. پس هر که تسلیم باشد، مسلمان است و هر که تسلیم نباشد، اسلامی ندارد. هر که دوست دارد که در نیکی کردن به خود بکوشد، باید از خدا اطاعت کند؛ زیرا هر که از خدا اطاعت کند، بی گمان، در نیکی کردن به خویش کوشیده است. زنه از این که مرتکب معاصی خدا شوید؛ زیرا هر کس با معاصی خدا، هتک حرمت کند و مرتکب آنها شود، هر آینه در بدی کردن به خویشتن کوشیده است و نیکی کردن و بدی کردن، حالت میانه ندارند. پس نیکوکاران در نزد پروردگارشان، بهشت و بدکرداران در نزد پروردگارشان دوزخ دارند. پس طاعت خدا را به کار بندید و از معاصی او دوری کنید. بدانید که هیچ يك از آفریدگان خدا، نه فرشته ای مقرب و نه پیامبری مرسل و نه جز اینها نمی توانند برای شما در پیشگاه خدا کاری بکنند. پس هر کس دوست دارد که شفاعت کنندگان نزد خدا، او را سود بخشد، از خدا بخواهد که از او خشنود گردد. بدانید هیچ يك از آفریده های خدا به خشنودی او دست نیافت، مگر به اطاعت از خدا و اطاعت از پیامبر او و اطاعت از اولو الأمر از خاندان محمد _ که دروهای خدا بر آنان باد _، و نافرمانی از آنان را نافرمانی از خدا بداند و فضایل آنان را از کوچک و بزرگ، انکار نکند. از خدا عافیت طلب کنید و آن را با التماس از او بخواهید و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر از سوی خدا. نفس را بر [تحمل] بلا [و آزمایش های الهی] در دنیا شکبیا سازید؛ زیرا که بلاهای پیاپی در دنیا و سختی چشیدن در راه طاعت خدا و ولایت او و ولایت کسانی که خداوند به [پذیرش] ولایتشان فرمان داده است، فرجامش نزد خداوند در آخرت، بهتر از مُلک دنیایی است که نعمت ها و لذت ها و خرمی عیش آن برای روزگاری دراز استمرار یابد؛ اما در راه معصیت خدا و در ولایت آن کسی باشد که خداوند از ولایت و فرمانبری اش نهی فرموده است. خداوند به [پذیرش] ولایت پیشوایانی فرمان داده که در کتاب خود به آنها اشاره کرده و فرموده است: «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما رهبری می کردند». اینان، همان کسانی هستند که خداوند به ولایت آنان و فرمانبری از آنان دستور داده است و کسانی که خداوند از ولایت آنان و فرمانبری شان نهی فرموده است، در واقع، همان پیشوایان گم راهی اند... بدانید که خداوند، هر گاه خیر بنده ای را بخواهد، تاب تحمل اسلام را بدو می دهد و هر گاه این [نعمت] را به او دهد، زبانش را به حق گویا می سازد و دلش را بر آن گره می زند و در نتیجه حق را به کار می بندد. پس هر گاه خداوند، این صفات را در او گرد آورد، اسلامش کامل است و اگر با چنین حالی از دنیا برود، نزد خدا از مسلمانان راستین به شمار می آید. و اما هر گاه خداوند، خیر بنده ای را نخواهد، او را به خودش وا می نهد و سینه اش تنگ و بی تحمل می خواهد بود، به طوری که اگر حقی بر زبانش جاری شود، دلش با آن گره نمی خورد [و قلباً بدان عقیده نخواهد داشت] و هر گاه دلش با آن گره نخورد، خداوند، عمل به آن را به او عطا نمی کند. پس هر گاه چنین صفاتی در وجود او گرد آید و با چنین حالی از دنیا برود، نزد خداوند از منافقان به شمار می آید و آنچه از حقیقت که بر زبانش جاری گشته و خداوند، [توفیق] اعتقاد بدان و به کار بستش را به او نداده است، در روز قیامت، حجّتی به زیان وی می گردد. بنا بر این، از خدا بترسید و از او بخواهید که سینه های شما را برای اسلام فراخ گرداند و زیان هایتان را تا زنده هستید، به حق گویا سازد و آخرت شما را آخرت شایستگان پیش از شما قرار دهد. هیچ نیرویی جز از سوی خدا نیست و ستایش از آن خداوند پروردگار جهانیان است. هر کس خوش دارد که بداند خداوند، او را دوست می دارد، باید طاعت خدا را به کار بندد و از ما پیروی کند. مگر نشنیده است این سخن خدای عز و جل به پیامبرش را که: «بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من

پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد؟» به خدا سوگند، هیچ بنده ای هرگز از خدا اطاعت نمی کند، مگر این که خداوند، پیروی از ما را در این اطاعت او جای داده است. به خدا سوگند، هیچ بنده ای هرگز از ما پیروی نمی کند، مگر این که خداوند، او را دوست بدارد. به خدا سوگند، هیچ کس پیروی از ما را فرو نمی گذارد، مگر این که با ما دشمنی کرده باشد. به خدا سوگند، هیچ کس نیست که با ما دشمنی ورزد، مگر این که خدا را نافرمانی کرده است و هر کس با نافرمانی خدا از دنیا رود، خداوند، رسوایش می کند و او را در آتش، سرنگون می سازد. سپاس، خدای را که پروردگار جهانیان است.

1- نماز عصر، و به احتمالی، نماز ظهر.

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد السلام بن صالح الهروي: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا . فَقُلْتُ لَهُ: وَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا. (1)

الإمام الرضا عليه السلام - لِعَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ - يَا عَبْدَ الْعَظِيمِ، أبلغ عني أوليائي السلام، وقل لهم أن لا يجعلوا للشيطان على أنفسهم سبيلاً، ومُرهم بالصدق في الحديث وأداء الأمانة، ومُرهم بالشكوت، وترك الجدال فيما لا يعنيههم، وإقبال بعضهم على بعض، والمزاورة، فإن ذلك قربة إليّ. ولا يشغلوا (2) أنفسهم بتمزيق بعضهم بعضاً؛ فإني آليت على نفسي أنه من فعل ذلك وأسخط ولياً من أوليائي دعوت الله ليُعذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَابِ وَكَانَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. وَعَرَّفَهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لِمَحْسِنِهِمْ وَتَجَاوَزَ عَنْ مُسِيئِهِمْ إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِهِ أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي أَوْ أَضْمَرَ لَهُ سُوءًا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْهُ، فَإِنْ رَجَعَ، وَالْآنَ نَزَعَ رُوحَ الْإِيمَانِ عَنْ قَلْبِهِ وَخَرَجَ عَنِّي، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ نَصِيبًا (3) فِي وَلايَتِنَا، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ. (4)

-
- 1- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 307 ح 69، معاني الأخبار: ص 180 ح 1، بحار الأنوار: ج 2 ص 30 ح 13.
 - 2- في المصدر «يشتغلوا» والصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار: ج 74 ص 230 ح 27 نقلاً عنه.
 - 3- كذا في المصدر والظاهر أنه: نصيب.
 - 4- الاختصاص: ص 247 عن عبد العظيم، بحار الأنوار: ج 74 ص 230 ح 27.

عیون أخبار الرضا علیه السلام_ به نقل از عبد السلام بن صالح هروی _ : از ابو الحسن الرضا علیه السلام شنیدم که می فرماید : «رحمت خدا بر آن بنده ای که قضیه ما را زنده گرداند!». گفتم : چگونه قضیه شما را زنده می کند؟ فرمود : «تعالیم ما را فرا می گیرد و آنها را به مردم می آموزد ؛ زیرا مردم اگر زیبایی های سخن ما را بدانند ، بی گمان ، از ما پیروی می کنند» .

امام رضا علیه السلام_ به عبد العظیم حسنی _ : ای عبد العظیم! دوستانم را از جانب من سلام برسان و به آنان بگو که شیطان را به خود راه ندهند و ایشان را به راستگویی و امانتداری سفارش کن . به آنان توصیه کن که خاموشی گزینند و بحث های بیهوده را رها کنند و به یکدیگر روی آورند و به دیدن هم بروند ؛ زیرا این کارها ، موجب نزدیک شدن به من می شوند . خود را سرگرم تگه پاره کردن یکدیگر نکنند ؛ زیرا من به جان خودم سوگند یاد کرده ام که هر کس چنین کند و دوستی از دوستان مرا خشمگین سازد ، از خدا بخواهم که در دنیا سخت ترین عذاب را به او بچشانند و در آخرت از زیانکاران باشد . به آنان بگو که خداوند ، نیکوکار ایشان را آمرزیده و از بدکارشان گذشت کرده است ، مگر کسی که بدو شرك آورد یا دوستی از دوستان مرا آزار دهد و یا در باره به او قصد بدی داشته باشد ؛ زیرا [در این صورت ،] خداوند ، او را نمی بخشد ، تا زمانی که از این کارها [یا از این بداندیشی] دست بر دارد و اگر دست برداشت ، روح ایمان از دلش کنده می شود و از ولایت و دوستی من خارج می گردد و نصیبی در ولایت ما نخواهد داشت . پناه می برم به خدا از این ، پناه می برم !

الفصل الثامن: حقوق أهل البيت عليهم السلام 8 / 1 معرفة حقوقهم رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ بِحَقِّنَا. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: سِرَاجُ الْمُؤْمِنِ مَعْرِفَةُ حَقِّنَا، وَأَشَدُّ الْعَمَى مَنْ عَمِيَ عَن فَضْلِنَا. (2)

الإمام علي عليه السلام: لَنَا حَقٌّ، فَإِنْ أُعْطِينَاهُ، وَإِلَّا زَكَبْنَا أَعْجَازَ الْإِبِلِ وَإِنْ طَالَ السَّرَى. (3)

عنه عليه السلام: مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَهُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَحَقِّ رَسُولِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيدًا، وَوَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ، وَاسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ، وَقَامَتِ النَّبِيُّ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ لِسَيْفِهِ، فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَأَجَلًا. (4)

1- الأمامي للمفيد: ص 44 ح 2، الأمامي للطوسي: ص 187 ح 314، المحاسن: ج 1 ص 135 ح 169 كلها عن عبدالرحمن ابن أبي ليلى عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 91 ح 45؛ المعجم الأوسط: ج 2 ص 360 ح 2230 عن ابن أبي ليلى عن الإمام الحسن عليه السلام نحوه.

2- جامع الأخبار: ص 505 ح 1399، الخصال: ص 633 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليه السلام، تفسير فرات: ص 368 ح 499 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 10 ص 111 ح 1.

3- نهج البلاغة: الحكمة 22، المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 274 نحوه، بحار الأنوار: ج 29 ص 446 ح 37؛ تاريخ الطبري: ج 4 ص 236، النهاية في غريب الحديث: ج 3 ص 185، تاريخ دمشق: ج 42 ص 429 كلها نحوه.

4- نهج البلاغة: الخطبة 190، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 668 ح 26 وليس فيه ذيله، غرر الحكم: ج 5 ص 435 ح 9061، عيون الحكم والمواعظ: ص 464 ح 8456 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 52 ص 144 ح 63.

فصل هشتم: حقوق اهل بیت علیهم السلام

8 / 1 شناخت حقوق اهل بیت علیهم السلام

فصل هشتم: حقوق اهل بیت علیهم السلام 8 / 1 شناخت حقوق اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جانم در دست اوست، هیچ بنده ای از کردارش سودی نمی برد، مگر در پرتو شناخت حق ما.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چراغ مؤمن، شناخت حق ماست و بدترین کوری، [کوری] کسی است که برتری ما را نبیند.

امام علی علیه السلام: ما را حقی است. اگر به ما داده شد [چه بهتر]، و گر نه [در پی آن]، بر دنباله اُشتر می نشینیم [و تن به سختی ها می دهیم]، هر اندازه هم که [این] سفر شبانه (حق کشی) به درازا کشد.

امام علی علیه السلام: هر کس از شما در بستر خود بمیرد، در حالی که حق پروردگار خویش و پیامبر او و حق خاندان پیامبر او را شناخته باشد، شهید مرده است و مزدش با خدای سبحان است و مستوجب ثواب کردار شایسته ای خواهد بود که نیت انجام آن را داشته است و نیت او به جای شمشیر کشیدنش است؛ زیرا هر چیزی را عمری و سررسیدی است.

الخصال عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سألته عليه السلام عن قول الله عز وجل: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ» (1). فقال: الظالم منا (2) من لا يعرف حقَّ الإمام، والمقتصد العارف بحقَّ الإمام، والسابق بالخيرات بإذن الله هو الإمام «جنات عدن يدخلونها» (3) يعني السابق والمقتصد. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ الله عز وجل أوضَحَ بِأَيِّمَّةِ الْهُدَى مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّنَا عَنْ دِينِهِ، وَأَبْلَجَ بِهِمْ عَنْ سَبِيلِ مِنْهَا جِهٍ، وَفَتَحَ بِهِمْ عَنْ بَاطِنِ يَتَابِعِ عِلْمِهِ، فَمَنْ عَرَفَ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجِبَ حَقِّ إِمَامِهِ، وَجَدَ طَعْمَ حَلَاوَةِ إِيْمَانِهِ وَعَلِمَ فَضْلَ طَلَاوَةِ إِسْلَامِهِ. (5)

1- فاطر: 32 .

2- أي: من هذه الأمة.

3- فاطر: 33 .

4- معاني الأخبار: ص 104 ح 2، الكافي: ج 1 ص 215 ح 3 عن أحمد بن عمر عن الإمام الرضا عليه السلام، الاعتقادات للصدوق: ص 112 عن الإمام الصادق عليه السلام، الاحتجاج: ج 2 ص 301 ح 253 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 214 ح 3؛ تفسير الآلوسي: ج 22 ص 196 عن ميسر بن عبد العزيز عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .

5- الكافي: ج 1 ص 203 ح 2، الغيبة للنعمانى: ص 224 ح 7، بصائر الدرجات: ص 413 ح 2 وفيه «طلاقة» بدل «تلاوة» نحوه، مختصر بصائر الدرجات: ص 89 وفيه «طراوة» بدل «تلاوة» وكلها عن إسحاق بن غالب، بحار الأنوار: ج 25 ص 151 ح 25 .

الخصال_ به نقل از جابر بن یزید جَعْفی _ : از امام باقر علیهما السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم ، به میراث دادیم . پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه رو و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا، پیش گام اند» پرسیدم . فرمود : «ستمگر از میان ما [امت اسلام]، کسی است که حقّ امام را نشناسد و میانه رو ، کسی است که حقّ امام را می شناسد و پیشی گیرنده در خوبی ها به اذن خدا ، همان امام است . «[در] بهشت های همیشگی [که] به آنها وارد می شوند» ، یعنی پیشی گیرنده و میانه رو [وارد بهشت می شوند]» .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل به وسیله پیشوایان هدایت از خاندان پیامبر ما، دینش را آشکار ساخت و به وسیله آنان، راهش را روشن نمود و به واسطه آنان، چشمه های پنهان دانش خود را گشود . پس، از امت محمد صلی الله علیه و آله ، هر که حقّ واجب امامش را بشناسد ، مزه شیرین ایمانش را می چشد و به ارزش دل پذیری اسلام خود، پی می برد .

8 / 2 الحث على رعايته حقوقهم رسول الله صلى الله عليه وآله: أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أنشدكم الله في أهل بيتي. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: أوصيكم بأهل بيتي خيرا. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: أنا أول وافد على العزيز الجبار يوم القيامة وكتابه وأهل بيتي ثم أممي، ثم أسألهم: ما فعلتم بكتاب الله وبأهل بيتي؟ (4)

عنه صلى الله عليه وآله: أيها الناس! الله الله في أهل بيتي، فإنهم أركان الدين ومصايح الظلم ومعدن العلم. (5)

1- صحيح مسلم: ج 4 ص 1873 ح 2408، سنن الدارمي: ج 2 ص 890 ح 3198، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 75 ح 19285 كلها عن زيد بن أرقم، كنز العمال: ج 1 ص 178 ح 898؛ الطرائف: ص 115 ح 174، كشف المحجة: ص 132، بحار الأنوار: ج 23 ص 108 ح 10.

2- المعجم الكبير: ج 5 ص 183 ح 5027، الشفا: ج 2 ص 47 بزيادة «ثلاثا» في آخره، تفسير الثعلبي: ج 8 ص 44 كلها عن زيد بن أرقم، سبل الهدى والرشاد: ج 12 ص 397 كلاهما بزيادة «مرتين» في آخره، كنز العمال: ج 13 ص 640 ح 37619؛ العمدة: ص 41 ح 26 عن زيد بن أرقم.

3- الإرشاد: ج 1 ص 184، اليقين: ص 448 عن يحيى بن عبد الله بن الحسن عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام، الاحتجاج: ج 1 ص 298 ح 52 عن يحيى بن عبد الله بن الحسن عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام، كفاية الأثر: ص 41 عن سلمان وفيه «عترتي» بدل «أهل بيتي»، بحار الأنوار: ج 22 ص 468 ح 19؛ المستدرک على الصحيحين: ج 2 ص 131 ح 2559 عن عبد الرحمن بن عوف وفيه «عترتي» بدل «أهل بيتي»، كنز العمال: ج 12 ص 101 ح 34184.

4- الكافي: ج 2 ص 600 ح 4 عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام وراجع: مختصر بصائر الدرجات: ص 89، الملهوف: ص 207.

5- خصائص الأئمة: ص 75 عن عيسى الضرير عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 22 ص 487 ح 31.

8 / 2 تشویق به پاسداشت حقوق اهل بیت علیهم السلام

8 / 2 تشویق به پاسداشت حقوق اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در باره خاندانم، خدا را به یاد شما می آورم! در باره خاندانم، خدا را به یاد شما می آورم! در باره خاندانم، خدا را به یاد شما می آورم!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما را به خدا در باره اهل بیتم سوگند می دهم [که حق و حرمتشان را پاس بدارید].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما را در باره عترتم، سفارش به نیکی می کنم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من و کتاب خدا و اهل بیتم، نخستین کسانی هستیم که در روز قیامت بر خدای عزیز جبار وارد می شویم و سپس امتم وارد می شوند. آن گاه از ایشان می پرسم که: «با کتاب خدا و اهل بیت من، چه کردید؟».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! خدا را، خدا را در باره اهل بیتم [در نظر بگیرید]؛ چرا که آنان ارکان دین و چراغ های تاریکی ها و کان دانش اند.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ أَهْلَ بَيْتِي وَأَنَا مُسْتَوْدِعُهُمْ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ حَفِظَنِي فِي أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ اتَّخَذَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِحْفَظُونِي فِي عِزَّتِي. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: أَخْلَفُونِي فِي أَهْلِ بَيْتِي. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: مُؤْمِنُوا أُمَّتِي يَحْفَظُونَ وَدِيْعَتِي فِي أَهْلِ بَيْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبَارَكَ لَهُ فِي أَجَلِهِ، وَأَنْ يُمْتَعَهُ اللَّهُ بِمَا خَوَّلَهُ فَلْيَخْلُفْنِي فِي أَهْلِي خِلَافَةً حَسَنَةً. (6)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّكُمْ سَبَّيْتُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي. (7)

الأُمالي للصدوق عن ابن عباس: صَدَّ عِدَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمِنْبَرِ، فَخَطَبَ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ أَنِّي مَقْبُوضٌ - إِلَى أَنْ قَالَ: - أَيُّهَا النَّاسُ! إِسْمَعُوا قَوْلِي وَاعْرِفُوا حَقَّ نَصِيحَتِي، وَلَا تَخْلُفُونِي فِي أَهْلِ بَيْتِي إِلَّا بِالَّذِي أُمِرْتُمْ بِهِ مِنْ حِفْظِهِمْ، فَإِنَّهُمْ حَامَتِي وَفِرَاتِي وَإِخْوَتِي وَأَوْلَادِي، وَإِنَّكُمْ مَجْمُوعُونَ وَمُسَاءِلُونَ عَنِ الثَّقَلَيْنِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا، إِنَّهُم أَهْلُ بَيْتِي. (8)

1- بشارة المصطفى: ص 127 عن أنس، بحار الأنوار: ج 22 ص 461 ح 8؛ تاريخ دمشق: ج 14 ص 170 ح 3510 عن أنس، كنز العمال: ج 12 ص 101 ح 34185.

2- ذخائر العقبى: ص 18، وراجع: بحار الأنوار: ج 87 ص 305.

3- الأُمالي للطوسي: ص 703 ح 1504، كشف الغمّة: ج 2 ص 42 كلاهما عن زيد عن الإمام زين العابدين عن الإمام الحسين عليه السلام، بحار الأنوار: ج 3 ص 51 ح 2؛ مسند الشهاب: ج 1 ص 419 ح 474 عن أنس.

4- المعجم الأوسط: ج 4 ص 157 ح 3860، الصواعق المحرقة: ص 150 والحديث مقبول عند المؤلف وكلاهما عن ابن عمر.

5- الكافي: ج 2 ص 46 ح 3، بشارة المصطفى: ص 157 كلاهما عن عبد العظيم الحسيني عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 68 ص 342 ح 13.

6- الإصابة: ج 1 ص 406 ح 604 عن عبد الله بن بدر عن أبيه، كنز العمال: ج 12 ص 99 ح 34171، بحار الأنوار: ج 23 ص 116 ح 31.

7- المعجم الكبير: ج 4 ص 192 ح 4111 عن خالد بن عرفطة، مجمع الزوائد: ج 9 ص 311 ح 15142 نقلاً عن البزار، كنز العمال: ج 11 ص 124 ح 30877.

8- الأُمالي للصدوق: ص 121 و 122 ح 112، بشارة المصطفى: ص 16 نحوه، التحصين لابن طاووس: ص 598، نهج الإيمان: ص 155، بحار الأنوار: ج 38 ص 94 ح 10.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدایا! اهل بیتم ! من، آنان را نزد هر زن و مرد مؤمنی به امانت می سپارم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس مرا با [پاسداشت] اهل بیتم پاس بدارد ، در درگاه خداوند، به عهدی دست یافته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مرا با اهل بیتم پاس بدارید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برای اهل بیتم، جانشین من باشید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مؤمنان ائمت من، اهل بیت مرا که ودیعه من [در میان ایشان] اند، تا روز قیامت، پاس می دارند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که دوست دارد به عمرش برکت داده شود و خداوند ، او را از آنچه عطایش فرموده ، بهره مند سازد ، برای خانواده ام ، جانشین خوبی برای من باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شما پس از من در مورد اهل بیتم آزموده خواهید شد .

الأمالی، صدوق_ به نقل از ابن عبّاس _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر منبر رفت و خطبه خواند و مردم گرد او جمع شدند . پس فرمود : «ای گروه مؤمنان! خداوند عز و جل به من وحی فرمود که جانم ستانده خواهد شد» تا آن جا که فرمود : «ای مردم! سختم را بشنوید و حقّ خیرخواهی و اندرز مرا بشناسید و پس از من ، همچنان که فرمان داده شده اید ، اهل بیت مرا پاس بدارید ؛ زیرا آنان بستگان و نزدیکان و برادران و فرزندان من اند و شما [در روز قیامت] گرد آمده ، نسبت به رفتارتان با ثقلین ، مورد سؤال قرار خواهید گرفت . پس مواظب باشید که پس از من با این دو، چه می کنید . آنان، اهل بیت من اند .

بحار الأنوار عن ابن عباس: لَمَّا رَجَعْنَا مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ جَلَسْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَسْجِدِهِ فَقَالَ . . . وَذَكَرَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ: _ أَيُّهَا النَّاسُ! اللَّهُ اللَّهُ فِي عِترتي وأهل بيتي، فَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَوَدَّيْهَا عَضُدَايَ، وَأَنَا وَبَعْلُهَا كَالضَّوءِ، اللَّهُمَّ ارحم من رَحِمَهُمْ، وَلَا تَغْفِرْ لِمَنْ ظَلَمَهُمْ. (1)

الإمام علي عليه السلام_ في وصيَّته _ :اللَّهُ اللَّهُ فِي ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكُمْ، فَلَا يُظْلَمَنَّ بِحَضْرَتِكُمْ وَبَيْنَ ظَهْرَانِيكُمْ وَأَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَى الدَّفْعِ عَنْهُمْ. (2)
 عنه عليه السلام_ لَمَّا وُلِّيَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ مِصْرَ _ : يَا عِبَادَ اللَّهِ، إِنْ اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَحَفِظْتُمُ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ عِبَدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عُبِدَ، وَذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ، وَشَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ، وَأَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، وَاجْتَهَدْتُمْ بِأَفْضَلِ الْإِجْتِهَادِ، وَإِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطْوَلَ مِنْكُمْ صَلَاةً، وَأَكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا، فَانْتُمْ أَنْتُمْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَمِنْهُمْ، وَأَنْصَحَ لِأَوْلِي الْأَمْرِ. (3)

1- بحار الأنوار: ج 23 ص 143 ح 97 نقلاً عن شاذان بن جبرئيل في كتاب «الروضة في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام» و«الفضائل».

2- الكافي: ج 7 ص 52 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 9 ص 177 ح 714، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 191 ح 5433 كلاهما عن سليم بن قيس نحوه، بحار الأنوار: ج 42 ص 249 ح 51؛ جواهر المطالب: ج 2 ص 102، سبل الهدى والرشاد: ج 11 ص 306 وليس فيهما ذيله.

3- الأمالي للمفيد: ص 263 ح 3، الأمالي للطوسي: ص 27 ح 31 كلاهما عن أبي إسحاق الهمداني، تحف العقول: ص 178، الغارات: ج 1 ص 236 عن عباية وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 33 ص 544 ح 720؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 6 ص 68 عن عبد الله بن الحسن بن الحسن نحوه.

بحار الأنوار_ به نقل از ابن عبّاس _ : چون از حَجَّة الوداع بر گشتیم ، با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد ایشان نشستیم . فرمود : «... ای مردم! خدا را ، خدا را در باره عترت و اهل بیت [در نظر بگیرید] ؛ زیرا فاطمه پاره تن من است و دو پسر او، دو بازوی من اند و من و شوهرش همچون نوریم . خدایا! رحم کن بر کسی که به آنان رحم می کند و نیامرزد کسی را که بر ایشان ستم می کند!» .

امام علی علیه السلام_ در وصیتش _ : خدا را ، خدا را در حق فرزندان پیامبرتان [در نظر بگیرید]! مبادا در حضور شما و در میان شما بر آنان ستمی رود ، در حالی که شما می توانید آن ستم را از ایشان دور کنید .

امام علی علیه السلام_ هنگامی که محمّد بن ابی بکر را استاندار مصر نمود _ : ای بندگان خدا! اگر از خدا پروا کنید و سفارش پیامبرتان را در باره اهل بیتش پاس بدارید ، بی گمان ، خداوند را به بهترین وجه ، عبادت کرده اید و به نیکوترین شکل ، یادش نموده اید و به برترین وجه ، سپاسش گفته اید و به عالی ترین نوع شکیبایی و شکرگزاری ، دست یافته اید و برترین کوشش [در عبادت] را به عمل آورده اید ، هر چند دیگران نمازشان را طولانی تر از شما به جای آورند و بیشتر از شما روزه بگیرند ؛ چرا که [در این صورت ،] شما پروای خدا را بیشتر از آنان دارید و نسبت به زمامداران ، خیرخواه ترید .

الإمام الصادق عليه السلام: إَحْفَظُوا فِيْنَا مَا حَفِظَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ فِي الْيَتِيمِينَ ، وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا . (1)

8 / 3 عَنَّاوِينُ حُقُوقِهِمْ 8 / 3 _ 1 الْمَوَدَّةُ الْكِتَابُ «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْبًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» . (2)

ك «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» . (3)

«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» . (4)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْأَنْصَارَ جَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّا كُنَّا ضَالًّا فَهَدَانَا اللَّهُ بِكَ، وَعَيْلَةً فَأَغْنَانَا اللَّهُ بِكَ، فَاسْأَلْنَا مِنْ أَمْوَالِنَا مَا شِئْتَ فَهُوَ لَكَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». ثُمَّ رَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَبَكَى حَتَّى اخْضَلَّتْ لِحْيَتُهُ وَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا . (5)

1- .الأمالى للطوسى : ص 273 ح 514 ، كشف الغمّة : ج 2 ص 374 كلاهما عن البرذون بن شبيب ، بحار الأنوار : ج 27 ص 203 ح 4 .

2- .الشورى : 23 .

3- .سبأ : 47 .

4- .الفرقان : 57 .

5- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 67 ، تفسير القمي : ج 2 ص 275 عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 23 ص 238 ح 5 ؛ المعجم الكبير : ج 12 ص 26 ح 12384 ، المعجم الأوسط : ج 6 ص 49 ح 5758 كلاهما عن ابن عباس ، الدر المنثور : ج 7 ص 348 نقلاً عن ابن مردويه عن سعيد بن جبیر وكلها نحوه .

8 / 3 عناوین حقوق اهل بیت علیهم السلام**8 / 3 - 1 دوستی**

امام صادق علیه السلام: در باره ما همان چیزی را نگهداری کنید که آن بنده شایسته (خضر علیه السلام) برای آن دو کودک یتیم _ که پدرشان مردی صالح بود _ نگهداری کرد .

8 / 3 عناوین حقوق اهل بیت علیهم السلام 8 / 3 - 1 دوستیقرآن (بگو: من به ازای آن [رسالت]، از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی کردن با خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد، برای او در ثواب آن، خواهیم افزود . قطعاً خدا آمرزنده و قدردان است) .

«بگو: هر مزدی که از شما خواستم، از آن خودتان است. مزد من، جز بر خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است».

«بگو: برای این [رسالت]، مزدی از شما نمی خواهم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد».

حدیث امام صادق علیه السلام: انصار، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا! ما مردمی گم راه بودیم و خداوند به واسطه تو ما را راه نمایی کرد و تنگ دست بودیم و خدا به برکت وجود تو توانگرمان ساخت . بنا بر این ، از دارایی های ما هر چه می خواهی ، از ما بخواه تا به تو بدهیم . پس خداوند عز و جل این آیه را فر فرستاد : «بگو : من به ازای آن، از شما مزدی نمی خواهم ، مگر دوستی کردن با خویشاوندان» . در این هنگام، امام صادق علیه السلام دستش را به طرف آسمان بالا برد و چندان گریست که محاسنش تر شد و فرمود : «سپاس، خدای را که به ما برتری بخشید» .

صحيح البخاري عن ابن عباسٍ في قولِ الله عز و جل : «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» _ قَالَ سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ : قُرْبَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (1)

فضائل الصحابة لابن حنبل عن ابن عباس : لَمَّا نَزَلَتْ : «قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ أَجْرٌ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» قالوا : يا رسول الله ، مَنْ قَرَابَتِكَ هؤُلاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ ؟ قَالَ : عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَابْنَاهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . (2)

الدر المنثور عن ابن عباس : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ أَجْرٌ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» أَنْ تَحْفَظُونِي فِي أَهْلِ بَيْتِي وَتَوَدُّوهُمْ بِي . (3)

حلية الأولياء عن جابر : جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، إِعْرِضْ عَلَيَّ الْإِسْلَامَ ، فَقَالَ : تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ . قَالَ : تَسْأَلُنِي عَلَيْهِ أَجْرًا ؟ قَالَ : لَا ، إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى . قَالَ : قُرْبَايَ أَوْ قُرْبَاكَ ؟ قَالَ : قُرْبَايَ ، قَالَ : هَاتِ أَبَايَعَكَ ، فَعَلَى مَنْ لَا يُحِبُّكَ وَلَا يُحِبُّ قُرْبَاكَ لَعْنَةُ اللَّهِ ، قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : آمِينَ . (4)

-
- 1- .صحيح البخاري : ج 4 ص 1819 ح 4541 ، سنن الترمذي : ج 5 ص 377 ح 3251 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 453 ح 11474 مسند ابن حنبل : ج 1 ص 614 ح 2599 ؛ العمدة : ص 47 ح 35 ، بحار الأنوار : ج 23 ص 250 ح 24 .
 - 2- .فضائل الصحابة لابن حنبل : ج 2 ص 669 ح 1141 ، المعجم الكبير : ج 3 ص 47 ح 2641 ، الكشاف : ج 3 ص 402 ، تفسير الثعلبي : ج 8 ص 37 ؛ مجمع البيان : ج 9 ص 43 نحوه ، بحار الأنوار : ج 23 ص 233 .
 - 3- .الدر المنثور : ج 7 ص 348 نقلاً عن أبي نعيم والديلمي ، مجمع البيان : ج 9 ص 43 نحوه .
 - 4- .حلية الأولياء : ج 3 ص 201 الرقم 242 ، كفاية الطالب : ص 90 ؛ الأمالي للمفيد : ص 152 ح 3 عن عبد الله بن مسعود نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 102 ح 67 .

صحیح البخاری_ به نقل از ابن عباس، در باره آیه شریف: «جز دوستی کردن با خویشاوندان» _ سعید بن جبیر گفت: [مقصود]، خویشاوندان خاندان محمد صلی الله علیه و آله اند.

فضائل الصحابة، ابن حنبل_ به نقل از ابن عباس _ چون آیه: «بگو: من برای این از شما مزدی نمی خواهم، جز دوستی کردن با خویشاوندان» نازل شد، گفتند: ای پیامبر خدا! این خویشاوندان تو که دوستی آنان بر ما واجب گشته است، چه کسانی هستند؟ فرمود: «علی و فاطمه و دو پسر او».

الدر المنثور_ به نقل از ابن عباس _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، جز دوستی کردن با خویشاوندان»، به این است که مرا با اهل بیتم پاس دارید و آنها را به خاطر من دوست بدارید».

حلیة الأولیاء_ به نقل از جابر _ بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد! اسلام را به من بشناسان. پیامبر خدا فرمود: «گواهی می دهی که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست و محمد، بنده و فرستاده اوست». بادیه نشین گفت: برای این کار، مزدی هم از من می خواهی؟ فرمود: «نه»، «مگر دوستی با خویشاوندان». گفت: خویشاوندان خودم، یا خویشاوندان تو؟ فرمود: «خویشاوندان من». بادیه نشین گفت: بیا تا با تو بیعت کنم. لعنت خدا بر کسی که تو و خویشاوندانت را دوست نداشته باشد! پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «آمین».

ينابيع المودة عن ابن عباس: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَقَدْ أُرْسَلَنِي إِلَى حَاجَةٍ - : فَإِنْ أَرَدْتَ حَاجَتَكَ فَأَحِبَّ عَلِيًّا وَذُرِّيَّتَهُ ، فَإِنَّ حُبَّهُمْ فَرَضَ مِنَ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ لِلْعِبَادِ . (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فَلْيَتَمَسَّكَ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَأَهْلِ بَيْتِي . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوُثْقَى الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ ، فَلْيُؤَالِ عَلِيًّا بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُمَا (3) مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ . (4)

الإمام علي عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِحُبِّ آلِ نَبِيِّكُمْ ، فَإِنَّهُ حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَالْمَوْجِبُ عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ ، أَلَا تَرَوْنَ إِلَى قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» . (5)

تاريخ أصبهان عن زاذان عن الإمام علي عليه السلام: فِينَا آلُ حَم ، إِنَّهُ لَا يَحْفَظُ مَوَدَّتَنَا إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ ، ثُمَّ قَرَأَ : «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» . (6)

- 1- .ينابيع المودة: ج 2 ص 292 ح 842 .
- 2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 58 ح 216 عن الحسن بن عبد الله التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 76 ، الصراط المستقيم: ج 1 ص 286 كلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، نهج الإيمان: ص 545 كلها نحوه ، بحار الأنوار: ج 43 ص 270 ح 31 ؛ ينابيع المودة: ج 2 ص 268 ح 761 عن الإمام علي عليه السلام .
- 3- .هكذا في المصدر ، والظاهر أنّ الصواب «يحِبُّهُمْ» .
- 4- .كامل الزيارات: ص 51 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 292 ح 43 ، الأمالي للصدوق: ص 70 ح 37 كلاهما عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، روضة الواعظين: ص 174 كلها نحوه ، بحار الأنوار: ج 43 ص 270 ح 31 ؛ شواهد التنزيل: ج 1 ص 168 ح 177 عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه .
- 5- .غرر الحكم: ج 4 ص 307 ح 6169 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 342 ح 5847 .
- 6- .تاريخ أصبهان: ج 2 ص 134 ح 1309 ، الصواعق المحرقة: ص 170 والحديث مقبول عند المؤلف ، شواهد التنزيل: ج 2 ص 205 ح 838 ، تفسير الألويسي: ج 25 ص 31 كلها عن زاذان ، كنز العمال: ج 2 ص 290 ح 4030 ؛ مجمع البيان: ج 9 ص 43 عن زاذان ، بحار الأنوار: ج 23 ص 230 .

ینابیع المودّة_ به نقل از ابن عبّاس _ پیامبر صلی الله علیه و آله مرا در پی حاجتی فرستاد و فرمود: «اگر به حاجت رسیدی، آن گاه علی و نسل او را دوست بدار؛ زیرا خداوند عز و جلدوست داشتن آنان را بر بندگان واجب نموده است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دوست دارد به دستگیره محکم چنگ زند، به دوستی علی و اهل بیت من چنگ در زند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که می خواهد به دستگیره محکم خداوند _ که خدای متعال در کتاب خود فرموده است _ چنگ در زند، علی بن ابی طالب و حسن و حسین را دوست بدارد؛ زیرا خداوند از فراز عرش، آنان را دوست می دارد .

امام علی علیه السلام: بر شما باد دوست داشتن خاندان پیامبرتان؛ زیرا آن حقّ خدا بر گردن شماست و موجب حقّ شما بر خدا می شود . آیا نمی بینید این سخن خدای متعال را که: «بگو: من در ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی با خویشاوندان» ؟ .

تاریخ أصبهان_ به نقل از زادن _ :امام علی علیه السلام فرمود: «آل حاکم . میم، در میان ماست . دوستی ما را پاس نمی دارد، مگر آن که مؤمن است» . سپس این آیه را خواند: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی با خویشاوندان» .

الإمام عليّ عليه السلام: العُرْوَةُ الوُثْقَى المَوْدَّةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام: خَطَبَ الحَسَنُ بِنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ التَّاسَّ حِينَ قُتِلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَحَمِدَ اللهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ : . . . وَأَنَا مِنْ أَهْلِ البَيْتِ الَّذِي افْتَرَضَ اللهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ ، فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا المَوْدَّةَ فِي القُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» فَاقْتَرَفَ الحَسَنَةَ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ البَيْتِ . (2)

الإمام الحسين عليه السلام_ في قول الله عز وجل : «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا المَوْدَّةَ فِي القُرْبَى» _ : إِنَّ القَرَابَةَ الَّتِي أَمَرَ اللهُ بِصِدْقِهَا وَعَظَمَ مِنْ حَقِّهَا وَجَعَلَ الخَيْرَ فِيهَا ، قَرَابَتَنَا أَهْلَ البَيْتِ الَّذِينَ أَوْجَبَ اللهُ حَقَّنَا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ . (3)

تفسير فرات عن حكيم بن جبير : سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ الحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هَذِهِ الآيَةِ : «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا المَوْدَّةَ فِي القُرْبَى» ، قَالَ : هِيَ قَرَابَتَنَا أَهْلَ البَيْتِ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (4)

تفسير الطبري عن أبي الديلم : لَمَّا جِيءَ بِعَلِيٍّ بْنِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُسِيرًا فَأُقِيمَ عَلَى دَرَجِ دِمَشْقَ ، قَامَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَقَالَ : الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَتَلَكُمُ وَاسْتَأْصَلَكُمُ وَقَطَعَ قُرْبَى (5) الفِتْنَةَ ، فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ بْنُ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَقْرَأْتَ القُرْآنَ ؟ قَالَ : نَعَمْ ، قَالَ : أَقْرَأْتَ آلَ حَم ؟ قَالَ : قَرَأْتُ القُرْآنَ وَلَمْ أَقْرَأْ آلَ حَم ؟ قَالَ : مَا قَرَأْتَ : «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا المَوْدَّةَ فِي القُرْبَى» ؟ قَالَ : وَإِنَّكُمْ لِأَنْتُمْ هُمْ ؟ قَالَ : نَعَمْ . (6)

1- .ينابيع المودة : ج 1 ص 331 ح 2 عن حصين بن مخارق عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ؛ تأويل الآيات الظاهرة : ج 1 ص 439 ح 11 عن زيد بن علي .

2- .المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 189 ح 4802 عن عمر بن عليّ ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 336 ح 2155 عن أبي الطفيل ، مقاتل الطالبين : ص 62 عن زيد بن عليّ بن الحسين بن زيد بن الحسن ، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 16 ص 30 عن هبيرة بن مريم وكلها من دون إسناد إلى الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه ؛ الأمالي للطوسي : ص 270 ح 501 عن أبي الطفيل من دون إسناد إلى الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 43 ص 361 ح 3 .

3- .تأويل الآيات الظاهرة : ج 2 ص 545 ح 9 عن عبد الملك بن عمير ، بحار الأنوار : ج 23 ص 251 ح 27 نقلاً عن كنز جامع الفوائد

4- .تفسير فرات : ص 392 ح 523 ، بحار الأنوار : ج 23 ص 247 ح 17 .

5- .كذا في المصدر ، وفي تفسير ابن كثير : «قرني» ، وفي تفسير الثعلبي والعمدة : «قرن» ، وكلاهما موافق للسياق .

6- .تفسير الطبري : ج 13 الجزء 25 ص 25 ، تفسير ابن كثير : ج 7 ص 188 ، تفسير الثعلبي : ج 8 ص 311 ، تفسير آلوسي : ج 25 ص 31 نحوه ؛ العمدة : ص 51 ح 46 ، بحار الأنوار : ج 23 ص 252 ح 31 .

امام علی علیه السلام: آن دستگیره محکم، دوستی با خاندان محمد صلی الله علیه و آله است.

امام زین العابدین علیه السلام: حسن بن علی علیه السلام پس از کشته شدن علی علیه السلام، برای مردم سخنرانی کرد و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: «... من از خانواده ای هستم که خداوند، دوستی آنان را بر هر مسلمانی فرض کرده است. او تبارک و تعالی به پیامبرش فرمود: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی کردن با خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد، برای او در ثواب آن، خواهیم افزود». انجام دادن نیکی، همان دوستی ما اهل بیت است».

امام حسین علیه السلام در باره آیه شریف: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی با خویشاوندان» _ آن خویشاوندی ای که خداوند به صله [و نگهداشت پیوند آن] فرمان داده و آن را حقّی بزرگ داشته و خوبی را در آن قرار داده، خویشاوندی ما اهل بیت است که خداوند، حقّ ما را بر هر مسلمانی واجب ساخته است.

تفسیر فرات_ به نقل از حکیم بن جبیر _ از امام زین العابدین علیه السلام در باره این آیه: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی با خویشاوندان» پرسیدم. فرمود: «مقصود، خویشاوندی ما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله است».

تفسیر الطبری_ به نقل از ابو دیلم _ هنگامی که علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام را به اسیری آوردند و بر روی پلکان [مسجد] دمشق نگه داشتند، مردی از اهل شام برخاست و گفت: سپاس، خدایی را که شما را بگشت و ریشه تان را بر کند و شاخ فتنه را قطع کرد! علی بن الحسین علیه السلام به او فرمود: «آیا قرآن خوانده ای؟». مرد گفت: آری. فرمود: «آیا آل حاکم را خوانده ای؟». مرد گفت: قرآن خوانده ام؛ اما آل حاکم را نمی خوانم. فرمود: «نخوانده ای»: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی خویشاوندان؟». مرد گفت: شما باید آن خویشاوندان؟ فرمود: «آری».

المحاسن عن سلام بن المستنير: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله تعالى: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»، فقال: هي والله فريضة من الله على العباد لمحمد صلى الله عليه وآله في أهل بيته. (1)

الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» - هُمُ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (2)

عنه عليه السلام في قوله تعالى: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» - الْأَجْرُ الَّذِي هُوَ الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى الَّتِي لَمْ أَسْأَلْكُمْ غَيْرَهَا فَهُوَ لَكُمْ، تَهْتَدُونَ بِهَا وَتَسْعَدُونَ بِهَا، وَتَنْجُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (3)

الكافي عن الفضيل عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: نَظَرَ [أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ] إِلَى النَّاسِ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فَقَالَ: هَكَذَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، إِنَّمَا أَمَرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَنْفِرُوا إِلَيْنَا فَيَعْلَمُونَ وَلَا يَتَّهَمُونَ وَمَوَدَّتْهُمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نُصِرَتْهُمْ. ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «فَأَجْعَلْ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» (4). (5)

-
- 1- المحاسن: ج 1 ص 240 ح 441، دعائم الإسلام: ج 1 ص 68 نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 239 ح 7.
 - 2- الكافي: ج 1 ص 413 ح 7، المحاسن: ج 1 ص 241 ح 443 كلاهما عن عبد الله بن عجلان، بحار الأنوار: ج 23 ص 240 ح 9، وراجع: المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 189 ح 4802.
 - 3- ينابيع المودة: ج 1 ص 316 ح 5 نقلاً عن المناقب؛ الكافي: ج 8 ص 379 ح 574، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 547 ح 14 كلاهما عن جابر نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 253 ح 32.
 - 4- إبراهيم: 37.
 - 5- الكافي: ج 1 ص 392 ح 1، تفسير العياشي: ج 2 ص 234 ح 43 بزيادة «فقال: آل محمد آل محمد، ثم قال: إلينا إلينا» في آخره، بحار الأنوار: ج 68 ص 87 ح 12.

المحاسن_ به نقل از سلام بن مستنیر _ : از امام باقر علیه السلام در باره این سخن خدای متعال : «بگو : من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم ، مگر دوستی با خویشاوندان» پرسیدم . فرمود : «به خدا سوگند، این (دوستی) ، فریضه ای است که خداوند نسبت به اهل بیت محمد بر عهده بندگان نهاده است» .

امام باقر علیه السلام_ در باره آیه : «بگو : من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم ، مگر دوستی با خویشاوندان» _ : «[مقصود ،] امامان علیهم السلام اند» .

امام باقر علیه السلام_ در باره آیه : «بگو : هر مزدی که از شما خواستم ، از آن خودتان» _ : [یعنی :] این مزد _ که دوستی با خویشاوندان است و من جز آن، چیزی از شما نمی خواهم، در حقیقت برای خود شماست ؛ زیرا شما به واسطه آن، هدایت می شوید و به خوش بختی می رسید و در روز قیامت ، از عذاب خدا رهایی می یابید .

الکافی_ به نقل از فضیل _ : امام باقر علیه السلام به مردمی که گرد کعبه طواف می کردند ، نگاه کرد و فرمود : «در زمان جاهلیت [هم] این گونه طواف می کردند . در حقیقت ، مردم مأمورند که گرد آن طواف کنند و سپس به سوی ما بیایند و مراتب ولایت و دوستی خود را به اطلاع ما برسانند و یاری و حمایت خود را به ما اعلام کنند» و آن گاه این آیه : «دل های برخی مردم را به سوی آنان گرایش ده» را قرائت نمود .

الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَاتَ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَطْوَلِ لَيْلَةٍ - إِلَى أَنْ قَالَ: - فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَتَاهُمْ آتٍ لَا يَرُونَهُ وَيَسْمَعُونَ كَلَامَهُ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ... فَانْتُمُ الْأَمَاذَةُ الْمُسْتَوْدَعَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَالطَّاعَةُ الْمَفْرُوضَةُ. (1)

الكافي عن إسماعيل بن عبد الخالق: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ وَأَنَا أَسْمَعُ: أَتَيْتَ الْبَصْرَةَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَدُخُولَهُمْ فِيهِ؟ قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ، وَلَقَدْ فَعَلُوا وَإِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ، فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ. ثُمَّ قَالَ: مَا يَقُولُ أَهْلُ الْبَصْرَةَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهَا لِأَقَارِبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: كَذَبُوا، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِيْنَا خَاصَّةً فِي أَهْلِ الْبَيْتِ فِي عَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ رَبَّمَا يُحِبُّ الرَّجُلَ وَيُبْغِضُ وُلْدَهُ، فَلَيْلَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ حُبًّا مَفْتَرَضًا - أَخَذَهُ مَنْ أَخَذَهُ، وَتَرَكَهُ مَنْ تَرَكَهُ - وَاجِبًا، فَقَالَ: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». (3)

-
- 1- الكافي: ج 1 ص 445 ح 19، الأصول الستة عشر: ص 337 ح 558، بحار الأنوار: ج 22 ص 537 ح 39.
 - 2- الكافي: ج 8 ص 93 ح 66، قرب الإسناد: ص 128 ح 450 نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 236 ح 2.
 - 3- المحاسن: ج 1 ص 240 ح 440 عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 23 ص 239 ح 6.

امام باقر علیه السلام: چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در گذشت، خاندان محمد صلی الله علیه و آله [از شدت تأثر و اندوه]، طولانی ترین شب را گذراندند... در چنان حال و هوایی، ناگهان یکی بر آنان وارد شد که خودش را نمی دیدند؛ اما سخنش را می شنیدند. او گفت: درود و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد...! شما باید آن امانت سپرده شده. دوستی شما [بر مردم] واجب است و اطاعت از شما فریضه.

الکافی_ به نقل از اسماعیل بن عبد الخالق_ شنیدم امام صادق علیه السلام به ابو جعفرِ احوال می فرماید_ و من هم می شنیدم_ که: «به بصره هم رفتی؟»، گفت: آری. فرمود: «استقبال مردم از این قضیه (امامت و ولایت) را چگونه دیدی؟». گفت: به خدا سوگند که شمارِ چنین کسانی، اندک است. کارهایی کرده اند؛ اما اندک است. فرمود: «بر تو باد نوجوانان؛ زیرا این گروه، بیشتر به سوی کارهای خوب می شتابند» و سپس فرمود: «مردم بصره در باره این آیه: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی با خویشاوندان»؟». چه می گویند. گفتم: فدایت شوم! آنها می گویند: این آیه در باره نزدیکان پیامبر خداست. فرمود: «اشتباه می کنند. این آیه در خصوص ما اهل بیت نازل شده است؛ در باره علی و فاطمه و حسن و حسین؛ یعنی: اصحاب کسا علیهم السلام».

امام صادق علیه السلام: گاه انسان به کسی مهر می ورزد؛ اما فرزند او را دشمن می دارد؛ لیکن خداوند عز و جل جز این نخواست که مهرورزی به ما را واجب گرداند که عده ای آن را گرفتند و عده ای رهاش کردند؛ فرموده است: «بگو: من به ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی با خویشاوندان».

الإمام الهادي عليه السلام في الزيارة الجامعة التي يُزارُ بها الأئمة عليهم السلام - بأبي أنتم وأمي ونفسي ، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا ، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَانْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ . (1)

مصباح الزائر في دعاء الندبة: ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ ، فَقُلْتَ : «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» ، وَقُلْتَ : «مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» ، وَقُلْتَ : «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» ، فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ ، وَالْمَسْلَكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ . (2)

8 / 3_ التَّمَسُّكُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَأَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا ، فَمَنْ تَمَسَّكَ بِنَا اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ تَمَسَّكَ بِعِزَّتِي مِنْ بَعْدِي كَانَ مِنَ الْفَائِزِينَ . (4)

- 1- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 100 ح 177 ، وراجع: ص 217 ح 6495 من كتابنا هذا .
- 2- مصباح الزائر: ص 447 ، المزار الكبير: ص 576 نحوه ، الإقبال: ج 1 ص 506 ، بحار الأنوار: ج 102 ص 105 ذيل ح 2 .
- 3- ذخائر العقبى: ص 48 ، الصواعق المحرقة: ص 236 والحديث مقبول عند المؤلف وراجع: ينابيع المودة: ج 2 ص 113 ح 317 و ص 439 ح 209 .
- 4- كفاية الأثر: ص 22 عن ابن عباس و ص 137 عن حذيفة بن اليمان ، بحار الأنوار: ج 36 ص 287 ح 109 .

اشاره

امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه که امامان علیهم السلام را بدان زیارت می کنند _ پدر و مادرم و جانم فدای شما! به واسطه ولایت [و دوستی] شماست که خداوند ، نشانه های دینمان را به ما آموخت و تباهی های دنیای ما را به سامان آورد و به واسطه ولایت [و دوستی] شماست که کلمه [ی توحید] ، کامل گشت و نعمت ، تمام شد و جدایی به اتحاد انجامید و به واسطه ولایت [و دوستی] شماست که طاعت [و عبادات] واجب ، پذیرفته می شود و آن دوستی ای که واجب گشته است ، مخصوص شماست .

مصباح الزائر _ در دعای ندبه _ : آن گاه در کتاب خود ، مُزد محمد _ که درودهایت بر او و خاندانش باد _ را دوستی با خاندان او قرار دادی و فرمودی : «بگو : من به ازای این ، مزدی از شما نمی خواهم ، جز دوستی با خویشاوندان» و نیز فرمودی : «هر مزدی که از شما خواستم ، از آن خودتان است» و باز فرمودی : «برای این از شما مزدی نمی خواهم ، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد» . اینان ، همان راهی هستند که به تو می رسد و همان مسیری هستند که به خشنودی تو می انجامد .

8 / 3 _ 2 تمسك پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من و اهل بیتم ، درختی هستیم که در بهشت است و شاخه های آن در دنیاست . پس هر که به ما چنگ آویزد ، راهی به سوی پروردگارش در پیش گرفته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که پس از من به عترتم تمسك جوید ، از رستگاران است .

عنه صلى الله عليه وآله: الأئمةُ بعدي اثنا عشر، تسعةٌ من صلبِ الحسينِ، ومِنَّا مهديُّ هذه الأمةِ . مَنْ تَمَسَّكَ مِنْ بَعْدِي بِهِمْ فَقَدْ اسْتَمَسَّكَ بِحَبْلِ اللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: تَمَسَّكُوا بِطَاعَةِ أئِمَّتِكُمْ وَلَا تُخَالِفُوهُمْ، فَإِنَّ طَاعَتَهُمْ طَاعَةُ اللَّهِ، وَإِنْ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَةُ اللَّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَيَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَيَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي، وَلْيُعَادِ عَادُوهُ، وَلْيَأْتَمَّ بِالْأئِمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ، فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَاءِي، وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي، وَسَادَةُ أُمَّتِي، وَقَادَةُ الْأَتْقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ، حَزْبُهُمْ حِزْبِي وَحِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ، وَحِزْبُ أَعْدَائِهِمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ . (3)

كفاية الأثر عن أبي ذرٍّ: سَمِعْتُهُ [أَي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَقُولُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَحَبَّكُمْ وَتَمَسَّكَ بِكُمْ فَقَدْ تَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى . (4)

الإمام عليٌّ عليه السلام: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، . . . أَنْتُمْ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، مَنْ تَمَسَّكَ بِهَا اهْتَدَى، وَمَنْ تَرَكَهَا ضَلَّ . (5)

1- كفاية الأثر: ص 94 عن عثمان بن عفان عن أبيه، الصراط المستقيم: ج 2 ص 122 عن عمر وليس فيه ذيله نحوه، بحار الأنوار: ج 36 ص 317 ح 166 .

2- المعجم الكبير: ج 22 ص 374 ح 935 و 936، الإصابة: ج 7 ص 293 الرقم 10482، السنّة لابن أبي عاصم: ص 499 ح 1080، تاريخ دمشق: ج 26 ص 91 ح 5500، أسد الغابة: ج 6 ص 263 الرقم 6210 كلّها عن أبي ليلى الأشعري، كنز العمال: ج 6 ص 59 ح 14838 .

3- الأمالي للصدوق: ص 70 ح 37، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 292 ح 43، إرشاد القلوب: ص 424، وكلّها عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بشارة المصطفى: ص 15 عن داود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام وفيه «وأحبائي» بدل «وأوصيائي»، روضة الواعظين: ص 174، بحار الأنوار: ج 23 ص 144 ح 100 .

4- كفاية الأثر: ص 71، إرشاد القلوب: ص 415، بحار الأنوار: ج 36 ص 302 ح 140 .

5- الأمالي للمفيد: ص 110 ح 9 عن محمّد بن عبد الله بن عليّ بن الحسين بن زيد بن عليّ بن الحسين عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 23 ص 142 ح 93 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امامان پس از من، دوازده نفرند که نه نفر آنان از پشت حسین هستند و مهدی این امت، از ماست. هر که پس از من به ایشان تمسک جوید، هر آینه به ریسمان خدا چنگ زده است و هر که آنان را ترک گوید، خدا را ترک گفته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به [رشته] فرمان برداری از امامانتان چنگ زنید و از فرمانشان سرپیچی نکنید؛ زیرا اطاعت از آنان، اطاعت از خدا و نافرمانی کردن از آنها، نافرمانی از خداست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دوست دارد بر کشتی نجات بنشیند و به دستگیره محکم، چنگ آویزد و ریسمان استوار خدا را بگیرد، باید پس از من، علی را دوست بدارد و با دشمن او دشمنی کند و امامان هدایتگر از نسل او را به پیشوایی بپذیرد؛ زیرا آنان پس از من، جانشینان و اوصیای من و حجّت خدا بر خلق و سروران امت اند و پرهیزگاران را به سوی بهشت می برند. حزب آنان، حزب من است و حزب من، حزب خداست و حزب دشمنان آنان، حزب شیطان است.

کفایة الأثر_ به نقل از ابو ذر_ : شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام می فرماید: «ای علی! هر که شما را دوست بدارد و به دامن شما چنگ زند، هر آینه به دستگیره محکم چنگ زده است».

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «ای علی! ... شما حجّت خدا بر خلق او و آن دستگیره محکم هستید که هر کس بدان چنگ زند، هدایت می شود و هر که رهانش کند، گم راه می گردد».

عنه عليه السلام: مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقِّ، مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا غَرِقَ . (1)

عنه عليه السلام: أَيْنَ تَذْهَبُونَ وَأَنْتِي تُؤْفَكُونَ، وَالْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ، وَالْآيَاتُ وَاضِحَةٌ، وَالْمَنَارُ مَنْصُوبَةٌ؟! فَأَيْنَ يَتَاهُ بِكُمْ؟! وَكَيْفَ تَعْمَهُونَ وَبَيْنَكُمْ عِترَةٌ نَبِيِّكُمْ، وَهُمْ أَرْمَةٌ الْحَقِّ، وَأَعْلَامُ الدِّينِ، وَالسِّنَّةُ الصِّدْقِ؟! فَأَنْزِلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ، وَرِدْوَهُمْ وَرُودَ الْهَيْمِ الْعِطَاشِ . (2)

عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَةِ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ، الَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِطَاعَتِكُمْ فِيمَا أَطَاعُوا اللَّهَ فِيهِ مِنَ الْمُنتَحِلِينَ الْمُدْعِينَ الْمُقَابِلِينَ إِلَيْنَا، يَتَفَضَّلُونَ بِفَضْلِنَا وَيُجَاحِدُونَ أَمْرَنَا، وَيُنَازِعُونَ حَقَّنَا، وَيُدَافِعُونَ عَنْهُ، فَقَدْ ذَاقُوا وَبَالَ مَا اجْتَرَحُوا، فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا . (3)

عنه عليه السلام: أَنْظَرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ، فَالزَمُوا سَمَتَهُمْ، وَاتَّبِعُوا أَثْرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوَكُمْ مِنْ هُدًى، وَلَنْ يُعِيدُوَكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبَدُوا وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا، وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا . (4)

عنه عليه السلام: لَنَا رَأْيَةٌ الْحَقِّ، مَنْ اسْتَظَلَ بِهَا كُنْتَهُ، وَمَنْ سَبَقَ إِلَيْهَا فَارَ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ، وَمَنْ فَارَقَهَا هَوَى، وَمَنْ تَمَسَّكَ بِهَا نَجَا . (5)

1- الأمامي للطوسي : ص 654 ح 1354 ، كمال الدين : ص 206 ح 20 وفيه «تأخر» بدل «تخلف» ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 206 ، كلها عن خيشمة الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال : ص 627 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام نحوه ، تحف العقول : ص 116 ، بحار الأنوار : ج 27 ص 88 ح 39 .

2- نهج البلاغة : الخطبة 87 ، أعلام الدين : ص 128 وليس فيه «وأعلام الدين» ، عيون الحكم والمواعظ : ص 130 ح 2942 نحوه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 57 ح 36 .

3- وقعة صفين : ص 4 ، الإرشاد : ج 1 ص 259 وفيه «القائلين» بدل «المقابلين» كما في بعض نسخ وقعة صفين ، الأمامي للمفيد : ص 127 ح 5 عن عبد الرحمن بن عبيد بن الكنود ، بحار الأنوار : ج 32 ص 351 ح 334 ، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 3 ص 103 وفيه «المستحلين» بدل «المنتحلين» .

4- نهج البلاغة : الخطبة 97 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 82 ح 938 .

5- الخصال : ص 633 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 10 ص 111 ح 1 ، وراجع : تفسير فرات : ص 368 ح 499 .

امام علی علیه السلام: هر که به ما چنگ زند، به ساحل نجات می رسد و هر که رهایمان کند، غرق می شود.

امام علی علیه السلام: به کجا می روید و به کدامین سو منحرفتان می کنند، در حالی که علامت ها برپایند و نشانه ها آشکارند و مناره ها برافراشته اند؟! از چه رو، این چنین سرگشته و گم راهید، با این که عترت پیامبرتان _ که زمامداران حق و نشانه های دین و زبان های راستی اند _، در میان شمایند؟! پس آنان را همچون قرآن، حرمت نهید و فرمان برید و به [سرچشمه فیض] آنان در آید، آن گونه که اشتران تشنه کام به آبشخور هجوم می برند.

امام علی علیه السلام: بر شما باد پروا داشتن از خداوند و فرمانبری از کسانی از اهل بیت پیامبرتان که از خدا فرمان می برد؛ همانان که به دلیل اطاعتشان از خدا، سزاوارترند که فرمانشان برید تا از کسانی که به دروغ، خود را به حق منتسب می کنند و دم از آن می زنند و رو در روی ما ایستاده اند و فضایل ما را به خود می بندند و امر ما را انکار می کنند و بر سر غصب حق ما، با ما می ستیزند و ما را از آن کنار می زنند. البته اینان کیفر آنچه را مرتکب شدند، چشیدند و به زودی، کیفر تبهکاری خود را خواهند دید.

امام علی علیه السلام: به اهل بیت پیامبرتان بنگرید و راه و روش آنان را در پیش گیرید و پیرو ایشان باشید؛ زیرا آنان هرگز شما را از راه راست بیرون نمی برند و هیچ گاه به نابودی نمی کشانند. اگر آنها نشستند، شما نیز بنشینید و اگر برخاستند، برخیزید و بر ایشان پیشی نگیرید، که گم راه می شوید، و از آنها عقب نمانید، که به هلاکت می افتید.

امام علی علیه السلام: رایت حق، در دست ماست. هر که در سایه آن در آید، او را پناه می دهد و هر که به سوی آن بشتابد، رستگار می گردد و هر که از آن وا پس ماند، نابود می شود و هر که از آن جدا گردد، [به وادی هلاکت و ضلالت] فرو می افتد و هر که بدان چنگ زند، نجات می یابد.

عنه عليه السلام: مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقِّ ، وَمَنْ سَلَكَ غَيْرَ طَرِيقَتِنَا غَرِقَ . لِمَجِيئِنَا أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ، وَلِمُبْغِضِنَا أَفْوَاجٌ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ . وَطَرِيقُنَا الْقَصْدُ ، وَفِي أَمْرِنَا الرُّشْدُ . (1)

عنه عليه السلام في أوَّلِ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بَعْدَ بَيْعَةِ النَّاسِ لَهُ عَلَى الْأَمْرِ _ : أَلَا إِنَّ أِبْرَارَ عَتْرَتِي وَأَطَائِبِ أَرْوَاطِي أَحْلَمَ النَّاسِ صِدْقًا ، وَأَعْلَمَ النَّاسِ كِبَارًا . أَلَا وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا ، وَبِحُكْمِ اللَّهِ حَكَمْنَا ، وَبِقَوْلِ صَادِقٍ أَخَذْنَا ، فَإِنْ تَتَّبِعُوا آثَارَنَا تَهْتَدُوا بِبَصَائِرِنَا ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا يَهْلِكْكُمْ اللَّهُ بِأَيْدِينَا . مَعَنَا رَايَةُ الْحَقِّ ، مَنْ تَبِعَهَا لِحَقِّ ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا غَرِقَ ، أَلَا وَبِنَا تُدْرِكُ تِرَةٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ ، وَبِنَا تُخْلَعُ رِبْقَةُ الذُّلِّ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ ، وَبِنَا فَتِيحٌ لَا يَكُفُّمْ ، وَبِنَا يُخْتَمُ لَا يَكُفُّمْ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام: أَلْ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي أَمَرْنَا بِالْإِعْتِصَامِ بِهِ ، فَقَالَ : «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (3) . (4)

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى : «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» _ : نَحْنُ الْحَبْلُ . (5)

- 1- الخصال: ص 627 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول: ص 116 ، تفسير فرات: ص 368 ح 499 وفيهما «من أتبع أمرنا» بدل «من تمسك بنا» .
- 2- الإرشاد: ج 1 ص 240 عن أبي عبيدة معمر بن المثنى ، الطرائف: ص 417 نحوه ، بحار الأنوار: ج 32 ص 10 ح 3 ؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 1 ص 276 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، العقد الفريد: ج 3 ص 119 عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه «وان لم تفعلوا يهلككم الله بأيدينا» ، كنز العمال: ج 13 ص 130 ح 36413 نقلاً عن عبد الغني بن سعيد في إيضاح الإشكال عن أبي الزعراء نحوه .
- 3- آل عمران: 103 .
- 4- تفسير العياشي: ج 1 ص 194 ح 123 و ص 102 ح 298 ، بحار الأنوار: ج 24 ص 85 ح 9 ، وراجع: شرح الأخبار: ج 2 ص 265 ح 570 .
- 5- الأمالي للطوسي: ص 272 ح 510 عن عمر بن راشد ، المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 75 عن أبي جعفر الصايغ، مجمع البيان: ج 2 ص 805 عن أبان بن تغلب نحوه ، بحار الأنوار: ج 24 ص 52 ح 5 .

امام علی علیه السلام: هر که به ما چنگ زند، به ساحل نجات می رسد و هر که جز راه ما را بپیماید، غرق می گردد. برای دوستداران ما، فوج هایی از رحمت خداست و برای کینه توزان ما، فوج هایی از خشم خدا. راه ما مستقیم است و امر ما، موجب هدایت و رستگاری است.

امام علی علیه السلام: _ در نخستین سخنرانی اش پس از بیعت مردم با او بر امر خلافت _ بدانید که نیکانِ خاندان من و پاکانِ نژاد من، در خردسالی بردبارترین مردم و در بزرگی، داناترین مردم اند. بدانید ما اهل بیته هستیم که علم ما بر گرفته از علم خداست و به حکم خدا حکم می کنیم و سخن راست را گرفته ایم. پس اگر از ما پیروی کنید، به وسیله بینش های ما، راه را می یابید و اگر چنین نکنید، خداوند با دست های ما، شما را نابود خواهد کرد. رایتِ حق، با ماست. هر که در پی آن حرکت کند، به ساحل نجات می رسد و هر که از آن عقب ماند، غرق می شود. بدانید که به واسطه ما انتقام هر مؤمنی گرفته می شود و به واسطه ما طوقِ خواری از گردن هایشان باز می گردد و با ما آغاز می شود، نه با شما، و با ما پایان می پذیرد، نه با شما.

امام باقر علیه السلام: خاندان محمد علیهم السلام، همان ریسمان خدایند که ما را به چنگ زدن بدان فرمان داده و فرموده است: «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده مشوید».

امام صادق علیه السلام _ در باره آیه: «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید» _ آن ریسمان، ما هستیم.

عنه عليه السلام: ما يَمْنَعُكُمْ إِذَا كَلَّمَكُمُ النَّاسُ أَنْ تَقُولُوا لَهُمْ: ذَهَبْنَا مِنْ حَيْثُ ذَهَبَ اللَّهُ، وَاخْتَرْنَا مِنْ حَيْثُ اخْتَارَ اللَّهُ. إِنَّ اللَّهَ سَدَّ بِحَانَهُ اخْتَارَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاخْتَارَ لَنَا آلَ مُحَمَّدٍ، فَنَحْنُ مُتَمَسِّكُونَ بِالْخَيْرَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (1)

عنه عليه السلام: كَذَّبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَعْرِفُنَا وَهُوَ مُتَمَسِّكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا. (2)

الكافي عن يونس بن عبد الرحمن: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِمِ أَوْحَدُ اللَّهُ؟ فَقَالَ: يَا يُونُسُ، لَا تَكُونَنَّ مُبْتَدِعًا، مَنْ نَظَرَ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَمَنْ تَرَكَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ضَلَّ، وَمَنْ تَرَكَ كِتَابَ اللَّهِ وَقَوْلَ نَبِيِّهِ كَفَرَ. (3)

الإمام الكاظم عليه السلام من كتابه إلى علي بن سويد: إِنَّ أَوَّلَ مَا أَنْهَى إِلَيْكَ أَنِّي أَنْعَى إِلَيْكَ نَفْسِي فِي لِيَالِي هَذِهِ، غَيْرَ جازِعٍ وَلَا نَادِمٍ، وَلَا شاكٍّ فِيمَا هُوَ كَائِنٌ مِمَّا قَدْ قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَتْمَ، فَاسْتَمْسِكْ بِعُرْوَةِ الدِّينِ؛ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى الْوَصِيَّةَ بَعْدَ الْوَصِيِّ، وَالْمُسَالَمَةَ لَهُمْ وَالرِّضَا بِمَا قَالُوا. (4)

تعليق: الأحاديث التي تدل على وجوب التمسك بأهل البيت فوق حد التواتر، منها حديث الثقلين. راجع: ج 9 ص 418 «أهل البيت / الفصل الثالث / عدل القرآن».

- 1- الأماشي للطوسي: ص 227 ح 397، بشارة المصطفى: ص 111 كلاهما عن كليب بن معاوية الصيداوي، بحار الأنوار: ج 27 ص 326 ح 5، وراجع: الكافي: ج 2 ص 212 ح 1.
- 2- معاني الأخبار: ص 399 ح 57 عن إبراهيم بن زياد، صفات الشيعة: ص 82 ح 4 عن المفضل بن عمر وفيه «من شيعتنا» بدل «يعرفنا»، بحار الأنوار: ج 2 ص 83 ح 7.
- 3- الكافي: ج 1 ص 56 ح 10.
- 4- الكافي: ج 8 ص 124 ح 95، قرب الإسناد: ص 333 ح 1235 كلاهما عن علي بن سويد، بحار الأنوار: ج 48 ص 229 ح 34، وراجع: الخرائج والجرائح: ج 1 ص 325 ح 18.

یادداشت

امام صادق علیه السلام: چه مانعی دارد که هر گاه مردم با شما سخن گفتند، به آنها بگویید: ما از همان راهی رفته ایم که خدا رفته است و همان چیزی را برگزیده ایم که خدا برگزیده است. خداوند سبحان، محمد صلی الله علیه و آله را برگزید و ما را خاندان محمد، گزینش نمود. پس ما به برگزیدگان از جانب خدای عز و جل، تمسک جسته ایم.

امام صادق علیه السلام: دروغ می گوید کسی که مدعی است ما را شناخته؛ اما به دستاویز دیگران چنگ آویخته است.

الکافی_ به نقل از یونس بن عبد الرحمان _ : به امام کاظم علیه السلام گفتم: چگونه موحد باشم؟ فرمود: «ای یونس! بدعت گذار مباش. کسی که به رأی خود نظر دهد، هلاک می شود و هر که اهل بیت پیامبرش را رها کند، گم راه می گردد و کسی که کتاب خدا و گفتار پیامبرش را فرو گذارد، کافر می شود».

امام کاظم علیه السلام_ در نامه ای که به علی بن سواد نوشت _ : قبل از هر چیز، لازم است به تو بگویم که من در همین شب ها از دنیا خواهم رفت و از این بابت نه بی تابم و نه نادم، و نه در آنچه خداوند عز و جل حکم کرده و تحقق آن قطعی است، تردید دارم. پس به دستگیره دین _ یعنی: خاندان محمد علیهم السلام _ و به دستگیره استوار _ یعنی: اوصیای آنها _ یکی پس از دیگری چنگ زن و در برابر آنچه گفتند، تسلیم و راضی باش.

یادداشت‌حادثی که بر وجوب تمسک به اهل بیت علیهم السلام دلالت دارند، بیش از حد تواترند، از جمله حدیث ثقلین که در همین مدخل (اهل بیت)، فصل سوم، در عنوان «هم تاي قرآن» گذشت (ر. ک: ج 9 ص 419).

3 / 8_ 3_ الولاية المستدرك على الصحيحين عن زيد بن أرقم: لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَنَزَلَ غَدِيرَ خُمٍّ أَمَرَ بِدَوْحَاتٍ فُقِّمْنَ . . . ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ . ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فَهَذَا وَلِيُّهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَوَرِثَتَهُ الطَّاهِرِينَ، أُنْمَةَ الْهُدَى وَمَصَابِيحَ الدُّجَى مِنْ بَعْدِي، فَإِنَّهُمْ لَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ بَابِ الْهُدَى إِلَى بَابِ الضَّلَالَةِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي، وَيَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنِ الَّتِي وَعَدَهَا اللَّهُ رَبِّي بِيَدِهِ (3)، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَلْيَتَوَلَّ وَلِيَّهُ، وَلْيُعَادِ عَدُوَّهُ، وَلْيَسَلِّمْ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِنَّهُمْ عِزَّتِي مِنْ لَحْمِي وَدَمِي، أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِي وَعِلْمِي. إِلَى اللَّهِ أَشْكُو أَمْرَ أُمَّتِي الْمُنْكَرِينَ لِفَضْلِهِمْ، الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَاتِي. وَايْمُ اللَّهِ لَيَقْتُلَنَّ ابْنِي (4)، لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي. (5)

1- المستدرك على الصحيحين: ج 3 ص 118 ح 4576، السنن الكبرى للنسائي: ج 5 ص 45 ح 8148، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 43 ح 116 عن براء بن عازب نحوه، كنز العمال: ج 13 ص 104 ح 36340؛ كمال الدين: ص 238 ح 55 نحوه وليس فيه ذيله من «اللهم وال»، بحار الأنوار: ج 37 ص 137 ح 25، وراجع: سنن الترمذي: ج 5 ص 633 ح 3713.

2- الأماي للشجري: ج 1 ص 136 عن محمد بن عبد الله عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الأماي للطوسي: ص 493 ح 1079 عن زيد بن أرقم وليس فيه «ورثته الطاهرين» إلى «من بعدي»، الأماي للصدوق: ص 88 ح 60، روضة الواعظين: ص 114 كلاهما عن ابن عباس وليس فيهما ذيله وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 36 ص 269 ح 91؛ مجمع الزوائد: ج 9 ص 137 ح 14639 نقلاً عن الطبراني عن زيد بن أرقم وليس فيه «ورثته الطاهرين» إلى «من بعدي»، كنز العمال: ج 11 ص 611 ح 32960 نقلاً عن مطير والباوردي وابن شاهين وابن مندة عن زياد بن مطرف وفيه «وذريته من بعده» بدل «ورثته الطاهرين أئمة الهدى ومصابيح الدجى بعدي» كلاهما نحوه.

3- أي بقوته وقدرته.

4- المراد بالابن الحسين عليه السلام وربما يُقرأ [ابنِّي] بصيغة التثنية إشارة إلى الحسن والحسين عليهما السلام (مرآة العقول: ج 2 ص 424).

5- الكافي: ج 1 ص 209 ح 5 عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام، كامل الزيارات: ص 146 ح 171 عن سعد الإسكاف عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الأماي للصدوق: ص 88 ح 60، بشارة المصطفى: ص 191 كلاهما عن ابن عباس، الإمامة والتبصرة: ص 172 ح 24 عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 44 ص 259 ح 10.

3 / 8_ 3 ولایتالمستدرک علی الصحیحین_ به نقل از زید بن ارقم_ : چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از حَجَّة الوداع باز گشت و در غدیر خُم فرود آمد ، دستور داد زیر درخت ها را از خار و خاشاک جارو کردند... . سپس فرمود : «همانا خداوند ، مولای من است و من ولیّ هر مؤمنی هستم» . آن گاه دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود : «هر که من ولیّ اویم ، این، ولیّ اوست . بار خدایا! دوستدار او را دوست بدار و دشمنش را دشمن» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که دوست دارد چون من زندگی کند و مانند من بمیرد و به همان بهشتی که پروردگارم مرا وعده داده است ، وارد شود ، پس باید ولایت علی بن ابی طالب و وارثان پاک او را که پس از من، امامان هدایتگر و چراغ های تاریکی ها هستند، بپذیرد ؛ زیرا آنان هرگز شما را از راه راست به کج راهه گم راهی نمی کشانند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که می خواهد چون من زندگی کند و مانند من بمیرد و به بهشت برینی که پروردگارم ، خدای یکتا با دست [قدرت] خود ، آن را نشانده است، وارد شود ، باید ولایت علی بن ابی طالب را بپذیرد و با دوست او دوستی کند و با دشمنش دشمنی ورزد و در برابر اوصیای پس از او، گردن نهد ؛ زیرا آنان عترت من و از گوشت و خون من هستند . خداوند، فهم و دانش مرا به آنان عطا نموده است . به خدا شکر گویم که منم از دست امتم که فضیلت ایشان را منکر می شوند و حرمت خویشاوندی مرا با آنان نگه نمی دارند . به خدا سوگند که اینان دو فرزند مرا می کشند! (1) خدا شفاعتم را شامل حال آنان نکند!

1- . در متن عربی، «اینی (فرزند من)» آمده است، که مقصود، امام حسین علیه السلام است. همین واژه، «اینی (دو فرزندم)» نیز خوانده می شود که در این صورت، اشاره به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است.

عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِّيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - مَنْ سَرَّهٗ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آمِنًا مُطَهَّرًا لَا - يَحْزُنُهُ الْفَرْعُ الْأَكْبَرُ فَلْيَتَوَلَّكَ ، وَلْيَتَوَلَّ بَنِيكَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى ، وَمُحَمَّدًا ، وَعَلِيًّا ، وَالْحَسَنَ ، ثُمَّ الْمَهْدِيِّ وَهُوَ خَاتَمُهُمْ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله فِي الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - يَا بَنَ عَبَّاسٍ ، وَلَا يَتُّهُمْ وَلَا يَتِي وَلَا يَتِي وَلَا يَتِي وَلَا يَتِي اللَّهُ ، وَحَرْبُهُمْ حَرْبِي وَحَرْبُ اللَّهِ (2) ، وَسَلِّمُهُمْ سَلِّمِي وَسَلِّمِي سَلِّمِ اللَّهُ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : وَلَا يَتِي وَلَا يَتِي وَلَا يَتِي أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ مِنَ النَّارِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : مَا بَالُ أَقْوَامٍ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَهُمْ آلُ إِبْرَاهِيمَ فَرِحُوا وَاسْتَبَشَرُوا ، وَإِذَا ذُكِرَ عِنْدَهُمْ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِشْمَازَتْ قُلُوبُهُمْ ؟! وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ ، لَوْ أَنَّ عَبْدًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَمَلٍ سَبْعِينَ نَبِيًّا مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ حَتَّى يَلْقَاهُ بِوَلَايَتِي وَوَلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِي . (5)

1- . الغيبة للطوسي : ص 136 ح 100 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 293 كلاهما عن عيسى بن أحمد بن عيسى بن المنصور عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، الصراط المستقيم : ج 2 ص 151 وفيه «قائهم» بدل «خاتمهم» ، الدرّ النظيم : ص 796 عن أحمد بن عيسى عن المنصور عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 36 ص 258 ح 77 .
2- . وفي نسخة «حزبهم حزبي وحزبي حزب الله» .

3- . كفاية الأثر : ص 18 عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 36 ص 286 ح 107 .

4- . الأملالي للصدوق : ص 560 ح 750 ، بشارة المصطفى : ص 176 بزيادة «براءة و» بعد «أهل بيتي» وكلاهما عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 27 ص 88 ح 35 .

5- . الأملالي للطوسي : ص 140 ح 229 ، بشارة المصطفى : ص 81 و 133 ، الأصول الستة عشر : ص 332 ح 552 كلها عن يونس بن حباب عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، كشف الغمّة : ج 2 ص 10 عن الإمام زين العابدين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 23 ص 221 ح 23 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به علی علیه السلام_ : هر که خوش حال می شود که خدای عز و جل را ایمن و پاك دیدار کند و از آن وحشت بزرگ (قیامت)، اندوهی به دل راه ندهد ، باید ولایت تو و ولایت دو فرزندت حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد و علی و حسن و سرانجام ، مهدی را که آخرین آنهاست ، بپذیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در باره امامان علیهم السلام_ : ای پسر عباس! ولایت آنان، ولایت من است و ولایت من، ولایت خداست . جنگ با آنان، جنگ با من است و جنگ با من، جنگ با خدا . آشتی با آنان، آشتی با من است و آشتی با من، آشتی بودن با خداست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ولایت من و ولایت اهل بیت من ، مایه ایمنی از آتش دوزخ است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عده ای را چه می شود که هر گاه در حضور آنان از خاندان ابراهیم یاد می شود ، خوش حال و شادمان می شوند ؛ اما هر زمان که نزد آنان از خاندان محمد صلی الله علیه و آله نام برده می شود ، ناراحت می شوند؟! سوگند به آن که جان محمد در دست اوست ، اگر در روز قیامت ، بنده ای با عمل هفتاد پیامبر حاضر شود ، خداوند، آنها را از او نپذیرد ، مگر این که با ولایت من و ولایت اهل بیتم خدا را دیدار کند .

الإمام علي عليه السلام: لا يُقاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ، وَلَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا، هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ، وَعِمَادُ الْيَقِينِ، إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْغَالِي، وَبِهِمْ يَلْحَقُ التَّالِي، وَلَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ، وَفِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَالْوَرَاثَةُ. (1)

عنه عليه السلام: لَنَا عَلَى النَّاسِ حَقُّ الطَّاعَةِ وَالْوَلَايَةِ، وَلَهُمْ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ حُسْنُ الْجَزَاءِ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسِ دَعَائِمٍ: إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ. (3)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ طَهَّرَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَسَلَّطَهُمْ (4) أَجْرَ الْمَوَدَّةِ، وَأَجْرَى لَهُمُ الْوَلَايَةَ، وَجَعَلَهُمْ أَوْصِيَاءَهُ وَأَحْبَاءَهُ ثَابِتَةً بَعْدَهُ (5) فِي أُمَّتِهِ، فَاعْتَبِرُوا يَا أَيُّهَا النَّاسُ فِيمَا قُلْتُ، حَيْثُ وَضَعَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ وَوَلَايَتَهُ وَطَاعَتَهُ وَمَوَدَّتَهُ وَاسْتِنْبَاطَ عِلْمِهِ وَحُجْجَهُ، فَإِيَّاهُ فَتَقَبَّلُوا، وَبِهِ فَاسْتَمْسِكُوا، تَنْجُوا بِهِ وَتَكُونُوا لَكُمْ الْحُجَّةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَطَرِيقُ رَبِّكُمْ جَلَّ وَعَزَّ، وَلَا تَصِلْ وَلَايَةٌ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِهِمْ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَهُ وَلَا يُعَذِّبَهُ، وَمَنْ يَأْتِ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ بِغَيْرِ مَا أَمَرَهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ أَنْ يُدَلِّهَ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ. (6)

1- نهج البلاغة: الخطبة 2، المسترشد: ص 399 ح 133 نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 117 ح 32.

2- غرر الحكم: ج 5 ص 129 ح 7628، عيون الحكم والمواعظ: ص 420 ح 7113.

3- الأُمالي للمفيد: ص 353 ح 4، الكافي: ج 2 ص 18 ح 1 نحوه، الخصال: ص 278 ح 21، بشارة المصطفى: ص 69 كلَّها عن أبي حمزة الثمالي، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 151 ح 418 عن زرارة نحوه، بحار الأنوار: ج 68 ص 376 ح 21.

4- في بحار الأنوار نقلاً عن الكافي: «وَجَعَلَ لَهُمْ أَجْرًا...» وهو الأنسب.

5- في بحار الأنوار نقلاً عن الكافي: «وَأَحْبَاءَهُ وَأَيْمَنَهُ فِي أُمَّتِهِ...» وهو الأنسب.

6- الكافي: ج 8 ص 120 ح 92، كمال الدين: ص 219 ح 2 نحوه وكلاهما عن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج 11 ص 50 ح 49.

امام علی علیه السلام: از این ائمت، کسی با خاندان محمد صلی الله علیه و آله سنجیده نمی شود و کسانی که از نعمت آنان برخوردار بودند، با آنها برابر نیستند. آنان (خاندان محمد) بنیاد دین و تکیه گاه یقین اند. تند رونده، به سوی ایشان بر می گردد و وا پس مانده، به آنان ملحق می شود. ویژگی های حق ولایت [و امامت]، در آنهاست و بس، و وصیت و وراثت، منحصر به آنان است.

امام علی علیه السلام: ما را بر عهده مردم، حق فرمانبری و ولایت است و برای این کار، از خداوند سبحان، پاداش نیک خواهند گرفت.

امام باقر علیه السلام: اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز خواندن، زکات دادن، گرفتن روزه ماه رمضان، گزاردن حج خانه خدا و پذیرش ولایت ما اهل بیت.

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل، اهل بیت پیامبر خود را پاك گردانید و مزد رسالت را دوستی با ایشان قرار داد و ولایت را برای آنان مقرر داشت و ایشان را اوصیا و دوستان او قرار داد که پس از وی در میان امتش پایدارند. پس _ ای مردم _ در آنچه گفتم، بیندیشید که خداوند عز و جل، ولایت و طاعت و دوستی خود را در او نهاده و وی را استنباط کننده علمش و حجّت هایش گردانیده است. بنا بر این، فقط او را بپذیرید و تنها به او تمسک جوید تا به واسطه او نجات یابید و در روز قیامت، حجّت داشته باشید. راه پروردگارتان عز و جل، جز به واسطه آنان پیموده نمی شود و هیچ ولایتی جز به واسطه آنان به خدای عز و جل نمی پیوندد. هر که چنین کند، بر خداوند است که او را گرامی بدارد و عذابش نکند و هر که با چیزی جز آنچه خداوند عز و جل بدان فرمان داده، بر او وارد شود، بر خدای عز و جل است که او را خوار گرداند و عذابش کند.

الكافي عن أبي حمزة: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا يَعْبُدُ اللَّهُ مَنْ يَعْرِفُ اللَّهَ، فَأَمَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ فَإِنَّمَا يَعْبُدُهُ هَكَذَا صَدَّ لَوْلَا. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: تَصَدِيقُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَتَصَدِيقُ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمُؤَالَاةُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالِاتِّمَامُ بِهِ وَبِأَيِّمَةِ الْهُدَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَالْبِرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ، هَكَذَا يَعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. (1)

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ دَخَلَ فِي وِلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ دَخَلَ فِي وِلَايَةِ عَدُوِّهِمْ دَخَلَ النَّارَ. (2)

الكافي عن محمد بن عليّ الحلبيّ عن الإمام الصادق عليه السلام في قوله عز وجل: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا» (3) _: يَعْنِي الْوِلَايَةَ، مَنْ دَخَلَ فِي الْوِلَايَةِ دَخَلَ فِي بَيْتِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. وَقَوْلُهُ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (4) يَعْنِي الْأَيِّمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَوَلَايَتَهُمْ، مَنْ دَخَلَ فِيهَا دَخَلَ فِي بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (5)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وِلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ، وَقُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ، عَلَيْهَا يَسْتَدِيرُ مُحْكَمُ الْقُرْآنِ، وَبِهَا نُوَهَتْ الْكُتُبُ وَيَسْتَبِينُ الْإِيمَانُ. وَقَدْ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُقْتَدَى بِالْقُرْآنِ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَذَلِكَ حَيْثُ قَالَ فِي آخِرِ خُطْبَةِ خُطْبَتِهَا: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: الثَّقَلَ الْأَكْبَرَ، وَالثَّقَلَ الْأَصْغَرَ، فَأَمَّا الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ رَبِّي، وَأَمَّا الْأَصْغَرُ فَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَاحْفَظُونِي فِيهِمَا فَلَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا». (6)

- 1- الكافي: ج 1 ص 180 ح 1، تفسير العياشي: ج 2 ص 116 ح 155 نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 57 ح 16.
- 2- تفسير العياشي: ج 2 ص 160 ح 66، تفسير القمي: ج 2 ص 329، بصائر الدرجات: ص 77 ح 5 كلاهما عن أبي حمزة، تفسير فرات: ص 441 ح 583 وفيها «من استقام» بدل «من دخل» و«عليّ عليه السلام» بدل «آل محمد» وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 8 ص 348 ح 7.
- 3- نوح: 28.
- 4- الأحزاب: 33.
- 5- الكافي: ج 1 ص 423 ح 54، تفسير القمي: ج 2 ص 388 نحوه، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 727 ح 1 وفيهما صدره إلى «بيت الأنبياء عليهم السلام»، بحار الأنوار: ج 23 ص 330 ح 12.
- 6- تفسير العياشي: ج 1 ص 5 ح 9 عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج 92 ص 27 ح 29.

الکافی_ به نقل از ابو حمزه _ : امام باقر علیه السلام به من فرمود : « در حقیقت ، خدا را کسی بندگی می کند که خداشناس باشد ؛ اما کسی که خداشناس نیست ، او را این گونه [مانند عامه مردم] ، گم راهانه می پرستند . گفتیم : فدایت شوم ! شناخت خدا به چیست ؟ فرمود : « باور داشتن خدای عز و جل و باور داشتن پیامبر او و پذیرش ولایت علی علیه السلام و پیروی از او و از امامان هدایت علیهم السلام و پناه بردن به خدای عز و جل از دشمنان آنان . این است شناخت خدای عز و جل . » .

امام باقر علیه السلام : هر که به ولایت خاندان محمد در آید ، به بهشت می رود و هر که به ولایت دشمنان آنان در آید ، به دوزخ می رود .

الکافی_ به نقل از محمد بن علی حلبی _ : امام صادق علیه السلام در باره آیه : « پروردگارا ! مرا و پدر و مادرم را و هر کس را که با ایمان وارد خانه من شود ، بیامرزا ! » فرمود : « مقصود ، ولایت است . هر کس به ولایت وارد شود ، به خانه پیامبران علیهم السلام وارد شده است » و در باره آیه : « خداوند خواسته است که پلیدی را تنها از شما اهل بیت بزداید و شما را کاملاً پاکیزه گرداند » فرمود : « مقصود ، امامان علیهم السلام و ولایت آنان است . هر که به این ولایت وارد شود ، به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده است . » .

امام صادق علیه السلام : خداوند ، ولایت ما اهل بیت را محور قرآن و محور همه کتاب ها [ی آسمانی] قرار داد که قرآن استوار ، بر گرد آن می چرخد و به واسطه آن ، همه کتاب ها ارج یافته اند و به واسطه آن ، حقیقت ایمان روشن می شود . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستور داد که به قرآن و خاندان محمد اقتدا شود ، آن گاه که در آخرین خطبه خود فرمود : « من در میان شما ، دو چیز گران سنگ بر جای می نهم : یکی بزرگ تر و دیگری کوچک تر . اما بزرگ تر ، کتاب پروردگار من است و کوچک تر ، عترت یا همان اهل بیت من اند . پس با پاسداشت آن دو مرا پاس بدارید ؛ زیرا تا زمانی که به آن دو ، چنگ زنید ، هرگز گم راه نخواهید شد . » .

الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ تَقَدَّمَ إِلَى وَلَايَتِنَا أُخْرَ عَنْ سَقَرٍ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنَّا تَقَدَّمَ إِلَى سَقَرٍ. (1)

الأمالي للطوسي عن عبد السلام بن صالح الهروي: كُنْتُ مَعَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا دَخَلَ نَيْسَابُورَ، وَهُوَ رَاكِبٌ بَغْلَةً شَهْبَاءَ وَقَدْ خَرَجَ عُلَمَاءُ نَيْسَابُورَ فِي اسْتِقْبَالِهِ، فَلَمَّا سَارَ إِلَى الْمَرْتَعَةِ تَعَلَّقُوا بِلِجَامِ بَعْلَتِهِ وَقَالُوا: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَدِّثْنَا بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، حَدِّثْنَا عَنْ آبَائِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. فَأَخْرَجَ رَأْسَهُ مِنَ الْهُودِجِ وَعَلَيْهِ مَطْرَفٌ (2) خَزُّ فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ الرُّوحَ الْأَمِينُ، أَنَّ اللَّهَ تَدَسَّتْ أَسْمَاؤُهُ وَجَلَّ وَجْهُهُ قَالَ: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، عِبَادِي! فَاعْبُدُونِي، وَلْيَعْلَمْ مَنْ لَقِيَني مِنْكُمْ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا بِهَا أَنَّهُ قَدْ دَخَلَ حِصْنِي، وَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي مِنْ عَذَابِي». قالوا: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَمَا إِخْلَاصُ الشَّهَادَةِ لِلَّهِ؟ قَالَ: «طَاعَةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَوَلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ». (3)

-
- 1- الكافي: ج 1 ص 434 ح 91، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 737 ح 7 كلاهما عن محمد بن الفضيل، مجمع البيان: ج 10 ص 591 عن أبي الفضل نحوه، بحار الأنوار: ج 24 ص 338 ح 59.
- 2- المطرف: بكسر الميم وفتحها وضمها: الثوب الذي في طرفه علمان، والميم زائدة (النهاية: ج 3 ص 121 «طرف»).
- 3- الأمالي للطوسي: ص 589 ح 1220، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 75، أعلام الدين: ص 214، بحار الأنوار: ج 27 ص 134 ح 130 وراجع: التوحيد: ص 24 ح 22، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 134 ح 1.

امام کاظم علیه السلام: هر که به سوی ولایت ما پیش رود، از دوزخ واپس می ماند و هر که از ولایت ما عقب ماند، به سوی دوزخ پیش می رود.

الأمالی، طوسی۔ به نقل از عبد السلام بن صالح هروی۔ زمانی که امام رضا علیه السلام وارد نیشابور شد، من با ایشان بودم. امام علیه السلام بر قاطر خاکستری رنگی سوار بود. علمای نیشابور برای استقبال از ایشان بیرون آمده بودند. چون به جانب مرتعه به راه افتاد، آنان لگام قاطر ایشان را گرفتند و گفتند: ای پسر پیامبر خدا! تو را به حق پدران پاکت برای ما حدیثی بگو. از پدران خویش۔ که درود خدا بر همه آنان باد۔ برایمان حدیثی بگو. در این هنگام، امام علیه السلام سرش را از کجاوه ای که روی آن پارچه ابریشمی نگارین آویخته بود، بیرون آورد و فرمود: «پدرم موسی بن جعفر، از پدرش جعفر بن محمد، از پدرش محمد بن علی، از پدرش علی بن الحسین، از پدرش حسین، سرور جوانان بهشتی، از پدرش امیر مؤمنان، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم حدیث کرد که فرمود: جبرئیل، روح الامین، از جانب خداوند پاک و بزرگ به من خبر داد که فرمود: این منم خدا. معبودی نیست، مگر تنها من. بندگان من! پس مرا بندگی کنید، که هر کس از شما که با شهادت دادن مخلصانه به این که معبودی جز خدای یکتا نیست، مرا دیدار کند، به حصار من وارد می گردد و هر کس به حصار من وارد شود، از عذابم ایمن است». گفتند: ای پسر پیامبر خدا! شهادت دادن مخلصانه به خدا چگونه است؟ فرمود: «به اطاعت از خدا و پیامبر او و ولایت اهل بیتش علیهم السلام».

الإمام الرضا عليه السلام: كَمَالُ الدِّينِ وَلَا يَتُّنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا . (1)

الإمام الهادي عليه السلام_ فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ الَّتِي يُزَارُ بِهَا الْأَيُّمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ _ : وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ ، وَفَارَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَا يَتَّكُمُ غَضَبُ الرَّحْمَنِ . (2)

8 / 3 _ 4 التَّقْدِيمُ رسول الله صلى الله عليه وآله : أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنِّي فَرَطُكُمْ وَأَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ ، أَلَا وَإِنِّي سَائِلُكُمْ عَنِ الثَّقَلَيْنِ ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا ، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ نَبَّأَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَلْقَيَانِي ، وَسَأَلْتُ رَبِّي ذَلِكَ فَأَعْطَانِيهِ ، أَلَا وَإِنِّي قَدْ تَرَكْتُهُمَا فِيكُمْ : كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي ، فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَفَرَّقُوا ، وَلَا تُقْصِرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا ، وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : أَيُّهَا النَّاسُ ! قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ مَفْزَعَكُمْ بَعْدِي وَإِمَامَكُمْ وَدَلِيلَكُمْ وَهَادِيَكُمْ ، وَهُوَ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ، وَهُوَ فِيكُمْ بِمَنْزِلَتِي فِيكُمْ ، فَقَلِّدُوهُ دِينَكُمْ وَأَطِيعُوهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِكُمْ ، فَإِنَّ عِنْدَهُ جَمِيعَ مَا عَلَّمَنِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَحِكْمَتَهُ ، فَسَلِّمُوهُ وَتَعَلَّمُوا مِنْهُ وَمِنْ أَوْصِيَانِهِ بَعْدَهُ ، وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ وَلَا تَتَّقِدْموهُمْ وَلَا تَخْلَفُوا عَنْهُمْ ، فَإِنَّهُمْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقِّ مَعَهُمْ ، لَا يُزَايِلُونَهُ وَلَا يُزَايِلُهُمْ . (4)

1- . مستطرفات السرائر : ص 149 ح 3 ، بحار الأنوار : ج 27 ص 58 ح 19 .

2- . تهذيب الأحكام : ج 6 ص 100 ح 177 ، وراجع : ص 217 ح 6495 من كتابنا هذا .

3- . الإرشاد : ج 1 ص 180 ، تفسير العياشي : ج 1 ص 4 ح 3 نحوه ، بحار الأنوار : ج 22 ص 465 ح 19 .

4- . كمال الدين : ص 277 ح 25 ، الإحتجاج : ج 1 ص 344 ح 56 ، الغيبة للنعماني : ص 71 ح 8 ، التحصين لابن طاووس : ص 634 ح 25 كلُّها عن سُليمان بن قيس ، كتاب سُليمان بن قيس : ج 2 ص 646 ح 11 وفيه «وليتكم» بدل «دليلكم» وكلُّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 149 ح 421 .

8 / 3 - 4 مقدم داشتن

امام رضا علیه السلام: کمال دین، در داشتن ولایت ما و بیزاری جستن از دشمن ماست.

امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه که بدان امامان علیهم السلام را زیارت می کنند - و زمین به نور شما روشن گشت و رستگاران، به واسطه ولایت شما رستگار شدند. به سبب وجود شماست که راه رضوان [الهی] پیموده می شود و خشم خدا بر کسی است که ولایت شما را انکار کند.

8 / 3 - 4 مقدم داشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! من جلوتر از شما می روم و شما در کنار حوض [کوثر]، بر من وارد می شوید. آگاه باشید که من از شما در باره ثقلین خواهم پرسید. پس بنگرید که پس از من با آن دو، چه می کنید؛ زیرا خداوند لطیف خبیر، مرا خبر داد که این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا این که به دیدار من بیایند و من این امر را از پروردگارم خواستم و او خواهش مرا بر آورد. آگاه باشید که من در میان شما این دو را بر جای گذاشته ام: کتاب خدا و عترتم [یعنی] اهل بیتم را. پس، از آنان پیشی نگیرید که پراکنده می شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می شوید و به آنان چیز یاد ندهید؛ زیرا آنان از شما داناترند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! من هشدار دهنده و پیشوا و راه نما و رهبر پس از خود را برای شما مشخص کردم و او برادرم علی بن ابی طالب است. او در میان شما به منزله من در میان شماست. پس در دین خود، از او پیروی کنید و در همه کارهایتان از وی فرمان برید؛ زیرا تمام آنچه را که خداوند - تبارک و تعالی - به من تعلیم داده و حکمت الهی، در نزد اوست. بنا بر این، از او و از اوصیای پس از او پرسید و تعلیم گیرید و به آنان چیز یاد ندهید و بر ایشان پیشی نگیرید و از آنان عقب نمانید؛ چرا که آنان با حق هستند و حق با آنان است. نه آنان از حق جدا می شوند و نه حق از آنان جدا می شود.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَجَعَلَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ . . . فَقَدَّمُوهُمْ وَلَا تَتَقَدَّمُوا عَلَيْهِمْ ، فَإِنَّهُمْ أَحْلَمُكُمْ صِغَارًا وَأَعْلَمُكُمْ كِبَارًا ، فَاتَّبِعُوهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يُدْخِلُونَكُمْ فِي ضَلَالٍ وَلَا يُخْرِجُونَكُمْ مِنْ هُدًى . (1)

الإحتجاج عن عثمان بن حنيف: سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَهْلُ بَيْتِي نُجُومٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ ، فَلَا تَتَقَدَّمُوهُمْ وَقَدَّمُوهُمْ فَهُمْ الْوَلَاةُ بَعْدِي . فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَأَيُّ أَهْلِ بَيْتِكَ؟ فَقَالَ: عَلِيٌّ وَالطَّاهِرُونَ مِنْ وَوَلَدِهِ . (2)

الإمام عليّ عليه السلام_ في خُطْبَةٍ لَهُ فِي رَسُولِ اللَّهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ _ أَرْسَلَهُ بِأَمْرِهِ صَادِعًا (/ نَاطِقًا) ، وَبِذِكْرِهِ نَاطِقًا (/ قَاطِعًا) ، فَأَدَّى أَمِينًا ، وَمَضَى رَشِيدًا ، وَخَلَّفَ فِيْنَا رَايَةَ الْحَقِّ ، مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقَ ، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زَهَقَ ، وَمَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ . (3)

1- الفضائل: ص 130 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 23 ص 144 ح 98 .

2- الإحتجاج: ج 1 ص 198 ح 11 ، اليقين: ص 341 نحوه، بحار الأنوار: ج 28 ص 201 ح 11 .

3- نهج البلاغة: الخطبة 100 ، كمال الدين: ص 654 ح 23 عن عبيد بن كرب نحوه وليس فيه صدره إلى «ومضى رشيدا»، بحار الأنوار: ج 34 ص 215 ح 990 ؛ كنز العمال: ج 14 ص 592 ح 39679 نقلاً عن ابن المنادى عن الاصبغ بن نباته نحوه وليس فيه «صدره» إلى «ومضى رشيدا» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدای متعال، ذریه هر پیامبری را از پشت خود او قرار داده ؛ اما ذریه مرا از پشت علی بن ابی طالب علیه السلام قرار داده است... پس آنان را پیشرو قرار دهید و از ایشان جلو نیفتید ؛ زیرا آنان در خردسالی، بردبارترین شما و در بزرگ سالی، داناترینتان هستند . بنا بر این ، از آنان پیروی کنید ؛ چرا که ایشان شما را به گم راهی نمی کشانند و از راه راست بیرونتان نمی برند .

الاحتجاج_ به نقل از عثمان بن حنیف _ شنیدیم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید : «اهل بیت من ، ستارگان اهل زمین اند . پس ، از آنان جلو نیفتید و ایشان را جلودار خود سازید ؛ چرا که آنان، والیانِ پس از من اند» . مردی برخاست و گفت : ای پیامبر خدا! کدام اهل بیت؟ فرمود : «علی و فرزندان پاک او» .

امام علی علیه السلام_ در سخنانی در باره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او_ خداوند ، او (محمد صلی الله علیه و آله) را فرستاد تا فرمانش را بیان کند و یادش را بر سر زبان ها اندازد ، و او رسالت خود را با امانت ادا کرد و ره یافته و رستگار ، جهان را وداع گفت و پرچم حق را در میان ما گذاشت . هر که از آن پیشی گیرد ، از دین بیرون می رود و هر که از آن وا پس ماند ، هلاک می شود و هر که همراهی آن کند ، [به ساحل رستگاری و نجات] می رسد .

عنه عليه السلام: لَمَّا خَطَبَ أَبُو بَكْرٍ قَامَ إِلَيْهِ أَبِي بَنُ كَعْبٍ ، وَكَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ، فَقَالَ : . . . أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : أَوْصِيكُمْ بِأَهْلِ بَيْتِي خَيْرًا ، فَقَدِّمُوهُمْ وَلَا تَقَدِّمُوهُمْ ، وَأَمِّرُوهُمْ وَلَا تَأْمُرُوا عَلَيْهِمْ . . . فَقَامَتْ إِلَيْهِ رِجَالٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالُوا (لَهُ) : أَقْعُدْ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبُي ، فَقَدَّ أَدَيْتَ مَا سَمِعْتَ وَوَفَيْتَ بَعْدَكَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَوَلَّى آلَ مُحَمَّدٍ وَقَدَّمَهُمْ عَلَى جَمِيعِ النَّاسِ بِمَا قَدَّمَهُمْ مِنْ قَرَابَةِ رَسُولِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لِتَوَلِّيهِ آلَ مُحَمَّدٍ ، لَا أَنَّهُ مِنَ الْقَوْمِ بِأَعْيَانِهِمْ وَإِنَّمَا هُوَ مِنْهُمْ بِتَوَلِّيهِ إِلَيْهِمْ وَاتِّبَاعِهِ إِيَّاهُمْ ، وَكَذَلِكَ حُكْمُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ : «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» (2) وقول إبراهيم عليه السلام : «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (3) . (4)

3 / 8 _ 5الافتداءرسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَمَاتِي ، وَيَسْكُنَ جَنَّةَ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبِّي ، فَلْيُؤَالِ عَلِيًّا مِنْ بَعْدِي وَلْيُؤَالِ وَلِيَّيَّهِ ، وَلْيَقْتَدِ بِالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِي ، فَإِنَّهُمْ عِزَّتِي ، خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي ، رُزِقُوا فَهْمًا وَعِلْمًا ، وَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِي ، الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَاتِي ، لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي . (5)

1- .الاحتجاج : ج 1 ص 297 و 303 ح 52 ، المناقب للكوفي : ج 1 ص 224 و 228 ح 142 كلاهما عن محمد ويحيى ابني عبد الله بن الحسن عن أبيهما عن جدّهما ، اليقين : ص 448 و 452 عن يحيى بن عبد الله بن الحسن عن جدّه عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 29 ص 83 و 89 ح 2 .

2- .المائدة : 51 . .

3- .إبراهيم : 36

4- .تفسير العياشي : ج 2 ص 231 ح 34 عن أبي عمرو الزبيريّ ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 30 نحوه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 35 ح 73 .

5- .حلية الأولياء : ج 1 ص 86 الرقم 4 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 240 ح 8751 ، كنز العمال : ج 12 ص 103 ح 34198 نقلاً عن المعجم الكبير وكلّها عن ابن عبّاس ؛ الأمالي للطوسي : ص 578 ح 1195 عن أبي ذرّ ، الأمالي للصدوق : ص 88 ح 60 عن ابن عبّاس وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 23 ص 139 ح 85 ، وراجع : بصائر الدرجات : ص 48 _ 52 .

امام علی علیه السلام: هنگامی که ابو بکر خطبه [ی خلافت] خواند _ و آن روز، آدینه بود و مصادف با نخستین روز از ماه رمضان _، اَبی بن کعب برخاست و به او گفت: ... آیا نه این که می دانید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شما را در باره اهل بیتم سفارش به نیکی می کنم. آنان را جلو دار خود سازید و بر ایشان پیشی نگیرید و آنان را فرمان روا سازید و بر ایشان فرمان روایی و امارت نکنید...». در این هنگام، گروهی از مردان انصار برخاستند و به اَبی گفتند: رحمت خدا بر تو ای اَبی! بنشین؛ تو آنچه را شنیده بودی، گفتی و به پیمانت وفا کردی.

امام صادق علیه السلام: هر کس ولایت خاندان محمّد را بپذیرد و آنان را به سبب خویشاوندی شان با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر همه مردم مقدّم دارد، چنین کسی از خاندان محمّد است؛ چون ولایت خاندان محمّد را دارد، نه به این معنا که در واقع، جزء این خاندان است؛ بلکه از آنان است به سبب پذیرش ولایتشان و پیروی کردن از آنها. خداوند در کتاب خود، این گونه حکم کرده است، آن جا که فرموده: «و هر کس از شما آنان را به ولایت گیرد، از آنان خواهد بود» و ابراهیم علیه السلام فرمود: «پس هر که از من پیروی کند، بی گمان، او از من است و هر که نافرمانی ام کند، بی گمان، تو آمرزنده مهربانی».

8 / 3 _ 5 پیروی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خوش حال می شود که مانند من زندگی کند و مانند من از دنیا برود و در بهشت برینی که پروردگارم آن را کاشته است، ساکن شود، باید پس از من، علی را دوست بدارد و دوست او را نیز دوست دارد و به امامان پس از من اقتدا کند؛ زیرا آنان عترت من اند، از طینت من آفریده شده اند و فهم و دانش، روزی شده اند. وای بر آن دسته از امتم که فضل و برتری ایشان را انکار کنند و حرمت خویشاوندی من با آنان را نگه ندارند! خدا شفاعتم را نصیب ایشان نکند!

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاةً تُشْبِهُ حَيَاةَ الْأَنْبِيَاءِ، وَيَمُوتَ مِيتَةً تُشْبِهُ مِيتَةَ الشُّهَدَاءِ، وَيَسْكُنَ الْجَنَانَ الَّتِي عَرَسَهَا الرَّحْمَنُ، فَلْيَتَوَلَّ عَلِيًّا وَلِيًّا وَلِيَّهُ وَلِيَقْتَدِ بِالْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِنَّهُمْ عِترَتِي خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي. اللَّهُمَّ ارزُقْهُمْ فَهْمِي وَعِلْمِي، وَوَيْلٌ لِلْمُخَالَفِينَ لَهُمْ مِنْ أُمَّتِي، اللَّهُمَّ لَا تُنَلِّهِمْ شَفَاعَتِي. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أَهْلُ بَيْتِي يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَهُمْ الْأَيِّمَةُ الَّذِينَ يُقْتَدَى بِهِمْ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الرُّوحُ وَالرَّاحَةُ، وَالرَّحْمَةُ وَالنُّصْرَةُ، وَالْيَسْرُ وَالْيَسَارُ، وَالرِّضَا وَالرِّضْوَانُ، وَالْمَخْرَجُ وَالْفَلِجُ (3)، وَالْقُرْبُ وَالْمَحَبَّةُ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ رَسُولِهِ، لِمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَاتَّمَّ بِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ، يَأْتِمُّ بِهِ وَبِأَيِّمَةِ الْهُدَى مِنْ قَبْلِهِ، وَيَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ مِنْ عَدُوِّهِمْ، أَوْلِيكَ رُفْقَانِي وَأَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ. (5)

الأمالي للطوسي عن جابر بن عبد الله الأنصاري: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَا صَلَاةِ الْفَجْرِ، ثُمَّ انْقَلَبَ وَأَقْبَلَ عَلَيْنَا يُحَدِّثُنَا، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ فَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكَ بِالْقَمَرِ، وَمَنْ فَقَدَ الْقَمَرَ فَلْيَتَمَسَّكَ بِالْفَرْقَدَيْنِ. قَالَ: فَقُمْتُ أَنَا وَأَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيُّ وَمَعَنَا أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ الشَّمْسُ؟ قَالَ: أَنَا. فَإِذَا هُوَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَنَا وَجَعَلَنَا بِمَنْزِلَةِ نُجُومِ السَّمَاءِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَإِذَا الشَّمْسُ، فَإِذَا ذَهَبَ بِي فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ. قُلْنَا: فَمَنْ الْقَمَرُ؟ قَالَ: أَخِي وَوَصِيِّ وَوَزِيرِي، وَقَاضِي دِينِي، وَأَبُو لُدَيْ، وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِ عَلِيٍّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ. قُلْنَا: فَمَنْ الْفَرْقَدَانِ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ. ثُمَّ مَكَثَ مَلِيًّا وَقَالَ: فَاطِمَةُ هِيَ الزُّهْرَةُ، وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ، لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. (6)

1- الكافي: ج 1 ص 208 ح 3، الإمامة والتبصرة: ص 174 ح 27، بصائر الدرجات: ص 48 ح 2 نحوه وكلها عن سعد بن طريف عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 23 ص 136 ح 78.

2- النخصال: ص 464 ح 4، الاحتجاج: ج 1 ص 197 ح 8 كلاهما عن خزيمة بن ثابت، اليقين: ص 341 عن أبي بن كعب، بحار الأنوار: ج 28 ص 200 ح 8.

3- الفلج: الفوز والظفر (لسان العرب: ج 2 ص 347 «فلج»).

4- تفسير العياشي: ج 1 ص 169 ح 33، المحاسن: ج 1 ص 237 ح 432 وفيه «واتم به» بدل «واتم بالأوصياء من بعده» وكلاهما عن أبي كلدة عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 23 ص 227 ح 47، وراجع: بشارة المصطفى: ص 21 وبصائر الدرجات: ص 53 ح 1.

5- كمال الدين: ص 286 ح 3 عن سدير عن الإمام الصادق عليه السلام، وح 2 عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الغيبة للطوسي: ص 456 ح 466 عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 51 ص 72 ح 15، وراجع: الخرائج والجرائح: ج 3 ص 1148 ح 57.

6- الأمالي للطوسي: ص 516 ح 1131، العدد القويّة: ص 85 ح 147، الدرّ النظيم: ص 791 كلاهما عن أنس، كفاية الأثر: ص 41، الصراط المستقيم: ج 2 ص 142 كلاهما عن سلمان وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 24 ص 75 ح 11.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دوست دارد مانند پیامبران زندگی کند و مرگی چون مرگ شهیدان داشته باشد و در بهشتی که خدای رحمان کاشته است، ساکن شود، باید از علی پیروی کند و با دوست او دوستی کند و به امامان پس از او اقتدا نماید؛ زیرا آنان عترت من اند و از طینت من آفریده شده اند. بار خدایا! فهم و دانش مرا روزی ایشان فرما! وای بر آن دسته از امت که با آنان مخالفت کنند! بار خدایا! شفاعت مرا شامل حال این مردمان مگردان!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بیت من، حق را از باطل جدا می کنند و هم ایشان اند آن امامانی که باید به آنها اقتدا کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آسایش و آسودگی و رحمت و یاری و توانگری و آسانی و خشنودی و خُرسندی و گشایش و کامیابی و تقرب و دوستی خدا و پیامبر او، برای کسی است که علی را دوست بدارد و به جانشینان او اقتدا کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را درک کند و پیش از قیامش به او اقتدا نماید و از او و از امامان هدایتگر پیش از او پیروی کند و از دشمنان آنان به خدای عز و جل پناه برد و بیزاری جوید! اینان رفیقان من و گرمی ترین افراد امت من در نزد من اند.

الأمالی، طوسی - به نقل از جابر بن عبد الله انصاری - روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز صبح را به جماعت با ما خواند و سپس به طرف ما برگشت و برایمان سخن گفت و فرمود: «ای مردم! هر که خورشید را از دست داد، به دامن ماه چنگ زَد و هر که ماه را از دست داد، به فرقدان (1) تمسک جوید». من و ابو ایوب انصاری و انس بن مالک برخاستیم و گفتیم: ای پیامبر خدا! چه کسی خورشید است؟ فرمود: «من». در این هنگام، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای ما مثلی زد و فرمود: «خدای متعال، ما را آفرید و چونان ستارگان آسمان قرارمان داد که هر گاه ستاره ای غروب کند، ستاره ای دیگر طلوع می کند. پس من خورشید هستم و هر گاه برده شدم، به ماه چنگ زنید». گفتیم: چه کسی ماه است؟ فرمود: «برادر و وصی و وزیرم و ادا کننده دینم و پدر فرزندانم و جانشین من در میان خانواده ام، علی بن ابی طالب». گفتیم: فرقدان کیستند؟ فرمود: «حسن و حسین». پیامبر صلی الله علیه و آله سپس لختی درنگ کرد و آن گاه فرمود: «فاطمه هم [ستاره] زهره است و عترتم، اهل بیتم، با قرآن اند و قرآن با آنان است. از هم جدا نمی شوند تا این که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد شوند».

1- دو ستاره درخشان که به آنها «دو برادران» نیز می گویند.

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى اللَّهِ بِغَيْرِ حِجَابٍ وَيَنْظُرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِغَيْرِ حِجَابٍ، فَلْيَتَوَلَّ آلَ مُحَمَّدٍ، وَلْيَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّهِمْ، وَلْيَأْتَمَّ بِإِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُمْ، فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِغَيْرِ حِجَابٍ وَنَظَرَ إِلَى اللَّهِ بِغَيْرِ حِجَابٍ. (1)

1- .المحاسن : ج 1 ص 133 ح 165 عن بكر بن صالح ، قرب الإسناد : ص 351 ح 1260 عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عن الإمام الباقر عليهما السلام ، الأصول الستة عشر : ص 213 ح 205 عن جابر بن يزيد الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 90 ح 42 .

امام رضا علیه السلام: هر که خوش حال می شود که خدا را بی پرده ببیند و خدا نیز بی پرده به او بنگرد، ولایت خاندان محمد را بپذیرد و از دشمنان آنان بیزاری جوید و از ایشان که پیشوای مؤمنان هستند، پیروی کند. در این صورت، چون روز قیامت شود، خداوند، بی پرده به او می نگرد و او نیز بدون پرده، خدا را مشاهده می کند.

3 / 8_ 6 الإكرام الكتاب «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ». (1)

الحديث تفسير الثعلبي عن أنس بن مالك وبريدة: قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذِهِ الْآيَةَ: «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» إِلَى قَوْلِهِ: «وَالْأَبْصَارُ» (2) فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: أَيُّ بُيُوتِ هَذِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ. قَالَ: فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا؟ _ لَبَّيْتَ عَلَيَّ وَفَاطِمَةَ _ قَالَ: نَعَمْ، مِنْ أَفْضَلِهَا. (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: الْمُكْرِمُ لِذُرِّيَّتِي مِنْ بَعْدِي، وَالْقَاضِي لِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ، وَالسَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَارِهِمْ إِلَيْهِ، وَالْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ. (4)

1- .النور: 36.

2- .النور: 36_ 37.

3- .تفسير الثعلبي: ج 7 ص 107 ح 63، تفسير الآلوسي: ج 18 ص 174، شواهد التنزيل: ج 1 ص 534 ح 568، الدر المنثور: ج 6 ص 203 نقلاً عن ابن مردويه؛ مجمع البيان: ج 7 ص 227 نحوه، بحار الأنوار: ج 36 ص 118 ح 64.

4- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 254 ح 2 عن دعبل بن علي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الأمالي للطوسي: ص 366 ح 779 عن علي بن رزين عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 96 ص 220 ح 1؛ ذخائر العقبى: ص 50 عن الإمام الرضا عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، عيون الأخبار في مناقب الاخيار: ص 29 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، الفصول المهمة لابن الصبَّاح: ص 25، كنز العمال: ج 12 ص 100 ح 34180 وراجع: الأمالي للطوسي: ص 279 ح 535.

8 / 3 - 6 گرامیداشت

8 / 3_6 گرامیداشتقرآن «در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود، در آن خانه ها، هر بامداد و شامگاه، او را نیایش می کنند» .

حدیثتفسیر الثعلبی_ به نقل از انس بن مالک و بُریده _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آیه «در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود...» را تا «... و [آنها] از روزی که دل ها و دیده ها در آن، زیر و رو می شوند، می هراسند» قرائت کرد . مردی برخاست و گفت : ای پیامبر خدا! اینها کدام خانه یند؟ فرمود : «خانه های پیامبران» . ابو بکر برخاست و گفت : ای پیامبر خدا! این خانه (خانه علی و فاطمه) هم جزو آنهاست؟ فرمود : «آری . از بهترین های آنهاست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار نفرند که روز قیامت ، من شفیع آنها خواهم بود : کسی که پس از من، فرزندانم را گرامی بدارد ؛ کسی که نیازهای آنان را برآورده سازد ؛ کسی که وقتی آنان به او محتاج شدند ، در رفع گرفتاری هایشان بکوشد؛ و کسی که با دل و زبان خویش آنان را دوست بدارد .

عنه صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ! عَظِّمُوا أَهْلَ بَيْتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي، وَأَكْرِمُوهُمْ وَفَضِّلُوهُمْ . (1)

الإمام الحسن عليه السلام: أَرْسَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْأَنْصَارِ فَاتَوَّهُ، فَقَالَ لَهُمْ: يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَيُّ لَمَّا بَعْدَهُ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: هَذَا عَلَيَّ، فَأَحْبِبُوهُ بِحَبِّي وَكْرِّمُوهُ لِكِرَامَتِي، فَإِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَنِي بِالَّذِي قُلْتُ لَكُمْ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (2)

الأمالي للصدوق عن ابن عباس: صَدَّ عِدَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَنِيرَ فَحَطَبَ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَقَالَ: ... أَيُّهَا النَّاسُ! ... إِنْ كُمْ مَجْمُوعُونَ وَمُسَاءِلُونَ عَنِ الثَّقَلَيْنِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَحْلِفُونِي فِيهِمَا. إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي، فَمَنْ آذَاهُمْ آذَانِي، وَمَنْ ظَلَمَهُمْ ظَلَمَنِي، وَمَنْ أَدَلَّهُمْ أَدَلَّنِي، وَمَنْ أَعَزَّهُمْ أَعَزَّنِي، وَمَنْ أَكْرَمَهُمْ أَكْرَمَنِي، وَمَنْ نَصَرَهُمْ نَصَرَنِي، وَمَنْ خَذَلَهُمْ خَذَلَنِي . (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا تَقَدَّمَ عَلَى اللَّهِ أُمَّةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْ أُمَّتِي، وَلَا أَهْلُ بَيْتٍ أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَلَا فَاتَّقُوا اللَّهَ فِيهِمْ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ لِلَّهِ تَعَالَى حُرْمَاتٌ ثَلَاثًا، مَنْ حَفِظَهُنَّ حَفِظَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ، وَمَنْ لَمْ يَحْفَظْهُنَّ لَمْ يَحْفَظِ اللَّهُ لَهُ شَيْئًا: حُرْمَةُ الْإِسْلَامِ، وَحُرْمَةُ عِزَّتِي، وَحُرْمَةُ عِزَّتِي . (5)

- 1- الفضائل: ص 135، كتاب سليم بن قيس: ج 2 ص 687 ح 14، إحقاق الحق: ج 5 ص 42 نقلاً عن در بحر المناقب وكلها عن أبي ذرٍّ والمقداد وسلمان عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 75 ص 467 ح 14 وراجع: مشارق أنوار اليقين: ص 192.
- 2- المعجم الكبير: ج 3 ص 88 ح 2749، حلية الأولياء: ج 1 ص 63 الرقم 4 كلاهما عن ابن أبي ليلى؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 13 عن عبد الرحمن بن أبي ليلى نحوه، بحار الأنوار: ج 38 ص 150 ح 121، وراجع: الأمالي للطوسي: ص 223 ح 386 والأمالي للصدوق: ص 564 ح 763.
- 3- الأمالي للصدوق: ص 121 ح 112، التحصين لابن طاووس: ص 599، بشارة المصطفى: ص 17، مشارق أنوار اليقين: ص 53 نحوه، بحار الأنوار: ج 38 ص 94 ح 10.
- 4- جامع الأحاديث للقمي (المسلسلات): ص 261 عن ابن عباس.
- 5- الخصال: ص 146 ح 173 عن أبي سعيد الخدري، روضة الواعظين: ص 297، بحار الأنوار: ج 24 ص 185 ح 2؛ المعجم الأوسط: ج 1 ص 72 ح 203، مقتل الحسين للخوارزمي: ج 2 ص 97، كنز العمال: ج 1 ص 77 ح 308 نقلاً عن المعجم الكبير وابو نعيم وكلها عن أبي سعيد الخدري وفيها «حرمة رحمي» بدل «حرمة عترتي».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! اهل بیت مرا در زمان حیاتم و پس از من بزرگ دارید و به آنان احترام گزارید و برتری شان دهید

امام حسن علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پی انصار فرستاد و آنان نزدش آمدند . پس به آنان فرمود: «ای جماعت انصار! آیا شما را به چیزی راه نمایی نکنم که اگر به دامنش چنگ زنید، پس از آن هرگز گم راه نمی شوید؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «این، علی است. به دوستی من او را دوست بدارید و به احترام من به او احترام نهید؛ زیرا جبرئیل، از جانب خدای عز و جل به من دستور داد که این مطلب را به شما بگویم» .

الأمالی، صدوق_ به نقل از ابن عباس _: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر منبر رفت و برایمان سخنرانی کرد و مردم، جمع شدند . فرمود: «... ای مردم! شما [در روز قیامت] گرد آورده خواهید شد و در باره آن دو گران سنگ (ثقلین) از شما خواهند پرسید . پس مواظب باشید که پس از من با آن دو، چه می کنید . آنان، اهل بیت من اند . هر که ایشان را آزار دهد، مرا آزار داده و هر که به ایشان ستم کند، به من ستم کرده است . هر که ایشان را خوار دارد، مرا خوار داشته و هر که ایشان را عزیز شمرد، مرا عزیز شمرده است . هر که ایشان را گرامی دارد، مرا گرامی داشته و هر که ایشان را یاری دهد، مرا یاری داده و هر که ایشان را تنها گذارد، مرا تنها گذاشته است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، هیچ امتی به پیشگاه خدا وارد نمی شود که نزد او گرامی تر از امت من باشد و نه هیچ خانواده ای که نزد او گرامی تر از خانواده من باشد . هان! پس در باره ایشان از خدا بترسید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال را سه حرمت است که هر کس آنها را ننگه دارد، خداوند، کار دین و دنیای او را حفظ می کند و هر که آنها را ننگه ندارد، خداوند، هیچ چیز او را حفظ نمی کند: حرمت اسلام، حرمت من و حرمت عترتم .

الإمام الباقر عليه السلام: دَعَا رَسُولُ اللَّهِ أَصْحَابَهُ بِمِنَى فَقَالَ: . . . يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ: كِتَابَ اللَّهِ، وَعِزَّتِي، وَالكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ فِي بِلَادِهِ خَمْسُ حُرْمٍ: حُرْمَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَحُرْمَةُ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَحُرْمَةُ كِتَابِ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ، وَحُرْمَةُ كَعْبَةِ اللَّهِ، وَحُرْمَةُ الْمُؤْمِنِ. (2)

عنه عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا حُرْمَاتٍ ثَلَاثًا لَيْسَ مِثْلَهُنَّ شَيْءٌ: كِتَابُهُ وَهُوَ حِكْمٌ تُوْنُورُهُ، وَبَيْتُهُ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلنَّاسِ لَا يُقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ تَوَجُّهًُا إِلَى غَيْرِهِ، وَعِزَّةٌ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (3)

3 / 8_ 7 الخُمْسُ الْكِتَابُ «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمْسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ». (4)

الحديث تفسير الطبري عن ابن الدَّيْلَمِيِّ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ: أَمَا قَرَأْتَ فِي الْأَنْفَالِ: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمْسَهُ وَلِلرَّسُولِ...»؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَإِنَّكُمْ لَأَنْتُمْ هُمْ؟ قَالَ: نَعَمْ. (5)

1- بصائر الدرجات: ص 413 ح 3 عن جابر، مختصر بصائر الدرجات: ص 90 عن جابر بن يزيد الجعفي، بحار الأنوار: ج 23 ص 141 ح 91.

2- الكافي: ج 8 ص 107 ح 82 عن علي بن شجرة، بحار الأنوار: ج 2 ص 186 ح 4.

3- معاني الأخبار: ص 117 ح 1، الأمالي للصدوق: ص 336 ح 456 كلاهما عن عبد الله بن سنان، الخصال: ص 146 ح 174 عن ابن عباس من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، روضة الواعظين: ص 297، بحار الأنوار: ج 24 ص 185 ح 1.

4- الأنفال: 41.

5- تفسير الطبري: ج 6 الجزء 10 ص 5؛ تفسير فرات: ص 154 ح 191 عن ديلم بن عمرو نحوه، بحار الأنوار: ج 96 ص 203 ح

21، وراجع: تفسير الألويسي: ج 25 ص 31.

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مِنا، اصحاب خود را فرا خواند و فرمود: «... ای مردم! من حرمت های خدا را در میان شما بر جای می گذارم: کتاب خدا، عترتم و کعبه _ که خانه امن خداست _» .

امام صادق علیه السلام: خدای عز و جل را در سرزمینش، پنج حرمت است: حرمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، حرمت خاندان پیامبر خدا _ که خدا بر آنان درود فرستد _، حرمت کتاب خدای عز و جل، حرمت کعبه خدا و حرمت مؤمن .

امام صادق علیه السلام: خدای عز و جل را سه حرمت است که هیچ چیز [در حرمت] مانند آنها نیست: کتاب او که آن حکمت و نور اوست؛ خانه او که آن را قبله مردم قرار داده و روی کردن به غیر آن را از هیچ کس نمی پذیرد، و عترت پیامبرتان صلی الله علیه و آله .

8 / 3 _ 7 خُمسقرآن «بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، يك پنجم آن برای خدا و برای پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است» .

حدیثتفسیر الطبری _ به نقل از ابن دیلمی _ :علی بن الحسین (زین العابدین) علیه السلام به مردی از اهل شام فرمود: «آیا در سوره انفال نخوانده ای که: «بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، يك پنجم آن برای خدا و برای پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است؟» . گفت: چرا. آیا شما همانان هستید؟ فرمود: «آری» .

تفسير الطبري عن المنهال بن عمرو: سَأَلْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْخُمْسِ ، فَقَالَ : هُوَ لَنَا ، فَقُلْتُ لِعَلِيِّ : إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ : «وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ» فَقَالَ : يَتَامَانَا وَمَسَاكِينَنَا . (1)

الإمام الباقر عليه السلام في قول الله تعالى : «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ» _ هُمْ قَرَابَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَالْخُمْسُ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلَنَا . (2)

الإمام الكاظم عليه السلام: وَإِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْخُمْسَ خَاصَّةً لَهُمْ [أَي لِأَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ] دُونَ مَسَاكِينِ النَّاسِ وَأَبْنَاءِ سَبِيلِهِمْ ، عَوَضًا لَهُمْ مِنْ صَدَقَاتِ النَّاسِ ، تَنْزِيهَا مِنَ اللَّهِ لَهُمْ لِقَرَابَتِهِمْ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَكَرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَهُمْ عَنِ أَوْسَاخِ النَّاسِ ، فَجَعَلَ لَهُمْ خَاصَّةً مِنْ عِنْدِهِ مَا يُغْنِيهِمْ بِهِ عَنْ أَنْ يُصَيَّرَهُمْ فِي مَوْضِعِ الذُّلِّ وَالْمَسْكَنَةِ . (3)

3 / 8 _ 8 الصَّلَاةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ صَنَعَ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَدَا كَافِيَّتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (4)

- 1- تفسير الطبري : ج 6 الجزء 10 ص 8 ، تفسير الثعلبي : ج 4 ص 361 ، تفسير ابن كثير : ج 4 ص 6 ؛ مجمع البيان : ج 4 ص 837 .
- 2- الكافي : ج 1 ص 539 ح 2 عن محمد بن مسلم ، تفسير العياشي : ج 2 ص 62 ح 56 عن محمد بن الفضيل عن الإمام الرضا عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 96 ص 201 ح 15 ، وراجع : السنن الكبرى : ج 6 ص 480 ذيل ح 12718 .
- 3- الكافي : ج 1 ص 540 ح 4 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 129 ح 366 .
- 4- الكافي : ج 4 ص 60 ح 8 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 110 ح 322 كلاهما عن عيسى بن عبد الله عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 65 ح 1725 ، المحاسن : ج 1 ص 137 ح 175 عن عيسى بن عبد الله العلوي عن أبيه عن جدّه ، عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 26 ص 228 ح 6 ؛ ذخائر العقبى : ص 52 عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ج 12 ص 95 ح 34152 .

8 / 3 - 8 صله دادن

تفسیر الطبری_ به نقل از منہال بن عمرو_ : از عبد اللہ بن محمد بن علی و علی بن الحسین علیہ السلام در باره خمس پرسیدم . فرمود : «آن، متعلق به ماست» . به علی گفتم : [اما] خداوند می فرماید : «و برای یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان» . گفت : «مقصود، یتیمان و بینوایان ماست» .

امام باقر علیہ السلام_ در باره آیه : «و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید ، یک پنجم آن برای خدا و برای پیامبر و...» _ : مقصود ، خویشاوندان پیامبر خداست . خمس، از آن خدا و پیامبر و ماست .

امام کاظم علیہ السلام : خداوند، در حقیقت ، این خمس را مختص آنان (اهل بیت علیہم السلام) قرار داد و نه برای بینوایان و در راه ماندگان سایر مردم ، و این برای آنها به جای صدقات مردم است [که بر سادات حرام گردیده] و برای آن است که خداوند، خواسته است ایشان را به سبب خویشاوندی شان با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از چرک های [اموال] مردم [یعنی : صدقات و زکات] پاک گرداند و بدین وسیله کرامتشان بخشد . از این رو، مال مخصوصی را از جانب خود برای آنان مقرر داشت تا به واسطه آن ، بی نیاز شوند و در معرض خواری و درویشی قرار نگیرند .

8 / 3 _ 8 صله دادن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به یکی از افراد خاندان من احسانی کند ، در روز قیامت، آن را جبران می کنم .

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ التَّوَسُّلَ إِلَيَّ وَأَنْ تَكُونَ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أَشْفَعُ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلْيَصِلْ أَهْلَ بَيْتِي وَيُدْخِلِ السُّرُورَ عَلَيْهِمْ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: فِي صِدْقَةِ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - مَنْ جَفَا وَاحِدًا مِنْكُمْ فَقَدْ جَفَانِي ، وَمَنْ وَصَلَكُمْ فَقَدْ وَصَلَنِي .

(2)

الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَدْعُوا صِدْقَةَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ أَمْوَالِكُمْ ، مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَيَقْدِرُ غِنَاهُ ، وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَيَقْدِرُ فَقْرَهُ ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَقْضِيَ اللَّهُ لَهُ أَهَمَّ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِ ، فَلْيَصِلْ آلَ مُحَمَّدٍ وَشِبَعَتَهُمْ بِأَحْوَجَ مَا يَكُونُ إِلَيْهِ مِنْ مَالِهِ . (3)

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صِدْقَتِنَا فَلْيَصِلْ صَالِحِي مُوَالِينَا ، يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابٌ صِلْتِنَا ، وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيُزِرْ صَالِحِي مُوَالِينَا ،

يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابٌ زِيَارَتِنَا . (4)

تفسير العياشي عن عمر بن مريم: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : « وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ » (5) قَالَ :

مِنْ ذَلِكَ صِلَةُ الرَّحِمِ ، وَغَايَةُ تَأْوِيلِهَا صِلَتُكَ إِيَّانَا . (6)

1- الأمامي للطوسي: ص 424 ح 947 ، الأمامي للصدوق: ص 462 ح 615 كلاهما عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، كشف الغمّة: ج 2 ص 25 عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج 26 ص 227 ح 1 ؛ الفصول المهمّة لابن الصبّاغ: ص 25 ، ينابيع المودّة: ج 2 ص 379 ح 75 نقلاً عن الديلمي في الفردوس وكلاهما عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله .

2- كمال الدين: ص 413 ح 13 عن محمّد بن الفضيل عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 23 ص 97 ح 4 .

3- تحف العقول: ص 514 عن المفضل بن عمر ، بشارة المصطفى: ص 6 عن عمران بن معقل ، بحار الأنوار: ج 96 ص 216 ح 6 .

4- ثواب الأعمال: ص 124 ح 1 ، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 104 ح 181 ، المزار للمفيد: ص 216 ح 1 كلاهما عن عليّ بن عثمان الرازي عن الإمام الكاظم عليه السلام نحوه ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 73 ح 1765 ، كامل الزيارات: ص 528 ح 807 عن عمرو بن عثمان عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 74 ص 354 ح 29 .

5- الرعد: 21 .

6- تفسير العياشي: ج 2 ص 208 ح 30 ، بحار الأنوار: ج 23 ص 268 ح 14 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که می خواهد به من توسل جوید و او را بر من متنی باشد که به واسطه آن، روز قیامت شفاعت من کنم، به خاندانم صله (هدیه) دهد و آنان را شاد سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وصف امامان از نسل امام علی علیه السلام: هر کس به یکی از شما جفا کند، به من جفا کرده و هر کس به شما صله ای (هدیه ای) دهد، به من صله داده است.

امام صادق علیه السلام: صله (هدیه) دادن از اموال خود به خاندان محمد علیهم السلام را فرو مگذارید. هر که داراست، به قدر دارایی اش [صله دهد] و هر که ندارد است، به فراخور ناداری اش. هر که می خواهد خداوند، مهم ترین حاجت هایی را که از خدا می خواهد، برایش برآورده سازد، از مال خود، آنچه را بیشتر از همه مورد نیاز اوست، به خاندان محمد و شیعیان آنان صله دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که قادر نیست به ما صله (هدیه) دهد، به دوستان نیک ما صله دهد که همان ثواب صله دادن به ما برایش نوشته می شود و هر که قادر نیست به زیارت ما بیاید، به زیارت دوستان نیک ما برود که همان ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود.

تفسیر العیاشی: به نقل از عمر بن مریم: از امام صادق علیه السلام در باره آیه: «و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده است، می پیوندند» پرسیدم. فرمود: «از آن جمله است صله رحم و نهایت تأویل آن، صله (هدیه) دادن تو به ماست».

8 / 3 _ الصلاةُ صحيح البخاري عن أبي سعيد الخدري: قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذَا التَّسْلِيمُ، فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ؟ قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ. (1)

صحيح البخاري عن عبد الرحمن بن أبي ليلى: لَقِيَنِي كَعْبُ بْنُ عُجْرَةَ فَقَالَ: أَلَا أَهْدِي لَكَ هَدِيَّةً سَمِعْتُهَا مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَأَدَّاهَا لِي، فَقَالَ: سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلَّمَنَا كَيْفَ نُسَلِّمُ عَلَيْكُمْ. قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، فَقَالَ لَهُ أَبِي: يَا عَبْدَ اللَّهِ، لَا تَبْتَرُهَا، لَا تَظْلِمْنَا حَقَّنَا، قُلْ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ. (3)

-
- 1- .صحيح البخاري: ج 4 ص 1802 ح 4520، صحيح مسلم: ج 1 ص 305 ح 65، سنن الدارمي: ج 1 ص 330 ح 1317 كلاهما عن بشير بن سعد، سنن النسائي: ج 3 ص 49 كَلَّهَا نَحْوَهُ؛ العمدة: ص 48 ح 38، بحار الأنوار: ج 27 ص 259 ح 11.
 - 2- .صحيح البخاري: ج 3 ص 1233 ح 3190، صحيح مسلم: ج 1 ص 305 ح 66، سنن أبي داود: ج 1 ص 257 ح 976، سنن الدارمي: ج 1 ص 329 ح 1316 كَلَّهَا نَحْوَهُ؛ كنز العمال: ج 2 ص 274 ح 3993؛ الأماشي للطوسي: ص 429 ح 958 نحوه، بحار الأنوار: ج 94 ص 48 ح 6.
 - 3- .الكافي: ج 2 ص 495 ح 21، عده الداعي: ص 149 كلاهما عن ابن القدّاح.

8 / 3 - 9 صلوات فرستادن

8 / 3 _ 9 صلوات فرستادن صحیح البخاری_ به نقل از ابو سعید خدری _ گفتیم: ای پیامبر خدا! نحوه سلام گفتن [بر شما] را دانستیم . چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود: «بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» .

صحیح البخاری_ به نقل از عبد الرحمان بن ابی لیلی _ :کعب بن عجره به من بر خورد و گفت: نمی خواهی به تو هدیه ای دهم که آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم؟ گفتم: چرا. پس این را به من هدیه داد که: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدیم: ای پیامبر خدا! بر شما اهل بیت، چگونه صلوات بفرستیم؟ چون نحوه سلام گفتن بر شما را خداوند به ما تعلیم داده است . فرمود: «بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» .

امام صادق علیه السلام: پدرم از مردی که به کعبه آویخته بود، شنید که می گوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ . پدرم به او فرمود: «ای بنده خدا! آن را ناقص مگو و حق ما را ضایع مگردان . بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَمْ يُصَلِّ فِيهَا عَلَيَّ وَلَا عَلَى أَهْلِ بَيْتِي لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ . (1)

الشافعي في ديوانه : يا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ، حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ كِفَاكُمُ مِنَ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ . (2)

8 / 3 _ 10 الذِّكْرُ رسول الله صلى الله عليه وآله : ما مِنْ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ فَضْلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا هَبَّطَتْ عَلَيْهِمُ مَلَائِكَةٌ تَحْفُتُ بِهِمْ ، وَإِذَا تَفَرَّقُوا عَرَجَتْ الْمَلَائِكَةُ إِلَى السَّمَاءِ ، فَتَقُولُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ : إِنَّا نَشْمُ مِنْكُمْ رَائِحَةً لَمْ نَشْمَهَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ ، فَلَمْ نَرِ رَائِحَةً أَطْيَبَ مِنْهَا ! فَيَقُولُونَ : إِنَّا كُنَّا عِنْدَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ فَعَبِقَ فِيْنَا مِنْ رِيحِهِمْ فَعَطَّرْنَا . فَيَقُولُونَ : إهبطوا بنا إليهم ، فيقولون لهم : قد تفرقوا ومضى كلُّ واحدٍ إلى منزله ، فيقولون : إهبطوا إلى المكان الذي كانوا فيه حتَّى نتعطرَ بذلك المكان . (3)

1- .سنن الدارقطني : ج 1 ص 355 ح 6 ، عن أبي مسعود الأنصاري ، الشفا : ج 2 ص 64 عن ابن مسعود ، سبل الهدى والرشاد : ج 11 ص 10 عن أبي مسعود البدرى ؛ تهذيب الأحكام : ج 2 ص 159 ح 625 ، المقنعة : ص 264 كلاهما عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 85 ص 279 .

2- .ديوان الشافعي : ص 68 ، الصواعق المحرقة : ص 148 والكلام موجه عند المؤلف ، نور الأبصار : ص 127 وفيه «الفخر» بدل «القدر» ، سبل الهدى والرشاد : ج 11 ص 11 من دون إسنادٍ إلى الشافعي .

3- .الروضة في فضائل أمير المؤمنين : ص 189 ح 163 ، بحار الأنوار : ج 38 ص 199 ح 7 نقلاً عن الفضائل نحوه وكلاهما عن أم سلمة ؛ ينابيع المودة : ج 2 ص 271 ح 773 عن أم سلمة نحوه .

8 / 3 - 10 یاد کردن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که نمازی بخواند و در آن بر من و اهل بیتم صلوات نفرستد، نمازش پذیرفته نمی شود.

دیوان الشافعی: ای اهل بیت پیامبر خدا! خداوند، دوستی شما را در قرآنی که فرو فرستاده، واجب ساخته است. در عظمت مقام شما همین بس که هر کس بر شما صلوات نفرستد، نمازش درست نیست.

8 / 3 - 10 یاد کردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مردمی نیستند که فضیلت علی بن ابی طالب را یاد کنند، مگر این که فرشتگان، آنها را در میان می گیرند و به انجمن آنان ملحق می شوند و با ایشان همسخن می گردند و چون پراکنده می شوند، فرشتگان به آسمان عروج می کنند. پس فرشتگان دیگر به آنها می گویند: ما از شما رایحه ای استشمام می کنیم که تا کنون آن را از فرشتگان نبویده ایم و از آن خوش بوتر ندیده ایم. آن فرشتگان می گویند: ما نزد جماعتی بودیم که از فضایل محمد و خاندان محمد، سخن می گفتند و ما از رایحه آنان برخوردار شدیم و عطر آگین گشته ایم. آن فرشتگان دیگر می گویند: ما را نیز نزد ایشان فرود آورید. آن فرشتگان می گویند: آنان متفرق گشتند و هر يك از آنها به خانه خویش رفت. آن فرشتگان دیگر می گویند: ما را به آن جایی که اجتماع کرده بودند، فرود آورید تا خود را با [بوی خوش] آن مکان، خوش بوسازیم.

الإمام علي عليه السلام: ذكّرنا أهل البيت شفاءً من العليل والأسقام ووسواس الرّيب . (1)

الإمام الباقر عليه السلام: إنّ ذكرنا من ذكر الله، وذكر عدوّنا من ذكر الشيطان . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إنّ ذكرنا من ذكر الله، إنّا إذا ذكرنا ذكر الله، وإذا ذكر عدوّنا ذكر الشيطان . (3)

عنه عليه السلام_ لداؤد بن سرحان_ : يا داؤدُ، أبلغ موالِيَ عَنِّي السَّلَامَ، وأني أقولُ: رَحِمَ اللهُ عبداً اجتمعَ معَ آخرَ فتدأكرنا أمرنا، فإنّ ثالثَهُما مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا . وما اجتمعَ اثنانِ على ذكْرنا إلا باهى اللهُ تعالى بِهِمَا المَلائِكَةَ، فإذا اجتمعتم فاستغفروا بالذِّكرِ، فإنّ في اجتماعكم ومُذاكرتكم إحياءنا . وخيرُ النَّاسِ مِن بَعْدِنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا ودَعَا إلى ذِكْرِنَا . (4)

عنه عليه السلام: إنّ مِنَ المَلائِكَةِ الَّذِينَ فِي السَّمَاءِ لَيَطَّلِعُونَ عَلَى الواحدِ والاثْنينِ والثَلَاثَةِ وَهُمْ يَذْكُرُونَ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ، فيقولونَ: أما ترونَ إلى هؤلاءِ في قَلْبِهِمْ وَكثرةَ عَدُوِّهِمْ يَصِدُّونَ فَضْلَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟! فَتَقُولُ الطَّائِفَةُ الأُخْرَى مِنَ المَلائِكَةِ: «ذَلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللهُ ذُو الفَضْلِ العَظِيمِ» (5) . (6)

1- الخصال: ص 625 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المحاسن: ج 1 ص 135 ح 171 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، تحف العقول: ص 114 كلّها نحوه، تفسير فرات: ص 367 ح 499، بحار الأنوار: ج 10 ص 104 ح 1، وراجع: التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 585 ح 348 .

2- الكافي: ج 2 ص 496 ح 2 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، عدّة الداعي: ص 241، بحار الأنوار: ج 75 ص 468 ح 20 .

3- الكافي: ج 2 ص 186 ح 1 عن علي بن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج 74 ص 258 ح 55 .

4- الأُمالي للطوسي: ص 224 ح 390، بشارة المصطفى: ص 110 وفيه «إحياء لأمرنا» بدل «إحياءنا» نحوه وكلاهما عن معتب مولى أبي عبد الله عليه السلام، بحار الأنوار: ج 1 ص 200 ح 8 .

5- الجمعة: 4 .

6- الكافي: ج 8 ص 334 ح 521، وج 2 ص 187 ح 4، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 692 ح 2، بحار الأنوار: ج 74 ص 260 ح 58 .

امام علی علیه السلام: یاد ما اهل بیت ، شفابخش بیماری ها و ناخوشی ها و درمانگر وسوسه شك است .

امام باقر علیه السلام: همانا یاد کردن از ما، یاد کردن از خداست و یاد کردن از دشمن ما، یاد کردن از شیطان است .

امام صادق علیه السلام: همانا یاد کردن از ما، یاد کردن از خداست . هر گاه ما یاد شویم ، خدا یاد شده است و هر گاه دشمن ما یاد شود ، شیطان یاد شده است .

امام صادق علیه السلام_ به داوود بن سرحان _: ای داوود! سلام مرا به دوستانم برسان و به آنان ابلاغ کن که من می گویم : رحمت خدا بر آن بنده ای که با دیگری گرد آید و دو نفری در باره قضیه ما گفتگو کنند، که در این حال ، سومین نفر آنان، فرشته ای است که برای آن دو، آموزش می طلبد . هیچ دو نفری گرد هم نیامدند و از ما یاد نکردند ، مگر این که خداوند متعال ، به وجود آنان بر فرشتگان بالید . پس هر گاه گرد هم آمدید ، به ذکر، مشغول شوید ؛ زیرا گردهمایی و مذاکره شما با یکدیگر، موجب زنده شدن ما می شود . بهترین مردم بعد از ما، کسی است که در باره کار ما مذاکره کند و به یاد و نام ما فرا خواند .

امام صادق علیه السلام: برخی از فرشتگان آسمان ، یکی دو سه نفر [از اهل زمین] را می بینند که مشغول سخن گفتن از فضایل خاندان محمد صلی الله علیه و آله هستند . پس می گویند : نمی بینید این عده را که با تعداد اندکشان و داشتن دشمنان فراوان ، از فضایل خاندان محمد صلی الله علیه و آله یاد می کنند؟! گروه دیگری از فرشتگان می گویند : «این، فضل خداست که آن را به هر که بخواهد، عطا می کند و خدا دارای فضل بسیار است» .

3 / 8_ 11 ذِكْرُ الْمَصَائِبِ الْأَمَالِيِّ لِلْمَفِيدِ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ أَحْمَدِ الدَّقَاقِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْأَوْدِيِّ عَنْ مَخُولِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ الْمَنْذَرِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ عَبْدٍ قَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً أَوْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا دَمْعَةً إِلَّا بَوَّأَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا فِي الْجَنَّةِ حُقْبًا. قَالَ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْأَوْدِيُّ: فَرَأَيْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَنَامِ فَقُلْتُ: حَدَّثَنِي مُخَوَّلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ الْمَنْذَرِ عَنْ أَبِيهِ عَنكَ أَنَّكَ قُلْتَ: مَا مِنْ عَبْدٍ قَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً أَوْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا دَمْعَةً إِلَّا بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ حُقْبًا. قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: سَقَطَ الْإِسْنَادُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ. (1)

الأُمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي فَاخْتَةَ: كُنْتُ أَنَا وَأَبُو سَلَمَةَ السَّرَّاجُ وَيُوئُسُ بْنُ يَعْقُوبَ وَالْفَضْلُ بْنُ يَسَارٍ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي أَحْضَرْتُ مَجَالِسَ هَوْلَاءِ الْقَوْمِ فَأَذْكُرُكُمْ فِي نَفْسِي، فَأَيُّ شَيْءٍ أَقُولُ؟ فَقَالَ: يَا حُسَيْنُ، إِذَا حَضَرْتَ مَجَالِسَهُمْ فَقُلْ: اللَّهُمَّ أَرِنَا الرَّخَاءَ وَالسُّرُورَ، فَإِنَّكَ تَأْتِي عَلَيَّ مَا تُرِيدُ. قَالَ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي أَذْكُرُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَيُّ شَيْءٍ أَقُولُ إِذَا ذَكَرْتُهُ؟ فَقَالَ: قُلْ: صَدَّقَ لِي اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، تُكْرِمُهَا ثَلَاثًا. ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا وَقَالَ: إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قُتِلَ بَكَتَ عَلَيْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، وَمَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَمَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ، فَإِنَّهَا لَمْ تَبِكْ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَمَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ الْأَشْيَاءُ الَّتِي لَمْ تَبِكْ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْبَصْرَةُ، وَدِمَشْقُ، وَآلُ الْحَكَمِ بْنِ أَبِي الْعَاصِ. (2)

-
- 1- الأُمَالِيُّ لِلْمَفِيدِ: ص 341 ح 6، الأُمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص 117 ح 181، بَشَارَةُ الْمَصْطَفَى: ص 62، كِلَاهُمَا عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ الْمَنْذَرِ عَنْ أَبِيهِ، كَامِلُ الزِّيَارَاتِ: ص 202 ح 288 عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ الْمَنْذَرِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 44 ص 279 ح 8؛ ذَخَائِرُ الْعَقْبِيِّ: ص 52 عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ الْمَنْذَرِ عَنْ أَبِيهِ نَحْوَهُ.
- 2- الأُمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص 54 ح 73، الْكَافِي: ج 4 ص 575 ح 2، كَامِلُ الزِّيَارَاتِ: ص 362 ح 618 كِلَاهُمَا نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 45 ص 201 ح 3.

3 / 8_ 11 ذکر مصائباً مالی، مفید_ به نقل از عثمان بن احمد دقاق، از جعفر بن محمد بن مالک _ : احمد بن یحیی اودی، از مخول بن ابراهیم، از ربیع بن منذر، از پدرش، نقل کرد که امام حسین علیه السلام فرمود: «هیچ بنده ای نیست که دو چشم او برای ما قطره ای بیفشاند یا دو دیده اش به خاطر ما اشکی بریزد، مگر این که خداوند به سبب آن، او را يك قرن، (1) در بهشت، جای می دهد». احمد بن یحیی اودی گفت: من، حسین بن علی علیه السلام را در خواب دیدم و گفتم: مخول بن ابراهیم، از ربیع بن منذر، از پدرش برایم گفت که شما فرموده اید: «هیچ بنده ای نیست که دو چشم او برای ما قطره ای بیفشاند یا دو دیده اش به خاطر ما اشکی بریزد، مگر این که خداوند به سبب آن، او را يك قرن در بهشت جای می دهد؟». امام صلی الله علیه و آله فرمود: «درست است». گفتم: اینک سند [این حدیث] میان من و شما ساقط گشت [و من آن را بی واسطه از شما شنیدم و از این پس، بدون واسطه از شما روایت می کنم].

الأمالی، طوسی_ به نقل از حسین بن ابی فاخته _ : من و ابو سلمه سراج و یونس بن یعقوب و فضل بن یسار در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم. من گفتم: فدایت شوم! من در مجالس این قوم، حاضر می شوم؛ اما در دلم شما را یاد می کنم. چه ذکری بگویم؟ فرمود: «ای حسین! هر گاه در مجالس آنان حاضر شدی، بگو: خدایا! آسایش و شادمانی را نصیب ما فرما! . در این صورت، تو به آنچه می خواهی، می رسی». گفتم: فدایت شوم! من حسین بن علی علیه السلام را یاد می کنم. در هنگام یاد کردن از او، چه بگویم؟ فرمود: «بگو: صلی الله علیه و آله یا ابا عبد الله. این ذکر را سه بار تکرار کن». امام علیه السلام سپس رو به ما کرد و فرمود: «هنگامی که ابو عبد الله الحسین علیه السلام به قتل رسید، هفت آسمان و هفت زمین و هر آنچه در آنها و در میان آنهاست و همه بهشتیان و دوزخیان و همه موجودات مرئی و نامرئی برای او گریستند، مگر سه چیز که برایش گریه نکردند». گفتم: فدایت شوم! آن سه چیزی که بر او گریه نکردند، کدام اند؟ فرمود: «بصره، دمشق و خاندان حکم بن ابی العاص».

1- در متن عربی حدیث، «حُقب» آمده که به معنای: يك قرن، يك عمر، هشتاد سال یا بیشتر است (ر. ک: منتهی الأرب؛ الطراز المتضمن: ماده «حقب»).

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ دَمَعَتْ عَيْنُهُ فِينَا دَمْعَةً لِدَمِّ سِدِّفِكَ لَنَا، أَوْ حَقَّقَ لَنَا نَقِصْنَاهُ، أَوْ عَرَضَ أُنْثَهَكَ لَنَا أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا، بَوَّأَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا فِي الْجَنَّةِ حُقْبًا. (1)

ثواب الأعمال عن بكر بن محمد الأزدي عن الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَجْلِسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، نَعَمْ. قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحْبَبُهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، إِنَّهُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنَيْهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذُّبَابِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ، حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ. (3)

-
- 1- الأملاني للمفيد: ص 175 ح 5، الأملاني للطوسي: ص 194 ح 330، بشارة المصطفى: ص 105 كلها عن محمد بن أبي عمارة الكوفي، بحار الأنوار: ج 44 ص 279 ح 7.
 - 2- ثواب الأعمال: ص 223 ح 1، مصادقة الإخوان: ص 134 ح 1، قرب الإسناد: ص 36 ح 117، بشارة المصطفى: ص 275، مستطرفات السرائر: ص 125 ح 9 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 44 ص 282 ح 14، وراجع: المحاسن: ج 1 ص 136 ح 174 وكامل الزيارات: ص 207 ح 293.
 - 3- كامل الزيارات: ص 207 ح 296 عن فضيل بن فضالة، بحار الأنوار: ج 44 ص 285 ح 22.

امام صادق علیه السلام: هر کس به خاطر خونی که از ما ریخته شده یا حقی که از ما گرفته شده و یا هتک حرمتی که نسبت به ما یا یکی از شیعیان ما شده، قطره ای اشک بریزد، خداوند متعال، به سبب آن، او را يك قرن در بهشت جای می دهد.

ثواب الأعمال_ به نقل از بکر بن محمد آزدی _ :امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا با هم می نشینید و گفتگو می کنید؟». گفتم: آری، فدایت شوم! فرمود: «من این گونه مجالس را دوست دارم. پس یاد ما را زنده کنید که هر کس از ما یاد کند یا در حضور او از ما یاد شود و به اندازه پر مگسی اشک از دیدگانش بیرون آید، خداوند، گناهان او را می آمرزد، حتی اگر بیشتر از کف دریا باشد».

امام صادق علیه السلام: هر کس در نزد او از ما یاد شود و او بگرید، خداوند، چهره اش را بر آتش حرام می گرداند.

الأمالي للمفيد عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام: نَفَسُ الْمَهْمُومِ لِظُلْمِنَا تَسِيحٌ ، وَهَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ ، وَكَيْتَمَانُ سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِالذَّهَبِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام _ لِمَسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ _ : يَا مَسْمَعُ ، إِنَّ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لَتَبْكِي مُنْذُ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَحْمَةً لَنَا ، وَمَا بَكَى لَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَكْثَرُ ، وَمَا رَفَأَتْ دُمُوعُ الْمَلَائِكَةِ مُنْذُ قُتِلْنَا . وَمَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَلِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ ، فَإِذَا سَأَلَتْ دُمُوعُهُ عَلَى خَدِّهِ فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأَطْفَأَتْ حَرَّهَا حَتَّى لَا يُوَجَدَ لَهَا حَرٌّ . وَإِنَّ الْمَوْجِعَ قَلْبُهُ لَنَا لَيَفْرَحُ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرِحَةً لَا تَرَالُ تِلْكَ الْفَرِحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضُ . (2)

الإمام الرضا عليه السلام : مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا ارْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . وَمَنْ ذَكَرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَأَبَكَى ، لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ . وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرَنَا ، لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ . (3)

بحار الأنوار عن دعبل الخزاعي: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مِثْلِ هَذِهِ الْأَيَّامِ ، فَرَأَيْتُهُ جَالِسًا جَلِيسَةً الْحَزِينِ الْكَثِيبِ وَأَصْحَابُهُ مِنْ حَوْلِهِ ، فَلَمَّا رَأَى مُقْبِلًا قَالَ لِي : مَرَحَبًا بِكَ يَا دَعِبُلُ ، مَرَحَبًا بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ . ثُمَّ إِنَّهُ وَسَّعَ لِي فِي مَجْلِسِهِ وَأَجْلَسَنِي إِلَى جَانِبِهِ . ثُمَّ قَالَ لِي : يَا دَعِبُلُ ، أَحَبُّ أَنْ تُشِدَّ دَنِي شِدَّةً عَرَا ؛ فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامُ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ، وَأَيَّامٌ سَرُورٍ كَانَتْ عَلَى أَعْدَائِنَا خُصُوصًا بَنِي أُمَيَّةَ . يَا دَعِبُلُ ، مَنْ بَكَى وَأَبَكَى عَلَى مُصَابِنَا وَلَوْ وَاحِدًا كَانَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ . يَا دَعِبُلُ ، مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَى مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا أَصَابَنَا مِنْ أَعْدَائِنَا حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا فِي زُمْرَتِنَا . يَا دَعِبُلُ ، مَنْ بَكَى عَلَى مُصَابِ جَدِّي الْحُسَيْنِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ الْبَيْتَةَ . (4)

- 1- الأمالي للمفيد : ص 338 ح 3 ، الكافي : ج 2 ص 226 ح 16 عن عيسى بن أبي منصور نحوه ، الأمالي للطوسي : ص 115 ح 178 ، بشارة المصطفى : ص 257 ، الدرّ النظيم : ص 642 وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج 44 ص 278 ح 4 .
- 2- كامل الزيارات : ص 203 ح 291 ، بحار الأنوار : ج 44 ص 290 ح 31 .
- 3- الأمالي للصدوق : ص 131 ح 119 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 294 ح 48 وليس فيه صدره إلى «يوم القيامة» وكلاهما عن الحسن بن علي بن فضال ، الدعوات : ص 278 ح 806 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه ذيله من «من جلس مجلسا» ، بحار الأنوار : ج 44 ص 278 ح 1 ، وراجع : مكارم الأخلاق : ج 2 ص 93 ح 2663 .
- 4- بحار الأنوار : ج 45 ص 257 ح 15 نقلاً عن بعض مؤلفات المتأخرين ، الدمعة الساكبة : ج 4 ص 173 نقلاً عن كتاب المنتخب في جمع المرثي والخطب .

الأمالی، مفید_ به نقل از ابان بن تغلب _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «نفس کشیدن غم دیده از برای ستمی که بر ما رفته ، تسبیح است و اندوه او به خاطر ما ، عبادت است و پرده پوشی اسرار ما، جهاد در راه خداست» . امام صادق علیه السلام سپس فرمود : «باید این حدیث را با طلا نوشت» .

امام صادق علیه السلام_ خطاب به مسمع بن عبد الملك _ : ای مسمع! از زمانی که امیر مؤمنان علیه السلام کشته شد ، آسمان و زمین ، دلسوزانه برای ما می گریند و فرشتگانی که برای ما گریه می کنند ، بیشترند [از آسمان و زمین] و از زمانی که ما کشته شدیم ، اشک فرشتگان ، نخشکیده است و هیچ کس از روی دلسوزی ، برای ما و به خاطر آنچه بر سر ما آمده است ، نمی گرید ، مگر این که خداوند متعال ، پیش از آن که اشک از دیدگانش بیرون آید ، او را رحمت می کند و چون اشک هایش بر گونه اش جاری گردد ، اگر قطره ای از آن اشک ها در جهنم افتد ، حرارت آن را فرو می نشاند ، چندان که دیگر حرارتی برایش نمی نمازد و کسی که به خاطر [مصائب] ما دلی دردمند داشته باشد ، هنگام مرگش که ما را می بیند ، چنان سُروری به او دست می دهد که تا وقتی در کنار حوض [کوثر] بر ما وارد شود ، آن سُرور همچنان در قلبش باقی است .

امام رضا علیه السلام : هر کس مصیبت ما را به یاد آورد و به خاطر ستم هایی که بر ما رفته است ، بگرید ، روز قیامت ، با ما در يك درجه خواهد بود و هر که یاد مصیبت ما کند و بگرید و بگریاند ، در آن روزی که چشم ها می گریند ، چشم او نمی گرید و هر کس در مجلسی بنشیند که یاد و نام ما در آن زنده می شود ، در آن روزی که دل ها می میرند ، دل او نمی میرد .

بحار الأنوار_ به نقل از دعبل خزاعی _ : در يك چنین روزهایی به خدمت سُرور و مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام رسیدم . دیدم که همچون شخص اندوهگین دل شکسته ای نشسته است و یارانش گرد او جمع اند . چون مرا دید ، فرمود : «خوش آمدی، ای دعبل! خوش آمدی، ای آن که با دست و زیانت یاری مان می کنی» . سپس برایم جا باز کرد و مرا پهلوی خود نشانید و آن گاه فرمود : «ای دعبل! دوست دارم برایم شعری بسرایی ؛ زیرا این روزها، روزهای غم و اندوه ما اهل بیت و ایام شادمانی دشمنان ما ، بویژه بنی امیه بوده است . ای دعبل! هر کس در مصیبت ما بگرید و دیگری را _ و لویک نفر _ بگریاند ، پاداش او با خداست . ای دعبل! هر کس دیدگانش بر مصیبت ما اشک بریزد و به خاطر آنچه از دشمنانمان به ما رسیده است ، بگرید ، خداوند ، او را در زمره ما محشور می نماید . ای دعبل! هر کس برای مصیبت جدّم حسین گریه کند ، خداوند قطعاً گناهان او را می آمرزد» .

الملهوف: رُوِيَ عَنِ آلِ الرَّسُولِ أَنَّهُمْ قَالُوا: مَنْ بَكَى وَأَبَكَى فِينَا مِئَةَ فَلَةٍ الْجَنَّةُ، وَمَنْ بَكَى وَأَبَكَى خَمْسِينَ فَلَةً الْجَنَّةُ، وَمَنْ بَكَى وَأَبَكَى ثَلَاثِينَ فَلَةً الْجَنَّةُ، وَمَنْ بَكَى وَأَبَكَى عَشْرِينَ فَلَةً الْجَنَّةُ، وَمَنْ بَكَى وَأَبَكَى وَاحِدًا فَلَةً الْجَنَّةُ، وَمَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ.

(1)

1- .الملهوف : ص 86 ، بحار الأنوار : ج 44 ص 288 ذيل ح 27 .

الملهوف: از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است که فرموده اند: «هر کس به خاطر ما بگیرد و صد نفر را بگیراند، به بهشت می رود . هر کس بگیرد و پنجاه نفر را بگیراند، به بهشت می رود . هر کس بگیرد و سی نفر را بگیراند، به بهشت می رود . هر کس بگیرد و بیست نفر را بگیراند، به بهشت می رود . هر کس بگیرد و ده نفر را بگیراند، به بهشت می رود . هر کس بگیرد و یک نفر را بگیراند، به بهشت می رود و هر کس وانمود به گریه کردن هم کند، به بهشت می رود» .

الفصل التاسع : حبّ أهل البيت عليهم السّلام 1 / 9 / 1 أفضل حُبِّهم 1 / 9 - 1 أساس الإسلام رسول الله صلى الله عليه وآله : الإسلام عُريَانٌ ، فَلِبَاسُهُ الْحَيَاءُ ، وَزِينَتُهُ الْوَقَارُ ، وَمُرْوَةٌ الْعَمَلُ الصَّالِحُ ، وَعِمَادُهُ الْوَرَعُ . وَلِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ ، وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ . (1)

الإمام عليّ عليه السلام : قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا عَلِيُّ ، إِنَّ الْإِسْلَامَ عُريَانٌ ، لِبَاسُهُ التَّقْوَى ، وَرِيَاشُهُ الْهُدَى ، وَزِينَتُهُ الْحَيَاءُ ، وَعِمَادُهُ الْوَرَعُ ، وَمَلَائِكَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ ، وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي . (2)

1- .الكافي : ج 2 ص 46 ح 2 ، المحاسن : ج 1 ص 445 ح 1031 كلاهما عن مدرك بن عبدالرحمن عن الإمام الصادق عليه السلام كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 364 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الأُمالي للصدوق : ص 341 ح 406 عن مبارك بن عبدالرحمن عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 307 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 68 ص 343 ح 15 .

2- .تاريخ دمشق : ج 43 ص 241 ح 9170 عن عليّ بن حمزة الصوفي عن أبيه عن موسى بن جعفر عن آبائه عليهم السلام ، كنز العمال : ج 13 ص 645 ح 37631 ؛ الدرّ النظيم : ص 320 عن ابن عبّاس نحوه وليس فيه «حُبِّي وَحِبُّ» .

فصل نهم : دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام

9 / 1 فضیلت دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام

9 / 1 - 1 بنیاد اسلام

فصل نهم : دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام 9 / 1 فضیلت دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام 9 / 1 _ بنیاد اسلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اسلام، برهنه است و جامه آن، حیاست و زیورش وقار و مردانگی اش کردار نیک و ستونش پارسایی . هر چیزی، بنیادی دارد و بنیاد اسلام، دوست داشتن ما اهل بیت است .

امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود : «ای علی! اسلام [به منزله پیکری] برهنه است که لباس آن، پرهیزگاری و اثاث خانه اش، هدایت و زیورش حیا و ستونش پارسایی و قوامش کردار نیک است و بنیاد اسلام، دوست داشتن من و دوست داشتن اهل بیت من است» .

الإمام الحسين عليه السلام: لَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنَاسِكَهُ مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ رَكِبَ رَاحِلَتَهُ وَأَنْشَأَ يَقُولُ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ مُسْلِمًا. فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْإِسْلَامُ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْإِسْلَامُ عُرْيَانٌ، لِيَأْسُهُ التَّقْوَى، وَزِينَتُهُ الْحَيَاءُ، وَمِلَاكُهُ الْوَرَعُ، وَجَمَالُهُ (1) الدِّينُ، وَتَمَرُّهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (2)

الإمام علي عليه السلام_ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ يَذْكُرُ فِيهَا آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ هُمْ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، وَوَلَانِيحُ الْإِعْتِصَامِ، بِهِمْ عَادَ الْحَقُّ إِلَى نِصَابِهِ، وَأَنْزَاحَ الْبَاطِلِ عَنْ مَقَامِهِ، وَأَنْتَقَطَعَ لِسَانُهُ عَنْ مَنَبَتِهِ. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ. (4)

عنه عليه السلام: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ، وَالْوَلَايَةِ، وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُوَدِّي بِالْوَلَايَةِ. (5)

راجع: ص 352 (أهل البيت عليهم السلام / الفصل الثامن: حقوق أهل البيت / عناوين حقوقهم / الولاية).

1- كماله (خ ل).

2- الأُمالي للطوسي: ص 84 ح 126، بشارة المصطفى: ص 92 كلاهما عن جابر (بن يزيد) عن الإمام الباقر عن أبيه عليهما السلام، تحف العقول: ص 52 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 27 ص 82 ح 22.

3- نهج البلاغة: الخطبة 239، عيون الحكم والمواعظ: ص 514 ح 9352، بحار الأنوار: ج 26 ص 266 ح 54.

4- الأُمالي للطوسي: ص 296 ح 582 عن جابر بن يزيد الجعفي، بحار الأنوار: ج 78 ص 183 ح 8.

5- الكافي: ج 2 ص 18 ح 3 عن فضيل بن يسار وح 1، المحاسن: ج 1 ص 445 ح 1033 كلاهما عن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج 68 ص 329 ح 1.

امام حسین علیه السلام: چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مناسک حجّة الوداع را به پایان برد، بر اشتر خود سوار شد و شروع به گفتن این جمله کرد: «به بهشت نمی رود، مگر کسی که مسلمان باشد». ابوذر غفاری رحمه الله برخاست و گفت: ای پیامبر خدا! اسلام چیست؟ فرمود: «اسلام، برهنه است و جامه اش پرهیزگاری است و زیورش حیا و قوامش پارسایی و جمالش دینداری و میوه اش کردار نیک. هر چیزی، بنیادی دارد و بنیاد اسلام، دوست داشتن ما اهل بیت است».

امام علی علیه السلام در خطبه ای که در آن از خاندان محمد صلی الله علیه و آله سخن می گوید _ آنان، تکیه گاه های اسلام و پناهگاه های امن اند. به واسطه [پایمردی] ایشان، حق به جایگاه خود بازگشت و باطل از جایش برکنده شد و زبانش از بیخ، قطع گردید.

امام باقر علیه السلام: دوست داشتن ما اهل بیت، نظام دین است.

امام باقر علیه السلام: اسلام بر پنج چیز، بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت، و به هیچ چیزی به اندازه ولایت، فرا خوانده نشده است.

ر. ک: ص 353 (اهل بیت علیهم السلام / فصل هشتم: حقوق اهل بیت علیهم السلام / عناوین حقوق اهل بیت علیهم السلام / ولایت)

9 / 1 _ 2 حُبُّهُمْ حُبُّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ، وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ وَالْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِكَ سَادَةُ أُمَّتِي، مَنْ أَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ وَالَانَا فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَانَا فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَنَا فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانَا فَقَدْ عَصَى اللَّهَ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَأَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. (2)

الإمام الهادي عليه السلام: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ الَّتِي يُزَارُ بِهَا الْأَيُّمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ. (3)

9 / 1 _ 3 حُبُّهُمْ حُبُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ مِنْ نِعَمِهِ، وَأَحِبُّوا نَبِيَّ اللَّهِ، وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي. (4)

-
- 1- .الأمالى للصدوق : ص 563 ح 758 ، بشارة المصطفى : ص 151 كلاهما عن الأصبغ بن نباتة ، بحار الأنوار : ج 27 ص 88 ح 38 ، وراجع : المناقب للكوفي : ج 2 ص 168 ح 647 .
 - 2- .الكافي : ج 8 ص 129 ح 98 عن حفص بن غياث ، تحف العقول : ص 357 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 137 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 226 ح 95 .
 - 3- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 97 ح 177 ، وراجع : ص 217 ح 6495 من كتابنا هذا .
 - 4- .سنن الترمذي : ج 5 ص 664 ح 3789 ، المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 163 ح 4716 ، شعب الإيمان : ج 1 ص 366 ح 408 ، أسد الغابة : ج 2 ص 18 الرقم 1165 كلها عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 12 ص 95 ح 34150 ؛ علل الشرائع : ص 139 ح 1 عن ابن عباس ، بحار الأنوار : ج 27 ص 76 ح 5 نقلاً عن الأمالى للصدوق .

9 / 1 - 2 دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، دوست داشتن خداست**9 / 1 - 3 دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، دوست داشتن پیامبر خدا صلی الله علیه وآله است**

9 / 1_2 دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، دوست داشتن خداست امام علی علیه السلام: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید: «من، سرور فرزندان آدم هستم و تو_ ای علی_ و امامان پس از تو، سروران امت من هستید. هر کس به ما مهر بورزد، به خدا مهر ورزیده است و هر کس با ما کین بورزد، با خدا کینه ورزیده است. هر که ما را به دوستی بگیرد، خدا را به دوستی گرفته و هر کس با ما دشمنی کند، با خدا دشمنی کرده است. هر کس از ما اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و هر که از ما نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است».

امام صادق علیه السلام: هر که [مقام و حق] ما را بشناسد و دوستان بدارد، بی گمان، خدای_ تبارک و تعالی_ را دوست داشته است.

امام هادی علیه السلام_ در زیارت جامعه که امامان علیهم السلام را بدان زیارت می کنند_ هر که با شما دوستی کند، با خدا دوستی کرده و هر که با شما دشمنی کند، با خدا دشمنی نموده است. هر که شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است و هر که شما را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است.

9 / 1_3 دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، دوست داشتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا را به خاطر نعمت هایش که به شما می دهد، دوست بدارید و مرا به خاطر خدا دوست بدارید و اهل بیتم را به خاطر من دوست بدارید.

تاريخ دمشق عن زيد بن أرقم: كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِيسًا، فَمَرَّتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا كَلِيمٌ (1)، وَهِيَ خَارِجَةٌ مِنْ بَيْتِهَا إِلَى حُجْرَةِ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَعَهَا ابْنَاهَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي آثَارِهِمْ، فَنَظَرَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّ هَؤُلَاءِ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنِي. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: أَحِبُّوا اللَّهَ، وَأَحِبُّوا رَسُولَ اللَّهِ لِحُبِّ اللَّهِ، وَأَحِبُّونا لِحُبِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (3)

9 / 1_ 4 هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَسُورَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْإِسْلَامَ فَجَعَلَ لَهُ عَرَصَةً، وَجَعَلَ لَهُ نُورًا، وَجَعَلَ لَهُ حِصْنَ، وَجَعَلَ لَهُ نَاصِرًا، فَأَمَّا عَرَصَةٌ فَالْقُرْآنُ، وَأَمَّا نُورُهُ فَالْحِكْمَةُ، وَأَمَّا حِصْنُهُ فَالْمَعْرُوفُ، وَأَمَّا أَنْصَارُهُ فَأَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي وَشِيعَتُنَا، فَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي وَشِيعَتَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ، فَإِنَّهُ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَنَسَّ بَنِي جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، اسْتَوْدَعَ اللَّهُ حُبِّي وَحُبَّ أَهْلِ بَيْتِي وَشِيعَتِهِمْ فِي قُلُوبِ الْمَلَائِكَةِ، فَهُوَ عِنْدَهُمْ وَدِيعةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ هَبَطَ بِي إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ، فَسَبَّني إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَاسْتَوْدَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حُبِّي وَحُبَّ أَهْلِ بَيْتِي وَشِيعَتِهِمْ فِي قُلُوبِ مُؤْمِنِي أُمَّتِي، فَمُؤْمِنُوا أُمَّتِي يَحْفَظُونَ وَدِيعَتِي فِي أَهْلِ بَيْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (4)

- 1- كتب المصحح (شيري) في هامش المصدر: «كليم» كذا بالأصل وترجمة أهل البيت عليهم السلام من تاريخ دمشق المطبوعة، وكتب محققها [محمدباقر المحمودي] بحاشيتها: والظاهر أن اللفظة فارسية [بالكاف الفارسية]، والمراد منها اللباس الخشن.
- 2- تاريخ دمشق: ج 14 ص 154 ح 3473، كنز العمال: ج 12 ص 103 ح 34194؛ كشف الغمة: ج 2 ص 151، وراجع: سنن ابن ماجة: ج 1 ص 51 ح 143 والأماشي للطوسي: ص 251 ح 446.
- 3- المناقب للكوفي: ج 2 ص 160 ح 637 عن عبيدالله بن محمد بن عمر بن علي بن أبي طالب.
- 4- الكافي: ج 2 ص 46 ح 3، بشارة المصطفى: ص 157 وكلاهما عن عبد العظيم الحسيني عن الإمام الجواد عن أبيه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 68 ص 341 ح 13.

9 / 1 - 4 هدیه ای الهی

تاریخ دمشق_ به نقل از زید بن ارقم_ : در خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودم. فاطمه علیها السلام، در حالی که جامه ای پشمی به تن داشت و از خانه اش بیرون آمده بود و به اتاق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می رفت، از کنار ما گذشت . فرزندان او حسن و حسین علیهما السلام نیز همراهش بودند و علی علیه السلام در پی آنان حرکت می کرد . پیامبر صلی الله علیه و آله نگاهی به ایشان کرد و فرمود : «هر کس اینان را دوست بدارد ، مرا دوست داشته است و هر کس ایشان را دشمن بدارد ، مرا دشمن داشته است» .

امام باقر علیه السلام : خدا را دوست بدارید و پیامبر خدا را به خاطر خدا دوست بدارید و ما را به خاطر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دوست بدارید .

1 / 9 _ 4 هدیه ای الهی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، اسلام را آفرید و برای آن، عرصه ای و نوری و حصاری و یآوری قرار داد . عرصه آن ، قرآن است و نورش حکمت و حصارش نیکی و یاورانش من و اهل بیت من و شیعیان ما هستیم . پس اهل بیت من و شیعیان و یاوران آنان را دوست بدارید ؛ زیرا شبی که مرا به آسمان دنیا بالا بردند و جبرئیل مرا به اهل آسمان معرفی کرد ، خداوند ، محبت مرا و محبت اهل بیت من و شیعیان آنها را در دل های فرشتگان به ودیعت نهاد و این محبت تا روز قیامت در دل های آنان سپرده است . سپس [جبرئیل] ، مرا به سوی زمینیان فرود آورد و مرا به اهل زمین معرفی کرد و خداوند عز و جل محبت مرا و محبت اهل بیت من و شیعیان آنها را در دل های مؤمنان امّتم به ودیعت نهاد . بنا بر این ، مؤمنان امّتم، این ودیعه مرا در باره اهل بیتم تا روز قیامت حفظ می کنند .

الإمام الباقر عليه السلام: إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْحُبَّ الَّذِي تُحِبُّونَا لَيْسَ بِشَيْءٍ صَنَعْتُمُوهُ، وَلَكِنَّ اللَّهَ صَنَعَهُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُنَزِّلُهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ خَزَائِنٍ تَحْتَ الْعَرْشِ كَخَزَائِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَلَا يُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ، وَلَا يُعْطِيهِ إِلَّا خَيْرَ الْخَلْقِ، وَإِنَّ لَهُ غَمَامَةً كَغَمَامَةِ الْقَطْرِ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْصَّ بِهِ مَنْ أَحَبَّ مِنْ خَلْقِهِ أَذِنَ لِتِلْكَ الْغَمَامَةِ فَتَهَطَّلَتْ كَمَا تَهَطَّلَتِ السَّحَابُ، فَتُصِيبُ الْجَنِينَ فِي بَطْنِ أُمَّهِ . (2)

1 / 9 _ 5 أفضل العباد رسول الله صلى الله عليه وآله و آله : حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ يَوْمًا خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَنَةٍ، وَمَنْ مَاتَ عَلَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله _ فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ _ :إِعْلَمَنَّ أَنَّ أَوَّلَ عِبَادَتِهِ الْمَعْرِفَةُ بِهِ... ثُمَّ الْإِيمَانُ بِي وَالْإِقْرَارُ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْسَلَنِي إِلَى كَأَفَى النَّاسِ، بِشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا، ثُمَّ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا. (4)

-
- 1- .المحاسن : ج 1 ص 246 ح 457 عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 5 ص 222 ح 4 .
 - 2- .تحف العقول : ص 313 عن أبي جعفر محمد بن النعمان الأحول ، بحار الأنوار : ج 78 ص 292 ح 2 .
 - 3- .كشف اليقين : ص 261 ح 288 ، كشف الغمّة : ج 1 ص 53 كلاهما عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : ج 27 ص 104 ح 72 ؛ الفردوس : ج 2 ص 142 ح 2721 ، الفصول المهمة لابن الصبّاغ : ص 25 كلاهما عن ابن مسعود .
 - 4- .الأمالى للطوسي: ص 526 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 363 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 51 ، أعلام الدين : ص 189 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 74 ح 3 .

9 / 1 - 5 برترین عبادت

امام باقر علیه السلام: من می دانم که این محبت شما به ما، چیزی نیست که خود شما آن را ساخته باشید؛ بلکه کار خداست.

امام صادق علیه السلام: محبت به ما [اهل بیت] را خداوند از خزانه هایی که زیر عرش اوست و مانند خزانه های زر و سیم اند، از آسمان فرو می فرستد و آن را جز به اندازه نمی فرستد و جز به بهترین آفریدگان عطایش نمی کند. این محبت، ابری همچون ابرهای باران را دارد. پس هر گاه خداوند بخواهد آن را به بنده ای که دوستش می دارد، اختصاص دهد، به آن ابر فرمان می دهد و باران محبت فرو می ریزد، همچنان که ابرهای باران را می بارند و این باران به جنین در شکم مادرش می رسد.

9 / 1 _ 5 برترین عبادت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: يك روز مهر ورزیدن به خاندان محمد، بهتر از يك سال عبادت است و هر که با این محبت از دنیا رود، وارد بهشت می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش خود به ابوذر _ بدان که نخستین گام عبادت خدا، شناخت اوست... و سپس ایمان داشتن به من و اقرار به این که خداوند عز و جل مرا به سوی همه مردم فرستاد تا آنان را به امر خدا نوید و هشدار دهم و به سوی خدا فرا خوانم و چراغی فروزان باشم، و سپس دوست داشتن اهل بیت من که خداوند، ناپاکی را از ایشان زدود و کاملاً پاکیزه شان گردانید.

الإمام علي عليه السلام: أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ حُبُّنَا، وَأَسْوَأُ السَّيِّئَاتِ بُغْضُنَا. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ، وَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ. (2)

المحاسن عن الفضيل: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ؟ فَقَالَ: أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ طَاعَةُ اللَّهِ، وَطَاعَةُ رَسُولِهِ، وَحُبُّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَوْلِيهِ الْأَمْرِ. (3)

9 / 1 _ 6 حُبُّهُمْ مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ لِاخْتِصَاصِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْجَعْفِيِّ: دَخَلْتُ أَنَا وَعَمِّي الْحُصَيْنُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَادَّانَاهُ وَقَالَ: إِنْ مِنْ هَذَا مَعَكَ؟ قَالَ: إِنْ أَخِي إِسْمَاعِيلَ، فَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ إِسْمَاعِيلَ وَتَجَاوَزَ عَنْهُ سَيِّئَ عَمَلِهِ، كَيْفَ خَلَفْتُمُوهُ؟ قَالَ: بِخَيْرٍ مَا آتَاهُ اللَّهُ لَنَا مِنْ مَوَدَّتِكُمْ، فَقَالَ: يَا حُصَيْنُ، لَا تَسْتَصْغِرُوا مَوَدَّتَنَا، فَإِنَّهَا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، قَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا اسْتَصْغَرْتُمَا، وَلَكِنْ أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَيْهَا. (4)

1- غرر الحكم: ج 2 ص 480 ح 3363، عيون الحكم والمواعظ: ص 126 ح 2881.

2- المحاسن: ج 1 ص 247 ح 462 عن حفص الدهان، بحار الأنوار: ج 27 ص 91 ح 48.

3- المحاسن: ج 1 ص 247 ح 463، الكافي: ج 1 ص 187 ح 12 عن محمد بن الفضيل مضمراً نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 91 ح 49.

4- الاختصاص: ص 86، مجمع البيان: ج 6 ص 731، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 215 وفيهما ذيله من «لا تستصغروا»، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 297 ح 8، بحار الأنوار: ج 47 ص 340 ح 22.

9 / 1 - 6 دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، از جمله باقیاتِ صالحات است

امام علی علیه السلام: بهترین نیکی ها، دوست داشتن ماست و بدترین بدی ها، دشمن داشتن ماست .

امام صادق علیه السلام: بالادستِ هر عبادتی، عبادتی است و مهر و رزیدن به ما اهل بیت، بالاترین عبادت است .

المحاسن_ به نقل از فضیل_ : به ابو الحسن علیه السلام (1) گفتم : در میان چیزهایی که خداوند بر بندگان واجب کرده ، برترین چیزی که مایه تقرب آنان به خدا می شود ، چیست؟ فرمود : «برترین چیزی که بندگان به وسیله آن به خدا نزدیک می شوند ، اطاعت از خدا و اطاعت از پیامبر او و دوست داشتن پیامبر خدا و اولو الامر است» .

9 / 1 _ 6 دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام ، از جمله باقیاتِ صالحات استالاختصاص_ به نقل از محمد بن اسماعیل بن عبد الرحمان جعفی _ : من و عمویم حصین بن عبد الرحمان به حضور امام صادق علیه السلام رسیدیم . امام علیه السلام ، عمویم را نزدیک خود نشانند و فرمود : «این که با توست ، پسر کیست؟» . گفت : پسر برادرم اسماعیل . فرمود : «خدا اسماعیل را رحمت کند و از گناهایش درگذرد! چگونه جانشینی برای او بوده اید؟» . گفت : در بهترین چیزی که خداوند به ما عطا فرموده _ یعنی : محبت به شما _ هستیم . فرمود : «ای حصین! دوستی ما را دست کم نگیرید ؛ چرا که از جمله باقیاتِ الصالحات است» . گفت : ای پسر پیامبر خدا! من آن را دست کم نگرفته ام ؛ بلکه خدا را هم به خاطر آن ، سپاس می گویم .

1- . مقصود ، در این جا ، امام کاظم علیه السلام یا امام رضا علیه السلام است .

9 / 2 خصائصُ حُبِّهم 9 / 2 _ 1 علامةُ طيبِ الولادَةِ رسولِ الله صلى الله عليه وآله في صِفَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ يَا أَيُّهَا النَّاسُ! امْتَحِنُوا
أَوْلَادَكُمْ بِحُبِّهِ، فَإِنَّ عَلِيًّا لَا يَدْعُو إِلَى ضَلَالَةٍ وَلَا يُبْعِدُ عَنْ هُدًى، فَمَنْ أَحَبَّهُ فَهُوَ مِنْكُمْ، وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَلَيْسَ مِنْكُمْ. (1)

الإمام عليّ عليه السلام: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النَّعْمِ. قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ،
وَمَا أَوَّلُ النَّعْمِ؟ قَالَ: طَيْبُ الْوِلَادَةِ، إِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا مَنْ طَابَ مَوْلَدُهُ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّكَ وَأَحَبَّ الْأَيِّمَةَ مِنْ وُلْدِكَ فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ عَلَى طَيْبِ مَوْلِدِهِ؛ فَإِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ
طَابَتْ وِلَادَتُهُ، وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وِلَادَتُهُ. (3)

1- تاريخ دمشق: ج 42 ص 288 ح 8818 عن أنس .

2- الأُمالي للطوسي: ص 455 ح 1018، معاني الأخبار: ص 161 ح 1، علل الشرائع: ص 141 ح 1، المحاسن: ج 1 ص 232 ح
419 كلُّها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مشكاة الأنوار: ص 153 ح 373 عنه صلى الله عليه وآله وكلُّها
نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 150 ح 18 .

3- معاني الأخبار: ص 161 ح 3، علل الشرائع: ص 141 ح 3، الأُمالي للصدوق: ص 562 ح 756، بشارة المصطفى: ص 150
كلُّها عن زيد بن عليّ عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 27 ص 146 ح 5 .

9 / 2 ویژگی های دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام

9 / 2 - 1 نشانه حلال زادگی

9 / 2 ویژگی های دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام 2 / 9 - 1 نشانه حلال زادگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف علی علیه السلام: ای مردم! فرزندان خود را با محک محبت علی بیازمایید؛ زیرا علی هرگز به گم راهی فرا نمی خواند و از راه راست، دور نمی شود. پس هر يك از فرزندان شما که علی را دوست داشت، از شماست و هر کدام او را دشمن داشت، از شما نیست.

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای ابو ذر! هر که ما اهل بیت را دوست دارد، پس خدا را بر نخستین نعمت سپاس گوید». ابو ذر پرسید: ای پیامبر خدا! نخستین نعمت، کدام است؟ فرمود: «حلال زادگی». ما اهل بیت را دوست نمی دارد، مگر کسی که حلال زاده باشد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! هر که مرا و تو و امامان از نسل تو را دوست دارد، پس خدا را بر حلال زادگی خود، سپاس گوید؛ زیرا ما را دوست ندارد، مگر حلال زاده و ما را دشمن نمی دارد، مگر حرام زاده.

عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِّيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَنْ يُبَغِّضَكَ مِنَ الْعَرَبِ إِلَّا دَعِيٌّ . (1)

الإمام علي عليه السلام: لا يُحِبُّنِي كَافِرٌ وَلَا وَلَدٌ زِنَا . (2)

معاني الأخبار عن أبي محمد الأنصاري عن غير واحد عن الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ يَجِدُ بَرْدَ حُبِّنَا عَلَى قَلْبِهِ ، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى بَادِيِ النَّعَمِ . قِيلَ : وَمَا بَادِيُ النَّعَمِ ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : طَيْبُ الْمَوْلِدِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ لِأُمَّهِ ، فَإِنَّهَا لَمْ تَخُنْ أَبَاهُ . (4)

معاني الأخبار عن ابن بكير عن الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَانَ يُحِبُّنَا وَهُوَ فِي مَوْضِعٍ لَا يَشِينُهُ فَهُوَ مِنْ خَالِصِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى . قُلْتُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ ، وَمَا الْمَوْضِعُ الَّذِي لَا يَشِينُهُ؟ قَالَ : لَا يُرْمَى فِيْمَوْلِدِهِ . - وفي خبر آخر : لَمْ يُجْعَلْ وَلَدٌ زِنَا . - (5)

الإمام الصادق عليه السلام: وَاللَّهِ لَا يُحِبُّنَا مِنَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ إِلَّا أَهْلُ الْبُيُوتَاتِ وَالشَّرَفِ وَالْمَعْدِنِ ، وَلَا يُبَغِّضُنَا مِنْ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ إِلَّا كُلُّ دَنَسٍ مُلْصَقٍ (6) . (7)

1- الخصال : ص 577 ح 1 عن محكول ، علل الشرايع : ص 143 ح 7 عن جابر ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 267 ، بحار الأنوار : ج 31 ص 441 ح 2 ؛ المناقب للخوارزمي : ص 323 ح 330 عن ابن عباس .

2- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 4 ص 110 عن أبي مريم الأنصاري ؛ المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 314 و ج 3 ص 206 عن الأصمغ بن نباته ، نهج الإيمان : ص 456 ، شرح الأخبار : ج 1 ص 152 ح 92 عن بريدة عن أبيه وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج 34 ص 336 .

3- معاني الأخبار : ص 161 ح 2 ، بشارة المصطفى : ص 176 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 143 ح 401 عن الفضيل عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ج 1 ص 232 ح 420 عن أبي عبد الله المدائني عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 146 ح 4 .

4- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 493 ح 4745 ، معاني الأخبار : ص 161 ح 4 ، علل الشرائع : ص 142 ح 5 ، الأمالي للصدوق : ص 707 ح 973 ، بشارة المصطفى : ص 9 كلها عن المفصل بن عمر ، بحار الأنوار : ج 27 ص 147 ح 6 .

5- معاني الأخبار : ص 166 ح 1 ، مشكاة الأنوار : ص 573 ح 1915 ، بحار الأنوار : ج 27 ص 87 ح 32 .

6- قال المجلسي قدس سره : الملصق - بتشديد الصاد ويخفف - : الدعوي المتهم في نسبه ، والرجل المقيم في الحي وليس منهم ، ووردت الأخبار المتواترة على أن حب أهل البيت علامة طيب الولادة وبغضهم علامة خبيثها (مرآة العقول : ج 26 ص 420) .

7- الكافي : ج 8 ص 316 ح 497 عن ربعي ، مستطرفات السرائر : ص 42 ح 11 عن محمد بن قيس العطار عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 149 ح 16 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به علی علیه السلام_ : هرگز کسی از عرب تو را دشمن نمی دارد ، مگر حرام زاده .

امام علی علیه السلام : کافر و زنازاده ، مرا دوست ندارند .

معانی الأخبار_ به نقل از ابو محمد انصاری ، از چندین نفر _ : امام باقر علیه السلام فرمود : «هر که صبیح کرد و خُنکای محبت ما را در دلش احساس کرد ، خداوند را بر نخستین نعمت ، سپاس گوید» . گفته شد : نخستین نعمت کدام است؟ فرمود : «حلال زادگی» .

امام صادق علیه السلام : هر که خنکای محبت ما را در دلش یافت ، برای مادرش زیاد دعا کند ؛ زیرا [معلوم می شود که] به پدرش خیانت نکرده است .

معانی الأخبار_ به نقل از ابن بکیر _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «هر کس ما را دوست بدارد و در وضعی هم نباشد که مایه ننگ او باشد ، چنین کسی ، از مخلصان خدای _ تبارک و تعالی _ است» . گفتم : فدایت شوم! یعنی چه در وضعی نباشد که مایه ننگ او باشد؟ فرمود : «در نسبش متهم نباشد» و در روایت دیگری آمده است : «زنازاده نباشد» .

امام صادق علیه السلام : به خدا سوگند که از عرب و عجم ، ما را دوست ندارند ، مگر کسانی که خانواده دار و شریف و اصیل باشند. از این رو ، از اینان و آنان ، ما را دشمن نمی دارد ، مگر کسی که آلوده و بی نسب باشد .

تاريخ دمشق عن عبادة بن الصّامت: كُنَّا نَبُورُ (1) أَوْلَادَنَا بِحُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَإِذَا رَأَيْنَا أَحَدًا لَا يُحِبُّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلِمْنَا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا وَأَنَّهُ لِعَيْرِ رَشَدَةٍ (2) . (3)

تاريخ دمشق عن محبوب بن أبي الزناد: قَالَتِ الْأَنْصَارُ: إِنْ كُنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ لِعَيْرِ أَبِيهِ بِبُغْضِهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ . (4)

مروج الذهب: ذَكَرَ عَيْسَى بْنُ أَبِي دُلْفُ أَنْ أَخَاهُ دُلْفَ - وَبِهِ كَانَ يُكْتَى أَبُوهُ أَبَا دُلْفَ - كَانَ يَنْتَقِصُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، وَيَضَعُ مِنْهُ وَمِنْ شِيعَتِهِ ، وَيَنْسِبُهُمْ إِلَى الْجَهْلِ ، وَأَنَّهُ قَالَ يَوْمًا - وَهُوَ فِي مَجْلِسِ أَبِيهِ ، وَلَمْ يَكُنْ أَبُوهُ حَاضِرًا - : إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنْ لَا يَنْتَقِصُ عَلِيًّا أَحَدٌ إِلَّا كَانَ لِعَيْرِ رَشَدَةٍ ، وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ غَيْرَةَ الْأَمِيرِ - يَعْنِي أَبَاهُ - وَأَنَّهُ لَا يَتَهَيَّأُ الطَّعْنَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ حَرَمِهِ ، وَأَنَا أَبْغِضُ عَلِيًّا! قَالَ: فَمَا كَانَ بِأَوْشَكَ مِنْ أَنْ خَرَجَ أَبُو دُلْفَ ، فَلَمَّا رَأَيْنَاهُ فَمْنَا لَهُ ، فَقَالَ: قَدْ سَمِعْتُ مَا قَالَهُ دُلْفُ ، وَالْحَدِيثُ لَا يَكْذِبُ ، وَالْحَبْرُ الْوَارِدُ فِي هَذَا الْمَعْنَى لَا يَخْتَلِفُ ، هُوَ وَاللَّهُ لِرِزْيَةٍ وَحَيْصَةٍ ، وَذَلِكَ أَنِّي كُنْتُ عَلِيًّا فَبَعَثَتْ إِلَيَّ أُخْتِي جَارِيَةً لَهَا كُنْتُ بِهَا مُعْجَبًا ، فَلَمَّ أْتَمَّاكَ أَنْ وَقَعْتُ عَلَيْهَا وَكَانَتْ حَائِضًا فَعَلَقَتْ بِهٍ ، فَلَمَّا ظَهَرَ حَمْلُهَا وَهَبَّتْهَا لِي . فَبَلَغَ مِنْ عِدَاوَةِ دُلْفَ هَذَا لِأَبِيهِ وَنَصْبِهِ وَمُخَالَفَتِهِ لَهُ - لِأَنَّ الْغَالِبَ عَلَى أَبِيهِ التَّشْبِيحُ وَالْمَيْلُ إِلَى عَلِيٍّ - أَنْ شَدَّ نَعَّ عَلَيْهِ بَعْدَ وَفَاتِهِ . (5)

- 1- في الطبعة المعتمدة: «نور»، والتصويب من الترجمة المطبوعة بتحقيق الشيخ المحمودي (ج 2 ص 224). وبارة: أي جربه واختبره (الصحاح: ج 2 ص 597 «بور»).
- 2- يقال هو لِرَشَدَةٍ: أي صحيح النسب، ولغير رشدة بخلافه (مجمع البحرين: ج 2 ص 702 «رشد»).
- 3- تاريخ دمشق: ج 42 ص 287، النهاية في غريب الحديث: ج 1 ص 161 وفيه صدره، شواهد التنزيل: ج 1 ص 449 عن جابر نحوه؛ مجمع البيان: ج 9 ص 160، المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 207 نحوه، بحار الأنوار: ج 36 ص 178 ذيل ح 171.
- 4- تاريخ دمشق: ج 42 ص 287، فرائد السمطين: ج 1 ص 365 ح 293، وراجع: المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 207.
- 5- مروج الذهب: ج 4 ص 62؛ كشف اليقين: ص 476 ح 573.

تاریخ دمشق_ به نقل از عبادۀ بن صامت _ : ما فرزندان خود را با محك دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام می آزمودیم . اگر یکی از آنها را می دیدیم که علی بن ابی طالب را دوست ندارد ، می فهمیدیم که از [نطفه] ما نیست و حرام زاده است .

تاریخ دمشق_ به نقل از محبوب بن ابی زناد _ : انصار می گفتند : ما حرام زاده بودن افراد را از طریق دشمنی با علی بن ابی طالب می شناختیم .

مروج الذهب : عیسی بن ابی دُلف می گفت که برادرش دُلف _ که به مناسبت نام او، پدرش را ابو دُلف می گفتند _ از علی بن ابی طالب ، بد می گفت و او و پیروانش را تحقیر می کرد و آنان را به نادانی نسبت می داد . يك روز که در مجلس پدر خود نشسته بود و پدرش حضور نداشت ، گفت : اینها می گویند که : هر کس از علی عیبجویی کند ، حرام زاده است . شما غیرت امیر را _ مقصود او پدرش بود _ می دانید و امکان ندارد به هیچ يك از اهل حرم او، گمان بد برده شود ؛ ولی با این حال ، من علی را دشمن می دارم! هنوز این سخن را تمام نکرده بود که ابو دُلف وارد شد و ما با دیدن او به احترامش بلند شدیم . او گفت : آنچه را دُلف گفت ، شنیدم . حدیث ، دروغ نیست و خبری که در این باره وارد شده ، محلّ اختلاف نیست . به خدا سوگند! او (دُلف) ، زنازاده و نطفه حیض است ؛ زیرا من بیمار بودم و خواهرم کنیزی را که متعلق به او بود و من دل بسته اش بودم ، نزد من فرستاد . طاقت نیاوردم و با او که حیض بود ، هم بستر شدم و آن کنیز ، دُلف را حامله شد و وقتی معلوم شد که حامله است ، خواهرم او را به من بخشید . پس دشمنی دلف با پدرش و عداوت و مخالفتش با وی _ که اظهار تشیع و علاقه به علی علیه السلام می کرد _ به آن جا رسید که پس از مرگ پدرش نیز از او بدگویی می کرد .

9 / 2 _ 2َعَلَامَةُ طَهَارَةِ الْقَلْبِ لِإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ وَيَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَلَا يُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَيَكُونَ سِلْمًا لَنَا، فَإِذَا كَانَ سِلْمًا لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ، وَأَمَّنَهُ مِنْ فَرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الْأَكْبَرِ. (1)

دعائم الإسلام [عن عبد العلي بن أعين] عن الإمام الصادق عليه السلام: لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ إِلَّا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَاسْتَطَّلَ بِظِلِّنَا وَرَافَقَنَا فِي مَنَازِلِنَا. وَاللَّهُ وَاللَّهُ، لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَلَا يُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَهُ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا، وَإِذَا سَلَّمَ لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَمَّنَ مِنْ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ. إِنَّمَا يَغْتَبِطُ أَهْلُ هَذَا الْأَمْرِ إِذَا انْتَهَتْ نَفْسُ أَحَدِهِمْ إِلَى هَذِهِ _ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ _ . (2)

-
- 1- .الكافي : ج 1 ص 194 ح 1 ، تفسير القمي : ج 2 ص 372 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 2 ص 696 ح 2 و كلاً عن أبي خالد الكابلي ، مختصر بصائر الدرجات : ص 96 عن أبي خالد يزيد الكناسي وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 23 ص 308 ح 5 .
- 2- .دعائم الإسلام : ج 1 ص 73 ، شرح الأخبار : ج 3 ص 471 ح 1367 عن عبد العلي بن أعين وليس فيه ذيله من «إنما يغتبط» وراجع : بشارة المصطفى : ص 87 .

9 / 2 - 2 نشانه پاکی دل

2 / 9 _ 2 نشانه پاکی دل امام باقر علیه السلام: هیچ بنده ای نیست که ما را دوست بدارد و ولایت ما را بپذیرد، مگر این که خداوند، دل او را پاک می گرداند و خداوند، دل هیچ بنده ای را پاک نکرد، مگر این که تسلیم ما شد و از ما فرمان برداری کرد و چون فرمان بردار ما شد، خداوند، او را از سختی حساب، به سلامت داشت و از هراس بزرگ روز قیامت، ایمنش گرداند.

دعائم الإسلام [_ به نقل از عبد العلی بن أعین _] : امام صادق علیه السلام فرمود : «هیچ بنده ای ما را دوست ندارد، مگر این که روز قیامت با ماست و در سایه ما پناه می گیرد و در منازل ما همراه ما . به خدا سوگند، به خدا سوگند، هیچ بنده ای نیست که ما را دوست بدارد، مگر این که خداوند، دلش را پاک می گرداند و دلش را پاک نمی کند، مگر این که تسلیم ما می شود و چون تسلیم ما شود، خداوند، او را از سختی حساب روز قیامت به سلامت می دارد و از هراس بزرگ [روز قیامت]، ایمنش می سازد . بی گمان، اهل این موضوع، هنگامی شادمان می شوند که نفس هر يك از آنان به این جا رسد» و با دست خود به گلویش اشاره نمود .

9 / 2 _ 3 شَرَطَ التَّوْحِيدَ الأَمَالِي لِلطُّوسِي عَنِ الإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الأَنْصَارِيِّ : جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، هَلْ لِلجَنَّةِ مِنْ تَمَنٍّ ؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ : مَا تَمَنُّهَا ؟ قَالَ : « لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ » ، يَقُولُهَا العَبْدُ الصَّالِحُ مُخْلِصًا بِهَا . قَالَ : وَمَا إِخْلَاصُهَا ؟ قَالَ : العَمَلُ بِمَا بُعِثْتُ بِهِ فِي حَقِّهِ ، وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي . قَالَ : وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِكَ لِمَنْ حَقَّهَا ؟ قَالَ : أَجَلٌ ، إِنَّ حُبَّهُمْ لِأَعْظَمِ حَقِّهَا . (1)

الإمام علي عليه السلام: إن لـ «لا إله إلا الله» شروطاً ، وإني وذريتي من شروطها . (2)

التوحيد عن إسحاق بن راهويه : لَمَّا وَافَى أَبُو الحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِنَيْسَابُورَ وَأَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلَى المَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الحَدِيثِ ، فَقَالُوا لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، تَرَحَّلْ عَنَّا وَلَا تُحَدِّثْنَا بِحَدِيثٍ فَتَسْتَفِيدَهُ مِنَّا ؟! وَكَانَ قَدْ قَعَدَ فِي العُمَارِيَّةِ ، فَأَطْلَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ : سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ : سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ : سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ : سَمِعْتُ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الحُسَيْنِ يَقُولُ : سَمِعْتُ أَبِي الحُسَيْنِ بْنَ عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يَقُولُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : سَمِعْتُ جِبْرِئِيلَ يَقُولُ : سَمِعْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ : « لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ حِصْنِي ، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي » . قَالَ : فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا : « بِشْرُوطِهَا ، وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا » . (3)

1- الأمالى للطوسى : ص 583 ح 1207 ، بحار الأنوار : ج 3 ص 13 ح 30 .

2- غرر الحكم : ج 2 ص 514 ح 3479 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 151 ح 3312 .

3- التوحيد : ص 25 ح 23 ، معاني الأخبار : ص 371 ح 1 ، صحيفة الرضا عليه السلام : ص 79 ح 1 وفيه «يقول الله عز وجل : لا إله إلا الله ... عذابي» فقط ، بشارة المصطفى : ص 269 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 101 عن علي بن بلال نحوه ، بحار الأنوار : ج 3 ص 7 ح 16 .

9 / 2 - 3 شرط توحید

2 / 9_ 3 شرط توحیداً مالی، طوسی_ به نقل از امام صادق علیه السلام از پدرش ، از جابر بن عبد الله انصاری _ بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا! آیا بهشت ، بهایی دارد؟ فرمود : «آری» . گفت : بهایش چیست؟ فرمود : «کلمه لا إله إلا الله که بنده صالح، آن را از روی اخلاص بگویند» . گفت : اخلاص آن چیست؟ فرمود : «عمل کردن به آنچه برای آن فرستاده شده ام و دوست داشتن اهل بیت من» . گفت : دوست داشتن اهل بیت شما، از حقوق این کلمه است؟ فرمود : «آری ؛ دوست داشتن آنان ، بزرگ ترین حق آن است» .

امام علی علیه السلام : لا إله إلا الله ، شروطی دارد که من و فرزندانم از جمله شروط آن هستیم .

التوحید_ به نقل از اسحاق بن راهویه _ : هنگامی که امام رضا علیه السلام به نیشابور رسید و خواست که آن جا را به قصد رفتن به نزد مأمون ترك گوید ، راویان حدیث ، گردش را گرفتند و گفتند : ای پسر پیامبر خدا! از پیش ما می روی و برایمان حدیثی که از محضرتان فیضی ببریم ، نمی گویی؟! امام علیه السلام که در کجاوه نشسته بود ، سرش را بیرون آورد و فرمود : «از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که می فرماید : از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که می فرماید : از پدرم محمد بن علی شنیدم که می فرماید : از پدرم علی بن الحسین شنیدم که می فرماید : از پدرم حسین بن علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید : از پدرم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید : از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : از جبرئیل شنیدم که می فرماید : از خداوند عز و جل شنیدم که می فرماید : [کلمه] لا إله إلا الله ، حصار من است و هر کس وارد حصار من شود ، از عذابم در امان است » . چون شتر به راه افتاد ، امام علیه السلام با صدای بلند به ما فرمود : «اما این ، شرط هایی دارد و من، از شرط های آن هستم» .

2/9_ 4 آية الإيمان رسول الله صلى الله عليه وآله: عاهدني ربي أن لا يقبل إيمان عبد إلا بمحبة أهل بيته. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لا يؤمن عبد حتى أكون أحب إليه من نفسه، وأهلي أحب إليه من أهله، وعترتي أحب إليه من عترته، وذاتي أحب إليه من ذاته. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: لا يتم الإيمان إلا بمحبة أهل البيت. (3)

الإمام علي عليه السلام: أما إنه ليس عبد من عباد الله ممن امتحن الله قلبه للإيمان إلا وهو يجد مودتنا على قلبه، فهو يحبنا. وليس عبد من عباد الله ممن سخط الله عليه إلا وهو يجد بغضنا على قلبه، فهو يبغضنا. فأصبح محبنا ينتظر الرحمة، وكان أبواب الرحمة قد فتحت له. وأصبح مبغضنا على شفا جرف هار فأنهار به في نار جهنم، فهنيئاً لأهل الرحمة رحمتهم، وتعسا لأهل النار مشواهم. (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: من أبغض علياً فقد أبغضني، ومن أبغضني فقد أبغض الله. لا يحبك إلا مؤمن، ولا يبغضك إلا كافر أو منافق. (5)

- 1- إحقاق الحق: ج 9 ص 454 نقلاً عن محمد صالح الكشفي الحنفي في المناقب المرتضوية وعن خلاصة الأخبار.
- 2- المعجم الأوسط: ج 6 ص 59 ح 5790، المعجم الكبير: ج 7 ص 75 ح 6416 وليس فيه «وعترتي أحب إليه من عترته» وكلاهما عن أبي ليلى، الفردوس: ج 5 ص 154 ح 7796 عن عبد الرحمن بن أبي ليلى، كنز العمال: ج 1 ص 41 ح 93؛ علل الشرائع: ص 140 ح 3، الأمالي للصدوق: ص 414 ح 542 كلاهما عن أبي ليلى، بحار الأنوار: ج 27 ص 76 ح 4.
- 3- كفاية الأثر: ص 110، الصراط المستقيم: ج 2 ص 116 كلاهما عن واثلة بن الأسقع، بحار الأنوار: ج 36 ص 322 ح 178.
- 4- الأمالي للطوسي: ص 34 ح 34، الأمالي للمفيد: ص 270 ح 2، بشارة المصطفى: ص 48، كشف الغمة: ج 1 ص 140 كلاهما نحوه وكلها عن الحارث الأعور، بحار الأنوار: ج 27 ص 80 ح 19.
- 5- تاريخ دمشق: ج 42 ص 270 ح 8800 و ص 280 ح 8810 وفيه ذيله وكلاهما عن يعلى بن مرة الثقفي، المعجم الأوسط: ج 5 ص 87 ح 4751، مجمع الزوائد: ج 9 ص 180 ح 14760 كلاهما عن ابن عباس؛ بشارة المصطفى: ص 274، المناقب للكوفي: ج 2 ص 481 ح 980 كلاهما عن يعلى بن مرة الثقفي وكلها نحوه وراجع: الخصال: ص 558 ح 31.

9 / 2 - 4 نشانه ایمان

9 / 2_4 نشانه ایمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگارم با من عهد بست که ایمان هیچ بنده ای را نپذیرد، مگر آن که با محبت اهل بیت من همراه باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای ایمان نیاورده است، مگر آن گاه که مرا از خودش بیشتر دوست داشته باشد و کسان مرا بیشتر از کسان خودش و خاندان مرا بیشتر از خاندان خودش و مرا بیشتر از خودش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان، کامل نمی شود، مگر با دوست داشتن ما اهل بیت.

امام علی علیه السلام: هان! هیچ بنده ای از بندگان خدا نیست که خداوند، دلش را برای ایمان خالص کرده باشد، مگر این که دوستی ما را در دلش می یابد. از این رو، ما را دوست می دارد، و هیچ بنده ای از بندگان خدا نیست که خداوند، بر او خشم گرفته باشد، مگر این که دشمنی با ما را در دلش می یابد و از این رو، ما را دشمن می دارد. بنا بر این، دوستدار ما، چشم به راه رحمت است و گویی درهای رحمت به رویش گشوده شده است و کینه توز به ما بر لبه پرتگاهی در حال ریزش است که با آن در آتش دوزخ فرو می افتد. پس گوارا باد برای اهل رحمت، رحمتشان و ناگوار باد برای دوزخیان، جایگاه آنان!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که علی را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است و هر که مرا دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است. تورا [ای علی] جز مؤمن، دوست ندارد و کسی جز کافر یا منافق، دشمن نمی دارد.

الإمام عليّ عليه السلام: عَهَدَ إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ لَا يُحِبَّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ. (1)

مسند ابن حنبل عن أم سلمة: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ. (2)

تاريخ دمشق عن أبي ذرٍّ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى حُبِّكَ، وَأَخَذَ مِيثَاقَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى بُغْضِكَ. وَلَوْ ضَرَبْتَ خَيْشُومَ (3) الْمُؤْمِنِ مَا أَبْغَضَكَ، وَلَوْ نَثَرْتَ الدَّنَانِيرَ عَلَى الْمُنَافِقِ مَا أَحَبَّكَ. يَا عَلِيُّ، لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ. (4)

الإمام عليّ عليه السلام: لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَى أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي، وَلَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي، وَذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ، لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ. (5)

1- سنن النسائي: ج 8 ص 117، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 204 ح 731، فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 2 ص 564 ح 948 كلّها عن زرّ بن حبّيش؛ كنز الفوائد: ج 2 ص 83، الغارات: ج 2 ص 520 كلاهما عن زرّ بن حبّيش، بحار الأنوار: ج 34 ص 362 ح 1196.

2- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 176 ح 26569، سنن الترمذي: ج 5 ص 635 ح 3717 فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 2 ص 623 ح 1066 كلاهما عن عبد الله بن حنطب نحوه، تاريخ دمشق: ج 42 ص 279 ح 8807، كنز العمال: ج 11 ص 622 ح 33026؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 206، بحار الأنوار: ج 39 ص 262 ذيل ح 33.

3- الخيشوم: أقصى الأنف ومنهم من يُطلقه على الأنف (المصباح المنير: ص 170 «خشم»).

4- تاريخ دمشق: ج 42 ص 277 ح 8804؛ الغارات: ج 2 ص 520 عن حبة العرنبي نحوه وليس فيه ذيله من «يا عليّ» وراجع: الخصال: ص 577 ح 1.

5- نهج البلاغة: الحكمة 45، الأمالي للطوسي: ص 206 ح 353 عن سويد بن غفلة، الغارات: ج 1 ص 43 عن فرقد البجلي، روضة الواعظين: ص 323 كلّها نحوه، مشكاة الأنوار: ص 151 ح 365، بحار الأنوار: ج 34 ص 344 ح 1168؛ تفسير الآلوسي: ج 16 ص 143.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود که مرا جز مؤمن، دوست ندارد و جز منافق، کسی دشمنم نمی دارد.

مسند ابن حنبل_ به نقل از ام سلمه _ : شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام می فرماید : «مؤمن، تو را دشمن نمی دارد و منافق، دوستت نمی دارد» .

تاریخ دمشق_ به نقل از ابو ذر _ : شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام می فرماید : «خداوند، بر مهر ورزی به تو، از مؤمنان، پیمان گرفته است و از منافقان بر کین ورزی به تو . اگر بینی مؤمن را بزنی، باز تو را دشمن نخواهد داشت و اگر دینارها به پای منافقان بریزی، باز هم دوست نخواهند داشت . ای علی! تو را دوست ندارد، مگر مؤمن و تو را دشمن نمی دارد، مگر منافق» .

امام علی علیه السلام: اگر با این شمشیرم بر بینی مؤمن بکوبم که با من دشمن شود، دشمن نمی شود و اگر همه دنیا را به پای منافق بریزم که مرا دوست بدارد، باز هم مرا دوست نخواهد داشت و این، از آن روست که حکم خدا، بر زبان پیامبر اُمّی صلی الله علیه و آله گذشت که فرمود: «ای علی! هیچ مؤمنی با تو دشمنی نمی کند و هیچ منافقی دوستدار تو نمی گردد» .

الإمام الباقر عليه السلام: حُبُّنا إيمانًا، وبُغْضُنا كُفْرًا. (1)

عنه عليه السلام: وَعَلِمَ - يَا أَبَا الْوَرْدِ وَيَا جَابِرَ - أَنْكُمْ لَمْ تُقْتَسُوا مُؤْمِنًا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ عَنْ ذَاتِ نَفْسِهِ إِلَّا عَنْ حُبِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَنْكُمْ لَمْ تُقْتَسُوا كَافِرًا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ عَنْ ذَاتِ نَفْسِهِ إِلَّا وَجَدْتُمَاهُ يُبْغِضُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَضَى عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يُحِبُّكَ كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ «وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا» (2)، وَلَكِنْ أَحْبَبْنَا حُبَّ قَصْدٍ تَرْتُدُّوا وَتُفْلِحُوا، أَحْبَبْنَا مَحَبَّةَ الْإِسْلَامِ. (3)

عنه عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ مِنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَعْرِضُ حُبَّنَا عَلَى قَلْبِهِ، فَإِنْ قَبِلَهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ. (4)

شواهد التنزيل عن علي بن محمد بن بشر: كُنْتُ عِنْدَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (5) جَالِسًا إِذْ جَاءَ رَاكِبٌ أَنَاخَ بَعِيرِهِ، ثُمَّ أَقْبَلَ حَتَّى دَفَعَ إِلَيْهِ كِتَابًا، فَلَمَّا قَرَأَهُ قَالَ: مَا يُرِيدُ مِنَّا الْمُهَلَّبُ؟! فَوَاللَّهِ، مَا عِنْدَنَا الْيَوْمَ مِنْ دُنْيَا، وَلَا لَنَا مِنْ سُدِّ لَطَانٍ. فَقَالَ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، إِنَّهُ مَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ فَهُوَ عِنْدَكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ. قَالَ: مَا شَاءَ اللَّهُ، أَمَا إِنَّهُ مَنْ أَحْبَبَنَا فِي اللَّهِ نَفَعَهُ اللَّهُ بِحُبِّنَا، وَمَنْ أَحْبَبَنَا لِغَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ يَقْضِي فِي الْأُمُورِ مَا يَشَاءُ. إِنَّمَا حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شَيْءٌ يَكْتُبُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ الْعَبْدِ، فَمَنْ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ لَمْ يَسْتَطِعْ أَحَدٌ أَنْ يَمْحُوهُ، أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» (6)، فَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مِنْ أَصْلِ الْإِيمَانِ. (7)

1- الكافي: ج 1 ص 188 ح 12، المحاسن: ج 1 ص 247 ح 463 كلاهما عن محمد بن الفضيل، تفسير فرات: ص 428 ح 566 عن زياد بن المنذر، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 206 عن جابر الجعفي، بحار الأنوار: ج 32 ص 325 ح 303.

2- طه: 111.

3- تفسير فرات: ص 260 ح 355 عن جابر بن يزيد وأبي الورد، بحار الأنوار: ج 40 ص 62 ح 95، وراجع: الإرشاد: ج 2 ص 141.

4- كامل الزيارات: ص 356 ح 613 عن أبي بكر الحضرمي، بحار الأنوار: ج 101 ص 4 ح 16.

5- محمد بن علي بن أبي طالب (ابن الحنفية).

6- المجادلة: 22.

7- شواهد التنزيل: ج 2 ص 330 ح 971؛ تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 676 ح 8 نحوه وفيه ذيله من «إِنَّمَا حُبُّنَا»، بحار الأنوار: ج 23 ص 366 ح 31.

امام باقر علیه السلام: دوست داشتن ما، ایمان است و دشمن داشتنمان، کفر .

امام باقر علیه السلام: بدانید _ ای ابو وُرد و ای جابر _ که اگر تا قیام قیامت ، دل هر مؤمنی را بشکافید ، در آن ، جز محبت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام را نخواهید یافت و اگر تا قیام قیامت ، دل هر کافری را بشکافید ، در آن ، جز این نخواهید یافت که امیر مؤمنان علی را دشمن می دارد ؛ چرا که خدای متعال ، از زبان محمد صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود : «هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی دارد و هیچ کافر یا منافقی دوستدار تو نمی شود» «و آن کس که ظلمی بر دوش دارد ، نومید می ماند» . اما ما را به اعتدال دوست بدارید تا هدایت و رستگار شوید . ما را دوست بدارید به میزان دوست داشتن اسلام .

امام باقر علیه السلام: هر که می خواهد بداند که اهل بهشت است [یا نه] ، محبت ما را به قلبش عرضه کند . اگر آن را پذیرفت ، مؤمن است .

شواهد التنزیل_ به نقل از علی بن محمد بن بشر _: در خدمت محمد حنّیه (پسر امام علی علیه السلام) نشسته بودم که سواره ای از راه رسید و شترش را خواباند و سپس جلو آمد و نامه ای به ایشان داد . امام علیه السلام چون نامه را خواند ، فرمود : «مهلّب از ما چه می خواهد؟! به خدا سوگند که امروز نه دنیایی در دست ماست و نه قدرتی داریم» . او گفت : خدا مرا فدای شما کند! هر که دنیا و آخرت را بخواهد ، نزد شما خاندان است . فرمود : «هر چه خدا بخواهد ! بدانید که هر کس به خاطر خدا ما را دوست بدارد، خداوند به واسطه این دوست داشتن به ما، او را سود می بخشد و هر که ما را برای غیر خدا دوست بدارد ، خداوند، هر طور بخواهد ، عمل خواهد کرد . دوست داشتن ما اهل بیت ، چیزی است که خداوند ، آن را در [صفحه] دل بنده رقم می زند . پس هر که خداوند، این محبت را در دل او رقم زند ، کسی نمی تواند آن را پاک کند . نشنیده ای که خداوند می فرماید : «در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود، تأیید کرده است» (تا آخر آیه)؟ بنا بر این ، دوست داشتن ما اهل بیت ، [از بُن] ایمان است» .

2/9_ 5 أوّل ما يُسأل عنه يوم القيامة رسول الله صلى الله عليه وآله: أوّل ما يُسأل عنه العبدُ حُبُّنا أهل البيت . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يُسأل عن أربع: عن عمره فيما أفناه، وعن شؤبه فيما أبلاه، وعن ماله من أين كسبه، وفيما أنفقه، وعن حُبنا أهل البيت . (2)

المعجم الأوسط عن أبي برزة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تزول قدما عبد حتى يُسأل عن أربعة: عن جسده فيما أبلاه، وعمره فيما أفناه، وماله من أين اكتسبه وفيما أنفقه، وعن حُب أهل البيت . فقيل: يا رسول الله، فما علامة حُبكم؟ فضرب صلى الله عليه وآله بيده على منكب علي . (3)

1- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 62 ح 258 عن الحسن بن عبد الله الرازي التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 7 ص 260 ح 8 .

2- النخصال: ص 253 ح 125 عن إسحاق بن موسى بن جعفر عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الأمالي للطوسي: ص 593 ح 1227 عن أبي بريدة الأسلمي، تحف العقول: ص 56 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 7 ص 258 ح 1؛ المعجم الكبير: ج 11 ص 84 ح 11177، تفسير الثعلبي: ج 10 ص 208 نحوه وكلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج 14 ص 379 ح 39013 .

3- المعجم الأوسط: ج 2 ص 348 ح 2191 تاريخ دمشق: ج 42 ص 259 ح 8790 عن أبي ذر، المناقب للخوارزمي: ص 77 ح 59 كلاهما نحوه، مجمع الزوائد: ج 10 ص 626 ح 18371؛ الأمالي للمفيد: ص 353 ح 5، بشارة المصطفى: ص 160 عن أبي بردة وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 7 ص 261 ح 11 .

9 / 2 - 5 نخستین چیزی که در روز قیامت از آن سؤال می شود

9 / 2_ 5 نخستین چیزی که در روز قیامت از آن سؤال می شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین چیزی که در باره آن از بنده سؤال می شود، دوست داشتن ما اهل بیت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روز قیامت، هیچ بنده ای قدم از جای خود بر نمی دارد تا این که در باره چهار چیز از او سؤال شود: از عمرش که در چه راهی صرف کرده است، از جوانی اش که در چه راهی آن را فرسوده است، از مالش که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است و از دوست داشتن ما خاندان .

المعجم الأوسط_ به نقل از ابو برزه _: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «[در روز قیامت]، هیچ بنده ای قدم از جای خود بر نمی دارد تا این که در باره چهار چیز از او سؤال شود: از جسمش که در چه راهی آن را فرسوده است، از عمرش که در چه راهی صرف کرده است، از مالش که از کجا آورده و در چه راهی خرج کرده است و از دوست داشتن ما خاندان». گفته شد: ای پیامبر خدا! نشانه دوست داشتن شما چیست؟ ایشان دست خود را بر شانه علی علیه السلام زد .

تفسير فرات عن حنان بن سدير: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدَّمَ إِلَيْنَا طَعَامًا مَا أَكَلْتُ طَعَامًا مِثْلَهُ قَطُّ، فَقَالَ لِي: يَا سَدِيرُ، كَيْفَ رَأَيْتَ طَعَامَنَا هَذَا؟ قُلْتُ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا أَكَلْتُ مِثْلَهُ قَطُّ، وَلَا أَظُنُّ أَكُلُ أَبَدًا مِثْلَهُ. ثُمَّ إِنَّ عَيْنِي تَغَرَّعَتْ فَبَكَيْتُ، فَقَالَ: يَا سَدِيرُ، مَا يُبْكِيكَ؟ قُلْتُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، ذَكَرْتُ آيَةً فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى. قَالَ: وَمَا هِيَ؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ: «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (1)، فَخِفْتُ أَنْ يَكُونَ هَذَا الطَّعَامُ مِنَ النَّعِيمِ الَّذِي يَسْأَلُنَا اللَّهُ عَنْهُ. فَصَدَّحَكَ حَتَّى بَدَتِ نَوَاجِذُهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا سَدِيرُ، لَا تُسْأَلُ عَنِ طَعَامٍ طَيِّبٍ، وَلَا ثَوْبٍ لَيِّنٍ، وَلَا رَائِحَةٍ طَيِّبَةٍ، بَلْ لَنَا خُلِقَ وَلَهُ خُلِقْنَا، وَلنَعْمَلُ فِيهِ بِالطَّاعَةِ. قُلْتُ لَهُ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَمَا النَّعِيمُ؟ قَالَ: حُبُّ عَلِيٍّ وَعِزَّتِهِ، يَسْأَلُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: كَيْفَ كَانَ شُكْرُكُمْ لِي حِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَعِزَّتِهِ؟ (2)

9 / 3 تأديب الأولاد بحبهم رسول الله صلى الله عليه وآله: أدبوا أولادكم على حُبِّي وحُبِّ أَهْلِ بَيْتِي وَالْقُرْآنِ. (3)

1- التكاثر: 8.

2- تفسير فرات: ص 605 ح 763، بحار الأنوار: ج 24 ص 58 ح 32.

3- إحقاق الحق: ح 18 ص 498 نقلاً عن محمد عز الدين العربي في الروضة البهية وعن ولي الله الكهنوتي في «مرآة المؤمنين».

9 / 3 تربیت فرزندان بر دوستی اهل بیت علیهم السلام

تفسیر فرات_ به نقل از حنان بن سَدیر_ پدرم به من گفت: نزد امام صادق علیه السلام بودم. ایشان غذایی در برابرم نهاد که هرگز غذایی مانند آن را نخورده بودم. پس به من فرمود: «ای سدیر! غذای ما را چگونه یافتی؟». گفتم: پدر و مادرم فدایت، ای پسر پیامبر خدا! تا کنون چنین غذایی نخورده ام و گمان هم نمی کنم که دیگر، غذایی مانند آن بخورم. آن گاه چشمانم پر از اشک شد و گریستم. فرمود: «ای سدیر! چرا گریه می کنی؟». گفتم: ای پسر پیامبر خدا! آیه ای از کتاب خدا را به یاد آوردم. فرمود: «کدام آیه؟». گفتم: این آیه: «سپس در آن روز از نعمت، بازخواست می شوید». می ترسم این غذا جزو همان نعمتی باشد که خداوند، در باره آن، بازخواست می کند. امام علیه السلام خنده ای کرد، به طوری که دندان های عقلش نمایان شد. سپس فرمود: «ای سدیر! از تو، نه در باره خوراک لذیذ، سؤال خواهد شد و نه در باره جامه نرم و نه در باره بوی خوش؛ بلکه اینها برای ما آفریده شده و ما برای استفاده از آنها خلق شده ایم و ما باید در آنها به طاعت خدا عمل کنیم». گفتم: پدر و مادرم فدایت، ای پسر پیامبر خدا! پس آن نعمت، کدام است؟ فرمود: «دوستی علی و عترت او. در روز قیامت، خداوند می پرسد: در برابر نعمت دوستی علی و عترت او که آن را به شما عطا کردم، چگونه شکر مرا به جا آوردید؟».

9 / 3 تربیت فرزندان بر دوستی اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندان خود را دوستدار من و دوستدار اهل بیتم و قرآن، بار آورید.

عنه صلى الله عليه وآله: أدبوا أولادكم على ثلاث خصال: حُبِّ نبيكم، وحُبِّ أهل بيته، وقراءة القرآن؛ فإنَّ حَمَلَةَ القرآنِ في ظلِّ الله يوم لا ظلَّ إلا ظلُّه مع أنبيائه وأصفيائه. (1)

علل الشرائع عن أبي الزبير المكي: رأيتُ جابراً مُتَوَكِّئاً على عَصَاهُ وَهُوَ يَدُورُ فِي سِكَكِ الْأَنْصَارِ وَمَجَالِسِهِمْ، وَهُوَ يَقُولُ: . . . يا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أدبوا أولادكم على حُبِّ عليٍّ، فَمَنْ أبى فَانظُرُوا فِي شَأْنِ أُمَّهِ. (2)

المناقب لابن شهر آشوب عن أبي الزبير وعطيّة العوفيّ وجواب (3) قَالَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ _ :المناقب لابن شهر آشوب عن أبي الزبير وعطيّة العوفيّ وجواب (4) رأيتُ جابراً يَتَوَكَّأُ على عَصَاهُ وَهُوَ يَدُورُ فِي سِكَكِ الْمَدِينَةِ وَمَجَالِسِهِمْ، وَهُوَ يَرُوي هَذَا الْحَبَرَ (5) ثُمَّ يَقُولُ: مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أدبوا أولادكم على حُبِّ عليٍّ، فَمَنْ أبى فَلْيَنْظُرْ فِي شَأْنِ أُمَّهِ. (6)

الإمام الصادق عليه السلام: يا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ، عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ شِعْرَ الْعَبْدِيِّ، فَإِنَّهُ عَلَى دِينِ اللَّهِ. 7

- 1- .كنز العمال : ج 16 ص 456 ح 45409 نقلاً عن عبد الكريم الشيرازي في فوائده والديلمي وابن النجار عن الإمام علي عليه السلام .
- 2- .علل الشرائع : ص 142 ح 4 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 493 ح 4744 ، رجال الكشي : ج 1 ص 236 ح 93 ، الأمالي للصدوق : ص 136 ح 133 ، الثاقب في المناقب : ص 124 ح 123 ، بحار الأنوار : ج 39 ص 300 ح 108 .
- 3- .جواب _ بتثقيل الواو وآخره موحدة _ : ابن عبد الله التيمي الكوفي ، صدوق رُمي بالإرجاء ، من السادسة .
- 4- .أي : «عليّ خيرُ البشر ، فَمَنْ أبى فَقَدْ كَفَرَ» .
- 5- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 67 ، الصراط المستقيم : ج 2 ص 68 عن الزبير عطية وخوات ، بحار الأنوار : ج 38 ص 7 ح 13 .
- 6- .رجال الكشي : ج 2 ص 704 ح 748 عن سماعة ، خلاصة الأقوال : ص 82 الرقم 2 وفيه «يشير إلى الشيعة» بدل «فإنه على دين الله»، رجال ابن داود : ص 108 الرقم 752 ، بحار الأنوار : ج 79 ص 293 ح 16 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندان خود را با سه خصلت بار آورید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او و قرآن خواندن؛ زیرا در آن روزی که سایه ای جز سایه خدا نیست، حاملان قرآن به همراه پیامبران و برگزیدگان او در سایه خدا هستند.

علل الشرائع_ به نقل از ابوزبیر مکی_ : جابر را دیدم که عصازنان در کوی و برزن انصار و در انجمن های آنان می گشت و می گفت: ... ای گروه انصار! فرزندان خود را دوستدار علی بار آورید و هر که نپذیرفت، در حال مادر او بیندیشید.

المناقب، ابن شهر آشوب_ به نقل از ابوزبیر و عطیه عوفی و جواب (1)_ : جابر را دیدم که تکیه زنان بر عصای خویش در کوچه های مدینه و محلّ تجمّع مردم مدینه می گردد و این خبر را روایت می کند (2) و سپس می گوید: ای گروه انصار! فرزندان خود را دوستدار علی بار آورید و هر که آن را نپذیرفت، باید در حال مادر او اندیشه کرد.

امام صادق علیه السلام: ای گروه شیعیان! به فرزندانتان اشعار عبدی 3 را بیاموزید؛ چرا که او بر دین خداست.

1- .جواب، پسر عبد الله تیمی کوفی، فردی درست و راستگو بوده و به ارجا متّهم شده و از طبقه ششم است.

2- .این خبر که: «علی، بهترین مردم است و هر کسی انکار کند، کفر ورزیده است».

9 / 4 الحث على تحبيبهم إلى الناس إمام الصادق عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَّبْنَا إِلَى النَّاسِ وَلَمْ يُبَغِّضْنَا إِلَيْهِمْ . (1)

عنه عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا ، فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَتَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ . (2)

الحكايات عن كثير بن علقمة: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَوْصِيَنِي بِتَقْوَى اللَّهِ ، وَالْوَرَعِ ، وَالْعِبَادَةِ ، وَطَوْلِ السُّجُودِ ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ ، وَحُسْنِ الْجَوَارِ ، فِيهِذَا جَاءَنَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ص لَمَّا عَشَائِرُكُمْ ، وَعُودُوا مَرْضَاكُمْ وَاحْضُرُوا جَنَائِزَكُمْ (3) ، وَكُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِدِينًا ، حَبَّبْنَا إِلَى النَّاسِ وَلَا تُبَغِّضُونَا إِلَيْهِمْ ، جُرِّوْا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ ، فَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ خَيْرٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ ، وَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ شَرٍّ فَوَاللَّهِ مَا نَحْنُ كَذَلِكَ ، لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَقَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوِلَادَةٌ طَبِيبَةٌ ، فَهَكَذَا فَقُولُوا . (4)

راجع : ص 272 (أهل البيت عليهم السلام / الفصل السابع : وصايا أهل البيت / حسن العشرة) .

1- .الكافي : ج 8 ص 229 ح 293 عن أبي بصير ، الاعتقادات للصدوق : ص 109 ، مشكاة الأنوار : ص 317 ح 1002 عن علي بن أبي حمزة ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 61 عن الإمام الباقر عليه السلام ، فقه الرضا : ص 356 عن العالم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 78 ص 348 ح 5 .

2- .الأُمالي للصدوق : ص 159 ح 156 عن مدرك بن الهزهاز ، بشارة المصطفى : ص 15 ، شرح الأخبار : ج 3 ص 590 ح 1456 ، الأُمالي للطوسي : ص 86 ح 131 كلُّها عن مدرك بن زهير ، الكافي : ج 2 ص 223 ح 5 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 101 كلاهما عن عبد الأعلى مولى آل سام نحوه ، بحار الأنوار : ج 2 ص 65 ح 4 .

3- .في النسخ : «جنازتهم» (هامش المصدر) .

4- .الحكايات : ص 93 ح 2 ، مستطرفات السرائر : ص 163 ح 3 ، بشارة المصطفى : ص 222 نحوه وراجع : ح 767 من كتابنا هذا .

9 / 4 تشویق به ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در دل مردم

9 / 4 تشویق به ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در دل مردمان صادق علیه السلام: رحمت خدا بر آن بنده ای که ما را محبوب مردم گرداند و کاری نکند که مبعوض مردم شویم!

امام صادق علیه السلام: رحمت خدا بر آن بنده ای که دوستی مردم را به سوی ما بکشاند، [این گونه که] احادیثی را که می پذیرند، برایشان بگوید و آنچه را انکار می کنند، وا نهد!

الحکایات_ به نقل از کثیر بن علقمه _ : به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا سفارشی فرما. فرمود: «تورا به پروا داشتن از خدا و پارسایی و عبادت و طول دادن سجده و ادای امانت و راستگویی و حسن همسایگی، سفارش می کنم که محمد صلی الله علیه و آله برای اینها آمده است. با کسانتان رفت و آمد کنید و از بیمارانتان عیادت کنید و در تشییع جنازه هایتان (1) حاضر شوید. برای ما زیور باشید و مایه زشتی ما نباشید. کاری کنید که مردم دوستان بدانند و کاری نکنید که مبعوض آنها واقع شویم. همه محبت ها را به سوی ما بکشانید و هر گونه زشتی را از ما بگردانید. هر خوبی که در حق ما گفته شود، ما اهل آن هستیم و هر بدی که در باره ما گفته شود، نه چنانیم. ما را در کتاب خدا حقی است و با پیامبر خدا خویشاوندیم و پاک، زاده شده ایم. این چنین بگویید».

ر. ک: ص 273 (اهل بیت علیهم السلام / فصل هفتم: سفارش های اهل بیت علیهم السلام / حُسن معاشرت).

1- در نسخه هایی، «جنازه ایشان» آمده است.

9 / 5 علامات حُبِّهم 5 / 9 - الاجتهاد في العمل لإمام علي عليه السلام: أنا مع رسول الله صلى الله عليه وآله ومع عترتي وسبطي على الحوض، فمن أرادنا فليأخذ بقولنا وليعمل عملنا. (1)

عنه عليه السلام: من أحبنا فليعمل بعملنا، وليتجلبب الورع. (2)

عنه عليه السلام: من أحبنا فليعمل بعملنا، وليستعن بالورع، فإنه أفضل ما يستعان به في أمر الدنيا والآخرة. (3)

الإمام الباقر عليه السلام - لولده الصادق عليه السلام يوصيه - يا بُنَيَّ، إنك إن خالفني في العمل لم تنزل معي غدا في المنزل... أبي الله عز وجل أن يتولى قومًا يخالفونهم في أعمالهم، ينزلون معهم يوم القيامة، كلاً ورب الكعبة. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: خرجت أنا وأبي حتى إذا كنا بين القبر والمنبر، إذا هو بأناس من الشيعة فسلم عليهم، ثم قال: إني والله لأحب رياحكم وأرواحكم، فأعينوني على ذلك بورع واجتهاد، واعلموا أن ولايتنا لا تنال إلا بالورع والاجتهاد، ومن اتتم منكم بعد فليعمل بعمله (5).

-
- 1- النخصال: ص 624 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تفسير فرات: ص 367 ح 499، جامع الأخبار: ص 495 ح 1376، عيون الحكم والمواعظ: ص 165 ح 3496 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 10 ص 103 ح 1.
 - 2- غرر الحكم: ج 5 ص 303 ح 8483، عيون الحكم والمواعظ: ص 456 ح 8244.
 - 3- النخصال: ص 614 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 104، بحار الأنوار: ج 70 ص 306 ح 30.
 - 4- الكافي: ج 8 ص 253 ح 358، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 176.
 - 5- الكافي: ج 8 ص 212 ح 259 عن عمرو بن أبي المقدام، فضائل الشيعة: ص 51 ح 8 عن محمد بن حمران عن أبيه، الأمالي للصدوق: ص 725 ح 992 عن أبي بصير وكلاهما نحوه، روضة الواعظين: ص 322، شرح الأخبار: ج 3 ص 436 ح 1294 عن عمران بن مقدم وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 68 ص 80 ح 141، وراجع: الأمالي للطوسي: ص 679 ح 1441.

9 / 5 نشانه های دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام

9 / 5 - 1 سختکوشی در عمل

9 / 5 نشانه های دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام 5 / 9 - 1 سختکوشی در عمل امام علی علیه السلام: من با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خاندانم و دو فرزندم در کنار حوض [کوثر] هستیم. پس هر که ما را می خواهد، باید به سخن ما چنگ زند و به کردار ما عمل کند.

امام علی علیه السلام: هر که ما را دوست دارد، باید مطابق کردار ما عمل کند و ردای پارسایی در بر کند.

امام علی علیه السلام: هر که ما را دوست دارد، باید مطابق کردار ما عمل کند و از پارسایی مدد گیرد؛ چرا که پارسایی، بهترین یاور در کار دنیا و آخرت است.

امام باقر علیه السلام در سفارش به پسرش امام صادق علیه السلام: فرزندانم! تو هم اگر بر خلاف عمل من رفتار کنی، فردا [ی قیامت] با من در يك منزل فرود نخواهی آمد... خداوند عز و جل پذیرفته است که مردمی ولایت و دوستی عده ای را بپذیرند و بر خلاف کردار آنها عمل کنند و با این حال، روز قیامت با آنها هم منزل [و هم درجه] شوند. به خداوند کعبه سوگند که هرگز چنین نمی شود!

امام صادق علیه السلام: من و پدرم بیرون آمدیم تا این که به میان قبر و منبر [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله] رسیدیم. جمعی از شیعیان در آن جا بودند. پدرم به آنها سلام کرد و آن گاه فرمود: «به خدا سوگند که من بوی شما و روح شما را دوست دارم. پس با پارسایی و کوشیدن در عمل خود، مرا در این محبت یاری رسانید و بدانید که ولایت [و دوستی] ما جز با پارسایی و کوشش به دست نمی آید. هر کدام از شما بنده ای را به امامت گیرد، باید به کردار او عمل کند.

الإمام المهدي عليه السلام_ فيما كتبه إلى الشيخ المفيد _ فليعمل كل امرئ منكم بما يقرب به من محبتنا، وليتجنب ما يدينه من كراهتنا وسخطنا، فإن أمرنا بعتة فجأة حين لا تنفعه توبة ولا ينجيه من عقابنا ندم على حوبة. (1)

راجع: ص 264 (أهل البيت عليهم السلام / الفصل السابع: وصايا أهل البيت / الاجتهاد في العمل).

9 / 5 _ 2 حُبُّ مُحِبِّهِمَا لِأَمَالِي لِلطُّوسِيِّ عَنْ حَنْشِ بْنِ الْمُعْتَمِرِ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، كَيْفَ أَمْسَيْتَ؟ قَالَ: أَمْسَيْتُ مُحِبًّا لِمُحِبِّينَا، وَمُبْغِضًا لِمُبْغِضِينَا، وَأَمْسَى مُحِبُّنَا مُغْتَبِطًا بِرَحْمَةِ مَنْ اللَّهُ كَانَ يَنْتَظِرُهَا، وَأَمْسَى عَادُونًا يُؤَسِّسُ بُنْيَانَهُ عَلَى سَفَا جُرْفٍ هَارٍ، وَكَأَنَّ ذَلِكَ الشَّفَا قَدِ انْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ، وَكَأَنَّ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ قَدْ فُتِحَتْ لِأَهْلِهَا، فَهَنِينًا لِأَهْلِ الرَّحْمَةِ رَحْمَتُهُمْ، وَالتَّعَسُّ لِأَهْلِ النَّارِ وَالتَّارُ لَهُمْ. يَا حَنْشُ، مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَعْلَمَ مُحِبُّنَا لَنَا أَمْ مُبْغِضٌ فَلِيَمْتَحِنَ قَلْبَهُ، فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ وَلِيْنَا لَنَا فَلَيْسَ بِمُبْغِضٍ لَنَا، وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُ وَلِيْنَا فَلَيْسَ بِمُحِبِّ لَنَا، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَخَذَ الْمِيثَاقَ لِمُحِبِّينَا بِمَوَدَّتِنَا، وَكَتَبَ فِي الذِّكْرِ اسْمَ مُبْغِضِنَا، نَحْنُ التُّجَبَاءُ وَأَفْرَاطُنَا وَأَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ. (2)

1- الاحتجاج: ج 2 ص 599 ح 359، بحار الأنوار: ج 53 ص 176 ح 7.

2- الأمالى للطوسى: ص 113 ح 172، الأمالى للمفيد: ص 334 ح 4، بشارة المصطفى: ص 45 عن الحسن بن المعتمر، كشف الغمة: ج 2 ص 8 عن الحش بن المعتمر، الغارات: ح 2 ص 585 عن الحبيش بن المعتمر نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 53 ح 6.

9 / 5 - 2 دوست داشتن دوستان اهل بیت علیهم السلام

امام مهدی علیه السلام در نامه ای از آن حضرت به شیخ مفید _ : هر يك از شما باید کاری کند که به محبت ما نزدیک شود و از کاری که او را به نفرت و خشم ما نزدیک می سازد ، دوری کند ؛ زیرا که قضیه [ظهور] ما ناگهانی و بی خبر اتفاق می افتد به طوری که دیگر نه توبه ای به حالش سودمند می افتد و نه پشیمانی از گناه از کیفر ما می رهاشد .

ر . ك: ص 265 (اهل بیت علیهم السلام / فصل هفتم : سفارش های اهل بیت علیهم السلام / سختکوشی در عمل) .

9 / 5 _ 2 دوست داشتن دوستان اهل بیت علیهم السلام مالی، طوسی _ به نقل از حنّش بن مُعتمر _ : بر امیر مؤمنان ، علی بن ابی طالب علیه السلام ، وارد شدم و گفتم : سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، ای امیر مؤمنان! چگونه روز خود را به شب رساندی؟ فرمود : «روز خود را به شب رساندم ، در حالی که دوستدار خود را دوست می دارم و دشمنم را دشمن . دوستدار ما ، در حالی روز خود را به شب می رساند که به رحمت خداوند که در انتظار آن است ، شادمان است و دشمن ما ، در حالی روز خود را به شب می رساند که بنای کار خود را بر لبه پرتگاهی در حال ریزش می سازد، و گویی آن لبه او را در آتش فرو می افکند و گویی درهای رحمت به روی اهل آن، گشوده شده اند . پس گوارا باد اهل رحمت را رحمتشان و هلاکت و دوزخ ، ارزانی دوزخیان باد! ای حنّش! هر که خوش حال می شود که بداند آیا دوستدار ماست یا دشمن ما، دلش را بیازماید . اگر دوست ما را دوست داشته باشد ، دشمن ما نیست و اگر دوست ما را دشمن داشته باشد ، دوستدار ما نیست . خداوند متعال از دوستدار ما بر دوستی ما پیمان گرفته و در لوح محفوظ ، نام دشمن ما را نوشته است . ما ییم برگزیدگان [خدا] و پستانان ما [به سوی حوض کوثر]، پستانان پیامبران اند» .

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ أَحَبَّ النَّبِيَّ، وَمَنْ أَحَبَّ النَّبِيَّ أَحَبَّنَا، وَمَنْ أَحَبَّنَا أَحَبَّ شِيعَتَنَا. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَوَلَّى مُحِبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّنَا. (2)

3/ 5 _ 9 بُغْضُ عَدُوِّهِمَا لِأَمَالِي لِلطُّوسِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ مِيثَمِ التَّمَارِ رَحِمَهُ اللَّهُ: وَجَدْتُ فِي كِتَابِ مِيثَمِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: تَمَسَّنَا لَيْلَةً عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَنَا: لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ اِمْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ إِلَّا أَصْبَحَ يَجِدُ مَوَدَّتَنَا عَلَى قَلْبِهِ، وَلَا أَصْبَحَ عَبْدٌ مِمَّنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِلَّا يَجِدُ بُغْضَنَا عَلَى قَلْبِهِ، فَأَصْبَحْنَا نَفْرَحُ بِحُبِّ الْمُؤْمِنِ لَنَا، وَنَعْرِفُ بُغْضَ الْمُبْغِضِ لَنَا، وَأَصْبَحَ مُحِبُّنَا مُغْتَبِطًا بِحُبِّنَا بِرَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ يَنْتَظِرُهَا كُلُّ يَوْمٍ، وَأَصْبَحَ مُبْغِضُنَا يُؤَسِّسُ بُنْيَانَهُ عَلَى شِفَا جُرْفِ هَارٍ، فَكَانَ ذَلِكَ الشِّفَا قَدْ اِنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ، وَكَانَ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ قَدْ فُتِحَتْ لِأَصْحَابِ الرَّحْمَةِ، فَهَنِينَا لِأَصْحَابِ الرَّحْمَةِ رَحْمَتَهُمْ، وَتَعَسَا لِأَهْلِ النَّارِ مَثْوَاهُمْ. إِنَّ عَبْدًا لَنْ يَقْصُرَ فِي حُبِّنَا لِخَيْرٍ جَعَلَهُ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ، وَلَنْ يُحِبَّنَا مَنْ يُحِبُّ مُبْغِضَنَا، إِنَّ ذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ فِي قَلْبٍ وَاحِدٍ وَ «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (3) يُحِبُّ بِهَذَا قَوْمًا وَيُحِبُّ بِالْآخِرِ عَدُوَّهُمْ، وَالَّذِي يُحِبُّنَا فَهُوَ يُخْلِصُ حُبَّنَا كَمَا يَخْلِصُ الذَّهَبُ لَا غَشَّ فِيهِ. نَحْنُ النَّجَبَاءُ وَأَفْرَاطُنَا وَأَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ، وَأَنَا وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ، وَأَنَا حِزْبُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَالْفِئَةُ الْبَاغِيَةُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ، فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ حَالَهُ فِي حُبِّنَا فَلْيَمْتَحِنِ قَلْبَهُ، فَإِنْ وَجَدَ فِيهِ حُبَّ مَنْ أَلْبَ (4) عَلَيْنَا فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَدُوُّهُ وَجَبْرَيْلُ وَمِيكَائِيلُ، وَاللَّهُ عَدُوُّ الْكَافِرِينَ. (5)

- 1- تفسير فوات: ص 128 ح 146 عن زيد بن حمزة بن محمد بن علي بن زياد القصار معننا، بحار الأنوار: ج 35 ص 199 ح 21.
- 2- المقنعة: ص 486، المزار للمفيد: ص 201 ح 3، المزار الكبير: ص 41 ح 23 كلاهما عن عبد الرحمن بن مسلم، جامع الأخبار: ص 97 ح 155، بحار الأنوار: ج 100 ص 124 ح 34.
- 3- الأحزاب: 4.
- 4- الألب بالفتح والكسر: القوم يجتمعون على عداوة إنسان وألبهم: جمعهم (لسان العرب: ج 1 ص 215 «ألب»).
- 5- الأمالى للطوسي: ص 148 ح 243، بشارة المصطفى: ص 87، كشف الغمّة: ج 2 ص 11 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 83 ح 24.

9 / 5 - 3 دشمن داشتنِ دشمن اهل بیت علیهم السلام

امام علی علیه السلام: هر که خدا را دوست داشته باشد، پیامبر را نیز دوست می‌دارد و هر که پیامبر را دوست داشته باشد، ما را نیز دوست می‌دارد و هر که ما را دوست داشته باشد، شیعیان ما را نیز دوست دارد.

امام صادق علیه السلام: هر که دوستدار ما را دوست بدارد، هر آینه ما را دوست داشته است.

9 / 5_3 دشمن داشتنِ دشمن اهل بیت علیهم السلام، طوسی_ به نقل از صالح بن میثم تمّار_ در کتاب [پدرم] میثم رضی الله عنه دیدم که می‌گوید: شبی را در خدمت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام بودیم. به ما فرمود: «هیچ بنده ای نیست که خداوند، دلش را برای ایمان، صاف [و خالص] کرده باشد، مگر این که محبت ما را در قلبش احساس می‌کند و هیچ بنده ای نیست که خداوند از او در خشم [و ناخشنود] باشد، مگر این که در قلبش نسبت به ما احساس بغض می‌کند. بنا بر این، ما از این که مؤمن، دوستمان می‌دارد، شاد می‌شویم و دشمنی کسی را که با ما بغض می‌ورزد، می‌دانیم. دوستدار ما، از رحمت خداوند_ که به واسطه محبت ما هر روز، انتظار آن را می‌کشد_، شادمان است و دشمن ما بنای خود را در لبه پرتگاهی در حال ریزش، پی ریزی می‌کند و گویی این لبه او را در آتش دوزخ فرو می‌افکند و گویی درهای رحمت به روی اهل رحمت، گشوده شده اند. پس گوارا باد اهل رحمت را رحمتشان و مایه نابودی باد جایگاه اهل دوزخ برای آنها! هر بنده ای که خداوند، در دل او خیری قرار داده باشد، هرگز در دوست داشتن ما کوتاهی نمی‌کند و کسی که دشمن ما را دوست بدارد، هیچ گاه ما را دوست نخواهد داشت. این دو با هم در يك قلب جمع نمی‌شوند و «خدا برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است» که با یکی عده ای را دوست بدارد و با دیگری، دشمن آنها را. کسی که ما را دوست می‌دارد، این محبت به ما را همچون زر نایی که در آن ناخالصی نیست، خالص می‌گرداند. ماییم برگزیدگان [خدا] و پیشتازان ما [به سوی حوض کوثر]، پیشتازان پیامبران اند. من وصی اوصیا هستم. من حزب خدا و پیامبر او هستم و آن گروه سرکش و یاغی، حزب شیطان اند. پس هر که دوست دارد حال خود را در باره محبت ما بداند، دلش را بیازماید؛ اگر در آن، نسبت به کسی که مردم را بر ضد ما می‌شوراند، احساس دوستی کرد، بداند که خدا و جبرئیل و میکائیل، دشمن او هستند و خداوند، دشمن کافران است.»

الإمام عليّ عليه السلام_ في قوله تعالى: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» _ لا يَجْتَمِعُ حُبُّنَا وَحُبُّ عَدُوِّنَا فِي جَوْفِ إِنْسَانٍ ، إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ فَيُحِبَّ هَذَا وَيُبْغِضَ هَذَا ، فَأَمَّا مُحِبُّنَا فَيُخْلِصُ الْحُبَّ لَنَا كَمَا يَخْلِصُ الذَّهَبُ بِالنَّارِ لَا كَدَرَ فِيهِ ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ حُبَّنَا فَلْيَمْتَحِنِ قَلْبَهُ ، فَإِنْ شَارَكَهُ فِي حُبِّنَا حُبُّ عَدُوِّنَا فَلَيْسَ مِنَّا وَلَسْنَا مِنْهُ ، وَاللَّهُ عَدُوَّهُمْ وَجِبْرَيْلُ وَمِيكَائِيلُ ، وَاللَّهُ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ .
(1)

الإمام الصادق عليه السلام_ لِمَنْ قَالَ لَهُ : إِنَّ فُلَانًا يُؤَالِيكُمْ إِلَّا أَنَّهُ يَضَعُفُ عَنِ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّكُمْ _ : هَيْهَاتَ ، كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَلَمْ يَتَّبِعْهُ مِنْ عَدُوِّنَا . (2)

-
- 1- . تفسير القمي : ج 2 ص 71 عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام ، الأماي للمفيد : ص 233 ح 4 عن حنش بن المعتمر نحوه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 38 ح 81 .
2- . مستطرفات السرائر : ص 149 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 27 ص 58 ح 18 .

امام علی علیه السلام در باره آیه: «خدا برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است» _ دوست داشتن ما و دوست داشتن دشمن ما با هم در دل يك انسان جمع نمی شوند. [این از آن روست که] خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است که با این، دوست بدارد و با آن یکی، دشمن بدارد. دوستدار ما دوستی اش به ما را خالص می گرداند، همان گونه که طلا با آتش، خالص می گردد و ناخالصی اش گرفته می شود. پس هر که می خواهد محبتش به ما را بداند، دل خود را بیازماید. اگر در کنار محبت ما، دشمن ما را نیز دوست داشت، بداند که نه او از ماست و نه ما از اویم و خدا و جبرئیل و میکائیل، دشمن اویند و خداوند، دشمن کافران است».

امام صادق علیه السلام در جواب کسی که گفت: فلانی، شما را دوست می دارد، منتها در برائت از دشمن شما ضعیف است _ هیئات! دروغ می گوید کسی که دم از محبت ما می زند؛ ولی از دشمن ما بیزاری نمی جوید.

9 / 5 _ لإستعدادُ لبلاءِ رسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله _ لَمَّا شَكا إِلَيْهِ أَبُو سَعِيدٍ الخُدْرِيُّ حاجتَهُ _ :إصْبِرْ أبا سَعِيدٍ ، فَإِنَّ الفَقْرَ إِلَى مَنْ يُجِئُنِي مِنْكُمْ أَسْرَعُ مِنَ السَّيْلِ عَلَى (1) أَعْلَى الوادي ، وَمِنْ أَعْلَى الجَبَلِ إِلَى أَسْفَلِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله _ لا يبي ذرّ لَمَّا قال لَهُ : إني أُحِبُّكُمْ أهلَ البَيْتِ _ :اللَّهُ اللهُ ! فَأَعِدَّ لِلْفَقْرِ تَجْفافاً (3) ، فَإِنَّ الفَقْرَ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُجِئُنَا مِنَ السَّيْلِ مِنَ أَعْلَى الأَكْمَةِ إِلَى أَسْفَلِهَا . (4)

السنن الكبرى عن ابن عباس :أصابَ نبيَّ اللهِ صلى الله عليه وآله خِصاصةٌ فَبَلَغَ ذَلِكَ عَلِيًّا عليه السلام ، فَخَرَجَ يَلْتَمِسُ عَمَلًا لِيُصِيبَ مِنْهُ شَيْئًا يَبْعَثُ بِهِ إِلَى نَبِيِّ اللهِ صلى الله عليه وآله ، فَأَتَى بُسْتَانَ لِرَجُلٍ مِنَ الْيَهُودِ ، فَاسْتَقَى لَهُ سَبْعَةَ عَشَرَ دَلْوًا كُلُّ دَلْوٍ بِتَمْرَةٍ ، فَخَيْرَهُ الْيَهُودِيُّ مِنْ تَمْرِهِ سَبْعَ عَشْرَةَ تَمْرَةً عَجْوَةً ، فَجَاءَ بِهَا إِلَى نَبِيِّ اللهِ صلى الله عليه وآله . فَقَالَ : مِنْ أَيْنَ هَذَا يَا أبا الحَسَنِ ؟ قَالَ : بَلَغَنِي مَا بِكَ مِنَ الخِصاصةِ يَا نَبِيَّ اللهِ فَخَرَجْتُ أَلْتَمِسُ عَمَلًا لِأُصِيبَ لَكَ طَعَامًا . قَالَ : فَحَمَلَكَ عَلَى هَذَا حُبُّ اللهِ وَرَسُولِهِ ؟ قَالَ عَلِيٌّ : نَعَمْ يَا نَبِيَّ اللهِ . فَقَالَ نَبِيُّ اللهِ صلى الله عليه وآله : وَاللَّهِ ! مَا مِنْ عَبْدٍ يُحِبُّ اللهُ وَرَسُولَهُ إِلَّا الفَقْرُ أَسْرَعُ إِلَيْهِ مِنْ جَرِيَةِ السَّيْلِ عَلَى وَجْهِهِ ، مَنْ أَحَبَّ اللهُ وَرَسُولَهُ فَلْيُعِدَّ تَجْفافاً _ وَإِنَّمَا يَعْنِي الصَّبْرَ . (5)

-
- 1- .في المصادر الأخرى : «من» بدل «على» .
 - 2- .مسند ابن حنبل : ج 4 ص 85 ح 11379 ، شعب الإيمان : ج 7 ص 318 ح 10442 ، الفردوس : ج 3 ص 155 ح 4421 كلها عن أبي سعيد ، كنز العمال : ج 6 ص 483 ح 16645 .
 - 3- .تَجْفافاً _ بكسر التاء وسكون الجيم _ : شيء من سلاح يترك على الفرس يقويه الأذى (النهاية : ج 1 ص 279 «جفف»).
 - 4- .المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 367 ح 7944 عن أبي ذرّ ، سنن الترمذي : ج 4 ص 576 ح 2350 ، شعب الإيمان : ج 2 ص 174 ح 1471 كلاهما نحوه ، كنز العمال : ج 6 ص 471 ح 16598 ؛ روضة الواعظين : ص 498 نحوه ، بحار الأنوار : ج 61 ص 239 ح 1 .
 - 5- .السنن الكبرى : ج 6 ص 197 ح 11649 ، تاريخ دمشق : ج 6 ص 385 ح 1565 نحوه ، سير أعلام النبلاء : ج 3 ص 54 الرقم 14 ، تاريخ الإسلام للذهبي : ج 4 ص 294 والقضية فيهما منسوبة إلى الكعب بن عجرة نحوه ، كنز العمال : ج 6 ص 618 ح 17111 .

9 / 5 - 4 آمادگی برای گرفتاری

9 / 5_ 4 آمادگی برای گرفتاری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به ابو سعید خُدْری که از تهی دستی خود به ایشان شکایت کرد_ : شکایا باش_ ای ابو سعید_ ؛ زیرا فقر به جانب کسانی از شما که مرا دوست دارند ، شتابنده تر می آید از حرکت سیل بر بالای درّه و از بالای کوه به پایین آن .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در جواب ابو ذر که گفت : من شما اهل بیت را دوست دارم_ : خدا را ، خدا را ! پس پوششی در برابر فقر، آماده کن ؛ زیرا فقر به سوی کسی که ما را دوست دارد ، شتابنده تر است تا شتاب سیل از بالای تپّه به پایین آن .

السنن الکبری_ به نقل از ابن عباس_ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیازمند شد . این خبر به گوش علی علیه السلام رسید و او از خانه بیرون رفت تا بلکه کاری پیدا کند و از طریق آن ، چیزی به دست آورد و برای پیامبر صلی الله علیه و آله بفرستد . پس به باغ مردی یهودی رفت و در برابر دریافت هفده دانه خرما برایش هفده دَلُو آب از چاه کشید . مرد یهودی ، علی علیه السلام را در بر داشتن هفده خرماي انباشته [در ظرف خرما] مخیر کرد و علی علیه السلام آنها را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آورد . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «اینها از کجاست ، ای ابو الحسن؟» . گفت : ای پیامبر خدا! مَطَّلَع شدم که شما نیازمند شده اید. پس در جستجوی کار، بیرون رفتم تا برایتان غذایی فراهم آورم . پیامبر خدا فرمود : «پس عشق و محبّت به خدا و پیامبر او ، تو را به این کار وا داشت؟» . علی گفت : آری ، ای پیامبر خدا! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «به خدا سوگند، هیچ بنده ای نیست که خدا و پیامبر او را دوست داشته باشد ، مگر این که فقر به سوی او شتابنده تر می رود تا حرکت سیلاب به سمت جلو . هر که خدا و پیامبرش را دوست می دارد ، باید پوششی تهیّه کند» . منظور ایشان، شکیبایی بود .

المعجم الكبير عن عنمة الجهني: خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَلَقِيَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأبي وأمي أنت، إِنَّهُ لَيْسَ وَفِي الَّذِي أَرَى بِوَجْهِكَ، وَعَمَّا هُوَ؟ قَالَ: فَنَظَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى وَجْهِ الرَّجُلِ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: الْجُوعُ. فَخَرَجَ الرَّجُلُ يَعدُو— أو شَبِيهَا بِالْعَدُو— حَتَّى أَتَى بَيْتَهُ فَالْتَمَسَ فِيهِ الطَّعَامَ فَلَمْ يَجِدْ شَيْئًا، فَخَرَجَ إِلَى بَنِي قُرَيْظَةَ فَأَجْرَ نَفْسَهُ بِكُلِّ دَلْوٍ يَنْزَعُهَا تَمْرَةً حَتَّى جَمَعَ حَفْنَةً أَوْ كَفًّا مِنْ تَمْرٍ، ثُمَّ رَجَعَ بِالْتَمْرِ حَتَّى وَجَدَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَرِمْ (1)، فَوَضَّعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَقَالَ: كُلْ أَيُّ رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا التَّمْرُ؟ فَأَخْبَرَهُ الْخَبَرَ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي لَا أَظُنُّكَ تُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ؟ قَالَ: أَجَلٌ، وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَمَالِي. فَقَالَ: أَمَا لَا فَاصْطَبِرِ لِلْفَاقَةِ، وَأَعِدِّ لِلْبَلَاءِ تَجَنُّفًا، فَوَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ! لَهُمَا إِلَى مَنْ يُجِبُّنِي أُسْرِعُ مِنْ هُبُوطِ الْمَاءِ مِنْ رَأْسِ الْجَبَلِ إِلَى أَسْفَلِهِ (2).

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيُعِدِّ لِلْبَلَاءِ جَلْبَابًا (3).

عنه عليه السلام: مَنْ تَوَلَّانا فَلْيَلْبَسِ لِلْمِحْنِ إِهَابًا (4).

-
- 1- رام بالمكان: أقام وثبت، ولم يزل فيه (المنجد: ص 290 «رام»).
 - 2- المعجم الكبير: ج 18 ص 84 ح 155، الإصابة: ج 4 ص 611 الرقم 6097 نحوه، أسد الغابة: ج 4 ص 294 ح 4112 وفيه صدره إلى «قال: الجوع»، كنز العمال: ج 6 ص 483 ح 16644.
 - 3- غرر الحكم: ج 5 ص 427 ح 9037، عيون الحكم والمواعظ: ص 464 ح 8443.
 - 4- غرر الحكم: ج 5 ص 427 ح 9038، عيون الحكم والمواعظ: ص 464 ح 8444.

المعجم الكبير_ به نقل از عنمه جُهَنی _ : روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد. در راه ، مردی از انصار به ایشان بر خورد و گفت : پدر و مادرم، فدایت ای پیامبر خدا! حالت ناراحت کننده ای در چهره شما می بینم . علتش چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله لختی به صورت آن مرد نگاه کرد و سپس فرمود : «گرسنگی» . آن مرد ، دوان دوان یا با حالتی شبیه دویدن به منزل خود رفت و در جستجوی غذایی بر آمد ؛ اما چیزی نیافت . پس نزد بنی قریظه رفت و به کارگری پرداخت و قرار گذاشت در قبال هر دلو آبی که از چاه می کشد ، یک دانه خرما بگیرد . او از این طریق ، یک مِشْت یا یک کف دست، خرما جمع کرد و آن گاه با خرماها بر گشت و دید پیامبر صلی الله علیه و آله از همان جایی که نشسته بود ، تکان نخورده است . خرماها را در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود : «این خرماها را از کجا آوردی؟» . مرد انصاری، ماجرا را برای ایشان بازگو کرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود : «من گمان می کنم که تو خدا و پیامبر او را دوست داری؟» . گفت : آری . سوگند به آن که تو را به حق بر انگیخت، تو را از خودم و فرزندانم و عیالم و دارایی ام بیشتر دوست دارم . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «پس در این صورت برای فقر ، تمرین شکیبایی کن و برای گرفتاری، پوششی فراهم آر ؛ زیرا _ سوگند به آن که مرا به حق بر انگیخت _ ، فقر و گرفتاری، به سوی کسی که دوستدار من است ، شتابنده تر می آید تا فرود آمدن آب از فراز کوه به پایین آن» .

امام علی علیه السلام : هر که ما را دوست دارد ، پس بالا پوشی برای گرفتاری آماده کند .

امام علی علیه السلام : هر که ولایت ما را پذیرفت ، باید که برای رنج ها ، لباسی پوستیان بپوشد .

عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلْبَلَاءِ . (1)

عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا . (2)

المؤمن عن الأصمغ بن نباتة: كُنْتُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَاعِدًا ، فَجَاءَ رَجُلٌ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَاللَّهِ إِنِّي لِأَحِبُّكَ فِي اللَّهِ ، فَقَالَ : صَدَقْتَ ، إِنَّ طِينَتَنَا مَخْزُونَةٌ ، أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهَا مِنْ صُدْبِ آدَمَ ، فَاتَّخَذَ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : وَاللَّهِ يَا عَلِيُّ ، إِنَّ الْفَقْرَ لِأَسْرَعُ إِلَى مُحِبِّكَ مِنَ السَّبِيلِ إِلَى بَطْنِ الْوَادِي . (3)

الأمامي للطوسي عن الأصمغ بن نباتة: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي لِأَحِبُّكَ فِي السَّرِّ كَمَا أُحِبُّكَ فِي الْعَلَانِيَةِ . قَالَ : فَكَتَمْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَا كَانَ فِي يَدِهِ سَاعَةً ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ : كَذَبْتَ وَاللَّهِ ، مَا أَعْرِفُ وَجْهَكَ فِي الْوُجُوهِ ، وَلَا اسْمَكَ فِي الْأَسْمَاءِ . فَعَجِبْتُ مِنْ ذَلِكَ عَجَبًا شَدِيدًا ، فَلَمَّ أَبْرَحَ حَتَّى أَتَاهُ رَجُلٌ آخَرَ فَقَالَ : وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنِّي لِأَحِبُّكَ فِي السَّرِّ كَمَا أُحِبُّكَ فِي الْعَلَانِيَةِ . فَكَتَمْتُ بَعْدَهُ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ طَوِيلًا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ : صَدَقْتَ ، إِنَّ طِينَتَنَا طَيِّبَةٌ مَرْحُومَةٌ ، أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهَا يَوْمَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ ، فَلَا يَشُدُّ مِنْهَا شَاذٌ ، وَلَا يَدْخُلُ فِيهَا دَاخِلٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . أَمَا إِنَّهُ فَاتَّخَذَ لِلْفَاقَةِ جِلْبَابًا ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : «الْفَاقَةُ إِلَى مُحِبِّكَ أَسْرَعُ مِنَ السَّبِيلِ الْمُتَحَدِّرِ مِنْ أَعْلَى الْوَادِي إِلَى أَسْفَلِهِ» . (4)

1- الغارات : ج 2 ص 588 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 2 ص 802 ح 9 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 336 ؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 4 ص 105 .

2- نهج البلاغة : الحكمة 112 ، الأمامي للسيد المرتضى : ج 1 ص 13 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 2 ص 802 ح 9 ، بحار الأنوار : ج 34 ص 284 ح 1032 ؛ الفائق في غريب الحديث : ج 1 ص 229 ، النهاية في غريب الحديث : ج 1 ص 283 ح 37615 ، كنز العمال : ج 13 ص 639 .

3- المؤمن : ص 16 ح 5 ، أعلام الدين : ص 432 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 3 ح 1 .

4- الأمامي للطوسي : ص 409 ح 921 ، بصائر الدرجات : ص 390 ح 1 ، الاختصاص : ص 311 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 67 ص 227 ح 36 .

امام علی علیه السلام: هر که ما اهل بیت را دوست دارد، پس ساز و برگی برای گرفتاری فراهم آورد.

امام علی علیه السلام: هر که ما اهل بیت را دوست دارد، باید که جامه ای برای فقر آماده سازد.

المؤمن - به نقل از اصبع بن نباته - : در خدمت امیر مؤمنان علیه السلام نشسته بودم که مردی آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! به خدا سوگند که من تو را [به خاطر خدا] دوست می دارم. فرمود: «راست گفتی. همانا طینت ما، در خزانه الهی بود و خداوند برای آن از پشت آدم، پیمان گرفت. پس تن پوشی برای فقر بر گیر؛ زیرا شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: ای علی! به خدا سوگند که فقر، به سوی دوستان تو شتابنده تر است تا شتاب سیل به درون درّه».

الأمالی، طوسی - به نقل از اصبع بن نباته - : در خدمت امیر مؤمنان علیه السلام نشسته بودم که مردی آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! من تو را در باطن، همان قدر دوست دارم که در ظاهر دوستت می دارم. امیر مؤمنان علیه السلام با نوك چوبی که در دست داشت، مدتی متفکرانه به زمین زد و آن گاه سر بر داشت و فرمود: «به خدا که دروغ می گویی. من نه چهره تو را در میان چهره ها [ای دوستانم] می بینم و نه نامت را در میان نام ها». من از این سخن، سخت تعجب کردم. چندی نگذشت که مرد دیگری آمد و گفت: به خدا سوگند - ای امیر مؤمنان - من تو را در باطن، همان گونه دوست دارم که در ظاهر دوستت می دارم. امام علیه السلام این بار نیز با نوك همان چوبش مدتی طولانی به زمین زد و سپس سرش را بلند کرد و فرمود: «راست می گویی. به راستی که طینت ما، طینتی رحمت شده است. خداوند در روز پیمان گیری، پیمانش را گرفت. بنا بر این، تا روز قیامت، نه عضوی از آن جدا می شود و نه بیگانه ای وارد آن می گردد. هان! پس بالا پوشی برای فقر بر گیر؛ زیرا شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: حرکت فقر به سوی دوستان تو، شتابنده تر است از حرکت سیل از بالای درّه به پایین آن».

رجال الكشي عن محمد بن مسلم: خَرَجْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَأَنَا وَجَعٌ ثَقِيلٌ، فَقِيلَ لَهُ [أَي لَأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ]: مُحَمَّدٌ بْنُ مُسْلِمٍ وَجَعٌ، فَأَرْسَلَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ بِشَرَابٍ مَعَ الْغُلَامِ مُغَطَّى بِمِنْدِيلٍ، فَنَاوَلَنِيهِ الْغُلَامُ وَقَالَ لِي: إِشْرَبْهُ فَإِنَّهُ قَدْ أَمَرَنِي أَنْ لَا أَرْجِعَ حَتَّى تَشْرَبَهُ، فَتَنَاوَلْتُهُ فَإِذَا رَائِحَةُ الْمِسْكِ مِنْهُ، وَإِذَا شَرَابٌ طَيِّبٌ الطَّعْمُ بَارِدٌ، فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِي الْغُلَامُ: يَقُولُ لَكَ إِذَا شَرِبْتَ فَتَعَالَ. فَفَكَّرْتُ فِيمَا قَالَ لِي وَلَا أَقْدِرُ عَلَى التَّهْوِضِ قَبْلَ ذَلِكَ عَلَى رَجُلِي، فَلَمَّا اسْتَقَرَّ الشَّرَابُ فِي جَوْفِي كَأَنَّمَا نَشَطْتُ مِنْ عَقَالٍ، فَأَتَيْتُ بَابَهُ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ، فَصَوَّتَ بِي: صَحَّ الْجِسْمُ، ادْخُلْ ادْخُلْ. فَدَخَلْتُ وَأَنَا بَاكٍ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَقَبَّلْتُ يَدَهُ وَرَأْسَهُ، فَقَالَ لِي: وَمَا يُبْكِيكَ يَا مُحَمَّدٌ؟ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِي دَاكٍ، أَبْكِي عَلَى اغْتِرَابِي وَبُعْدِ الشُّقَّةِ وَقِلَّةِ الْمَقْدِيرَةِ عَلَى الْمَقَامِ عِنْدَكَ وَالنَّظَرِ إِلَيْكَ. فَقَالَ لِي: أَمَا قِلَّةُ الْمَقْدِيرَةِ فَكَذَلِكَ جَعَلَ اللَّهُ أَوْلِيَاءَنَا وَأَهْلَ مَوَدَّتِنَا وَجَعَلَ الْبَلَاءَ إِلَيْهِمْ سَرِيعًا. وَأَمَا مَا ذَكَرْتَ مِنَ الْغُرْبَةِ فَلَكَ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَسْوَأُ بِأَرْضِ نَاءِ عَنَّا بِالْفُرَاتِ. وَأَمَا مَا ذَكَرْتَ مِنَ بُعْدِ الشُّقَّةِ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي هَذِهِ الدَّارِ غَرِيبٌ وَفِي هَذَا الْخَلْقِ الْمَنكُوسِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ. وَأَمَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ حُبِّكَ قُرْبَنَا وَالنَّظَرَ إِلَيْنَا وَأَنَّكَ لَا تَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ، فَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قَلْبِكَ وَجَزَاؤُكَ عَلَيْهِ. (1)

1- رجال الكشي: ج 1 ص 391 ح 281، الاختصاص: ص 52، كامل الزيارات: ص 462 ح 705، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 181 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 46 ص 334 ح 18.

رجال الکشی۔ به نقل از محمد بن مسلم۔ با جسمی دردمند و سنگین، به مدینه رفتیم. به ایشان (امام باقر علیه السلام) گفته شد: محمد بن مسلم، دردمند و علیل است. امام علیه السلام به وسیله خدمتکار خود، ظرف شربتی که روی آن با دستمالی پوشیده شده بود، برایم فرستاد. خدمتکار، ظرف را به دست من داد و گفت: بنوش؛ زیرا امام علیه السلام به من دستور داده است که تا آن را ننوشی، بر نگردم. من ظرف را گرفتم. دیدم بوی مُشک از آن، بلند است و شربت خوش مزه و خنکی است. چون آن را نوشیدم، خدمتکار به من گفت: امام علیه السلام به تو می فرماید که وقتی نوشیدی، بیا. من در باره آنچه به من گفت، اندیشیدم، حال آن که پیش از آن، قادر نبودم بر پای خود بایستم؛ اما همین که آن شربت در معده ام جا گرفت، گویی بند از پایم گشوده شد. به در خانه امام علیه السلام رفتم و اجازه ورود خواستم. ایشان با صدای بلند به من فرمود: «تن درست باشی. داخل شو. داخل شو». من گریه کنان داخل شدم و به ایشان سلام کردم و دست و سرش را بوسیدم. فرمود: «ای محمد! چرا گریه می کنی؟». گفتم: فدایت شوم! برای غربتم و درازی سفر و تنگ دستی و این که نمی توانم پیش شما بمانم و بینماتان، می گیرم. فرمود: «در باره تنگ دستی، بدان که خداوند، دوستان و محبتان ما را این گونه قرار داده و بلا و سختی را به سوی آنان شتابانده است، و در باره آنچه از غربت گفتمی، بدان که ابا عبد الله را که در سرزمینی دور از ما در کنار فرات است، سرمشق خود قرار ده، و در باره آنچه از دوری سفر گفتمی، بدان که مؤمن، در این دنیا و در میان این مردم، باژگونه و غریب است تا آن که از این سرای به رحمت خدا رود، و اما این که گفتمی دوست داری نزدیک ما باشی و ما را ببینی؛ ولی نمی توانی این کار را بکنی، بدان که خداوند، از آنچه در قلبت می گذرد، آگاه است و تو را پاداش خواهد داد».

9/6 آثَارُ حُبِّهِمْ 6/9_ 1 تَمَحِيصُ الذُّنُوبِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُكْفِرُ الذُّنُوبَ، وَيُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ . (1)

الإمام الحسن عليه السلام: وَاللَّهِ، لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ أَبَدًا وَلَوْ كَانَ أَسِيرًا بِالدَّيْلَمِ إِلَّا نَفَعَهُ اللَّهُ بِحُبِّنَا، وَإِنْ حُبَّنَا لِيُسَاقِطَ الذُّنُوبَ مِنْ ابْنِ آدَمَ كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ نَفَعَهُ حُبُّنَا وَلَوْ كَانَ فِي جَبَلِ الدَّيْلَمِ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِغَيْرِ ذَلِكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، إِنْ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُسَاقِطُ عَنِ الْعِبَادِ الذُّنُوبَ كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام: بِحُبِّنَا تُغْفَرُ لَكُمْ الذُّنُوبُ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لِيَحُطُّ الذُّنُوبَ عَنِ الْعِبَادِ كَمَا تَحُطُّ الرِّيحُ الشَّدِيدَةُ الْوَرَقَ عَنِ الشَّجَرِ . (5)

1- الأمامي للطوسي : ص 164 ح 274 عن علي بن مهدي عن أبيه عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، إرشاد القلوب : ص 253 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 1 ص 384 ح 23 كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 68 ص 100 ح 5 .

2- الاختصاص : ص 82 ، رجال الكشي : ج 1 ص 329 ح 178 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 44 ص 24 ح 7 ، وراجع : خلاصة الأقوال : ص 81 ح 2 .

3- بشارة المصطفى : ص 3 عن أبي رزين ، قرب الإسناد : ص 39 ح 126 عن بكر بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام ، شرح الأخبار : ج 2 ص 513 ح 906 عن الإمام الحسين عليه السلام كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 116 ح 37 .

4- الأمامي للطوسي : ص 453 ح 1010 عن شجرة ، بشارة المصطفى : ص 67 عن خالد بن طهماز أبي العلاء الخفاف نحوه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 116 ح 40 .

5- ثواب الأعمال : ص 223 ح 1 ، قرب الإسناد : ص 39 ح 126 ، بشارة المصطفى : ص 270 كلها عن بكر بن محمد الأزدي ، بحار الأنوار : ج 27 ص 77 ح 9 .

9 / 6 آثار دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام

9 / 6 - 1 پاك شدن گناهان

9 / 6 آثار دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام 9 / 6 - 1 پاك شدن گناهانیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دوست داشتن ما اهل بیت ، گناهان را پاك می کند و حسنات را دو چندان می سازد .

امام حسن علیه السلام: به خدا سوگند ، هیچ بنده ای نیست که ما را دوست بدارد ، حتی اگر در دیلم اسیر باشد ، مگر این که خداوند به واسطه این محبت ما ، او را سود می بخشد . همانا دوست داشتن ما ، گناهان را از آدمی فرو می ریزاند ، همچنان که باد ، برگ های درختان را می ریزد .

امام زین العابدین علیه السلام: هر که ما را به خاطر خدا دوست بدارد ، این محبت او نسبت به ما وی را سود می بخشد ، حتی اگر در کوه دیلم باشد ، و هر که ما را به خاطر چیزی غیر از خدا دوست بدارد ، خداوند ، هر گونه که بخواهد ، عمل خواهد کرد . همانا دوست داشتن ما اهل بیت ، گناهان را از بندگان فرو می ریزاند ، همان گونه که باد ، برگ های درخت را می ریزد .

امام باقر علیه السلام: به واسطه دوست داشتن ما ، گناهان شما آمرزیده می شود .

امام صادق علیه السلام: دوست داشتن ما اهل بیت ، گناهان بندگان را می ریزد ، همان گونه که باد شدید برگ های درختان را می ریزد .

عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَأَحَبَّ مُجِبَّنَا لَا لِعَرَضٍ دُنْيَا يُصَيِّبُهَا مِنْهُ، وَعَادَى عَادُونَنَا لَا لِإِحْنَةٍ (1) كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ، ثُمَّ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ وَزَبَدِ الْبَحْرِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ. (2)

6 / 9_ 2 إطمئنان القلب بالإمام علي عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (3) قَالَ: ذَاكَ مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَأَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي صَادِقًا غَيْرَ كَاذِبٍ، وَأَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ شَاهِدًا وَغَائِبًا، أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ يَتَحَابُّونَ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام_ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» _ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَدْرِي فِيمَنْ نَزَلَتْ؟ قَالَ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: فِيمَنْ صَدَّقَ لِي، وَأَمَّنَ بِي، وَأَحَبَّكَ وَعَتَرَتَكَ مِنْ بَعْدِكَ، وَسَلَّمَ الْأَمْرَ لَكَ وَلِلْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِكَ. (5)

1- الإِحْنَةُ: الْحَقْدُ (النهاية: ج 1 ص 27 «أحن»).

2- الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص 156 ح 259، بشارة المصطفى: ص 90 كلاهما عن الحسين بن مصعب، إرشاد القلوب: ص 253، شرح الأخبار: ج 3 ص 490 ح 1419 عن عبد الله بن الحسين بن علي عن أبيه عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 54 ح 7 وراجع: أعلام الدين: ص 448.

3- الرعد: 28.

4- كنز العمال: ج 2 ص 442 ح 4448، الدر المنثور: ج 4 ص 642 كلاهما نقلًا عن ابن مردويه؛ الجعفریات: ص 224 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه.

5- تفسير فرات: ص 207 ح 274، بحار الأنوار: ج 23 ص 367 ح 36.

9 / 6 - آرامش دل

امام صادق علیه السلام: هر کس ما را و دوستدار ما را به خاطر خدا دوست بدارد، نه برای دست یافتن به غرض دنیایی، و دشمن ما را نیز دشمن بدارد، اما نه به خاطر کینه ای شخصی که میان آنهاست، اگر در روز قیامت با گناهایی به اندازه ریگ های ریگستان و کف دریا بیاید، خداوند متعال، او را می آمرزد.

6 / 9 - آرامش دل امام علی علیه السلام: هنگامی که آیه: «هان! با یاد خداست که دل ها آرام می گیرد» نازل شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این در باره کسی است که خدا و فرستاده او را دوست بدارد و اهل بیت مرا صادقانه و نه به دروغ دوست بدارد و مؤمنان را در پیش رو و پشت سر آنان، دوست بدارد. هان! با یاد خداست که همدیگر را دوست می دارند».

امام صادق علیه السلام - در باره آیه: «کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. هان! با یاد خداست که دل ها آرام می گیرد» - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «می دانی در باره چه کسی نازل شده است؟». گفت: خدا و رسول او بهتر می دانند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در باره کسی که مرا تصدیق کند و به من ایمان آورد و تو و عترت تو را دوست بدارد و کار را به تو و امامان پس از تو وا گذارد».

تأويل الآيات الظاهرة عن ابن عباس: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»، أَتَدْرِي يَا بَنَ أُمَّ سَلِيمٍ مَنْ هُمْ؟ قُلْتُ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَشِيعَتُنَا. (1)

9 / 6 _ 3 الحِكْمَةُ الإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَحَقَّقَ حُبَّنَا فِي قَلْبِهِ، جَرَى يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ عَلَى لِسَانِهِ، وَجُدَّدَ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ. (2)

راجع: ص 482 (أهل البيت عليهم السلام / الفصل التاسع / خير الدنيا والآخرة).

9 / 6 _ 4 استِكْمَالُ الدِّينِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ: حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي وَذُرِّيَّتِي استِكْمَالُ الدِّينِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: فَضَّلْتُ عَشِيرَتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَذُرِّيَّتِي كَفَضَلِ الْمَاءِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، بِالْمَاءِ يَبْقَى كُلُّ وَيَحْيَى، كَمَا قَالَ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» (4) وَمَحَبَّةُ (5) أَهْلِ بَيْتِي وَعَشِيرَتِي وَذُرِّيَّتِي يَسْتَكْمِلُ الدِّينَ. (6)

1- تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 233 ح 11، الدرّ النظيم: ص 806 عن أنس وفيه «يا بن سليمان» بدل «يا بن أمّ سليم»، بحار الأنوار: ج 35 ص 405 ح 29.

2- المحاسن: ج 1 ص 134 ح 167 عن المفصل بن عمر، بحار الأنوار: ج 27 ص 90 ح 43.

3- الأُمالي للصدوق: ص 259 ح 279 عن الحسن بن عبد الله عن أبيه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ج 37 ص 37 ح 4.

4- الأنبياء: 30.

5- كذا، ولعلّ الأنسب «والمحبة».

6- الاختصاص: ص 37 عن الحسين بن عبد الله عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.

تأویل الآيات الظاهرة_ به نقل از ابن عباس _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آیه : «کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد . هان! با یاد خداست که دل ها آرام می گیرد» را تلاوت کرد و فرمود : «ای پسر امّ سلیم! آیا می دانی اینها چه کسانی هستند؟» .
گفتم : چه کسانی هستند ، ای پیامبر خدا؟! فرمود : «ما اهل بیت و شیعیان ما» .

ر . ك : ص 483 (اهل بیت علیهم السلام / فصل نهم / خیر دنیا و آخرت)

9 / 6 _ 3 حکمت امام صادق علیه السلام : هر که ما اهل بیت را دوست بدارد و مهر ما را در قلبش جای دهد ، چشمه های حکمت بر زبانش جاری می گردند و ایمان در دلش نو می شود .

9 / 6 _ 4 کامل شدن دین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دوست داشتن اهل بیت من و فرزندانم ، کمال دین است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برتری خاندان و اهل بیت و ذریّه من ، مانند برتری آب بر چیزهای دیگر است . با آب است که همه چیز ، باقی و زنده می ماند ، چنان که خدای _ تبارک و تعالی _ فرموده : «و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم . آیا ایمان نمی آورند؟» . با محبت اهل بیت و خاندان و ذریّه من است که دین کامل می شود .

6 / 9 _ 15 لاغْتِيَاطِ عِنْدَ الْمَوْتِ الكافي عن عبد الله بن الوليد: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي زَمَنِ مَرْوَانَ فَقَالَ: مَنْ أَنْتُمْ؟ فَقُلْنَا: مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، فَقَالَ: مَا مِنْ بَلَدَةٍ مِنَ الْبُلْدَانِ أَكْثَرَ مُحِبِّينَا لَنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ، وَلَا سِيَّمَا هَذِهِ الْعِصَابَةَ. إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ هَدَاكُمْ لِأَمْرِ جَهْلَةَ النَّاسِ، وَأَحْبَبْتُمُونَا وَأَبْغَضْنَا النَّاسِ، وَأَتَّبَعْتُمُونَا وَخَالَفْنَا النَّاسِ، وَصَدَّقْتُمُونَا وَكَذَّبْنَا النَّاسِ، فَأَحْيَاكُمْ اللَّهُ مَحْيَانَا، وَأَمَاتَكُمْ (اللَّهُ) مَمَاتَنَا، فَأَشْهَدُ عَلَى أَبِي أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ أَنْ يَرَى مَا يَقْرَأُ اللَّهُ بِهِ عَيْنَهُ وَأَنْ يَغْتَبِطَ إِلَّا أَنْ تَبْلُغَ نَفْسُهُ هَذِهِ _ وَأَهْوَى بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ _ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً» (1)، فَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (2)

6 / 9 _ 6 شَفَاعَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَفَاعَتِي لِأُمَّتِي مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي، وَهُمْ شِيعَتِي. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: الرِّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ يُوَدُّنَا، دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا. (4)

1- الرعد : 38 .

2- الكافي : ج 8 ص 81 ح 38 ، الأماي للطوسي : ص 144 ح 234 ، بشارة المصطفى : ص 81 وفيهما «بني مروان» بدل «مروان» وهو الصحيح لأنَّ ولادة الإمام الصادق عليه السلام كانت في أيام عبد الملك بن مروان ، بحار الأنوار : ج 100 ص 393 ح 24 ، وراجع : الأصول الستة عشر : ص 246 ح 312 .

3- تاريخ بغداد : ج 2 ص 146 الرقم 563 عن عمر بن عليّ عن الإمام عليّ عليه السلام ، كنز العمال : ج 12 ص 100 ح 34179 .

4- المعجم الأوسط : ج 2 ص 360 ح 2230 عن ابن أبي ليلى عن الإمام الحسن عليه السلام ؛ الأماي للمفيد : ص 13 ح 1 وفيه «يحبّنا» بدل «يودّنا» ، المحاسن : ج 1 ص 135 ح 169 كلاهما عن عبد الرحمن بن أبي ليلى عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الأماي للطوسي : ص 187 ح 314 ، بشارة المصطفى : ص 100 كلاهما عن أبي ليلى عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، إرشاد القلوب : ص 254 عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 27 ص 101 ح 63 .

9 / 6 - 5 خوش حالی هنگام مرگ
9 / 6 - 6 شفاعت اهل بیت علیهم السلام

9 / 6 - 5 خوش حالی هنگام مرگ الکافی_ به نقل از عبد الله بن ولید _ در زمان مروان به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم . پرسید : «شما کیستید؟» . گفتیم : از مردم کوفه هستیم . فرمود : «مردم هیچ شهری به اندازه کوفه دوستدار ما نیستند ، بویژه این گروه . خداوند عز و جل شما را به موضوعی ره نمون شد که دیگر مردم ، آن را نمی دانند . شما ما را دوست دارید و مردم ، دشمنمان می دارند . شما از ما پیروی می کنید و مردم از ما سرپیچی می کنند . شما ما را قبول دارید و مردم ، ما را قبول ندارند . خداوند ، زندگی و مرگ شما را چون زندگی و مرگ ما قرار دهد! گواهی می دهم که پدرم می فرمود : هر يك از شما ، زمانی که نفسش به این جا رسد _ و با دست خود به گلویش اشاره نمود _ ، چیزی را مشاهده خواهد کرد که خداوند به واسطه آن ، چشمش را روشن کند و خوش حال شود . خدای عز و جل در کتاب خود فرموده است : «و قطعاً پیش از تو نیز رسولانی فرستادیم و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادیم» . ما ، فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستیم» .

9 / 6 - 6 شفاعت اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شفاعت من از امّتم، شامل کسانی می شود که اهل بیت مرا دوست داشته باشند و آنان، شیعیان من هستند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همواره دوستدار ما اهل بیت باشید ؛ زیرا هر کس در روز قیامت، خدای عز و جل را در حالی که ما را دوست داشته باشد دیدار کند ، با شفاعت ما به بهشت می رود .

الإمام عليّ عليه السلام: لا تُعْتَنُونَا فِي الطَّلَبِ وَالشَّفَاعَةِ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا قَدَّمْتُمْ . . . لَنَا شَفَاعَةٌ وَلِأَهْلِ مَوَدَّتِنَا شَفَاعَةٌ ، فَتَنَافَسُوا فِي لِقَائِنَا عَلَى الْحَوْضِ ، فَإِنَّا نَدُودٌ عَنْهُ أَعْدَاءُنَا وَنَسَقِي مِنْهُ أَحِبَّاءَنَا وَأَوْلِيَاءَنَا . (1)

6/9 _ 7 نورُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَكْثَرُكُمْ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُكُمْ حُبًّا لِإِلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : أَمَا وَاللَّهِ لَا يُحِبُّ أَهْلَ بَيْتِي عَبْدٌ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ نُورًا حَتَّى يَرِدَ عَلَيَّ الْحَوْضَ ، وَلَا يُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِي عَبْدٌ إِلَّا احْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (3)

6/9 _ 8 الأَمْنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (4)

1- .الخصال : ص 614 _ 624 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 8 ص 34 ح 3 .

2- .شواهد التنزيل : ج 2 ص 310 ح 948 عن سالم عن أبيه .

3- .شواهد التنزيل : ج 2 ص 310 ح 947 عن أبي سعيد الخدري ؛ الأملاني للمفيد : ص 135 ح 3 عن أبي سعيد الخدري نحوه ، بحار الأنوار : ج 22 ص 476 ح 25 وراجع : ص 143 ح 6331 من كتابنا هذا .

4- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 58 ح 220 عن أبي محمد الحسن بن عبد الله الرازي التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 79 ح 15 .

9 / 6 - 7 روشنایی در روز قیامت

9 / 6 - 8 ایمنی در روز قیامت

امام علی علیه السلام: با کارهایی که می کنید، مانع از آن نشوید که ما در روز قیامت برایتان خواهش و شفاعت کنیم... ما حق شفاعت داریم و دوستان ما نیز حق شفاعت دارند. پس برای دیدار ما در کنار حوض کوثر با یکدیگر رقابت کنید؛ زیرا ما دشمنان خود را از حوض دور می کنیم و دوستان و علاقه مندان خود را از آن، آب می دهیم.

9 / 6 - 7 روشنایی در روز قیامت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پرنورترین شما در روز قیامت، کسی است که خاندان محمد صلی الله علیه و آله را بیشتر دوست بدارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! به خدا سوگند، هیچ بنده ای اهل بیت مرا دوست ندارد، مگر این که خداوند عز و جل به او نوری عطا می فرماید تا این که در کنار حوض بر من وارد شود، و هیچ بنده ای اهل بیت مرا دشمن نمی دارد، مگر این که در روز قیامت، خداوند، از او محبوب می شود.

9 / 6 - 8 ایمنی در روز قیامت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که ما اهل بیت را دوست بدارد، خداوند متعال، در روز قیامت، او را در [امن و] امان، محشور می فرماید.

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا وَمَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ وَالصَّرَاطِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالُهُنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاةِ، وَفِي الْقَبْرِ، وَعِنْدَ التُّشُورِ، وَعِنْدَ الْكِتَابِ، وَعِنْدَ الْحِسَابِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ، وَعِنْدَ الصَّرَاطِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَيُنْتَفَعُ بِهِ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ: عِنْدَ اللَّهِ (3)، وَعِنْدَ الْمَوْتِ، وَعِنْدَ الْقَبْرِ، وَيَوْمَ الْحَشْرِ، وَعِنْدَ الْحَوْضِ، وَعِنْدَ الْمِيزَانِ، وَعِنْدَ الصَّرَاطِ . (4)

6/9 _ 9 الثَّبَاتُ عَلَى الصَّرَاطِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَثْبَتَكُمْ عَلَى الصَّرَاطِ، أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِي وَلِأَهْلِ بَيْتِي . (5)

1- فضائل الشيعة: ص 47 ح 1، بشارة المصطفى: ص 37، كشف اليقين: ص 263 ح 294، مئة منقبة: ص 149 ح 95، إرشاد القلوب: ص 235 كلُّها عن ابن عمر، بحار الأنوار: ج 27 ص 120 ح 100؛ المناقب للخوارزمي: ص 73 ح 51، مقتل الحسين للخوارزمي: ج 1 ص 40 كلاهما عن ابن عمر.

2- النخصال: ص 360 ح 49 عن جابر عن الإمام الباقر عن أبيه عليهما السلام، فضائل الشيعة: ص 47 ح 2، الأماشي للصدوق: ص 60 ح 17، بشارة المصطفى: ص 17 كلُّها عن جابر عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدِّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، جامع الأخبار: ص 513 ح 1441 عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ وليس فيه «حبي»، كفاية الأثر: ص 108 عن واثلة بن الأسقع، بحار الأنوار: ج 27 ص 158 ح 3.

3- قال المجلسي رحمه الله بعد نقل الخبر: «عند الله» أي في الدنيا بقربه لديه، أو استجابة دعائه وقبول أعماله، أو في درجات الجنة، أو عند الحضور عند الله للحساب، أو استجابة دعائه وقبول أعماله (بحار الأنوار: ج 27 ص 158 ح 3).

4- المحاسن: ج 1 ص 250 ح 471 عن محمد بن الفضل الهاشمي، بحار الأنوار: ج 27 ص 158 ح 4.

5- جامع الأحاديث للقمي (الغايات): ص 231 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.

9 / 6 - استواری بر صراط

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که هر کس، خاندان محمد را دوست داشته باشد، از حساب و میزان و صراط، در امان خواهد بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دوست داشتن من و دوست داشتن اهل بیت من، در هفت جای بسیار وحشتناک، سود می بخشد: هنگام مردن، در قبر، روز محشر، هنگام دادن نامه اعمال، هنگام حساب، نزد میزان و در عبور از صراط.

امام صادق علیه السلام: دوست داشتن ما اهل بیت، در هفت جا مفید خواهد بود: در پیشگاه خدا، هنگام مردن، در قبر، روز محشر، در کنار حوض کوثر، نزد میزان و در عبور از صراط.

9 / 6 - استواری بر صراط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: استوارترین شما بر صراط، کسی است که علاقه اش نسبت به من و اهل بیتم بیشتر باشد.

عنه صلى الله عليه وآله: أثبتكم قدما على الصراط، أشدكم حبا لأهل بيتي. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: ما أحبنا أهل البيت أحد فزلت به قدم إلا ثبتت قدم أخرى، حتى ينجيه الله يوم القيامة. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: لا تجد وليا لنا تزل قدماه جميعا، ولكن إذا زلت به قدم اعتمد على الأخرى حتى ترجع التي زلت. (3)

9 / 6 _ 10 النجاة من النار رسول الله صلى الله عليه وآله في بيان فضل فاطمة عليها السلام يوم القيامة _ يوحى الله عز وجل ليها: يا فاطمة، سأليني أعطيك، وتمني علي أرضيك. فتقول: إلهي أنت المني وفوق المني، أسألك أن لا تعذب مجيبي ومحب عترتي بالنار. فيوحى الله ليها: يا فاطمة، وعزتي وجلالي وارتفاع مكاني، لقد آليت على نفسي، من قبل أن أخلق السماوات والأرض بالفي عام، أن لا أعذب مجيبي ومجبي عترتك بالنار. (4)

تاريخ بغداد عن بلال بن حمادة: خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وآله ذات يوم ضاحكا مستبشرا، فقام إليه عبد الرحمن بن عوف فقال: ما أضحكك يا رسول الله؟ قال: بشارة أتتني من عند ربي، إن الله لما أراد أن يزوج عليا فاطمة أمر ملكا أن يهز شجرة طوبى، فهزها فنثرت رقافا _ يعني صكاكا _ وأنشأ الله ملائكة التقطوها، فإذا كانت القيامة نارت الملائكة في الخلق، فلا يرون مجبا لنا أهل البيت محضا إلا دفعوا إليه منها كتابا: براءة له من النار، من أخي وابن عمي وأبنتي فكاك رقاب رجال ونساء من أممي من النار. (5)

1- فضائل الشيعة: ص 48 ح 3 عن إسماعيل بن مسلم الشعيري عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الجعفریات: ص 182، النوادر للراوندي: ص 123 ح 139 بزيادة «ولأصحابي» في آخره وكلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 8 ص 69 ح 16؛ الصواع المحرقة: ص 187، كنز العمال: ج 12 ص 97 ح 34163 كلاهما نقلًا عن الديلمي عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وزاد فيهما «ولأصحابي».

2- درر الأحاديث النبوية: ص 51، تنبيه الغافلين عن فضائل الطالبين: ص 119 عن الإمام علي عليه السلام وفيه «اختار» بدل «أحبنا»

3- دعائم الإسلام: ج 1 ص 63.

4- تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 485 ح 12 عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج 27 ص 140 ح 144.

5- تاريخ بغداد: ج 4 ص 210 الرقم 1897، أسد الغابة: ج 1 ص 415 الرقم 492، المناقب للخوارزمي: ص 341 ح 361 كلاهما نحوه؛ مائة منقبة: ص 145 ح 92، الخرائج والجرائح: ج 2 ص 536 ح 11، المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 346، كشف الغمّة: ج 1 ص 92 عن مالك بن حمادة وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 43 ص 123 ح 31.

9 / 6 - 10 رهایی از آتش دوزخ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پابرجاترین شما بر صراط ، کسی است که محبتش به اهل بیت من ، بیشتر باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس نیست که ما اهل بیت را دوست داشته باشد ، مگر این که هر گاه يك گامش بلغزد ، گام دیگرش او را استوار می گرداند تا این که خداوند ، در روز قیامت نجاتش بخشد .

امام صادق علیه السلام :هیچ يك از دوستان ما را نخواهی یافت که هر دو پایش بلغزد ؛ بلکه هر گاه يك پایش بلغزد ، به پای دیگر خود تکیه می کند تا این که پای لغزیده اش به حال اول بر گردد .

9 / 6 - 10 رهایی از آتش دوزخپیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در بیان فضیلت و مقام فاطمه علیهاالسلام در روز قیامت _ :خداوند عز و جل به او وحی می فرماید که : «ای فاطمه! از من بخواه تا به تو عطا کنم و از من تمنا کن تا راضی ات گردانم» . پس فاطمه می گوید : خدای من! تو خود، آرزویی و فوق آرزو هستی . از تو می خواهم که دوستدار من و دوستدار عترتم را به آتش ، عذاب نکنی . خداوند به او وحی می فرماید که : «ای فاطمه! به عزت و جلال و عظمت مقام سوگند که من دو هزار سال پیش از آن که آسمان ها و زمین را بیافرینم ، به خود سوگند خورده ام که دوستداران تو و دوستداران عترت را به آتش ، عذاب نکنم» .

تاریخ بغداد_ به نقل از بلال بن حمزه _ :روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خندان و شادان به سوی ما آمد . عبد الرحمان بن عوف گفت : ای پیامبر خدا! برای چه می خندید؟ فرمود : «بشارتی از جانب پروردگارم به من رسید : هنگامی که خدا خواست فاطمه را به همسری علی در آورد ، به فرشته ای دستور داد درخت طوبی را تکان دهد و او آن را تکان داد و اوراق مکتوبی پراکنده شدند . خداوند ، فرشتگانی را ایجاد کرد که آنها را جمع کردند . پس چون قیامت شود ، آن فرشتگان در میان خلائق می گردند و هر يك از دوستداران مخلص ما اهل بیت را ببینند ، یکی از آن نوشته ها را به او می دهند که در آن، نوشته شده است : این، امان نامه ای است از آتش، از جانب برادرم و پسرعمویم و دخترم برای رهایی مردان و زنانی از آتش دوزخ».

الإمام الصادق عليه السلام: وَاللَّهِ، لَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَوَلَّى الْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَتَمَسَّهُ النَّارُ. (1)

9 / 6 _ 11 الْحَشْرُ مَعَ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَ بِيَدِ حَسَنِ وَحُسَيْنٍ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَذَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا، كَانَ مَعِي فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (2)

-
- 1- رجال النجاشي: ج 1 ص 138 الرقم 79 عن إلياس بن عمرو البجلي، الدعوات: ص 275 ح 788 عن علي بن عبد العزيز الخراز، شرح الأخبار: ج 3 ص 463 ح 1355 عن الحضرمي نحوه، بحار الأنوار: ج 68 ص 115 ح 35.
 - 2- سنن الترمذي: ج 5 ص 641 ح 3733، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 168 ح 576، فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 2 ص 694 ح 1185، تهذيب الكمال: ج 6 ص 228 الرقم 1248، تاريخ بغداد: ج 13 ص 287 الرقم 7255، تاريخ دمشق: ج 13 ص 196 ح 3163 و 3164 كلهما عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، كنز العمال: ج 13 ص 639 ح 37613؛ الأمالي للصدوق: ص 299 ح 337، بشارة المصطفى: ص 32 كلاهما عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 23 ص 116 ح 27.

9 / 6 - 11 محشور شدن با اهل بیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام: به خدا سوگند، هر بنده ای که خدا و پیامبرش را دوست داشته و ولایت امامان علیهم السلام را پذیرفته باشد و از دنیا برود، آتش دوزخ به او نمی رسد .

9 / 6 _ 11 محشور شدن با اهل بیت علیهم السلام امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت و فرمود: «هر که مرا و این دو و پدر و مادر این دو را دوست داشته باشد، روز قیامت در کنارم هم درجه من خواهد بود» .

عنه عليه السلام: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَنَا وَفَاطِمَةُ وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ مُجْتَمِعُونَ وَمَنْ أَحَبَّنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، نَأْكُلُ وَنَشْرَبُ حَتَّى يُفَرَّقَ بَيْنَ الْعِبَادِ. فَبَلَغَ ذَلِكَ رَجُلًا مِنَ النَّاسِ، فَسَأَلَ عَنْهُ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ: كَيْفَ بِالْعَرَضِ وَالْحِسَابِ؟ فَقُلْتُ لَهُ: كَيْفَ كَانَ لِصَاحِبِ يَاسِينَ بِذَلِكَ حِينَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ مِنْ سَاعَتِهِ؟ (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ أَهْلَ بَيْتِي وَمَنْ أَحَبَّهُمْ مِنْ أُمَّتِي كَهَاتَيْنِ - يَعْنِي السَّبَابَتَيْنِ - . (2)

كفاية الأثر عن أبي ذرٍّ عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّنِي وَأَهْلَ بَيْتِي كُنَّا نَحْنُ وَهُوَ كَهَاتَيْنِ - وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوَسْطَى - . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي اللَّهِ حُسْرًا مَعَنَا وَأَدْخَلْنَا مَعَنَا الْجَنَّةَ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ . (5)

الأمالي للطوسي عن أبي ذرٍّ: قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، إِنِّي أَحِبُّ أَقْوَامًا مَا أْبْلُغُ أَعْمَالَهُمْ . فَقَالَ: يَا أَبَا ذرٍّ، الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ وَلَهُ مَا اكْتَسَبَ . قُلْتُ: فَإِنِّي أَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَأَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ . قَالَ: فَإِنَّكَ مَعَ مَنْ أَحَبَبْتَ . (6)

1- المعجم الكبير: ج 3 ص 41 ح 2623، تاريخ دمشق: ج 13 ص 727 وفيه صدره إلى «العباد» وكلاهما عن عمرو بن عليّ، كنز العمال: ج 12 ص 98 ح 34165.

2- مقاتل الطالبين: ص 76، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 16 ص 45 كلاهما عن سفيان عن الإمام الحسن عن أبيه عليهما السلام، ذخائر العقبى: ص 51 عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله؛ الغارات: ج 2 ص 586 عن الإمام الحسن عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، الملاحم والفتن: ص 229 ح 331، المناقب للكوفي: ج 2 ص 129 ح 614 كلاهما عن سفيان بن أبي ليلى عن الإمام الحسن عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «أحبتني» بدل «أحبهم»، بحار الأنوار: ج 44 ص 60 ح 7.

3- كفاية الأثر: ص 35، بحار الأنوار: ج 36 ص 293 ح 122.

4- كفاية الأثر: ص 296 عن زيد بن عليّ عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 46 ص 202 ح 77.

5- مشكاة الأنوار: ص 156 ح 390 و ص 220 ح 609، الأمالي للصدوق: ص 278 ح 308، أعلام الدين: ص 187 كلاهما عن نوف البكالي عن الإمام عليّ عليه السلام، روضة الواعظين: ص 457، بحار الأنوار: ج 77 ص 383 ح 9.

6- الأمالي للطوسي: ص 632 ح 1303، كشف الغمّة: ج 2 ص 41، بحار الأنوار: ج 27 ص 105 ح 75؛ سنن أبي داود: ج 4 ص 333 ح 5126، سنن الدارمي: ج 2 ص 777 ح 2685، الأدب المفرد: ص 112 ح 351، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 107 ح 21519 والأربعة الأخيرة نحوه، كنز العمال: ج 9 ص 11 ح 24684.

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت، من و فاطمه و حسن و حسین و دوستان ما گرد هم می آییم و می خوریم و می آشامیم تا زمانی که حسابرسی بندگان تمام شود». این خبر به گوش یکی از مردم رسید و در باره آن سؤال کرد و من خبر را برای او گفتم. او گفت: پس عرضه اعمال و حسابرسی، چه می شود؟ به او گفتم: این، برای صاحب یاسین (1) چگونه بود، که در دم، به بهشت رفت؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بیت من و کسانی از امت من که آنان را دوست دارند، مانند این دو_ دو انگشت اشاره که در پهلوی هم قرار گرفته باشند_ در کنار حوض کوثر بر من وارد می شوند.

کفایة الأثر_ به نقل از ابو ذر: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که من و اهل بیتم را دوست داشته باشد، ما و او، مانند این دو خواهیم بود» و انگشت اشاره و میانه خود را نشان داد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که ما اهل بیت را به خاطر خدا دوست داشته باشد، با ما محشور می شود و ما او را با خود به بهشت می بریم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که ما را دوست بدارد، روز قیامت با ما خواهد بود. انسان، حتی اگر سنگی را دوست بدارد، خداوند، او را با همان سنگ، محشور می کند.

الأمالی، طوسی_ به نقل از ابو ذر_ گفتیم: ای پیامبر خدا! من مردمی را دوست دارم؛ اما در اعمالشان به پای آنها نمی رسم. فرمود: «ای ابو ذر! آدمی با کسی محشور می شود که دوستش می دارد و نتیجه عمل خود را می بیند». گفتم: من، خدا و فرستاده خدا و اهل بیت پیامبرش را دوست دارم. فرمود: «پس تو با همان کسی محشور می شوی که دوست داری».

1- مقصود، قهرمان یاد شده در آیات 20 تا 27 از سوره «یاسین» (مؤمن آل فرعون) است که خداوند، میان ایمان آوردنش و دعوتش از مردم و ورودش به بهشت، هیچ فاصله ای حتی شهادتش را ذکر نمی کند.

المعجم الكبير عن بشر بن غالب عن الإمام الحسين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ صَاحِبَ الدُّنْيَا يُحِبُّهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ كُنَّا نَحْنُ وَهُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ _ وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوَسْطَى . (1)

الأمامي للطوسي عن بشر بن غالب عن الإمام الحسين عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَرَدْنَا نَحْنُ وَهُوَ عَلَى نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَكَذَا _ وَضَمَّ إصْبَعَيْهِ ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تَسْعُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ . (2)

المحاسن عن بشر بن غالب الأسدي: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : قَالَ لِي : يَا بَشْرُ بْنُ غَالِبٍ ، مَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلَّهِ ، جِئْنَا نَحْنُ وَهُوَ كَهَاتَيْنِ _ وَقَدَّرَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ _ وَمَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلدُّنْيَا ، فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسِعَ عَدْلُهُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ . (3)

أعلام الدين عن الإمام الصادق عليه السلام عن أبيه عليهم السلام عن الإمام الحسين عليه السلام: فَصِيرَةٌ عَنْ طَوِيلَةٍ (4) : مَنْ أَحَبَّنَا لَمْ يُحِبَّنَا لِقَرَابَةٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ ، وَلَا لِمَعْرُوفٍ أَسَدِينَاهُ إِلَيْهِ ، إِنَّمَا أَحَبَّنَا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ ، فَمَنْ أَحَبَّنَا جَاءَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ _ وَقَرَنَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ . (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام: فَصِيرَةٌ مِنْ طَوِيلَةٍ : مَنْ أَحَبَّنَا لَا لِلدُّنْيَا يُصَيِّئُهَا مِنَّا ، وَعَادَى عَدُوَّنَا لَا لِشَحْنَاءٍ كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ ، أَتَى اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِبْرَاهِيمَ وَعَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ . (6)

- 1- المعجم الكبير: ج 3 ص 125 ح 2880؛ شرح الأخبار: ج 1 ص 444 ذيل ح 116 .
- 2- الأمامي للطوسي: ص 253 ح 455، بشارة المصطفى: ص 123 كلاهما عن بشر بن غالب، بحار الأنوار: ج 27 ص 84 ح 26؛ تاريخ دمشق: ج 14 ص 184 عن بشر بن غالب .
- 3- المحاسن: ج 1 ص 134 ح 168 عن بشر بن غالب الأسدي، شرح الأخبار: ج 2 ص 488 ح 864 عن الإمام الحسن عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 90 ح 44 .
- 4- مثلٌ يُضْرَبُ لاختصار الكلام . والقصيرة هي التمرة، والطويلة هي النخلة (أنظر: مجمع الأمثال: ج 2 ص 499) .
- 5- أعلام الدين: ص 460 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 27 ص 128 ح 118 .
- 6- المحاسن: ج 1 ص 267 ح 517 عن أبي خالد الكابلي، بحار الأنوار: ج 27 ص 56 ذيل ح 12 .

المعجم الكبير_ به نقل از بشر بن غالب _ :امام حسین علیه السلام فرمود: «هر که ما را به خاطر دنیا دوست بدارد ، [باید بداند که] دنیادار را خوب و بد ، دوست دارند و هر کس ما را برای خدا دوست بدارد ، ما و او در روز قیامت ، مانند این دو خواهیم بود» و انگشت اشاره و میانه خود را نشان داد .

الأمالی، طوسی_ به نقل از بشر بن غالب _ :امام حسین علیه السلام فرمود: «هر که ما را به خاطر خدا دوست بدارد ، من و او، این چنین بر پیامبرمان صلی الله علیه و آله وارد خواهیم شد» و دو انگشت خود را به هم چسباند، و [افزود]: «و هر که ما را به خاطر دنیا دوست بدارد ، [بداند که] دنیا نیکوکار و بدکار را در بر می گیرد» .

المحاسن_ به نقل از بشر بن غالب اسدی _ :حسین بن علی علیه السلام برایم روایت کرد و فرمود : «ای بشر بن غالب ! هر که ما را دوست بدارد و این محبت او جز به خاطر خدا نباشد ، [در روز قیامت ،] ما و او، مانند این دو، وارد می شویم» و دو انگشت اشاره اش را به موازات هم قرار داد، و [افزود]: «و هر که ما را دوست بدارد و این محبت او جز برای دنیا نباشد ، [باید بداند که] هر گاه برپا کننده عدالت قیام کند ، دادگری او شامل نیکوکار و بدکار خواهد شد» .

أعلام الدین:امام حسین علیه السلام فرمود: «سخن ، مختصر کنم : هر کس ما را دوست بدارد ، نه به خاطر قرابتی که میان ما و اوست و یا به خاطر خوبی و احسانی که به او کرده ایم ، بلکه فقط به خاطر خدا و پیامبر او ما را دوست بدارد ، در روز قیامت با ما مانند این دو، وارد خواهد شد» و دو انگشت اشاره خود را به هم نزدیک نمود .

امام زین العابدین علیه السلام :سخن ، کوتاه کنم : هر کس ما را دوست بدارد ، ولی نه به خاطر آن که از قبیل ما به دنیایی برسد و دشمن ما را دشمن بدارد ، ولی نه به سبب کینه ای که میان آن دو است ، روز قیامت، به همراه محمد صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام و علی علیه السلام به پیشگاه خدا وارد می شود .

تفسير العياشي عن بريد بن معاوية العجلي: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ قَادِمٌ مِنْ خُرَّاسَانَ مَا شِئَا ، فَأَخْرَجَ رَجُلِيهِ وَقَدْ تَغَلَّقَتْ وَقَالَ : أَمَا وَاللَّهِ ، مَا جَاءَ بِي مِنْ حَيْثُ جِئْتُ إِلَّا حُبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ . فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ ، لَوْ أَحْبَبْنَا حَجْرًا حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا ، وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ . (1)

الكافي عن يوسف بن ثابت بن أبي سعيدة عن الإمام الصادق عليه السلام أَنَّهُمْ قَالُوا حِينَ دَخَلُوا عَلَيْهِ : إِنَّمَا أَحْبَبْنَاكُمْ لِقَرَابَتِكُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلِمَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حَقِّكُمْ ، مَا أَحْبَبْنَاكُمْ لِلدُّنْيَا نُصَيْبُهَا مِنْكُمْ إِلَّا لَوْجِهِ اللَّهُ وَالِدَارِ الْآخِرَةِ ، وَلِيَصْلَحَ لِامْرِئٍ مِمَّنَّا دِينُهُ . فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : صَدَقْتُمْ صَدَقْتُمْ ، ثُمَّ قَالَ : مَنْ أَحْبَبَنَا كَانَ مَعَنَا _ أَوْ جَاءَ مَعَنَا _ (2) يَوْمَ الْقِيَامَةِ هَكَذَا _ ثُمَّ جَمَعَ بَيْنَ السَّبَابَتَيْنِ _ . (3)

الكافي عن الحكم بن عتيبة: بَيْنَا أَنَا مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْبَيْتُ غَاصُّ بِأَهْلِهِ ، إِذْ أَقْبَلَ شَيْخٌ يَتَكَبَّرُ عَلَى عِزَّةٍ (4) لَهُ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ ، فَقَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، ثُمَّ سَكَتَ ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . ثُمَّ أَقْبَلَ الشَّيْخُ بِوَجْهِهِ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ وَقَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ ، ثُمَّ سَكَتَ ، حَتَّى أَجَابَهُ الْقَوْمُ جَمِيعًا وَرَدُّوا عَلَيْهِ السَّلَامَ ، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، أَدْنِي مِنْكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ ، فَوَاللَّهِ إِنِّي لِأَحِبُّكُمْ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّكُمْ ، وَوَاللَّهِ مَا أُحِبُّكُمْ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّكُمْ لَطَمَعٍ فِي دُنْيَا ، وَاللَّهِ إِنِّي لِأَبْغُضُ عَدُوَّكُمْ وَأَبْرَأُ مِنْهُ ، وَوَاللَّهِ مَا أَبْغُضُهُ وَأَبْرَأُ مِنْهُ لَوْتَرِ (5) كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ ، وَاللَّهِ إِنِّي لِأَحِلُّ حَلَالِكُمْ ، وَأَحْرَمُ حَرَامِكُمْ ، وَأَتَنْظَرُ أَمْرَكُمْ ، فَهَلْ تَرَجَوُ لِي جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ ؟ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِلَيَّ الْيَّ ، حَتَّى أَفْعِدَهُ إِلَى جَنِّهِ ، ثُمَّ قَالَ : أَيُّهَا الشَّيْخُ ، إِنَّ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ عَنْ مِثْلِ الَّذِي سَأَلْتَنِي عَنْهُ ، فَقَالَ لَهُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ تَمَّتْ تَرَدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى عَلِيِّ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَيُثَلِّجُ قَلْبُكَ ، وَيَبْرُدُ فُؤَادُكَ ، وَتَقَرَّ عَيْنُكَ ، وَتُسْتَقْبَلُ بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ مَعَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ لَوْ قَدْ بَلَغَتْ نَفْسُكَ هَاهُنَا _ وَأَهْوَى يَدَيْهِ إِلَى حَلْقِهِ _ ، وَإِنْ تَعَشَّ تَرَّ مَا يَقْرَأُ اللَّهُ بِهِ عَيْنَكَ ، وَتَكُونُ مَعَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى . فَقَالَ الشَّيْخُ : كَيْفَ قُلْتَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ ؟ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْكَلَامَ ، فَقَالَ الشَّيْخُ : اللَّهُ أَكْبَرُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ ، إِنْ أَنَا مُتُّ أَرَدَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى عَلِيِّ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَتَقَرَّ عَيْنِي ، وَيُثَلِّجُ قَلْبِي ، وَيَبْرُدُ فُؤَادِي ، وَأُسْتَقْبَلُ بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ مَعَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ لَوْ قَدْ بَلَغَتْ نَفْسِي إِلَى هَاهُنَا ، وَإِنْ أَعِشَ أَرَّ مَا يَقْرَأُ اللَّهُ بِهِ عَيْنِي فَأَكُونُ مَعَكُمْ فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى ! ثُمَّ أَقْبَلَ الشَّيْخُ يَنْتَجِبُ ، يَنْشِجُ هَاهَا حَتَّى لَصِقَ بِالْأَرْضِ ، وَأَقْبَلَ أَهْلَ الْبَيْتِ يَنْتَجِبُونَ وَيَنْشِجُونَ لِمَا يَرَوْنَ مِنْ حَالِ الشَّيْخِ ، وَأَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْسُحُ بِإصْبَعِهِ الدُّمُوعَ مِنْ حَمَالِقِ (6) عَيْنَيْهِ وَيَنْفُضُهَا . ثُمَّ رَفَعَ الشَّيْخُ رَأْسَهُ ، فَقَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، نَاوِلْنِي يَدَكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ . فَنَاوَلَهُ يَدَهُ ، فَقَبَّلَهَا وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَخَدَّهُ ، ثُمَّ حَسَرَ (7) عَنْ بَطْنِهِ وَصَدَّرَهُ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى بَطْنِهِ وَصَدَّرَهُ ، ثُمَّ قَامَ فَقَالَ : السَّلَامُ عَلَيْكُمْ . وَأَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْظُرُ فِي قَفَاهُ وَهُوَ مُدْبِرٌ ، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى الْقَوْمِ فَقَالَ : مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا . فَقَالَ الْحَكَمُ بْنُ عُتَيْبَةَ : لَمْ أَرَّ مَاتَمَا قَطُّ يُشْبِهُ ذَلِكَ الْمَجْلِسَ . (8)

1- تفسير العياشي : ج 1 ص 167 ح 27 ، بحار الأنوار : ج 27 ص 95 ح 57 ، وراجع : دعائم الإسلام : ج 1 ص 71 .

2- الشك من الراوي .

3- الكافي : ج 8 ص 106 ح 80 ، تفسير العياشي : ج 2 ص 89 ح 61 ، أعلام الدين : ص 447 عن صفوان ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 1 ص 209 ح 19 كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 190 ح 47 .

- 4- العنزة: عصا في قدر نصف الرمح أو أكثر شيئاً، في طرفها الأسفل زُجُّ كزجِّ الرمح يتوكأ عليها الشيخ الكبير (لسان العرب: ج 5 ص 384 «عنز»).
- 5- الوثر بالفتح: الذحل وهو الحقد والعداوة (الصحاح: ج 2 ص 842 «وتر»).
- 6- الحماليق: ما يلي المقلة من لحمها، وقيل: هو ما في المقلة من نواحيها (لسان العرب: ج 10 ص 69 «حملك»).
- 7- حَسْر: كشف (المصباح المنير: ص 135 «حسر»).
- 8- الكافي: ج 8 ص 76 ح 30، بحار الأنوار: ج 46 ص 361 ح 3.

تفسیر العیاشی_ به نقل از بُرید بن معاویه عجللی _ : در خدمت امام باقر علیه السلام بودم که مردی بر او وارد شد که با پای پیاده از خراسان آمده بود . او دو پای خود را که پوست انداخته بود ، نشان داد و گفت : به خدا سوگند که مرا چیزی جز محبت شما اهل بیت ، از خراسان به این جا نکشاند . امام باقر علیه السلام فرمود : «به خدا سوگند ، اگر حتی سنگی ، ما را دوست داشته باشد ، خداوند ، او را با ما محشور می کند . مگر دین ، چیزی جز محبت است» .

الکافی_ به نقل از یوسف بن ثابت بن ابی سعیده _ : آنان هنگامی که بر امام صادق علیه السلام وارد شدند ، گفتند : ما شما را فقط به خاطر خویشاوندی با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و به خاطر حقی که خداوند عز و جل برایتان واجب نموده است ، دوست می داریم . ما شما را برای این دوست نمی داریم که از قیلتان به دنیایی برسیم ؛ بلکه فقط به خاطر خدا و قیامت و برای این که هر يك از ما دینش را درست کرده باشد ، دوست داریم . امام صادق علیه السلام فرمود : «راست می گوید . راست می گوید» و سپس فرمود : «هر که ما را دوست داشته باشد ، در روز قیامت ، این چنین ، با ما خواهد بود» و دو انگشت اشاره اش را در کنار هم گذاشت .

الکافی_ به نقل از حکم بن عتیبه _ : من در خدمت امام باقر علیه السلام بودم و اتاق از جمعیت ، پر بود . ناگاه پیرمردی تکیه زنان بر عصای خود آمد و جلوی در اتاق ایستاد و گفت : سلام بر تو_ ای پسر پیامبر خدا _ و رحمت خدا و برکات او بر تو باد! و ساکت شد . امام علیه السلام جواب داد : «و بر تو باد سلام و رحمت خدا و برکات او!» . سپس پیرمرد ، رو به جمعیت داخل اتاق کرد و گفت : سلام بر شماها! و خاموش شد ، تا این که آن جمعیت ، همگی جواب سلام او را دادند . آن گاه رو به امام باقر علیه السلام کرد و گفت : ای پسر پیامبر خدا! خدا مرا فدایت کند! مرا نزدیک خود بنشان ؛ زیرا _ به خدا سوگند _ من شما و دوستداران شما را دوست دارم . به خدا سوگند ، من شما و دوستداران شما را برای طمع در دنیا دوست ندارم . به خدا سوگند ، من از دشمن شما نفرت دارم و از او بیزارم . به خدا سوگند ، نفرت و بیزاری من از او ، به خاطر این نیست که میان من و او ، کینه و عداوتی باشد . به خدا سوگند ، من آنچه را شما حلال شمارید ، حلال می شمارم و آنچه را شما حرام بدانید ، حرام می دانم و منتظر امر (حکومت) شما هستم . فدایت شوم! آیا با چنین وضعی ، برای من امید [رستگاری و نجات] داری؟ امام باقر علیه السلام فرمود : «جلوتر بیا . جلوتر بیا» ، تا این که او را پهلوی خود نشانند . سپس فرمود : «ای پیر! مردی نزد پدرم علی بن الحسین آمد و از او همین سؤال را کرد که تو از من پرسیدی و پدرم به او فرمود : تو اگر از دنیا بروی ، بر پیامبر خدا و بر علی و حسن و حسین و علی بن الحسین ، وارد خواهی شد و قلبت شاد و دلت خنک و دیدگانت روشن خواهد شد و آن گاه که نفست به این جا [و با دست خود به گلویش اشاره فرمود] برسد ، کرام الکاتبین با شور و شادی به استقبال خواهند آمد و اگر زنده بمانی ، شاهد چیزی (قیام قائم و حکومت اهل بیت) خواهی بود که خداوند ، با آن ، دیدگانت را روشن می گرداند و با ما در عالی ترین مراتب خواهی بود» . پیرمرد گفت : چه فرمودی ، ای ابو جعفر؟ امام علیه السلام ، سخن خود را برایش تکرار کرد . پیرمرد گفت : الله اکبر ، ای ابو جعفر! اگر از دنیا بروم ، بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بر علی و حسن و حسین و علی بن الحسین علیهم السلام وارد خواهم شد و دیدگانم روشن و قلبم شاد و دلم خنک خواهد گشت و آن گاه که نفسم به این جا رسد ، کرام الکاتبین با شور و شادی به استقبال خواهند آمد و اگر زنده بمانم ، شاهد چیزی خواهم بود که خداوند به سبب آن ، چشم مرا روشن می گرداند و با شما در عالی ترین مراتب خواهم بود؟! پیرمرد سپس با آوای بلند گریست و هق هق کنان اشک ریخت ، تا جایی که به زمین چسبید . حاضران در خانه نیز با دیدن حال پیرمرد ، بلندبلند گریستند و هق هق کنان اشک ریختند . امام باقر علیه السلام پیش آمد و با انگشت خود ، اشک های او را از پلک هایش پاک می کرد و به زمین می ریخت . پیرمرد سپس سرش را بلند کرد و به امام علیه السلام گفت : ای پسر پیامبر خدا! فدایت شوم! دستت را به من بده . امام علیه السلام دست خود را به او داد . پیرمرد ، آن را بوسید و بر دیده و گونه خود نهاد . سپس پیراهن خود را از روی شکم و

سینه اش کنار زد و دست امام علیه السلام را بر شکم و سینه خود نهاد و آن گاه برخاست و خدا حافظی کرد و رفت . امام باقر علیه السلام به پشت سر او نگاه می کرد . سپس رو به جمعیت نمود و فرمود : « هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند ، به این مرد بنگرد » .
من در عُمَرَم مجلس اندوهی مانند آن مجلس ندیدم .

9 / 6 _ 12 الجنة مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي عن حذيفة: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَ بِيَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! جَدُّ الْحُسَيْنِ أَكْرَمُ عَلَيَّ اللَّهُ مِنْ جَدِّ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ، وَإِنَّ الْحُسَيْنَ فِي الْجَنَّةِ، وَأَبَاهُ فِي الْجَنَّةِ، وَأُمَّهُ فِي الْجَنَّةِ، وَأَخَاهُ فِي الْجَنَّةِ، وَمُحِبَّهُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَمُحِبِّ مُحِبِّهِمْ فِي الْجَنَّةِ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَفَرٍ إِذْ نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ، فَلَمَّا رَكَبَ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: رَأَيْتَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَدَّعْتَ مَا لَمْ تَكُنْ تَصْنَعُهُ! قَالَ: نَعَمْ، أَتَانِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَسَّرَنِي أَنَّ عَلِيًّا فِي الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَفَاطِمَةُ فِي الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَمَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ، فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا، فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ: وَمَنْ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى. (2)

1- مقتل الحسين للخوارزمي: ج 1 ص 67، كشف اليقين: ص 328 ح 390 نحوه.

2- الأمل للمفيد: ص 21 ح 2 عن أبي عبد الرحمن، بحار الأنوار: ج 68 ص 111 ح 24، وراجع: الكافي: ج 2 ص 98 ح 24 ومكارم الأخلاق: ج 1 ص 564 ح 1956.

6 / 9 _ 12 بهشتمقتل الحسين عليه السلام ، خوارزمی_ به نقل از حذیفه _ :دیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست حسین بن علی علیه السلام را گرفت و فرمود : «ای مردم! جدّ حسین، نزد خداوند، گرامی تر از جدّ یوسف بن یعقوب است . حسین ، اهل بهشت است و پدر او اهل بهشت است و مادرش اهل بهشت است و برادرش اهل بهشت است و دوستدار آنان اهل بهشت است و دوستدار دوستدار آنان نیز اهل بهشت است» .

امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفری از مرکب خود، پیاده شد و پنج سجده به جای آورد . چون بر مرکب نشست ، یکی از اصحابش گفت : ای پیامبر خدا! ما کاری از شما دیدیم که قبلاً نکرده بودید! فرمود : «آری . جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و بشارت داد که علی اهل بهشت است و من به شکرانه آن در پیشگاه خدای متعال، سجده کردم . چون سر برداشتم ، گفت : فاطمه هم اهل بهشت است . من به شکرانه آن نیز خدای متعال را سجده کردم . چون سر برداشتم ، گفت : حسن و حسین ، سرور جوانان بهشتی اند . و من باز به شکرانه آن ، خدای متعال را سجده کردم . چون سر برداشتم ، گفت : دوستدار آنان نیز اهل بهشت است . من به خاطر این نیز برای خدای متعال ، سجده شکر به جای آوردم . چون سر برداشتم گفت : و هر کس دوستدار ایشان را دوست بدارد ، او نیز اهل بهشت است . و من باز به شکرانه آن ، در پیشگاه خدای متعال سجده کردم» .

الفضائل عن جابر بن عبد الله الأنصاري: بَيْنَا نَحْنُ بَيْنَ يَدَي رَسولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَسْجِدِهِ بِالْمَدِينَةِ فَذَكَرَ بَعْضُ الصَّحَابَةِ الْجَنَّةَ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ لِلَّهِ لَوِائًا مِنْ نُورٍ وَعَمودُهُ مِنْ زَبْرَجَدٍ ، خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاءَ بِالْفِي عَامٍ ، مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ : لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَلُّ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ، وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ أَكْرَمُ الْقَوْمِ . فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَأَكْرَمَنَا بِكَ وَشَرَّفَنَا بِكَ . فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا عَلِيُّ ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَنْ أَحَبَّنَا وَاتَّخَذَ مَحَبَّتَنَا أَسْكَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَنَا . وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ» (1) . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله : يَا عَلِيُّ ، مَنْ أَحَبَّ وَأُذِنَكَ فَقَدْ أَحَبَّكَ ، وَمَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي ، وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ ، وَمَنْ أَحَبَّ اللَّهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ . وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَكَ ، وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي ، وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهُ ، وَمَنْ أَبْغَضَ اللَّهُ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ . (3)

1- القمر : 55 .

2- الفضائل : ص 104 ، تفسير فرات : ص 456 ح 597 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 2 ص 629 ح 2 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 26 ص 318 ح 87 ؛ تفسير الثعلبي : ج 9 ص 174 ح 162 ، شواهد التنزيل : ج 2 ص 470 ح 1141 كلاهما نحوه .

3- درر الأحاديث النبوية : ص 51 ؛ تاريخ دمشق : ج 42 ص 283 ح 8814 عن صلصال بن الدلهمس ، الفصول المهمة لابن الصبّاغ : ص 124 عن عمر بن الخطّاب و كلاهما نحوه وراجع : دلائل الإمامة : ص 102 ح 30 وتفسير فرات : ص 598 ح 760 والمناقب للخوارزمي : ص 200 ح 240 .

الفضائل_ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری _ : ما در مسجد پیامبر خدا در مدینه نزد ایشان بودیم که یکی از صحابه ، سخن از بهشت به میان آورد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «خداوند ، بیرقی از نور دارد که دسته اش از زبرجد است . خداوند متعال ، دو هزار سال پیش از آن که آسمان را بیافریند ، این بیرق را آفرید و بر آن نوشته شده است : معبودی جز خدای یکتا نیست . محمد ، فرستاده خداست و خاندان محمد ، بهترین مردم اند و تو _ ای علی _ گرامی ترین خلق هستی» . در این هنگام ، علی علیه السلام فرمود : سپاس ، خدای را که ما را بدین ره نمون شد و به واسطه تو ، ما را کرامت و شرافت بخشید . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای علی ! آیا نمی دانی که هر کس ما را دوست بدارد و دوستی ما را به دل گیرد ، خداوند متعال ، او را با ما سکونت می دهد؟» و آن گاه این آیه را تلاوت فرمود : «در قرارگاه صدق ، نزد پادشاهی توانایند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای علی ! هر کس فرزندان تو را دوست بدارد ، تو را دوست داشته است و هر کس تو را دوست بدارد ، مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست بدارد ، خدا را دوست داشته است و هر کس خدا را دوست بدارد ، خداوند ، او را به بهشت می برد ، و هر کس فرزندان تو را دشمن بدارد ، تو را دشمن داشته است و هر کس تو را دشمن بدارد ، مرا دشمن داشته است و هر کس مرا دشمن بدارد ، خدا را دشمن داشته است و هر کس خدا را دشمن بدارد ، بر خداوند ، سزاوار است که او را به دوزخ برد .

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ كُنْتُ أَنَا وَهُوَ فِي عَلَيِّنَ ، وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَكَفَّ يَدَهُ فَهُوَ فِي الدَّرَجَةِ الَّتِي تَلِيهَا ، وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَكَفَّ عَنَّا لِسَانَهُ وَيَدَهُ فَهُوَ فِي الدَّرَجَةِ الَّتِي تَلِيهَا . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ وَفِي النَّارِ ثَلَاثُ دَرَكَاتٍ ، فَأَعْلَى دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ لِمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَنَصَرَ رَنَّا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ ، وَفِي الدَّرَجَةِ الثَّانِيَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَنَصَرَ رَنَّا بِلِسَانِهِ ، وَفِي الدَّرَجَةِ الثَّالِثَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ . (2)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَقَاتَلَ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا بِيَدِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا . وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا فَهُوَ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَتَيْنِ ، وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِنَّا بِلِسَانِهِ وَلَا يَبِيدِهِ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ . (3)

نور الأبصار: يُرَوَى أَنَّهُ [عَلِيّ بنَ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام] مَرِضَ ، فَدَخَلَ عَلَيْهِ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَعُودُونَهُ ، فَقَالُوا: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَدَتَكَ أَنْفُسَنَا؟ قَالَ: فِي عَافِيَةٍ وَاللَّهِ الْمَحْمُودُ عَلَى ذَلِكَ ، فَكَيْفَ أَصْبَحْتُمْ أَنْتُمْ جَمِيعًا؟ قَالُوا: أَصْبَحْنَا وَاللَّهِ لَكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُجِيبِينَ وَادِّينَ . فَقَالَ لَهُمْ: مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ أَسْكَنَهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ ، وَمَنْ أَحَبَّنَا يُرِيدُ مُكَافَأَتَنَا كَافَأَهُ اللَّهُ عَنَّا الْجَنَّةَ ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِعَرَضِ دُنْيَا آتَاهُ اللَّهُ رِزْقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ . (4)

1- إحقاق الحقّ: ج 9 ص 484 نقلًا عن وسيلة المال قال: رواه أبو نعيم بن حماد عن الإمام عليّ عليه السلام .

2- المحاسن: ج 1 ص 251 ح 472 عن أبي حمزة الثماليّ عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 27 ص 93 ح 53 .

3- النخصال: ص 629 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الأمالي للمفيد: ص 33 ح 8 عن عمرو بن أبي المقدم عن أبيه عن الإمام الحسن بن عليّ عليهما السلام ، تحف العقول: ص 118 ، جامع الأخبار: ص 506 ح 1400 كلّها نحوه ، بحار الأنوار: ج 27 ص 88 ح 39 .

4- نور الأبصار: ص 245 ، الفصول المهمّة لابن الصباغ: ص 203 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ما را در دل دوست بدارد و با دست و زبانش یاری مان رساند، من و او در علّیین خواهیم بود و هر کس ما را در دل دوست بدارد و با زبانش یاری مان رساند، اما با دست خود، ما را یاری نرساند، در درجه پایین تر آن خواهد بود و هر کس ما را در دل دوست بدارد، اما دست و زبانش را از ما دریغ کند، در درجه فروتر قرار خواهد گرفت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت، سه درجه دارد و دوزخ، سه درک (درجه نزولی یا طبقه زیرین). بالاترین درجه بهشت، برای کسی است که در دل، ما را دوست بدارد و با زبان و دستش یاری مان کند. در درجه دوم، کسی جای می گیرد که در دل، ما را دوست بدارد و با زبانش یاری مان رساند و در درجه سوم، کسی قرار می گیرد که در دل، ما را دوست بدارد.

امام علی علیه السلام: هر که در دل، ما را دوست بدارد و با زبانش یاری مان رساند و در کنار ما عملاً با دشمنانمان بجنگد، در بهشت با ما هم درجه خواهد بود و هر که در دل، ما را دوست بدارد و با زبانش یاری مان رساند، ولی در کنار ما با دشمنانمان نجنگد، دو درجه پایین تر از آن قرار خواهد گرفت و هر که در دل، ما را دوست بدارد، اما با زبان و دست خود، یاری مان نرساند، او نیز در بهشت خواهد بود.

نور الأبصار: روایت شده که امام زین العابدین علیه السلام بیمار شد. جماعتی از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عیادت ایشان آمدند و گفتند: فدایت شویم، ای پسر پیامبر خدا! حالتان چگونه است؟ فرمود: «بحمد الله، خوبم. شما در چه حالید؟». گفتند: به خدا سوگند - ای پسر پیامبر خدا - که همگی دوستدار و علاقه مند شما هستیم. فرمود: «هر که ما را به خاطر خدا دوست بدارد، خداوند، در روز قیامت که سایه ای جز سایه او نیست، وی را در سایه ای پایدار جای می دهد و هر کس ما را به خاطر پاداش ما دوست بدارد، خداوند از جانب ما به او بهشت را پاداش خواهد داد و هر کس ما را به خاطر مقصودی دنیایی دوست بدارد، خداوند، روزی او را از جایی می رساند که گمانش را نمی برد».

تحف العقول: قال له [للإمام الصادق عليه السلام] يونس (1): لَوْلَا نِي لَكُمْ وَمَا عَرَفَنِي اللَّهُ مِنْ حَقِّكُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا بِحَذَافِيرِهَا . قَالَ يُونُسُ : فَتَبَيَّنْتُ الْغَضَبَ فِيهِ . ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا يُونُسُ ، قَسْتَنَا بِغَيْرِ قِيَاسٍ ، مَا الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا هَلْ هِيَ إِلَّا سَدُّ فُورَةٍ ، أَوْ سَتْرُ عَوْرَةٍ؟! وَأَنْتَ لَكَ بِمَحَبَّتِنَا الْحَيَاةَ الدَّائِمَةَ . (2)

9 / 6 _ 13 خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَرَادَ التَّوَكُّلَ عَلَى اللَّهِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي ، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجُوَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي ، وَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي ، وَمَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي ، فَوَاللَّهِ مَا أَحَبَّهُمْ أَحَدٌ إِلَّا رَبَّحَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ . (3)

راجع : ص 484 ح 1096 .

1- .الظاهر أنه أبو علي يونس بن يعقوب بن قيس البجلي الكوفي ، من أصحاب الإمام الصادق والإمام الكاظم والإمام الرضا عليهم السلام (كما في هامش تحف العقول).

2- .تحف العقول : ص 379 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 265 ح 177 .

3- .مقتل الحسين للخوارزمي : ج 1 ص 59 ، فراند السمطين : ج 2 ص 294 ح 551 كلاهما عن ابن عمر ؛ مئة منقبة : ص 106 ح 51 ، جامع الأخبار : ص 62 ح 77 وليس فيه «ومن أرد دخول الجنة بغير حساب فليحب أهل بيتي» ، بحار الأنوار : ج 27 ص 116 ح 92 نقلاً عن كتاب المناقب لابن شاذان وكلها عن ابن عمر .

9 / 6 - 13 خیر دنیا و آخرت

تحف العقول: یونس به امام صادق علیه السلام گفت: علاقه مندی من به شما و شناختی که خداوند در باره حقّ شما به من داده، مرا خوش تر از ملك سراسر دنیا است. یونس گفت: پس آثار خشم را در چهره امام علیه السلام مشاهده کردم. سپس امام علیه السلام فرمود: «ای یونس! مقایسه ای نادرست کردی. دنیا و آنچه در آن است، چیست؟ آیا آن، چیزی جز سیر شدن شکمی و پوشاندن عورتی است، در حالی که تو با دوستداری ما، به زندگی جاوید دست می یابی؟!».

9 / 6 - 13 خیر دنیا و آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خواهان توکل کردن بر خداست، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر که خواهان رستن از عذاب قبر است، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر که خواهان حکمت است، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر که می خواهد بی حساب به بهشت رود، اهل بیت مرا دوست بدارد؛ زیرا - به خدا سوگند - هیچ کس دوستدار آنان نشد، مگر این که دنیا و آخرت را بُرد.

ر. ك: ص 485 ح 1096.

9 / 7 جوامع آثار حُبهم رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَلَا يُشَدُّ كَنْ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عَشْرِينَ خَصْلَةً، عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا، وَعَشْرٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ. أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا: فَالزُّهْدُ، وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ، وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ، وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ، وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ، وَالتَّشَاطُّ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ، وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالتَّاسِعَةُ بُغْضُ الدُّنْيَا، وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ. وَأَمَّا الَّتِي فِي الْآخِرَةِ: فَلَا يُنْشَرُ لَهُ دِيْوَانٌ، وَلَا يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ، وَيُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ، وَتُكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَيَبْيَضُّ وَجْهُهُ، وَيُكْسَى مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ، وَيُسْفَعُ فِي مِثَّةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَيَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ، وَيَتَوَجَّحُ مِنْ تِجَانِ الْجَنَّةِ، وَالْعَاشِرَةُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، فَطُوبَى لِمُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا. أَلَا- وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ. أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا. أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ. أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشْرَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ. أَلَا- وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُرْفَقُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُرْفَقُ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا. أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فُتِّحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ. أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَرَارًا مَلَائِكَةَ الرَّحْمَةِ. أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ. (2)

-
- 1- الخصال: ص 515 ح 1 عن أبي سعيد الخدري، مشكاة الأنوار: ص 153 ح 376، روضة الواعظين: ص 298، عيون الحكم والمواعظ: ص 344 ح 62 58 عن الإمام علي عليه السلام نحوه، أعلام الدين: ص 451 عن جابر، بحار الأنوار: ج 27 ص 78 ح 12.
- 2- الكشّاف: ج 3 ص 403، تفسير القرطبي: ج 16 ص 23 وليس فيه الفقرة الثانية والثالثة والخامسة، تفسير الثعلبي: ج 8 ص 314 ح 181 عن جرير بن عبد الله وليس فيه الفقرة الخامسة؛ العمدة: ص 54 ح 52، الطرائف: ص 159 ح 248، بشارة المصطفى: ص 197 كلّها عن جرير بن عبد الله، جامع الأخبار: ص 473 ح 1335 وليس فيه الفقرة السادسة، بحار الأنوار: ج 27 ص 111 ح 84.

9 / 7 کلیات آثار دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام

9 / 7 کلیات آثار دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام خدا صلی الله علیه و آله: هر که خداوند، محبت اهل بیت مرا روزی اش کند، بی گمان به خیر دنیا و آخرت رسیده است و در این که او اهل بهشت است، هیچ کس نباید شك کند؛ زیرا دوست داشتن اهل بیت من، بیست نتیجه به بار می آورد: ده تا در دنیا و ده تا در آخرت. اما نتایج آن در دنیا عبارت اند از: زهد، شوق به عمل، پارسایی در دین، رغبت به عبادت، توبه پیش از مرگ، نشاط در شب زنده داری، چشم بر کندن از آنچه مردم دارند، حفظ اوامر و نواهی خداوند عز و جل، نهم: دشمن داشتن دنیا و دهم: سخاوت (بخشنده‌گی). و اما نتایج آن در آخرت: نامه اعمالی برایش گشوده نمی شود، میزانی برایش برپا نمی شود، نامه اعمالش به دست راست او داده می شود، برات آزادی از آتش دوزخ برایش نوشته می شود، روسفید می شود، از جامه های بهشت بر قامت او پوشیده می شود، شفاعت او در باره صد نفر از خانواده اش پذیرفته می گردد، خداوند عز و جل به او با مهر و رحمت می نگرد، از تاج های بهشت بر سرش می نهند، و دهم این که بدون حسابرسی به بهشت می رود. پس خوشا به حال دوستداران اهل بیت من!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که با دوستی خاندان محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است. بدانید که هر کس با دوستی خاندان محمد بمیرد، آمرزیده از دنیا رفته است. بدانید که هر کس با دوستی خاندان محمد بمیرد، توبه گر از دنیا رفته است. بدانید که هر کس با دوستی خاندان محمد بمیرد، مؤمن و با ایمان کامل از دنیا رفته است. بدانید که هر کس با دوستی خاندان محمد بمیرد، ابتدا فرشته مرگ و سپس منکر و نکیر، مژده بهشت به او می دهند. بدانید که هر کس با دوستی خاندان محمد بمیرد، همان گونه که عروس را به خانه شوهرش می فرستند، او را به سوی بهشت روانه می کنند. بدانید که هر کس با دوستی خاندان محمد بمیرد، در قبر، دو در به سوی بهشت برایش باز می شود. بدانید که هر کس با دوستی خاندان محمد بمیرد، خداوند، گور وی را مزار فرشتگان رحمت قرار می دهد. بدانید که هر کس با دوستی خاندان محمد بمیرد، بر طریق سنت و جماعت از دنیا رفته است.

الإمام عليّ عليه السلام_ للحارثِ الأعورِ_ :لَيَنْفَعَنَّكَ حُبُّنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ : عِنْدَ نُزُولِ مَلَكِ الْمَوْتِ ، وَعِنْدَ مَسْأَلَتِكَ فِي قَبْرِكَ ، وَعِنْدَ مَوْقِفِكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ . (1)

عنه عليه السلام :مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَظَّمَ إِحْسَانُهُ ، وَرَجَحَ (2) مِيزَانُهُ ، وَقُبِلَ عَمَلُهُ وَغُفِرَ زَلُّهُ ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا لَا يَنْفَعُهُ (3) إِسْلَامُهُ . (4)

1- .أعلام الدين : ص 461 عن جابر الجعفيّ عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 164 ح 19 .

2- .في المصدر : «رجع» ، والتصويب من بحار الأنوار .

3- .في المصدر : «ينفع» ، والتصويب من بحار الأنوار .

4- .مشارك أنوار اليقين : ص 51 عن أبي سعيد الخدريّ ، بحار الأنوار : ج 26 ص 260 ح 37 .

امام علی علیه السلام_ خطاب به حارث اعور_ :محبّت به ما ، بی گمان در سه جا تو را سود خواهد بخشید : هنگام فرود آمدن فرشته مرگ ، هنگام سؤال قبر و آن گاه که در پیشگاه خداوند می ایستی .

امام علی علیه السلام :هر که ما اهل بیت را دوست بدارد ، نیکوکاری او زیاد می گردد و در ترازوی اعمالش کفه حسناتش سنگین تر می شود و عملش [در درگاه حق] پذیرفته و لغزش هایش بخشوده می گردد و کسی که ما را دشمن بدارد ، اسلامش او را سودی نمی بخشد .

الفصل العاشر: بغض أهل البيت عليهم السلام 10 / 1 التحذير من بغضهم رسول الله صلى الله عليه وآله: الأئمة بعدي اثنا عشر، تسعة من صلب الحسين، والتاسع قائمهم، فطوبى لمن أحبهم، والويل لمن أبغضهم. (1)

المناقب لابن شهر آشوب عن سلمان الفارسي رحمه الله عن رسول الله صلى الله عليه وآله: الأئمة بعدي بعدد نبي إسرائيل كانوا اثني عشر. ثم وضع يده على صلب الحسين عليه السلام وقال: من صلبه تسعة أئمة أبرار، والتاسع مهديهم، يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، فالويل لمبغضهم. (2)

تاريخ دمشق عن أبي أمامة الباهلي عن رسول الله صلى الله عليه وآله: لو أن عبداً عبد الله بين الصفا والمروة ألف عام، ثم ألف عام، ثم ألف عام، ثم لم يدرك محبتنا إلا أكبه الله على منخريه في النار. ثم تلا صلى الله عليه وآله: «قل لا أسئلكم عليه أجرًا إلا المودة في القربى» (3). (4)

-
- 1- كفاية الأثر: ص 30 عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار: ج 36 ص 291 ح 315.
 - 2- المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 295، كفاية الأثر: ص 47 كلاهما عن سلمان الفارسي، بحار الأنوار: ج 36 ص 290 ح 112، وراجع: الصراط المستقيم: ج 2 ص 122.
 - 3- الشورى: 23.
 - 4- تاريخ دمشق: ج 42 ص 65 ح 8412: شواهد التنزيل: ج 1 ص 554 ح 588 كلاهما عن أبي أمامة الباهلي، كفاية الطالب: ص 317 وفيه «صحبتنا» بدل «محبتنا»؛ مجمع البيان: ج 9 ص 43، تاريخ الآيات الظاهرة: ج 2 ص 548 ح 15 كلاهما عن أبي أمامة الباهلي نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 230.

فصل دهم : دشمنی با اهل بیت علیهم السلام

10 / 1 بر حذر داشتن از دشمنی با اهل بیت علیهم السلام

فصل دهم : دشمنی با اهل بیت علیهم السلام 10 / 1 بر حذر داشتن از دشمنی با اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امامانِ پس از من ، دوازده نفرند که نه تن آنان، از پشت حسین اند و نهمین آنان، قائمشان است . پس خوشا به حال کسی که آنان را دوست بدارد! و بدآ به حال کسی که ایشان را دشمن بدارد!

المناقب، ابن شهر آشوب_ به نقل از سلمان فارسی _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «امامانِ پس از من، به تعداد نقیبان بنی اسرائیل اند که دوازده نفر بودند» و سپس دست خود را بر پشت حسین علیه السلام نهاد و فرمود : «از پشت این ، نه امام پاك ، پا به عرصه هستی می گذارند که نهمین نفر ، مهدی آنان است . او زمین را از انصاف و عدل، پر می کند ، همان گونه که از بیداد و ستم، پر شده است . پس وای بر کسانی که آنان را دشمن بدارند!

تاریخ دمشق_ به نقل از ابو امامه باهلی _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «اگر بنده ای هزار سال در میان صفا و مروه خدا را عبادت کند و هزار سال دیگر و هزار سال دیگر ، اما محبت ما را نداشته باشد ، خداوند، او را حتما در آتش دوزخ، سرنگون می سازد» و سپس این آیه را تلاوت نمود : «بگو : من برای آن (رسالت)، از شما مزدی نمی خواهم ، مگر دوست داشتن خویشاوندان را» .

عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبِشُ، ثُمَّ أَتَى اللَّهَ يُبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ عَمَلَهُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ الْآكِلَ فَوْقَ شِدْبَعِهِ، وَالْغَافِلَ عَنِ طَاعَةِ رَبِّهِ، وَالتَّارِكَ لِسُنَّةِ نَبِيِّهِ، وَالْمُخْفِرَ ذِمَّتَهُ، وَالْمُبْغِضَ عِتْرَةَ نَبِيِّهِ، وَالْمُؤْذِيَّ جِيرَانَهُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وَلَاذَتُهُ. (3)

الإمام عليّ عليه السلام: أَشَدُّ الْعَمَى مَنْ عَمِيَ عَنِ فَضْلِنَا وَنَاصِبِنَا الْعَدَاوَةَ بِلَا ذَنْبٍ سَبَقَ إِلَيْهِ مِنَّا، إِلَّا أَنَا دَعَوْنَا إِلَى الْحَقِّ، وَدَعَاهُ مَنْ سِوَانَا إِلَى الْفِتْنَةِ وَالدُّنْيَا، فَأَتَاهُمَا وَنَصَبَ الْبِرَاءَةَ مِنَّا وَالْعَدَاوَةَ لَنَا. (4)

عنه عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَعَلَيْهِ أَرْبَعُونَ جُنَّةً (5) حَتَّى يَعْمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً، فَإِذَا عَمِلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً انْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجُنُنُ، فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِمْ أَنْ اسْتُرُوا عَبْدِي بِأَجْنِحَتِكُمْ، فَتَسْتُرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنِحَتِهَا. فَمَا يَدْعُ شَيْئًا مِنَ الْقَبِيحِ إِلَّا قَارَفَهُ، حَتَّى يَمْتَدِحَ إِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيحِ. فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ، هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئًا إِلَّا رَكِبَهُ، وَإِنَّا لَنَسْتَحْيِي مِمَّا يَصْنَعُ. فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ أَنْ ارْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ، فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ أَخَذَ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْهَتُكَ سِتْرُهُ فِي السَّمَاءِ وَسِتْرُهُ فِي الْأَرْضِ. فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ، هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْتُوكَ السِّتْرِ، فَيُوحِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ: لَوْ كَانَتْ لِلَّهِ فِيهِ حَاجَةٌ مَا أَمْرُكُمْ أَنْ تَرْفَعُوا أَجْنِحَتَكُمْ عَنْهُ. (6)

1- المحاسن: ج 1 ص 271 ح 527 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 27 ص 185 ح 43.

2- كنز العمال: ج 16 ص 87 ح 44029 نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة.

3- معاني الأخبار: ج 1 ص 161 ح 1 عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، علل الشرائع: ص 141 ح 3، الأمالي للصدوق: ص 562 ح 756، بشارة المصطفى: ص 150 كلها عن زيد بن عليّ عن الإمام زين العابدين عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 96 ح 203 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 27 ص 146 ح 5.

4- الخصال: ص 633 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تفسير فرات: ص 368 ح 499، غرر الحكم: ج 2 ص 861 ح 3296، عيون الحكم والمواعظ: ص 124 ح 2828 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 10 ص 111 ح 1.

5- الجُنَّةُ بِالضَّمِّ: السُّتْرَةُ، وَالْجَمْعُ: جُنُنٌ. بِضَمِّ الْجِيمِ وَفَتْحِ النُّونِ (لسان العرب: ج 13 ص 94 «جنن»).

6- الكافي: ج 2 ص 279 ح 9، علل الشرائع: ص 532 ح 1 نحوه وكلاهما عن عبد الله بن مسكان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 73 ص 355 ح 61، وراجع: الاختصاص: ص 220 والنوادر للراوندي: ص 97 ح 49.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر بنده ای هزار سال، خدا را عبادت کند و سپس چون قوچ، قربانی شود، اما با بغض به ما اهل بیت، نزد خداوند آید، خدا عملش را به خودش بر می گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، نفرت دارد از کسی که از روی سیری، چیزی بخورد و از کسی که از طاعت پروردگارش غافل گردد و از کسی که سنت پیامبر او را فروگذارد و از کسی که پیمان او را بشکند و از کسی که عترت پیامبر او را دشمن دارد و از کسی که همسایگانش را بیازارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ما را دشمن نمی دارد، مگر کسی که ناپاک زاده باشد.

امام علی علیه السلام: بدترین کوری، کوری کسی است که از دیدن برتری ما کور باشد و بی آن که از ما نسبت به او خطایی سر زده باشد، در برابرمان به دشمنی برخیزد، جز اینکه [تنها گناه ما این است که] ما او را به سوی حقّ فرا خوانده ایم و دیگران وی را به سوی فتنه و دنیا و او فتنه و دنیا را برگزید و پرچم بیزاری و دشمنی در برابر ما بر افراشت.

امام علی علیه السلام: هیچ بنده ای نیست، مگر این که برای او چهل پرده کشیده شده است تا چهل گناه کبیره مرتکب شد. چون چهل کبیره مرتکب می شوند، پرده ها از او برداشته شود. پس خداوند به آنها (فرشتگان) وحی می فرماید که: «بنده ام را با بال های خود بپوشانید» و فرشتگان با بال هایشان او را می پوشانند. سپس هیچ کار زشتی نیست، مگر این که آن را انجام می دهد، تا جایی که به واسطه کردار زشت خود بر مردم فخر می فروشد. آن گاه فرشتگان می گویند: پروردگارا! این بنده تو، هر کار زشتی را مرتکب می شود و ما از آنچه او می کند، خجالت می کشیم. پس خداوند عز و جل به آنها وحی می فرماید که: «بال های خود را از روی او بردارید» و چون کارش بدین جا کشد، دشمنی با ما اهل بیت را در پیش می گیرد و در این هنگام است که پرده او در آسمان و زمین دریده می شود و فرشتگان می گویند: پروردگارا! این بنده تو، بی پرده شده است. خداوند عز و جل به آنان وحی می فرماید که: «اگر خدا به او نیازی [و توجهی] داشت، به شما دستور نمی داد که بال های خود را از او بردارید».

المحاسن عن جميل بن ميسر عن أبيه التّخعي: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: يا مُيسّر، أيُّ البُلدانِ أعظَمُ حُرْمَةً؟ قال: فما كان مِنّا أحدٌ يُجيبُهُ حتّى كان الرّادّ على نفسه، فقال: مَكَّةُ، فقال: أيُّ بقاعِها أعظَمُ حُرْمَةً؟ قال: فما كان مِنّا أحدٌ يُجيبُهُ حتّى كان الرّادّ على نفسه، فقال: ما بين الرُّكنِ إلى الحَجَرِ، واللّهِ! لو أنّ عبداً عبَدَ اللّهُ ألفَ عامٍ حتّى يَنقَطِعَ عِلباؤُهُ (1) هَرَمًا، ثُمَّ أتى اللّهُ بِبُغضِنا أهلَ البَيْتِ لَرَدِّ اللّهِ عَلَيهِ عَمَلُهُ. (2)

10 / 2 آثارُ بُغضِهِم 10 / 2 _ 1 سَخَطُ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَسولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَيْدَةَ عُرْجِ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلِيَّ بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللّهُ، مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّهِ، عَلِيٌّ حَبِيبُ (3) اللّهِ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللّهِ، فَاطِمَةُ خَيْرَةُ اللّهِ، عَلِيٌّ باغِضِهِم لَعْنَةُ اللّهِ. (4)

-
- 1- العلباء: عصب العنق (لسان العرب: ج 1 ص 622 «علب»).
 - 2- المحاسن: ج 1 ص 271 ح 528، بحار الأنوار: ج 27 ص 185 ح 44.
 - 3- في المصدر «حبّ اللّهِ»، والصواب ما أثبتناه كما في سائر المصادر.
 - 4- تاريخ بغداد: ج 1 ص 259، تاريخ دمشق: ج 14 ص 170 ح 3511، المناقب للخوارزمي: ص 302 ح 297 وفيهما «أمة اللّهِ» بدل «خيرة اللّهِ» وكلّها عن ابن عبّاس؛ الأمالي للطوسي: ص 355 ح 737، الطرائف: ص 64 ح 65، كشف اليقين: ص 449 ح 551 كلّها عن ابن عبّاس وفيها «أمة اللّهِ» بدل «خيرة اللّهِ»، بحار الأنوار: ج 43 ص 303 ح 65.

10 / 2 آثار دشمنی با اهل بیت علیهم السلام**10 / 2 - 1 ناخشنودی خداوند**

المحاسن_ به نقل از جمیل بن میسر، از پدرش نخعی _ : امام صادق علیه السلام به من فرمود : «ای میسر! حرمت کدام يك از شهرها بیشتر است؟» . هیچ يك از ما پاسخی نداشت که بگوید، تا این که خود امام علیه السلام ، جواب سؤالش را داد و فرمود : «مکه» . سپس فرمود : «حرمت کدام نقطه مکه بیشتر است؟» . این بار نیز هیچ يك از ما پاسخی نداشت که بگوید و امام علیه السلام خود، جواب داد : «فاصله میان رکن تا حجر . به خدا سوگند ، اگر بنده ای هزار سال خدا را عبادت کند ، چندان که از پیری و فرتوتی ، رگ گردنش قطع شود و با این حال با دشمنی نسبت به ما اهل بیت بر خدا وارد شود ، خداوند ، عملش را به او بر می گرداند» .

10 / 2 آثار دشمنی با اهل بیت علیهم السلام 10 / 2 - 1 ناخشنودی خداوند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شبی که مرا به معراج بردند ، دیدم که بر در بهشت نوشته شده است : معبودی جز خدای یکتا نیست . محمد ، رسول خداست . علی ، حبیب خداست . حسن و حسین ، برگزیده خدایند . فاطمه منتخب خداست . لعنت خدا بر دشمن آنان باد!

عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا بِالذَّهَبِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أُمَةُ اللَّهِ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ، عَلَى مُبْغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ بَنِي أَبِي عَصَةَ بَنَةً يَنْتَمُونَ إِلَيْهَا إِلَّا وُلْدَ فَاطِمَةَ، فَأَنَا وَلِيُّهُمْ وَأَنَا عَصَ بَنَتُهُمْ، وَهُمْ عِترتي خُلِقُوا مِن طِينَتِي، وَيَلُّ لِلْمُكذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ، مَنْ أَحَبَّهُمْ أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ: آئِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ... أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشُمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ. (3)

1- مقتل الحسين للخوارزمي: ج 1 ص 108 عن إسماعيل بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام؛ الخصال: ص 324 ح 10، مئة منقبة: ص 109 ح 54 وفيه «بالنور» بدل «بالذهب»، كنز الفوائد: ج 1 ص 149 وفيه «آيه الله» بدل «أمه الله»، الدرر النظيم: ص 771 كلها عن إسماعيل بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وفيها «دخلت الجنة» بدل «لما أسري بي إلى السماء»، بحار الأنوار: ج 27 ص 228 ح 30.

2- تاريخ دمشق: ج 36 ص 313 ح 7351 عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ج 12 ص 98 ح 34168؛ بشارة المصطفى: ص 40 عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار: ج 37 ص 70، وراجع: المستدرک على الصحيحين: ج 3 ص 179 ح 4770 والمعجم الكبير: ج 3 ص 44 ح 2632 وتهذيب الكمال: ج 19 ص 484 الرقم 3857.

3- تفسير الثعلبي: ج 8 ص 314 ح 181 عن جرير بن عبد الله البجلي، الكشف: ج 3 ص 403، تفسير القرطبي: ج 16 ص 23، المناقب للخوارزمي: ص 73 ح 51 عن ابن عمر وليس فيه ذيله؛ بشارة المصطفى: ص 197، العمدة: ص 54 ح 52، الطرائف: ص 160 ح 248 كلها عن جرير بن عبد الله البجلي، جامع الأخبار: ص 474 ح 1335، مئة منقبة: ص 150 ح 95، كشف الغمة: ج 1 ص 104 كلاهما عن ابن عمر وليس فيهما ذيله، بحار الأنوار: ج 27 ص 120 ح 100.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که مرا به آسمان بردند، دیدم که بر در بهشت، با زر نوشته شده است: معبودی جز خدای یکتا نیست . محمّد، حبیب خداست . علی، ولیّ خداست . فاطمه، کنیز خداست . حسن و حسین، برگزیده خدایند . لعنت خدا بر دشمنان آنان باد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندان هر پدری برای خود، قوم و گروهی دارند که خود را به او نسبت می دهند، مگر فرزندان فاطمه که من ولیّ و گروه آنها هستم و آنان، عترت من اند و از طینت من آفریده شده اند . وای بر کسانی که فضیلت آنان را تکذیب کنند! هر که آنها را دوست بدارد، خداوند دوستش می دارد و هر که آنان را دشمن بدارد، خداوند دشمنش می دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که هر کس بمیرد و خاندان محمّد را دشمن بدارد، روز قیامت، در حالی می آید که بر پیشانی اش نوشته شده است: محروم از رحمت خدا ... بدانید که هر کس بمیرد و کینه خاندان محمّد را در دل داشته باشد، بوی بهشت را استشمام نمی کند .

الإمام عليّ عليه السلام: لِمُبْغِضِنَا أَفْوَاجٌ مِّنْ سَخَطِ اللَّهِ . (1)

10 / 2 _ 2 اللّٰحَاقُ بِالْمُنَافِقِينَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَهُوَ مُنَافِقٌ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا مُؤْمِنٌ تَقِيٌّ ، وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مُنَافِقٌ شَقِيٌّ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ! لَا تُفَارِقُ رُوحَ جَسَدٍ صَاحِبِهَا حَتَّى يَأْكُلَ مِنْ ثَمَرِ الْجَنَّةِ أَوْ مِنْ شَجَرِ الرَّقْمِ ، وَحَتَّى يَرَى مَلَكَ الْمَوْتِ ، وَيَرَانِي وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ، فَإِنْ كَانَ يُحِبُّنَا قُلْتُ : يَا مَلَكَ الْمَوْتِ ، اِرْفَقْ بِهِ فَإِنَّهُ كَانَ يُحِبُّنِي وَأَهْلَ بَيْتِي ، وَإِنْ كَانَ يُبْغِضُنِي وَيُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِي قُلْتُ : يَا مَلَكَ الْمَوْتِ ، شَدِّدْ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ كَانَ يُبْغِضُنِي وَيُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِي . لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مُؤْمِنٌ ، وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مُنَافِقٌ شَقِيٌّ . (4)

- 1- .تحف العقول : ص 116 ، الخصال : ص 627 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وفيه «غضب» بدل «سخط» ، تفسير فرات : ص 368 ح 499 وفيه «عذاب» بدل «سخط» ، غرر الحكم : ج 5 ص 32 ح 7342 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 405 ح 6851 وفيهما «أمواج» بدل «أفواج» ، بحار الأنوار : ج 68 ص 62 ح 113 .
- 2- فضائل الصحابة لابن حنبل : ج 2 ص 661 ح 1126 ، تاريخ دمشق : ج 44 ص 225 ح 9756 كلاهما عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج 12 ص 15 ح 33753 ؛ العمدة : ص 217 ح 339 ، كشف الغمّة : ج 1 ص 47 ، الصراط المستقيم : ج 2 ص 50 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 205 كلّها عن أبي سعيد ، بحار الأنوار : ج 39 ص 261 ح 33 .
- 3- ذخائر العقبى : ص 18 عن جابر بن عبد الله ، الصواعق المحرقة : ص 173 ، كفاية الأثر : ص 110 ، الصراط المستقيم : ج 2 ص 116 كلاهما عن واثلة بن الاسقع ، المناقب للكوفي : ج 2 ص 181 عن زرين بن حبيش عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، بحار الأنوار : ج 36 ص 323 ح 178 ، وراجع : الخصال : ص 577 ح 1 وكشف اليقين : ص 476 ح 573 .
- 4- مقتل الحسين للخوارزمي : ج 1 ص 109 عن زيد بن عليّ عن آبائه عليهم السلام ؛ بشارة المصطفى : ص 6 عن زيد بن عليّ عن الإمام زين العابدين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه وليس فيه ذيله من «لا يحبنا إلا مؤمن...» ، الدرّ النظيم : ص 767 عن زيد بن عليّ ، بحار الأنوار : ج 6 ص 194 ح 43 .

10 / 2 - 2 پیوستن به جرگه منافقان

امام علی علیه السلام: برای کینه توزان به ما، فوج‌هایی از ناخشنودی خداست .

10 / 2 _ 2 پیوستن به جرگه منافقانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد، منافق است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ما اهل بیت را جز مؤمن پرهیزگار دوست ندارد و کسی جز منافق بدبخت، دشمنمان نمی‌دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جانم در دست اوست، هر روحی که از پیکر خود جدا شود، بی‌گمان از میوه بهشت یا از درخت زقوم خواهد خورد و مَلَكُ الْمَوْتِ (فرشته مرگ) را خواهد دید و من و علی و فاطمه و حسن و حسین را مشاهده خواهد کرد . اگر دوستدار ما باشد، من خواهم گفت: «ای ملك الموت! با او مدارا کن؛ زیرا وی دوستدار من و اهل بیت من بوده است» و اگر با من و اهل بیت دشمنی می‌ورزیده است، خواهم گفت: «ای مَلَكُ الْمَوْتِ! بر او سخت گیر؛ زیرا وی، من و اهل بیت را دشمن می‌داشته است» .
ما را جز مؤمن دوست نمی‌دارد و کسی جز منافق شوربخت، با ما دشمنی نمی‌ورزد .

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَبْغَضَ عِزَّتِي فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمُنَافِقٌ خَاسِرٌ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا فَلَوْ أَنَّ الرَّجُلَ مِنْ أُمَّتِي عَبَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عُمُرَهُ أَيَّامَ الدُّنْيَا، ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِغَضِضِ أَهْلِ بَيْتِي وَشِيعَتِي، مَا فَرَّحَ اللَّهُ صَدْرَهُ إِلَّا عَنِ النَّفَاقِ. (2)

كفاية الأثر عن أبي سعيد الخدري: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الأَيُّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ، وَالتَّاسِعُ قَائِمُهُمْ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مُنَافِقٌ. (3)

سنن الترمذي عن أبي سعيد الخدري: إِنَّا كُنَّا لَنَعْرِفُ الْمُنَافِقِينَ - نَحْنُ مَعَشَرَ الْأَنْصَارِ - يُبْغِضُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (4)

10 / 2 _ 3 اللِّحَاقُ بِالْكَفَّارِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا - وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشُمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ. (5)

- 1- .جامع الأخبار: ص 214 ح 527 .
- 2- .الكافي: ج 2 ص 46 ح 3، بشارة المصطفى: ص 157 نحوه وكلاهما عن عبد العظيم بن عبد الله الحسيني عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 68 ص 342 ح 13 .
- 3- .كفاية الأثر: ص 31، بحار الأنوار: ج 36 ص 292 ح 117 .
- 4- .سنن الترمذي: ج 5 ص 635 ح 3717، فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 2 ص 579 ح 979 كلاهما عن أبي سعيد الخدري، تاريخ الإسلام: ج 3 ص 634، تاريخ دمشق: ج 42 ص 282 كلاهما عن جابر بن عبد الله، تاريخ بغداد: ج 13 ص 153 الرقم 7131 عن ابن عباس، المعجم الأوسط: ج 4 ص 264 ح 4151 عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله، أسد الغابة: ج 4 ص 104 الرقم 3789 عن أبي سعيد الخدري وكلها نحوه؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 67 ح 305 عن الحسن بن عبد الله الرازي عن الإمام الرضا عليه السلام عن آبائه عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه، قرب الإسناد: ص 62 ح 86 عن عبد الله بن عمر، مجمع البيان: ج 9 ص 160، بحار الأنوار: ج 27 ص 238 ح 57 .
- 5- .تفسير الثعلبي: ج 8 ص 314 ح 181 عن جرير بن عبد الله البجلي، الكشاف: ج 3 ص 403، تفسير القرطبي: ج 16 ص 23؛ بشارة المصطفى: ص 197، الطرائف: ص 160 ح 248 كلاهما عن جرير بن عبد الله البجلي، جامع الأخبار: ص 474 ح 1335، مئة منقبة: ص 90 ح 37 عن عبد الله بن عمر، بحار الأنوار: ج 27 ص 112 ح 84 .

10 / 2 - 3 پیوستن به جرگه کفار

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که عترت مرا دشمن بدارد، ملعون و منافقی زیانکار است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که اگر مردی از امت من در همه روزهای عمرش خدای عز و جل را عبادت کند، ولی با دشمنی با اهل بیت من و شیعیانم، خدای عز و جل را دیدار کند، خداوند، سینه او را جز با نفاق نمی گشاید. (1)

کفایة الأثر - به نقل از ابو سعید خُدْری - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «امامانِ پس از من، دوازده نفرند که نه نفرشان از پشت حسین اند و نهمین آنان قائمشان است». سپس فرمود: «ما را کسی جز منافق، دشمن نمی دارد».

سنن الترمذی - به نقل از ابو سعید خُدْری - : ما (جماعت انصار)، منافقان را از دشمنی شان با علی بن ابی طالب می شناختیم.

10 / 2 - 3 پیوستن به جرگه کفار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که هر کس با دشمنی به خاندان محمد بمیرد، کافر مرده است. بدانید که هر کس با دشمنی به خاندان محمد بمیرد، بوی بهشت را نخواهد شنید.

1- . یعنی: چون خداوند، باطنش را آشکار سازد، مردم در می یابند که او منافق بوده است.

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُ: بُغِضَ عَلِيٌّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَنَصِبَ لِأَهْلِ بَيْتِي، وَمَنْ قَالَ: الْإِيمَانُ كَلَامٌ. (1)

10 / 2 _ 4 اللِّحَاقُ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى بِالْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى؟ قَالَ: وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ. (2)

الأمامي للطوسي عن حنان بن سدير عن سديف المكي عن الإمام الباقر عليه السلام عن جابر بن عبد الله الأنصاري: أقبَل رسولُ الله صلى الله عليه وآله حتى صعد المنبر، واجتمع المهاجرون والأنصار في الصلاة، فقال: أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا. قَالَ جَابِرٌ: فَمُتُّ إِلَيْهِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ وَإِنْ شَهِدَ، إِنَّمَا احْتَجَزَ بِذَلِكَ مِنْ أَنْ يُسْفَكَ دَمُهُ أَوْ يُؤَدَّى الْجَزِيَّةَ عَنْ يَدٍ وَهُوَ صَاحِرٌ. ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا، وَإِنْ أَدْرَكَ الدَّجَالَ آمَنَ بِهِ، وَإِنْ لَمْ يَدْرِكْهُ بُعِثَ مِنْ قَبْرِهِ حَتَّى يُؤْمِنَ بِهِ، إِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّمَ لِي أُمَّتِي فِي الطَّيْنِ، وَعَلَّمَنِي أَسْمَاءَ أُمَّتِي كَمَا عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا، فَمَرَّ بِي أَصْحَابُ الرِّيَاضِ، فَاسْتَغْفَرْتُ لِعَلِّيٍّ وَشِيعَتِهِ. قَالَ حَنَانٌ: وَقَالَ لِي أَبِي: أَكْتُبْ هَذَا الْحَدِيثَ فَكُتِّبَتْهُ، وَخَرَجْنَا مِنْ غَدٍ إِلَى الْمَدِينَةِ فَقَدِمْنَا فَدَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنْ رَجُلًا مِنَ الْمَكِّيِّينَ يُقَالُ لَهُ سَدِيفٌ حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيكَ بِحَدِيثٍ. فَقَالَ: وَتَحْفَظُهُ؟ فَقُلْتُ: كَتَبْتُهُ، قَالَ: فَهَاتِهِ، فَعَرَضْتُهُ عَلَيْهِ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى «مَثَلٍ لِي أُمَّتِي فِي الطَّيْنِ، وَعَلَّمَنِي أَسْمَاءَ أُمَّتِي كَمَا عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَدِيرُ، مَتَى حَدَّثَكَ بِهَذَا عَنْ أَبِي؟ قُلْتُ: الْيَوْمَ السَّابِعُ مُنْذُ سَمِعْتُهُ مِنْهُ يَرَوِيهِ عَنْ أَبِيكَ. فَقَالَ: قَدْ كُنْتُ أَرَى أَنَّ هَذَا الْحَدِيثَ لَا يَخْرُجُ عَنْ أَبِي إِلَى أَحَدٍ. (3)

1- تاريخ دمشق: ج 42 ص 284 ح 8816، الفردوس: ج 2 ص 85 ح 2459، مقتل الحسين للخوارزمي: ج 2 ص 97 كلها عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ج 11 ص 623 ح 33031، المناقب للكوفي: ج 2 ص 473 ح 969 عن جابر بن عبد الله نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 227 ح 25.

2- المعجم الأوسط: ج 4 ص 212 ح 4002، تاريخ دمشق: ج 20 ص 148 ح 4630 نحوه، شواهد التنزيل: ج 1 ص 496 ح 524 وفيه صدره إلى «يهوديا» وكلها عن سديف المكي؛ الأمامي للصدوق: ص 412 ح 535 عن سديف المكي، روضة الواعظين: ص 297 من دون إسنادٍ إلى الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 27 ص 218 ح 1.

3- الأمامي للطوسي: ص 649 ح 1347، الأمامي للمفيد: ص 126 ح 4 نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 135 ح 132 وراجع: ثواب الأعمال: ص 243 ح 1 والمحاسن: ج 1 ص 173 ح 266 ودعائم الإسلام: ج 1 ص 75 و تاريخ جرجان: ص 415 الرقم 620.

10 / 2 - 4 پیوستن به جرگه یهود و نصارا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که در هر کس باشد، نه او از من است و نه من از اویم: دشمن داشتن علی بن ابی طالب، کینه توزی با اهل بیت من و هر که بگوید ایمان، در گفتار خلاصه می شود.

10 / 2 - 4 پیوستن به جرگه یهود و نصارا امام باقر علیه السلام به نقل از جابر بن عبد الله _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای مردم! هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد، خداوند، خداوند، در روز قیامت، او را یهودی محشور می کند». گفتم: ای پیامبر خدا! هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند؟ فرمود: «هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند».

الأمالی، طوسی_ به نقل از حنّان بن سدیر، از سدیف مکی، از امام باقر علیه السلام، از جابر بن عبد الله انصاری _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تشریف آورد و بر منبر رفت و مهاجران و انصار برای نماز جمع شدند. آن گاه فرمود: «ای مردم! هر که ما اهل بیت را دشمن بدارد، خداوند، او را یهودی محشور می کند». من برخاستم و گفتم: ای پیامبر خدا! اگر چه شهادت دهد که معبودی جز خدای یکتا نیست و تو پیامبر خدا هستی؟ فرمود: «آری، اگر چه شهادت دهد. او با شهادت دادن [به یگانگی خدا و رسالت من]، فقط سبب می شود که خونش ریخته نشود یا با دست خود و ذلیلانه جزیه ندهد». سپس فرمود: «ای مردم! هر کس ما اهل بیت را دشمن بدارد، خداوند در روز قیامت، او را یهودی محشور می کند و اگر به زمان دجال برسد، به او ایمان می آورد و اگر آن زمان را درک نکنند، از گورش برانگیخته می گردد تا به او ایمان بیاورد. همانا پروردگارم عز و جل، در ابتدای خلقت که گل آدمیان را می سرشتند، امت مرا برایم مجسم نمود و نام همه افراد امتم را به من آموخت، همان گونه که تمام نام ها را به آدم، تعلیم داد. پس پرچمداران از برابر من گذشتند و من برای علی و شیعیان او آموزش طلبیدم». حنّان گفت: پدرم به من گفت: این حدیث را بنویس و من نوشتم. فردا به جانب مدینه حرکت کردیم و وارد آن شدیم و خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. من به ایشان گفتم: فدایت شوم! مردی از مکیان به نام سدیف، حدیثی از پدرتان به من گفته است. فرمود: «آن را حفظ داری؟». گفتم: مکتوبش کرده ام. فرمود: «بده بینم». من آن را به امام علیه السلام نشان دادم. چون به جمله «در آن هنگام که گل آدمیان را می سرشتند، خداوند، امت مرا برایم مجسم نمود و نام همه افراد امتم را به من آموخت، همان گونه که تمام نام ها را به آدم، تعلیم داد» رسید، فرمود: «ای سدیر! چه هنگام، این حدیث را از قول پدرم برایت نقل کرد؟». گفتم: هفت روز است که روایت او را از پدرتان شنیده ام. فرمود: «من فکر می کردم که این حدیث، از دهان پدرم برای هیچ کسی خارج نخواهد شد».

الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام: جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ، أَكُلُّ مَنْ قَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» مُؤْمِنٌ؟ قَالَ: إِنَّ عَادَاوَتَنَا تُلْحِقُ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى، إِنَّكُمْ لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُحِبُّونِي، وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُ هَذَا _ يَعْنِي عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ _ . (1)

1- . الأُمالي للصدوق : ص 341 ح 407 ، بشارة المصطفى : ص 120 كلاهما عن جابر بن يزيد الجعفي ، روضة الواعظين : ص 52 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 101 والثلاثة الأخيرة عنه عليه السلام من دون إسنادٍ إلى آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 75 ح 2 ، وراجع : الأُمالي للطوسي : ص 605 ح 1252 .

امام باقر_ به نقل از پدرانش علیهم السلام_ :مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا! آیا هر کس بگوید : «لا إله إلا الله»، مؤمن است؟ فرمود : «دشمنی با ما ، موجب پیوستن به جرگه یهود و نصارا می شود . شما به بهشت نخواهید رفت ، مگر این که مرا دوست بدارید ، و دروغ می گوید کسی که گمان می کند مرا دوست دارد ؛ اما این (علی علیه السلام) را دشمن می دارد» .

10 / 2 _ 5 الجرماني من رؤيَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْقِيَامَةِ عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد السلام بن صالح الهروي عن الإمام الرضا عليه السلام في حديثٍ _ فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَمَا مَعْنَى الْحَبْرِ الَّذِي رَوَوْهُ: «إِنَّ ثَوَابَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ النَّظْرُ إِلَى وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى؟». فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا الصَّلْتِ، مَنْ وَصَفَ اللَّهَ تَعَالَى بِوَجْهِ كَالْوُجُوهِ فَقَدْ كَفَرَ، وَلَكِنْ وَجْهُ اللَّهِ تَعَالَى أَنْبِأُوهُ وَرُسُلُهُ وَحُجَجُهُ صَدَلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، هُمُ الَّذِينَ يَتَوَجَّهُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دِينِهِ وَمَعْرِفَتِهِ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «كُلُّ مَنْ عَلِيهَا فَانٍ * وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (1)، وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (2)، فَالْتَّظَرُّ إِلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ تَعَالَى وَرُسُلِهِ وَحُجَجِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي دَرَجَاتِهِمْ ثَوَابٌ عَظِيمٌ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَبْغَضَ أَهْلَ بَيْتِي وَعِزَّتِي لَمْ يَرِنِي وَلَمْ أَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (3)

10 / 2 _ 6 الجذام يوم القيامة رسول الله صلى الله عليه وآله لا يُبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْدَمَ (4). (5)

1- الرحمن: 26 و 27.

2- القصص: 88.

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 115 ح 3، التوحيد: ص 117 ح 21، الأمالي للصدوق: ص 545 ح 728، الاحتجاج: ج 2 ص 380 ح 286، بحار الأنوار: ج 24 ص 201 ح 35.

4- أجذم: أي مقطوع اليد، من الجذم (النهاية: ج 1 ص 251 «جذم»).

5- ثواب الأعمال: ص 243 ح 2، المحاسن: ج 1 ص 174 ح 269 كلاهما عن إسماعيل الجعفي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 27 ص 233 ح 45، وراجع: الكافي: ج 2 ص 337 ح 2 و ج 1 ص 405 ح 5.

10 / 2 - 5 محروم شدن از دیدن پیامبر صلی الله علیه وآله در قیامت**10 / 2 - 6 ابتلا به خوره در روز قیامت**

10 / 2 - 5 محروم شدن از دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت: «أخبار الرضا علیه السلام» به نقل از عبد السلام بن صالح هروی، در حدیثی: «به امام رضا علیه السلام گفتم: ای پسر پیامبر خدا! این خبری که روایت کرده اند: «ثواب لا إله إلا الله [گفتن]، نگاه کردن به چهره خدای متعال است»، به چه معناست؟ فرمود: «ای ابو صلت! هر که برای خدای متعال، چهره ای مانند این چهره ها قائل باشد، کافر است؛ بلکه چهره خدای متعال، همان پیامبران و فرستادگان و حجّت های اویند. دروهای خدا بر آنان باد! به واسطه اینان است که به جانب خدای عز و جلو به دین او و معرفت او روی آورده می شود. خدای متعال فرموده است: «هر چه بر روی زمین است، فانی شونده است و وجه (ذات) باشکوه و ارجمند پروردگارت، باقی خواهد ماند» و نیز فرموده است: «جز وجه او، همه چیز نابود شونده است». پس نظر کردن به پیامبران خدای متعال و فرستادگان و حجّت های او با درجاتی که دارند در روز قیامت، ثواب بزرگی برای مؤمنان در بر دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: هر که اهل بیت و عترت مرا دشمن دارد، در روز قیامت، نه او مرا می بیند و نه من او را می بینم».

10 / 2 - 6 ابتلا به خوره در روز قیامت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس ما اهل بیت را دشمن ندارد، مگر این که خداوند در روز قیامت، او را خوره دار (/ دست بریده) بر می انگیزد. (1)

1 - از سکونی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «هر کس در بیعت با امام [حقّی] نیرنگ کند، در روز قیامت با دهنی کج شده می آید، تا این که وارد آتش دوزخ می شود و هر کس بیعت پیشوا [حقّی] را بشکند، روز قیامت، خوره دار (/ دست بریده) می آید و در آتش دوزخ وارد می شود». در روایت دیگری آمده است: «هر کس از جماعت مسلمانان خارج شود و بیعت امام را بشکند، در پیشگاه خداوند، خوره دار (/ دست بریده) حاضر خواهد شد».

10 / 2 _ 7 الجرمَانُ مِنَ الشَّفَاعَةِ الْأَمَالِيِّ لِلطُّوسِيِّ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا مُقْبِلًا عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا» (1)، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ مَلَكَنِي الشَّفَاعَةَ فِي أَهْلِ التَّوْحِيدِ مِنْ أُمَّتِي، وَحَظَرَ ذَلِكَ عَمَّنْ نَاصَبَكَ وَنَاصَبَ وَوَلَدِكَ مِنْ بَعْدِكَ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَشْفَعُ لِحَمِيمِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاصِبًا، وَلَوْ أَنَّ نَاصِبًا شَفَعَ لَهُ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَمَلَكَ مُقَرَّبٍ مَا شَفَعُوا. (3)

10 / 2 _ 8 دُخُولُ النَّارِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! لَا يُبَغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ. (4)

1- الإسراء: 79.

2- الأُمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص 455 ح 1017، كَشْفُ الْغَمَّةِ: ج 2 ص 27، تَأْوِيلُ الْآيَاتِ الظَّاهِرَةِ: ج 1 ص 285 ح 24.

3- ثَوَابُ الْأَعْمَالِ: ص 251 ح 21، الْمُحَاسِنُ: ج 1 ص 296 ح 595 كِلَاهُمَا عَنْ عَلِيِّ الصَّائِغِ، تَفْسِيرُ الْقَمِّيِّ: ج 1 ص 46 عَنْ أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَج 2 ص 395 مِنْ دُونَ إِسْنَادٍ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَكِلَاهُمَا نَحْوَهُ وَلَيْسَ فِيهِمَا صَدْرُهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 27 ص 236 ح 53.

4- الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ: ج 3 ص 162 ح 4717، صَحِيحُ ابْنِ حَبَّانٍ: ج 15 ص 435 ح 6978، مَوَارِدُ الظُّمَانِ: ص 555 ح 2246، سِيرُ أَعْلَامِ النُّبَلَاءِ: ج 2 ص 123 الرِّقْمُ 18 كَلَّهَا عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ، كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 12 ص 104 ح 34204؛ الْمُنَاقِبُ لِلْكَوْفِيِّ: ج 2 ص 120 ح 607 عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ.

10 / 2 - 7 محروم شدن از شفاعت**10 / 2 - 8 دوزخی شدن**

10 / 2 - 7 محروم شدن از شفاعتاً مالی، طوسی_ به نقل از انس بن مالک _: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که به طرف علی بن ابی طالب علیه السلام می رود و این آیه را تلاوت می کند: «و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو، به منزله نافلة ای باشد. امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند». آن گاه فرمود: «ای علی! پروردگارم عز و جل به من در باره یکتاپرستان امّتم، حقّ شفاعت بخشید؛ ولی این شفاعت را بر کسی که نسبت به تو و فرزندانِ پس از تو دشمنی ورزد، حرام گردانید».

امام صادق علیه السلام: مؤمن برای خویشاوند خود، شفاعت می کند، مگر این که ناصبی باشد. در حقّ ناصبی، حتّی اگر پیامبری مرسل یا فرشته ای مقرب هم شفاعت کند، شفاعت، پذیرفته نمی شود.

10 / 2 - 8 دوزخی شدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جانم در دست اوست، هیچ کس ما اهل بیت را دشمن نمی دارد، مگر این که خداوند، او را به دوزخ می برد.

عنه صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! لَا يُبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا أَكْبَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ لَكُمْ ثَلَاثًا: أَنْ يُنَبِّتَ قَائِمَكُمْ، وَأَنْ يَهْدِيَ ضَالِّكُمْ، وَأَنْ يُعَلِّمَ جَاهِلَكُمْ، وَسَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ لَكُمْ جُودَاءَ نُجْدَاءَ رُحَمَاءَ، فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا صَفَنَ (2) بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَصَلَّى وَصَامَ، ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ مُبْغِضٌ لِأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ دَخَلَ النَّارَ . (3)

المعجم الكبير عن معاوية بن حديج: أُرْسِلَنِي مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْطَبَ عَلَيَّ يَزِيدُ بِنْتًا لَهُ أَوْ أَخْتًا لَهُ، فَأَتَيْتُهُ فَذَكَرْتُ لَهُ يَزِيدَ، فَقَالَ: إِنَّا قَوْمٌ لَا تَزُوجُ نِسَاؤَنَا حَتَّى نَسْتَأْمِرَهُنَّ، فَأَتَيْتُهَا فَذَكَرْتُ لَهَا يَزِيدَ، فَقَالَتْ: وَاللَّهِ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى يَسِيرَ فِينَا صَاحِبُكَ كَمَا سَارَ فِرْعَوْنُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ، وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ. فَرَجَعْتُ إِلَى الْحَسَنِ فَقُلْتُ: أُرْسَلْتَنِي إِلَى فَلَقَةٍ (4) مِنَ الْفَلَقِ تَسْمِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِرْعَوْنَ! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُعَاوِيَةُ، إِيَّاكَ وَبُغْضَنَا، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَا يُبْغِضُنَا وَلَا يَحْسُدُنَا أَحَدٌ إِلَّا ذِيدٌ (5) يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَيَاطِرٌ مِنْ نَارٍ . (6)

- 1- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 392 ح 8036، عیون الأخبار فی مناقب الأخیار: ص 27، المناقب لابن المغازلی: ص 138 ح 181، شواهد التنزیل: ج 1 ص 550 ح 584 بزیادة «علی وجهه» فی آخره وکلها عن أبی سعید الخدری، کنز العمال: ج 15 ص 304 ح 39955؛ الأمالی للمفید: ص 217 ح 3، شرح الأخبار: ج 1 ص 161 ح 110، کلاهما عن أبی سعید الخدری وفیهما «علی وجهه فی النار»، بحار الأنوار: ج 75 ص 150 ح 12.
- 2- صَفَنَ: کُلُّ صَافٍ قَدَمِهِ قَائِمًا فَهُوَ صَافِنٌ (النهاية: ج 3 ص 39 «صفن»).
- 3- المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 161 ح 4712، المعجم الكبير: ج 11 ص 142 ح 11412، السنّة لابن أبی عاصم: ص 628 ح 1546 نحوه وفیه «ینقص» بدل «مبغض»، عیون الأخبار فی مناقب الأخیار: ص 30 نحوه وفیه «قطن» بدل «صفن» وکلها عن ابن عبّاس، کنز العمال: ج 12 ص 42 ح 33910؛ الأمالی للمفید: ص 252 ح 2، بشارة المصطفی: ص 260، الأمالی للطوسی: ص 117 ح 184 کلها عن ابن عبّاس نحوه، بحار الأنوار: ج 27 ص 171 ح 13.
- 4- الفلقة: الداهية والأمر العجيب (لسان العرب: ج 10 ص 311 «فلق»).
- 5- ذید: أي طرد، (لسان العرب: ج 3 ص 267 «ذود») وفي المصدر «زید» والصحیح ما أثبتناه فی المتن كما فی المعجم الأوسط.
- 6- المعجم الكبير: ج 3 ص 81 ح 2726، المعجم الأوسط: ج 3 ص 39 ح 2405 وفیه ذیل من «یا معاوية...»، کنز العمال: ج 12 ص 104 ح 34203.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هیچ کس ما اهل بیت را دشمن نمی دارد ، مگر این که خداوند، او را در آتش ، سرنگون می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای پسران عبد المطلب! من از خداوند ، سه چیز برای شما خواسته ام : این که ایستاده شما را ثابت قدم بدارد ؛ این که گم راه شما را هدایت کند و این که نادان شما را دانا گرداند، و نیز از خدا خواسته ام که شما را بخشنده و دلیر و مهربان قرار دهد . پس اگر مردی از شما در میان رکن و مقام ، راست بایستد و نماز بخواند و روزه بگیرد ، اما با کینه به اهل بیت محمد ، خدا را دیدار کند ، به دوزخ خواهد رفت .

المعجم الكبير_ به نقل از معاوية بن حُديج _ : معاوية بن ابي سفيان ، مرا نزد حسن بن علی فرستاد تا دختر یا خواهر او را برای یزید، خواستگاری کنم . من نزد حسن آمدم و موضوع خواستگاری برای یزید را به اطلاعش رساندم . او گفت : «ما مردمی هستیم که زنانمان ازدواج نمی کنند ، مگر این که نظر خود آنها را جویا شویم . پس خودت پیش او برو» . من پیش او رفتم و موضوع خواستگاری یزید را برایش گفتم . او جواب داد : به خدا سوگند ، تا هنگامی که فرمان روای تو با ما همان می کند که فرعون با بنی اسرائیل کرد و پسرانشان را سر می برید و زنانشان را زنده نگه می داشت، این کار نخواهد شد . من نزد حسن برگشتم و گفتم : مرا پیش آتش پاره ای فرستاده ای که امیر المؤمنین [معاویه] را فرعون می نامد! حسن فرمود : «ای معاویه! از دشمنی با ما پرهیز ؛ زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هیچ کس نسبت به ما بغض و حسد نمی ورزد ، مگر این که در روز قیامت با تازیانه هایی از آتش رانده می شود» .

الإمام الباقر عليه السلام: لَوْ أَنَّ كُلَّ مَلَكٍ خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَكُلَّ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ، وَكُلَّ صِدِّيقٍ وَكُلَّ شَهِيدٍ شَفَعُوا فِي نَاصِبٍ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، أَنْ يُخْرِجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ النَّارِ مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ أَبَدًا، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «مَّا كَثِيرٌ فِيهِ أَبَدًا» (1). (2)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ سَدَّرَهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ فَلْيَعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَلْيَتَّبِعْنَا، أَلَمْ يَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (3)؟ وَاللَّهُ لَا يُطِيعُ اللَّهُ عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَدْخَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي طَاعَتِهِ اتِّبَاعَنَا، وَلَا وَاللَّهِ لَا يَتَّبِعُنَا عَبْدٌ أَبَدًا إِلَّا أَحَبَّهُ اللَّهُ، وَلَا وَاللَّهِ لَا يَدْعُ أَحَدٌ اتِّبَاعَنَا أَبَدًا إِلَّا أَبْغَضَنَا، وَلَا وَاللَّهِ لَا يُبْغِضُنَا أَحَدٌ أَبَدًا إِلَّا عَصَى اللَّهُ، وَمَنْ مَاتَ عَاصِيًا لِلَّهِ أَخْزَاهُ اللَّهُ وَأَكْبَهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (4)

الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا، وَمَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُصَلِّيَهُ النَّارَ وَمَا لَهُ مِنْ نَصِيرٍ. (5)

1- الكهف: 3.

2- ثواب الأعمال: ص 247 ح 5 عن حمزان بن أعين، بحار الأنوار: ج 27 ص 234 ح 47.

3- آل عمران: 31.

4- الكافي: ج 8 ص 14 ح 1 عن إسماعيل بن جابر وإسماعيل بن مخلد السراج، بحار الأنوار: ج 78 ص 224 ح 93.

5- كامل الزيارات: ص 553 ح 842 عن عبد الرحمن بن مسلم، بحار الأنوار: ج 100 ص 122 ح 26 وراجع: الأمالي للصدوق: ص 563 ح 758.

امام باقر علیه السلام: اگر حتی همه فرشتگانی که خداوند عز و جل آفریده و همه پیامبرانی که خدا بر انگیخته و همه صدیقان و شهیدان، در حق دشمن کینه توز ما اهل بیت، شفاعت کنند که خدای عز و جل او را از آتش دوزخ بیرون آورد، هرگز خداوند، او را بیرون نخواهد آورد. خداوند عز و جل در کتاب خود می فرماید: «برای همیشه در آن، ماندگارند».

امام صادق علیه السلام: هر کس خوش حال می شود که بداند خداوند، او را دوست می دارد، طاعت خدا را به کار بندد و از ما پیروی کند. مگر این سخن خدای عز و جل را به پیامبرش نشنیده است که: «بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را بپامرزد»؟! به خدا سوگند، هیچ بنده ای نیست که خدا را اطاعت کند، مگر این که خداوند در اطاعت او پیروی از ما را وارد می کند و به خدا سوگند، هیچ بنده ای نیست که از ما پیروی کند، مگر این که خداوند، دوستش می دارد و به خدا سوگند، هیچ بنده ای نیست که پیروی از ما را فروگذارد، مگر این که دشمن ما می شود و به خدا سوگند، هیچ بنده ای نیست که ما را دشمن بدارد، مگر این که خدا را معصیت می کند و هر که با معصیت خدا از دنیا رود، خداوند، او را خوار می سازد و در آتش سرنگون می کند و سپاس، خدای را که پروردگار جهانیان است.

امام کاظم علیه السلام: هر کس ما را دشمن بدارد، محمد را دشمن داشته است و هر کس محمد را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است و هر که خدای عز و جل را دشمن بدارد، بر خداوند، حق است که او را در آتش افکند و او هیچ یابوری نخواهد داشت.

الفصل الحادي عشر : ظلم أهل البيت عليهم السلام 11 / 1 تحذيرُ النَّبِيِّ مِنْ ظُلْمِهِمْ رسول الله صلى الله عليه وآله : وَيَلُّ لِأَعْدَاءِ أَهْلِ بَيْتِي
المُسْتَأَثْرِينَ عَلَيْهِمْ ، لَا نَالَتْهُمْ شَفَاعَتِي ، وَلَا رَأَوْا جَنَّةَ رَبِّي . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : اِسْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَيَّ مِنْ آذَانِي فِي عِتْرَتِي . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : اِسْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ وَغَضَبُ رَسُولِهِ عَلَيَّ مِنْ أَهْرَقَ دَمِي وَأَذَانِي فِي عِتْرَتِي . (3)

1- .الأمالى للشجري : ج 1 ص 154 عن الإمام علي عليه السلام .

2- .المناقب لابن المغازلي : ص 292 ح 334 ، كنز العمال : ج 12 ص 93 ح 34143 نقلاً عن الديلمي وكلاهما عن أبي سعيد
الخدري ؛ شرح الأخبار : ج 1 ص 161 ح 109 عن فضل بن عمرو وج 2 ص 481 ح 845 .

3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 1 ص 27 ح 11 ، صحيفة الرضا عليه السلام : ص 155 ح 99 وفيه «دم ذريتي» بدل «دمي»
وكلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، الأمالى للصدوق : ص 552 ح 739 عن إسماعيل بن موسى
عن أبيه ، الجعفریات : ص 183 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 27 ص 205
ح 9 ؛ المناقب لابن المغازلي : ص 42 ح 64 عن إسماعيل بن موسى عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ،
مقتل الحسين للخوارزمي : ج 2 ص 84 عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز
العمال : ج 4 ص 530 ذيل ح 11558 .

فصل یازدهم : ستم کردن به اهل بیت علیهم السلام

11 / 1 هشدار پیامبر صلی الله علیه وآله در باره ستم کردن به اهل بیت علیهم السلام

فصل یازدهم : ستم کردن به اهل بیت علیهم السلام 11 / 1 هشدار پیامبر 9 در باره ستم کردن به اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وای بر دشمنان اهل بیتم و اختصاص دهندگان حقوق آنان به خود! شفاعتم نصیب آنان مباد و بهشت پروردگارم را نبینند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خشم خداوند، بر کسی که مرا با آزردن عترتم بیازارد، سخت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خشم خدا و خشم پیامبر خدا بر کسی که خون مرا بریزد و مرا با آزردن عترتم بیازارد، سخت است .

عنه صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ! لَا تَأْتُونِي غَدَاً بِالدُّنْيَا تَرْفُونَهَا زَقَاً، وَيَأْتِي أَهْلَ بَيْتِي شَعْنًا غَيْرًا مَقْهُورِينَ مَظْلُومِينَ تَسِيلُ دِمَاؤُهُمْ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ سَبَّ أَهْلَ بَيْتِي فَأَنَا بَرِيءٌ مِنْهُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ آذَانِي فِي أَهْلِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: سِدِّيَّةٌ لَعْنَتْهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ: الرَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَالْمُكَذَّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَلَطُّ بِالْجَبْرُوتِ لِيَذَلَّ مَنْ أَعَزَّ اللَّهُ وَيَعَزَّ مَنْ أَذَلَّ اللَّهُ، وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي، وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِزَّتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ، وَالْمُسْتَحِلُّ لِحَرَمِ اللَّهِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: حَمْسَةٌ لَعْنَتْهُمْ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ: الرَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي، وَالْمُكَذَّبُ بِقَدْرِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِزَّتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ، وَالْمُسْتَأْتِرُ بِالْفِيءِ الْمُسْتَحِلُّ لَهُ. (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ لَهُ: أَنْزِلْ عَنِ الْمِنْبَرِ أَبِي. فَبَكَى عُمَرُ ثُمَّ قَالَ: صَدَقْتَ يَا بُنَيَّ، مَنِبْرُ أَبِيكَ لَا- مَنِبْرُ أَبِي، فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا هُوَ وَاللَّهِ عَنْ رَأْيِي، قَالَ: صَدَقْتَ، وَاللَّهِ مَا أَتَّهَمْتُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ. ثُمَّ نَزَلَ عَنِ الْمِنْبَرِ فَأَخَذَهُ فَأَجْلَسَهُ إِلَى جَانِبِهِ عَلَى الْمِنْبَرِ، فَخَطَبَ النَّاسَ وَهُوَ جَالِسٌ مَعَهُ عَلَى الْمِنْبَرِ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِحْفَظُونِي فِي عِزَّتِي وَدُرِّيَّتِي، فَمَنْ حَفِظَنِي فِيهِمْ حَفِظَهُ اللَّهُ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ آذَانِي فِيهِمْ - ثَلَاثًا. (6)

- 1- خصائص الأئمة: ص 74 عن أبي موسى البجلي عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 22 ص 486 ح 31.
- 2- ينابيع المودة: ج 2 ص 378 ح 74 نقلاً عن الجعابي في الطالبين عن فاطمة الصغرى عن أبيها الحسين عليه السلام.
- 3- كنز العمال: ج 12 ص 103 ح 34197 نقلاً عن أبي نعيم عن الإمام علي عليه السلام.
- 4- المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 572 ح 3940 عن عبيدالله بن عبد الرحمن عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، وح 3941، صحيح ابن حبان: ج 13 ص 60 ح 5749، المعجم الكبير: ج 3 ص 127 ح 2883 كلّها عن عائشة وح 17 ص 43 ح 89 عن عمرو بن شعوان اليافعي وكلّها نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 85 ح 44024؛ الخصال: ص 338 ح 41 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، المحاسن: ج 1 ص 74 ح 33 عن عبد المؤمن الأنصاري عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 44 ص 300 ح 6.
- 5- الكافي: ج 2 ص 293 ح 14 عن ميسر عن أبيه عن أبي جعفر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 72 ص 116 ح 14.
- 6- الأمالي للطوسي: ص 703 ح 1504، كشف الغمّة: ح 2 ص 42 كلاهما عن زيد بن علي، بحار الأنوار: ج 30 ص 51 ح 2، وراجع: الإحتجاج: ج 2 ص 77 ح 161 وتهذيب الكمال: ج 6 ص 404 الرقم 1323 وتاريخ بغداد: ج 1 ص 141 الرقم 3 وتاريخ دمشق: ج 14 ص 175 وتاريخ المدينة: ج 3 ص 799 وتاريخ الإسلام: ج 5 ص 100 الرقم 24.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! نکند فردای قیامت با دنیایی آراسته نزد من بیایید، در حالی که اهل بیت من، آشفته و خاک آلوده و ستم کشیدگانی باشند که خونشان روان است!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به اهل بیت من ناسزا گوید، من از او بیزارم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که مرا با آزدن اهل بیتم بیازارد، هر آینه خدا را آزرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شش نفرند که من و خداوند و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای آنان را لعنت کرده ایم: کسی که به کتاب خدا چیزی بیفزاید؛ کسی که تقدیر خدا را دروغ شمارد؛ کسی که با قهر و زور و برای این که مسلط شود، کسی را که خدا عزت بخشیده، ذلیل گرداند و کسی را که خدا ذلیل کرده است، بر سریر عزت [وقدرت] نشانند؛ کسی که سنت مرا فرو گذارد؛ کسی که آنچه را خداوند در باره عترتم حرام کرده است، حلال شمارد؛ و کسی که حرام های خدا را روا گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج نفرند که من و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای، آنان را لعنت کرده ایم: کسی که به کتاب خدا چیزی بیفزاید؛ کسی که سنت مرا فرو گذارد؛ کسی که تقدیر خدا را باور نداشته باشد؛ کسی که آنچه را خدا در باره عترتم حرام کرده، حلال شمارد؛ و کسی که غنایم را [که حق همه مسلمانان است،] به خود اختصاص دهد و آن را برای خود روا شمارد.

امام زین العابدین علیه السلام: عمر بن خطاب در روز جمعه بر بالای منبر، سخنرانی می کرد که حسین بن علی علیه السلام نزدیک او رفت و گفت: «از منبر پدرم فرود آی». عمر گریست و سپس گفت: راست گفتم، فرزندم! این، منبر پدر توست، نه منبر پدر من. در این هنگام، علی علیه السلام گفت: «به خدا سوگند، این حرف را من به او یاد نداده بودم». عمر گفت: درست است. به خدا سوگند که من هم تو را متهم نکردم، ای ابو الحسن! سپس از منبر پایین آمد و حسین علیه السلام را برداشت و بالای منبر در کنار خود نشانند و آن گاه در حالی که حسین علیه السلام در کنار او روی منبر نشسته بود، شروع به سخنرانی برای مردم کرد و سپس گفت: ای مردم! از پیامبرتان شنیدم که می فرمود: «مرا با عترت و ذریه ام پاس بدارید؛ زیرا هر کس با حفظ آنان مرا حفظ کند، خداوند، او را محفوظ می دارد. هان! لعنت خدا بر کسی که با آزدن آنان مرا بیازارد!» و این جمله را سه بار فرمود.

الأُمالي للطوسي عن أبي سعيد الخدري: لَمَّا كَانَ يَوْمُ أُحُدٍ شَجَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَجْهِهِ وَكُسِرَتْ رِبَاعِيَّتُهُ ، فَقَامَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَافِعًا يَدَيْهِ يَقُولُ : إِنَّ اللَّهَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى الْيَهُودِ أَنْ قَالُوا : عَزَيْرُ ابْنِ اللَّهِ ، وَاشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى النَّصَارَى أَنْ قَالُوا : الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ، وَإِنَّ اللَّهَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ عَلَى مَنْ أَرَاكَ دَمِي وَأَذَانِي فِي عِتْرَتِي . (1)

11 / 2 الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي أَوْ قَاتَلَهُمْ أَوْ أَعَارَ عَلَيْهِمْ أَوْ سَبَّهُمْ . (2)

-
- 1- الأُمالي للطوسي : ص 142 ح 231 ، تفسير العياشي : ج 2 ص 86 ح 43 وليس فيه صدره إلى «رافعا يديه يقول :» ، بشارة المصطفى : ص 280 عن أبي سعيد الخدري ؛ كنز العمال : ج 1 ص 267 ح 1343 نقلاً عن ابن النجّار عن أبي سعيد الخدري .
 - 2- ذخائر العقبى : ص 54 ، ينابيع المودة : ج 2 ص 119 ح 344 و ص 377 ح 72 وفيه «أعان» بدل «أغار» وكلّها عن الإمام الرضا عن الإمام علي عليهما السلام .

11 / 2 حرام بودن بهشت بر کسی که به اهل بیت علیهم السلام ستم کند

الأمالی، طوسی_ به نقل از ابو سعید خدری _ : در جنگ أحد ، هنگامی که چهره پیامبر صلی الله علیه و آله شکاف برداشت و دندان پیشین ایشان شکست ، دست هایش را به آسمان برداشت و فرمود : «خشم خدا ، سخت است بر یهود که گفتند : عزیز ، پسر خداست و خشم خدا سخت است بر نصارا که گفتند : مسیح ، پسر خداست و خشم خدا سخت است بر کسی که خون مرا بریزد و با آزدن عترتم مرا بیازارد» .

11 / 2 حرام بودن بهشت بر کسی که به اهل بیت علیهم السلام ستم کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، بهشت را بر کسی که به اهل بیت من ستم کند یا با آنان بجنگد یا ایشان را مورد تاخت و تاز قرار دهد یا ناسزایشان گوید ، حرام کرده است .

عنه صلى الله عليه وآله: حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي وَأَذَانِي فِي عِتْرَتِي . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي ، وَعَلَى مَنْ قَاتَلَهُمْ ، وَعَلَى الْمُعِينِ عَلَيْهِمْ ، وَعَلَى مَنْ سَبَّ بِهِمْ ، «أَوْلِيكَ لَا خَلَقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (2) . (3)

الإمام علي عليه السلام: وَاللَّهِ! لَأَذُودَنَّ بِيَدَيَّ هَاتَيْنِ الْقَصِيرَتَيْنِ عَن حَوْضِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْدَاءَنَا ، وَلَا وَرِدَنَّهُ أَحِبَّاءَنَا . (4)

عنه عليه السلام: أَتَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَعِيَ عِتْرَتِي وَسِبْطِي عَلَى الْحَوْضِ ... فَإِنَّا نَذُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَنَا وَنَسْقِي مِنْهُ أَحِبَّاءَنَا وَأَوْلِيَاءَنَا ، وَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا . (5)

المعجم الكبير عن أنس بن مالك: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: قَدْ أُعْطِيَتْ الْكَوْثَرُ ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا الْكَوْثَرُ؟ قَالَ: نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ عَرْضُهُ وَطُولُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ، وَلَا يَشْرَبُ مِنْهُ أَحَدٌ فَيَظْمَأُ ، وَلَا يَتَوَضَّأُ مِنْهُ أَحَدٌ فَيَشْعَثُ ، لَا يَشْرَبُهُ إِنْسَانٌ خَفَرَ ذِمَّتِي وَلَا قَتَلَ أَهْلَ بَيْتِي . (6)

1- تفسير القرطبي: ج 16 ص 22 ، الكشاف: ج 3 ص 402 ، تفسير الثعلبي: ج 8 ص 312 ح 178 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ؛ العمدة: ص 53 ح 49 عن عبد الله بن أحمد بن عامر عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، سعد السعود: ص 141 ، كشف الغمّة: ج 1 ص 106 ، بحار الأنوار: ج 23 ص 235 .

2- آل عمران: 77 .

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 34 ح 65 ، الأُمالي للطوسي: ص 164 ح 272 ، تأويل الآيات الظاهرة: ج 2 ص 768 ح 12 كلّها عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، صحيفة الرضا عليه السلام: ص 99 ح 39 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، روضة الواعظين: ص 300 ، جامع الأخبار: ص 456 ح 1284 ، كشف الغمّة: ج 2 ص 15 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، عنه صلى الله عليه وآله وكلّهما نحوه ، بحار الأنوار: ج 27 ص 202 ح 1 .

4- الأُمالي للطوسي: ص 172 ح 288 ، بشارة المصطفى: ص 95 كلاهما عن أبي الأسود الدؤليّ ، كشف الغمّة: ج 2 ص 15 ، بحار الأنوار: ج 8 ص 20 ح 12 ، وراجع: شرح الأخبار: ج 3 ص 572 ح 1301 والمناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 162 .

5- الخصال: ص 624 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، غرر الحكم: ج 3 ص 37 ح 3763 ، تفسير فرات: ص 367 ح 499 نحوه ، بحار الأنوار: ج 8 ص 19 ح 9 .

6- المعجم الكبير: ج 3 ص 126 ح 2882 ، شواهد التنزيل: ج 2 ص 487 ح 1163 ، تفسير الألويسي: ج 30 ص 244 ، كنز العمال: ج 14 ص 426 ح 39159 نقلاً عن ابن مردويه و ص 642 ح 39765 نقلاً عن أبي نعيم ؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 161 ، بحار الأنوار: ج 8 ص 24 ح 20 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت بر کسی که به اهل بیت من ستم کند و مرا با آزدن عترتم بیازارد، حرام گردیده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت بر کسی که به اهل بیت من ستم کند و بر کسی که با آنان بجنگد و بر کسی که بر ضد آنان یاری رساند و بر کسی که ناسزایشان گوید، حرام شده است. «اینان را در آخرت، بهره ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید و به ایشان نمی نگرند و پاکشان نمی گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت».

امام علی علیه السلام: به خدا سوگند که من با همین دو دست کوتاه خود، دشمنانمان را از رسیدن به حوض [کوثر] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دور می کنم و دوستدارانمان را به کنار آن می آورم.

امام علی علیه السلام: من با پیامبر خدا و عترتم و دو فرزندم، در کنار حوض [کوثر] هستیم و ما دشمنان خود را از آن دور می کنیم و یاران و دوستانمان را از آن، آب می دهیم. هر که شربتی آب از آن بنوشد، دیگر هرگز تشنه نمی شود.

المعجم الکبیر - به نقل از انس بن مالک - بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم. فرمود: «به من، کوثر داده شد». گفتم: ای پیامبر خدا! کوثر چیست؟ فرمود: «نهری است در بهشت که طول و عرض آن از مشرق تا مغرب است. هر کس از آن بیاشامد، دیگر هرگز تشنه نمی شود و هر کس با آب آن، خود را بشوید، دیگر هرگز خاک آلود نمی شود. هر انسانی که پیمان مرا بشکند یا اهل بیت مرا به قتل رساند، از آن نخواهد آشامید».

المعجم الكبير عن علي بن أبي طلحة مولى بني امية: حَجَّ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ وَحَجَّ مَعَهُ مُعَاوِيَةَ بْنَ حُدَيْجٍ - وَكَانَ مِنْ أَسْبَابِ النَّاسِ لِعَلِيِّ - ، فَمَرَّ فِي الْمَدِينَةِ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ جَالِسٌ فِي نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ ، فَقِيلَ لَهُ : هَذَا مُعَاوِيَةُ بْنُ حُدَيْجٍ السَّابُّ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَقَالَ : عَلِيٌّ بِالرَّجُلِ ، فَأَتَاهُ الرَّسُولُ ، فَقَالَ : أَحِبْ ، قَالَ : مَنْ ؟ قَالَ : الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ يَدْعُوكَ . فَأَتَاهُ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ . فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنْتَ مُعَاوِيَةُ بْنُ حُدَيْجٍ ؟ قَالَ : نَعَمْ ، فَرَدَّ عَلَيْهِ ثَلَاثًا . فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ : السَّابُّ لِعَلِيِّ ؟ فَكَأَنَّهُ اسْتَحْيَى ، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أُمُّ وَاللَّهِ ، لَئِن وَرَدْتَ عَلَيْهِ الْحَوْصَ - وَمَا أَرَاكَ أَنْ تَرُدَّهُ - لَتَجِدَنَّه مُشَمَّرَ الْإِزَارِ عَلَى سَاقٍ يَذُودُ الْمُنَافِقِينَ ذُودَ غَرِيْبَةِ الْإِبِلِ ، قَوْلُ الصَّادِقِ الْمَصْدُوقِ «وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى» (1) . (2)

راجع : ص 460 ح 1056 و ص 512 ح 1136 .

11 / 3 عذاب ظالمهم رسول الله صلى الله عليه وآله : الويل لظالمي أهل بيتي ، عذابهم مع المنافقين في الدرك الأسفل من النار . (3)

1- طه : 61 .

2- المعجم الكبير : ج 3 ص 91 ح 2758 و ص 81 ح 2727 عن أبي كبير ، مسند أبي يعلى : ج 6 ص 175 ح 6738 ، تاريخ دمشق : ج 59 ص 27 ، سير أعلام النبلاء : ج 3 ص 39 الرقم 10 ، السنّة لابن أبي عاصم : ص 346 ح 776 كلّها نحوه وراجع : المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 148 ح 4669 .

3- صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص 122 ح 80 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 47 ح 177 وفيه «كأني بهم غدا» بدل «عذابهم» وكلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، جامع الأحاديث للقمي : ص 128 عن موسى بن إبراهيم عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 27 ص 205 ح 10 ؛ مقتل الحسين للخوارزمي : ج 2 ص 83 ، المناقب لابن المغازلي : ص 66 ح 94 كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله .

11 / 3 عذاب ستم کنندگان به اهل بیت علیهم السلام

المعجم الكبير_ به نقل از علی بن ابی طلحه، وابسته بنی امیه_ : معاویه بن ابی سفیان با معاویه بن حدیج به حج رفتند . این معاویه یکی از ناسزاگوترین مردمان به علی بود . وی در مدینه از میان مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله گذشت . حسن بن علی ، در میان جمعی از یارانش نشستند . به وی گفته شد: این معاویه بن حدیج است که پیوسته به علی علیه السلام ناسزا می گوید . فرمود : «این مرد را نزد من آورید» . يك نفر نزد معاویه رفت و گفت : تو را خواسته است ، اجابت کن . معاویه پرسید : چه کسی؟ گفت : حسن بن علی . معاویه بن حدیج نزد ایشان آمد و سلام کرد . حسن بن علی علیه السلام گفت : «تو معاویه بن حدیج هستی؟» . او سه بار گفت : آری . حسن علیه السلام به او گفت : «همان که به علی ناسزا می گوید؟» . گویی معاویه خجالت کشید . حسن به او گفت : «هان! به خدا سوگند ، اگر در کنار حوض [کوثر] بر او وارد شوی_ که البته گمان نمی کنم به کنار آن وارد شوی_ ، او را خواهی دید که دامن به کمر زده است و منافقان را همچون شتران بیگانه دور می سازد . این، سخن آن راستگوی راستین است که : «و ناکام گشت هر که دروغ بست» .» .

ر . ك : ص 461 ح 1056 و ص 513 ح 1136 .

11 / 3 عذاب ستم کنندگان به اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وای بر ستمگران به اهل بیت من! آنان به همراه منافقان، در پایین ترین طبقه دوزخ، عذاب می شوند .

عنه صلى الله عليه وآله: فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ ، وَفِي النَّارِ ثَلَاثُ دَرَكَاتٍ . . . وَفِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ وَيَدِهِ ، وَفِي الدَّرَكِ الثَّانِيَةِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ ، وَفِي الدَّرَكِ الثَّلَاثَةِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ . (1)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ وَيَدِهِ فَهُوَ مَعَ عَدُوِّنَا فِي النَّارِ ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِنْ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ وَلَا يَدِهِ فَهُوَ فِي النَّارِ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ فِي فَضْلِ كَرْبَلَاءَ وَزِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ _ : يُوْحِي اللّٰهُ إِلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَمَنْ فِيهِنَّ : . . . وَعِزَّتِي وَجَلَالِي! لَأَعَذِّبَنَّ مَنْ وَتَرَ رَسُولِي وَصَفِيي ، وَانْتَهَكَ حُرْمَتَهُ ، وَقَتَلَ عِتْرَتَهُ ، وَبَدَّ عَهْدَهُ ، وَظَلَمَ أَهْلَهُ ، عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ . (3)

-
- 1- .المحاسن : ج 1 ص 251 ح 472 عن أبي حمزة الثماليّ عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 27 ص 93 ح 53 .
 - 2- .الخصال : ص 629 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 119 ، شرح الأخبار : ج 1 ص 165 ح 120 عن الإمام الحسين عليه السلام ، جامع الأخبار : ص 496 ح 1377 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 89 ح 39 .
 - 3- .بحار الأنوار : ج 28 ص 59 ح 23 نقلاً عن كامل الزيارات عن قدامة بن زائدة عن أبيه ووجدناه في هامش النسخة التي بأيدينا : ص 447 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت سه درجه دارد و دوزخ سه درک... . در پایین ترین درک دوزخ، کسی جای می گیرد که ما را در دلش دشمن بدارد و با زبان و دستش بر ضد ما یاری رساند. در درک دوم دوزخ، کسی جای می گیرد که ما را در دلش دشمن بدارد و با زبانش به زیان ما کار کند و در درک سوم دوزخ، کسی جای می گیرد که در دلش ما را دشمن بدارد.

امام علی علیه السلام: هر آن کس که در دلش ما را دشمن بدارد و با زبان و دستش بر ضد ما یاری رساند، او به همراه دشمن ما در آتش است و هر آن کس که در دلش ما را دشمن بدارد و با زبانش بر ضد ما یاری رساند، او نیز در آتش است و هر آن کس که در دلش ما را دشمن بدارد، ولی با دست و زبانش بر ضد ما کاری نکند، او هم در آتش است.

امام زین العابدین علیه السلام_ در فضیلت کربلا و زیارت امام حسین علیه السلام_ : خداوند به آسمان ها و زمین و کوه ها و دریاها و همه کسانی که در آنها هستند، وحی می فرماید... : سوگند به عزت و جلالم که هر کس به فرستاده و برگزیده ام ستم کند و حرمت او را بشکند و عترتش را بکشد و پیمانش را زیر پا نهد و به اهل بیت او ستم کند، به وی عذابی را می چشانم که به هیچ یک از جهانیان چنان عذابی نچشانده ام.

11 / 4 إخبار النبي بما يقع عليهم من الظلم رسول الله صلى الله عليه وآله : وَيَحِ الْفِرَاحِ فِرَاحِ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ خَلِيفَةٍ مُسْتَخْلِفٍ مُتَرَفٍ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ : الْمُصْحَفُ ، وَالْمَسْحَدُ ، وَالْعِتْرَةُ ، يَقُولُ الْمُصْحَفُ : يَا رَبِّ ، حَرَّقُونِي وَمَرَّقُونِي ، وَيَقُولُ الْمَسْحَدُ : يَا رَبِّ ، عَطَّلُونِي وَضَيَّعُونِي ، وَتَقُولُ الْعِتْرَةُ : يَا رَبِّ ، قَتَلُونَا وَطَرَّدُونَا وَشَرَّدُونَا . فَأَجِثُوا لِلرُّكْبَتَيْنِ لِلْخُصُومَةِ ، فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِي : أَنَا أَوْلَى بِذَلِكَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ مِنْ بَعْدِي مِنْ أُمَّتِي قِتْلًا وَتَشْرِيدًا ، وَإِنَّ أَشَدَّ قَوْمِنَا لَنَا بُغْضًا بَنُو أُمِّيَّةَ وَبَنُو الْمُغْبِرَةِ وَبَنُو مَخْزُومٍ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام : لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ : «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (4) قَالَ الْمُسْلِمُونَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَلَسْتَ إِمَامَ النَّاسِ كُلِّهِمْ أَجْمَعِينَ ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ ، وَلَكِنْ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أئِمَّةٌ عَلَى النَّاسِ مِنَ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي ، يَقُومُونَ فِي النَّاسِ فَيَكْذَبُونَ ، وَيَظْلِمُهُمْ أئِمَّةُ الْكُفْرِ وَالصَّلَالِ وَأَشْيَاعُهُمْ ، فَمَنْ وَالَاهُمْ وَاتَّبَعَهُمْ وَصَدَّقَهُمْ فَهُوَ مِنِّي وَمَعِي وَسَيَلْقَانِي ، أَلَا وَمَنْ ظَلَمَهُمْ وَكَذَّبَهُمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا مَعِي وَأَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ . (5)

1- الفردوس : ج 4 ص 397 ح 7147 ، كنز العمال : ج 12 ص 116 ح 34270 نقلاً عن ابن عساكر وكلاهما عن سلمة بن الأكوع ؛ بشارة المصطفى : ص 202 عن أبي طاهر عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام بزيادة «عفريت» قبل «مترف» ، كتاب سليم بن قيس : ج 2 ص 717 ح 17 عن سليم عن الإمام عليّ عليه السلام بزيادة «جبار عتريف» قبل «مترف» .

2- النخصال : ص 175 ح 232 عن جابر ، عيون الحكم والمواعظ : ص 214 ح 4255 عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 7 ص 222 ح 137 ؛ كنز العمال : ج 11 ص 193 ح 31190 نقلاً عن الطبراني وابن حنبل وسعيد بن منصور عن أبي أمامة والديلمي عن جابر .

3- المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 534 ح 8500 ، الفتن : ج 1 ص 131 ح 319 نحوه ، سبل الهدى والرشاد : ج 10 ص 152 ، إمتاع الأسماع : ج 12 ص 301 كلّها عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج 11 ص 169 ح 31074 ؛ الملاحم والفتن : ص 83 ح 29 عن أبي سعيد الخدري وفيه «قوم لنا عداوة» بدل «قومنا لنا بغضا» .

4- الإسراء : 71 .

5- الكافي : ج 1 ص 215 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 254 ح 480 ، تفسير العياشي : ج 2 ص 304 ح 121 كلّها عن جابر ، بصائر الدرجات : ص 33 ح 1 عن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 8 ص 13 ح 2 .

11 / 4 پیشگویی پیامبر صلی الله علیه وآله در باره ستم بر اهل بیت علیهم السلام

11 / 4 پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله در باره ستم بر اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آه و اندوها از ستم هایی که از جانب خلیفه ای مسلط و عیاش، به جوجه های خاندان محمد می رسد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، سه چیز می آیند و به خداوند عز و جل شکایت می کنند: قرآن و مسجد و عترت. قرآن می گوید: پروردگارا! مرا سوزاندند و تکه پاره کردند. مسجد می گوید: پروردگارا! مرا خالی گذاشتند و تباهم ساختند. عترت می گویند: پروردگارا! ما را کشتند و راندند و آواره ساختند. من برای دادخواهی زانو می زنم. خداوند عز و جل به من می فرماید: من به آنها سزاوارترم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی پس از من، اهل بیت توسط امت با کشتار و آوارگی مواجه خواهند شد. همانا کینه توزترین قوم ما با ما، بنی امیه و بنی مغیره و بنی مخزوم اند.

امام باقر علیه السلام: وقتی آیه: «روزی که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم» نازل شد، مسلمانان گفتند: ای پیامبر خدا! مگر شما، پیشوای همه مردم نیستید؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من، فرستاده خدا به سوی همه مردم هستم؛ ولی پس از من، پیشوایانی الهی از اهل بیت برای مردم خواهند بود که در میان مردم [به رهبری] بر می خیزند؛ لیکن تکذیب می شوند و پیشوایان کفر و گم راهی و پیروانشان بر ایشان ستم روا می دارند. هر که آنان را دوست بدارد و از ایشان پیروی کند و تصدیقشان نماید، از من است و با من است و مرا ملاقات خواهد کرد و آگاه باشید هر که به ایشان ستم روا دارد و تکذیبشان کند، از من نیست و با من نیست و من از او بیزارم».

رسول الله صلى الله عليه وآله: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَا أُمَّتِي بَعْدَ أَبِيهِمَا ، وَسَيِّدَا شَرِّ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَأُمُّهُمَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَأَبُوهُمَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ . وَمِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةُ أَيْمَّةٍ ، تَسِعُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي ، طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي ، وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي ، إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُنْكَرِينَ لِفَضْلِهِمْ ، وَالْمُضَيِّعِينَ لِحُرْمَتِهِمْ بَعْدِي ، وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَنَاصِرًا لِعِزَّتِي وَأَيْمَّةِ أُمَّتِي ، وَمُنْتَقِمًا مِنَ الْجَاهِلِينَ لِحَقِّهِمْ ، «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (1) . (2)

كفاية الأثر عن جنادة بن أبي أمية: دَخَلْتُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوفِّي فِيهِ ، وَبَيْنَ يَدَيْهِ طَشْتٌ يَقْذِفُ فِيهِ الدَّمَ وَيَخْرُجُ كَبِدُهُ قِطْعَةً قِطْعَةً مِنَ السَّمِّ الَّذِي أُسْقَاهُ مُعَاوِيَةُ لَعَنَهُ اللَّهُ ، فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ ، مَا لَكَ لَا تُعَالِجُ نَفْسَكَ؟ فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ ، بِمَاذَا أَعَالِجُ الْمَوْتَ؟! قُلْتُ: إِذَا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ . ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيَّ وَقَالَ: وَاللَّهِ ، إِنَّهُ لَعَهْدٌ عَهِدَهُ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ يَمْلِكُهُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ ، مَا مِنَّا إِلَّا مَسْمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ . ثُمَّ رَفَعَتْ الطَّشْتَ وَاتَّكَأَتْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ . (3)

1- الشعراء: 227 .

2- كمال الدين: ص 260 ح 6 ، التحصين لابن طاووس: ص 553 ح 14 ، فرائد السمطين: ج 1 ص 54 ح 19 كلَّها عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 36 ص 254 ح 70 .

3- كفاية الأثر: ص 226 ، الصراط المستقيم: ج 2 ص 128 نحوه ، بحار الأنوار: ج 27 ص 217 ح 19 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حسن و حسین، پس از پدرشان، امامان امت من و سرور جوانان اهل بهشت اند و مادر آن دو، بانوی زنان جهان است و پدرشان سرور اوصیاست. از نسل حسین، نه امام پدید می آید که نهمین ایشان، قائم از نسل من است. اطاعت از آنان، اطاعت از من است و نافرمانی از آنان، نافرمانی از من است. به خدا شکایت می برم از کسانی که فضل ایشان را انکار کنند و پس از من، حرمت آنان را بشکنند و کافی است که خدا پشتیبان و یاور عترت و امامان امت من باشد و انتقام گیرنده از منکران حق آنان «و کسانی که ستم کرده اند، به زودی خواهند دانست که چه فرجامی در انتظار آنان است».

کفایة الأثر_ به نقل از جنادة بن ابی امیة _ هنگامی که حسن بن علی علیه السلام در بستر بیماری _ که به درگذشت ایشان انجامید _ افتاده بود، بر ایشان وارد شدم، در حالی که در برابرش تشتی بود و ایشان بر اثر زهری که معاویه _ خدایش لعنت کند _ به او خورانده بود، در آن تشت، خون استفراغ می کرد و پاره های جگرش از دهانش خارج می شد. گفتم: مولای من! چرا خودتان را معالجه نمی کنید؟ فرمود: «ای عبد الله! مرگ را با چه علاج کنم؟!». گفتم: إنا لله و إنا إليه راجعون. ایشان سپس رو به من کرد و فرمود: «به خدا سوگند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما سفارش فرمود که این امر (پیشوایی امت) را دوازده امام از نسل علی و فاطمه علیهما السلام به عهده خواهند گرفت و هیچ يك از ما نیست، مگر این که یا زهر خورانده می شود و یا کشته می شود». در این هنگام، من تشت را برداشتم و ایشان _ که دروهای خدا بر او باد _ تکیه داد.

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍِّّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَبَكَى وَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي. (1)

عنه عليه السلام: لَمَّا احْتَضَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غُشِيَ عَلَيْهِ، فَبَكَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَفَاقَ وَهِيَ تَقُولُ: مَنْ لَنَا بَعْدَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! فَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي وَاللَّهِ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله - لَبِنِي هاشمٍ - : أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي. (3)

الأمالي للصدوق عن ابن عباس: قَالَ عَلِيٌُّّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ لَتُحِبُّ عَقِيلاً؟ قَالَ: إِي وَاللَّهِ إِنِّي لِأَحِبُّهُ حُبِّينِ: حُبًّا لَهُ، وَحُبًّا لِحُبِّ أَبِي طَالِبٍ لَهُ. وَإِنْ وَكِدْتُ لَمَقْتُولُ فِي مَحَبَّةٍ وَوَلَدِكَ، فَتَدَمَعُ عَلَيْهِ عَيُونَ الْمُؤْمِنِينَ، وَتُصَلِّي لِي عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ. ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى جَرَّتْ دُمُوعُهُ عَلَى صَدْرِهِ، ثُمَّ قَالَ: إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مَا تَلَقَى عِترَتِي مِنْ بَعْدِي. (4)

المستدرک علی الصحیحین عن أنس: دَخَلْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعُودُهُ وَهُوَ مَرِيضٌ وَعِنْدَهُ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ، فَتَحَوَّلَا حَتَّى جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ: مَا أَرَاهُ إِلَّا هَالِكًا (5). فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُ لَنْ يَمُوتَ إِلَّا مَقْتُولًا، وَلَنْ يَمُوتَ حَتَّى يُمْلَأَ غِيظًا. (6)

- 1- معاني الأخبار: ص 79 ح 1 عن المفضل بن عمر، بحار الأنوار: ج 24 ح 168 ح 1؛ شواهد التنزيل: ج 1 ص 555 ح 589 عن المفضل بن عمر.
- 2- عائم الإسلام: ج 1 ص 225، بحار الأنوار: ج 82 ص 168 ح 3، وراجع: الإرشاد: ج 1 ص 184 والأمالي للمفيد: ص 212 ح 2 ومسند ابن حنبل: ج 10 ص 257 ح 26940.
- 3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 61 ح 244 عن الحسن بن عبد الله التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، كفاية الأثر: ص 118 عن عبد القيس عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 28 ص 50 ح 15؛ شواهد التنزيل: ج 1 ص 559 ح 595 عن جابر بن عبد الله نحوه.
- 4- الأمالي للصدوق: ص 191 ح 200، بحار الأنوار: ج 22 ص 288 ح 58.
- 5- في المصدر: «هالك»، والصواب ما أثبتناه.
- 6- المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 150 ح 4673، تاريخ أصبهان: ج 2 ص 113 الرقم 1250، الكامل في التاريخ: ج 2 ص 433، تاريخ دمشق: ج 42 ص 536 ح 9050 كلها نحوه، كنز العمال: ج 11 ص 618 ح 32999؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 216 عن عمران بن حصين نحوه، بحار الأنوار: ج 29 ص 453 ح 44.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی و حسن و حسین علیهم السلام نگاه کرد و سپس گریست و فرمود: «پس از من، شما مستضعف خواهید بود».

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام احتضار، از هوش رفت و فاطمه علیها السلام شروع به گریه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله به هوش آمد و [شنید] فاطمه می گوید: ای پیامبر خدا! بعد از تو چه بر سر ما خواهد آمد؟! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدا سوگند که شما پس از من، مستضعف خواهید بود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بنی هاشم _ پس از من، شما به استضعاف کشیده می شوید .

الأمالی، صدوق_ به نقل از ابن عباس _ :علی علیه السلام به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت : ای پیامبر خدا! شما عقیل را دوست دارید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آری . به خدا او را به دو سبب دوست دارم : یکی به خاطر خودش و دیگری به خاطر آن که ابوطالب ، او را دوست می داشت . همانا فرزند او در راه محبت و دوستی فرزند تو کشته خواهد شد و دیدگان مؤمنان برایش خواهند گریست و فرشتگان مقرب ، بر او درود می فرستند» . سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله چندان گریه کرد که اشکهایش بر سینه اش جاری گشت . آن گاه فرمود : «به خدا شکوه می کنم از ستمهایی که پس از من به عترتم می رسد» .

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از انس بن مالک _ :با پیامبر صلی الله علیه و آله به عیادت علی بن ابی طالب که بیمار بود ، رفتیم . ابو بکر و عمر نیز نزد علی علیه السلام بودند . آن دو کنار رفتند تا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشست . یکی از آنها به دیگری گفت : حتماً می میرد . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «او جز با کشته شدن ، از دنیا نخواهد رفت . او زمانی خواهد مُرد که از غیظ و خشم ، لبریز شده باشد» .

المعجم الكبير عن جابر (1): المعجم الكبير عن جابر (2): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكَ امْرُؤٌ مُسْتَخَلَفٌ، وَإِنَّكَ مَقْتُولٌ، وَهَذِهِ مَخْضُوبَةٌ مِنْ هَذِهِ - لِحَيْتُهُ مِنْ رَأْسِهِ - . (3)

مسند أبي يعلى عن عائشة: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ التَّرَمَّ عَلَيَّا وَقَبَّلَهُ وَيَقُولُ: بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ، بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ . (4)

الإمام علي عليه السلام: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَ بِيَدِي وَنَحْنُ نَمْشِي فِي بَعْضِ سِكَكِ الْمَدِينَةِ، إِذْ أَتَيْنَا عَلَى حَدِيقَةٍ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَهَا مِنْ حَدِيقَةٍ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. ثُمَّ مَرَرْنَا بِأُخْرَى فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَهَا مِنْ حَدِيقَةٍ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. حَتَّى مَرَرْنَا بِسَبْعِ حَادِئِقٍ، كُلِّ ذَلِكَ أَقُولُ: مَا أَحْسَنَهَا! وَيَقُولُ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. فَلَمَّا خَلَا لَهُ الطَّرِيقُ اعْتَنَقَنِي، ثُمَّ أَجْهَشَ بَاكِياً. قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يُبْكِيكَ؟ قَالَ: صَدَّ غَائِنٌ فِي صَدُورِ أَقْوَامٍ لَا يُبَدُونَهَا لَكَ إِلَّا مِنْ بَعْدِي. قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟ قَالَ: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ . 5

- 1- .الظاهر أنه جابر بن سمرة بقرينة ما قبله وبعده من الروايات في المصدر، إضافة إلى ما صرح به في سائر المصادر .
- 2- .المعجم الكبير: ج 2 ص 247 ح 2038، المعجم الأوسط: ج 7 ص 218 ح 7318، دلائل النبوة لأبي نعيم: ج 2 ص 553 ح 491 وفيهما «مؤمر» بدل «امرؤ»، تاريخ دمشق: ج 42 ص 536، سبل الهدى والرشاد: ج 10 ص 85 كلها عن جابر بن سمرة، كنز العمال: ج 13 ص 136 ح 36428 .
- 3- .مسند أبي يعلى: ج 4 ص 318 ح 4558، تاريخ دمشق: ج 42 ص 549 ح 9061، المناقب للخوارزمي: ص 65 ح 34 وليس فيه ذيله، كنز العمال: ج 11 ص 618 ح 33000؛ الأماشي للمفيد: ص 72 ح 6 نحوه، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 220 .
- 4- .مسند أبي يعلى: ج 1 ص 285 ح 561، تاريخ بغداد: ج 12 ص 398 الرقم 6859، مسند البزار: ج 2 ص 293 ح 716، تهذيب الكمال: ج 23 ص 239 الرقم 4741 كلها عن أبي عثمان النهدي نحوه، كنز العمال: ج 13 ص 176 ح 36523؛ كشف اليقين: ص 450 ح 553 نحوه، بحار الأنوار: ج 28 ص 75 ح 33 .

المعجم الكبير_ به نقل از جابر_ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود : «تو کسی هستی که خلافت را می گیری ، کشته می شوی و این [محاسنت] از این [خون سرت] رنگین خواهد شد» .

مسند ابی یعلی_ به نقل از عایشه _ : پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که علی را در آغوش کشید و بوسید و فرمود : «پدرم فدای تو شهید تنها! پدرم فدای تو شهید تنها!» .

امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستم را گرفته بود و با هم در یکی از کوچه های مدینه راه می رفتیم که به باغی رسیدیم . من گفتم : ای پیامبر خدا! چه باغ زیبایی! فرمود : «از این زیباتر در بهشت برای توست» . سپس از باغ دیگری گذشتیم و من دوباره گفتم : ای پیامبر خدا! عجب باغ زیبایی! فرمود : «از این زیباتر در بهشت برای توست» . ما از هفت باغ گذشتیم و هر بار من می گفتم : عجب باغ زیبایی! و پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود : «از این زیباتر در بهشت برای توست» . چون پیامبر خدا به جای خلوتی رسید ، مرا در آغوش گرفت و ناگهان گریست . من گفتم : ای پیامبر خدا! چرا گریه می کنی؟ فرمود : «به خاطر کینه های نهفته در دل های گروهی از مردم که پس از من ، آنها را در مورد تو آشکار خواهند کرد . گفتم : ای پیامبر خدا! آیا دینم سالم خواهد ماند؟ فرمود : «دینت سالم خواهد ماند» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: يُقْتَلُ ابْنِي الْحَسَنُ بِالسَّمِّ . (1)

المستدرک علی الصحیحین عن أم سلمة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اضْطَجَعَ ذَاتَ لَيْلَةٍ لِلنَّوْمِ فَاسْتَيْقَظَ وَهُوَ حَائِزٌ (2)، ثُمَّ اضْطَجَعَ فَرَقَدَ، ثُمَّ اسْتَيْقَظَ وَهُوَ حَائِزٌ دُونَ مَا رَأَيْتُ بِهِ الْمَرَّةَ الْأُولَى، ثُمَّ اضْطَجَعَ فَاسْتَيْقَظَ وَفِي يَدِهِ تُرْبَةٌ حَمْرَاءُ يُقْبَلُهَا، فَقُلْتُ: مَا هَذِهِ التُّرْبَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ أَنَّ هَذَا يُقْتَلُ بِأَرْضِ الْعِرَاقِ - [يَعْنِي] الْحُسَيْنَ - فَقُلْتُ لِجِبْرِيلَ: أَرْنِي تُرْبَةَ الْأَرْضِ الَّتِي يُقْتَلُ بِهَا، فَهَذِهِ تُرْبَتُهَا . (3)

دلائل النبوة لأبي نعيم عن سحيم عن أنس بن الحارث: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّ ابْنِي هَذَا يُقْتَلُ بِأَرْضِ الْعِرَاقِ، فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ فَلْيَنْصُرْهُ. قَالَ: فَقُتِلَ أَنَسٌ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (4)

1- كتاب سليم بن قيس: ج 2 ص 838 ح 42 عن عبد الله بن جعفر، الخرائج والجرائح: ج 3 ص 1143 ح 55، عوالي اللآلي: ج 1 ص 199 ح 14 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 267 ح 534.

2- أي متحير، وفي بعض المصادر «وهو خائر» أو «خائر النفس» معناه: ثقيل النفس غير طيب ولا نشيط (النهاية: ج 2 ص 11 «خثر»)

3- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 440 ح 8202، المعجم الكبير: ج 3 ص 109 ح 2821، تاريخ الإسلام: ج 5 ص 103 الرقم 24 وفيهما «خائر» بدل «حائر» الأولى، سير أعلام النبلاء: ج 3 ص 289 الرقم 48 وفيه «خائر» بدل «حائر» في كلا الموضعين وكلها نحوه، كنز العمال: ج 13 ص 657 ح 37667؛ إعلام الوری: ج 1 ص 93 وفيه «خائر» بدل «حائر» في كلا الموضعين، بحار الأنوار: ج 18 ص 124 ح 36.

4- دلائل النبوة لأبي نعيم: ج 2 ص 554 ح 493، أسد الغابة: ج 1 ص 288 ح 246، الإصابة: ج 1 ص 271 الرقم 266، البداية والنهاية: ج 8 ص 199 كلاهما نحوه؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 140، بحار الأنوار: ج 18 ص 141 ح 40.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندم حسن، با زهر، کشته خواهد شد .

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از ام سلمه _ : شبی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای خواب به بستر رفت ؛ ولی حیرت زده بیدار شد . بار دیگر به بستر رفت و خوابید و باز بیدار شد ؛ اما این بار از دفعه قبل که دیده بودم ، کمتر متحیر بود . سپس به بستر رفت و بعد از مدتی مجدداً بیدار شد ، در حالی که مُشتی خاک سرخ رنگ در دست داشت و آن را می بوسید . گفتم : این خاک چیست ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : « جبرئیل _ علیه الصلاة والسلام _ به من خبر داد که این _ یعنی : حسین _ در خاک عراق کشته خواهد شد . من به جبرئیل گفتم : خاک آن سرزمینی را که او در آن کشته خواهد شد ، به من نشان بده . این خاک آنجاست » .

دلایل النبوة، ابو نعیم_ به نقل از سُحیم _ : انس بن حارث گفت : شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود : « این فرزندم در خاک عراق کشته خواهد شد . پس هر يك از شما او را درك كرد ، یاری اش رساند » . انس به همراه حسین علیه السلام کشته شد .

مسند ابن حنبل عن عمارة بن زاذان عن ثابت عن أنس: إِنَّ مَلَكَ الْمَطَرِ اسْتَأْذَنَ رَبَّهُ أَنْ يَأْتِيَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأُذِنَ لَهُ، فَقَالَ لِأُمِّ سَلَمَةَ: إِمْلِكِي عَلَيْنَا الْبَابَ لَا يَدْخُلُ عَلَيْنَا أَحَدٌ. قَالَ: وَجَاءَ الْحُسَيْنُ لِيَدْخُلَ فَمَنْعَتْهُ، فَوَثَبَ فَدَخَلَ، فَجَعَلَ يَقْعُدُ عَلَى ظَهْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى مَنْكِبِهِ وَعَلَى عَاتِقِهِ. فَقَالَ الْمَلَكُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنْجِبْهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: أَمَا إِنَّ أُمَّتَكَ سَتَقْتُلُهُ، وَإِنْ شِئْتَ أَرَيْتُكَ الْمَكَانَ الَّذِي يُقْتَلُ فِيهِ، فَضَرَبَ بِيَدِهِ فَجَاءَ بِطِينَةٍ حَمْرَاءَ، فَأَخَذَتْهَا أُمُّ سَلَمَةَ فَصَرَّتْهَا فِي خِمَارِهَا. قَالَ ثَابِتٌ: بَلَّغْنَا أَنَّهَا كَرَبَلَاءُ. (1)

المعجم الكبير عن أم سلمة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ فِي بَيْتِي فَقَالَ: لَا يَدْخُلُ عَلَيَّ أَحَدٌ، فَانْتَظَرْتُ فَدَخَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامَ، فَسَجَعْتُ نَشِيحَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَبْكِي، فَاطَّلَعْتُ فَإِذَا حُسَيْنٌ فِي حِجْرِهِ وَالنَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْسَحُ جَبِينَهُ وَهُوَ يَبْكِي، فَقُلْتُ: وَاللَّهِ، مَا عَلِمْتُ حِينَ دَخَلَ، فَقَالَ: إِنَّ جَبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ مَعَنَا فِي الْبَيْتِ فَقَالَ: تُحِبُّهُ؟ قُلْتُ: أَمَا مِنَ الدُّنْيَا فَنَعَمْ، قَالَ: إِنَّ أُمَّتَكَ سَتَقْتُلُ هَذَا بِأَرْضٍ يُقَالُ لَهَا كَرَبَلَاءُ، فَتَنَاولَ جَبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ تُرْبَتِهَا، فَأَرَاهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَلَمَّا أَحْيَطَ بِحُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ قُتِلَ، قَالَ: مَا اسْمُ هَذِهِ الْأَرْضِ؟ قَالُوا: كَرَبَلَاءُ، قَالَ: صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَرْضُ كَرَبٍ وَبَلَاءٍ. (2)

مسند ابن حنبل عن عبد الله بن نجيب عن أبيه: أَنَّهُ سَارَ مَعَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامَ، وَكَانَ صَاحِبَ مَطَهْرَتِهِ، فَلَمَّا حَازَى نَيْنَوِي وَهُوَ مُنْطَلِقٌ إِلَى صِفِّينَ فَنَادَى عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامَ: إِصْبِرْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِصْبِرْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ بِشَطِّ الْفُرَاتِ. قُلْتُ: وَمَاذَا؟ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ وَعَيْنَاهُ تَقِيضَانِ، قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، أَغَصَبَكَ أَحَدٌ! مَا شَأْنُ عَيْنِكَ تَقِيضَانِ؟ قَالَ: بَلْ قَامَ مِنْ عِنْدِي جَبْرِيْلُ قَبْلُ فَحَدَّثَنِي أَنَّ الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِشَطِّ الْفُرَاتِ. قَالَ: فَقَالَ: هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ أُشِمَّكَ مِنْ تُرْبَتِهِ؟ قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ، فَمَدَّ يَدَهُ فَقَبَضَ قَبْضَةً مِنْ تُرَابٍ فَأَعْطَانِيهَا، فَلَمْ أَمْلِكْ عَيْنِي أَنْ فَاصَّتَا. (3)

1- .مسند ابن حنبل: ج 4 ص 482 ح 13539، المعجم الكبير: ج 3 ص 106 ح 2813، مسند أبي يعلى: ج 3 ص 370 ح 3389، دلانل النبوة لأبي نعيم: ج 2 ص 553 ح 492 كلها نحوه، كنز العمال: ج 13 ص 657 ح 37669؛ الأما لللطوسي: ص 330 ح 658 نحوه، بحار الأنوار: ج 44 ص 231 ح 14.

2- .المعجم الكبير: ج 3 ص 108 ح 2819 و ج 23 ص 289 ح 637 نحوه، كنز العمال: ج 13 ص 656 ح 37666؛ الملاحم والفتن: ص 235 ح 342.

3- .مسند ابن حنبل: ج 1 ص 184 ح 648، المعجم الكبير: ج 3 ص 105 ح 2811، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 632 ح 259 عن عبد الله بن يحيى الحضرمي عن أبيه كلاهما نحوه، مسند أبي يعلى: ج 1 ص 206 ح 358، كنز العمال: ج 13 ص 655 ح 37663؛ الملاحم والفتن: ص 237 ح 344 نحوه، بحار الأنوار: ج 44 ص 247 ح 46.

مسند ابن حنبل_ به نقل از عمارة بن زادن _ : ثابت به نقل از انس گفت: فرشته باران از پروردگارش اجازه خواست که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برود و خدا به او اجازه داد . پیامبر صلی الله علیه و آله به ام سلمه فرمود : «بیرون ، مواظب در باش که کسی بر ما وارد نشود» . حسین علیه السلام آمد و خواست وارد اتاق شود ؛ اما ام سلمه مانع او شد . حسین ، جستی زد و داخل شد و شروع کرد بر پشت پیامبر و بر روی شانه و گردن ایشان سوار شدن . آن فرشته به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : او را دوست داری؟ فرمود : «آری» . فرشته گفت : بدان که امت تو او را خواهند کشت و اگر بخواهی ، مکانی را که در آن کشته می شود ، به تو نشان می دهم . سپس دستش را زد و مقداری گل سرخ رنگ آورد . ام سلمه آن را گرفت و در گوشه چارقد خود بست . اطلاع یافتیم که آن سرزمین ، کربلاست .

المعجم الکبیر_ به نقل از ام سلمه _ : روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اتاق من نشسته بود و فرمود : «کسی بر من وارد نشود» . من ، [بیرون اتاق] منتظر ماندم . در این هنگام ، حسین علیه السلام وارد اتاق شد . صدای هق هق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را شنیدم که می گریست . به داخل اتاق نگاهی افکندم . دیدم حسین در بغل پیامبر صلی الله علیه و آله است و ایشان به پیشانی او دست می کشد و می گیرد . گفتم : به خدا، متوجه نشدم که او وارد شد ! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «جبرئیل در اتاق با ما بود و گفت : او را دوست داری؟ گفتم : از دنیا، آری [همین ها را دوست دارم] . جبرئیل گفت : بدان که امت تو این را در سرزمینی به نام کربلا خواهند کشت» . جبرئیل ، از خاک آن جا مقداری برداشت و به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان داد . زمانی که حسین علیه السلام را محاصره کردند تا او را بکشند ، فرمود : «نام این سرزمین چیست؟» . گفتند : کربلا . فرمود : «خدا و پیامبر او راست گفتند . این جا سرزمین کرب (اندوه) و بلاست» .

مسند ابن حنبل_ به نقل از عبد الله بن نجی ، از پدرش _ : زمانی که علی علیه السلام به صفین می فت [م] ، او ابریق دار ایشان بود [م] و همراه ایشان حرکت می کرد [م] . چون برابر نینوا رسید ، صدا زد : «صبر کن ، ابو عبد الله ! در کنار شطّ فرات، صبر کن ، ابو عبد الله !» . گفتم : چه شده است؟ فرمود : «روزی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم . دیدم چشمانش گریان است . گفتم : ای پیامبر خدا! کسی شما را ناراحت کرده است؟ چرا دیدگانتان گریان است؟ فرمود : نه . اندکی پیش ، جبرئیل از پیش من رفت . او به من گفت که حسین در نزدیک شطّ فرات، کشته خواهد شد . جبرئیل به من گفت : آیا می خواهی از شمیم تربتش به تو بیویانم؟ گفتم : آری . پس جبرئیل دستش را دراز کرد و مثنی خاک برداشت و آن را به من داد و بدین خاطر، بی اختیار، گریه ام گرفت» .

البداية والنهاية عن محمد بن عمرو بن حسن: كُنَّا مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِنَهْرِي كَرْبَلَاءَ، فَنَظَرَ إِلَى شِمْرِ بْنِ ذِي الْجَوْشَنِ فَقَالَ: صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى كَلْبٍ أَبْقَعَ يَلْغُ فِي دِمَاءِ أَهْلِ بَيْتِي». وكان شِمْرٌ قَبَّحَهُ اللَّهُ أَبْرَصًا. (1)

الإمام عليّ عليه السلام: زارنا رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَعَمِلْنَا لَهُ حَرِيرَةً، وَأَهْدَتْنَا لَنَا أُمَّ أَيْمَنَ قَعْبًا مِنْ لَبَنٍ وَزُبْدًا وَصَحْفَةً مِنْ تَمْرٍ، فَأَكَلَ النَّبِيُّ وَأَكَلْنَا مَعَهُ، ثُمَّ وَصَّاتُ رَسُولَ اللَّهِ، فَقَامَ وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ فَدَعَا اللَّهَ مَا شَاءَ. ثُمَّ أَكَبَّ عَلَى الْأَرْضِ بِدُمُوعٍ غَزِيرَةٍ مِثْلَ الْمَطَرِ، فَهَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ نَسْأَلَهُ، فَوَثَبَ الْحُسَيْنُ فَقَالَ: يَا أَبَتِي، رَأَيْتَكَ تَصْنَعُ مَا لَمْ أَرَكْ تَصْنَعُ مِثْلَهُ! فَقَالَ: يَا بَنِيَّ، إِنِّي سُرِرْتُ بِكُمْ الْيَوْمَ سُورًا لَمْ أُسَرَّ بِكُمْ مِثْلَهُ، وَإِنَّ حَبِيبِي جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَانِي فَأَخْبَرَنِي أَنَّكُمْ قَتَلْتُمْ، وَأَنَّ مَصَارِعَكُمْ شَتَّى، فَدَعَوْتُ اللَّهَ لَكُمْ وَأَحْزَنْتِي ذَلِكَ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ يَزُورُنَا عَلَى تَشْتِينَا، وَيَتَعَاهَدُ قُبُورَنَا؟ قَالَ: طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُرِيدُونَ بَرِّي وَصِلَتِي، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَهِدَتْهَا بِالْمَوْقِفِ، وَأَخَذَتْ بِأَعْضَادِهَا فَأَنْجَحَتْهَا وَاللَّهِ مِنْ أَهْوَالِهِ وَشَدَائِدِهِ. (2)

1- البداية والنهاية: ج 8 ص 188، تاريخ دمشق: ج 23 ص 190 ح 5031 و ج 55 ص 16 ح 11583 نحوه، كنز العمال: ج 13 ص 672 ح 37714؛ بحار الأنوار: ج 45 ص 56 نقلاً عن المناقب لابن شهر آشوب.

2- مقتل الحسين للخوارزمي: ج 2 ص 166 عن حسين بن عليّ بن الحسين عن أبيه عن جدّه الإمام الحسين عليه السلام؛ بشارة المصطفى: ص 195 عن حسين بن عليّ بن الحسين عن أبيه عن جدّه عليهما السلام، كامل الزيارات: ص 126 ح 141 عن محمد بن الحسين بن علي عن أبيه عن جدّه الإمام زين العابدين عنه عليهما السلام و ص 125 ح 140 عن جابر عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام، إعلام الوري: ج 1 ص 94 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عنه عليهم السلام وكلّهما نحوه، بحار الأنوار: ج 44 ص 234 ح 20.

البدایة و النهایة_ به نقل از محمد بن عمرو بن حسن _ : ما به همراه حسین علیه السلام در کنار دو نهر کربلا بودیم . امام علیه السلام به شمر بن ذی الجوشن نگاهی کرد و فرمود : «خدا و پیامبر او راست گفتند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : گویی سگِ پیسه ای را می بینم که در خون اهل بیت من، دهان می زند » . شمر _ که خداوند، رویش را زشت کند _ پیس بود .

امام علی علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به دیدن ما آمد . برای ایشان ، حریره ای تهیه کردیم و امّ ایمن ، قدحی شیر و کره و طبقی خرما آورد . پیامبر صلی الله علیه و آله ، شروع به خوردن کرد و ما نیز با ایشان خوردیم . سپس پیامبر خدا را وضو دادم و ایشان برخاست و رو به قبله ایستاد و مقداری دعا کرد . سپس چشمانش را به زمین دوخت و مانند باران، اشک ریخت . ما جرئت نکردیم علت را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جویا شویم . حسین از جا پرید و گفت : پدر جان! عملی از شما دیدم که قبلاً ندیده بودم چنان کاری انجام دهید! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «فرزند عزیزم! من امروز از ملاقات شما چنان خوش حال شدم که سابقه نداشته است؛ ولی دوستم جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که شماها کشته خواهید شد و هر کدامتان در جایی بر زمین خواهید افتاد . از این رو من برای شما دعا کردم و این خبر، موجب اندوه من گشت» . حسین گفت : ای پیامبر خدا! با این پراکندگی، چه کسی به زیارت ما خواهد آمد و چه کسی از قبرهای ما مواظبت خواهد نمود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «گروهی از امتم که خواهان نیکی و ارتباط با من اند . پس چون روز قیامت شود ، من این عده را در موقف می بینم و بازوانشان را می گیرم و به خدا سوگند ، آنان را از هول و هراس ها و سختی های موقف، نجات می دهم» .

11 / 5 ما وَقَعَ عَلَيْهِم مِّنَ الظُّلْمِ إِمامَ الحِسنِ عليه السَّلامِ في خُطْبَتِهِ بَعْدَ قَتْلِ أميرِ المُؤمِنينَ عليه السَّلامِ _ لَقَدْ حَدَّثَنِي جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ الْأَمْرَ يَمْلِكُهُ اثْنَا عَشَرَ إمامًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَصَفْوَتِهِ ، ما مِثًا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ . (1)

الإمام عليّ عليه السَّلامِ : . . . حَتَّى إِذا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ ، وَغَالَتْهُمُ السُّبُلُ ، وَاتَّكَلُوا عَلَى الْوَلَايَةِ ، وَوَصَّلُوا غَيْرَ الرَّحِمِ ، وَهَجَرُوا السَّبَبَ الَّذِي أَمَرُوا بِمَوَدَّتِهِ ، وَتَقَلُّوا الْبِنَاءَ عَن رِصِّ أَساسِهِ ، فَبَنَوْهُ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ . مَعادِنُ كُلِّ خَطِيئَةٍ ، وَأَبوابُ كُلِّ ضارِبٍ فِي غَمْرَةٍ . (2)

المناقب لابن شهر آشوب عن المنهال بن عمرو : إِنَّ مُعاوِيَةَ سَأَلَ الحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلامِ أَنْ يَصْعَدَ المِنْبَرَ وَيَنْتَسِبُ ، فَصَعِدَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ . . . ثُمَّ قالَ : أَصَبَحَتِ قُرَيْشٌ تَفْتَخِرُ عَلَى العَرَبِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْها ، وَأَصَبَحَتِ العَرَبُ تَفْتَخِرُ عَلَى العَجَمِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْها ، وَأَصَبَحَتِ العَجَمُ تَعْرِفُ حَقَّ العَرَبِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْها ، يَطْلُبُونَ حَقَّنًا وَلَا يَرُدُّونَ إِلَيْنَا حَقَّنًا . (3)

1- . كفاية الأثر : ص 162 عن هشام بن محمد عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 27 ص 217 ح 18 .

2- . نهج البلاغة : الخطبة 150 ، المسترشد : ص 401 ح 134 نحوه ، بحار الأنوار : ج 29 ص 616 ح 29 .

3- . المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 12 ، بحار الأنوار : ج 43 ص 356 ح 34 .

11 / 5 ستم های رفته بر اهل بیت علیهم السلام

11 / 5 ستم های رفته بر اهل بیت علیهم السلام در سخنانی که پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام بیان نمود _ : جدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود که امر [امامت] را دوازده امام از اهل بیت و برگزیدگان او، به عهده می گیرند و هیچ يك از ما نیست ، مگر این که یا به قتل می رسد و یا با زهر کشته می شود .

امام علی علیه السلام :... تا این که چون خداوند ، جان پیامبر خود را گرفت ، قومی به عقب برگشتند و راه های گوناگون، آنان را نابود کرد و بر اندیشه های نادرست خویش تکیه کردند و با غیر خویشاوند، پیوند برقرار کردند و از وسیله ای (اهل بیت) که به دوستی آن مأمور شده بودند، دور گشتند و آن بنا را از روی بنیاد استوارش حرکت دادند و در غیر جایش گذاشتند . اینان، معدن هر خطا و دروازه هایی گشوده به روی هر کسی بودند که خواهان گام نهادن در باطل و گم راهی بود .

المناقب، ابن شهر آشوب_ به نقل از منهال بن عمرو_ : معاویه از حسن علیه السلام خواست که بر منبر رود و نسب خود را بیان کند . حسن علیه السلام بر منبر رفت و حمد و ثنای خداوند گفت... و سپس فرمود : «قریش بر عرب ها فخر می فرودند که محمد صلی الله علیه و آله از آنهاست و عرب ها بر عجم ها فخر می فرورند که محمد صلی الله علیه و آله از آنهاست و عجم ها این حق را برای عرب ها معترف اند که محمد صلی الله علیه و آله از آنان است . حق ما را [از غاصبان حق ما] می طلبند و حَقمان را به ما بر نمی گردانند .

المعجم الكبير عن حبيب بن يسار: لَمَّا أُصِيبَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَامَ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمَ إِلَى بَابِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ: أَفَعَلْتُمُوهَا؟! أَشْهَدُ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ اسْتَوْدِعْهُمَا (1) وَصَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ»، فَقِيلَ لِعُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ: إِنَّ زَيْدَ بْنَ أَرْقَمَ قَالَ كَذَا وَكَذَا، فَقَالَ: ذَلِكَ شَيْخٌ قَدْ ذَهَبَ عَقْلُهُ. (2)

تاريخ اليعقوبي في ذكر وفاة فاطمة عليها السلام _ دَخَلَ إِلَيْهَا فِي مَرَضِهَا نِسَاءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْرُهُنَّ مِنْ نِسَاءِ قُرَيْشٍ، فَقُلْنَ: كَيْفَ أَنْتِ؟ قَالَتْ: أَحْدُنِي وَاللَّهِ كَارِهَةً لِدُنْيَاكُمْ، مَسْرُورَةً لِفِرَاقِكُمْ، أَلْقَى اللَّهُ وَرَسُولَهُ بِحَسْرَاتٍ مِنْكُمْ، فَمَا حَفِظَ لِي الْحَقُّ، وَلَا رُعِيَتْ مِنِّي الذِّمَّةُ، وَلَا قُبِلَتِ الْوَصِيَّةُ، وَلَا عُرِفَتِ الْحُرْمَةُ. (3)

الإمام الحسين عليه السلام: لَمَّا قُبِضَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ دَفَنَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سِرًّا وَعَفَا عَلَى مَوْضِعِ قَبْرِهَا، ثُمَّ قَامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَزَائِرَتِكَ وَالْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبُعْتِكَ، وَالْمَخْتَارِ لِلَّهِ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ، قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَن صَدَفِيَّتِكَ صَبْرِي، وَعَفَا عَن سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي، إِلَّا أَنَّ لِي فِي التَّاسِي بِسَبِّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزُّرٍ، فَلَقَدْ وَسَدَّتْكَ فِي مَلْحُوذَةِ قَبْرِكَ، وَفَاضَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ نَحْرِي وَصَدْرِي. بلى، وفي كتاب الله لي أنعم القبول، إنا لله وإنا إليه راجعون، قد استرجعت الوديعَةَ وأخذت الرهينةَ، وأخيلست الزهراءَ، فما أفتح الخضرَاءَ والغبراءَ يا رسول الله! أما حزني فسَ رَمَدٌ، وأما ليلي فمَسْهَدٌ، وهُمٌّ لا يبرحُ من قلبي أو يختارَ الله لي دارك التي أنت فيها مُقيمٌ، كَمَدٌ مُقَيِّحٌ، وهَمٌّ مُهَيِّجٌ، سرعان ما فَرَّقَ بَيْنَنَا وَإِلَى اللَّهِ أَشْكَو، وَسَتَّبْتُكَ ابْنَتُكَ بِتَظَافِرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا، فَأَحْفَهَا السُّؤَالَ وَاسْتَخْبَرَهَا الْحَالَ، فَكَمَ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَيْتِهِ سَبِيلًا، وَسَدَّ يَقُولُ وَيَحْكُمُ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ. سَلَامٌ مُودِّعٍ لَا قَالٍ وَلَا سَيِّمٍ، فَإِنْ أَنْصَرَفَ فَلَا عَن مَلَالَةٍ، وَإِنْ أَقَمَ فَلَا عَن سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ. (4)

1- أي الحسن والحسين عليهما السلام .

2- المعجم الكبير : ج 5 ص 185 ح 5037، تاريخ دمشق : ج 14 ص 236 ح 3546 عن أبي إسحاق السبيعي نحوه ؛ الأماطي للطوسي : ص 252 ح 450 عن أبي إسحاق السبيعي ، شرح الأخبار : ج 3 ص 170 ح 1116 عن حبيب بن بشار و 1117 عن حزام بن عثمان وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج 45 ص 167 ح 11 .

3- تاريخ اليعقوبي : ج 2 ص 115 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

4- الكافي : ج 1 ص 458 ح 3 عن علي بن محمد الهرمزانى ، الأماطي للمفيد : ص 281 ح 7 ، الأماطي للطوسي : ص 109 ح 166 ، بشارة المصطفى : ص 258 كلها عن علي بن محمد الهرمزانى عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، نهج البلاغة : الخطبة 202 كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج 43 ص 193 ح 21 .

المعجم الکبیر۔ به نقل از حبیب بن یسار۔ چون حسین بن علی علیه السلام کشته شد، زید بن ارقم به کنار در مسجد رفت و گفت: شمایان، این کار را کردید؟! گواهی می دهم که شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «بار خدایا! من این دو (حسن و حسین) و شایسته از مؤمنان را به تو می سپارم». به عبید الله بن زیاد، خبر دادند که زید بن ارقم، چنین و چنان گفته است. ابن زیاد گفت: او پیرمردی است که عقلش را از دست داده است.

تاریخ الیعقوبی۔ در بیان رحلت فاطمه علیها السلام۔ هنگامی که فاطمه علیها السلام در بستر بیماری افتاده بود، همسران پیامبر خدا و دیگر زنان قریش، به عیادت او رفتند و گفتند: چگونه ای؟ فرمود: «به خدا سوگند، از دنیای شما بیزارم و از جدایی شما شادمان. خدا و پیامبر او را با درد دل هایی که از شما دارم، ملاقات می کنم؛ زیرا نه حق من حفظ شد و نه عهدم رعایت شد و نه وصیت به گوش گرفته شد و نه حرمتم پاس داشته شد».

امام حسین علیه السلام: چون فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، امیر مؤمنان علیه السلام او را مخفیانه به خاک سپرد و محلّ قبرش را ناپدید ساخت و سپس برخاست و رو به سوی قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کرد و گفت: «سلام من بر تو، ای پیامبر خدا و سلام بر تو، از جانب دخترت؛ همو که اینک به دیدار تو آمد و از من جدا گشت و در آرامگاه تو در خاک خفت و خدا خواست که زودتر به تو ملحق شود. ای پیامبر خدا! از فراق دخت برگزیده ات، شکیبایی ام کم شده است و از جدایی سَرور زنان عالم، توانم را از کف داده ام؛ اما تأسّی به سَدّت تو و غم و دردی که از فراق کشیدم، موجب تسلیت من [در مصیبت دخترت فاطمه] است؛ زیرا من خود، تو را در لحد آرامگاهت نهادم و در حالی جان دادی که سَدّت به سینه من چسبیده بود. آری، در کتاب خدا برای من، بهترین عامل پذیرش [و تحمّل این مصیبتها] وجود دارد: «ما همه از آن خداییم و همه به سوی او باز می گردیم». هر آینه امانت، پس گرفته شد و گرو دریافت گردید و زهرا از کفم ربوده شد. ای پیامبر خدا! اینک، این آسمان نیلگون و این زمین تیره، چه زشت در نظرم جلوه می کنند! اندوهم همیشگی است و شب هایم به بیداری می گذرد و اندوه، هرگز از دلم رخت بر نمی بندد، تا آن گاه که خداوند، خانه ای را که تو در آن جای گرفته ای، برایم برگزیند [و به تو ملحق شوم]. مرا غصّه ای است بس دل خراش و اندوهی که آرام و قرار نمی گذارد. چه زود میان ما جدایی افتاد. شکایت خود را پیش خدا می برم. دخترت از همدست شدن امتت در ستم بر او، به تو گزارش خواهد داد. همه ماجرا را از او پیرس و اوضاع و احوال را از او جويا شو؛ زیرا چه بسا غم های سوزانی در سینه اش داشت و راهی برای بیان آنها نمی یافت؛ ولی اکنون [به تو] خواهد گفت و خدا هم داوری می کند و او بهترین داوران است. اینک با تو بدرود می گویم، بدرودِ وداع کننده ای که نه خشمگین است و نه خسته و بیزار؛ زیرا اگر از این جا بروم، از روی ملال [و خستگی] نیست و اگر بمانم، به واسطه بدگمانی به وعده ای که خداوند به شکیبایان داده است، نیست».

سنن الترمذي عن عبد الرحمن بن أبي نعم: إِنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ سَأَلَ ابْنَ عُمَرَ عَنِ دَمِ الْبَعُوضِ يُصِيبُ الثَّوْبَ، فَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: أَنْظِرُوا إِلَى هَذَا يَسْأَلُ عَنِ دَمِ الْبَعُوضِ وَقَدْ قَتَلُوا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ هُمَا رِيحَاتِنَايَ مِنَ الدُّنْيَا. (1)

جامع الأخبار عن المنهال بن عمرو: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، كَيْفَ أَصَبَحْتُمْ رَحِمَكُمُ اللَّهُ؟ قَالَ: أَنْتَ تَزْعُمُ أَنَّكَ لَنَا شَيْعَةٌ وَأَنْتَ لَا تَعْرِفُ صَاحِبَنَا وَمَسَاءَنَا!! أَصَبَحْنَا فِي قَوْمِنَا بِمَنْزِلَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي آلِ فِرْعَوْنَ، يُذَبِّحُونَ الْأَبْنَاءَ وَيَسْتَحْيُونَ النِّسَاءَ، وَأَصْبَحَ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَ نَبِيِّهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُلْعَنُ عَلَى الْمَنَابِرِ، وَيُعْطَى الْفِضْلُ وَالْأَمْوَالُ عَلَى شَتْمِهِ، وَأَصْبَحَ مَنْ يُحِبُّنَا مَنَقُوصًا حَقُّهُ (2) عَلَى حُبِّهِ إِيَّانَا، وَأَصْبَحَتْ قُرَيْشٌ تَفْضُلُ عَلَى جَمِيعِ الْعَرَبِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْهُمْ، يَطْلُبُونَ بِحَقِّنَا وَلَا يَعْرِفُونَ لَنَا حَقًّا. أَدْخَلَ فَهَذَا صَاحِبَانَا وَمَسَاؤُنَا. (3)

-
- 1- سنن الترمذي: ج 5 ص 657 ح 3770، صحيح البخاري: ج 5 ص 2234 ح 5648، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 405 ح 5679، الأدب المفرد: ص 38 ح 85 كلها نحوه، كنز العمال: ج 13 ص 673 ح 37719؛ الأمالي للصدوق: ص 207 ح 228.
 - 2- في المصدر: « منقوص بحقه » والصحيح هو ما أثبتناه كما في تفسير القمي.
 - 3- جامع الأخبار: ص 238 ح 607، تفسير القمي: ج 2 ص 134 عن عاصم بن حميد عن الإمام الصادق عليه السلام عنه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 16 ح 2؛ الطبقات الكبرى: ج 5 ص 219، تهذيب الكمال: ج 20 ص 399 الرقم 4050، تاريخ دمشق: ج 41 ص 396 كلها نحوه.

سنن الترمذی_ به نقل از عبد الرحمان بن ابی نُعم_ :مردی عراقی از ابن عمر پرسید : اگر لباس ، به خون پشه آلوده شود ، چه حکمی دارد؟ ابن عمر گفت : این مرد را ببینید که از [حُکم] خون پشه می پرسد ، در حالی که فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را کشتند ، با این که من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید : «حسن و حسین ، دو گل خوش بوی من از دنیايند»!

جامع الأخبار_ به نقل از منهل بن عمرو_ :خدمت امام زين العابدين عليه السلام رسيدم و گفتم : سلام بر شما! رحمت خدا بر شما باد! حالتان چگونه است؟ فرمود : «تو می گویی شیعه ما هستی و با این حال نمی دانی که روز و شب ما چگونه می گذرد!؟ ما در میان قوم خود ، چونان بنی اسرائیل در میان آل فرعون هستیم ؛ پسرانمان را می کشند و زنانمان را زنده نگه می دارند و بهترین افراد امت پس از پیامبرش، بر روی منبرها لعن می شود و مال و منال می دهند تا او را دشنام گویند و حقوق دوستداران ما به واسطه علاقه شان به ما، ضایع می گردد . قریش به این دستاویز که محمد از آنهاست ، خود را بر همه عرب ها برتری می دهند ؛ حق ما را می ستانند و کمترین حقی برای ما قائل نیستند . وارد شو . روز و شب ما در این حال می گذرد» .

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ لَمْ يَعْرِفْ سَوْءَ مَا أُوتِيَ إِبْنَا مِنْ ظُلْمِنَا وَذَهَابِ حَقِّنَا وَمَا نَكِبْنَا بِهِ ، فَهُوَ شَرِيكٌ مَنْ أَتَى إِبْنَا فِيمَا وَلَيْنَا بِهِ . (1)

الأمالي للطوسي عن المنهال بن عمرو: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ، فَزَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ الرَّجُلُ : كَيْفَ أَنْتُمْ ؟ فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَوْ مَا أَنْ لَكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا كَيْفَ نَحْنُ ؟ ! إِنَّمَا مَثَلُنَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، كَانَ يُدْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَتُسْتَحْيَى نِسَاؤُهُمْ ، أَلَا وَإِنَّ هَؤُلَاءِ يُدْبِحُونَ أَبْنَاءَنَا وَيُسْتَحْيُونَ نِسَاءَنَا ، زَعَمَتِ الْعَرَبُ أَنَّ لَهُمْ فَضْلًا عَلَى الْعَجَمِ ، فَقَالَتِ الْعَجَمُ : وَبِمَاذَا ؟ قَالُوا : كَانَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَرَبِيًّا ، قَالُوا لَهُمْ : صَدَقْتُمْ . وَزَعَمَتِ قُرَيْشٌ أَنَّ لَهَا فَضْلًا عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْعَرَبِ ، فَقَالَتْ لَهُمْ الْعَرَبُ مِنْ غَيْرِهِمْ : وَبِمَا ذَاكَ ؟ قَالُوا : كَانَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُرَشِيًّا ، قَالُوا لَهُمْ : صَدَقْتُمْ . فَإِنْ كَانَ الْقَوْمَ صَدَقُوا فَلَنَا فَضْلٌ عَلَى النَّاسِ ؛ لِأَنَّ ذُرِّيَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ خَاصَّةً وَعِزَّتُهُ ، لَا يَشْرِكُهُ فِي ذَلِكَ غَيْرُنَا . فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ : وَاللَّهِ إِنِّي لِأَجِبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ . قَالَ : فَاتَّخِذْ لِلْبَلَاءِ جَلْبَابًا ، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَسْرَعُ إِبْنَا وَإِلَى شِيعَتِنَا مِنَ السَّيْلِ فِي الْوَادِي ، وَبِنَا يَبْدَأُ الْبَلَاءُ ثُمَّ بِكُمْ ، وَبِنَا يَبْدَأُ الرَّخَاءُ ثُمَّ بِكُمْ . (2)

1- . ثواب الأعمال : ص 248 ح 6 عن جابر ، بحار الأنوار : ج 27 ص 55 ح 11 .

2- . الأمالي للطوسي : ص 154 ح 255 ، بشارة المصطفى : ص 89 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 360 ح 1 ؛ الطبقات الكبرى : ج 5 ص 95 نحوه والقضية فيه منسوبة إلى محمد بن علي المعروف بابن الحنفية وليس فيه ذيله من «لأنَّ ذرِّيَّة» .

امام باقر علیه السلام: هر کس به بد و ناروا بودن ستم ها و حق کشی ها و رنج هایی که به ما رسیده، معترف نباشد، با کسی که این کارها را در حق ما کرده، شریک است.

الأمالی، طوسی_ به نقل از منهل بن عمرو_ : با امام باقر علیهما السلام نشسته بودم که مردی وارد شد و به ایشان سلام کرد . امام علیه السلام جواب سلامش را داد . آن مرد گفت : حالتان چگونه است؟ امام باقر علیه السلام به او فرمود : «آیا زمان آن نرسیده است که بدانید ما چه حالی داریم؟! حکایت ما در میان این امت ، همچون حکایت بنی اسرائیل است که پسرانشان را سر می بریدند و زنانشان را زنده نگه می داشتند . بدانید که اینان نیز پسران ما را می کشند و زنانمان را زنده می گذارند . عرب ها می گویند که بر عجم ها برتری دارند و عجم ها می پرسند : به چه علت؟ و آنها می گویند : چون محمد صلی الله علیه و آله ، عرب بود . عجم ها پاسخ می دهند : درست می گویند . قریش می گویند که بر دیگر عرب ها برترند و آن دیگر عرب ها می گویند : به چه دلیل؟ و قریش جواب می دهند : چون محمد صلی الله علیه و آله ، از قریش بود . عرب ها می گویند : درست می گویند . اگر این قوم راست می گویند ، پس ما بر همه مردم، برتری داریم ؛ چرا که ما، ذریه محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت خاص او و عترتش هستیم و جز ما ، کسی این ویژگی را ندارد» . آن مرد به امام علیه السلام گفت : به خدا سوگند که من شما اهل بیت را دوست دارم . امام علیه السلام فرمود : «پس تن پوشی برای بلا آماده کن ؛ زیرا به خدا سوگند که بلا به سوی ما و شیعیانمان، شتابنده تر حرکت می کند تا سیل در درّه . بلا ، نخست به ما می رسد و سپس به شما و آسایش نیز نخست به ما می رسد و آن گاه به شما» .

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: رُوِيَ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: يَا فُلَانُ، مَا لَقِينَا مِنْ ظُلْمِ قُرَيْشٍ إِيَّانَا وَنَظَاهِرِهِمْ عَلَيْنَا! وَمَا لَقِيَ شِيعَتُنَا وَمُحِبُّونَا مِنَ النَّاسِ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُبِضَ وَقَدْ أَخْبَرَ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ، فَتَمَالَاتِ عَلَيْنَا قُرَيْشٌ حَتَّى أَخْرَجَتِ الْأَمْرَ عَنْ مَعْدِنِهِ، وَاحْتَجَّتْ عَلَى الْأَنْصَارِ بِحَقِّنَا وَحُجَّتِنَا. ثُمَّ تَدَاوَلَتْهَا قُرَيْشٌ، وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ، حَتَّى رَجَعَتْ إِلَيْنَا، فَانْكَثَتْ بَيْعَتَنَا، وَنَصَبَتْ الْحَرْبَ لَنَا، وَلَمْ يَزَلْ صَاحِبُ الْأَمْرِ فِي صَعُودِ كَوْوِدٍ حَتَّى قُتِلَ. فَبَوَّعَ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَعَوْهَدَ، ثُمَّ غَدَرَ بِهِ وَأَسْلِمَ، وَوَثَبَ عَلَيْهِ أَهْلُ الْعِرَاقِ حَتَّى طُعِنَ بِخَنْجَرٍ فِي جَنْبِهِ، وَنُهِبَتْ عَسْكَرُهُ، وَعَوْلِجَتْ خَلَالِيلُ (1) أُمَّهَاتِ أَوْلَادِهِ، فَوَادَعَ مُعَاوِيَةَ وَحَقَنَ دَمَهُ وَدِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَهُمُ قَلِيلٌ حَقَّ قَلِيلٍ. ثُمَّ بَايَعَ الْحَسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ عِشْرُونَ أَلْفًا، ثُمَّ غَدَرُوا بِهِ، وَخَرَجُوا عَلَيْهِ، وَبَيْعَتُهُ فِي أَعْنَاقِهِمْ، وَقَتَلُوهُ. ثُمَّ لَمْ نَزَلْ - أَهْلَ الْبَيْتِ - نُسْتَدَلُّ وَنُسْتَضَامُ، وَنُقْصَى وَنُمْتَهَنُ، وَنُحْرَمُ وَنُقْتَلُ، وَنَخَافُ وَلَا نَأْمَنُ عَلَى دِمَائِنَا وَدِمَاءِ أَوْلِيَانِنَا. وَوَجَدَ الْكَاذِبُونَ الْجَاهِلُونَ لِكَذِبِهِمْ وَجُحُودِهِمْ مَوْضِعًا يَتَقَرَّبُونَ بِهِ إِلَى أَوْلِيَانِهِمْ، وَقَضَاةَ السُّوءِ وَعُمَالِ السُّوءِ فِي كُلِّ بَلَدَةٍ، فَحَدَّثُوهُمْ بِالْأَحَادِيثِ الْمَوْضُوعَةِ الْمَكْذُوبَةِ، وَرَوَوْا عَنَّا مَا لَمْ نَقُلْهُ وَمَا لَمْ نَفْعَلْهُ؛ لِيُبَغِّضُونَا إِلَى النَّاسِ. وَكَانَ عِظْمُ ذَلِكَ وَكِبَرُهُ زَمَنَ مُعَاوِيَةَ بَعْدَ مَوْتِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُتِلَتْ شِيعَتُنَا بِكُلِّ بَلَدَةٍ، وَقُطِّعَتِ الْأَيْدِي وَالْأَرْجُلُ عَلَى الظَّنَّةِ، وَكَانَ مَنْ يُدَكِّرُ بِحُبِّنَا وَالْإِنْقِطَاعِ إِلَيْنَا سُجِنَ أَوْ نُهِبَ مَالُهُ، أَوْ هُدِمَتْ دَارُهُ. ثُمَّ لَمْ يَزَلِ الْبَلَاءُ يَشْتَدُّ وَيَزْدَادُ إِلَى زَمَانِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ قَاتِلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ جَاءَ الْحَجَّاجُ فَقَتَلَهُمْ كُلَّ قَتْلَةٍ، وَأَخَذَهُمْ بِكُلِّ ظَنَّةٍ وَنُهْمَةٍ، حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ لَيُقَالُ لَهُ: «زَنْدِيقٌ» أَوْ «كَافِرٌ» أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُقَالَ: «شِيعَةٌ عَلِيٌّ!» (2)

1- كذا في المصدر، ولعل الصواب «خلاخيل».

2- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 11 ص 43، بحار الأنوار: ج 44 ص 68.

شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید: روایت شده است که امام باقر علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «فلانی! ما چه ستم ها و دشمنی هایی از قریش دیدیم و چه ستم ها که شیعیان و دوستداران ما از مردم دیدند! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیش از آن که از دنیا برود، فرموده بود که ما از خود مردم به آنان سزاوارتریم؛ اما قریش، علیه ما هم داستان شدند و کار [امامت و خلافت] را از جایگاهش خارج ساختند و آنچه را که حق و حجت ما بود، در اختیار خویش گرفتند و با آن در برابر انصار، حجت آوردند. سپس قریش، آن [پیشوایی و خلافت] را در میان خود، دست به دست کردند، تا این که سرانجام، این حق به خود ما باز گشت؛ اما بیعت ما را شکستند و در برابرمان پرچم جنگ برافراشتند و امیر مؤمنان علیه السلام پیوسته با رنج و مشقت، دست به گریبان بود، تا آن که به شهادت رسید. پس از او، با فرزندش حسن، بیعت و پیمان بسته شد؛ اما به وی خیانت شد و [در برابر دشمن] وادار به تسلیم گردید و عراقیان بر وی شوریدند، تا جایی که به پهلویش خنجر زدند و اردوگاهش غارت شد و خلخال از پاهای مادران فرزندانش در آوردند. از این رو، [ناچار] با معاویه صلح کرد و خون خود و خون خانواده اش را که در اقلیت تمام به سر می بردند، حفظ کرد. سپس بیست هزار نفر از مردم عراق با حسین علیه السلام بیعت کردند؛ اما به او خیانت کردند و در برابرش برخاستند و در حالی که بیعت او را به گردن داشتند، او را به قتل رساندند. از آن پس، ما اهل بیت، همچنان مورد قهر و ستم واقع می شویم، از حق خود، دورمان می کنند و مورد خواری قرار می گیریم، محروم می شویم و کشته می شویم، در رعب و وحشت به سر می بریم و جان ما و جان شیعیانمان در امان نیست؛ اما دروغگویان و منکران [حق ما]، به سبب دروغگویی و انکارشان، موقعیتی یافته اند که به واسطه آن، مقرب درگاه حکمرانان خود و قاضیان جور و کارگزاران نابه کار در هر شهری هستند؛ چرا که آنان (دروغگویان و منکران)، برای اینان روایت های جعلی و دروغ می گویند و از قول ما سخنان و کرداری نقل می کنند که ما آنها را نگفته ایم و انجام نداده ایم و هدفشان [از نقل این روایت ها و سخنان و کردار]، این است که ما را منفور مردم گردانند. بیشترین و بدترین این اعمال، در زمان معاویه پس از درگذشت حسن علیه السلام اتفاق افتاد؛ زیرا در آن زمان، شیعیان ما در هر شهر و نقطه ای به قتل رسیدند و هر کس به صیرف این که مظلون [به شیعه بودن] واقع می شد، دست و پاهایش قطع می گردید و اگر معلوم می شد کسی دوستدار و علاقه مند به ماست، یا زندانی می شد، یا اموالش به غارت می رفت و یا خانه اش ویران می گشت. در زمان عبید الله بن زیاد، قاتل حسین علیه السلام، بلا [و مصیبت]، هر لحظه شدیدتر و بیشتر می شد. سپس حجاج آمد و همه آنها (دوستداران و شیعیان علی و اهل بیت علیهم السلام) را از دم تیغ گذراند و با کمترین سوءظن و تهمتی، ایشان را دستگیر و مجازات می کرد، تا جایی که اگر به کسی می گفتند: «زندیق» یا «کافر»، این را خوش تر از آن می داشت که به او گفته شود: «شیعه علی».

الأُمالي للصدوق عن حمزة بن حمران: دَخَلْتُ إِلَى الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي: يَا حَمَزَةُ، مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ؟ قُلْتُ لَهُ: مِنْ الكَوْفَةِ. قَالَ: فَبَكَى عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى بَلَّتْ دُمُوعُهُ لِحَيْتَهُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا لَكَ أَكْثَرَتِ البُكَاءُ؟! فَقَالَ: ذَكَرْتُ عَمِّي زَيْدًا وَمَا صُنِعَ بِهِ فَبَكَيْتُ، فَقُلْتُ لَهُ: وَمَا الَّذِي ذَكَرْتَ مِنْهُ؟ فَقَالَ: ذَكَرْتُ مَقْتَلَهُ وَقَدْ أَصَابَ جَبِينَهُ سَهْمٌ، فَجَاءَهُ ابْنُهُ يَحْيَى فَاذْكَبَ عَلَيْهِ وَقَالَ لَهُ: أَبْشِرْ يَا أَبْتَاهُ فَإِنَّكَ تَرُدُّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. قَالَ: أَجَلٌ يَا بُنَيَّ، ثُمَّ دَعَا بِحَدَادٍ فَنَزَعَ السَّهْمَ مِنْ جَبِينِهِ فَكَانَتْ نَفْسُهُ مَعَهُ، فَجِيءَ بِهِ إِلَى سَاقِيَةِ تَجْرِي عِنْدَ بُسْتَانٍ زَائِدَةٍ، فَحَفَرَ لَهُ فِيهَا وَدُفِنَ وَأُجْرِيَ عَلَيْهِ المَاءُ. وَكَانَ مَعَهُمْ غُلَامٌ سَيِّئُ اللَّيْثِ لِبَعْضِهِمْ، فَذَهَبَ إِلَى يَوْسُفَ بْنِ عُمَرَ مِنَ العَدِ فَأَخْبَرَهُ بِدَفْنِهِمْ إِيَّاهُ، فَأَخْرَجَهُ يَوْسُفُ بْنُ عُمَرَ فَصَلَبَهُ فِي الكُنَّاسَةِ أَرْبَعَ سِنِينَ، ثُمَّ أَمَرَ بِهِ فَأُحْرِقَ بِالنَّارِ وَذُرِّي فِي الرِّيَاحِ، فَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ وَخَازِلَهُ، وَإِلَى اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ أَشْكَو مَا نَزَلَ بِنَا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ بَعْدَ مَوْتِهِ، وَبِهِ نَسْتَعِينُ عَلَى عَدُوِّنَا وَهُوَ خَيْرُ مُسْتَعَانٍ (1).

تاريخ الطبري عن محمد بن إبراهيم: أُتِيَ بِهِمْ [أَي بَعْضُ بَنِي الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] أَبُو جَعْفَرٍ (2)، فَنَظَرَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ حَسَنِ فَقَالَ: أَنْتَ الدِّيَابُجُ الأَصْفَرُ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَأَقْتُلَنَّكَ قِتْلَةً مَا قَتَلْتَهَا أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ. ثُمَّ أَمَرَ بِأَسْطُوَانَةٍ مَبْنِيَّةٍ فُفِرِّقَتْ، ثُمَّ أُدْخِلَ فِيهَا فَبَنَى عَلَيْهِ وَهُوَ حَيٌّ (3).

1- الأُمالي للصدوق: ص 477 ح 643، الأُمالي للطوسي: ص 434 ح 973 نحوه، بحار الأنوار: ج 46 ص 172 ح 22.

2- هو المنصور الدوانيقي.

3- تاريخ الطبري: ج 7 ص 546، الكامل في التاريخ: ج 3 ص 562، تاريخ الإسلام: ج 9 ص 19، سير أعلام النبلاء: ج 6 ص 214 الرقم 105 كلَّها نحوه، مقاتل الطالبين: ص 181 الرقم 23.

الأمالی، صدوق_ به نقل از حمزة بن حمران _ : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم . به من فرمود : «ای حمزه! از کجا می آیی؟» . گفتم : از کوفه . امام علیه السلام آن قدر گریست که محاسن او از اشکش، تر شد . گفتم : ای پسر پیامبر خدا! چه شده است که این قدر، گریه می کنید؟! فرمود : «به یاد عمویم زید و آنچه با او کردند ، افتادم و گریه ام گرفت» . گفتم : به یاد چه چیزی از او افتادید؟ فرمود : «به یاد کشته شدنش افتادم که تیری به پیشانی اش خورد و پسرش یحیی آمد و خودش را بر روی او انداخت و گفت : بشارت باد تو را، ای پدر که بر پیامبر خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین _ که دروهای خدا بر آنان باد _ وارد می شوی! زید گفت : آری ، فرزندم! سپس یحیی ، آهنگری را آورد و آن تیر را از پیشانی اش بیرون کشید و زید، جان سپرد . پیکر او را نزد نهر آبی که از کنار باغی می گذشت ، بردند و برایش در بستر آن نهر، گوری کردند و پیکرش را در آن دفن کردند و سپس آب را بر آن بستند . یکی از آنان، غلامی سینه‌ندی داشت که او نیز همراهشان بود . فردایش آن غلام ، نزد یوسف بن عمر رفت و محلّ دفن زید را به او خبر داد . یوسف بن عمر ، جسد زید را بیرون آورد و در کُناسه (محلّه ای در کوفه) به دار آویخت که مدّت چهار سال ، همچنان بالای دار بود . سپس دستور داد جسدش را سوختند و خاکسترش را به باد دادند . لعنت خدا بر قاتل او و بر کسانی که او را تنها و بی یاور گذاشتند! به خدای بلندنام، شکایت می برم از آنچه پس از مرگ پیامبرش به ما اهل بیت رسید و در برابر دشمنان از او یاری می خواهیم که او بهترین یار است» .

تاریخ الطبری_ در باره محمد بن ابراهیم _ : گروهی از فرزندان حسن علیه السلام را نزد ابو جعفر (منصور دوانیقی) آوردند . او به محمد بن ابراهیم بن حسن، نگاهی کرد و گفت : دیباجِ اصفر ، (1) تویی؟ گفت : آری . منصور گفت : به خدا سوگند ، تو را به چنان وضعی می کشم که تا کنون هیچ يك از افراد خاندان را چنان نکشته باشم . سپس دستور داد ستونی را شکاف دادند و او را زنده زنده داخل آن کردند و رویش را بستند .

1- دیباج اصفر: دیبای زرد (کنایه از زیبایی) . این ، لقب مشهور محمد بن ابراهیم بود .

مقاتل الطالبين عن موسى بن عبد الله: حُسِنَا فِي الْمُطْبِقِ ، فَمَا كُنَّا نَعْرِفُ أَوْقَاتَ الصَّلَوَاتِ إِلَّا بِأَجْزَاءِ يَقْرَأُهَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ . (1)

مقاتل الطالبين عن موسى بن عبد الله بن موسى: تُوَفِّي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ وَهُوَ سَاجِدٌ فِي حَبْسِ أَبِي جَعْفَرٍ ، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ : أَيَقُظُوا ابْنَ أَخِي ، فَإِنِّي أَرَاهُ قَدْ نَامَ فِي سُجُودِهِ . قَالَ : فَحَرَّكَوهُ فَإِذَا هُوَ قَدْ فَارَقَ الدُّنْيَا . فَقَالَ : رَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ ، إِنَّ عِلْمِي فِيكَ أَنَّكَ تَخَافُ هَذَا الْمَصْرَعَ . (2)

مقاتل الطالبين عن محمد بن المنصور المرادي: قَالَ يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدٍ : قُلْتُ لِأَبِي : يَا أَبُهِ ، إِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَرَى عَمِّي عَيْسَى بْنَ زَيْدٍ ، فَإِنَّهُ يَفْبَحُ بِمِثْلِي أَنْ لَا يَلْقَى مِثْلَهُ مِنْ أَشْيَاخِهِ . فَوَدَّاعَنِي عَنْ ذَلِكَ مُدَّةً ، وَقَالَ : إِنَّ هَذَا أَمْرٌ يَتَقَلُّ عَلَيْهِ ، وَأَخْشَى أَنْ يَنْتَقِلَ عَنْ مَنْزِلِهِ كِرَاهِيَةً لِلْفَائِكَ إِيَّاهُ فَتَزَعَجُهُ . فَلَمْ أَزَلْ بِهِ أَدَارِيهِ وَالطُّفُّ بِهِ حَتَّى طَابَتْ نَفْسُهُ لِي بِذَلِكَ ، فَجَهَّزَنِي إِلَى الْكُوفَةِ وَقَالَ لِي : إِذَا صِرْتَ إِلَيْهَا فَاسْأَلْ عَنْ دُورِ بَنِي حَيٍّ ، فَإِذَا دُلِلْتَ عَلَيْهَا فَاقْصُدْهَا فِي السُّكَّةِ الْفُلَانِيَّةِ ، وَسَتَرِي فِي وَسَطِ السُّكَّةِ دَارًا لَهَا بَابٌ صِدْفَتُهُ كَذَا وَكَذَا ، فَاعْرِفْهُ وَاجْلِسْ بَعِيدًا مِنْهَا فِي أَوَّلِ السُّكَّةِ ، فَإِنَّهُ سَيَقْبَلُ عَلَيْكَ عِنْدَ الْمَغْرِبِ كَهْلُ طَوِيلٌ مَسْنُونٌ الْوَجْهِ قَدْ أَثَرَ السُّجُودَ فِي جَبْهَتِهِ ، عَلَيْهِ جُبَّةٌ صُوفٍ ، يَسْتَقِي الْمَاءَ عَلَى جَمَلٍ ، وَقَدْ انْصَرَفَ يَسُوقُ الْجَمَلَ لَا يَضَعُ قَدَمًا وَلَا يَرْفَعُهَا إِلَّا ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلُودُ مَوْعُهُ تَنَحُّدٌ ، فُقِّمَ وَسَلِّمَ عَلَيْهِ وَعَانِقَهُ فَإِنَّهُ سَيَذَعُرُ مِنْكَ كَمَا يَذَعُرُ الْوَحْشُ ، فَعَرِّفْهُ نَفْسَكَ وَانْتَسِبْ لَهُ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ إِلَيْكَ وَيُحَدِّثُكَ طَوِيلًا ، وَيَسْأَلُكَ عَنَّا جَمِيعًا ، وَيُخْبِرُكَ بِشَأْنِهِ وَلَا يَضْجُرُ بِجُلُوسِكَ مَعَهُ ، وَلَا تُطَلِّ عَلَيْهِ وَوَدَّعُهُ ، فَإِنَّهُ سَوْفَ يَسْتَعْفِيكَ مِنَ الْعَوْدَةِ إِلَيْهِ ، فَافْعَلْ مَا يَأْمُرُكَ بِهِ مِنْ ذَلِكَ ، فَإِنَّكَ إِنْ عُدْتَ إِلَيْهِ تَوَارَى عَنْكَ وَاسْتَوْحَشَ مِنْكَ وَانْتَقَلَ عَنْ مَوْضِعِهِ وَعَلَيْهِ فِي ذَلِكَ مَشَقَّةٌ . فَقُلْتُ : أَفَعَلْ كَمَا أَمَرْتَنِي . ثُمَّ جَهَّزَنِي إِلَى الْكُوفَةِ وَوَدَّعْتُهُ وَخَرَجْتُ . فَلَمَّا وَرَدْتُ الْكُوفَةَ قَصَدْتُ سِكَّةَ بَنِي حَيٍّ بَعْدَ الْعَصْرِ ، فَجَلَسْتُ خَارِجَهَا بَعْدَ أَنْ تَعَرَّفْتُ الْبَابَ الَّذِي نَعْتُهُ لِي ، فَلَمَّا غَرَبَتِ الشَّمْسُ إِذَا أَنَا بِهِ قَدْ أَقْبَلَ يَسُوقُ الْجَمَلَ ، وَهُوَ كَمَا وَصَفَ لِي أَبِي لَا يَرْفَعُ قَدَمًا وَلَا يَضَعُهَا إِلَّا حَرَّكَ شَفْتَيْهِ بِذِكْرِ اللَّهِ ، وَدُمُوعُهُ تَرَقْرُقُ فِي عَيْنَيْهِ وَتَدْرِفُ أَحْيَانًا . فُقِّمْتُ فَعَانَقْتُهُ ، فَذَعَرَ مِنِّي كَمَا يَذَعُرُ الْوَحْشُ مِنَ الْإِنْسِ ، فَقُلْتُ : يَا عَمِّ ، أَنَا يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدٍ ، ابْنُ أَخِيكَ . فَضَمَّنِي إِلَيْهِ وَبَكَى حَتَّى قُلْتُ قَدْ جَاءَتْ نَفْسُهُ ، ثُمَّ أَنَاخَ جَمَلَهُ وَجَلَسَ مَعِي فَجَعَلَ يَسْأَلُنِي عَنْ أَهْلِهِ رَجُلًا - رَجُلًا - وَامْرَأَةً وَامْرَأَةً وَصَبِيًّا صَبِيًّا ، وَأَنَا أُشْرِحُ لَهُ أَخْبَارَهُمْ وَهُوَ يَبْكِي . ثُمَّ قَالَ : يَا بُنَيَّ ، أَنَا اسْتَقِي عَلَى هَذَا الْجَمَلِ الْمَاءَ ، فَأَصْرِفْ مَا أَكْتَسَبْتُ - يَعْنِي مِنَ أَجْرَةِ الْجَمَلِ - إِلَى صَاحِبِهِ وَأَتَقَوَّتْ بِأَقْبَلِهِ ، وَرُبَّمَا عَاقَنِي عَائِقٌ عَنِ اسْتِقَاءِ الْمَاءِ فَأَخْرُجْ إِلَى الْبَرِيَّةِ - يَعْنِي بِظَهْرِ الْكُوفَةِ - فَأَلْتَقِطْ مَا يَرْمِي النَّاسُ بِهِ مِنَ الْبُتُولِ فَاتَّقَوْتُهُ . وَقَدْ تَزَوَّجْتُ إِلَى هَذَا الرَّجُلِ ابْنَتَهُ ، وَهُوَ لَا يَعْلَمُ مَنْ أَنَا إِلَى وَقْتِي هَذَا ، فَوَلَدَتْ مِنِّي بِنْتًا فَنَشَأَتْ وَبَلَغَتْ وَهِيَ أَيْضًا لَا تَعْرِفُنِي وَلَا تَدْرِي مَنْ أَنَا ، فَقَالَتْ لِي أُمُّهَا : زَوِّجِ ابْنَتَكَ بِابْنِ فُلَانِ السَّقَاءِ - لِرَجُلٍ مِنْ جِيرَانِنَا يَسْقِي الْمَاءَ - فَإِنَّهُ أَيْسَرُ مِنَّا وَقَدْ حَطَبَهَا ، وَاللَّحْتُ عَلَيَّ ، فَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى إِخْبَارِهَا - بِأَنَّ ذَلِكَ غَيْرُ جَائِزٍ ، وَلَا هُوَ بِكُفٍّ لَهَا - فَيَشِيْعُ خَبْرِي ، فَجَعَلْتُ تُلِحُّ عَلَيَّ ، فَلَمْ أَزَلْ أُسْتَكْفِي اللَّهَ أَمْرَهَا حَتَّى مَاتَتْ بَعْدَ أَيَّامٍ ، فَمَا أَجِدُنِي آسَى عَلَى شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا أُسَايَ عَلَى أَنَّهَا مَاتَتْ وَلَمْ تَعْلَمْ بِمَوْضِعِهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . قَالَ : ثُمَّ أَقْسَمَ عَلَيَّ أَنْ أَنْصَرِفَ وَلَا أَعُودَ إِلَيْهِ ، وَوَدَّعَنِي ، فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ صِرْتُ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي انْتَهَرْتُهُ فِيهِ لِأَرَاهُ فَلَمْ أَرَهُ ، وَكَانَ آخِرَ عَهْدِي بِهِ . (3)

1- مقاتل الطالبين: ص 176 الرقم 19 .

2- مقاتل الطالبين: ص 176 الرقم 19 .

3- مقاتل الطالبين: ص 345 الرقم 35 .

مقاتل الطالبيين_ به نقل از محمد بن اسماعيل _ : از جدم موسى بن عبد الله شنيدم كه مي گفت : در سياه چالي زنداني شديم ، به طوري كه وقت هاي نماز را تنها از طريق جزءهايي كه علي بن حسن بن حسن قرائت مي كرد ، تشخيص مي داديم .

مقاتل الطالبيين_ به نقل از موسى بن عبد الله بن موسى _ : علي بن حسن ، در زندان ابو جعفر (منصور دوانيقي) در حال سجده از دنيا رفت . عبد الله گفت : برادرزاده ام را بيدار كنيد ؛ چون فكر مي كنم در حال سجده خوابش برده است . اما چون او را تكان دادند ، ديدند از دنيا رفته است . عبد الله گفت : خدا از تو خشنود باد! من مي دانستم تو بيم آن داري كه در اين جا بميري .

مقاتل الطالبيين_ به نقل از محمد بن منصور مرادي _ : يحيى بن حسين بن زيد گفت : به پدرم گفتم : پدر جان! من دوست دارم عمويم عيسى بن زيد را ببينم ؛ زيرا براي فردي چون من ، زشت است كه چنان پيري از بزرگان خود را ملاقات نكند . پدرم مدتي مرا از اين كار باز مي داشت و مي گفت : چنين ملاقاتي بر او سنگين مي آيد و مي ترسم چون دوست ندارد تو او را بيدار كني ، منزل خود را به جاي ديگر منتقل كند و تو با اين كار ، موجب ناراحتي و زحمت او شوي . من همچنان با پدرم مدارا و مهرباني مي كردم ، تا اين كه سرانجام به اين كار ، رضاييت داد و اسباب سفر مرا به كوفه فراهم كرد و به من گفت : چون به كوفه رسيدي ، سراغ محله «بنی حى» را بگير و وقتي آن جا را به تو نشان دادند ، به فلان كوچه برو . در ميانه كوچه ، منزلي خواهي ديد كه در آن ، چنين و چنان است . آن در را نشاني كن و دور از آن منزل ، در ابتدای كوچه بنشين . هنگام غروب آفتاب ، مردی به طرف تو خواهد آمد میان سال و بلندقامت و دارای چهره ای باریک و كشيده . بر پيشاني اش اثر سجده است و جبهه ای پشيمی به تن دارد و با شتر خود ، سقايی مي كند . او از سقايی بر گشته و شترش را مي راند و با هر قدمي كه بر مي دارد و مي گذارد ، ذكر خدای عز و جل مي گوید و اشك هایش جاری است . برخيز و به او سلام كن و با وی معانقه نما . او همچون يك جانور صحرايي از تو خواهد رميد ؛ اما تو خودت را به او معرفي كن و نسبتت را برايش باز گو . در اين صورت آرام مي گيرد و مدت ها با تو سخن مي گوید و در باره همه ما از تو مي پرسد و تو را از اوضاع و احوال خودش آگاه مي سازد . از نشستن با تو خسته نمي شود ؛ اما تو زياد مزاحمش نشو و با او خداحافظي كن . از تو خواهش خواهد كرد كه ديگر به سراغش نروي و تو به اين دستور او عمل كن ؛ زيرا اگر دوباره نزدش بروي ، خودش را از تو پنهان مي كند و از تو مي گريزد و محل سکونت خود را تغيير مي دهد و اين كار ، موجب رنج و زحمت او مي شود . من گفتم : دستور شما را به كار مي بندم . آن گاه پدرم مرا عازم كوفه كرد و من خداحافظي كردم و به راه افتادم . چون وارد كوفه شدم ، نزديك غروب به كوچه بنی حى رفتم و ابتدا در منزلي را كه پدرم براي من توصيف کرده بود ، شناسايي كردم و بيرون از كوچه نشستم . آفتاب كه غروب كرد ، ديدم شتر خود را مي راند و مي آيد . او همان گونه بود كه پدرم براي من توصيف کرده بود . هر قدمي كه بر مي داشت و مي گذاشت ، لبانش به ذكر خدا مي جنبيد و اشك هاي او در ديدگانش مي گشت و گاهي قطراتي از آن به زمين مي ريخت . من برخاستم و او را در آغوش كشيدم ؛ اما او مانند يك جانور صحرايي كه از انسان وحشت مي كند ، از من وحشت كرد . گفتم : عمو جان! من يحيى بن حسين بن زيد ، برادرزاده شما هستم . در اين وقت ، مرا بغل كرد و آن قدر گريست كه گفتم مُرد . سپس شترش را خواباند و در كنار من نشست و در باره يكايك مردان و زنان و كودكان خانواده اش پرسيد و من اوضاع و احوال آنها را برايش شرح مي دادم و او مي گريست . سپس گفت : فرزندم! من با اين شتر ، آب مي كشم و از درآمد آن ، مزد شتر را به صاحبش مي دهم و با بقيه آن ، امرار معاش مي كنم . گاهي اوقات ، مانعي پيش مي آيد كه نمي توانم آب كشي كنم . از اين رو ، به صحرا _ يعني پشت كوفه _ مي روم و از سبزي هايي كه مردم دور مي ريزند ، بر مي دارم و رفع گرسنگي مي كنم . من با دختر اين مرد ، ازدواج كردم و او هنوز هم نمي داند من كيستم . همسرم دختری به دنيا آورد و آن دختر ، بزرگ شد و به سن بلوغ رسيد و او هم مرا نمي شناخت و نمي دانست كيستم . مادرش به من گفت : پسر فلان سقا _ كه مردی از همسايگان ماست و آب كشي مي كند _ به خواستگاري دختر آمده است و وضع

زندگی شان از ما بهتر است . دخترت را به همسری او در آور . همسرم اصرار می کرد ؛ اَمّا من نمی توانستم به او بگویم که این کار ، درست نیست و پسر او مناسب دختر ما نیست و وضعیت من لو می رود . او همچنان اصرار می کرد و من پیوسته از خدا می خواستم که خودش کارسازی کند ، تا این که پس از چند روز ، دخترم مُرد . فکر نمی کنم برای هیچ چیز دنیا این قدر اندوهگین شده باشم که برای مرگ دخترم شدم ؛ زیرا او مُرد و از نسبت خود با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آگاه نشد . او سپس مرا سوگند داد که بروم و دیگر پیش او بر نگردم و با من خداحافظی کرد . بعد از این ملاقات ، بار دیگر به همان جایی که منتظرش نشسته بودم برگشتم تا مجدداً او را ببینم ؛ اَمّا ندیدمش و این ، آخرین دیدار من با او بود .

مقاتل الطالبين عن المنذر بن جعفر العبدي عن أبيه: خَرَجْتُ أَنَا وَالْحَسَنُ وَعَلِيٌّ ابْنَا صَالِحِ بْنِ حَيٍّ ، وَعَبْدُ رَبِّهِ بْنِ عَلْقَمَةَ ، وَجَنَابُ بْنُ نِسْطَاسٍ مَعَ عَيْسَى بْنِ زَيْدٍ حُجَّاجًا بَعْدَ مَقْتَلِ إِبْرَاهِيمَ ، وَعَيْسَى بَيْنَنَا يَسْتُرُ نَفْسَهُ فِي زِيِّ الْجَمَّالِينَ ، فَاجْتَمَعْنَا بِمَكَّةَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ، فَجَعَلَ عَيْسَى بْنُ زَيْدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ صَالِحٍ يَتَذَكَّرَانِ أَشْيَاءَ مِنَ السَّبِيْرَةِ ، فَاخْتَلَفَ هُوَ وَعَيْسَى فِي مَسْأَلَةٍ مِنْهَا ، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ دَخَلَ عَلَيْنَا عَبْدُ رَبِّهِ بْنِ عَلْقَمَةَ فَقَالَ : قَدِمَ عَلَيْكُمُ الشُّفَاءُ فِيمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ ، هَذَا سُفْيَانُ الثُّورِيُّ قَدِ قَدِمَ . فَقَامُوا بِاجْمَعِهِمْ فَخَرَجُوا إِلَيْهِ ، فَجَاؤُوهُ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ جَالِسٌ ، فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ، ثُمَّ سَأَلَهُ عَيْسَى بْنُ زَيْدٍ عَنِ تِلْكَ الْمَسْأَلَةِ ، فَقَالَ : هَذِهِ مَسْأَلَةٌ لَا أَقْدِرُ عَلَى الْجَوَابِ عَنْهَا ؛ لِأَنَّ فِيهَا شَيْئًا عَلَى السُّلْطَانِ ، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ : إِنَّهُ عَيْسَى بْنُ زَيْدٍ ، فَنَظَرَ إِلَى جَنَابِ بْنِ نِسْطَاسٍ مُسْتَشْتَبًا ، فَقَالَ لَهُ جَنَابٌ : نَعَمْ ، هُوَ عَيْسَى بْنُ زَيْدٍ . فَوَثَبَ سُفْيَانٌ فَجَلَسَ بَيْنَ يَدَيْ عَيْسَى وَعَانَقَهُ وَبَكَى بُكَاءً شَدِيدًا وَاعْتَذَرَ إِلَيْهِ مِمَّا خَاطَبَهُ بِهِ مِنَ الرَّدِّ ، ثُمَّ أَجَابَهُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَهُوَ يَبْكِي . وَأَقْبَلَ عَلَيْنَا فَقَالَ : إِنَّ حُبَّ بَنِي فَاطِمَةَ وَالْجَزَعَ لَهُمْ مِمَّا هُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْخَوْفِ وَالْقَتْلِ وَالتَّطْرِيدِ لِيَبْكِي مَنْ فِي قَلْبِهِ شَيْءٌ مِنَ الْإِيمَانِ . ثُمَّ قَالَ لِعَيْسَى : فَمِ بَأَبِي أَنْتَ فَأَخْفِ شَخْصَكَ لَا يُصِيبُكَ مِنْ هَؤُلَاءِ شَيْءٌ نَخَافُهُ . فَمُنَّا فَتَفَرَّقْنَا . (1)

مقاتل الطالبيين_ به نقل از مُنذِر بن جعفر عبدی، از پدرش _ : پس از کشته شدن ابراهیم ، من و حسن و علی ، فرزندان صالح بن حی و عبد ربّه بن علقمه و جناب بن نسطاس با عیسی بن زید به حج رفتیم . عیسی برای آن که شناخته نشود ، خود را در میان ما به هیئت ساربانان در آورده بود . شبی در مسجد الحرام ، دور هم جمع شدیم و باب گفتگو در باره مطالبی از سیره [ای پیامبر خدا] ، میان عیسی بن زید و حسن بن صالح باز شد و او و عیسی در باره یکی از مسائل آن، اختلاف نظر پیدا کردند . فردای آن روز ، عبد ربّه بن علقمه نزد ما آمد و گفت : موضوع مورد اختلاف شما حل شد . این، سفیان ثوری است که آمده است . همگی برخاستند و نزد سفیان که در مسجد نشسته بود ، رفتند و به او سلام کردند . عیسی بن زید در باره آن مسئله از سفیان سؤال کرد . سفیان گفت : این سؤالی است که من نمی توانم جوابش را بدهم ؛ چون به حاکم بر می خورد . حسن گفت : این، عیسی بن زید است . سفیان برای گرفتن تأیید به جناب بن نسطاس نگاه کرد . جناب گفت : آری ، او عیسی بن زید است . سفیان از جا پرید و رو به روی عیسی نشست و با او معانقه کرد و به شدت گریست و از جواب ردّی که به او داده بود ، پوزش خواست . سپس در همان حال که می گریست ، جواب سؤال او را داد و آن گاه رو به ما کرد و گفت : علاقه به فرزندان فاطمه و ناراحتی از رعب و وحشت و کشتار و آوارگی ای که بر سر آنان آمده است ، هر کس را که ذره ای ایمان در قلبش باشد ، به گریه می اندازد . سپس به عیسی گفت : پدرم فدایت باد! برخیز و خودت را مخفی کن تا از اینها گزندی به تو نرسد . ما برخاستیم و پراکنده شدیم .

مقاتل الطالبين عن علي بن جعفر الأحمر: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: كُنْتُ أَجْتَمِعُ أَنَا وَعِيسَى بْنُ زَيْدٍ، وَالْحَسَنُ وَعَلِيٌّ ابْنَا صَالِحِ بْنِ حَيٍّ، وَإِسْرَائِيلُ بْنُ يُونُسَ بْنِ أَبِي إِسْحَاقَ، وَجَنَابُ بْنُ نِسْطَاسٍ، فِي جَمَاعَةٍ مِنَ الزَّيْدِيَّةِ فِي دَارِ الْكُوفَةِ. فَسَعَى سَاعٍ إِلَى الْمَهْدِيِّ بِأَمْرِنَا وَدَلَّهُ عَلَى الدَّارِ، فَكَتَبَ إِلَى عَامِلِهِ بِالْكُوفَةِ بِوَضْعِ الْأَرْصَادِ عَلَيْنَا، فَإِذَا بَلَغَهُ اجْتِمَاعُنَا كَبَسْنَا وَأَخَذْنَا وَوَجَّهَ بِنَا إِلَيْهِ. فَاجْتَمَعْنَا لَيْدَةً فِي تِلْكَ الدَّارِ، فَبَلَغَهُ خَبْرُنَا فَهَجَمَ عَلَيْنَا، وَنَذَرَ (1) الْقَوْمَ بِهِ وَكَانُوا فِي عُلُوِّ الدَّارِ، فَتَفَرَّقُوا وَنَجَوْا جَمِيعًا غَيْرِي، فَأَخَذَنِي وَحَمَلَنِي إِلَى الْمَهْدِيِّ، فَأَدْخَلْتُ إِلَيْهِ، فَلَمَّا رَأَنِي شَتَمَنِي بِالزَّنَا، وَقَالَ لِي: يَا بَنَ الْفَاعِلَةِ! أَنْتَ الَّذِي تَجْتَمِعُ مَعَ عِيسَى بْنِ زَيْدٍ وَتَحْتُهُ عَلَى الْخُرُوجِ عَلَيَّ وَتَدْعُو إِلَيْهِ النَّاسَ؟! فَقُلْتُ لَهُ: يَا هَذَا، أَمَا تَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ، وَلَا تَتَّبِعِي اللَّهَ وَلَا تَخَافُهُ، تَشْتَمُ الْمُحْصَنَاتِ وَتَقْدِفُهُنَّ بِالْفَاحِشَةِ، وَقَدْ كَانَ يَنْبَغِي لَكَ وَيَلْزَمُكَ فِي دِينِكَ وَمَا وُليْتَهُ أَنْ لَوْ سَمِعْتَ سَمِعْتُهَا يَقُولُ مِثْلَ قَوْلِكَ أَنْ تُقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدَّ؟! فَأَعَادَ شَتْمِي، ثُمَّ وَثَبَ إِلَيَّ فَجَعَلَنِي تَحْتَهُ، وَضَرَبَنِي بِيَدَيْهِ وَخَبَطَنِي بِرِجْلَيْهِ وَشَتَمَنِي. فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّكَ لَشُّجَاعٌ شَدِيدٌ إِذْ حِينَ قَوَيْتَ عَلَى شَيْخٍ مِثْلِي تَضْرِبُهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْمَنْعِ مِنْ نَفْسِهِ وَلَا اتِّصَارَ لَهَا. فَأَمَرَ بِحَبْسِي وَالتَّضْيِيقِ عَلَيَّ، فَقَيَّدْتُ بِقَيْدٍ ثَقِيلٍ، وَحَبَسْتُ سِنِينَ. فَلَمَّا بَلَغَهُ وَفَاةُ عِيسَى بْنِ زَيْدٍ بَعَثَ إِلَيَّ فَدَعَانِي، فَقَالَ لِي: مِنْ أَيِّ النَّاسِ أَنْتَ؟ قُلْتُ: مِنْ الْمُسْلِمِينَ، قَالَ: أَعْرَابِيٌّ أَنْتَ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَمِنْ أَيِّ النَّاسِ أَنْتَ؟ قُلْتُ: كَانَ أَبِي عَبْدًا لِبَعْضِ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَأَعْتَقَهُ فَهُوَ أَبِي، فَقَالَ لِي: إِنَّ عِيسَى بْنَ زَيْدٍ قَدْ مَاتَ، فَقُلْتُ: أَعْظَمَ بِهَا مُصِيبَةً، رَحِمَهُ اللَّهُ؛ فَلَقَدْ كَانَ عَابِدًا وَرِعًا مُجْتَهِدًا فِي طَاعَةِ اللَّهِ غَيْرَ خَائِفٍ لَوْمَةٍ لَائِمٍ. قَالَ: أَمَّا عَلِمْتَ بِوَفَاتِهِ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: فَلِمَ لَمْ تُبَشِّرَنِي بِوَفَاتِهِ؟ فَقُلْتُ: لَمْ أُحِبَّ أَنْ أُبَشِّرَكَ بِأَمْرِ لَوْ عَاشَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَعَرَفَهُ لَسَاءَهُ. فَأَطْرَقَ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ: مَا أَرَى فِي جِسْمِكَ فَضلاً لِلْعُقُوبَةِ، وَأَخَافُ أَنْ أَسْتَعْمَلَ شَيْئًا مِنْهَا فَيَكُ فِتْمَمٌ، وَقَدْ كُفَيْتُ عَدُوِّي، فَانصَرَفَ فِي غَيْرِ حِفْظِ اللَّهِ، وَاللَّهِ لَئِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ عُدْتَ لِمِثْلِ فِعْلِكَ لِأَضْرِبَنَّ عُنُقَكَ. قَالَ: فَانصَرَفْتُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَقَالَ الْمَهْدِيُّ لِلرَّبِيعِ: أَمَا تَرَى قِلَّةَ خَوْفِهِ وَشِدَّةَ قَلْبِهِ؟! هَكَذَا يَكُونُ وَاللَّهِ أَهْلُ الْبَصَائِرِ. (2)

1- الإنذار: الإعلام. ونذرتُ به إذا علمت (النهاية: ج 5 ص 39).

2- مقاتل الطالبين: ص 352 الرقم 35.

مقاتل الطالبیین۔ به نقل از علی بن جعفر احمر۔ پدرم برایم نقل کرد که: من و عیسی بن زید و حسن و علی، دو فرزند صالح بن حی، و اسرائیل بن یونس بن ابی اسحاق و جناب بن نسطاس، با گروهی از زیدیّه، در یکی از خانه های کوفه جمع می شدیم. يك نفر سخن چین، موضوع گردهمایی ما را به مهدی [عبّاسی]، گزارش داد و نشانی های آن منزل را برایش ذکر کرد. مهدی به کارگزار خود در کوفه نوشت که برای ما کمین بگذارد و همین که خبردار شد ما جمع شده ایم، خانه را محاصره و ما را دستگیر کند و نزد او بفرستد. شبی در آن خانه جمع شدیم. خبر به کارگزار کوفه رسید. به ما حمله کرد. افرادی که بر بام خانه بودند، اعلام خطر کردند. افراد، پراکنده شدند و همه آنها نجات یافتند، بجز من. کارگزار، مرا دستگیر کرد و نزد مهدی فرستاد. وقتی مرا به حضور او بردند و چشمش به من افتاد، مرا فحش مادر داد و گفت: ای مادر به خطا! تو با عیسی بن زید جلسه تشکیل می دهی و او را به قیام علیه من تشویق می کنی و مردم را به سوی او فرا می خوانی؟! گفتم: ای مرد! از خدا شرم نمی کنی؟! از خدا پروا نمی کنی و از او نمی ترسی که به زنان پاك دامن، دشنام می دهی و آنها را به فاحشگی متهّم می سازی، در حالی که دین تو و مقام و منصبی که داری، اقتضا می کند که اگر شنیدی شخص نادانی، چنین ناسزاهایی به زبان می آورد، بر او حد جاری کنی؟! مهدی، دوباره مرا دشنام داد و سپس به طرف من پرید و مرا زیر ضربه های مشت و لگدش گرفت و مرتّب ناسزا می گفت. گفتم: تو به راستی که خیلی شجاع و پُر زور و نیرومندی که پیرمردی مانند مرا که قدرت انتقام و دفاع از خود ندارد، می زنی. او دستور داد مرا زندانی کنند و بر من سخت گیرند. با زنجیری گران، مرا بستند و دو سال زندانی شدم. چون خبر درگذشت عیسی بن زید را شنید، مرا احضار کرد و گفت: تو از چه مردمی هستی؟ گفتم: از مسلمانان. گفت: تو اعرابی هستی؟ گفتم: نه. گفت: پس از چه طایفه و مردمی هستی؟ گفتم: پدرم برده یکی از کوفیان بود و آن کوفی، او را آزاد کرد. بنا بر این، او پدر من است. گفت: عیسی بن زید، مرده است. گفتم: مصیبت مرگ او را بزرگ بدان. خدایش رحمت کند! مردی عابد و پارسا و در طاعت خدا کوشا بود و از سرزنش هیچ کسی نمی هراسید. گفت: نمی دانستی که مرده است؟ گفتم: چرا. گفت: پس چرا بشارت مرگ او را به من ندادی؟ گفتم: دوست نداشتم تو را به چیزی بشارت دهم که اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زنده بود و آن را می شنید، ناراحت می شد. مهدی مدّتی دراز، سر به زیر افکند و آن گاه گفت: فکر نمی کنم بدن تو، بیش از این، طاقت مجازات داشته باشد و می ترسم اگر کیفر بیشتری در باره تو به کار گیرم، بمیری. از شرّ دشمن [اصلی] خود خلاص شدم. اینک برخیز و گورت را گم کن. به خدا سوگند، اگر بشنوم که بار دیگر چنین کارهایی بکنی، گردنت را می زنم. من به کوفه باز گشتم و مهدی به ربیع گفت: می بینی چه قدر بی باک و قوی دل است؟! به خدا سوگند که اهل بصیرت، همگی این گونه اند.

الإمام الكاظم عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صَلَاةِ جَعْفَرٍ (1) _ :أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّىَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ . . . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
 أَيْمَةَ الْهُدَى ، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى ، وَأَمْنَائِكَ فِي خَلْقِكَ ، وَأَصْفِيَانِكَ مِنْ عِبَادِكَ ، وَحُجَجِكَ فِي أَرْضِكَ ، وَمَنَارِكَ فِي بِلَادِكَ ، الصَّابِرِينَ عَلَى
 بَلَائِكَ ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ ، الْمُوفِينَ بِوَعْدِكَ ، غَيْرَ شَاكِينَ فِيكَ وَلَا جَائِدِينَ عِبَادَتَكَ ، وَأَوْلِيَانِكَ ، وَسَدَائِلِ أَوْلِيَانِكَ ، وَخُزَّانِ عِلْمِكَ ، الَّذِينَ
 جَعَلْتَهُمْ مَفَاتِيحَ الْهُدَى ، وَنُورَ مَصَابِيحِ الدُّجَى ، صَدِّ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَلَى مَنَارِكَ
 فِي عِبَادِكَ ، الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ ، الْمُؤَدِّي عَن رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ . اللَّهُمَّ إِذَا أَظْهَرْتَهُ فَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ ، وَسُقْ إِلَيْهِ
 أَصْحَابَهُ وَأَنْصَرَهُ ، وَقَوِّ نَاصِرِيهِ ، وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ ، وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ ، وَجَدِّدْ بِهِ عَن مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ بَعْدَ الذَّلِّ الَّذِي قَدْ نَزَلَ بِهِمْ بَعْدَ نَبِيِّكَ فَصَارُوا
 مَقْتُولِينَ مَطْرُودِينَ مُشَرَّدِينَ خَائِفِينَ غَيْرِ آمِنِينَ . لَقُوا فِي جَنِّكَ _ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَاعَتِكَ _ الْأَذَى وَالتَّكْذِيبَ ، فَصَبَرُوا عَلَى مَا أَصَابَهُمْ فِيكَ
 ، رَاضِينَ بِذَلِكَ ، مُسَلِّمِينَ لَكَ فِي جَمِيعِ مَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَمَا يَرِدُ إِلَيْهِمْ . اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ ، وَأَنْصَرَهُ وَأَنْصَرِ بِهِ دِينَكَ الَّذِي غُيِّرَ
 وَبُدِّلَ ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْهُ وَبُدِّلْ بَعْدَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (2)

1- .هي الصلاة المعروفة بصلاة التسبيح ، عَلَّمَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَعْفَرُ الطَّيَّارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حِينَ قَدُومِهِ مِنْ أَرْضِ الْحَبَشَةِ ،
 فَسُمِّيَتْ بِاسْمِهِ .

2- .جمال الأسبوع : ص 186 ، مصباح المتهجد : ص 309 ح 417 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار
 : ج 91 ص 197 ح 3 .

امام کاظم علیه السلام۔ در دعا پس از نماز جعفر [طیّار] (1)۔ : بار خدایا! بر اهل بیت او (محمّد صلی الله علیه و آله) درود فرست؛ همانان که پیشوایان هدایت اند و چراغ های فروزان در تاریکی ها و امینان تو در میان خلقت و بندگان برگزیده ات و حجت های تو در روی زمینت و مناره های تو در شهرهایت و شکیبایان بر بلایت و جویندگان خشنودی ات و وفا کنندگان به وعده ات هستند؛ آنان که در تو شك ندارند و منکر عبادت تو نیستند و دوستان تو و از نسل دوستان تو و خزانه داران دانش تو اند؛ همانان که کلیدهای هدایت، قرارشان دادی و پرتو چراغ های تاریکی ها . درود و رحمت و رضوان تو بر آنان باد! بار خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و نیز بر او که چراغ راه نمای تو در میان بندگان توست؛ همو که به اذن تو به سوی تو دعوت می کند و فرمان تو را بر پا می دارد و پیام فرستاده تو را۔ که بر او و خاندانش سلام باد۔ می رساند . بار خدایا! آن گاه که او را آشکار ساختی، وعده ای را که به او داده ای، به کار بند و یارانش را به سوی او روان کن و یاری اش رسان و یارانش را نیرو ده و او را به بهترین آرزویش برسان و خواسته اش را بر آور و به واسطه او محمّد و اهل بیتش را۔ که پس از پیامبرت، آن بلاها و ستم ها بر سرشان آمد۔، قدرتی تازه بخش؛ همانان که دست خوش کشتار و طرد و آوارگی و رعب و ناامنی شدند و به خاطر آن که جویای خشنودی و طاعت تو بودند، آزارها دیدند و تکذیب شدند؛ ولی بر آنچه [از رنج و سختی و محنت که] در راه تو به آنان رسید، شکیبایی کردند و آنها را به جان خریدند و در تمام آنچه بر سرشان آمد و می آید، تسلیم [خواست] تو شدند . بار خدایا! در فرج قائم آنان که فرمان تو را بر پا می دارد، تعجیل فرما! و او را یاری رسان! و به واسطه او، دینت را که دست خوش تغییر و تبدیل شده است، نصرت عطا فرما! و به وسیله او، آنچه را از دینت که پس از پیامبر تو نابود و تحریف گشته، تجدید فرما!

1- . نمازی است معروف به نماز تسبیح که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را به جعفر طیّار آموخت، آن گاه که وی از سرزمین حبشه باز گشت . از این رو، این گونه نام بردار شده است .

كتاب من لا يحضره الفقيه عن أبي الصلت الهروي: سَمِعْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: وَاللَّهِ، مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ، فَقِيلَ لَهُ: فَمَنْ يَقْتُلُكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ فِي زَمَانِي، يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ ثُمَّ يَدْفِنُنِي فِي دَارٍ مُضَيِّقَةٍ وَبِلَادٍ غُرَبَةٍ. (1)

الإمام الرضا عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَفِظَ مِنَّا مَا صَدَّيْعَ النَّاسِ، وَرَفَعَ مِنَّا مَا وَصَّعُوهُ، حَتَّى لَقَدْ لُعِنَّا عَلَى مَنَابِرِ الْكُفْرِ ثَمَانِينَ عَامًا، وَكُتِمَتْ فَضَائِلُنَا، وَبُذِلَتْ الْأَمْوَالُ فِي الْكُذْبِ عَلَيْنَا، وَاللَّهُ تَعَالَى يَا بِي لَنَا إِلَّا أَنْ يُعَلِّيَ ذِكْرَنَا، وَبَيِّنَ فَضْلَنَا. وَاللَّهِ، مَا هَذَا بِنَا وَإِنَّمَا هُوَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَرَابَتِنَا مِنْهُ، حَتَّى صَارَ أَمْرُنَا وَمَا نُرْوِي عَنْهُ أَنَّهُ سَيَكُونُ بَعْدَنَا مِنْ أَعْظَمِ آيَاتِهِ وَدَلَالَاتِ نُبُوَّتِهِ. (2)

الإمام العسكري عليه السلام: قَدْ وَضَعَ بَنُو أُمَيَّةَ وَبَنُو الْعَبَّاسِ سُدُوفَهُمْ عَلَيْنَا لِعِلَّتَيْنِ، إِحْدَاهُمَا: أَنَّهُمْ كَانُوا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْخِلَافَةِ حَقٌّ، فَيَخَافُونَ مِنْ ادِّعَائِنَا إِيَّاهَا وَتَسْتَقَرُّ فِي مَرْكَزِهَا. وَثَانِيَهُمَا: أَنَّهُمْ قَدِ وَقَفُوا مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِ الْجَبَابِرَةِ وَالظُّلْمَةِ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا، وَكَانُوا لَا يَشُدُّ كَوْنُ أَنَّهُمْ مِنَ الْجَبَابِرَةِ وَالظُّلْمَةِ، فَسَعَوْا فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِبَادَةِ نَسْلِهِ، طَمَعًا مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى مَنَعِ تَوْلُدِ الْقَائِمِ عَجَلَ اللَّهُ فَرْجَهُ، أَوْ قَتْلِهِ، فَلَبَّى اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لَوَاحِدٍ مِنْهُمْ «إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (3). (4)

1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 585 ح 3192، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 256 ح 9، الأُمالي للصدوق: ص 120 ح 109، جامع الأخبار: ص 93 ح 150، روضة الواعظين: ص 257 وفي الثلاثة الأخيرة «مضيعة» بدل «مضيقة»، بحار الأنوار: ج 102 ص 22 ح 2.

2- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 164 ح 26، بحار الأنوار: ج 49 ص 142 ح 18.

3- التوبة: 32.

4- إثبات الهداة: ج 3 ص 570 ح 685 عن عبدالله بن الحسين بن سعد الكاتب، كمال الدين: ص 354 ح 50، الغيبة للطوسي: ص 169 ح 129 كلاهما عن سدير الصيرفي عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه وليس فيهما «لعلتين إحداهما... وثانيهما»، بحار الأنوار: ج 51 ص 220 ح 9.

کتاب من لا یحضره الفقیه_ به نقل از ابو صلت عبد السلام بن صالح هروی_ : از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرماید : «به خدا سوگند ، هیچ فردی از ما نیست ، مگر این که کشته و شهید می شود» . گفته شد : ای پسر پیامبر خدا! چه کسی شما را خواهد کشت؟ فرمود : «بدترین خَلقِ خدا در زمان من . او مرا با زهر می کشد و سپس در خانه ای محقّر و سرزمین غربت به خاک می سپارد» .

امام رضا علیه السلام : سپاس ، خدایی را که آنچه را مردم ، در باره ما تباه کردند ، حفظ کرد و آنچه را آنان برای ما پست کردند ، رفعت بخشید ، تا جایی که ما ، هشتاد سال بر روی منبرهای کفر ، لعنت شدیم و فضایل ما کتمان گردید و در راه دروغ بستن به ما پول ها خرج شد ؛ اما خداوند متعال برای ما جز این نخواست که نام ما را بلند آوازه گرداند و فضیلت ما را آشکار سازد . به خدا سوگند ، این نه به خاطر شخص ما ، بلکه به واسطه وجود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خویشاوندی ما با اوست ، تا جایی که قضیه ما و آنچه از او روایت می کنیم ، به زودی ، پس از ما از بزرگ ترین آیات و نشانه های نبوت او خواهد شد .

امام عسکری علیه السلام : بنی امیه و بنی عباس به دو دلیل ، شمشیرشان را بر ضدّ ما به کار گرفتند : یکی این که آنها خود می دانستند که خلافت ، حقّ آنان نیست . از این رو می ترسیدند که ما ادّعی خلافت کنیم و خلافت در جایگاه [اصلی] خود ، استقرار یابد . دوم ، این که آنها از طریق اخبار متواتر ، فهمیده بودند که حکومت جبّاران و ستمگران به دست قائم ما ناپود خواهد شد و از طرفی در این که آنان از جبّاران و ستمگران هستند ، شک نداشتند . از این رو ، در کشتار اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ناپود کردن نسل او کوشیدند تا بلکه با این کار ، مانع تولّد قائم_ که خداوند ، فرجش را نزدیک فرماید_ شوند یا او را به قتل رسانده باشند ؛ اما خداوند نخواست که قضیه او (قائم) ، حتّی برای یک نفر از ایشان (خلفای اموی و عباسی) معلوم شود «تا آن گاه که نور خویش را کامل گرداند ، هر چند کافران ، خوش نداشته باشند» .

مصباح الزائر_ في دُعَاءِ التُّدْبَةِ _ :... فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ ، وَسُبِّيَ مَنْ سُبِّيَ ، وَأُقْصِيَّ مَنْ أُقْصِيَّ ، وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ . .
 . فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْيُنْدَرْفِ الدُّمُوعُ ،
 وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ ، وَيَعِجَّ الْعَاجُونَ ؛ أَيْنَ الْحَسَنُ ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنُ ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ ؟ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ . أَيْنَ السَّبِيلُ
 بَعْدَ السَّبِيلِ ؟ أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ ؟ أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ ؟ أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ ؟ أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ ؟ (1)

راجع : بحار الأنوار : ج 27 ص 207 باب 9 (شدة محنهم وأنهم أعظم الناس مصيبة وأنهم عليهم السلام لا يموتون إلا بالشهادة) ،
 المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 201 (فصل في ظلامه أهل البيت عليهم السلام) .

1- . مصباح الزائر : ص 449 ، المزار الكبير : ص 578 وفيه «فلتدر» بدل «فلتدرف» ، الإقبال : ج 1 ص 508 كلاهما بزيادة «وأقصى من
 أقصى» بعد «سبي» ، بحار الأنوار : ج 102 ص 106 .

مصباح الزائر_ در دعای ندبه _ : پس کشته شد آن که کشته شد و به اسیری رفت آن که به اسیری رفت و تبعید شد آن که تبعید شد و قضای الهی بر آنان چنان رفت که امید نیک فرجامی آن می رود پس بر پاکان اهل بیت پیامبر و علی _ که درود خدا بر آن دو باد _ باید که گریه کنندگان گریه کنند و ندبه گران باید بر آنان ندبه کنند و برای همچون ایشان باید اشک ها ببارند و ناله کنندگان، ناله سر دهند و شیون کنندگان، از دل، شیون بر آورند . [خداوندا!] کجاست حسن؟ کجاست حسین؟ کجایند فرزندان حسین ؛ آن شایستگان و راستگویانی که پس از یکدیگر آمدند؟ کجایند آن راه ها [ی هدایت] که در پی هم آمدند و رفتند؟ کجایند آن برگزیدگان که یکی از پی دیگری آمدند؟ کجایند آن خورشیدهای درخشان؟ کجایند آن ماه های تابان؟ کجایند آن ستارگان فروزان؟ کجایند آن نشانه های دین و ارکان علم و معرفت ؟

ر . ك : بحار الأنوار: ج 27 ص 207 (باب 9 «شدة محنهم وانهم أعظم الناس مصيبة وأنهم عليهم السلام لا يموتون إلا بالشهادة») و المناقب، ابن شهر آشوب: ج 2 ص 201 (فصل «فی ظلامه أهل البيت عليهم السلام»).

ص: 589

فهرست تفصیلی .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

